واگذاری ۲۵ هزار کارت اعتباری خرید کارگران

*رئیس هیات مدیره بانک توسعه تعاون: کارت‌های اعتباری خرید کارگران با اولویت کارگران شاغل در واحدهای بحرانی، مشکلدار و واحدهای نمونه واگذار می‌شود

صفحه ٤

اطلاعات

چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۰ ـ ۸ ربیع الاول ۱۴۳۳ ـ یکم فوریه ۲۰۱۲ ـ شماره ۲۵۲۳۸ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

اتحادیه اروپا بسته ریاضت اقتصادی را تصویب کرد

*سران اروپا در نشست بروکسل نتوانستند درباره حل بحران یونان به اتفاق نظر دست یابند
*موسسه آمار اتحادیه اروپا: بیکاری در کشورهای منطقه یورو به بالاترین حد خود رسید

صفحه ١٦

رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضان عبدالله دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین:

ایران با قدرت به مسیر خود ادامه می‌دهد

موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، حمایت از هرگونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت آمریکا و کشورهای دنباله‌رو آن، در مسائل داخلی سوریه است



حضور رهبر معظم انقلاب در مرقد مطهر امام(ره) و گلزار شهدای بهشت زهرا

صفحه ۲

*تحولات یک سال گذشته در منطقه از بشارت‌ها و لطف و رحمت‌الهی است
*لازمه نصرت‌الهی، مجاهدت و بجا آوردن حق جهاد است
*واقعیت موجود جهان ضعف روزافزون غرب و قدرت فزاینده دنیای اسلام است
*هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه، ضربه‌زدن به خط مقاومت در منطقه است

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر دیروز در دیدار «رمضان عبدالله» دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین و هیأت همراه، واقعیت موجود در جهان را با توجه به تحولات یک سال گذشته و بیداری اسلامی، ضعف روز افزون غرب و قدرت فزاینده دنیای اسلام دانستند و تأکید کردند: اگر امت اسلامی در کشورهای مختلف، متعهد به مجاهدت، ایستادگی و حسن ظن به پروردگار باشند، قطعاً وعده نصرت الهی محقق خواهد شد، همانگونه که در یک سال گذشته شاهد آن بودیم.

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر این که تحولات یک سال گذشته در منطقه، از بشارت‌ها و لطف و رحمت الهی است، افزودند: این تحولات، اول کار است و به لطف خداوند پیروزی‌های بیشتری در راه است.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، لازمه نصرت الهی را مجاهدت و بجا آوردن حق جهاد دانستند و خاطرنشان کردند: جمهوری اسلامی ایران در طول ۳۲ سال گذشته همواره از مراحل سخت و دشوار عبور کرده است و به لطف خداوند از این پس نیز با قدرت به مسیر خود ادامه خواهد داد.

ایشان همچنین با اشاره به شرایط سوریه افزودند: درخصوص سوریه اگر با دید جامع و فراگیر به تحولات این کشور نگریسته شود، طراحی آمریکا برای سوریه کاملاً مشخص است که متأسفانه برخی کشورهای خارجی و منطقه نیز در این طراحی آمریکا مشارکت دارند.

رهبر معظم انقلاب تأکید کردند: هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه،

بقیه در صفحه ۲

رئیس جمهوری در همایش استانداران:

حق مردم در انتخابات نباید تضییع شود

* اجرای قانون و استیفای حقوق مردم از مهمترین وظایف دولت است
* استفاده از ظرفیت بخش کشاورزی برای ایجاد اشتغال و رشد و پیشرفت و توسعه صنایع تبدیلی ضروری است
*موضوع هدفمندی یارانه‌ها باید تا پایان دولت دهم به انجام برسد
* باید برگزاری انتخابات به گونه‌ای باشد تا مردم باور داشته باشند که رأی آن‌ها تاثیرگذار است

دکتر احمدی‌نژاد، استانداران سراسر کشور را به برگزاری پرشور، متنوع و باشکوه برنامه‌های سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ساماندهی و ایجاد نهضت کشاورزی در کشور، فعال‌تر کردن ستادهای تنظیم بازار و برخورد قاطع با محتکران کالا، تلاش برای اجرای گام دوم هدفمندی یارانه‌ها و اهتمام جدی در صیانت از آراء مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی فراخواند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، رئیس جمهوری در همایش استانداران، تقارن ماه ربیع‌الاول با دهه فجر انقلاب را اتفاقی مبارک دانست و گفت: پیروزی انقلاب اسلامی با پرچمداری امام راحل و فداکاری‌های ملت بزرگ ایران نقطه آغازی برای بازگشت انسانها به راه انبیاء و ارزش‌های الهی شد و به فضل الهی مقدمه‌ای برای استقرار حاکمیت توحید و عدالت الهی در جهان است.

وی در ادامه با تاکید بر تلاش بی‌وقفه برای رفع مشکل بیکاری در کشور، اظهار داشت: باید به گونه‌ای عمل شود که تا پایان عمر این دولت بخش عمده‌ای از مشکل بیکاری جوانان برطرف شده و به نقطه تعادلی در این زمینه دست پیدا کنیم به نحوی که مردم و خانواده‌ها دیگر دغدغه اشتغال نداشته باشند.

احمدی‌نژاد با اشاره به اقداماتی که در زمینه ایجاد اشتغال در بخش صنعت، خدمات و مشاغل خانگی

بقیه در صفحه ۲

برنامه افزایش کیفیت تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی

*مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران: ۱۵۰ کیلومتر خطوط انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی در دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسد
*از ابتدای سال تاکنون یک میلیارد لیتر به ظرفیت ذخیره‌سازی فرآورده‌های نفتی افزوده شده است
*ظرفیت تولید نفت خام کشور تا پایان برنامه پنجم به ۲/۸ میلیون بشکه در روز می‌رسد

صفحه ٤

معرفی برگزیدگان جشنوارهٔ فصلی مطبوعات و خبرگزاری‌ها

*محمدزاده معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد: در آینده، باید پاسخگوی عملکرد امروز خود باشیم
*در بخش گزارش، خانم فریده عباسی از روزنامه اطلاعات برگزیده سوم شناخته شد

صفحه ۳

یادداشت
سلام هی حتی مطلع الفجر
فتح الله آملی
صفحه ۲

یادداشت
نگاهی به زندگانی امام عسکری (ع)
دکتر عباس زریاب خویی
صفحه ۲

یادداشت
یمن؛ از دیکتاتور تا دیکتاتور؟
آرش میری خانی
صفحه ١٦

گزارش
انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن
صفحه ۵



ایران شناسی
شور و حماسه
دکتر محمد علی اسلامی ندوشن
صفحه ۶



حماسه پایداری
آخرین جمله شهید شلمچه
صفحه ١١





ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

یادداشت

سلامٌ هی حتی مطلع الفجر

فتح ا... آملی

امروز دوازدهم بهمن ماه، روز ورود امام امت به میهن و آغاز دهه مبارکه فجر است. ۳۳ سال از آن روز تاریخی می گذرد. روزی که مردم ما در هوای آزادی نفس کشیدند و با ورود رهبرشان جانی تازه گرفتند و شاد شدند.

شادی آن روز مردم ایران وصف‌ناپذیر است. وقتی به آن روز فکر می کنم و خاطره‌های آن در ذهنم شکل می گیرد و وقتی یادم می آید که چگونه مردم شادمانی می کردند و چه لذت و شوقی در نگاهشان بود، به اهمیت نقش مردم بیشتر پی می‌برم و به نیازی که هر ملتی به روزهای سرشار از غرور دارد. نیازی که هر ملتی به روزهایی دارد که به آن افتخار کند و به آن ببالد و به نقش بی‌بدیل خود پی ببرد. نیازی که هر ملتی به احساس عزت و سربلندی دارد. اینکه حرفش را به کرسی نشانده است. اینکه توانسته حرفش را راحت بزند و در هوای آزادی نفس بکشد و احساس وجود کند.

احساس کند که خودش می تواند برای خود و آینده‌اش تصمیم بگیرد. حکومت مورد علاقه‌اش را بر سر کار بیاورد و زیربار زور نرود. امام وقتی آمد که دو هفته قبل از آن شاه رفته بود اما حکومتش همچنان بر سر کار بود. ژنرالها بر سر کار بودند تانکها و سربازها در خیابانها بودند. پول شاه هنوز رواج داشت و کسی گمان نمی کرد که رژیم آخرین نفسهایش را می کشد. نسل قدیم یادش نرفته که در روز ورود امام اطراف فرودگاه چه وضعیتی داشت. چند روز قبل در پنجم بهمن هم قرار بود امام بیاید اما تانکها فرودگاه را محاصره کرده بودند از میدان آزادی تا فرودگاه حضور تانکها را می‌شد دید و مردمی که با وجود تیراندازی نیروهای گارد قصد داشتند فرودگاه را از محاصره خارج کنند و اگر اطلاعیه امام نمی‌رسید که سفرش را عقب انداخته و مردم به فرودگاه هجوم نبرند، همین مردم حاضر بودند با ردی از خون راه فرودگاه را باز کنند. در آن صبح سرد دوازهم بهمن نیز مردم با حضور خود جایی برای حضور هیچ تانکی باقی نگذاشته بودند. حماسه استقبال را همه بارها و بارها از تلویزیون دیدند. درباره میزان استقبال و حجم بی‌نظیر حضور مردم نیز بارها و بارها شنیده‌اید و می‌دانید که چگونه بزرگترین و پرشکوهترین استقبال تاریخ رقم خورد و در آن روز چه گذشت؟ و این حماسه چیزی نبود جز تجلی اراده یک ملت. چیزی نبود جز حماسه وفاداری آن ملت به یک رهبر و این عشق و اعتماد به راحتی و به آسانی به دست نمی آید. اگر مردم در رهبرشان اخلاص و صداقت نمی‌دیدند اینهمه برایش جان فشانی نمی کردند. مریدش نمی شدند و اگر او را عبدصالح خدا نمی‌دانستند و او را نشانه خدا نمی‌نامیدند و جان و مالشان را برخی او نمی کردند.

فاصله ورود امام تا پیروزی تنها ده روز بود. این فاصله کوتاه برای رهبری که نه گروه مسلحی داشت و نه یک سازمان چریکی درست کرده بود و نه ارتشی پشت سر خود داشت بسیار زمان کوتاهی است تا بتواند رژیمی با آن همه پشتوانه و آن همه سلاح و امکانات را شکست بدهد اما این اتفاق افتاد و این خود از عجایب روزگار است. در همه انقلاب‌ها و نهضت‌ها می‌بینیم که یا گروهی مسلح با جنگ و پیکار و با تسخیر شهر به شهر رژیمی را ساقط می کنند و یا عوامل بیرونی و قدرت‌های خارجی پس از قطع امید از دیکتاتورهایشان تلاشی در جهت مدیریت بحران صورت می‌دهند و به نوعی به مصادره انقلابها روی می آورند، امّا در انقلاب اسلامی ایران هیچیک از این اتفاقها نیفتاد. هیچ قدرت خارجی نتوانست در آن اعمال نفوذ کند. هیچکدام از مهره‌هایی که می توانستند برای جلوگیری از استقلال کامل کشور از سلطه ابرقدرتها در روزهای بحران علمداری نهضت را بر دوش بگیرند راه به جایی نبردند. بدون شک این وجود امام بود که همه خدعه‌ها و نیرنگ‌ها را بی‌اثر کرد.

یادمان نرود که آن روزها روزهای بسیار حساسی بودند. چندین دولت سرکار آمدند و همه راهها طی شد تا بلکه بحران مهار شود. کافی است به حوادث آن روزها و ماهها بیشتر بیندیشم. دولت‌هایی که آمدند. نمایندگانی که در مجلس شاه ساخته آن وقت به یکباره شروع به ایراد سخنان انقلابی و انتقاد کردند. سخنرانی شاه که به نوعی توبه‌ای دروغین بود که صدای انقلاب شما را شنیدم... برگرداندن تاریخ شاهنشاهی به همین تاریخ هجری شمسی، ورود بختیار به صحنه، تشکیل دولت او که خود را دولت ملی نامید، برگزاری راهپیمایی طرفداری از قانون اساسی، سفرهای ژنرال‌ها و مشاوران نظامی و سیاسی آمریکا به ایران به منظور کمک به رژیم شاهنشاهی و... همه و همه حوادث سلسله‌واری در مقاطعی حساس بودند که بسیاری از نخبگان سیاسی را هم دچار تردید می کردند امّا در همه این مقاطع تنها یک چیز نهضت را به پیش راند و مرحله به مرحله هدایت کرد. یک رهبر که با تاکیه بر خدا و با اخلاص یک عبدصالح و با عشق به مردم خود، تنها محل اعتنای مردم و تنها ملجأ و مرجع مراجعه یک ملت بود و هم او بود که با هوشمندی خود یک گام به عقب ننشست و در هیچ مقطعی با خون خلق خدا معامله نکرد و روی سازش نشان نداد و همین نستوهی و سازش‌ناپذیری و ایستادگی و ایمان و اخلاص برخاسته از بندگی خالص خدا بود که چنین شیدایی و عشقی را در مردم به وجود آورد.

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، شعاری بود که محصول همین شعور و تدبیر آن بزرگوار به حساب می آمد که در همه جا شنیده می‌شد و او هرگز به این آرمانها پشت نکرد. هنوز که هنوز است استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی شناسنامه انقلاب ماست.

تواضع و فروتنی در برابر مردم، خدا را منشاء همه چیز دانستن و از خود بی‌او اعتباری قائل نبودن، سازش‌ناپذیری در برابر بیگانه و احترام گذاشتن به آزادی به عنوان یک حق طبیعی ملّت این همه عشق آفریده بود و یادمان نرود که آن عزیز تا وقتی که فرد یا گروهی بر علیه نظام و حکومت شمشیر نکشید و براندازی پیشه نکرد. اجازه سلب این حق طبیعی را نداد.

حمایت از محرومان و طرفداری از عدالت را در حکومت یک اصل قرارداد و بر آن پای فشرد و همیشه همه چیز را از آن خدا و نتیجه خواست او می‌دانست. ملت چیزهایی در او دیده بود که او را رهبر روح و قلب و دل خود کرد و در استقلال و بدرقه او سنگ تمام گذاشت.

سالروز ورودش همواره به عنوان طلیعه مبارکه فجر انقلاب و ایام‌الله تا همیشه برای مردم خاطره‌ای خوش و شیرین است و ملت هماره آن را بزرگ می‌شمارد و به جشن و شادمانی می‌نشیند و چه حسن مطلعی بهتر از روز ورود آن عزیز برای آغاز دهه مبارکه فجر... و سلام هی حتی مطلع الفجر

اخبار کوتاه

پیام تسلیت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی به مناسبت درگذشت فرزند شهید دستغیب

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی از مراجع عظام تقلید با صدور پیامی، درگذشت فرزند آیت‌الله شهید دستغیب را تسلیت گفتند.

به گزارش مرکز خبر حوزه، در این پیام آمده است: با کمال تاسف ارتحال عالم جلیل‌القدر حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد هاشم دستغیب را به مردم شریف استان فارس و شهر علم و ایمان شیراز به ویژه به بیت شرف و افتخار شهید بزرگوار مرحوم آیت‌الله دستغیب رحمه‌الله علیه تسلیت عرض می‌نمایم.

فقدان این شخصیت روحانی ثلمه‌ای جبران ناپذیر و ضایعه‌ای مذهبی و دینی است.

جلیلی: نگرانی غرب از الگوی اندیشه اسلامی است



دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دیدار با دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین گفت: استکبار بیش از آن‌که نگران فعالیت‌های هسته‌ای ایران باشد از الگوی دینی جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت عصبانی است.

به گزارش ایرنا، سعید جلیلی دیروز در دیدار با «رمضان عبدالله» دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین، بر اهمیت محور مقاومت در جریان بیداری اسلامی و تحولات منطقه و جهان تأکید کرد و افزود: فلسطین آرمان مشترک جهان اسلام و محور هم‌افزایی بیداری اسلامی است.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای امنیت ملی اظهار داشت: امروز شاهد بازگشت مفاهیم دینی به عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستیم.

جلیلی ادامه داد: شهدای هسته‌ای ایران، شهدای احیا تمدن اسلامی هستند و این شهدا الگویی برای حرکت علمی دانشجویان و اساتید جهان اسلام هستند.

دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین هم در این دیدار به شکست شیوه‌های سازشکارانه بر راه‌حل مقاومت در فلسطین تأکید کرد و گفت: موفقیت چشم‌گیر جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور اسلامی مقتدر و حامی مقاومت در سال‌های پیش از انقلاب و در عرصه‌های مختلف چراغ روشنی فراروی نهضت‌های اسلامی منطقه است.

رهبر معظم انقلاب: ایران باقدرت به مسیر خود ادامه می‌دهد



بقیه از صفحه اول

ضربه زدن به خط مقاومت در منطقه است زیرا سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: اگر دولت سوریه، به آمریکایی‌ها قول دهد که حمایت خود را از مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان قطع خواهد کرد، همه مسائل تمام خواهد شد و تنها جرم سوریه حمایت از مقاومت است.

ایشان خاطر نشان کردند: آمریکایی‌ها و برخی کشورهای غربی می‌خواهند انتقام شکست‌های اخیر خود در منطقه ازجمله مصر و تونس را، در سوریه بگیرند.

ایشان خاطرنشان کردند: موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، حمایت از هرگونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت آمریکا و کشورهای دنباله رو آن، در مسائل داخلی سوریه است.

رهبر معظم انقلاب همچنین با اشاره‌به سخنان اعضای جهاداسلامی فلسطین درخصوص پیشرفت‌های علمی چشمگیر و خیره کننده در ایران، تأکید کردند: حرکت‌های علمی در کشور، وسیع و در همه بخش‌های علمی و فناوری است و در برخی موارد نیز برای بسیاری از افراد غیرقابل تصور است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اظهار امیدواری کردند که این حرکت‌های علمی در دیگر کشورهای اسلامی همچون مصر، تونس و لیبی به‌وقوع بپیوندد و امت اسلامی به توانایی‌های بالای علمی و فناوری دست پیدا کنند.

دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین هم در این دیدار با تبریک ایام دهه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، گزارشی از تحولات فلسطین به‌ویژه غزه ارائه کرد و گفت: بیداری اسلامی و تحولات منطقه فرصت بسیار مغتنم برای ملت‌های مسلمان به‌ویژه مردم فلسطین است و همه باید مراقب فتنه‌انگیزی‌های دشمنان باشند.

وی افزود: تمدن اسلامی بار دیگر، بازگشت به دوران اوج و شکوه خود را آغاز کرده است و جمهوری اسلامی ایران نقش ممتاز و بی بدیلی در اوجگیری مجدد تمدن اسلامی دارد و به همین دلیل جبهه استکبار فشارهای خود را بر ایران تشدید کرده است.

رمضان عبدالله همچنین با اشاره به تحولات سوریه گفت: غربی‌ها تلاش دارند تا سوریه را که پایگاه مقاومت در منطقه است، از جبهه مقاومت بگیرند.

دکتر محمد از رهبران جهاد اسلامی فلسطین هم در این دیدار از آخرین وضع غزه گزارشی ارائه کرد و با اشاره به پیشرفت‌های علمی شگرف جمهوری اسلامی ایران، آن را مایه افتخار همه مسلمانان دانست.

رئیس جمهوری: حق مردم در انتخابات نباید تضییع شود

بقیه از صفحه اول

در حال انجام است، خاطر نشان کرد: در ۷ـ۶ سال گذشته کارهای بزرگی در کشور بویژه در زمینه اشتغالزایی صورت گرفته که باید همچنان با جدیت پیگیری شود و ضرورت دارد تمامی مصوبات استانی هیات دولت باهمت و پیگیری و تخصیص منابع لازم تکمیل و در اختیار مردم قرار گیرد.

رئیس‌جمهور بخش کشاورزی را یکی از حوزه‌های اصلی تولید ثروت ملی و اشتغال در کشور برشمرد و گفت: در بخش کشاورزی در ۳۲ سال گذشته اقدامات فراوانی صورت گرفته و تولید در این بخش از حدود ۳۰ میلیون تن به بیش از ۱۱۰ میلیون تن در سال رسیده است و این در حالی است که میانگین میزان بارندگی در کشور نسبت به ۳۰ سال قبل کاهش یافته، اما متاسفانه هنوز تمرکز اساسی مدیریتی در این بخش اعمال نشده است.

رئیس‌جمهور با انتقاد از کسانی که با مقالات و اظهار نظرهای خود کشاورزی را از جایگاه‌های بالا در اقتصاد کشور به رده‌های بسیار پایین تنزل داده‌اند، گفت: بسیاری باور ندارند که کشاورزی ما ظرفیت توسعه و گسترش و ایجاد اشتغال را در خود دارد و بر این عقیده بودند که کشور فقط به صنعت نیاز دارد، از این رو تلاش قابل توجهی برای گسترش کشاورزی صورت نگرفته است.

وی با بیان اینکه بخش مهمی از بودجه عمرانی به بودجه استانی تبدیل شده، خاطر نشان کرد: باید اولویت انجام کار با استفاده از این بودجه به اتمام رساندن پروژه‌های مصوب سفرهای استانی و ایجاد زیر ساخت‌ها در مناطقی نیازمند، باشد.

هدفمندی یارانه‌ها

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه گام اول هدفمندی یارانه‌ها با همراهی خوب مردم به اجرا درآمد و ثمرات و برکات فراوانی داشته است، خاطر نشان کرد: باید به گونه‌ای عمل کنیم تا گام‌های بعدی این طرح بزرگ اقتصادی که موجب تحول در بسیاری از بخش‌ها از جمله تولید در کشور شده است، هر چه سریعتر به مرحله اجرا درآید و باید طوری برنامه‌ریزی شود تا موضوع هدفمندی یارانه‌ها و اجرای برخی پروژه‌های عظیم که در این دولت آغاز شده، تا پایان دولت دهم به اتمام برسد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نابسامانی‌هایی که اخیرا در بازار توسط عده‌ای با اغراض سیاسی و با هدف اعمال فشار بر دولت ایجاد شد، اظهار داشت: کسانی که بخاطر اغراض سیاسی، ملت، انقلاب و کشور را دچار مشکل می‌کنند، در حقیقت افرادی هستند که با اجرای موفق طرح هدفمندی یارانه‌ها دچار زیان شده‌اند و می‌خواهند با برهم زدن بازار، ناراحتی و عصبانیت خود را بروز دهند اما باید بدانند که این دولت تا پای جان روی احقاق حق مردم ایستاده و بر آن پافشاری می‌کند و در برابر فشارهای زیاده خواهان کوتاه نخواهد آمد.

سیاست

رئیس‌جمهور با بیان اینکه هنر حکومت دینی این است که توده‌های مردم با انتخاب آزاد خود در راه آرمان‌ها و ارزش‌ها تلاش می‌کنند، اظهار داشت: انتخابات متعلق به مردم و پایه حکومت به شمار می‌رود و باید طوری به انجام برسد که رای و نظر مردم آشکارا اعمال شود و چنانچه نظر مدیران کشور با نظر مردم در دو سوی مختلف قرار بگیرد، دیگر ادامه راه امکانپذیر نخواهد بود.

وی با تاکید بر اینکه استانداران نباید در برابر هیچ اقدام و روندی که به واسطه آن حق مردم ضایع می‌شود، سکوت کرده یا منفعل باشند و باید همواره از حق مردم دفاع کنند، عدالت و اجرای قانون را حق مردم دانست و اظهار داشت: باید برگزاری انتخابات به گونه‌ای باشد تا مردم از عمق جان باور داشته باشند که رای آنها تاثیر گذار است و آنچه حاکم می‌شود رای مردم است؛ و اعمال رای و نظر مردم نه تنها در داخل بلکه در خارج از کشور نیز ثمرات گسترده‌ای برای کشور به همراه دارد.

رئیس‌جمهور اجرای قانون و استیفای حقوق مردم را از مهمترین وظایف دولت و استانداران برشمرد و با تاکید بر لزوم مشارکت حداکثری مردم در انتخابات خاطر نشان کرد: استانداران به‌عنوان نمایندگان دولت در سراسر کشور، باید تمام تلاش خود را به منظور صیانت جدی از حق و رای مردم در انتخابات به کار بگیرند و به هیچ کس اجازه تخلف از قانون را ندهند.

احمدی‌نژاد تصریح کرد: باید مراقب بود تا فرهنگ دنیاپرستی و قدرت طلبی به کشور بازنگردد و در این راستا باید تلاش کنیم در هر اتفاق و موضوعی مسئولان در کنار مردم و پشتیبان آنها باشند و این بزرگترین خدمت به نظام اسلامی و ولایت فقیه است.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر اینکه کار برای خدا و اخلاص در انجام کارها باید در سیستم اجرایی کشور نهادینه شود، گفت: هر کس برای انجام کاری و ماندن در پست و مقام به اسبابی غیراز توکل به خدا متوسل شود، قطعاً از همان ناحیه ضربه خورده و دچار زیان خواهد شد.

صیانت از انقلاب نیازمند دلسوزی و از خودگذشتگی است

رئیس‌جمهوری انقلاب اسلامی را تداوم حرکت غایی جهان به سمت تعالی و متعلق به همه انسان‌های بیدار، پاک و مؤمن به خدا دانست و گفت: همه کسانی که نسبت به انقلاب اسلامی احساس تعلق دارند، باید بدانند که صیانت از انقلاب بیش از ایجاد آن، نیازمند دلسوزی و از خودگذشتگی است.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در دیدار اعضای ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی با بیان اینکه انقلاب اسلامی باعث شد، هر روز افق‌های جدیدی پیش روی ملت ایران و جامعه بشری قرار گیرد، اظهار داشت: انقلاب اسلامی موجودی زنده، پویا و در حال رشد و کمال است که باعث شده امروز محدوده افق ما نسبت به ۳۰ سال قبل هزاران سال جلوتر باشد.

وی پیروزی انقلاب اسلامی را بزرگترین تحول انسانی در ایران و جهان در چند قرن اخیر برشمرد و افزود: این انقلاب مردمی‌ترین انقلاب تاریخ بود که از عمق وجدان‌های پاک یک ملت سر بر آورد و در فراز و نشیب‌های سهمگین و سنگین آن نیز این مردم بودند که همه وجود و داشته‌های خود را به میدان آوردند تا از موجودیت آن تا امروز صیانت کنند.

رئیس‌جمهوری اظهار داشت: اندیشه‌های مادی گوناگونی که مدعی به سعادت رساندن انسان و برقراری عدالت بودند، هر یک دوره‌هایی بر بشر حکومت کردند، اما جز تحقیر نوع انسان، ثمره‌ای از خود باقی نگذاشتند که در میان همه آنها دوره استعمار با به بردگی کشاندن انسان‌های بی‌شمار برای همیشه به عنوان یک لکه ننگ در تاریخ باقی خواهد ماند و در دوره جدید نیز بازی‌ها و نیرنگ‌هایی که زیر نقاب‌های زیبا برای چپاول و تحقیر ملت‌ها اعمال می‌شود نیز، جز روسیاهی برای عاملان آن باقی نخواهد گذاشت.

رئیس‌جمهوری خاطرنشان کرد: اگر فطرت‌های ملت‌ها و بشریت بیدار شود، هیچ قدرتی نمی‌تواند، مانع حرکت آنها به سمت تعالی باشد؛ چنان که ملت ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس با اقتدار در مقابل همه هجمه‌های سنگین سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دشمنان خود ایستاد.

احمدی‌نژاد با بیان این که دوره مارکسیست‌ها تمام شده و اومانیست‌ها نیز در پایان راه هستند، افزود: این که گفته می‌شود، اومانیست‌ها در پایان راه هستند، نه متأثر از تظاهرات و اعتراضات مردم در کشورهای غربی، بلکه بر پایه این واقعیت است که دیگر اندیشه و فکر غربی‌ها محصول جدیدی برای ارائه به بشریت نداشته و نوآوری ندارند و به جای تکیه بر جاذبه‌های فرهنگی و تمدنی، به سلاح، ارعاب و کشتار متکی هستند و فلسفه وجودی آنها زیر سؤال قرار گرفته است.

احمدی‌نژاد کیفیت نظم جایگزین نظام ظالمانه حاکم بر دنیای امروز را دغدغه اصلی متفکران و دلسوزان برشمرد و تصریح کرد: نظم آینده باید آن چیزی باشد که خلقت برای آن صورت گرفت، پیامبران برای آن مبعوث شدند و انقلاب اسلامی ایران نیز در تداوم آن واقع شد و شرط حاکم شدن این نظم اراده و خواست ملت‌هاست که امروز طلیعه‌های آن را شاهدیم.

احمدی‌نژاد اظهار امیدواری کرد که مراسم دهه فجر امسال متنوع‌تر، متعالی‌تر، باشکوه‌تر، زیباتر و الهام‌بخش‌تر از هر سال برگزار شود.

وی انقلاب اسلامی را به عنوان تداوم حرکت کمالی تاریخی انسان، متعلق به همه انسان‌های خداجو دانست و افزود: هرکس در راه اعتلای دهه فجر تلاش کند، از چنین حقیقت و آرزوی بزرگی حمایت و پشتیبانی کرده است.

افتتاح شبکه هیسپان تی وی

رئیس جمهوری در مراسم افتتاح شبکه اسپانیولی زبان هیسپان‌تی وی با تاکید بر این که زبان اسپانیولی از ظرفیت‌های فراوانی برای انتقال اخبار و رویدادهای جهان برخوردار است، گفت: امروز اقلیت خودخواه و زورگو با استفاده از رسانه‌ها زمینه سلطه‌خود را بر ملت‌ها فراهم می‌کنند که تنویر افکار عمومی و اطلاع‌رسانی دقیق از سوی رسانه‌های متعهد می‌تواند مانع از تحقق این خواسته شود.

احمدی‌نژاد در گفتگوی زنده تلویزیونی به این مناسبت با قدردانی از مسئولین صداوسیما به خاطر راه‌اندازی این شبکه تلویزیونی، گفت: امیدواریم با افتتاح این شبکه، نمایندگی‌های دیگر در سراسر جهان مستقر شوند تا خبرنگاران بتوانند به وظیفه خطیر و مهم خود بپردازند.

وی رسانه‌ها را پل ارتباطی میان همه ملت‌های جهان برشمرد و اظهار داشت: رسانه‌ها مانند پل ارتباطی از یک سو، اطلاعات، دانش و نیازهای انسان را منعکس می‌کنند و از سوی دیگر، ارتباط میان انسان‌ها و ملت‌ها را برقرار کرده و از فاصله‌های دور، اراده‌ها را در یک مسیر قرار می‌دهند.

احمدی‌نژاد بر اهمیت و نقش رسانه در جهان امروز تاکید کرد و اظهار داشت: امروز رسانه‌های متعهد می‌توانند همه آزادیخواهان، عدالت طلبان و انسان‌های آزاده را در یک جبهه قرار دهند.

رئیس جمهوری همچنین با اشاره به آغاز به کار این شبکه اسپانیولی زبان، اظهار داشت: امیدوارم این شبکه میعادگاه و پل ارتباطی میان همه عدالت طلبان، پاکان، آزادی‌خواهان، ملت‌های مستقل، اندیشمندان، هنرمندان، صاحب نظران و سیاستمداران باشد تا بتوانند از این طریق با یکدیگر گفتگو و تعامل کنند.

رئیس جمهوری خاطر نشان کرد: رسانه می‌تواند تریبونی برای همدلی صاحب نظران و همه بشریت باشد.

وزیر امور خارجه هم در این مراسم گفت: قدرت رسانه‌ها در دنیای امروز تقریبا با قدرت نظامی همتراز است و این رسانه‌ها هستند که بازنده و پیروز را تعیین می‌کنند.

به گزارش ایرنا، دکتر علی‌اکبر صالحی ادامه داد: رسانه‌ها در دنیای امروز تنه به تنه قدرت‌های نظامی می‌زنند وحتی حق را باطل و باطل را به حق جلوه می‌دهند و اینگونه افکار عمومی را شکل می‌دهند.

وزیر امور خارجه یگانه راه مقابله با رسانه‌های استکباری را راه اندازی رسانه‌هایی دانست که‌دربستر اخلاق، صداقت و بی‌طرفی ایجاد شوند.

مجید انصاری: نابسامانی بازار ارز ناشی از سیاست‌های نادرست اقتصادی است

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحریم را فقط یک عامل فشار اقتصادی دانست و با اشاره به نابسامانی بازار ارز و سکه گفت: تاکید می‌کنم اگر حتی تحریمی وجود نداشت، مجموعه سیاست‌های اقتصادی دولت کشور را به نقطه امروزی می‌رساند.

مجید انصاری در گفت‌وگو با مهر با بیان این مطلب افزود: آنچه امروز در بازار سکه و ارز شاهد آن هستیم و نابسامانی‌های اقتصادی دیگر، بیش از آن که ناشی از تحریم‌ها باشد ناشی از سیاست‌های نادرست اقتصادی دولت است.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرد: با تجربه طولانیِ مدتی که در امر اقتصاد و برنامه و بودجه دارم، برایم کاملاً مشهود بود که با اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های ناهمگون و غیرعلمی، محکوم به رسیدن به نقطه امروزی هستیم. مجید انصاری با بیان این که هشدار می‌دهم ادامه سیاست‌های دولت فعلی وضع اقتصادی کشور را بحرانی‌تر می‌کند گفت: سال گذشته در مجمع تشخیص مصلحت نظام هم این هشدار را اعلام کردم. ۸ ماه پیش که هنوز تحریم‌ها تصویب نشده بود، پیش‌بینی کردم تا پایان سال دلار به ۲ هزار تومان خواهد رسید و این پیش‌بینی در مذاکرات مجمع ثبت شده است. معتقدم پافشاری دولت بر برخی سیاست‌های نادرست اقتصادی این وضع را در آینده بدتر خواهد کرد. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این که آیا مجمع برای رسیدگی به وضع نابسامان بازار ارز و سکه ورود پیدا می‌کند، گفت: کمیسیون نظارت مجمع از باب نظارت بر اعمال سیاست‌های کلی می‌تواند وارد شود، چون آن چه در این عرصه توسط دولت صورت می‌گیرد، بر خلاف سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری در ارتباط با سند چشم‌انداز و الزامات سند، سیاست‌های اصل ۴۴ و سیاست‌های برنامه توسعه پنجم است، لذا مجمع از زاویه نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی می‌تواند وارد شود. انصاری افزود: ولی تصور می‌کنم مجلس باید جدی‌تر وارد شود، چون آنچه در جریان است علاوه بر این که خلاف سیاست‌های کلی نظام است، خلاف قوانین موضوعه کشور هم هست. قبل از مجمع، مجلس باید جدی‌تر وارد می‌شد که وارد نشد و مماشات مجلس موجب شده است به این نقطه برسیم.

حضور رهبر معظم انقلاب در مرقد مطهر امام(ره) و گلزار شهدای بهشت زهرا

در آستانه ایام‌الله دهه فجر انقلاب اسلامی و سالروز ورود تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) به میهن اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، صبح دیروز با حضور در مرقد مطهر امام راحل، ضمن قرائت فاتحه، یاد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را گرامی داشتند.

رهبر معظم انقلاب سپس با حضور بر مزار شهدای هفتم تیر و گلزار شهدای بهشت زهرا، برای ارواح طیبه شهدا علو درجات را مسألت کردند.

تجدید میثاق رئیس قوه قضائیه و مسئولان قضایی با امام خمینی(ره)

سرویس خبر-بیداری اسلامی
که هم اکنون در کشورهای عربی و شمال آفریقا روی داده است، نشأت گرفته از اندیشه و آرمان‌های امام خمینی(ره) است.

آیت‌الله صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه با بیان این مطلب در حرم مطهر امام خمینی(ره) افزود: آنچه امروز در کشورهای عربی وشمال آفریقا روی می‌دهد، همان حرف‌های ۳۳ سال پیش امام خمینی(ره) در دعوت مردم به دین نبی‌الهی است.

وی با بیان این‌که دعوت امام خمینی(ره) دعوت به اسلام و دین الهی بود، تاکید کرد: امروز آثار و ارزش حرف‌ها و اندیشه‌های امام(ره) را بیش از گذشته می فهمیم و می‌بینیم.

رئیس قوه قضائیه افزود: تاکید امام(ره) بر خدمت به قشرهای ضعیف جامعه بود و این سخنان ایشان که مسئولان را دعوت به رعایت حقوق مردم می‌کردند و پست‌ها را فرصتی برای خدمت بر می‌شمردند. فراموش نمی کنیم.

آیت‌الله لاریجانی با تاکید بر این‌که براساس اندیشه‌های امام(ره) داشتن پست و مسئولیت فرصتی برای خدمت است. یادآورشد: مسئولیت‌ها اگر همراه با خدمت به مردم نباشد، ارزشی ندارد.

وی در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که نقش دستگاه قضایی را در تحقق آرمان‌های امام راحل و انقلاب چگونه ارزیابی می کنید، گفت: دستگاه قضایی مهم‌ترین دستگاه کشور برای اجرای عدالت است و اوایل انقلاب حضرت امام(ره) به کسانی که توانایی تکفل در دستگاه قضایی را داشتند، می‌فرمودند که در این نهاد مشغول به خدمت شوند.

رئیس قوه قضائیه، افزود: حضرت امام(ره) می‌فرمودند اگر دستگاه قضایی کشور سالم باشد، آن نظام سالم می‌شود. بنابراین گزارش رئیس قوه قضائیه و مسئولان قضایی دیروز در حرم امام(ره)حضوریافتندوباآرمان‌های ایشان تجدید میثاق کردند.

مجمع عمومی اتحادیه بین‌المجالس اسلامی ترور دانشمندان ایرانی را محکوم کرد

پالم پانگ ـ اندونزی ـهفتمین مجمع عمومی اتحادیه بین‌المجالس اسلامی دیروز با تصویب بیانیه‌ای به کار خود پایان داد.

به گزارش ایرنا، مجمع عمومی اتحادیه بین‌المجالس با حضور هیأتی عالیرتبه از مجلس شورای اسلامی به ریاست دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پریروز در شهر پالم پانگ اندونزی کار خود را آغاز کرده بود.

در این مجمع نمایندگان ۳۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی حضور داشتند.

در جلسه اختتامیه این مجمع درباره ۱۹ موضوع مهم جهان اسلام تصمیم‌هایی اتخاذ و پیشنهادهایی ارائه شد.

نمایندگان پارلمان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ترور دانشمندان، محققان و استادان کشورهای اسلامی به‌ویژه دانشمندان ایرانی را محکوم کردند.

موضوع مهم دیگری که در چارچوب این بیانیه مورد تصویب قرار گرفت، حمایت از عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل بود.

در این بیانیه بر موضوع فلسطین به عنوان مسأله محوری خاورمیانه مورد شناسایی قرار گرفت و تصویب شد که حقوق مشروع و غیر قابل انکار مردم فلسطین باید تامین شود.

همچنین جنایات رژیم صهیونیستی از جمله دستگیری رئیس پارلمان فلسطین محکوم شده است.

در این بیانیه بر به رسمیت شناخته شدن استفاده صلح‌آمیز همه کشورها از انرژی هسته‌ای و برنامه‌های مربوط به چرخه انرژی هسته‌ای طبق مفاد ان‌پی‌تی تاکید شده است.

این مجمع همچنین به اقدام‌های برخی کشورها در اعمال فشار و ایجاد محدودیت در همکاری‌های بین‌المللی در زمینه انتقال تجهیزات، مواد و فناوری برای کاربرد صلح آمیز انرژی هسته‌ای اشاره شده است.

در این بیانیه آمده است: تاکیدها و فشارهای فزاینده برای ممانعت از اعمال این حقوق محکوم و بر ضرورت حل اختلاف‌ها از طریق توسل به ابزارهای صلح‌آمیز دیپلماتیک تاکید می‌شود.

سودان میزبان هشتمین اجلاس

بر اساس این گزارش، در جلسه اختتامیه هفتمین مجمع عمومی بین‌المجالس اسلامی، سودان به عنوان میزبان هشتمین مجمع عمومی این اتحادیه انتخاب شد.

شرکت کنندگان در این جلسه همچنین با اصلاح اساسنامه این اتحادیه، تصویب کردند که مجمع عمومی این اجلاس به جای دو سال یکبار، به صورت سالانه برگزار شود.

بر این اساس، مجمع عمومی آینده بین‌المجالس اسلامی در ماه ژانویه سال۲۰۱۳ در شهر خارطوم پایتخت سودان برگزار خواهد شد.

بورکینافاسو هم به عنوان نهمین میزبان اتحادیه بین‌المجالس در سال ۲۰۱۴ انتخاب شد.

دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پس از پایان سفر دو روزه‌اش به اندونزی، دیروز «پالم پانگ» را به مقصد تهران ترک کرد.

روی خط انتخابات

میزان رأی ملت است

تأیید صلاحیت ۵ نفر برای انتخابات میاندوره‌ای مجلس خبرگان رهبری

سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: صلاحیت پنج نفر برای سومین انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس خبرگان رهبری تأیید شد.

«عباسعلی کدخدایی» دیروز در گفت‌وگو با ایرنا، افزود: از میان داوطلبان ثبت‌نام شده برای سومین میاندوره‌ای دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری در دو حوزه انتخابیه خراسان‌رضوی و کردستان، پنج نفر تأیید صلاحیت شدند.

وی افزود: سه تن از افراد تأیید صلاحیت‌شده در حوزه انتخابیه خراسان‌رضوی و دو نامزد دیگر هم در حوزه انتخابیه کردستان به رقابت خواهند پرداخت.

سومین انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس خبرگان رهبری در استان‌های خراسان‌رضوی و کردستان روز جمعه ۱۲ اسفند و همزمان با انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود.

متکی: با انتخابات چندوجهی مواجهیم

دبیر اجرایی جبهه متحد اصولگرایان کشور رقیب اصلی در این انتخابات را سلطه جهانی و بیرون از مرزها خواند و گفت: استراتژی این رقیب کاهش مشارکت است و دنباله‌های داخلی آن هم به دنبال سناریو مشارکت کمتر از ۳۰درصد هستند.

به گزارش ایسنا، منوچهر متکی در دومین همایش جبهه متحد اصولگرایان استان یزد، با مهم خواندن هر حادثه‌ای در جمهوری اسلامی، انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی را حائز اهمیت خواند و در مورد دیگر علل مهم بودن این دوره از انتخابات، تصریح کرد: انتخابات‌های قبل از این در کشور معمولاً دو قطبی بود، به نحوی که رقبای انتخابات مشخص بودند و هر گروهی که گفتمان بهتری داشت، پیروز انتخابات بود؛ ولی در این دوره تصویر روشنی از چهره‌ها وجود ندارد و رقبای آشکار و پنهان و جریان‌های بدون تابلو را می‌بینیم؛ لذا با یک انتخابات چندوجهی مواجه هستیم.

متکی در بخش دیگری از سخنانش از تکمیل لیست کاندیداهای جبهه متحد اصولگرایان تا یک هفته آینده خبر داد و گفت: کاندیداهای لیست این دوره بر اساس نتایج نظرسنجی از مردم مشخص خواهد شد و بر خلاف مجلس هشتم، ملاک انتخاب نفرات لیست نظرات شخصی شورای مرکزی بود.

فشار غرب برای کمرنگ کردن حضور مردم در انتخابات

یک فعال دانشجویی گفت: فشار غرب و آمریکا برای کمرنگ کردن حضور مردم در انتخابات است.

مسجدی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره تحریم‌های اخیر اتحادیه اروپا علیه کشورمان با بیان این که تحریم‌ها و هجمه‌های اقتصادی موضوع تازه‌ای نیست، اظهار داشت: فشارهای غرب و آمریکا و همه دشمنان نظام به خاطر نزدیکی به انتخابات است که تلاش دارند مردم را نسبت به حضور در انتخابات بی‌رغبت کنند و ما در این شرایط دو راه در پیش داریم؛ یا باید مقابل دشمن بایستیم، یا این که به اقدام‌های دشمن دامن بزنیم و متاسفانه گاهی برخی از ما این چنین عمل می کنیم.

مسجدی با تأکید بر اهمیت انتخابات افزود: با رأی ندادن مشکلی حال نخواهد شد. دشمن منتظر است صندوق‌های خالی ببیند و مشارکت مردم در انتخابات کمرنگ باشد؛ این در حالی است که مشکلات ما با حضور مردم در پای صندوق‌های رأی و رأی دادن به نمایندگی برای ایجاد مجلسی کارآمد، حل خواهد شد.

همایش جبهه متحد اصولگرایان استان فارس با حضور حداد عادل

مسئول جبهه متحد اصولگرایان استان فارس گفت: همایش جبهه متحد اصولگرایان در استان فارس با حضور غلامعلی حداد عادل برگزار می‌شود.

به گزارش فارس، ابراهیم شعرا در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی جبهه متحد از برگزاری همایش بزرگ اصولگرایان استان همزمان با اولین روز ایام‌الله فجر با حضور دکتر غلامعلی حداد عادل خبر داد.

وی با بیان این که این همایش عصر امروز در مسجد دانشگاه شیراز برگزار می‌شود، تصریح کرد: برای برگزاری پرشورتر این همایش از همه نیروهای اصولگرا در شهرهای مختلف استان دعوت شده است و علاوه بر برگزاری برنامه پرسش و پاسخ، دکتر حداد عادل با رسانه‌های استانی نشست مطبوعاتی خواهد داشت.

باید مجلسی مستقل و برخاسته از اراده توده مردم تشکیل دهیم

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در بازدید از لشگر ۸۸زرهی نیروی زمینی ارتش در استان سیستان و بلوچستان گفت: باید مجلسی تشکیل دهیم که همسو با سیاست‌ها و تدابیر مقام رهبری باشد. مجلسی مستقل و برخاسته از اراده مردم که در برابر کانون‌های قدرت و ثروت بایستد.

به گزارش روابط عمومی ارتش، وی افزود: از آنجا که این اولین انتخابات کشورمان بعد از بیداری اسلامی کشورهای منطقه است و آن‌ها می‌خواهند از انتخابات ایران الگو بگیرند، بنابراین حضور پرشور در انتخابات اهمیت بالایی دارد.

آل‌هاشم، تقوا، تعهد، وارستگی، روحیه تعبد در برابر خدا، اعتقاد عملی و التزام به ولایت فقیه، ایستادگی در برابر بیگانگان، دلسوزی نسبت به حفظ بیت‌المال و نداشتن وابستگی به کانون‌های قدرت و ثروت را مشخصه نمایندگان مجلس برشمرد.

یادداشت

نگاهی به زندگانی امام عسکری(ع)

دکتر عباس زریاب خویی

حضرت ابومحمد حسن بن علی، امام یازدهم از ائمه اثنی عشر و سیزدهمین معصوم از چهارده معصوم پدر بزرگوارش امام علی‌هادی(ع) و مادرش بانویی صالح و عارف به نام «سوسن» (یا حدیثه یا سلیل) بود. تولد حضرت به اختلاف روایات در ماه ربیع‌الاول یا ربیع‌الآخر سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ ق و بنا به اکثر روایات در مدینه اتفاق افتاد.

۲۲ یا ۲۳ سال داشت که پس از وفات پدر بزرگوارش (۲۵۴ ق) به امامت رسید و در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ق که حدود ۲۸ یا ۲۹ سال داشت، وفات یافت و در خانه خود و جوار تربت پدر خویش در سامرا به خاک سپرده شد. در شمایل آن حضرت آورده‌اند که: رنگش گندمگون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب بود و با آنکه جوان بود، مشایخ قریش و رجال و علمای زمان را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. دوست و دشمن به برتری او در علم و حلم و جود و زهد و تقوا و سایر مکارم اخلاق اذعان داشتند. چون او و پدر بزرگوارش امام هادی(ع) در محله عسکر (قرارگاه سپاه) در شهر سامرا زندگی می کردند، به «عسکری» لقب یافتند و نیز این دو امام مانند امام جواد(ع) به احترام جد بزرگوارشان حضرت رضا(ع) به «ابن الرضا» مشهور بودند. عثمان بن سعید عمری و بعد از او پسرش محمد بن عثمان پیشکار و دربان حضرت و علی بن عباس معروف به ابن الرومی شاعر منقبت گوی آن حضرت بود. مدت کوتاه حیات امام به سه دوره تقسیم می گردد: تا چهار سال و چند ماهگی (و به قولی تا ۱۳ سالگی) از عمر شریفش را در مدینه به سر برد، تا ۲۳ سالگی به اتفاق پدر بزرگوارش در سامرا می‌زیست (۲۵۴ق) و تا ۲۹ سالگی یعنی شش سال و اندی پس از رحلت امام دهم(ع) در سامرا ولایت بر امور و پیشوایی شیعیان را به عهده داشتند.

امام هادی(ع) پسر دیگری به نام ابو جعفر محمد داشت که مردی با ورع و پارسا، دارای جلالت قدر و نبالت شأن و مورد احترام اصحاب پدر خویش بود؛ اما در زمان حیات امام از دنیا رفت و برادر دیگری به نام جعفر داشتند که نزد شیعیان به لقب «کذاب» معروف شد. بعد از آنکه امام عسکری(ع) از سوی پدر به امامت منصوب گردید، جعفر مدعی وی گردید و شروع به کارشکنی و توطئه‌گری و فتنه‌انگیزی بسیار نمود و بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری(ع) هم دعوی امامت کرد و منکر وجود امام غایت(عج) شد.

در حوادث رجب سال ۲۵۵ق گفته‌اند که دو تن از سادات علوی حسنی به نام عیسی بن جعفر و علی بن زید در کوفه خروج کردند و عبدالله بن محمد بن داوود را در آن شهر کشتند و عده‌ای به سبب قتل او گرفتار و زندانی شدند. یکی از این اشخاص ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری است که روایت می کند شبی امام حسن عسکری(ع) و برادرش جعفر را به زندان آوردند و جعفر زاری و بی قراری می کرد، ولی حضرت عسکری(ع) او را ساکت می‌نمود. در روایت مذکور آمده است که متصدی زندانی کردن امام، صالح بن وصیف یکی از سرداران معروف بود. آن حضرت مدتی از ایام حبس خود را نزد شخصی به نام علی بن اوتامیش (که در تلفظ آن اختلاف است) گذراند و این مرد با همه شدت بغض و عداوت به آل محمد(ص)، پس از یک روز از مشاهده احوال امام از پیروان و معتقدان ایشان گشت. می گویند عباسیان و منحرفان از آل محمد(ص) بر صالح بن وصیف فشار آوردند که بر امام در زندان سخت بگیرد و او گفت: «دو تن از شریرترین افراد را مأمور این کار کرده ام، اما با دیدن حسن بن علی تحول یافته و روی به عبادت و نماز آورده اند. وقتی علت این تغییر حالت را از ایشان پرسیدم، گفتند از فیض دیدار امام به این سعادت رسیده ایم، او تمام روزها را روزه می گیرد و هر شب تا بامداد به نماز ایستاده است، با هیچ کس سخن نمی گوید و جز عبادت به کاری دیگر نمی‌پردازد، مهابت او بدان حد است که وقتی به ما نگاه می کند، به لرزه می‌افتیم و خود را به کلی می‌بازیم.» جماعتی روایت کردند که در مجلس احمد بن عبیدالله بن خاقان عامل خراج و رئیس املاک شهر قم صحبت از آل علی(ع) که در سامرا به سر می برند، به میان آمد. او گفت: «از علویان کسی را در عفاف و حسن سیرت و رفتار و شرف و احترام در خاندان خود و بنی‌هاشم و نزد خلیفه چون حسن ابن علی بن محمد(ع) ندیدم. او بر قاطبه بنی‌هاشم مقدم بود و مقام و منزلتی والاتر از سایر مشایخ قریش و دولتمردان و سران سپاه و وزیران و کارمندان دولت و همه مردم سامرا داشت و همه با او به حرمت رفتار می کردند. روزی در مجلس رسمی پدرم ایستاده بودم که پرده داران گفتند: «ابومحمد ابن الرضا بر در است.» پدرم با بانگ بلند گفت: «راه را باز کنید تا بیاید.» من تعجب کردم که چطور جرأت کردند از کسی با کنیه نزد پدرم نام ببرند. جز خلیفه و ولیعهد او یا کسانی که از خلیفه درباره آنها امر صادر شده بود، هیچ کس را با کنیه نزد پدرم نام نمی‌بردند. پس مرد جوانی با چهره‌ای گندمگون وچشمانی درشت و سیاه و قامتی معتدل و رویی زیبا از در درآمد. او هیأتی نیکو و جلالی چشمگیر داشت. پدرم تا او را دید، از جای برخاست و به سویش رفت. ندیده بودم چنین رفتاری با کسی کرده باشد. وقتی به او رسید، در آغوشش کشید و روی و سینه و شانه‌هایش را بوسید و دستش را گرفته، بر مصلای خود نشاند و خود پهلوی او در حالی که رویش به او بود، نشست. هنگام خطاب به او می گفت: «جان من و پدر و مادرم فدای تو باد!» و من از رفتار او تعجب می کردم. ناگاه حاجب در آمد و گفت: «الموفق ـ برادر معتمد ـ از راه می‌رسد.» رسم این بود که وقتی موفق پیش پدرم می‌آمد، ابتدا مأموران تشریفات و محافظان او داخل می‌شدند و در دو صف می‌ایستادند تا وارد شود. پدرم مشغول صحبت بود که چشمش به غلامان ولیعهد افتاد. پس عرض کرد: «خدا مرا فدای تو کند! آیا میل دارید و اجازه می‌دهید (از ولیعهد پذیرایی کنم)؟» پس به حاجبان گفت: «ابومحمد را از پشت صفها راهنمایی کنید که این مرد یعنی ولیعهد را نبیند.» آنگاه هر دو از جای برخاستند. پدرم ابومحمد را در برگرفت و تودیع کرد و او از مجلس بیرون رفت. بعد از نماز عشا که پدرم کارها و گزارشهای خود را برای خلیفه مرتب نمود، من در برابرش نشستم. پرسید: «آیا حاجتی داری؟» گفتم: «آری، اگر اجازت دهی.» گفت: «اجازه دادم.» گفتم «مردی که امروز صبح این همه به او جلال و احترام می‌نمودی و خود و پدر و مادرت را فدای او می کردی، کیست؟» گفت: «ای پسرک من، این امام رافضیان، حسن بن علی معروف به ابن الرضاست.» و بعد از اندکی سکوت گفت: «اگر خلافت از دست بنی عباس برود، در بنی‌هاشم هیچ کس شایسته‌تر از او برای خلافت نیست. او به خاطر فضل و عفاف و خویشتن داری و زهد و عبادت و اخلاق پسندیده و صلاح شایسته این مقام است. پدرش نیز مردی بزرگ و کریم و بخشنده و اصیل و نبیل و فاضل بود.» احمدبن عبیدالله گفت: «بعد از هر یک از بنی‌هاشم و سران سپاه و دولتمردان و قضات و فقها و سایر مردم که در باره ابومحمد سؤال می کردم، همان پاسخ را می‌شنیدم و دوست و دشمن در ستایش او متفق القول بودند.» یک تن از اشعریان پرسید: «برادرش جعفر چه جور آدمی است؟» احمد گفت: «جعفر چه قابل است که در باره او سؤال یا با ابو محمد مقایسه شود؟»

روایت مذکور دلیل محکمی است بر اینکه چرا یگانه پسر آن حضرت یعنی مهدی منتظر(عج) را در هنگام وفات آن حضرت از انظار مخفی نگاه داشتند، زیرا در آن زمان خلافت عباسی بر اثر ضعف شدید خلفا و ناشایستگی ایشان سخت در معرض خطر بود و غلامان ترک و دیگر غلامان بر دربار خلافت مسلط بودند و امر و نهی به دست ایشان بود. از سوی دیگر درهمان سال‌ها شورش صاحب‌الزنج در بصره و قیام یعقوب ابن لیث صفار در ایران روی داد و خلافت سخت در معرض تهدید قرار گرفت. بنابراین وجود شخص بسیار محترم و بزرگواری مانند امام حسن عسکری(ع) و فرزند او برای عباسیان بسیار ناگوار بود و می ترسیدند که اگر حادثه‌ای پیش آید و در آن جمعی از عباسیان از میان بروند، هیچ کس شایسته‌تر از علویان و در میان ایشان شایسته‌تر از امام و خاندانش برای خلافت نخواهد بود.

روایت زیر را از ابوالادیان نقل کرده‌اند که گفت: من خادم امام عسکری بودم و رسائل او را به شهرهای دیگر می‌بردم و جواب می آوردم. در بیماری منتهی به رحلت وی هم نزد او رفتم، نامه‌هایی را که نوشته بود، به من داد و فرمود به مداین ببرم. من رفتم و بعد از پانزده روز برگشتم؛ اما دیدم بانگ زاری و شیون از خانه امام بلند است و جعفربن علی بر درخانه ایستاده، به تعزیت شیعیان پاسخ می‌دهد. با خود گفتم: «اگر این مرد امام شده باشد، کار امامت دگرگون خواهد شد.» در این اثنا خادمی آمد و به جعفر گفت: «کار تکفین تمام شد. بیا بر جنازه برادرت نماز بگزار.» جعفر و همه حاضران به داخل خانه رفتند. من هم رفتم و امام را کفن شده دیدم. جعفر پیش رفت تا در نماز امامت کند. وقتی خواست تکبیر بگوید، ناگهان کودکی با چهره‌ای گندمگون و مویی کوتاه و مجعد و دندانهایی که بینشان گشادگی بود، پیش آمد و ردای جعفر را کشیده گفت: «ای عمو، عقب برو. من برای نماز بر پدرم از تو شایسته ترم.» جعفر درحالی که رنگش از خشم تیره شد، عقب رفت و آن کودک بر جنازه امام نمازگزارد. او مهدی موعود امام دوازدهم(عج) بود.

یکی از آثار امام(ع) نامه‌ای است که به اسحاق ابن اسماعیل نیشابوری نوشته اند. دیگر مجموعه حکم و مواعظ و کلمات قصار امام است که درکتب تاریخ و حدیث ثبت است. اثر دیگر منسوب به امام «رساله‌المنقبه» در مسائل حلال و حرام است که ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» از آن سخن گفته است. در همین کتاب به نقل از خیبری در «مکاتبات الرجال» قطعه‌ای از احکام دین منسوب به امام‌هادی(ع) و امام عسکری(ع) منقول است. به علاوه احادیث و ادعیه بسیار از آن حضرت روایت شده است.

حدیث روز

امام حسن عسکری علیه السلام:

خَیْرُ إِخْوانِکَ مَنْ نَسِیَ ذَنْبَکَ وَ ذَکَرَ إِحْسانَکَ إِلَیْهِ.

بهترین برادر تو کسی است که خطایت را نادیده گیرد و احسانت را یاد آور شود.

همه سخنرانی‌های دکتر ولایتی در «حرفی از هزاران»



انتشارات امیرکبیر کتاب «حرفی از هزاران» مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، گفتگوها و مقالات دکتر علی اکبر ولایتی را همزمان با دهه فجر منتشر می‌کند.

به گزارش مهر، کتاب «حرفی از هزاران» شامل مجموعه‌مقالات، گفتگوها و سخنرانی‌های دکتر علی‌اکبر ولایتی است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و در محافل و مجالس مختلف ارائه شده است و از سوی موسسه انتشارات امیرکبیر همزمان با ایام دهه فجر امسال منتشر خواهد شد.

در این کتاب موضوعات متفاوتی چون فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، اسلام در جهان معاصر، بیداری اسلامی، هشت سال دفاع مقدس و... مورد بررسی قرار گرفته است که در ۱۰۸۰ صفحه و به بهای ۱۸۰۰۰ تومان منتشر می‌شود.

این کتاب از سال ۱۳۸۶ و با کوشش مهدی کرمی در دست گردآوری و تدوین قرار گرفته و ویرایش آن نیز از سوی آزیتا ارشادی انجام گرفته است.

این ناشر همچنین به تازگی مجلد ۳۱ از مجموعه ۱۱۰ جلدی «آفتاب» تدوین علی اکبر ولایتی را با موضوع زندگی خاقانی منتشر کرده است.

کوتاه فرهنگی

آغاز بخش رقابتی سی‌امین جشنواره تئاتر فجر در تهران

بخش رقابتی سی‌امین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۱۲ بهمن با حضور گروه‌های ایرانی و بین‌المللی در تهران آغاز به کار می‌کند.

به گزارش پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی سی‌امین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر؛ در هشتمین روز از برپایی جشنواره سی‌امین تئاتر فجر، با پایان یافتن بخش‌های فجر استانی، رادیو تئاتر، نمایشنامه‌خوانی، کارگاه‌های آموزشی و اجراهای آیینی و عروسکی؛ بخش رقابتی این دوره از جشنواره در تهران آغاز به کار می‌کند.

آثار خوشنویسی در گالری «شکوه»

نمایشگاه آثار خوشنویسی امید بناکار شیرازی و رضا امینی در گالری «شکوه» گشایش یافت.

آثار خوشنویسی این دو هنرمند از آیات قرآن، اشعار حافظ و سعدی در دو سالن گالری شکوه در معرض دید عمومی قرار گرفته است.

این نمایشگاه تا جمعه ۱۴ بهمن دایر است و علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدن آثار این نمایشگاه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به گالری شکوه واقع در چهارراه فرمانیه، بلوار شهید اندرزگو، خیابان شهید سلیمی شمالی، کوچه امیر نوری، شماره ۹ مراجعه کنند.

عکس‌هایی از طبیعت و معماری در «ساربان»

«بازتاب» عنوان نمایشگاه ۴۴ قطعه عکس لاله و سیامک اسکندری در گالری «ساربان» است که از جمعه ۱۴ بهمن گشایش می‌یابد.

نمایشگاه «بازتاب» نخستین همکاری این خواهر و برادر (لاله و سیامک اسکندری) در حوزه عکاسی و مجموعه‌ای متنوع از مضامین اجتماعی و چشم‌اندازهای شهری و طبیعی با رویکردی مستندگونه است.

این نمایشگاه تا ۲۴ بهمن ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان می‌توانند به غیر از سه‌شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی خیابان شهید صابونچی، کوچه مهماندوست، شماره ۸ مراجعه کنند.

کارگاه تخصصی «روش‌شناسی پژوهش در هنر» در پژوهشکده هنر

پژوهشکده هنر، کارگاه تخصصی «روش‌شناسی پژوهش در هنر» را با حضور دکتر سیدغلامرضا اسلامی برگزار خواهد کرد.

به گزارش روابط عمومی پژوهشکدهٔ هنر، این پژوهشکده در نظر دارد کارگاه ذکر شده را با حضور دکتر سیدغلامرضا اسلامی، معاون آموزشی و دانشیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران چهارشنبه ۱۹ بهمن از ساعت ۹ تا ۱۶ برگزار کند. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام در این دوره می‌توانند با پژوهشکده هنر به شماره تلفن‌های ۲ ـ ۶۶۹۵۶۱۹۰ تماس حاصل کنند.

هفت نگرش از جهان از هفت هنرمند جوان در نگارخانه «لاله»

نمایشگاه گروهی نقاشی از هفت هنرمند جوان در نگارخانه لاله گشایش یافت.

در این نمایشگاه آثاری از رقیه اسمعیلی نسب، آمنه امیراحمدی، فاطمه ایجی، لولیتا برات‌پور، زهرا روشکی، شیوا خدیویان و شیوا عینی به نمایش در خواهد آمد. همچنین در این نمایشگاه حدود ۵۰۰ اثر در ابعاد متفاوت با تکنیک اکریلیک و رنگ و روغن و ترکیب مواد ارائه می‌شود.

این نمایشگاه تا هجدهم بهمن برپا خواهد بود. نگارخانه لاله واقع در ضلع شمالی پارک لاله هر روز از ساعت ۹ تا ۱۳ و ۱۵ تا ۱۹ آماده دیدار علاقه‌مندان است.

گالری «آرته» میزبان عکس‌های «بشرنامه»

نمایشگاه عکس «بشرنامه» از هفتم بهمن در گالری «آرته» برپا شده و تا ۱۷ بهمن ادامه داد. در این نمایشگاه عکس‌ها و آثار سمانه زرچی هنرمندی که موفق شد در جشنواره جهانی عکس ترینبرگ و جشنواره بین‌المللی عکس خلاق آمریکا برگزیده شود به نمایش درآمده است. این نمایشگاه تا ۱۷ بهمن در گالری آرته به نشانی شیراز جنوبی، پایین‌تر از همت، بلوار علیخانی، ۲۰ متری گلستان، ۱۲ متری دوم، شماره ۳، از ساعت ۱۶ تا ۲۰ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

نقاشی‌های مهدی حسینی در گالری «خاک»

نمایشگاه آثار نقاشی مهدی حسینی از ۸ بهمن در گالری خاک به نمایش درآمد. مهدی حسینی، استاد دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان هنر به مهر گفت: آثاری در گالری خاک حاصل آخرین تجربیات هنری من در نقاشی و کار روی متریال‌های جدید است.

نمایشگاه نقاشی‌های مهدی حسینی تا ۲۴ بهمن در گالری خاک دایر خواهد بود. گالری خاک که در خیابان شریعتی، دو راهی قلهک، خیابان بصیری، کوچه ژیلا قرار دارد، شنبه‌ها تعطیل است.

اختراعات و اکتشافات ایرانیان در «آفتاب شرق»

«آفتاب شرق» یک مجموعه داستانی ـ مستند سیزده قسمتی ۳۰ دقیقه‌ای درباره اختراعات و اکتشافات ایرانیان در طول اعصار تاریخی و براساس مدارک مستدل و علمی است.

به گزارش روابط عمومی این سریال، داستان مجموعه درباره آقای بردبار (بازنشسته یک موسسه پژوهشی شناخته شده که همچنان ادامه همکاری دارد) و دو نوه دختری او (فرزین و فرزانه که ۱۴ و ۱۳ ساله‌اند) است که در هر قسمت با ورود به یک موضوع به بررسی آن می‌پردازند. فرزین و فرزانه به خاطر این که مادر و پدرشان گیاه‌شناس هستند و به آفریقا سفر کرده‌اند برای مدتی پیش پدربزرگ زندگی می‌کنند و در سفرهای مختلف همراه او می‌شوند که برخی از این سفرها را بچه‌ها ترتیب می‌دهند و در برخی دیگر در مأموریت‌های کاری پدربزرگ همراه او می‌شوند.

ساختار این مجموعه از ترکیب چهار قالب داستانی، داستان تاریخی، انیمیشن و مستند تحلیلی، تحقیقی تشکیل می‌شود تا در یک فضای داستانی سرگرم‌کننده بتوان به انعکاس مناسب موضوعات برنامه پرداخت.

نقاشی‌های شاهین آروین در گالری «شکوه»

نمایشگاه آثار نقاشی شاهین آروین از جمعه ۱۴ بهمن در گالری شکوه برپا می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند از ۱۴ تا ۱۹ بهمن از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی چهارراه فرمانیه، بلوار شهید اندرزگو، خیابان سلیمی شمالی کوچه امیرنوری، شماره ۱۹ مراجعه کنند.

اجرای «تله موش» «آگاتا کریستی» در تماشاخانه تهران

مجید جعفری نمایش «تله موش» نوشته آگاتا کریستی را در تماشاخانه تهران روی صحنه می‌برد.

به گزارش مهر، مجیدی در این‌باره گفت: نمایش «تله موش» نوشته آگاتا کریستی را از ۹ بهمن در تماشاخانه تهران روی صحنه می‌برم. برای اینکه همزمان همه سلیقه‌ها بتوانند نمایش مورد نظر خود را تماشا کنند بعد از اجرای این اثر و از ساعت ۲۱ نمایش «خوده خودشه» که نمایشی طنز است اجرا می‌شود.

رضا پاپی، شهرام مسعودی، مروارید جعفری، بهروز پوربرجی، کتایون بختیاری، محمد بختیاری، سروین رفیعیان و بهرنگ فرهنگ دوست بازیگران نمایش تله موش هستند. این نمایش از یکشنبه ۹ بهمن ساعت ۱۹ در تماشاخانه تهران واقع در تقاطع طالقانی ولیعصر روی صحنه رفت.

دیدار وزرای فرهنگ ایران و فلسطین



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با وزیر فرهنگ، ورزش و جوانان فلسطین از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای ساختن فیلم سینمایی درباره مقاومت ۲۲ روزه مردم غزه در مقابله با حملات رژیم صهیونیستی خبر داد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر سیدمحمد حسینی صبح دوشنبه در دیدار با محمدابراهیم المدهون وزیر جوانان، ورزش و فرهنگ دولت منتخب فلسطین، با اشاره به مشترکات فراوان بین ایران و فلسطین ابراز امیدواری کرد که این رفت و آمدها باعث توسعه و گسترش تعاملات فرهنگی بین دو ملت شود.

وی با اشاره به ساخت فیلم سینمایی «۳۳ روز» درباره مقاومت مردم لبنان ابراز امیدواری کرد، هر چه زودتر با همکاری طرف فلسطینی فیلم دیگری نیز درباره مقاومت ۲۲ روزه مردم غزه در مقابل رژیم صهیونیستی ساخته شود.

حسینی افزود: منتظر تهیه فیلمنامه این فیلم توسط دکتر الزهار هستیم و به محض آماده‌شدن آن، کار ساختن این فیلم آغاز می شود.

وزیر ارشاد گفت: می توانیم همکاری های بسیار خوبی در زمینه های فرهنگی ـ هنری داشته باشیم. وی ابراز امیدواری کرد که با شرایط پدید آمده در مصر، رفت و آمدها از طریق مصر به غزه آسان‌تر شود.

حسینی ضمن اشاره به تحولات روی داده در کشورهای اسلامی نیز گفت: یکی از دغدغه های ما در این تحولات، موضع آن کشورها درباره فلسطین است.

وی افزود: همانگونه که در زمان انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از مهمترین شعارها، حمایت از مردم فلسطین و محکومیت رژیم غاصب صهیونیستی بود.

حسینی گفت: با توجه به بیداری اسلامی روی داده در مصر امیدواریم شاهد برقراری نظامی ضد صهیونیستی و حامی مردم فلسطین در این کشور باشیم.

حسینی با اشاره به همکاری های دو جانبه ایران و دولت منتخب فلسطین و نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در این میان، از تمایل جمهوری اسلامی برای افزایش همکاری های همه جانبه فی مابین خبر داد.

وی با اشاره به نامگذاری امسال به عنوان آموزش در غزه نیز گفت: ما برای برگزاری هر چه بهتر این مراسم و تجهیز مدارس و برنامه هایی نظیر پخش فیلم آمادگی داریم. حسینی به آموزش زبان عربی در ایران نیز اشاره کرد و گفت: امیدواریم امکاناتی در فلسطین مهیا شود که زبان فارسی نیز در این سرزمین اسلامی در سطح گسترده ای آموزش داده شود.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: آمادگی کامل داریم برای تکمیل این فرآیند، میزبان دانش پژوهان در مقاطع تحصیلات تکمیلی باشیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان ضرورت ایجاد دفتر نمایندگی وزارت ارشاد در غزه گفت: بهتر است دفتری در غزه وجود داشته باشد تا استادان و مربیان در حوزه‌های مختلف بویژه فرهنگی ـ هنری از ایران برای آموزش‌دادن به آن شهر سفر کنند.

وزیر جوانان، ورزش و فرهنگ دولت منتخب فلسطین گفت: بسیار خوشحال هستم که اکنون پس از مدت‌ها انتظار، فرصت چنین دیداری برای من مهیا شده است.

محمدابراهیم المدهون افزود: ایران تنها کشوری است که متفاوت با سایر کشورهای جهان، پشتیبان و یاریگر مردم فلسطین بوده در کنار ما، بویژه در سختی ها حضور داشته است.

وی گفت: فلسطین و غزه مراحل بسیار سختی را به تازگی گذرانده اند و ایران در این شرایط همواره کمکی همه جانبه داشته است.

المدهون ادامه داد: مساله جنگ ۲۲ روزه غزه باید در تاریخ ثبت شود، از این رو از ساخت فیلم ۲۲ روز نیز استقبال می کنیم.

وی گفت: موضوع فرهنگ بحثی سرگرم‌کننده نیست، بلکه آگاهی بخشی، ساختن انسان‌ها و راه سازندگی است از این رو ایران می تواند برای ما الگو باشد.

وزیر جوانان، ورزش و فرهنگ دولت منتخب فلسطین افزود: پیشرفت های خوبی در زمینه های فرهنگی و هنری بویژه سینما در ایران مشاهده می‌شود و انتظار داریم که با همکاری ایران یک منظومه فرهنگی تکامل یافته در فلسطین تشکیل شود.

وی گفت: مایل هستیم جمهوری اسلامی ایران مرکزی برای آموزش زبان فارسی و نیز همکاری‌های فنی، فرهنگی و دانشگاهی در جهت سازندگی در فلسطین راه‌اندازی کند.

معرفی برگزیدگان جشنوارهٔ فصلی مطبوعات و خبرگزاری‌ها



عکس از: محسن وزیری / اطلاعات

در بخش گزارش، خانم فریده عباسی از روزنامه اطلاعات برگزیده سوم شناخته شد

سرویس فرهنگی ـ هنری: سومین جشنواره فصلی مطبوعات و خبرگزاری‌ها دیروز با معرفی برگزیدگان و رونمایی از سایت سرای روزنامه‌نگاران به کار خود پایان داد.

به گزارش خبرنگار ما محمدجعفر محمدزاده معاون مطبوعات وزارت در این مراسم گفت: دو فصل گذشته جشنواره فصلی مطبوعات در بهار و تابستان ۹۰ برگزار شد و ما هر بار یک گام به جلو برداشته‌ایم و در آینده هم گام‌هایی بیشتری را به جلو بر می‌داریم. ما همه مسئولیم که برای ارتقای فرهنگ کشور تلاش کنیم.

او در ادامه افزود: در سال آینده جشنواره جشنواره‌ها را برگزار می‌کنیم که برنامه‌های آن در دست طراحی است و به نظر می‌رسد که گام مثبت و مفیدی برای نیل به هدف و مقصود اصلی ما باشد.

محمدزاده گفت: در کنار برگزاری هر جشنواره فصلی، یک کتاب به عنوان «بعد از خبر» منتشر شده است. امروز این کتاب‌ها منبع بسیار ارزشمندی در رشته‌های علوم روزنامه‌نگاری هستند و در این مراسم سومین جلد از کتاب بعد از خبر هم رونمایی می‌شود که شامل بایگانی و آرشیو آثار برگزیده فصل پاییز مطبوعات کشور هستند.

او در ادامه گفت: همه برنامه‌های ما حول محور توسعه کیفی است و حتی شاهد این توسعه کیفیت در نمایشگاه مطبوعات امسال بودیم. می توان مردم را با مطبوعات آشتی داد و وقتی این ارتباط برقرار شود، می توانند کیفیت نشریات را هم ارتقا بخشند.

محمدزاده خاطر نشان کرد: باید در بخش توسعه کیفی پیشرفت کنیم و اگر جشنواره‌ای در این دوران برگزار می‌شود به همین دلیل است.

معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: امروزه مشکلات چاپ و توزیع و غیره گریبانگیر مطبوعات است. یارانه‌ای هم که دولت پرداخت می کند با توجه به این تعداد از نشریات، رقم قابل توجهی نیست.

در اینجا باید گفت میزان پرداخت یارانه برای ما شاخص‌های کمی و کیفی است و تیراژ معیار اصلی پرداخت یارانه نیست. ما در آینده باید پاسخگوی عملکرد امروز خود باشیم.

آینده ما، عملکرد امروز ماست و امروز نتیجه همان چیزی است که به آن می اندیشیم. ما از روزنامه برای پیشرفت جامعه استفاده می کنیم.

در این مراسم محمود اکرامی فر دبیر جشنواره فصلی مطبوعات نیز گفت: ما یک تیم داوری از زبده‌ترین روزنامه‌نگاران و خبرنگاران داریم که هر روز روزنامه‌های کثیرالانتشار را رصد می کنند تا درستی‌های مطبوعات را بهتر ببینند.

ما هر هفته بهترین تیتر هفته، بهترین خبر، گزارش، مقاله و عکس را معرفی و در یک نامه به رسانه مربوطه معرفی می کنیم. از این هفته هر بخش توسط دو نفر داوری خواهد شد تا بدینوسیله احتمال خطا هم کاهش پیدا کند.

او در ادامه افزود: متاسفانه در حیطه تیترهای روزنامه‌ها جز تیتر یک، دو و سه از تیتر خبرگزاری‌ها استفاده می‌شود. پیشنهاد ما این است که تیترها تولیدی باشند.

اکرامی فر گفت: در گفت‌وگوها و گزارش‌ها، دیده می‌شود که بیشتر گفت‌وگوها تلفنی و گزارش‌ها پشت میزی هستند و کمتر فعالیت‌های میدانی صورت می گیرد. گفتگوکننده باید به موضوع مسلط باشد علاوه بر اینکه در نقدهای هنری هم بیشتر «نقل» صورت می گیرد.

نقد یعنی دیدن خوبی‌ها و نشان دادن زیبایی‌ها. این جشنواره هم می‌خواهد زیبایی‌ها را نشان دهد.

در این مراسم کتاب «بعد از خبر» و سایت سرای روزنامه‌نگاران هم به نشانی www.iranjforum.com رونمایی شد.

برگزیدگان بخش گزارش:

رتبه اول: مهری حقانی از روزنامه فرهیختگان / رتبه دوم: علیرضا حسنیه از روزنامه رسالت / رتبه سوم: فریده عباسی از روزنامه اطلاعات با اثر «مکالمه اصل فراموش شدن در آموزش زبان انگلیسی در ایران».

برگزیدگان جشنواره هنری ایران ۱۴۰۴ معرفی شدند



آیین اختتامیه نخستین جشنواره هنری ایران ۱۴۰۴ با قدردانی از کارگردانان فیلم‌های سینمایی «خیلی دور، خیلی نزدیک»، «فرش باد»، «کیمیا»، «سیب و سلما» و «گلچهره» برگزار شد. به گزارش خبرنگار مهر مراسم اختتامیه نخستین جشنواره هنری ایران ۱۴۰۴ شامگاه دوشنبه دهم بهمن ماه در تالار اندیشه حوزه هنری با تجلیل از سیدرضا میرکریمی، کمال تبریزی، احمدرضا درویش، حبیب‌الله بهمنی و وحید موسائیان برگزار شد. در ابتدای این مراسم مرتضی گودرزی دیباج؛ دبیر کل جشنواره ۱۴۰۴ و هنرمند نقاش گفت: جشنواره ایران ۱۴۰۴ گامی برای تحقق سند چشم‌انداز است. وی افزود: جشنواره هنری ایران ۱۴۰۴ ستاره‌ای درخشان بر پیشانی جمهوری اسلامی است، با توجه به تحولات اخیر جهان و منطقه افق جدیدی پیش روی انقلاب اسلامی و انسان قرار گرفته است. بدون داشتن چشم‌اندازی روشن و هوشمندانه نمی‌توان در این فضا به اهداف انقلاب اسلامی دست یافت. وی ادامه داد: همین آینده‌نگری باعث ترسیم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله شده‌است که به تائید مقام معظم رهبری رسیده و در اختیار تمام دستگاه‌ها قرار گرفته است، سند چشم‌انداز چراغ راه ما است و افق ایران اسلامی در سال ۱۴۰۴ را طراحی می‌کند و در همه تصمیم‌ها و سنجش‌هایمان باید به آن توجه کنیم.

قدردانی از فیلمسازان برگزیده

در مراسم اختتامیه نخستین جشنواره هنری ایران ۱۴۰۴ و در بخش سینما از کارگردان‌های فیلم‌های سینمایی «خیلی دور، خیلی نزدیک»، «فرش باد»، «کیمیا»، «سیب وسلما» و «گلچهره» تقدیر شد. محسن مومنی‌شریف؛ رئیس حوزه هنری، سهیل جهان بیگلری؛ مدیر عامل سازمان توسعه سینمایی سوره و دبیر بخش سینمای جشنواره، رضا مهدوی؛ مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری، شاهین فرهت؛ موسیقیدان و امیر خوراکیان؛ رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برای اهدای جایزه برگزیدگان بخش موسیقی، معماری و سینمای جشنواره روی سن رفتند.

با اهدای لوح و جایزه نقدی به رضا میرکریمی، احمدرضا درویش، وحید موسائیان، حبیب‌الله بهمنی و کمال تبریزی بخش بعدی مراسم شروع شد. در این قسمت از برنامه احمدرضا درویش در سخنانی کوتاه گفت: این مراسم باشکوه برای تجلیل از سینمای ایران برپا شده است و من اینجا یاد خسرو شکیبایی عزیز را زنده نگه می‌دارم. سینمایی که موجب عزت و غرور ملت ایران است. امروز پژواک نام ایران با سینمای ایران در آمیخته است.

آغاز به کار جشنواره هنرهای تجسمی فجر



چهارمین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر با قرائت پیام دکتر سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در موزه هنرهای معاصر گشایش یافت.

به گزارش سه شنبه ایرنا، در مراسم افتتاحیه این رویداد هنری که با حضور معاون هنری امور وزیر ارشاد، مدیرکل هنرهای تجسمی، جمع کثیری از هنرمندان پیشکسوت، داوران، اعضای شورای سیاستگذاری و شرکت کنندگان در این رویداد هنری در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد، علی امیراحمدی مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیام وی را به این جشنواره قرائت کرد.

در بخشی از پیام وزیر ارشاد آمده بود: هنر در ذات خود زیبایی دارد و هنرهای تجسمی ترکیبی از ذات و ظاهر زیبا را به چشم و بیننده، بر نگاه و صاحب نگاه القا می‌کند.

حسینی در این پیام، هنرمند را دارای دمی عیسایی توصیف کرده و ادامه می‌دهد: هنرمند به جسمی جان بخشید، بر بوم رنگی کشید، برسنگی نقشی گذاشت، بر دفتری خطی نوشت، با تربتی آبی سرشت و آنگاه جانی جاودانش عطا نمود و بر طاقچه اعتبارش جا نمود.

به گزارش مهر همچنین محمود شالویی؛ مدیرکل هنرهای تجسمی در این مراسم با اشاره به استقبال هنرمندان به‌خصوص جوانان از جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر گفت: استادان و هنرمندان پیشکسوت و هنرمندان جوان که بالاترین آمار شرکت‌کنندگان جشنواره را دارند با حضور خود بر رونق این رخداد مهم هنری می‌افزایند و جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر در همین مدت کوتاه چهار سال توانسته به جایگاهی برسد که اعتماد و اقبال هنرمندان را معطوف خود کند.

شالویی افزود: در این دوره بیش از ۶۰۰۰ هنرمند با حدود ۲۶ هزار اثر در جشنواره شرکت کردند و بیش از ۳۰۰۰ اثر نیز در رشته‌های کاریکاتور، پوستر و عکس به جشنواره ارسال شد که استقبال بی‌سابقه هنرمندان از این رویداد هنری را نشان می‌دهد.

در ادامه مراسم محمدعلی رجبی؛ دبیر چهارمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر گفت: فجر از سویی شناخت ریشه‌ها و اصالت‌هاست و جشنواره فجر شناخت و توجه به اصالت‌های هنر است. از سوی دیگر فجر شناخت زمانه و تعهد به اجتماع انسانی است و ویژگی دیگر فجر امید به آینده است. وی افزود: بنابراین جشنواره فجر به اصالت‌ها و ریشه‌های هنری توجه دارد، نسبت به زمانه شناخت دارد و با امید از آینده سخن می‌گوید. رجبی ادامه داد: هنرمندان می‌بایست ریشه‌های هنری خود را بشناسند، با زمانه خود همراه شوند و با امید نوید آینده را بدهند و هنری که با این مشخصه‌ها خلق شود، هنر فجر است. در ادامه مراسم با حضور محمود جوادی‌پور؛ پیشکسوت هنر نقاشی ایران، حمید شاه‌آبادی؛ معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود شالویی؛ مدیرکل هنرهای تجسمی و محمد علی رجبی؛ دبیر جشنواره کیک چهار سالگی جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر بریده شد.

انتخاب پرتال امام خمینی (ره) به عنوان بهترین سایت حوزه دین و معارف

پرتال امام خمینی (ره) در جشنواره وب سایت‌های ایران به انتخاب هیأت داوران، به عنوان بهترین سایت حوزه دین و معارف شناخته شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، پرتال امام خمینی (ره) در جشنواره وب سایت‌های ایران به انتخاب هیأت داوران، در میان چهار نامزد به عنوان بهترین سایت حوزه دین و معارف شناخته شد.

در بخش دین و معارف این جشنواره بیش از ۸۳ سایت شرکت کننده حضور داشتند که فقط چهار سایت «پایگاه تخصصی قرآن شناسی قرآن کریم»، «پایگاه جامع عاشورا»، «پرتال امام خمینی (ره)» و «نورپرتال» واجد شرایط شرکت در بخش مسابقه شناخته و به عنوان نامزدهای نهایی معرفی شدند. هیأت داوران جشنواره وب سایت‌های ایران هم در پایان پرتال امام خمینی (ره) را به عنوان برگزیده این جشنواره در بخش دین و معارف معرفی کرد.

در بخش بهترین سایت به زبان انگلیسی هم که تعداد ۲۸ سایت شرکت کرده بودند، سایت «پرتال امام خمینی (س) به زبان انگلیسی» هم در بین پنج نامزد اصلی حضور داشت.

جشنواره وب سایت‌های ایران از معتبرترین جشنواره‌های حوزه فناوری اطلاعات است که تاکنون سه دوره آن از سال ۱۳۸۷ توسط پایگاه خبری وب سایت‌های ایران (وبنا) به همراه گروهی از فعالان و متخصصین حوزه وب در ایران برگزار گردیده است. این جشنواره در آبان ماه ۹۰ به عضویت رسمی کنسرسیوم وب جهانی درآمد. کنسرسیوم وب یک انجمن بین‌المللی است که استانداردهای مربوط به وب را طراحی و تدوین می‌کنند.

امسال هم چهارمین دوره جشنواره در مقیاس بزرگتری و با برنامه‌های متنوع‌تر در سرتاسر کشور برگزار خواهد شد و وب سایت‌های ایرانی در بیش از ۹۰ گروه مختلف به رقابت خواهند پرداخت تا برترین‌های امسال هم در پایان داوری در روز اختتامیه جشنواره معرفی و از آنها تقدیر گردد.

جشنواره ملی نوآوری و شکوفایی فجر انقلاب اسلامی برگزار می‌شود

سرویس آموزشی: چهارمین جشنواره ملی نوآوری و شکوفایی فجر انقلاب اسلامی از ۱۵ تا ۱۸ بهمن در مصلای امام خمینی (ره) تهران برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما نسرین سلطان‌خواه، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری درباره این جشنواره به خبرنگاران گفت: در طول سال جاری ۸ جشنواره نوآوری در سراسر کشور برگزار شد و در مجموع ۱۱۱۳ اختراع در این جشنواره‌ها دریافت شد که از این تعداد ۲۹۲ اختراع تأیید و از حمایت‌های بنیاد ملی نخبگان برخوردار شدند. تعدادی هم برای داوری مجدد به جشنواره ملی نوآوری امسال ارجاع شده‌اند.

به گفته سلطان‌خواه، برای داوری اختراعات حاضر در جشنواره امسال، سه معیار علمی بودن، نو بودن و قابلیت تجاری شدن را داشتن مورد توجه است.

رئیس بنیاد ملی نخبگان تأکید کرد: بخش داوری و بخش تجاری‌سازی، از جمله بخش‌های چهارمین جشنواره ملی نوآوری و شکوفایی فجر انقلاب اسلامی هستند که اختراعات حاضر در بخش داوری، از حمایت‌های بلاعوض یک تا ۵ میلیون تومانی بنیاد ملی نخبگان برخوردار خواهند شد.

همچنین به اختراعاتی که در بخش تجاری‌سازی حضور می‌یابند، کمک می‌کنیم تا اختراع‌شان به مرحله انعقاد قرارداد با سرمایه‌گذاران برسد.

سلطان‌خواه افزود: طی برگزاری سه جشنواره ملی نوآوری، در مجموع ۱۰ هزار و ۵۰۰۰ اختراع مورد داوری قرار گرفت و از این تعداد ۱۶۰۰ اختراع تأیید شد. همچنین تعدادی از اختراع‌ها به مبلغ ۶ میلیارد تومان مورد حمایت نخبگان واقع شدند.

آلیا السّتی، معاون پژوهشی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و دبیر چهارمین جشنواره ملی نوآوری هم گفت: جشنواره امسال بخش‌های گوناگونی دارد که بخش داوری، تجاری‌سازی، بین‌الملل و بخش تجاری شده، از جمله بخش‌های مهم آن هستند.

السّتی توضیح داد: در بخش داوری ۲۵۵ مخترع با ۲۱۴ اختراع شرکت می‌کنند، در بخش تجاری‌سازی که شامل اختراع‌های دارای قابلیت تجاری شدن هستند، ۳۱۰ مخترع با ۲۷۵ اختراع حضور دارند و در بخش بین‌الملل ۳۳ مخترع از ۱۸ کشور دعوت شده‌اند.

او اضافه کرد: در بخش تجاری شده نیز مخترعانی حضور می‌یابند که اختراعات آنها در جشنواره‌های پیشین تأیید شده است و حضورشان در جشنواره امسال، جنبه الگویی برای مخترعان جدید دارد.

به گفته السّتی، همزمان با برگزاری جشنواره امسال، نمایشگاه بزرگ تجاری‌سازی اختراعات و نوآوری‌ها نیز برپا می‌شود.

رادیو نمایش از چهره‌های تئاتری تجلیل کرد



رادیو نمایش با حضور محمدحسین صوفی معاون صدای جمهوری اسلامی ایران و مهدی دهقان‌نیری مدیر مرکز هنرهای نمایشی رادیو و رادیو نمایش، دوشنبه ۱۰ بهمن در قالب مراسمی از چهره‌های شناخته شده عرصه تئاتر تجلیل به عمل آورد.

به گزارش مهر، در این مراسم که در حاشیه برگزاری بخش رادیو تئاتر جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برگزار شد با حضور چهره‌های شناخته شده و فعالان عرصه رادیو و نمایش‌های رادیویی از ایرج راد، ثریا قاسمی، داریوش مؤدبیان، داود رشیدی و قطب‌الدین صادقی تجلیل به عمل آمد. در این مراسم هر کدام از این چهره‌های شناخته شده تئاتر و هنرهای نمایشی در خصوص ویژگی‌ها و تأثیرگذاری‌های رادیو و به‌ویژه رادیو نمایش بر فرهنگ جامعه سخن گفتند.

نادر برهانی مرند، محمد یعقوبی، محمدامیر یاراحمدی و دیگر چهره‌های نمایشنامه نویسی و فعالان مرکز هنرهای نمایشی رادیو در این مراسم حضور داشتند. بخش رادیو تئاتر سی‌امین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز از ۵ تا ۱۱ بهمن با حضور ۱۳ اثر نمایشی از تهران و شش استان در تالار انتظامی خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

اجرای ۱۰۰ برنامه فرهنگی و هنری به مناسبت دهه فجر در تهران

رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران از برگزاری بیش از یکصد ویژه برنامه در مراکز فرهنگی هنری پایتخت به مناسبت سی‌وسومین سالگرد فجر انقلاب خبر داد و گفت: مراکز فرهنگی هنری پایتخت، همپای مردم و دیگر نهادها، با توجه به تقارن این ایام با ولادت با سعادت پیامبر رحمت و امام صادق(ع) و هفته وحدت، برپایی ویژه برنامه‌های متعددی را در دستور کار دارند.

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، امیر خوراکیان با اشاره به تعدادی از این برنامه‌ها، برگزاری نمایشگاه و مسابقه عکس «انقلاب در خانه ما» از ابتدای دهه فجر تا پایان بهمن را یکی از برنامه‌های امسال بیان کرد و گفت: این نمایشگاه در ۲۱ نگارخانه و ۶۰ ایستگاه مترو پایتخت برگزار می‌شود.

وی به برگزاری فرهنگسرای «ایران ما» در روز ۲۲ بهمن و در مسیر راهپیمایی، مسابقه لبیک گویان، مسابقه از «انقلاب بگو» اشاره کرد و گفت: ویژه برنامه روز ورود امام(ره) از سوی فرهنگسرای رضوان در بهشت‌زهرا(س) برگزار می‌شود. خوراکیان به تولید سمفونی ولایت به همت فرهنگسرای ولاء، رونمایی کتاب صوتی شرح ماجرا مربوط به روز ۱۷ بهمن و مستند سرزمین من با همکاری مرکز اسناد انقلاب اسلامی در روز ۱۵ بهمن در فرهنگسرای انقلاب، هشت نشست موضوعی، ۱۴ نمایشگاه، ۲۹ برنامه ترکیبی، ۱۸ مسابقه، دو اکران فیلم سینمایی، چهار اجرای هنری، سه برنامه گردشگری و تولید شش محصول فرهنگی را از دیگر برنامه‌های این سازمان در ایام دهه فجر بیان کرد و گفت: سلسله همایش‌های «جوان ایرانی، زندگی ایمانی» همه روزه تا ۱۹ بهمن با حضور استادان و جوانان کشور به منظور بررسی موضوع ارتقاء فرهنگ و اخلاق جوانان برگزار می‌شود.

براساس این گزارش، اجرای نمایش دیوارهای خاطره از ۱۲ تا ۲۰ بهمن در خانه فرهنگ باصفا، اجرای نمایش گلبانگ رهایی روز ۱۶ بهمن در خانه فرهنگ وردآورد، برنامه گذری در کوچه‌های انقلاب، مسابقه داستان‌نویسی قصه را تمام کن در دهه فجر، کتابخوانی پیام‌آور امید و سپیده‌دم امید تا ۳۰ بهمن، طراحی پوستر و مسابقه نقاشی کودک از جمله برنامه‌های این سازمان در سالگرد پیروزی انقلاب است.

علاقه‌مندان برای شرکت در برنامه‌ها به فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ محل زندگی خود مراجعه کنند.

به انگیزهٔ فرارسیدن سالروز شهادت مهر سپهر سروری حضرت امام حسن عسگری(ع):

آسمان عصمت

رضا اسماعیلی

دارم دلی به سینه، شهید جمال تو
در حسرت تنفس بوی وصال تو
دائم به سینه یاد تو را می‌کنم مرور
بیرون نمی‌رود ز سر من خیال تو
داغت نشسته بر دل حسرت نصیب من
خون گریه می‌کند دلم از ارتحال تو
اینجا منم مجاور وسواس اهرمن
آنجا تویی کنار خدا، خوش به حال تو
ما را بخوان به باغ تماشای جلوه‌ات
تا بشکفیم از نفحات جمال تو
تو آسمان عصمت و عشق و کرامتی
خورشید و ماه، آینه‌دار جلال تو
بنیانگذار سلسلهٔ لاله‌ها تویی
بنیانگذار سلسلهٔ عشق، آل تو
تفسیر نقطه‌های جمال تو مشکل است
من عاجزم ز ترجمهٔ خط و خال تو
بالا بلند! مانده دلم در نشیب هجر
دستم نمی‌رسد به فراز وصال تو
امشب غمت تمام دلم را گرفته است
شکر خدا که سیب دلم گشته مال تو
ای نور عسگری! به خدا می‌خورم قسم
مهدی بُوَد ادامهٔ نور کمال تو
مولای عشق! چشمهٔ رحمت، بهار حسن
فردا من و شفاعت سبز و زلال تو

کوتاه آموزشی

زنگ انقلاب، امروز در مدارس کشور نواخته می‌شود

همزمان با فرا رسیدن سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، «زنگ انقلاب»، امروز چهارشنبه در مدارس سراسر کشور طنین‌انداز می‌شود. مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد همزمان با آغاز دهه فجر، رأس ساعت ۹:۳۳ امروز ۱۲ بهمن مصادف با ورود تاریخی امام خمینی (ره) به ایران، «زنگ انقلاب» در مدارس سراسر کشور نواخته می‌شود.

بر اساس این گزارش، این مراسم در تهران با حضور حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش در دبستان رفاه منطقه ۱۲ آموزش و پرورش شهر تهران که امام خمینی (ره) در بدو ورود به میهن اسلامی و پس از سخنرانی در بهشت‌زهرا در آن مدرسه حضور یافتند، برگزار می‌شود.

دلیل صادر نشدن حکم ریاست دانشگاه آزاد

دبیر هیأت موسس دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به علت اصلی امضا نشدن حکم ریاست فرهاد دانشجو از سوی آیت الله هاشمی رفسنجانی تاکنون، گفت: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ریاست فرهاد دانشجو تازه عصر روز دوشنبه به دست رئیس هیأت امنا رسیده است.

حمید میرزاده در گفتگو با مهر اضافه کرد: طی چند روز گذشته این سؤال که «چرا رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی حکم فرهاد دانشجو را امضا نمی کند»، تبدیل به یک علامت سؤال شده است.

عضو هیأت امنای دانشگاه آزاد گفت: این در حالیست که دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تازه عصر روز دوشنبه به صورت دستی، حکمی را که رئیس‌جمهور در تاریخ ۸ بهمن ماه به عنوان مصوبه این شورا امضا کرده است، به آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی تسلیم کرد.

وی گفت: این بدان معنا است که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی بعد از گذشت ۲ هفته از برگزاری جلسه ۲۷ دی ماه این شورا که ریاست فرهاد دانشجو در آن تایید شد، به رئیس هیأت امنای این دانشگاه رسید.

به گفته میرزاده حکمی که دکتر احمدی‌نژاد ۸ بهمن ماه به عنوان مصوبه شورایعالی انقلاب فرهنگی امضا کرده بر اساس گزارش وزیر علوم در جلسه ۲۷ دی ماه این شورا بوده است.

دبیر هیأت موسس دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه اظهار داشت: طبق مقررات تا زمانیکه حکمی به رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد ابلاغ و یا در روزنامه رسمی کشور درج نشود، جنبه اجرایی ندارد.

میرزاده گفت: رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی بنا دارد فرهاد دانشجو را در جلسه هیأت امنا دعوت کند تا وی برنامه‌های خود را برای ریاست این دانشگاه اعلام کند. پس از آن نسبت به صدور حکم وی تصمیم گیری می شود.

به گفته عضو هیأت امنای دانشگاه آزاد، مصوبه‌ای که دیروز ابلاغ شده، نمی‌تواند بلافاصله تبدیل به حکم ریاست دانشگاه آزاد شود بلکه مستلزم برگزاری جلسه هیأت امنا و ارائه برنامه‌ها از سوی فرهاد دانشجو است.

وی خاطر نشان کرد: جلسه هیأت امنای دانشگاه آزاد احتمالا به زودی برگزار می‌شود.

شرایط اعطای ارز دانشجویی اعلام شد

معاون بورس و امور دانشجویان خارج سازمان امور دانشجویان وزارت علوم گفت: دانشجویان ایرانی خارج از کشور طبق مقررات ارزی بانک مرکزی که در سایت اداره کل امور بورس وزارت علوم اعلام شده است، می توانند ارز دانشجویی دریافت کنند.

حسن مسلمی نائینی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: این دانشجویان پس از ثبت نام در نشانی الکترونیکی http://nesha.msrt.ir و تعیین بانک می‌توانند به صورت اینترنتی از زمان دریافت ارز خود مطلع شوند. او ادامه داد: به دانشجویان و خانواده‌های آنها تاکید می‌شود که براساس زمان تعیین شده به وزارت علوم مراجعه کنند و زودتر از آن پیگیر نشوند.

او با بیان اینکه وزارت علوم در زمینه اعطای ارز، روزانه به ۲۵۰ نفر خدمات ارائه می‌کند، گفت: براین اساس به ترتیب اولویت ثبت نام، به دانشجویان ارز ارائه می‌شود. به گفته معاون بورس سازمان امور دانشجویان، دانشجویانی که به صورت پاره وقت تحصیل می‌کنند، به میزان روزهایی که خارج از کشور هستند، می‌توانند از ارز دانشجویی استفاده کنند.

سال آینده در شهر تهران «سرباز معلم» جذب نمی‌شود

مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران گفت: درسال تحصیلی آینده، در حوزه شهر تهران «سرباز معلم» جذب نمی‌شود.

علی یزدیخواه به فارس گفت: سرباز معلم‌ها اساساً برای مناطق محروم و صعب‌العبور که امکان اعزام فرهنگیان متأهل و دارای شرایط خاص به آن مناطق وجود ندارد، جذب می‌شوند. در حالی که شهر تهران چنین وضعیتی ندارد که نیاز به اعزام سرباز معلم باشد و اکنون هم جذب سرباز معلم در تهران سابقه نداشته است.

بنابراین گزارش، براساس بخشنامه معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش، در سال تحصیلی آینده ۵۳۲۲ سرباز معلم در آموزش و پرورش سراسر کشور جذب خواهند شد.

تجمع ۵۰۰۰ نفری دانشجویان مهدی‌یاور در مسجد جمکران

مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم گفت: همزمان با نهم ربیع‌الاول، سالروز آغاز امامت حضرت ولی‌عصر(عج) تجمع ۵۰۰۰ نفری دانشجویان مهدی‌یاور، امروز و فردا در مسجد مقدس جمکران برگزار می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر امور فرهنگی وزارت علوم، دکتر جلیل دارا، افزود: در راستای تعمیق و گسترش فرهنگ ناب و اصیل مهدویت در میان دانشجویان و به منظور گرامیداشت روز نهم ربیع‌الاول (آغاز ولایت امام عصر(عج)) این گردهمایی بزرگ با حضور دانشجویان و نمایندگان دستگاه‌ها و نهادهای دانشگاهی برگزار می‌شود.

همایش «آموزش عالی؛ الزامات تحول در آموزش فنی و مهندسی»

همایش «آموزش عالی؛ الزامات تحول در آموزش فنی و مهندسی» به همت شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با همکاری پژوهشکده سیاست گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف برگزار می‌شود. دکتر روستا آزاد، رئیس دانشگاه صنعتی شریف و دبیر این همایش گفت: تکنولوژی‌های نوین آموزشی، آموزش مبتنی بر پژوهش، آموزش الکترونیک، نظام برنامه‌ای، ارتباط دانشگاه با صنعت و مسأله محوری آموزش، از مهم‌ترین محورهای این همایش است.

همایش «آموزش عالی، الزامات تحول در آموزش فنی و مهندسی» ۱۴ اسفند امسال در دانشگاه صنعتی شریف، سالن جابرابن حیان برگزار می‌شود علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به سایت همایش به نشانی Higheredu.ir مراجعه کنند، یا با دبیرخانه همایش به شماره ۶۶۰۶۵۱۳۹ تماس بگیرند.

واگذاری ۲۵ هزار کارت اعتباری خرید کارگران

رئیس هیأت مدیره بانک توسعه تعاون از آماده شدن ساز و کار واگذاری ۲۵ هزار کارت اعتباری خرید کارگری و دستور رئیس جمهوری در این باره خبر داد.

ماشاءالله عظیمی در گفت‌وگو با مهر در خصوص جدیدترین اقدامات صورت گرفته برای واگذاری ۱۰۰ هزار کارت اعتباری خرید کارگران تا پایان سال جاری که قرار است ۲۵ درصد آن از طریق بانک توسعه تعاون و مابقی از سوی بانک‌های قرض الحسنه و رفاه کارگران انجام شود، گفت: ۲۵ هزار کارت اعتباری خرید کارگران از سوی بانک توسعه تعاون پیش بینی و واگذار خواهد شد.

وی در بخش تعاون، با اشاره به اینکه واگذاری کارت‌های اعتباری خرید برای مصرف کننده می تواند حمایت از سبد خرید کارگران را در پی داشته باشد، اظهار داشت: پیش بینی شده است تا با اولویت واحدهای بحرانی، مشکل دار و واحدهای نمونه طرح واگذاری کارت‌های اعتباری خرید کارگران در فاز اول اجرایی شود.

نامبرده با اشاره به این مطلب که کارت‌های اعتباری خرید هوشمند خواهند بود، گفت: این هدف برای آنها تعریف شده است که از طریق فروشگاه‌های خاصی بتوان کالای ایرانی را خریداری کرد و غیر از کالای ایرانی، امکان خرید با این کارت‌ها وجود نخواهد داشت.

مدیرعامل بانک توسعه تعاون، بیان داشت: از این طریق فروش کالای ایرانی و مصرف آن به فرهنگ تبدیل خواهد شد و از سویی هم از سوی خریداران داخلی مورد حمایت خواهد بود.

وی با اعلام اینکه برای واگذاری کارت‌های اعتباری کارگران ٤ درصد نرخ سود پیش بینی شده است، تصریح کرد: ساز و کار اجرای این طرح به صورت قرض‌الحسنه خواهد بود.

این مقام مسئول در بخش تعاون با اشاره به این موضوع که آغاز اجرای طرح واگذاری‌ها به کارگران به زودی از سوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام خواهد شد، گفت: در حال حاضر ما برای پرداخت تسهیلات آمادگی لازم را داریم و از دو منبع رایج هم برای این کار استفاده خواهیم کرد.

عظیمی در بخش دیگری از سخنانش در ارتباط با نحوه اولویت بندی کارگران مشمول دریافت کارت‌های اعتباری خرید کارگران، اظهار داشت: این اولویت بندی‌ها در کشور احصاء شده است و در فاز اول اجرا، اطلاعات مربوط به ۲۳۶ هزار کارگر مشخص شد.

البته ۱۰۰ هزار نفر از این افراد در مرحله اول کارت‌های اعتباری خود را خواهند گرفت و با ۳ اولویت مشاغل سخت و زیان آور مانند معدن، واحدهای نمونه صنعتی و دیگری واحدهای بحرانی کار دنبال می‌شود.

وی با اعلام اینکه با بررسی در این واحدها، اولویت‌بندی‌ها برای دریافت کارت اعتباری کارگران احصاء شده است، اظهار داشت: پیش‌بینی‌هایی هم برای نحوه تضمین کارت‌های اعتباری کارگران صورت گرفته است. این مقام مسئول در بخش تعاون تاکید کرد: مقرر شد که حساب یارانه فرد وام گیرنده به عنوان ضامن مشمولان دریافت کننده کارت اعتباری از سوی بانک‌ها پذیرفته شود.

مدیرعامل بانک توسعه تعاون تصریح کرد: البته این موضوع هم از طریق دو روش خواهد بود، اولاً اینکه کارگران بتوانند به صورت ضربدری ضامن همدیگر شوند و از سویی کارگران با پرکردن فرمی به بانک اجازه دهند در صورت پرداخت نکردن اقساط ماهیانه، بانک بتواند از حساب یارانه افراد برداشت کند. عظیمی در ارتباط با میزان اقساط ماهانه کارت‌های اعتباری خرید کارگران، اعلام کرد: اقساط ماهانه در ماه کمی بیش از ۶۲ هزار تومان و مدت زمان بازپرداخت آن هم ۲٤ ماهه است.

وی در پایان سخنانش، گفت: در حال حاضر کارت‌های بانکی در بانک توسعه تعاون آماده و واگذاری شده است و مشکل اعتباری آن هم وجود ندارد و کار برای این منظور و اجرای مرحله اول کار برنامه‌ریزی شده است.

نحوه محاسبه نرخ‌های جدید سود بانک‌های دولتی و خصوصی



سرویس اقتصادی ـ میزان فروش ارز با نرخ مرجع به مسافران خارج از کشور از ۱۰۰۰ به ۱۵۰۰ دلار افزایش خواهد یافت.

به گزارش خبرنگار اقتصادی اطلاعات فرشاد حیدری مدیرعامل بانک ملی در گفت‌وگو با خبرنگاران همچنین نحوه محاسبه نرخ سود جدید بانکی را تشریح کرد.

وی در پاسخ به خبرنگار اطلاعات درباره نحوه اجرایی شدن نرخ سود بانکی گفت: از هشتم بهمن بسته جدید سیاستی به سیستم بانکی ابلاغ شد و از نهم بهمن به اجرا درآمد.

نامبرده گفت: با توجه به جلسه مشترک مدیران بانک‌های خصوصی و دولتی، مبنای مشترکی برای محاسبه نرخ سود تعیین و به اجرا گذاشته شد.

به گفته وی فقط در یک مورد یک بانک اقدام به تبلیغ نرخ سود بیش از میزان تعیین شده کرده بود که دیگر این مورد هم منتفی شده است.

مدیرعامل بانک ملی تأکید کرد: نرخ جدید سود بانکی در همه بانک‌های دولتی و خصوصی یکسان است و فقط نرخ سود کوتاه‌مدت شامل نرخ‌های جدید می‌شود و برای محاسبه نرخ سود بلندمدت هم قرار شد صاحبان حساب اگر حساب را باطل و مجدداً آن را دایر کنند نرخ ۲۰ درصد محاسبه شود و در غیر این صورت قرار دادهای قبل جاری خواهد بود.

وی سپس گفت: این نرخ سود در مناطق آزاد هم اجرا می‌شود و با سرزمین داخلی تفاوتی ندارد.

رئیس شورای هماهنگی مدیران عامل بانک‌های دولتی همچنین از افزایش سهمیه ارز مسافرتی به ۱۵۰۰ دلار خبر داد و گفت: این رقم در گذشته ۱۰۰۰ دلار بوده است.

وی افزود: در گذشته شاهد پنج نوع نرخ ارز در بازار بودیم که این موضوع با تک‌نرخی شدن ساماندهی شده است.

به گفته حیدری، هر وارداتی که از مبادی قانونی کشور انجام می‌شود با نرخ ۱۲۲۶ تومان خواهد بود و برای ارز غیربازرگانی، دانشجویی و عتبات عالیات ارز از ناحیه بانک مرکزی تامین خواهد شد.

وی ادامه داد: در بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که ارز مسافری باید تامین شود، ضمن آن که ارز مورد نیاز در این بخش را بانک مرکزی می‌تواند تامین کند.

این مقام بانکی حمایت از تولیدات داخل را از سیاست‌های پولی کشور اعلام کرد و گفت: واردات کشور باید برای کالاهای واسطه‌ای باشد، نه مصرفی.

وی درباره تغییرات نرخ ارز مسافری ارائه شده در روزهای گذشته به مسافران تصریح کرد: بانک مرکزی به بانک‌ها اختیار داد که با دریافت کارمزد، خدمات ارزی را به مردم ارائه کنند و بر همین اساس صرافی‌ها می‌توانند اسکناس را با یک درصد کارمزد و حواله را با ۳ تا ۵ درصد کارمزد ارائه دهند. نامبرده تاکید کرد: به همین دلیل نرخ ارز مسافرتی ارائه شده در این روزها بیشتر از ۱۲۲۶ تومان بوده است.

دلیل فعالیت صرافی‌های آزاد با وجود سیاست ممنوعیت خرید و فروش ارز آزاد، گفت: صرافی‌ها عمدتاً باید کار حواله را انجام دهند، زیرا دیگر قرار نیست ارز به صورت فیزیکی جابه‌جا شود.

مدیرعامل بانک ملی سپس از پیش‌فروش چهار میلیون قطعه سکه معادل وزنی ۳۲ تن طلا در مرحله اول پیش‌فروش مسکوک طلا در شعب این بانک خبر داد.

وی افزود: پیش‌فروش سکه به صورت سلف با تحویل چهار و شش ماهه ادامه دارد و فروش نقدی سکه در این مدت در بانک کارگشایی عدد بزرگی نبوده است.

حیدری در پاسخ به پرسشی در باره انقباض ارائه تسهیلات توسط بانک ملی گفت: رشد منابع در این بانک دو برابر شبکه بانکی بوده و این به معنی اعتماد ملی به این بانک است.

وی با بیان اینکه هیچ بانکی منابع خود را ذخیره نمی‌کند، گفت: تسهیلات پرداختی توسط این بانک، بیش از توان بوده و ارائه تسهیلات انقباضی نیست.

وی از سرمایه‌گذاری بانک ملی در صنعت نفت خبر داد و گفت: برای این امر، در حال تفاهم با وزارت نفت هستیم تا از محل منابع بانک مرکزی و جذب سپرده‌های مردم بتوانیم سرمایه‌گذاری کنیم.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۰/۲۳ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۱۱/۹۳ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۷۳۹/۱۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۸۱۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۸۰۵۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۳۹۲۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۹۷۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۹۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۷۵۵۷۰ تومان
هر گرم نقره خام	۱۹۲۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ ارز مسافری)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۱۸۳۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۶۱۷/۴ تومان
یورو (نرخ ارز مسافری)	۱۶۲۱/۶ تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۲۴۳۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۲۹/۲ تومان
پوند انگلستان (نرخ ارز مسافری)	۱۹۳۵/۲ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۲۹۰۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

امتیازات بودجه‌ای برای مقابله با تحریم‌ها به دولت داده شود

مجلس شورای اسلامی به دولت اختیار کافی در بودجه را بدهد تا دولت بتواند نقشه دشمنان در تحریم‌ها را خنثی کند.

به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع رسانی دولت، شمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی با رد شبهات مطرح شده در برخی از رسانه‌ها که عنوان شده بود دولت برای تدوین بودجه سایه آمادگی دارد، گفت: من در مصاحبه‌ای عنوان کرده بودم، آن چیزی که دولت انتظار دارد این است که همان طوری که دشمنان ما سعی می کنند با گرفتن اختیارات با ما مقابله کنند، به دولت هم اختیار کافی در بودجه داده شود تا بتواند نقشه دشمنان را خنثی کند و گرنه لفظ بودجه سایه، تفسیرها و تعابیر دیگران است.

کاهش جزئی تورم در دی نسبت به آذر

یک مقام مسئول بانک مرکزی از کاهش جزئی نرخ تورم دی در قیاس با نرخ ۲۰/۶ درصدی آذر خبر داد.

این مقام مسئول در گفت و گو با فارس اظهار داشت: نرخ تورم دی در قیاس با نرخ تورم ۲۰/۶ درصدی آذر کاهش یافته است. وی ادامه داد: به دلیل برخی سیاست‌های اعمالی، احتمال داده می‌شود که نرخ تورم محاسباتی بانک مرکزی برای دی در مقایسه با نرخ تورم آذر کاهش پیدا خواهد کرد. این مقام مسئول در بانک مرکزی گفت: نرخ تورم دی حوالی همان نرخ ۲۰/۶ درصدی است؛ احتمالاً نرخ تورم در این مقطع به ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت.

برگزاری جلسه ویژه دولت با صنعتگران، ۳۰ بهمن

جلسه ویژه صنعتگران، معدنکاران و نمایندگان تشکل‌های صنعتی و معدنی با دولت به منظور بررسی ابعاد اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها روز یک‌شنبه ۳۰ بهمن برگزار خواهد شد. به گزارش فارس، در این جلسه که در تهران برگزار خواهد شد، نمایندگان بخش خصوصی و تشکل‌های صنعتی و معدنی با وزیر صنعت و معاون اول رئیس جمهوری در مورد ابعاد اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها به بحث خواهند نشست.

فروش نفت خام ایران در بورس الزامی نیست

اگر چه ساز وکارهای فروش نفت خام از طریق بورس در بودجه پیشنهادی سال آینده وزارت نفت لحاظ شده است، اما حتی تایید و تصویب نهایی این ساز وکار در بودجه، به معنای الزام فروش درصدی از نفت توسط بورس نخواهد بود.

به گزارش ایرنا و به نقل از روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران، رستم قاسمی وزیر نفت افزود: اشاره به بورس نفت در قانون بودجه، به معنای الزام فروش درصدی از نفت از طریق بورس نیست، بلکه امکان فروش در بورس و سازوکار این فرایند را مشخص می کند.

صادرات ۳۵/۳ میلیارد دلار، واردات ۵۰/۳ میلیارد دلار

رئیس کل گمرک با اشاره به رشد ۳۲ درصدی صادرات کالا در ۱۰ ماه گذشته نسبت به مدت مشابه پارسال گفت: در این مدت ۳۵/۳ میلیارد دلار کالا صادر شده و همچنین واردات با ۵/۷ درصد کاهش نسبت به مدت مشابه پارسال به ۵۰/۳ میلیارد دلار رسیده است.

عباس معمارنژاد در گفتگو با فارس، با اشاره به آمار ۱۰ ماهه صادرات و واردات کالا، اظهارکرد: در ۱۰ ماه گذشته ۲۰ میلیون تن کالا به ارزش ۵۰/۳ میلیارد دلار به کشور وارد شده که نسبت به مدت مشابه آن از نظر وزن ۱۸ درصد و ارزش ۵/۷ درصد کاهش داشته است. وی درباره میزان صادرات ۱۰ ماهه امسال، افزود: در این مدت ٦٢ میلیون تن کالا به ارزش ۳۵,۳ میلیارد دلار کالا صادر شده که نسبت به مدت مشابه آن از نظر وزن ۷ درصد و ارزش ۳۲ درصد رشد داشته است.

وزیر سابق راه مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران شد

حمید بهبهانی وزیر سابق راه، مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران شد.

به گزارش مهر، با پیشنهاد هیأت مدیره شرکت ملی نفتکش ایران و موافقت رئیس صندوق بازنشستگی صنعت نفت، حمید بهبهانی وزیر سابق راه به عنوان مدیرعامل جدید شرکت ملی نفتکش ایران منصوب شد. پیش از این، محمد سوری مدیرعامل شرکت ملی نفتکش ایران بود.

تعاونی‌های غیرفعال مسکن مهر باید پول مردم را عودت دهند

وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه متقاضیانی که پول خود را به تعاونی‌های غیر فعال داده‌اند آورده خود را پس بگیرند، گفت: بالغ بر ۸۰۰ هزار واحد بافت فرسوده، خود مالک و ۹۹ ساله برای سال آینده ساخته می‌شود.

به گزارش مهر علی نیکزاد درباره تعیین تکلیف وضع تعاونی‌های مسکن مهر اظهار داشت: تعاونی‌هایی که تا دو سال پیش از مردم پول دریافت کردند و هنوز کاری را انجام ندادند تعطیل می‌شوند.

حمایت بازار و اصناف از قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار از قانون بهبود فضای کسب‌وکار حمایت کرد.

به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی ایران، به دنبال اعلام نظرهای بعضی از افراد به عنوان نمایندگان اصناف و بازاریان، احمد کریمی اصفهانی دبیرکل جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار به عنوان رئیس قدیمی‌ترین و معتبرترین نهاد برخواسته از جامعه اصناف و بازار، در مورد قانون کسب و کار اعلام نظر کرد. وی در نامه‌ای به شورای نگهبان، مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را ناشی از اجرا نشدن نظام اقتصادی عادلانه اسلام دانست و تاکید کرد: «اگر قوانین بر اساس فقه اسلام تصویب و اجرا شود، مردم شیرینی معیشت را درک خواهند کرد.»

بیمه تکمیلی انفرادی و خانوادگی امکان پذیر شد

رییس کل بیمه مرکزی از امکان پذیر شدن بیمه تکمیلی انفرادی و خانوادگی خبر داد و گفت: در گذشته این نوع بیمه به صورت گروهی امکان پذیر بود.

به گزارش ایرنا، محمد کریمی در نشستی خبری به مناسب دهه فجر افزود: دستورالعمل بیمه تکمیلی انفرادی و خانوادگی به شرکت‌های بیمه‌ای ابلاغ شده است. وی با بیان این که بیمه مسافران در خارج از کشور اجباری است، اظهار داشت: این بیمه در ایران اختیاری است، اما آمادگی داریم این خدمات را ارایه دهیم. رییس کل بیمه مرکزی از برقراری بیمه مستمری خبر داد و گفت: در قالب این طرح، بخشی از حقوق ذخیره می‌شود و در نهایت به عنوان بیمه مستمری ارایه می شود. رییس کل بیمه مرکزی درباره نرخ دیه سال آینده اظهار داشت: بعد از تعیین تکلیف نرخ دیه در سال ۹۰ از رییس قوه قضاییه درخواست کردیم تا برای سال آینده نرخ را مشخص کند. وی ادامه داد: تعیین دیه بر اساس قانون مجازات اسلامی باید به تایید شورای نگهبان برسد و قوه قضاییه به گونه ای برنامه ریزی می کند که تا پایان بهمن نرخ مشخص شود و مردم برای سال ۹۱ با مشکلی مواجه نشوند. کریمی از اجرایی شدن بیمه نوسانات نرخ ارز خبر داد و گفت: بیمه مرکزی آیین نامه نوسانات نرخ ارز را به شرکت های بیمه ای ابلاغ کرده و بیمه ایران هم اکنون آن را اجرایی می کند.

بازپرداخت تسهیلات صندوق توسعه ملی ریالی می‌شود

هیات دولت در مصوبه جلسه اخیر خود امکان بازپرداخت تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی به صورت ریالی، توسط بخش تولید را فراهم کرد.

به گزارش ایرنا، مهدی غضنفری وزیر صنعت، معدن و تجارت در نهمین جشنواره تولید ملی ـ افتخار ملی گفت که به زودی آیین‌نامه این مصوبه ابلاغ می‌شود. وی توضیح داد: از این پس و براساس مصوبه دولت، بازپرداخت تسهیلات گیرندگان از صندوق توسعه ملی از طریق دو گزینه امکان‌پذیر است.

وزیر صنعت، معدن و تجارت تصریح کرد: گزینه نخست آن است که وام گیرنده تسهیلات را به صورت ارزی دریافت کرده و بازپرداخت آن را هم به صورت ارزی برگرداند و متناسب با وام، بهره و سود به صندوق توسعه ملی بازمی گرداند.

غضنفری سپس تصریح کرد: گزینه دوم به این صورت است که وام‌گیرنده تسهیلات خود را به صورت ارزی دریافت می‌کند و در صورت تمایل آن را به صورت ریالی بازپرداخت می‌کند. براین اساس در همانجا محاسبات ریالی انجام شده و او وام، بازپرداخت و نرخ سود تسهیلات را به صورت ریالی پرداخت خواهد کرد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه، بازگرداندن منابع ارزی دریافتی به صورت ریالی منع قانونی دارد، افزود: در این صورت منابع ریالی به بانک مرکزی داده می‌شود و این بانک ریال را تبدیل به ارز کرده و به صندوق بازمی گرداند.

وی از بانک مرکزی به عنوان حلقه واسط میان مصرف‌کننده و وام ارزی نام برد و گفت: با این تصمیم که اثر بسیاری در دسترسی به منابع ارزی دارد، منابع صندوق همچنان ارزی باقی خواهند ماند و از سویی نوسانات نرخ ارز هم پوشش داده می‌شود.

از نظر غضنفری، ایجاد جهش فوق‌العاده در حوزه سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای با نشاط‌تر در حوزه کسب و کار از جمله دستاوردهای شیوه جدید در بازپرداخت تسهیلات صندوق توسعه ملی است.

وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین از پیشنهاد این وزارتخانه برای تخصیص ۱۰۰۰ میلیارد تومان تسهیلات برای کمک به حوزه‌های مختلف از جمله تولید صنعتی در خصوص اجرای بسته‌های حمایتی در بودجه ۹۱ خبر داد و تاکید کرد: با اخذ تسهیلات بانکی، واحدهای تولیدی انرژی‌بر می‌توانند نسبت به تغییر تجهیزات، بهسازی و نوسازی اقدام کنند و در این صورت از طریق منابع بودجه‌ای کمک سود وام‌گیرندگان تامین می‌شود.

غضنفری تصریح کرد: اعلام آمادگی حوزه صنعت، معدن و تجارت برای ورود به فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها به مدد مصوبات اخذ شده است و از مجلس انتظار می‌رود در فرایند بررسی لایحه بودجه ۹۱ که این هفته به مجلس ارایه می‌شود، این اعتبار پیشنهادی را مصوب کند. وی همچنین از ابلاغ مصوبه جدید شورای پول و اعتبار توسط بانک مرکزی مبنی بر فعال شدن بانک‌ها برای اجرای ال سی ریالی خبر داد. غضنفری با بیان اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت، موضوع اجرای دوباره ال سی ریالی را به طور جدی در شورای پول و اعتبار پیگیری کرده بود، افزود: براساس ابلاغ رئیس کل بانک مرکزی از این پس این خدمت بانکی همچون گذشته مورد استفاده قرار گیرد.

وی افزود: ال سی داخلی به مجموع خدمات و سرویس‌های بانکی اضافه شد و از این پس نیازی به آن نیست که یک طرف معامله دولت باشد.

غضنفری سپس گفت: در مورد حوزه ارز، وضع بازار ارز و بازار کالا به هوشمندی بیشتری نیاز داریم.

وی در تشریح دیدگاه خود به ذکر پرسشی پرداخت و افزود: وقتی حمله دشمن سنگین و سنگین‌تر می‌شود و تحریم بانک مرکزی و نفت جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود، نمی‌دانم چه تعداد از شما تایید می‌کنید که یکی از افراد سرشناس اتاق بازرگانی مصاحبه کند و بگوید با این حساب ما شش ماه دیگر دچار قحطی می‌شویم.

وی ادامه داد: با کمال تاسف مشاهده می‌کنیم که هیچ کدام از اعضای اتاق بازرگانی در مقابل این سخن مطلبی نمی‌گوید و موضع نمی‌گیرد و در باره توش و توان بخش خصوصی و تولید در مقابله با مشکلات سخنی گفته نمی‌شود.

در این مراسم همچنین رئیس کمیسیون اصل ٤٤ مجلس شورای اسلامی از منتفی شدن اجرای مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها در دو ماه پایانی سال جاری و موکول شدن اجرای آن به سال آینده خبر داد.

به گزارش ایرنا، حمیدرضا فولادگر با اشاره به تغییرات اساسی در اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، بیان داشت: اجرای فاز دوم هدفمندی در دو ماه باقی مانده سال جاری امکان پذیر نیست و به طور قطع اجرای آن به سال آینده موکول خواهد شد. وی افزود: احتمالاً مجلس در روزهای آینده استفساریه‌ای را تصویب می‌کند که در آن سرفصل‌های مشخصی برای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها پیش‌بینی شده است. به گفته وی، براساس نظر مجلس، برای هر بخش به طور جداگانه ردیف‌هایی دیده شده که به عنوان نمونه می‌توان به ردیف بخش تولید اشاره کرد. فولادگر گفت: دولت پیش از این تمامی وجوه دریافتی از فروش حامل‌های انرژی پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را در صندوق هدفمندی جمع آوری می‌کرد که این امر باعث بدهی دولت به پیمانکاران شده است. وی خاطرنشان کرد مجلس برای رفع این موضوع با اعمال محدودیت در بودجه ۹۱، دولت را موظف کرد تا تنها وجوه اضافی حاصل از هدفمندی یارانه‌ها را در این صندوق جمع‌آوری کند.

رئیس کمیسیون اصل ٤٤ دلیل بروز اتفاقات اخیر در بازار ارز و سکه را چند عامل اصلی از جمله تحریم‌ها ذکر کرد و در ادامه سوءمدیریت و ناهماهنگی در بخش‌های تصمیم‌گیری و سرگردانی نقدینگی را از جمله دیگر دلایل این امر خواند و افزود: حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی سرگردان در کشور وجود دارد که بیش از نقدینگی دولت است که باید به سمت تولید و کارهای مولد هدایت شود.

فولادگر افزایش نرخ سود بانکی را یک روش موقت خواند و تاکید کرد: باید در نظر داشت رقابت بین نرخ ارز و سود بانکی خود عامل تورم محسوب می‌شود و باید یک راهکار اساسی در این خصوص اندیشیده شود.

نهمین جشنواره تولید ملی ـ افتخار ملی با اهداف تندیس و لوح افتخار به برگزیدگان این جشنواره به کار خود پایان داد. در همین زمینه گروه صنعتی ایران خودرو به عنوان تولید کننده ممتاز کشور شناخته شد و تندیس و لوح ویژه نهمین جشنواره تولید ملی، افتخار ملی را از آن خود کرد. به گزارش ایکوپرس این جایزه به دلیل تلاش مستمر مدیریت ارشد گروه صنعتی ایران خودرو در جهت حل مشکلات مالی و ساختاری این شرکت و تبدیل آن به یکی از سودآورترین بنگاه‌های صنعتی تولیدی، به وی تعلق گرفت.

افزایش ظرفیت اتوبان تهران ـ کرج تا پایان سال آینده

سرویس اقتصادی: ۵۹ پروژه راهسازی با اعتباری بالغ بر ٤۷ میلیارد تومان در دهه فجر و ۳۰ پروژه دیگر با صرف هزینه‌ای بالغ بر ٤۰ میلیارد تومان تا پایان سال و قبل از آغاز سفرهای نوروزی از سوی اداره کل راه و ترابری استان تهران به بهره‌برداری می‌رسد.

دکتر فریبرز واحدی مدیرکل راه و ترابری استان تهران دیروز در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت:

۵۹ پروژه راهسازی آماده افتتاح در دهه فجر شامل ۳٤ پروژه راه روستایی به طول ۱۳۹ کیلومتر، ۸ پروژه در حوزه راهداری و ۱۷ پروژه در حوزه راهسازی به طول ۵٦ کیلومتر است البته پروژه‌های اخیر بیشتر احداثی و در زمینه افزایش ظرفیت هستند که در شبکه راههای استان تهران در دهه فجر افتتاح می‌شوند.

وی چهار خطه کردن محور رباط کریم ـ وهن‌آباد، محور واوان به سمت آزادراه قم، کمربندی اسماعیل آباد، فاز دوم وهن‌آباد به رباط کریم، اجرای روکش آسفالت ورامین به قرچک و ایمن‌سازی محور فیروزکوه را از جمله مهمترین این طرحها ذکر کرد.

واحدی بااشاره به راه‌اندازی مرکز مونیتورینگ در هفته آینده که امکان رصد راههای استان تهران را به صورت هوشمند فراهم می‌کند، اظهار داشت: عوارضی هوشمند تهران ـ قم هم هفته آینده به بهره‌برداری می‌رسد و برای اولین بار در کشور امکان وصول عوارض به صورت غیر سنتی و غیردستی و مکانیزه فراهم می‌شود.

وی در مورد اتصال آزادراه همت به کرج گفت: طبق تعاملاتی که با شهرداری انجام شد، در سوم خرداد سال ۹۱ معادل ۱۱ کیلومتر از ادامه آزادراه همت به آزاد راه تهران ـ کرج متصل می‌شود. واحدی بااشاره به اینکه اجرای بقیه این پروژه و اتصال آن به شهر کرج به عهده وزارت راه و شهرسازی است، گفت: پروژه افزایش ظرفیت آزادراه تهران ـ کرج ٤۳ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و امیدواریم تا پایان سال آینده این طرح به بهره‌برداری کامل برسد.

مدیر کل راه و ترابری استان تهران در مورد کاهش تلفات جاده‌ای در این استان یادآور شد: طبق آمار پزشکی قانونی در ۹ ماهه اول امسال سوانح جاده‌ای در راههای روستایی سراسر کشور ۱۹/۵ درصد کاهش یافته، در صورتی که این میزان در راههای روستایی استان کاهش ٦۳/۵ درصدی داشته است.

همچنین پارسال در سراسر کشور در ۹ ماهه اول ۱۳ هزار و ٦۵۳ نفر در راههای برون شهری و روستایی جان خود را از دست دادند که امسال این میزان با ۱۵/۲ درصد کاهش به ۱۱ هزار و ۵۷۱ نفر رسید. در استان تهران هم (در راههای روستایی و برون شهری) در سال گذشته در ۹ ماهه اول سال ۷۱۰ نفر در تصادفات کشته شدند که این تعداد امسال با ۲۷/۹ درصد کاهش معادل ۵۱۲ نفر گزارش شده است. وی در بخش دیگری از سخنانش در مورد کاهش نقاط و مقاطع حادثه‌خیز گفت: طبق آمار سال ۸۵ حدود ۱۲۵ نقطه و مقطع پرحادثه در این استان وجود داشت که تاکنون ۹۰ نقطه و مقطع ساماندهی شدند که بطور مثال با ٦ و ۸ خطه شدن محور ری ـ ورامین میزان تصادفات کاهش یافت.

وی با اشاره به طرح اتصال بزرگراه شهید بابایی به خاوران ادامه داد:

مقدمات اجرای این طرح راه اکنون با تغییرات کوچکی آماده کرده‌ایم و بااجرای آن حجم قابل توجهی از محدوده و ترافیک افسریه کم خواهد شد.

واحدی هزینه احداث این پروژه را ۱۰۰ میلیارد تومان دانست و گفت: طرح مزبور امکان تردد سریع را به شرق و شمال شرق تهران فراهم می‌کند.

این مقام مسئول سپس از اجرای یک طرح دیگر به نام آزادراه بیرونی تهران به طول ۱۵۰ کیلومتر خبر داد و افزود: این طرح ماهیت ملی دارد و از محدوده آبیک در قزوین آغاز می‌شود و پس از عبور از شهرهای جنوبی استان البرز و تهران در محدوده چرم شهر به آزاد راه حرم تا حرم متصل می‌شود. به گفته وی با اجرای این طرح، ترافیک آزادگان و کمربندی دوم تهران کاهش خواهد یافت.

برنامه افزایش کیفیت و تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی

سرویس اقتصادی: میزان صادرات و کیفیت تولید فرآورده‌های نفتی ایران به سرعت افزایش می‌یابد.

مهندس علیرضا ضیغمی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران دیروز در جمع خبرنگاران ضمن تشریح برنامه‌های قابل بهره‌برداری در این حوزه ظرف دهه فجر امسال گفت: بالغ بر ۱۵۰ کیلومتر خطوط انتقال نفت و فرآورده‌های وابسته در این دهه به بهره‌برداری خواهد رسید.

به گفته وی از ابتدای امسال تاکنون در مراحل مختلف حدود ۷۳۰ کیلومتر خطوط جدید انتقال فرآورده‌های نفتی در کشور به بهره‌برداری رسیده است.

ضیغمی ادامه داد: از ابتدای سال تاکنون حدود یک میلیارد لیتر به ظرفیت ذخیره‌سازی فرآورده‌های نفتی در کشور افزوده شده است و دهه فجر امسال چند واحد پالایشگاه تصفیه نفت سفید، نفتا و تولید گوگرد در کشور به بهره‌برداری می‌رسد. با این حال عمده طرح‌های بهبود کیفیت فرآورده‌های نفتی پالایشگاه‌های ایران در سال آینده افتتاح خواهد شد.

ضیغمی گفت: ظرفیت یک میلیون و ۷۷۵ هزار بشکه در روز نفت خام تولیدی کشور در حال حاضر تا پایان برنامه پنجم به ۲ میلیون و ۳۸۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. همچنین ۳۷۰۰ کیلومتر خطوط فعلی انتقال نفت خام به ۵۳۰۰ کیلومتر افزایش می‌یابد.

معاون وزیر نفت افزود: طول خطوط انتقال فرآورده‌های نفتی کشور هم از ۸۵۰۰ کیلومتر تا پایان برنامه پنجم به ۱۱ هزار کیلومتر خواهد رسید.

در همین حال ظرفیت مخازن نگهداری فرآورده‌های نفتی کشور هم اینک ۱۱/۵ میلیارد لیتر است تا پایان برنامه پنجم به ۱٤/۵ میلیارد لیتر افزایش می‌یابد.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی از افزایش ظرفیت تولید بنزین در کشور از ۵۵ میلیون لیتر در روز فعلی به ۱۳۱ میلیون لیتر در روز ظرف چهار سال آینده خبر داد و گفت: ظرفیت تولید نفت گاز ایران هم که در حال حاضر ۹۱ میلیون لیتر در روز است تا چهار سال آینده به ۱۲۳ میلیون لیتر در روز خواهد رسید اما ظرفیت تولید نفت کوره که هم اینک ۷٦ میلیون لیتر در روز است به ۵٦ میلیون لیتر در روز کاهش می‌یابد.

ضیغمی گفت: از مجموع ۱۱/۵ میلیارد لیتر برنامه افزایش ظرفیت بهینه‌سازی تولید فرآورده‌های نفتی در ۷ پالایشگاه اصلی کشور حدود ٤/۵ میلیارد لیتر در پالایشگاه‌های لاوان، تهران، امام خمینی(ره)، تبریز و اصفهان مراحل نهایی خود را طی می‌کند و به زودی به بهره‌برداری خواهند رسید.

به گفته وی با بهبود کیفیت تولید فرآورده‌های نفتی کشور ظرفیت فعلی ۵۰۰ تن تولید گوگرد در کشور تا پایان برنامه پنجم به ۲۰۰۰ تن افزایش می‌یابد.

معاون وزیر نفت ادامه داد: ظرف ۱۰ ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل با اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها میزان مصرف متوسط گاز مایع از ۱۲/٤ میلیون لیتر در روز به ۱۰/۹ میلیون لیتر در روز، میزان مصرف متوسط بنزین از ٦۲/۳ میلیون لیتر در روز به ۵۹/۸ میلیون لیتر در روز، و میزان مصرف متوسط نفت گاز از ۹۵/٦ میلیون لیتر در روز به ۹۵ میلیون لیتر در روز کاهش یافته است.

به گفته وی در این دوره بالغ بر ۵/۸ میلیارد دلار در میزان مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی کشور صرفه‌جویی شده است.

وی همچنین با اشاره به برنامه بهره‌برداری از جایگاه‌های سوخت گاز مایع (CNG) گفت: در حال حاضر ۱۸۲٦ جایگاه سی‌ان‌جی در کشور فعال است که این تعداد تا پایان امسال به ۲۰۰۰ و تا پایان سال آینده به ۲۵۵۰ جایگاه افزایش می‌یابد.

شایان ذکر است که هم‌اینک ظرفیت سوختگیری گاز مایع در جایگاه‌های سی‌ان‌جی سراسر کشور



٤۸ میلیون مترمکعب در روز است که حدود ۱۷ میلیون متر مکعب از آن مصرف می‌شود.

ضیغمی گفت: امسال میزان صادرات فرآورده‌های نفتی کشور به شدت افزایش خواهد یافت.

معاون وزیر نفت گفت: سال قبل ۵۸۰ هزار تن نفتا به خارج صادر کردیم که این رقم تا پایان امسال به حدود یک میلیون تن خواهد رسید.

از سوی دیگر میزان صادرات نفت گاز ایران که پارسال ۱۳۷ هزار تن بود، تا پایان امسال به ٦۲۰ هزار تن افزایش می‌یابد. وی گفت: سال قبل صادرات نفت سفید نداشتیم ولی امسال حداقل ۷٦ هزار تن از این فرآورده به خارج صادر می‌شود.

وی با اشاره به برنامه بهبود کیفیت تولید فرآورده‌های نفتی گفت: هم‌اکنون میزان تولید بنزین معمولی در پالایشگاه آبادان ۱۱/۲ میلیون لیتر در روز است که سال آینده به ۱٦/٤ میلیون لیتر بنزین معمولی و همچنین بنزین با استاندارد یورو ٤ افزایش می‌یابد.

در پالایشگاه تهران هم که فعلاً روزانه ۳/۳ میلیون لیتر بنزین معمولی تولید می‌شود، سال آینده ٤/۵ میلیون لیتر در روز بنزین با استاندارد یورو ۲ و ٤ تولید خواهد شد.

پالایشگاه امام خمینی فعلاً روزانه ۵/۸ میلیون لیتر بنزین با استاندارد یورو ۲ و ٤ تولید می‌کند که این رقم سال آینده به ۱۵/۹ میلیون لیتر در روز بنزین با استاندارد یورو ۵ خواهد رسید.

در همین حال ظرفیت تولید نفت گاز معمولی در پالایشگاه آبادان که فعلاً ۲۱ میلیون لیتر در روز است، سال آینده تماماً با کیفیت یورو ٤ و ۵ خواهد شد.

همچنین در پالایشگاه تهران سال آینده روزانه ۱۱/۵ میلیون لیتر و در پالایشگاه اراک روزانه ۱۱/۲ میلیون لیتر نفت گاز با استاندارد یورو ٤ عرضه می‌شود.

به گفته وی در مجموع ظرفیت فعلی ۵۵ میلیون لیتر تولید بنزین معمولی در روز تا سال آینده به ٤۱ میلیون لیتر در روز بنزین با استاندارد یورو ۲ تا ۵ و ۲۸ میلیون لیتر بنزین معمولی افزایش می‌یابد.

افزایش صادرات محصولات شیلاتی به ۵۰۰ میلیون دلار در سال

صادرات محصولات شیلاتی در ۹ ماهه ابتدای امسال ۱۲۰ میلیون دلار بود که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال به ۱٦۰ میلیون دلار و در پایان برنامه پنجم به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار افزایش یابد.

به گزارش خبرنگار ما، مهندس غلامرضا رازقی معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان شیلات با اعلام این مطلب در جمع خبرنگاران افزود: پارسال میزان صید از آبهای آزاد ٤۱۲ هزار تن بود که امسال ۱۱ درصد رشد خواهد داشت. وی با بیان اینکه در پایان برنامه پنجم تولید بخش شیلات به بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن خواهد رسید، گفت: تولید میگو از ٦۰۰۰ تن فعلی به ٤۸ هزار تن، محصولات آبزی‌پروری از ۲۵۰ هزار تن به یک میلیون تن، صید از آبهای آزاد به ۷۰۰ هزار تن و سرانه مصرف از ۸/۵ کیلوگرم فعلی به ۱۵ کیلوگرم افزایش خواهد یافت. معاون وزیر جهاد کشاورزی گفت: صادرات ماهی در ۹ ماهه امسال از لحاظ وزنی ۱۵ و از نظر ارزشی ۱۷ درصد رشد داشته است. وی سیاست سازمان شیلات را افزایش بهره‌برداری از آبهای آزاد و دریای عمان عنوان کرد که در این خصوص بازسازی ذخایر و افزایش برداشت در دستور کار قرار گرفته است. همچنین استفاده دو منظوره از چاه‌های کشاورزی که در حدود ٦۱۰ هزار حلقه برآورد می‌شود، از دیگر راهکارها برای توسعه آبزی‌پروری است.

رازقی همچنین گفت: اولین محموله خاویار پرورشی امسال به وزن ٦ کیلوگرم صادر شد که تا پایان سال به ۵۰۰ کیلوگرم و در سال آینده به ۳ تن خواهد رسید. رئیس سازمان شیلات گفت: بسته حمایتی از میگوکاران به میزان ۱۰۰ میلیارد تومان به تصویب رسیده است که برای سال آینده به بیش از ۱٦۰ میلیارد تومان خواهد رسید و هم اکنون کارگروهی در استانها به مسئولیت استانداران استان‌های ساحلی تشکیل شده است و تخصیص آن با عضویت بانکهای عامل در حال نهایی شدن است. پیش‌بینی می‌شود این امر تا پایان بهمن عملیاتی شود.

درخواست مشخصات هویتی مشترکان از طریق پیامک کلاهبرداری است

اپراتور دوم تلفن همراه برنده شدن مشترکین در جشنواره‌ها و قرعه‌کشی‌ها را از طریق ارسال پیامک یا تماس با مشترکین اعلام نمی‌کند و کسانی که به این طریق اقدام می‌کنند، کلاهبردار هستند

شبکه اپراتور دوم قابلیت ارائه نسل سوم تلفن همراه را دارد و در صورت صدور مجوز، ارائه این نسل به مشترکان امکانپذیر است. آرش کریم بیگی مدیر روابط عمومی اپراتور دوم تلفن همراه با اعلام این مطالب در گفت‌وگو با اطلاعات در مورد افزایش پیامک‌های حاوی برنده شدن برخی مشترکین در قرعه‌کشی و جشنواره‌های این اپراتور گفت: این اپراتور به هیچ وجه اسامی برندگان را از طریق پیامک و تماس با شماره‌های متفاوت اعلام نمی‌کند مگر اینکه برای این کار در صورت ضرورت، پیامکی با شماره ۰۹۳۵۱۰۰۰۰۰۰ به مشترک ارسال شود که در گوشی مشترک به جای شماره فرستنده پیامک، عبارت ایرانسل درج می‌شود. وی افزود: اسامی برندگان را همیشه از طریق اطلاعیه و وب‌سایت این شرکت اعلام می‌کنیم. نامبرده افزود: اپراتور دوم تلفن همراه هیچگاه از مشترکین مشخصات هویتی یا پولی برای اهدای جوایز مطالبه نمی‌کند و در صورت بروز چنین مواردی مشترکین با کلاهبرداری مواجه شده‌اند. وی گفت: در صورتی که مشترکین با این موارد برخورد کنند باید با تلفن همراه خودشان با شماره ۷۰۰ تماس بگیرند یا اگر سیمکارت اپراتورهای دیگر را دارند، سریعاً با شماره ۰۹۳۷۷۰۰۰۰۰۰ تماس حاصل کنند.

کریم بیگی ادامه داد: این نوع کلاهبرداری هم از طریق مراجع قضایی قابل پیگیری است. از طریق وب سایت شرکت و مراجعه به بخش تماس هم فرم رسیدگی به کلاهبرداری وجود دارد که مشترکین با پر کردن آن باید آنرا به شماره ٦٦٦۵۱۹۰۱ ـ ۰۲۱ فکس کنند تا پیگیری‌های لازم انجام شود.

آمادگی تشکل‌های کشاورزی برای تأمین میوه نوروزی از تولیدات داخلی

تشکل‌های بخش کشاورزی آمادگی خود برای تامین نیاز میوه نوروز سال ۹۱ از محل تولیدات داخلی اعلام کردند.

مهندس نیکبخت معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزیر جهادکشاورزی با بیان این مطلب در گفتگو با اطلاعات گفت: از لحاظ تولید محصولات باغی در فصول مختلف سال، تمامی نیازکشور از طریق تولید داخل قابل تامین است و اکنون بیش از ۱٦ میلیون تن تولید انواع محصولات باغی داریم.

وی گفت: درجلساتی که با تشکل‌های تولیدی بخش کشاورزی به نمایندگی از بهره برداران و کشاورزان و باغداران داشتیم، این تشکل‌ها برای تامین نیاز ایام پایانی سال و نوروز سال ۹۱ از محل تولیدات داخلی اعلام آمادگی کردند. نیکبخت گفت: تولید میوه و به خصوص مرکبات امسال به گونه‌ای است که باید برای مازاد مرکبات تولید شده در صدد صادرات باشیم. بنابراین نیاز کشور از محل تولید داخل کاملا قابل تامین است. گزارش دیگری حاکی است: رئیس هیات مدیره اتحادیه باغداران هم از تکمیل ظرفیت ذخیره‌سازی میوه شب عید خبر داد و گفت: امسال تولید و عرضه میوه از تقاضا بیشتر بوده و تمامی انبارها و سردخانه‌ها اشباع از پرتقال است و هیچ گونه نگرانی از افزایش قیمت و کمبود میوه برای ایام عید نداریم. مجتبی شادلویی در گفت‌وگو با ایسنا، تصریح کرد: براساس نیاز مردم، میوه برای شب عید ذخیره‌سازی شده و ظرفیت ذخیره‌سازی کشور که ۱۰۰ هزار تن است، تکمیل شده، این در حالی است که هنوز آمادگی برای انجام ذخیره‌سازی از سوی باغداران وجود دارد.

شادلویی تصریح کرد: با توجه به این که چهار ماه از مصرف میوه‌های انباری می گذرد، تنها ۲۵ درصد از میزان ذخایر مصرف شده و بیش از ۷۰ درصد از ذخیره‌سازی هنوز باقی مانده است که نشانگر اشباع بودن بازار میوه است.

گزارش خبرنگار ما به نقل از ایرنا حاکی است به رغم اعلام تولید میوه مازاد بر نیاز داخل، وزیر کشاورزی سوریه اظهار داشته‌است که در فصل جاری این کشور ٦۰ هزار تن انواع مرکبات به ایران صادر خواهد کرد.

بنابراین گزارش، روزنامه «البعث» چاپ دمشق از حضور یک هیات ایرانی در این کشور برای آماده‌سازی خرید این مقدار مرکبات خبر داده است.

طرح اصلاح قانون هدفمندی یارانه‌ها تقدیم مجلس شد

سرویس پارلمانی: لایحه «ایجاد منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی خلیج فارس» با پیشنهاد یک فوریت در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و پس از بحث‌های نمایندگان مخالف و موافق این پیشنهاد به تصویب نرسید.

دولت در این لایحه درخواست کرده بود که سه منطقه ویژه اقتصادی، مانند: بندر شهید رجایی، صنایع معدنی و فلزی و کشتی‌سازی خلیج فارس در استان هرمزگان و بندرعباس به منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی قشم بپیوندند. در ارتباط با ضرورت تصویب یک فوریت این لایحه، نماینده دولت گفت: در شرایطی که عملیات احداث پل خلیج فارس که اتصال جاده‌ای و ریلی جزیره قشم با سرزمین اصلی را درپی دارد، براساس مصوبه هیأت وزیران آغاز شده است، الحاق این سه جزیره به منطقه آزاد قشم و امکان بهره‌برداری این مجموعه مناطق، می‌تواند موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را در خلیج فارس، به ویژه در ارتباط با تنگه هرمز تقویت کند.

اهمیت استراتژیکی جزیره قشم

در مخالفت با یک فوریت این طرح، حسن کامران نماینده اصفهان، آن را نوعی ترفند حساب شده توصیف کرد و گفت: در سال ۷۱ گفته شده بود که کل منطقه قشم آزاد شود، در حالی که تدبیر نظام آن بود که آزاد نشود، بنابراین تبدیل شد به ۳۰۰ کیلومتر شمال شرق به طور پیوسته تا حقه‌بازی نشود. وی سپس اعلام کرد: جزیره قشم، سرپل نظامی اقیانوس آرام است و بنا به تدبیر نظام باید به همین شکل باقی بماند. کامران آنگاه گفت: جریان انحرافی در مناطق آزاد فرماندهی دارد و امسال می‌خواست در بند «و» ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، بندر قشم را آزاد اعلام کند که کمیسیون تلفیق آن را نپذیرفت. نماینده اصفهان، در ادامه افزود: این جریان بودار است و ما نمی‌توانیم این سرپل نظامی را آزاد کنیم. شورای نگهبان هم بارها این پیشنهاد را رد کرده است. جواد جهانگیرزاده نماینده ارومیه به عنوان موافق، با تایید جنبه‌های امنیتی توسعه منطقه آزاد قشم، گفت: هم اکنون بیش از ۳۰ میلیارد دلار با دوبی مبادلات اقتصادی داریم و به جای استفاده از بندر جبل علی، می‌توانیم از بندرگاه‌های خود استفاده کنیم. در پی این بحث‌ها، یک فوریت این لایحه به رای گذاشته شد و به تصویب نرسید.

بودجه مبارزه با قاچاق

در ادامه این جلسه، گزارش کمیسیون اقتصادی، در مورد مواد برگشت داده شده به آن کمیسیون مطرح شد و در پی حذف ماده ۵۲، دیگر مواد آن مورد تصویب قرار گرفت. به موجب ماده ٦، دولت موظف است برای حمایت از مأموران مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ردیفی را در قوانین بودجه سالانه پیش بینی کند.

اعتبار موضوع این ردیف از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی است.

در ماده ۱۰، ترخیص کالای تجاری، منوط به ارائه گواهی دریافت شناسه کالا به شناسه رهگیری، ثبت گواهی و شماره شناسه توسط گمرک است و توزیع و فروش کالاهای وارداتی در سطح بازار خرده‌فروشی، منوط به نصب این دو شناسه خواهد بود، در غیر این صورت کالاهای مذکور قاچاق محسوب می‌شود.

وزارت صنعت، معدن و تجارت، مکلف است با همکاری دستگاه‌های تخصصی برای شناسایی و رهگیری کالا از بدو ورود تا سطح عرضه سامانه‌ای، با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین، از جمله رمزینه دو یا چند بعدی، ایجاد و امکان بهره‌گیری دستگاه‌های مرتبط را از سامانه مزبور فراهم کند. توزیع و فروش کالاهایی که با استفاده از هرگونه معافیت قانونی، مانند ملوانی و تعاونی مرزنشینی به کشور وارد شده است، منوط به نصب شناسه کالا و شناسه رهگیری است. براساس ماده ۳۲، حفاظت از اداره‌های گمرک کشور، زیر نظر رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران و امور اجرایی مبارزه با قاچاق و محدوده آن اماکن تشکیل می‌شود و مأموران آن در حدود وظایف ضابط قضایی محسوب خواهند شد. رئیس حفاظت گمرکات کشور هم به حکم رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران، پس از تایید فرمانده نیروی انتظامی منصوب می‌شود. نحوه تسلیح حفاظت گمرکات کشور و حمل و به کارگیری سلاح به موجب دستورالعملی است که توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد.

جرم اقتصادی

به موجب دیگر مواد تصویب شده، قاچاق کالا و ارز، مصداق جرم اقتصادی است. به موجب ماده ۵۵، در صورتی که حذف کالا یا ارز قاچاق، همراه با درگیری مسلحانه و سلاح گرم و آتش‌زا باشد و مرتکبان دستگیر شوند، با حکم مرجع قضایی، وسایل نقلیه آنان به سود سازمان کاشف برای استفاده در مبارزه با قاچاق کالا و ارز به کار گرفته می‌شود. چنانچه وسایل نقلیه حامل کالای ممنوع به آبهای تحت نظارت جمهوری اسلامی ایران وارد شود یا پیش از ورود از طریق قراین اماراتی حرکت آنها به مقصد ایران احراز یا اقدام‌های فوق با همکاری شناورهای ایرانی انجام شود، حامل به مجازات شروع به جرم محکوم خواهد شد. براساس ماده ٦۷ مرجع رسیدگی کننده، حسب مورد می‌تواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، وی را به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم کند: تعلیق موقت یا ابطال دایم کارت بازرگانی، کارت مبادلات مرزی، کارت ملوانی، پروانه کسب، تاسیس، بهره‌برداری یا حق‌العمل کاری، پروانه حمل و نقل، گواهی نامه‌رانندگی وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی، تعطیل موقت یا دایم محل کسب و پیشه و تجارت، محرومیت از اشتغال به حرفه یا حرفه‌های خاص از یک تا پنج سال، محرومیت از تاسیس شرکت یا عضویت در هیأت مدیره و مدیرعاملی اشخاص حقوقی از یک تا پنج سال و ممنوعیت خروج از کشور تا پنج سال.

در ماده ٦۹، مرجع رسیدگی کننده در مورد قاچاق شرکت‌ها و نهادهای حمل و نقل داخلی و بین‌المللی، با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازات‌های مقرر، به شرح زیر حکم می‌دهد:

ـ مرتبه اول، سه تا شش ماه محرومیت از اشتغال.

مرتبه دوم، شش ماه تا یک سال محرومیت از اشتغال.

در صورتی که شرکت و مؤسسه به قصد قاچاق تأسیس شود یا پس از تأسیس، فعالیت آن منحرف شود، در مرتبه اول فعالیت شرکت مدت سه ماه تا یک سال تعلیق و در صورت تکرار، شرکت منحل می‌شود. جزای نقدی مقرر در این قانون قابل تعلیق و تخفیف نیست. مجازات‌های حبس و شلاق در جرایم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه‌ای و سازمان یافته قابل تعلیق نخواهد بود.

تغییر دستور

به گزارش خبرنگار پارلمانی اطلاعات، با رای نمایندگان مقرر شد که طرح اصلاح قانون استخدام مهندسین ناظر بر تولیدات کشاورزی مصوب ۱۳۸۹ در دستورکار جلسه علنی آینده قرار گیرد. یادآوری می‌شود، پیشنهاد تغییر زمان بررسی شش طرح و لایحه دیگر هم مطرح شده بود که مورد تصویب قرار نگرفت.

قانون هدفمندی یارانه‌ها

در این جلسه همچنین اعلام شد که طرح «اصلاح قانون هدفمندی یارانه‌ها» با قید یک فوریت تقدیم هیأت رئیسه شده است.

سئوال از وزیر آموزش و پرورش

سئوال نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه از حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش در مورد علت انتقال کارمندان آن وزارتخانه به دیگر وزارتخانه‌ها در ادامه این جلسه مطرح و پاسخ وزیر قانع کننده اعلام شد.

در جشن ملی توانمندسازی و کارآفرینی اعلام شد
مدیرعامل بانک کشاورزی «حامی کارآفرینان امداد»

دکتر محمد طالبی مدیرعامل بانک کشاورزی به عنوان «حامی کارآفرینان امداد» در جشن ملی توانمندسازی و کارآفرینی در سال جهاد اقتصادی انتخاب شد.

به گزارش روابط عمومی بانک کشاورزی، در این جشن که روز دوشنبه دهم بهمن در تهران برگزار شد، دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، دکتر محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی و همچنین مسئولان کمیته امداد امام خمینی(ره) و کارآفرینان برتر تحت پوشش این کمیته حضور داشتند.

براساس این گزارش، در این مراسم از سوی سرپرست کمیته امداد امام خمینی(ره) به دلیل حمایت از اشتغال مددجویان و محرومان این نهاد، لوح سپاس به دکتر محمد طالبی مدیرعامل بانک کشاورزی اهدا شد.

این گزارش می‌افزاید، از آغاز سال جاری تاکنون، مبلغ ٦۲٤ میلیارد ریال از تسهیلات بانک کشاورزی به حدود ۱۲ هزار و ۸۰۰ نفر از افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) پرداخت شده است.



به مناسبت آغاز دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن

ملت ایران، آغاز سی و سومین سالگرد دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی را در حالی جشن می گیرد که کاروان این انقلاب الهی، مصمم‌تر، استوارتر و پرصلابت‌تر از هر زمان، پیش می‌رود و بر گسترهٔ نفوذش در اقصی نقاط جهان و به ویژه کشورهای اسلامی، افزوده می‌شود. آنچه در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نقش پراهمیت و تعیین‌کننده‌ای داشته، مبارزات طبقات مختلف مردم با حمایت و راهبری روحانیون و در رأس آنان، امام خمینی(ره) بوده است، و چنین وحدت کم‌نظیری بود که ملتی را با دست خالی بر رژیمی تا بن دندان مسلح پیروز کرد و این پیروزی همچنان تداوم یافت و بر این اساس رژیمی استبدادی که عملکردش همواره با اعتقادات دینی و مذهبی مردم تضاد داشت و به حرکت‌هایی نظیر تصویب قانون کاپیتولاسیون و مراسم بیهوده و بسیار پرهزینه‌ای مانند برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی می‌پرداخت. حتی در شرایطی که ساواک سرکوبگر در اوج قدرت بود، از آنجا که رژیم در میان توده‌های مردمی با اعتقادات اسلامی ریشه‌ای نداشت، در برابر سیل خروشان ملت نتوانست دوام بیاورد و لاجرم، سرانجامی جز سقوط در انتظارش نبود.

سخنرانی فیضیه

در آغاز محرم سال ۱۳۸۳ هجری برابر با خرداد ۱۳۴۲ شمسی قم به صورت پایگاه ضد رژیم درآمده و شور خاصی در آن برپا بود. در عصر عاشورای آن سال برابر با سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، حضرت امام خمینی(ره) با حضور در مدرسه فیضیه، طی سخنان کوبنده‌ای، ضمن انتقاد شدید از رژیم پهلوی و اربابان آمریکایی و اسرائیلی شاه ایران، پرده از جنایات طاغوت برداشتند.

حضور مردم در سخنرانی به اندازه‌ای بود که تمامی صحن فیضیه و دارالشفاء، صحن حرم حضرت معصومه(س) و میدان آستانه و اطراف، مملو از جمعیت بود. در پی سخنرانی افشاگرانه حضرت امام، در سحرگاه پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، دژخیمان رژیم ستمشاهی به خانه ساده و بی‌آلایش امام در قم یورش بردند و امام را دستگیر و دور از چشم مردم به زندانی در تهران منتقل کردند.

هنوز چند ساعتی از این حادثه نگذشته بود که فریاد مردم معترض و انقلابی، علیه حکومت دیکتاتوری شاه بلند شد و خواستار برقراری حکومت اسلامی و پایان دادن به رژیم ستمشاهی شدند. به همین دلیل بود که گلوله‌های برخاسته از خشم و کینه استبداد شاهنشاهی قلب هزاران مسلمان انقلابی بپاخاسته را در این روز نشانه رفت و با به خاک و خون کشیدن آنان، قیام خونبار و جاوید پانزدهم خرداد ۴۲ شکل گرفت.

نقش امام خمینی(ره)

در بررسی انقلاب اسلامی و با توجه به اینکه بنا به گفته اکثر محققین و ناظران از مردمی ترین انقلابها بوده است و از طرف دیگر نقش رهبری امام خمینی(ره) نیز در این انقلاب غیرقابل انکار است و همان‌طور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح کردند «این انقلاب بی نام خمینی(ره) در هیچ جای جهان شناخته شده نیست». آگاهی از چگونگی رابطه مردم و رهبری حائز اهمیت است برای پاسخ دادن به اینکه چرا علیرغم مردمی بودن تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در گذشته مانند نهضت مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت، سرانجام این تحولات به ناکامی کشیده شد و مردم از صحنه خارج شدند، اما در انقلاب اسلامی علیرغم همه حمایت‌های جهانی از رژیم شاه مردم توانستند بدون دست بردن به اسلحه، قدرت را به دست بگیرند، مستلزم بررسی سیر مبارزات و حرکت‌های انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) است و بی‌تردید عملکرد رژیم شاهنشاهی و وابستگی آن به بیگانگان، باید مورد توجه قرار گیرد.

کوچیدن روستائیان به شهرها

در بررسی رخدادهای اجتماعی، پژوهشگران رفتارها را مورد توجه قرار می‌دهند. در ریخت‌شناسی یک حرکت انقلابی نیز باید به ارزیابی گونه‌های متفاوت رفتارها و برخورد دولت‌ها و رژیم‌ها با مردم پرداخت.

این که شاه و رژیم‌اش تمایل به رفتاری متمرکز داشت و در این راه، انواع ابزارها را به کار گرفته بود تا هر معترض و مخالف را سرکوب کند، آشکار است. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، محمدرضا پهلوی به تحکیم قدرت خود پرداخت و طرح‌هایی به نام انقلاب سفید را با محوریت اصلاحات ارضی به اجرا گذاشت. اما اجرای این طرح‌ها با هدف توسعه اقتصادی و بهبود ساختار اجتماعی، به گسله‌های طبقاتی دامن زد و جامعه را در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ دچار تنش کرد.

مدل توسعه وابسته شاه، بیش از ایجاد آبادانی، سبب تشدید فشارها و ایجاد تنش‌های داخلی شد و شاه را به پرتگاه برد. برآیند اصلاحات دهه ۱۳۴۰ محمدرضا پهلوی، تهی‌شدن روستاها و مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهرها بود. حال کار نداریم که از سوی دیگر هیچ کشاورز دوره فئودالیته، توان مالی و عملی اداره زمین خود را نداشت و از این رو سیل کوچیدن به شهر آغاز شد.

سیل کوچیدن به شهرها، کناره‌نشینی شهری را پدیده گسترده نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ کرد و ایران با اجرای اصلاحات ارضی شاه از کشوری کشاورزی، تبدیل به واردکننده تولیدات کشاورزی شد.

نتیجه اجرای سیاست‌های اصلاحات و تن‌ندادن شاه به الزامات دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، توازن را بر هم زد و از آن‌جایی که نظام سیاسی رژیم شاه، قوه سازش‌پذیری نداشت، در هم شکست.

شاه سابق می‌کوشید برای چیرگی بیش‌تر بر همه امور، ساختارهای کهن فرهنگی روستاها را با راه‌اندازی خانه‌های فرهنگ و انصاف و شوراهای روستایی دگرگون کند؛ اما هیچ‌یک چاره‌ساز نیفتاد و در نیمه نخست دهه پنجاه، اجرای سیاست‌های نسنجیده و افزایش انتظارات محرومان و خواست‌های مردم و کاهش بهای نفت و بیکاری و تورم در هم آمیخت و پایه‌های شکننده رژیم پهلوی را بیش‌تر به لرزه انداخت.

شاه سابق به نقد مشاوران خارجی به مدل اصلاحات خود نیز اهمیت نمی‌داد و همچنان به کنترل متمرکز قلمروهای مورد نظرش می‌پرداخت، که به نوبه خود به آسیب‌پذیری‌های نظام سیاسی می‌افزود و شکننده‌ترش می‌کرد.

افزایش درآمدهای نفتی

درآمدهای سرشار نفت نیز نتوانست شاه را نجات دهد. زیرا درآمدهای بادآورده نفتی، بیش‌تر در راه برنامه‌های امنیتی و اطلاعاتی و سرکوب معترضان و مخالفان به کار گرفته می‌شد؛ اما از شمارشان کم نمی‌کرد، چرا که با سیاست تمامیت‌خواه و نادرست حزب رستاخیز، به تدریج بر شمار مخالفان افزوده می‌شد.

از سوی دیگر از آن‌جایی که فرایند کارها نزد رژیم پهلوی، غیرمتمرکز نبود و در اداره کشور، اندیشه‌های باز، جایی نداشت، افزایش بهای نفت در آغاز دهه ۱۳۵۰ در پی شوک نفتی، به جای سرمایه‌گذاری‌های پایه، تنها کشور را تبدیل به انبار کالاهای وارداتی کرد و بخش دیگر درآمد نفت نیز با رفتار قدرت‌جویانه شاه به کام اسلحه‌سازان می‌رفت و ایران را به انبار سلاح‌های جوروواجور آمریکایی بدل می‌کرد؛ از آن‌جایی که محمدرضا پهلوی خواستار پیشرفته‌ترین سیستم‌ها و تجهیزات نظامی بود تا نقش منطقه‌ای خود را به خوبی ایفا کند، در دهه ۱۳۵۰ به بزرگ‌ترین خریدار سلاح‌های آمریکا در جهان سوم تبدیل شده بود.

افزایش درآمدهای نفتی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، نه آن که زندگی مردم را به جایگاه بهتری ارتقا نداد، بلکه به افزایش نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی انجامید و پیامدهای ناگوار یک اقتصاد وابسته به کشوری بیگانه را آشکارتر ساخت و تورم برآمده، زندگی را بر مردم سخت‌تر کرد.

نگرانی از خیزش‌های مردمی

جالب آن که در این میان، اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز که به رژیم خودکامه محمدرضا پهلوی به چشم مزدور امپریالیزم جهانی می‌نگریست، از خوان یغما بی‌نصیب نماند. پیش‌تر معامله‌های بزرگ نفت به ازای اسلحه، ایران را تبدیل به انبار سلاح امریکایی کرده بود، ولی انگار آن‌ها به محمدرضا پهلوی اطمینان کامل نبخشیده بود که بر آن شد تا سلاح‌های دست‌دوم شوروی را نیز به قبلی‌ها بیفزاید.

جریان از این قرار است که رژیم پهلوی برای اطمینان بیش‌تر، با بهره‌گیری از پول نفت و با امتیاز دادن به همسایه شمالی خود، رابطه دوستانه‌ای با آن کشور برقرار ساخت و بدین گونه میلیون‌ها دلار اسلحه از شوروی روانه ایران شد و در کنار سلاح‌های ساخت امریکا قرار گرفت.

فروش سلاح‌های شوروی به رژیم شاه (یک رژیم وابسته به آمریکا) از پدیده‌های کمیاب دوره جنگ سرد است. همان‌طور که گفته شد، شوروی کمونیستی، رژیم پهلوی را وابسته به آمریکا می‌دانست و بر پایه تحلیل‌های خود از آن به نام سرکوبگر طبقه کارگر یاد می‌کرد. ولی هنگام تحویل کشتی‌کشتی سلاح و گرفتن دلار، همه آن‌ها به دست فراموشی سپرده می‌شد.

پژوهشگران در این باره می‌گویند که تنش‌زدایی آمریکا و شوروی فرصت را برای اجرای سیاست‌های خارجی جدید شاه با نام سیاست مستقل فراهم آورده بود تا خیال‌اش از این‌سو نیز آسوده شود؛ اما این نیز نتوانست جلوی رویدادهای ضدرژیم در دهه ۱۳۵۰ در ایران را بگیرد.

حقیقت آن بود که رژیم پهلوی نگران خیزش‌های مردمی در منطقه بود و پشتیبانی آمریکا را در برابر امواج انقلابی منطقه کافی نمی‌دانست و برای استحکام موقعیت خود، حاضر بود به کشوری که مدعی بود از کمونیست‌های خرابکار داخل کشور حمایت می‌کند، باج دهد و از آن‌ها نیز اسلحه بخرد و البته شوروی نیز از این ضعف، نهایت استفاده را برد.

ایجاد رابطه با شوروی در حالی بود که شاه سابق در پاسخ به برنامه کارتر برای تن‌دادن به فرآیندهای دموکراتیک در ایران، خطر کمونیسم را مطرح می‌ساخت، با این پیش‌بینی که ایران تبدیل به ایرانستان خواهد شد و چیرگی شوروی را بر منطقه گسترش خواهد داد.

اما در حقیقت، ترس شاه از مردم ایران بود. او گرچه مدام پای اتحاد جماهیر شوروی را در خلوت گفت‌وگوهایش با غربی‌ها به میان می‌کشید، ولی در اصل نگران فرایند ناخشنودی‌های داخلی بود و مدام کابوس تنش‌ها و نارضایتی‌های داخلی را می‌دید و سرانجام نظام دوقطبی و تقابل آمریکا و شوروی، به ظرفیتی برای تسهیل در پیشرفت مراحل گوناگون انقلاب اسلامی تبدیل شد.

گزاره خارجی/وابستگی

در ادامه بررسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌توان پس از گزاره داخلی (بحران اجتماعی)، گزاره خارجی (فشارها و کشمکش‌های جهانی) را مورد واکاوی قرار دارد و بازشکافت.

یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، رد هرگونه وابستگی و اساسا هرگونه چیرگی و سلطه بیگانه بوده است. زیرا وابستگی سبب می‌شود که دولت وابسته و دولت سرکوبگر نتواند هدایتی بر تحولات داخلی خود داشته باشد؛ در حالی که در دهه ۱۳۵۰ روابط سیاسی، اقتصادی ایران و آمریکا از چنان گسترشی برخوردار شد که در روابط با کشورهای جهان سوم وابسته به آمریکا، کم‌سابقه بود.

وابستگی رژیم شاه سبب شد که دگرگونی‌ها و شرایط جهانی، سیاست‌ها و رفتارهایش را تحت تاثیر قرار دهد؛ نمونه مثالی در این مورد نیز وابستگی ارزی رژیم شکننده شاه به خارج بود.

محمدرضا پهلوی گرچه معتقد بود که قدرت نظامی بدون پایگاه اقتصادی محکم معنی ندارد، ولی این توسعه اقتصادی را در چارچوب مناسبات با غرب و سپس شوروی سابق -که به وابستگی بیشتر دامن می‌زد- جستجو می‌کرد.

> ❊ درآمد نفت با رفتار قدرت‌جویانه شاه به کام اسلحه‌سازان می‌رفت و ایران را به انبار سلاح‌های جوروواجور آمریکایی بدل می‌کرد
>
> ❊ یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، رد هرگونه وابستگی و اساساً هرگونه چیرگی و سلطه بیگانه بوده است. در حالی که در دهه ۱۳۵۰ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آمریکا از چنان گسترشی برخوردار شد که در روابط با کشورهای جهان سوم وابسته به آمریکا، کم‌سابقه بود

از دیگر عوامل خارجی باید به فشار دوره کارتر اشاره کرد. کارتر در انتخابات آمریکا بر دو نکته پای می‌فشرد، یک حقوق بشر و دو، قطع صدور سلاح به رژیم‌های دیکتاتوری وابسته به آمریکا؛ ولی نوبت به ایران که می‌رسید، ورق بر می گشت و استثنا قایل می‌شدند و کارگزاران امریکایی، فروش سلاح را -حتی با مخالفت احتمالی کارتر- با شتاب هرچه بیش‌تر ادامه می‌دادند.

رژیم پهلوی همواره در تقویت دستگاه سرکوب خود می کوشید و راه خروج از کشور را به مخالفانش نشان می‌داد؛ یکی از همین مخالفان پس از کوچ ناچاری خود به فرانسه، نامه بلندبالایی به وی نوشت و در پایان ناگفته‌هایش گفت: «روزی مردم نیز به تو راه خروج از کشور را نشان خواهند داد و تو با چشم گریان، کشور را ترک خواهی کرد.» که همین‌جور هم شد!

در سال ۱۳۵۶ رفتارهای ناقض حقوق بشر رژیم شاه، فشار نهادهای حقوق بشر جهان را افزایش داد که به فضای باز سیاسی در آن سال انجامید و ناخشنودی‌های مردمی امکان بروز یافت و در پاییز و زمستان آن‌سال، راه‌پیمایی‌های خیابانی به راه افتاد.

کارتر از آن‌جا از شاه می‌خواست گشایشی در فضای سیاسی پدید آورد، که معتقد بود خطری متوجه رژیم او نیست. با روی کار آمدن کارتر و قدرت یافتن حزب دموکرات، محدودیت‌های برای کاهش فشار سیاسی داخلی بر محمدرضا پهلوی زیاد شد.

در دوره کارتر، برنامه جلوگیری از سرنگونی رژیم‌های وابسته به آمریکا، سفارش به روش‌های دموکراتیک بود. از دهه ۱۳۴۰ این نگرش در غرب پدید آمده بود که در کنار گسله‌های طبقاتی، یکی دیگر از گزاره‌های رشد کمونیسم، خودکامگی است. از این رو محمدرضاپهلوی ناچار بود تا دگرگونی‌های ساختاری و ریشه‌ای متناسب با نیازهای روز را شکل دهد تا بتواند نیازهای مردم را از دو جنبه «کاهش شکاف طبقاتی» و «فضای باز سیاسی» برآورده کند و همین، فرصتی برای کنش اجتماعی مردم فراهم آورد؛ بدین‌گونه که فشار کارتر به شاه برای باز کردن فضای سیاسی در ایران، موقعیت را برای مخالفان باز کرد تا بتوانند ابراز وجود کنند. پیامد فشارهای خارجی، افزایش خواسته‌های داخلی را نیز به دنبال آورد و مهیاگر رخدادی بزرگ به نام انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شد.

پیروزی

رژیم محمدرضا پهلوی که ایران را «جزیره ثبات» خاورمیانه ارزیابی می‌کرد، در برابر فشار جنبش عظیم مردم ایران، تاب نیاورد و فرو پاشید.

جالب آن که برای دستگاه‌های اطلاعاتی ـ امنیتی آمریکا شرایط ایران در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ آرام بود و ریچارد هلمز، سفیر وقت آمریکا در ایران، تابلویی را برای کاخ سفید ترسیم کرده بود که نشان می‌داد تا ۱۰ سال دیگر هم ایران ثبات سیاسی خواهد داشت و مشکلی پیش نخواهد آمد.

حتی شاخک‌های اتحاد شوروی سابق نیز ناتوان از پیش‌بینی آینده بود و خطر جدی‌ای برای رژیم شاه احساس نمی‌کرد. از دید آنان هنوز گروه‌های سازمان‌یافته کارگری برای برپایی انقلاب پا نگرفته بودند؛ در حالی که ریزش در رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ از درون آغاز شده بود و همزمان در همان سال، سازمان سیای آمریکا هیچ نگرانی‌ای در تحلیل‌هایش بروز نمی‌داد.

آمریکایی‌ها هنگامی به ژرفای ناخشنودی‌ها و بحران در ایران آگاهی یافتند که بسیار دیر شده بود و انقلاب اسلامی به کابوسی برای حزب دموکرات آمریکا تبدیل شد و سرانجام رژیم شاه که در برابر فشارهای جنبش انقلابی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره)، چاره‌ای جز پذیرش شکست نیافت و تسلیم شد.

> ❊ با پیوستن کارگران و خوشه‌های پایین‌شهری به مردم معترض دهک متوسط، شمار راهپیمایان چندهزاری، تبدیل به میلیونی شد و شاه را به خروج از کشور واداشت. دولت بختیار نیز توفیقی در آرام‌کردن جامعه به دست نیاورد و سرانجام انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی(ره) به پیروزی رسید

رویدادهایی نظیر فاجعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان و کشته‌شدن مردم بی‌دفاع در برخی از راه‌پیمایی‌ها (مانند جمعه سیاه ۱۷ شهریور) به‌دست نیروهای شاه، اعتراضات مردمی را تشدید کرد. رکود اقتصادی، سبب دست از کار شستن گسترده کارگران شد و اقتصاد کشور را فلج کرد. با پیوستن کارگران و خوشه‌های پایین‌شهری به مردم معترض دهک متوسط، شمار راه‌پیمایان چندهزاری، تبدیل به میلیونی شد و شاه را به خروج از کشور واداشت. دولت بختیار نیز توفیقی در آرام‌کردن جو جامعه به دست نیاورد و سرانجام انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی(ره) به پیروزی رسید.

سرویس گزارش

جدول شرح در متن — شماره ۲۹۳۸
طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۲۹۳۷

جدول ۲۱۶۳۰

افقی:
۱ـ یازدهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت (ع) ـ استان زیارتی
۲ـ انواع ـ نگهبان ساکن در مدرسه
۳ـ تیر پیکان‌دار ـ مسابقات سرعت ـ گروه ورزشی ـ توده هوای گرم روان
۴ـ صدا ـ از موسسات مالی ـ رود و شهری در استان ایلام
۵ـ ویژگی آنچه به شکل نصف دایره باشد ـ گشاده ـ نمازی مستحبی که دو رکعت است
۶ـ نویسنده رمان تاریخی «بن هور» ـ نوشیدنی شیرین مهمانی‌ها ـ تلفظ هجاهای واژه یا گفتار
۷ـ خاندان ـ واقعه و رخداد ـ تظاهر به نیکی کردن
۸ـ سرسلسله اعداد ـ صید ـ کنیز خانه پرورده ـ فرمانده بدن
۹ـ بانگ مهیب درندگان ـ سعدیا مرد .... نمیرد هرگز ـ منقار کوتاه
۱۰ـ پیش‌نام محترمانه مردان ـ دینداری ـ کارگزار
۱۱ـ عتیقه ـ حرف انتخاب ـ موسسه اتومبیل شویی
۱۲ـ پیوسته ـ تکیه‌گاه ـ همراه «چین» می‌آید
۱۳ـ درجه گرما و سرما ـ هر لنگه در و پنجره ـ شاعر دشتستانی ـ علامت مفعولی
۱۴ـ پایتخت «ونزوئلا» ـ نبودن سروصدا، هیاهو یا ناامنی
۱۵ـ بالانشین بدن ـ نوعی زمان‌سنج دقیق که موتورآن به وسیله نوسانگری ترانزیستوری به حرکت درمی‌آید.

عمودی:
۱ـ قاره استرالیا ـ فهرست و نمایه
۲ـ خوشبو ـ کناره و کرانه ـ جانوری بی‌دست و پا!
۳ـ تکرار اولین حرف ـ دیکته ـ توانایی و قدرت
۴ـ قرارگاه ـ نوعی کفش لاستیکی ـ کلام پرسشی ـ سنگ آسیا
۵ـ به امور مالی و دفاتر رسیدگی می کند ـ شهر توت ـ نوعی ماهی کوچک خوراکی
۶ـ غذای پاسفره‌ای ـ نامه را در آن قرار می‌دهیم ـ کالا
۷ـ شهری در استان اردبیل ـ خلبانی شجاع و از جان گذشته که نامش زینت بخش یکی از ورزشگاه‌های تهران است ـ وجود دارد
۸ـ شاه هخامنشی ـ غلاف شمشیر
۹ـ بی‌دوام و فاقد استحکام ـ شهری در خوزستان ـ گل شکل گرفته و پخته
۱۰ـ بزرگوار و بخشنده ـ کامل و همه ـ شهری در جنوب سیستان و بلوچستان
۱۱ـ یار «ویس» ـ وحشی ـ مقابل معنویات
۱۲ـ حرف دهان کجی ـ قمر ـ گیره ـ سوره ۳۹ قرآن مجید
۱۳ـ از ایام دهه مبارک انقلاب اسلامی که با ورود حضرت امام خمینی (ره) به میهن آغاز شد ـ تفحص ـ شب روستایی
۱۴ـ برف به ترکی ـ فرومایه و خسیس ـ سپاسگزار
۱۵ـ دریایی در غرب ترکیه ـ علم نجوم

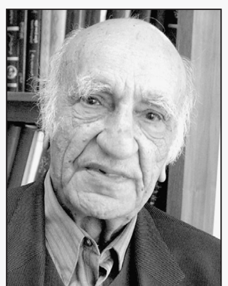
طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول ۲۱۶۲۹

گزارشی از همایش انجمن ایران‌شناسان اروپا ـ لهستان

صدسال تنهایی

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی — بخش بیست و پنجم



یکشنبه ۷ صفر ۱۳۳۵ / ۱۱ قوس

[٤ دسامبر ١٩١٦م]: نیم ساعت از شب گذشته، عموم محبوسین خانه موقرالدوله را به ارگ دولتی انتقال دادند. حجرات ارگ که قابل سکنی بود، سابقاً اشغال شده، به تصرف سایر توقیف‌شدگان درآمده بود. وقت ورود، اتاقی به ما داده شد که مرطوب بود و همان شب سبب ناخوشی بعضی شد. روز بعد آن اتاق را با افغانها عوض کردیم. آنها نیز پس از چندی از آنجا به محل دیگر که برایشان تعمیر نمودند، رفتند.

در ارگ، عموماً محبوسین جمع شدند و عده آنها به ما تکمیل شد و واقعاً بی تماشا نبود؛ از ملل مختلفه آلمانی، اتریشی، سوئدی، ایرانی، عثمانی، افغان، هندی، آنجا جمع شده بودند. زبان بین‌المللی محبوسین فارسی بود. در اینجا آشنایان جدید پیدا کردیم. سوگمایر و کریزینگر را که در کرمان بودند، دیدیم.»

***

چطور است، مقام را به قول موسیقی‌دانها تغییر داده، بحث واقعه دیگری را که در همان روزها اتفاق افتاده، پیش بکشیم. در آن چکامه **وحید دستگردی** که در اول مقاله با آن موضوع را شروع کردیم، یکی دو بند هست که به اهمیت دو اختراع مهم، یکی تلگراف و یکی هواپیما اشاره می‌کند؛ اختراعاتی که همان کاری را که امروز موشک‌ها و موبایل‌ها و بی‌بی‌ثی، در تهییج مردم انجام می‌دهند، به صورتی انجام می‌داد. وحید ضمن آن نفرین کرده بود در مورد سیم تلگراف رویتر و گفته بود:

آخرای رویتر، این یاوه‌سرایی تا چند
اندر اقطار جهان هرزه‌درایی تا چند؟
خواب اضغاثی و تعبیر خطائی تا چند؟
کرگدن جلدی و بی‌شرم و حیایی تا چند؟
تا به کی قافله بیهده را پیشاهنگ؟
کی دروغ تو جلوگیری طیاره کند؟
همسری یاوه نیارد که به خمپاره کند
خنده ز اخبار تو هر طفل به گهواره کند
دم فرو بند، خدا سیم تو را پاره کند
روز را شام چرا خوانی و رومی را زنگ؟

اتفاقاً دو سه مورد دموکراتها سیم تلگراف را قطع و پاره هم کردند، یا تلگرافها را به طرف نرساندند. تقریباً کاری که پارازیت این روزها می‌کند. در واقع قرن گذشته قرن تلگراف بود که آخرین فاتحه آن در مدرسه مُرس لندن در نیمه شب ۳۱ ژانویه ۱۹۹۹م/ ۱۳ شوال ۱۴۱۹هـ/ ۱۱ بهمن ۱۳۷۷ ش خوانده شد (هواخوری باغ، فصل مرثیه مُرسیه. چاپ دوم، ص۲۰۳) و در واقع در قرن بیست و یکم، تلگراف وظیفه انقلابی خود را به ۵ مثقال کائوچوک و کربن سپرد که موبایل (تلفن همراه) نام دارد که بااین وجود نحیف، بتواند یک میلیون آدم را در میدان تحریر قاهره علیه مبارک جمع کند. مورد دوم اختراع هواپیماست و استفاده آن در جنگ.

ویلهلم امپراتور آلمان؛ همان که جشن تولد او را در زندان شیراز گرفتند و آنهمه سختی دیدند؛ به قول وحید دستگردی:

حکم بر تودهٔ ژرمن به فداکاری داد
ابر سر توپ هویزر به شرباری داد
زیپلن را به هوا فرصت طیاری داد
به قضا و به قدر منصب سرداری داد
فتح را خوانده سپهدار و ظفر را سرهنگ

اتفاقاً در جنگ کازرون و شیراز، هواپیماها شرکت داشتند؛ منتها نه زیپلن، بلکه هواپیمای انگلیسی و توپها را هم سایکس به شیراز فرستاد، نه ویلهم، و آنها هم که منصب سرداری داشتند، قضا و قدر نبودند، بلکه سردار ظفر بختیاری و سردار معتضد مشاور فرمانفرما بودند، و سپهدارها تنکابنی بود؛ سرگذشت ابوالفتح‌زاده را هم که دیدیم.

چون داستان بمباران هوایی کازرون برای نخستین بار اتفاق افتاده و مهم است، اشاره‌ای بدان بی جا نیست. بر طبق یادداشتهای رئیس الاطباء در سال دوم حکومت فرمانفرما: «.... انگلیسان در مقام انفتاح راه بوشهر [به شیراز] برآمدند، از طرف بندر بوشهر، عده‌ای کثیر از لشکر و عسکر و سوجر هندی و غیره پیش آمدند، و از این طرف، هرچه عده داشتند با استعداد فوق‌العاده پیش رفتند. از طرف بوشهر به امداد بالان و طیاره و آرپلان، بردشتی و دشتستان تسلط پیدا کردند و به انواع حیل گردنکشان را خاضع و مطیع کردند و زائر خضرخان را دستگیر کردند؛ پس از گرفتن مبلغ خطیری، او را کشتند. به فوریت از بوشهر مشغول ریل کشیدن شدند تا به برازجان کشیدند. از آن طرف پیش آمدند و از طرف شیراز به ناصر دیوان فشار آوردند. چون عرصه را از دو طرف تنگ دید، از کازرون بیرون رفت و کازرون را نیز متصرف شدند.

ناصر دیوان رفت به جره و فامور، با عده‌ای که به دویست نفر می‌رسید. از طرف ایالت به او ارسال و مرسول شد و او را مخیّر کردند که یا به طهران رود یا به شیراز آید، اطمینان داشته باشد. پس از مفتوح شدن راه بوشهر، درصدد شسته کردن کتل‌ها برآمدند. قسمتی راه را پاک و صاف کردند که هر روزه اتومبیل عبور و مرور می‌کنند. تا بوشهر بیست ساعت شاید هم کمتر آمد شد می‌کنند و کازرون را خیلی اهمیت دادند...

در روز **جمعه پنجم شهر جمادی‌الاول** [۱۸/۱۳۳۶ فوریه ۱۹۱۸ سال آخر جنگ بین‌الملل] یک آرپلون بزرگ به شیراز آمد. چون اهل شهر چیز هرگز ندیده دیده بودند، تمام رجال و نسا به بامها رفته برای تماشا. در هوا، مثل باشه‌ای بود که بالهای خود را مسطح کرده باشد. صدای عجیبی می‌کرد. تمام طیور وحشت پیدا کرده بودند و خیلی اوج داشت، و روی سر شهر نمایش داد و گردش نمود.

بعد در باغ تخت که برای نزولش مهیا کرده بودند وارد شد. عصر دسته دسته مردم به تماشا می‌رفتند؛ من جمله خود بنده [رئیس الاطباء] بودم. اولاً وضع این طیاره روی زمین از دور بعینه مثل نشستن ملخ بود: دو عراده از ریل درشت، و دم او شبیه به دم ماهی، و در دو طرفش که به منزله بالهای او بود از تخته و آهن ساخته‌اند. در شکم او اسباب آتشخانه و چرخها داشت که به قوه بنزین است که حرکت می‌کند، و در پیشانی او چهار پرّهٔ بزرگ که از یکپارچه چوب ساخته‌اند که به یک محور حرکت می‌کند، و این صدا از حرکت و دوران اوست که به شکلی به‌سرعت می‌کند در وقت طیران که محسوس نمی‌شود. و جای نشستن دو نفر بیش نداشت، و طول آن ده ذرع به نظر آمد و عرض آن پنج ذرع.

و آن دو نفر، لباس چرمی در بر داشتند، و دو ذره‌بین به چشمها داشتند، و در زیر آن نیز ذره‌بینی بزرگ قرار داده‌اند، و ساعت و درجه و قطب‌نما نیز در آن بود. خود فرمانفرما [حاکم]، و قوام‌الملک [ابراهیم] برای تماشا آمده بودند و از آنها سؤال می‌کرد که برودت هوا در کجا به شما بیشتر اثر کرد؟ اشاره به کوه برفی معروف به «کوه دراک» کردند که در سمت غربی واقع است. گفتند به اندازه‌ای سردی هوا روی این کوه اثر کرد با اینکه لباس چرمی در بر داشتیم، نزدیک به هلاکت رسیدیم؛ ولی خیلی محل تعجب و حیرت بود.

مدت زمان سیر از شیراز تا بوشهر ـ که متجاوز از پنجاه فرسخ [سیصد کیلومتر] است، یک ساعت و ده دقیقه بود و خیلی جرأت می‌خواهد سوار شدن در آن. و آن دو نفر سورچی آن به سن بیست ساله بودند. و چون در این ایام، بنای انتخاب وکلا برای دارالشورای ملی [دوره چهارم، بعد از چند سال فترت در ۱۳۳۹ق/ ۱۹۲۱م مجلس افتتاح یافت] بود و فرمانفرما برای دادن تعرفه، جناب حاجی میرزا مهدی حسام‌السادات متولی مسجد وکیل، می گفتند پس از ملاقات شاهزاده و پرسیدن از موقوفات مسجد، گفتند: «طیاره‌ای که امروز آمد تماشا کردی؟» گفتم: آری. فرمود: هیچ کس این طیاره را به این شهر و مملکت ایران بی طرف وارد نکرد؛ الا اشخاصی که در مسجد نو جمع شدند و بلوا کردند و «حیدر حیدر» کردند و آن کارهای قبیحانه‌ای که بالمآل نتیجه‌اش این شد.

القصه در صبح یکشنبه هفتم شهر جمادی‌الاول [۱۳۳۶ ق/ ۲۰ فوریه ۱۹۱۸م] بنای حرکت را داشت، مجدداً جمعیت از زن و مرد به باغ تخت رفته، هندیها دور به دور ایستاده بودند با تفنگ، برای جلوگیری از مردم. اول کارخانهٔ او را آتش کردند، چرخها که به حرکت آمد، آن پرّهٔ بزرگ به حرکت افتاد و آن دو نفر فرنگی لباس چرمی پوشیدند و به همان ترتیب دست داده خداحافظی کردند و رفتند.

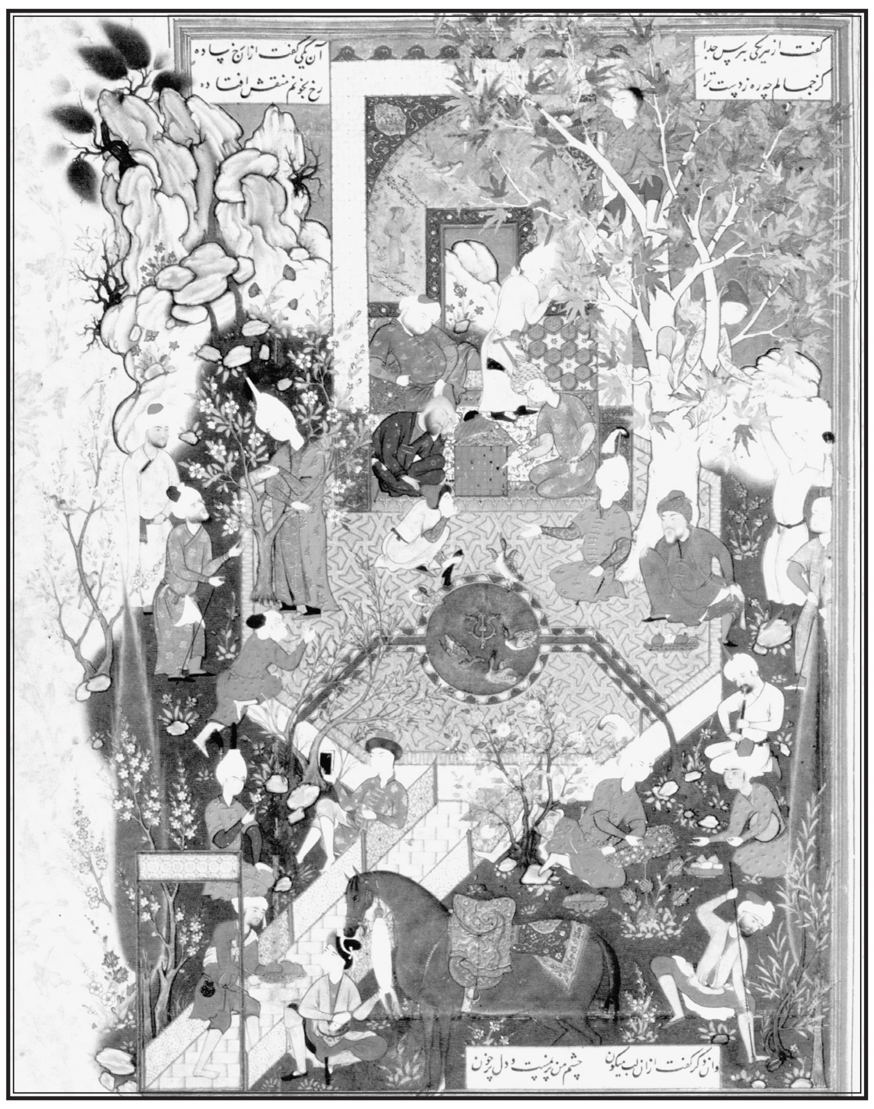
از قضا در کازرون او را تیر زدند، سرنگون به زمین شده، هر دو نفر قطعه قطعه شدند. از چشم آدمهای ناصر دیوان دیدند؛ چون به مجرد گلوله رسیدن به هر کجای او، از قوه افتاده به زمین می‌افتد.» [این دومین نفر از قربانیان صد سال تنهایی. ای سفارت انگلیس اگر درت دوباره باز شد، به من بنویس اسم این دو تن کشتگان هوایی جنگ اول، که معلوم نیست برای چه کسی در بیابان کازرون کشته شده‌اند، چه بود؟ آری نام آنها را می‌خواهم برای تکمیل این مقاله]. دو چتر تهیه کرده‌اند؛ اگر مجال کنند، چترها را باز می‌کنند و دست به دنباله آنها گرفته سالماً به زمین می‌آیند.

فردای آن روز، طیاره‌ای دیگر از بوشهر به سر رباطک آمد و چند بمب و نارنجک انداختند؛ بسیار از گاو و گوسفند، و چند نفر از سادات، تلف شدند. ناصر دیوان چون دید کار از چه قرار است، شب هنگام از آنجا فرار کرد.

ادامه دارد

شور و حماسه

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن



شاه ترکان چو پسندید و به چاهم انداخت
دستگیر ار نشود لطف تهمتن چه کنم؟
(حافظ)

«بیژن و منیژه» یکی از داستانهای عاشقانه شاهنامه است و می‌توان گفت از همه پُر معناتر. روش فردوسی آن است که در سر لوحهٔ بعضی از داستانهایش، درآمدی بیاوَرَد تا خواننده را برای ورود به بدنهٔ اصلی ماجرا آماده کند. دربارهٔ این داستان هم این شیوه به کار رفته است: شبی است ظلمانی و سکوت و هم‌انگیزی بر آن چیره است که بر غلظت آن می‌افزاید. فردوسی در باغ خود خفته است. ناگهان دستخوش کابوس می‌شود. فریاد می‌زند و کسی را که او را «بُت مهربان» خود می‌خواند، بیدار می‌کند و از او می‌خواهد که بیاید و با حضور خود او را از دهشت این شب رهایی بخشد. او سراسیمه می‌آید، شمع می‌افروزد و بزمی برپا می‌کند. چنگ می‌نوازد و برای آنکه مرد خود را مشغول و آرام کرده باشد، داستانی حکایت می‌کند و از او می‌خواهد که این داستان را به شعر آورد، این همان داستان بیژن و منیژه است، و این حدس را پیش آورده است که نخستین داستان شاهنامه باشد. بدین گونه شاهنامه از این شب ظلمانی طلوع می‌کند. کابوس فرو می‌خوابد و یک بهجت سحرگاهی برجای آن می‌نشیند.

گاه در شاهنامه چنان می‌شود که از واقعه‌ای عادی، حادثه‌ای بزرگ زاییده شود. هم از این نوع است داستان «بیژن و منیژه». قضیه این است که روزی کیخسرو با چندتن از سران کشور به بزم نشسته است، ناگهان گروهی از مرزنشینان برای دادخواهی به نزد او می‌آیند؛ زیرا گرازان وحشی کشت و کار آنها را خراب کرده‌اند. شاه بیژن را برای دفع گرازان به سرزمین آنها می‌فرستد و داستان از این ماجرای شگرف سر برمی‌آورد.

در اینجا چند موضوع پایه‌ای به هم برخورد می‌کنند: مردانگی، حسد، عشق، نیرنگ، وفاداری، شکنجه، مقاومت و آنگاه رهایی.

نخست مردانگی بیژن است. بیژن پسر یگانه گیو، نواده گودرز، یکی از جسورترین پهلوانان شاهنامه است؛ بدان گونه که بعد از رستم، او بیشتر از هرکس در میدان جنگ کارهای نمایان می‌کند. وقتی کیخسرو از حاضران مجلس خود می‌پرسد که: «چه کسی آماده نبرد با گرازان است؟» همه خاموش می‌مانند، مگر او و آنگاه یکه و تنها به سوی این مأموریت خطرناک روانه می‌شود.

دوم حسد. کیخسرو گرگین میلاد را با بیژن همراه می‌کند. نه به عنوان یاور، بلکه به عنوانِ راهنما، تا راه و چاه را به او نشان دهد. چون بیژن همه گرازان را از میان برمی‌دارد و بدین گونه افتخاری نصیب خود می‌کند، گرگین بر او حسد می‌برد و بر آن می‌شود تا دامی در راهش بگسترد. حسد یکی از فاجعه‌آفرین‌ترین خصلت‌های آدمی است: برادران یوسف را ببینیم، پسران فریدون را ببینیم، یاگو در تراژدی «اتللو» شکسپیر را ببینیم که جان دزدمونای بی گناه و شخص اتللو را برباد می‌دهد. و دهها نظیر آنها در تاریخ و افسانه.

منیژه ـ دختر افراسیاب ـ با دوستان خود در آن سوی مرز بزمی برپا کرده است. گرگین بیژن را به رفتن به سراپرده منیژه تشویق می‌کند. بدان امید که از این عمل، خطری متوجه او گردد، که همین گونه هم می‌شود. بیژن که در اوج نیرو و شور بُرنایی است، وقتی چنین نرمی می‌بیند، با لعبتان تورانی و نغمه و آواز و رقص، و دختر افراسیاب بر تارک آن، عجبی نیست که به نظرش بهشتی نماید در میان

* **داستان خواسته در هر حال ایرانی را گره‌گشا معرفی کند. چاه بیژن تنگنایی است که هر کس ممکن است در آن افکنده شود. زندگی ترکیب چاه، امید، چاره‌گری و رهایی است و سرنوشت بشر این است که بکوشد**

بیابان گرازستان.

بنابراین به سوی خیمه دختر روانه می‌شود. از سوی دیگر، منیژه با همان نگاه اول ربودهٔ برازندگی بیژن شده است که زیبایی را با مردانگی همراه دارد. کسی است که به تنهایی با گرازان جنگیده است. علاوه بر آن چه بسا که آوازه مردانگی جوان هم در جنگهای ایران و توران به گوش او رسیده باشد.

سه روز به بزم می‌نشینند؛ ولی روزهای خوش به‌سرعت به پایان می‌رسند. باید ناچار آهنگ رفتن کرد. منیژه از بیژن دل نمی‌کند. پس نیرنگی به کار می‌برد تا او را در کنار خود داشته باشد. گره به دست نوشابه هوش‌رُبا گشوده می‌شود. آن را به جوان می‌خورانند، او را بیهوش می‌کنند و در عماری می‌خوابانند. بدین گونه کاروان با مسافری تازه به سوی کشور افراسیاب روانه می‌شود.

از نظر منیژه هیچ چیز نباید بر سر راه عشق مانع ایجاد کند. نه دشمنی دیرینه میان ایران و توران. نه آزرم خانوادگی، و نه خطر رسوایی و نه خشم پادشاه. حافظ می‌گوید:

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی
صدگونه جادوی بکنم تا بیارمت

نتیجه کار معلوم است: بیژن از بیهوشی بیرون می‌آید و خود را در کاخ افراسیاب در شبستان منیژه می‌بیند؛ ولی کار از کار گذشته است. چه می‌تواند بکند؟ دل به دریا می‌زند و همانجا از نو به بزم می‌نشیند؛ اما تا کی؟ سرانجام تشت از بام می‌افتد. دربان واقعه را می‌بیند و از بیم جانش به افراسیاب خبر می‌دهد. بیژن را دستگیر می‌کنند و با دست بسته به نزد افراسیاب می‌برند.

افراسیاب از خشم دیوانه می‌شود. چگونه این رسوایی را تحمل کند؟ یک دختر به نام فرنگیس، زن سیاوش شد و بر اثر آن جنگ ایران و توران برپا گشت و آن همه کشتار و ویرانی به بار آمد، و اکنون این دختر دیگر با یک جوان بیگانه ایرانی، به عیش می‌نشیند. بازی روزگار بر هیچ کس رحم نمی‌کند، حتی بر او که افراسیاب زمان است. در حال

غیظ می‌گوید:

که را از پس پرده دختر بود
اگر تاج دارد، بَد اختر بود!

و فرمان به کشتن بیژن می‌دهد. بیژن در حضور افراسیاب پیشنهاد می‌کند که او را با دست بسته به جانب مرگ نفرستد، بلکه یک اسب و یک گرز به او بدهند، و او را با هزار پهلوان روبرو کنند، آنگاه اگر زنده ماند، او را بکشند. این ادعا بر خشم افراسیاب می‌افزاید. بیژن احساس اندوهی بزرگ دارد. نه از ترس مردن، بلکه از آن جهت که باید با بازوان بسته به سوی مرگ برود. این را برای خود ننگی می‌شناسد؛ زیرا شایسته خود را مردن در میدان جنگ می‌دانست، نه این گونه برهنه و بیچاره‌وار.

در همین دم که می‌روند تا بیژن را به جانب دار ببرند، ناگهان پیران از راه می‌رسد. پیران ـ سپهسالار و وزیر و خویشاوند افراسیاب ـ نمونه فرزانگی توران زمین است و همواره با نصایح خود تندخویی افراسیاب را تعدیل می‌کند.[1]

پیشنهاد پیران آن است که بیژن را زنده نگاه دارند؛ اما او را زنجیر بر پا، در چاهی محبوس کنند. افراسیاب می‌پذیرد و او را در چاه می‌اندازند و سنگ اکوان دیو را بر سر آن می‌گذارند تا امکان نجاتی برای او نباشد و در عذاب بمیرد.

اینجاست که مقاومت بیژن و وفاداری منیژه به آزمایش گذارده می‌شود. منیژه که از خانواده پدری طرد شده است، هر روز از اینجا و آنجا غذایی، تهیه می‌کند، و آن را از سوراخ گوشه چاه به درد آن می‌اندازد تا قوت روزانه‌ای برای جوان باشد و از گرسنگی نمیرد.

در ایران

اکنون ببینیم در ایران چه می‌گذرد؟ گرگین به تنهایی باز می‌گردد و در مورد گم شدن بیژن دروغهایی می‌بافد که کسی باور نمی‌کند. گیو که پسر یگانه خود را از دست داده است، به کیخسرو توسل می‌جوید. پادشاه در جام جهان بین نگاه می‌کند و بیژن را زنده می‌بیند. گره‌گشا رستم است. دست به دامن او می‌شوند تا برود بیژن را نجات دهد.

او می‌آید و برای آنکه خطری متوجه جان جوان نشود، نیرنگی به کار می‌برد؛ بدین معنا که به طور ناشناس، در لباس بازرگان با سپاه اندکی روانه توران می‌شود. سرانجام به راهنمایی منیژه، بیژن را به سلامت از چاه بیرون می‌آورند و آهنگ بازگشت به ایران می‌کنند. رستم هنگام بازگشت به انتقام بدیهای تورانیان شبیخونی به سپاه افراسیاب می‌زند و پس از شکست آنان، با مقداری غنیمت به ایران باز می‌گردد. پیروزی بزرگ و باورنکردنی به دست آمده است، کیخسرو دست منیژه را به دست بیژن می‌دهد و سفارش می‌کند:

به رنجش مفرمای و سردش مگوی
نگر تا چه آوردی او را به روی
تو با او جهان را به شادی گذار
نگه کن بدین گردش روزگار

نتیجه

داستانهای شاهنامه هر یک هسته مرکزی‌ای دارند؛ یعنی برگرد حکمت و آموزه‌ای می‌گردند؛ بنابراین ما در برابر هر یک از این داستانهای کهن از خود می‌پرسیم: چه می‌خواهد بگوید؟ هر یک از آنها حکایتی از یکی از تبرزهای ذات انسان دارند و می‌نمایند که آدمیزاد به رغم محدودیت جسم و جان خود، پهناور بی انتهایی دارد.

منیژه در این داستان جوهر زنانگی و شور عشق‌پروری را در خود به نمود می‌آورد. بی آنکه هرزه یا سبکسر باشد، خود را به یک نیاز طبیعی رها می‌کند که دستیافت به یک جفت برازنده است. در پی این مقصود می‌تواند به همه چیز پشت پا بزند.

بیژن و منیژه دو شخصیت اصلی داستان هستند. بیژن همان گونه که در میدان جنگ مردانگی خود را به نمود آورده است، اینجا سخت‌جانی کم نظیرش را می‌نمایاند. تصورش را بکنید: در یک چاه تاریک نمور زمستان و تابستان با غذای ناچیز، ونه هیچ نوع امکان استراحتی. با این حال، بر زندگی پای می‌فشارد. از این روست که چاه بیژن حتی بیشتر از هنرنماییهای کم نظیر او در میدان جنگ به او شهرت بخشیده است. داستان خواسته است که در هر حال ایرانی را گره‌گشا معرفی کند، در همه شئون، ولو در بند یا چاه. به هر حال بیژن از این آزمایش سربلند بیرون می‌آید. بی آنکه ماجرا رنگ خارق‌العاده به خود گرفته باشد. هم طبیعی است و هم غیرطبیعی.

* **داستانهای شاهنامه هر یک بر گرد حکمت وآموزه‌ای می‌گردند. هر یک از آنها حکایت یکی از تبرزهای ذات انسان است و می‌نماید که آدمی به‌رغم محدودیت جسم و جانش پهنه بی انتهایی دارد**

اما منیژه باید گفت که شخصیت اول اوست. او را می‌توان در ادبیات عاشقانه جهان یک نمونه کم نظیر دانست اگر نه بی‌نظیر. البته عاشقان و معشوقان پاکباز باز هم بوده‌اند و داستانشان بر سر زبانهاست؛ اما او از همه آنان در می‌گذرد. بی هیچ امید به آینده‌ای، وجود خود را نثار معشوق می‌کند. عشق بی چشمداشت، بی‌فردا و نایافته‌کام او را در نظر آوریم. دختر یک پادشاه، آن هم پادشاهی چون افراسیاب که ناگهان از قصر شاهی عزت و ناز به مسکنتی نزدیک به گدایی می‌افتد؛ رانده از اجتماع، سربرهنه، پابرهنه باید به این در و آن در برود، تا لقمه نانی برای محبوب خود به دست آورد و آن را از طریق روزنه چاه نزد او بیندازد.

البته این یک عشق روحانی ـ عرفانی نیست که جواب آن از معنویت یا از جهان دیگر انتظار برود؛ عشقی است که از سرشت انسان و ذاتیت او سرچشمه گرفته است. او که زن است، جوهر زنانگی خود را در حد نهایت به کار می‌اندازد، تا مرد دلخواه خود را به دست آورد، و اکنون هم که این مرد در اسارت است، با یاد او و رؤیای او زندگی می‌کند. همین وفاداری برای او مقصود زندگی است.

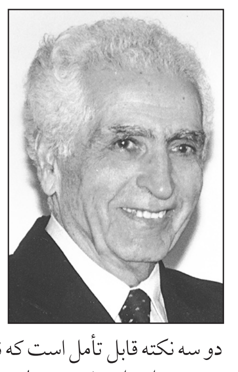
آیا منیژه جز آنچه کرد، راه دیگری در برابرش نبود؟ چرا. راههای متعدد بود. می‌توانست از پدرش بخشش بطلبد، خانواده‌اش را نزد او شفیع قرار دهد، خاکساری کند و رهایی یابد؛ ولی او هیچ یک از آنها را نکرد. نشان داد که خون داغ افراسیاب در تنش است! کسی که در استقامت در شاهنامه برای او نظیری نیست.

منیژه مرد خود را یافته است و تا پای جان در کنار او می‌ایستد، ولو در ته چاه: عشق بچربید بر فنون فضائل. (سعدی)

نکتهٔ آخر داستان این است که عشق برتر از هر چیز، نه ملیت می‌شناسد، نه مرام و نه آیین. دنیای عشق، دنیای یگانه است، راه خود را می‌شکافد و جلو می‌رود. ایران و توران که دشمن دیرینه بودند، در حلقهٔ بازوان منیژه، به جایی می‌رسند که گویی در جهان رایگان‌تر از آنان جفتی نیست، ولو جنگها ادامه یابند.

پایان خوش ماجرا، هماهنگی دارد با «درآمد» داستان که در آن فردوسی از شبی دهشت‌زا حکایت می‌کند که سرانجام با حضور «بت مهربان» تبدیل می‌گردد به شبی کامبخش و داستانش از زبان یار فردوسی، داستانی «پُر از چاره و مهر و نیرنگ و جنگ...» خوانده می‌شود؛ یعنی مظهر خصائل چندگانهٔ بشر، و در انتها می‌گوید کسانی می‌توانند به عمق معنای آن پی برند که دارای «فرهنگ و سنگ» باشند: همه از در مرد فرهنگ و سنگ... یعنی داستانی نه شبیه به داستانهایِ دیگر و نه درخور فهم همه کس.

چاه بیژن تنگنایی است که هر کس ممکن است در دورانی از عمر در آن افکنده شود؛ اما خوشبختانه امید آمدن رستمی هم در کار هست. زندگی ترکیب گرفته است از: چاه، امید، چاره‌گری و رهایی. سرنوشت بشر این است که بکوشد تا از امیدوار بودن خسته نشود.



دو سه نکتهٔ دیگر:

در پیش درآمد داستان دو سه نکته قابل تأمل است که نباید از سر آنها گذشت:

چرا در این شب خاص فردوسی دستخوش این کابوس گونه شده و حال آنکه شبی است مانند شبهای دیگر؟ شب سیاه در جهان فراوان است؛ پس چرا این یک باید چنین حالتی برانگیزد؟ آیا بازتابی از وضع زمانه است که این مرد آزاده را آرام نمی‌گذارده؟

البته دوران فردوسی ناظر وقایع سخت و گرفتاری و ناایمنی بوده است، آیا این بازتاب یکی از آن زمانهاست؟ با آب و تابی که فردوسی این شب را وصف می‌کند، می‌توانسته است چیزی ریشه‌دارتر از یک شب معمول در کار باشد. کنایه‌ای است از یک تیرگی زاییده شده از گشت روزگار.

خوشبختانه با حضور یک دلدار می‌توان بر آن چیره شد. اکنون بپرسیم که این موجود کیست که در آن شب بی فریاد، ناگهان مانند یک صبح در زندگی فردوسی طلوع می‌کند؟ آیا همسر اوست یا کسی در حکم همسر؟ فردوسی از او به عنوان «سروبُن» «مهربان یار» و «بُت مهربان» و «جفت نیکی شناس» یاد می‌کند. سه بار صفت مهربان به کار می‌برد، و این می‌نماید که حرف بر سر موجودی است تمام عیار؛ کسی که در آن واحد همدم، پرستار، غمگسار و دلدار مرد خود است. از همه طرفه‌تر آنکه زنی است فرهیخته و هنرمند، از تاریخ و داستانهای باستانی با خبر است، چنگ می‌نوازد و شیرین‌زبان است و فردوسی را که ذاتاً مرد حساس و باریک بینی بوده، دلداری می‌دهد. می‌گوید: «روان را ز درد و غم آزاد دار» یا «خردمند مردم چرا غم خورد؟» این توصیه بار دیگر تأیید می‌کند که فردوسی دستخوش ملالتی بوده، ناشی از وضع زمانه.

ما اگر این زن را همسر فردوسی بگیریم، باید سهمی هم برای او در سرودن شاهنامه بشناسیم؛ زیرا اگر او با شوهر خودهمدل و همراه نبود، فردوسی نمی‌توانست با آرامش خاطر این کار را ادامه دهد؛ آن هم طی سی سال. با این اشتغال دائمی فردوسی، چه بسا که کارهای دیگر خانه معطل می‌مانده و چه بسا که بر جریان معاش نیز اثر گذار می‌شده. این در زمانی بود که شاعران دیگر به دربار و دستگاه‌های قدرت می‌آویختند، صله‌های گزاف دریافت می‌کردند و زندگی مرفهی داشتند.

چون فردوسی از او با صفت «جفت نیکی شناس» یاد می‌کند، و در شاهنامه کلمه «جفت» به همسر اطلاق می‌شده، تردیدی باقی نمی‌ماند که او مقام همسری داشته؛ اما قدری بیشتر از همسر، دلفروز بوده و فردوسی نسبت به او اظهار حق‌شناسی دارد: «همَت گویم و هم پذیرم سپاس!» سپاس برای آنکه این داستان را برایش حکایت کرده، و نیز برای حضورش و خوبی‌های دیگرش. از این روست که صفت «نیکی شناس» را درباره‌اش به کار می‌برد.

ممکن است کسانی بگویند که در گذشته کنیزان تربیت شده هم بودند که پایگاه نزدیک به همسری می‌یافتند. درست است؛ ولی به نظر نمی‌رسد که درباره آنها صفت «جفت» به کار می‌رفته باشد، آن هم با چنین لحنی.

حرف آخر آنکه آیا داستان «بیژن و منیژه» نخستین داستان شاهنامه است که فردوسی سروده؟ کسانی این حدس را عنوان کرده‌اند. البته با توجه به تصریح خود فردوسی که می‌گوید از آغاز در فکر سرودن شاهنامه بوده و پس از مرگ دقیقی این تصمیم را استوار کرده، نمی‌توان «بیژن و منیژه» را سروده نخست دانست. این نوع داستانها، چون «رستم و سهراب» و «بیژن و منیژه» داستانهای منفرد هستند که لابلای بدنه اصلی شاهنامه سروده می‌شدند. دلیل دیگر آنکه اگر «بت مهربان» از سابقه کار فردوسی در سرودن داستان‌های باستانی با خبر نبود، این پیشنهاد را به او نمی‌کرد. با این حال، «بیژن و منیژه» با توجه به همین «پیش درآمد» و با سبک و روشی که دارد، می‌توان آن را از سروده‌های دوره جوانی فردوسی به حساب آورد.

پی‌نوشت:

۱ـ برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مقاله «پیران سپهدار» کتاب «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» نشر شرکت سهامی انتشار

آشنایی با ایران‌شناسان

حامد الگار



دکتر حامد الگار (Hamid Algar) در سال ۱۹٤۰م (۱۳۱۹ش) در انگلستان به دنیا آمد. زبانهای فرانسه و آلمانی را در دوران دبیرستان آموخت. سپس در رشته زبانهای شرقی (فارسی و عربی) از دانشگاه کمبریج فارغ‌التحصیل شد.

وی در سال ۱۳٤۰ شمسی با دریافت بورس تحصیلی به ایران آمد تا تحصیلات مقطع دکتری را در دانشگاه تهران بگذراند.

ورود او مصادف بود با تظاهرات دانشجویان انقلابی علیه نظام استبدادی پهلوی و او خود می‌گوید که چگونه شاهد حمله سربازان گارد به دانشگاه تهران بود. در پی این حوادث، وی روی به مسافرت می‌آورد و یک سال را به سیاحت در نقاط مختلف ایران می‌گذراند؛ چنان که به گفته خود هیچ نقطه مهمی در ایران باقی نماند که به آنجا سر نزده باشد.

سپس برای طی دوره دکتری به دانشگاه کمبریج بازمی‌گردد و پایان‌نامه‌اش را با موضوع «نقش سیاسی علمای شیعه در قرن نوزدهم» به رشته تحریر درآورد. وی دلیل انتخاب این موضوع را، شروع حرکت انقلابی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۹۶۳ (۱۳٤۲) می‌خواند.

گفتنی است این استاد مطالعات اسلامی و زبان فارسی دانشگاه دانشگاه برکلی که تخصصش تاریخ تشیع در ایران (به‌ویژه سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی) و تصوف (مخصوصاً نقشبندیه و پیشرفت آن در آسیای مرکزی، هند، مناطق کردنشین، ترکیه و بالکان) است، به دین اسلام و سپس به مذهب تشیع گروید و آثاری از برخی متفکران سیاسی معاصر شیعه را به انگلیسی ترجمه کرد؛ از جمله کتاب ولایت فقیه، مطالبی از استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، آیت‌الله سید محمود طالقانی و دکتر علی شریعتی.

اولین دیدار دکتر الگار با حضرت امام در پاریس صورت گرفت؛ هر چند بعد از انقلاب نیز چند بار با ایشان در قم دیدار کرد.

دکتر الگار منتخبی از نوشته‌ها و سخنرانیهای امام خمینی (ره) را با عنوان «اسلام و انقلاب» در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به زبان انگلیسی ترجمه کرد و دو سال بعد خود کتابی با عنوان «ریشه‌های انقلاب اسلامی در ایران» نوشت.

اولین (و شاید تنها) ترجمه انگلیسی کتاب «ولایت فقیه» حضرت امام و بعدها ترجمه «قانون اساسی جمهوری اسلامی» و همچنین چند اثر از مرحوم استاد مطهری، از زمره دیگر ترجمه‌های او در موضوع انقلاب اسلامی ایران است. از منظر وی انقلاب اسلامی ایران «مهمترین، امیدبخش‌ترین و تأثیرگذارترین حادثه کل تاریخ معاصر اسلام بوده است.»

وی از سال ۱۹۶۵ (۱۳٤٤) عضو هیأت علمی دانشگاه برکلی بود و در این مدت ادبیات فارسی، تاریخ اسلام، شیعه و عرفان را تدریس می‌کرد. تا اینکه پس از ٤۵ سال تدریس، بازنشسته شد؛ ولی همچنان به فعالیتهای علمی و تحقیقاتی خود ادامه می‌دهد.

بیش از صد مقاله، ترجمه و تألیف از او به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فارسی، ترکی و عربی به چاپ رسیده است. به گفته دکتر حاتم بازیان ـ استاد دانشگاه برکلی ـ تعداد اساتیدی چون پروفسور الگار با چنین دانش و تسلطی به علوم اسلامی و زبانهای خاورمیانه (فارسی، عربی، ترکی عثمانی و جدید) و همچنین زبانهای اروپایی (انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، بوسنوی، ایتالیایی و هلندی) کمتر از تعداد انگشتان یک دست است.

الگار کارش را در دانشگاه برکلی ابتدا با مطالعه و تمرکز بر روی ایران و تاریخ معاصرش آغاز کرد؛ اما این تحقیقات به مرور به مناطق و دوره‌های تاریخی دیگر نیز گسترش یافت. حمایت از آرمانهای امام خمینی (ره) و نظام جمهوری اسلامی، دفاع مستمر و صریح از مردم فلسطین، مخالفت علنی با رژیم صهیونیستی و سیاستهای جنگ‌افروزانه آمریکا در خاورمیانه باعث شد نام الگار در زمره ۱۰۱ استاد خطرناک دانشگاههای آمریکا جای بگیرد! وی از جمله محققانی است که توجه بسیاری به انقلاب اسلامی ایران داشته و مسائل آن را مورد مطالعه قرار داده است.

الگار به واسطه پرداختن به تحلیل تاریخی انقلاب اسلامی، انقلاب مشروطیت و مناسبات دین و دولت درعهد قاجار مورد توجه و اشتهار در محافل علمی و دانشگاهی معاصر است.

از آثار اوست: درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران، دین و دولت در ایران: نقش عالمان در دوره قاجار، شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله دیگر، میرزا ملکم خان: پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، نگارش بیش از صد مقاله در دایره‌المعارف ایرانیکا، ترجمه مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، ترجمه خاتم‌الانبیا و پیامش.

کتاب «انقلاب اسلامی در ایران» متن چهار سخنرانی اوست که در مؤسسه اسلامی لندن ایراد شده است. ایران و تشیع؛ آیت‌الله خمینی، تجسم یک سنت؛ اسلام به عنوان ایدئولوژی: اندیشه علی شریعتی؛ هزار و سیصد و نود و هشت، هزار و سیصد و نود و نه: سال انقلاب (بررسی تاریخی وقایع زمان انقلاب) عنوان چهار سخنرانی مذکور است.

معرفی کتاب



داستان‌های شاهنامه (۳)

بیژن و منیژه

محمد علی اسلامی ندوشن
مقدمه، تنظیم و توضیح: دکتر محمد علی اسلامی ندوشن
خط: رسول مرادی
انتشارات کلهر
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۰
انتخاب و تصحیح ترجمه انگلیسی: دکتر افضل وثوقی
تذهیب: مرضیه عرفانی

بیژن و منیژه یکی از داستانهای معروف شاهنامه، کتاب حماسی ایرانیان است که ظاهراً روایت دلدادگی بیژن پسر گیو و منیژه دختر افراسیاب است. ماجرا با شکایت مردم ارمان و اعزام بیژن و گرگین میلاد به نبرد با گرازان در دوران کیخسرو آغاز می‌شود.

هنگام بازگشت پیروزمندانه، گرگین برای اینکه رفتارش فاش نشود، بیژن را به نزدیکی تفریحگاه دختران تورانی می‌برد. کار به دلبستگی دوجانبه می‌کشد و بیژن ناخواسته سر از کاخ افراسیاب درمی‌آورد. افراسیاب قصد کشتن اورا می‌کند؛ اما با وساطت وزیر دانشمندش او را در چاهی عمیق می‌اندازند و منیژه نیز با تحقیر از کاخ اخراج و آواره می‌گردد. کیخسرو در جام جهان‌نما بیژن را می‌بیند و رستم را با گروهی برای نجاتش می‌فرستد. آنها در لباس بازرگانان به توران می‌روند و بیژن را می‌یابند؛ اما پیش از آنکه او از چاه خارج شود، رستم سوگندش می‌دهد که پس از آزادی، کاری با گرگین نداشته باشد. بیژن می‌پذیرد و از گرگین می‌گذرد. رستم کاخ افراسیاب اورا به آتش می‌کشد و با غنائم به‌سوی ایران باز می‌گردد. کیخسرو بیژن و منیژه را زوج اعلام می‌کند و به بیژن سفارش می‌کند هیچ گاه همسرش را سرزنش نکند.

استاد ندوشن با دیباچه راهگشا و توضیحات سودمند، این داستان چند لایهٔ حماسی، عشقی و اخلاقی را در هیأتی نفیس در دسترس همگان قرار داده است.

دوست دیرین

سعدی: دوستی را که به عمری فراچنگ آرند، نشاید که به یک دم بیازارند. هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعتِ ایشان در او اثر نکند، به فعلِ ایشان متهم گردد.

گلستان

آتش حب الوطن



ادیب الممالک فراهانی

تا زبر خاکی ای درخت برومند
مگسل از این آب و خاک رشته پیوند
مادر توست این وطن که در طلبش خصم
نار تطاول به خاندان تو افکند
هیچت اگر دانش است و غیرت و ناموس
مادر خود را به دست دشمن مپسند
تاش نبرده اسیر و نیست بر او چیر
بشکن از او یال و برز و بگسل از این بند
ورنه چون ناموس رفت، نام نماند
خانه نماند چو خانواده پراکند
خانه چو بر باد رفت، خانه‌خدا را
خانه نماند به ده، به جان تو سوگند
رحمتی ای باغبان کز آتش بیداد
سوخته در باغ، هر درخت برومند
شور نشور است در جهان و تو در خواب[1]
گیرم خواب تو مرگ، تا کی و تا چند؟
رو غم آینده خور، گذشته رها کن
کی بود آینده با گذشته همانند؟
هر نفسش زخمهای تازه به دل زد
تا کهنش کرد گردش دی و اسفند
حالش بدرود گفته با لب خندان
جانش تودیع کرده با دل خرسند
خاک است اندر دو چشم او زر و گوهر
زهر است اندر مذاق او شکر و قند
گریه کند زار زار بر وطن خویش
همچون یعقوب بهر گمشده فرزند
رخت فرا بر به زیر شهپر سیمرغ
تا ننهی پیش زاغ تیره، جگر بند
این وطن ما منار نور الهی است
هم زنُبی خواندم این حدیث و هم از زند[2]
آتش «حب‌الوطن» چو شعله فروزد
از دل مؤمن کند به مجمره اسپند

۱ـ نشور: قیامت
۲ـ نُبی: قرآن کریم

ادبیات در بلخ

ملیحه مهدوی

بلخ یکی از مراکز مهم تاریخی و فرهنگی ایران بوده است. از این شهر که به بلخ بامی (بامیک) و بلخ شایگان نیز نامبردار بوده، در منابع تاریخی و ادبی با صفات و القاب دیگر همچون گزین، غرّاء، حَسناء، بَهیّه، دارالفقاهه، دارالاجتهاد، قبه الاسلام وجز آنها نیز یاد شده است.

ناصر خسرو بلخ را «خانهٔ حکمت» و چونان بهشت می‌داند. انوری در قصیده‌ای به مطلع «ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری» که سوگند نامه‌ای در رد و نفی قصیدهٔ هجو بلخ است که به ناروا به او نسبت داده بودند، ضمن مدح این شهر و بزرگان آن، بلخ را به زرجعفری مانند می‌کند و می گوید: اگر آسمان طفل بود، بلخ دایگی آن را به عهده می‌گرفت. این گونه تعبیرات، القاب و نامها بیانگر اهمیت این سرزمین در نظر ادبا وعلما بوده است.

بازورت بر آن است که رونق اقتصادی بلخ باعث رشد فرهنگی آن گردید. مدارس و مکتب‌خانه‌هایی در آن بنا شد و دانشمندان و شاعران بسیاری در این شهر پرورش یافتند.

بلخ در ایران باستان بیش از یک میلیون جمعیت داشت و شکوفایی اقتصادی آن چنان بود که یونانیان آن را «گوهر ایران» می‌نامیدند. این اهمیت در دورهٔ اسلامی نیز به قوت خود باقی بود و از لحاظ مرکزیت علمی و ادبی در قلمرو اسلام، با بصره و کوفه برابری می‌کرد؛ چنان که صفی‌الدین بلخی در سدهٔ ٦ق بلخ را با ٤۰۰ مدرسه و ۹۰۰ دبیرستان معتبر، ۱۲۰۰ مفتی و ۵۲۰ ادیب ماهر وصف کرده‌است. مدرسهٔ نظامیهٔ بلخ را از مشهورترین مدارس نظامیه، و بلکه کهن‌ترین آنها به شمار آورده‌اند. افزون بر نظام الملک، تنی چند از بزرگان دیگر هم مدارسی در این شهر بنا کردند. رشیدالدین وطواط، شاعر و ادیب سدهٔ ٦ق از پرورش یافتگان نامدار نظامیهٔ بلخ است.

اکثر اهل بلخ به ظرافت و لطافت طبع، تیزفهمی و دقت نظر دوستداری علما و مشایخ مشهور بودند و گفته‌اند که در هیچ شهری به اندازهٔ بلخ عالم و فاضل دیده نشده است.

برخی از محققان منشأ عرفان اسلامی را بلخ و معبد «نوبهار» آن می‌دانند و براساس این باور، زندگی ابراهیم ادهم بلخی را با بودا مقایسه می‌کنند. خانقاههایی نیز مانند خانقاه حضرت مولوی، خانقاه میرکمال، خانقاه صوفی خواجه در این شهر دایر بوده است.

پژوهشگران، زبان اهل بلخ را زبان «دری» دانسته‌اند. آثار زرتشتی برجا مانده از ایران کهن و کشف مجسمهٔ آناهیتا در بلخ حاکی از رواج زبانهای قدیم ایرانی در این سرزمین است. زبان اوستایی در بلخ کهن رایج بود و برخی از محققان این زبان را «زبان قدیم بلخ» دانسته‌اند. یادگاری‌هایی از زبان سُغدی (شاخه‌ای از زبانهای ایرانی) همچنان در بلخ باقی است. نیز برخی حدس می‌زنند که رواج زبان فارسی میانه در بلخ پیش از اسلام، مایهٔ گسترش بیشتر این زبان به‌سوی مشرق و شمال گردید. صفا دو بیت هجوآمیز دربارهٔ اسدبن عبدالله قسری حاکم خراسان را که از جملهٔ نخستین شعرهای برجای مانده از زبان دری است، به بلخیان نسبت می‌دهد.

خط اوستایی هم از خطوط رایج در بلخ بود؛ اما پس از سلطهٔ یونانیان، خط یونانی رواج یافت که تا سدهٔ ۸م بدان می‌نوشتند. خط دیگری به نام «خَروشتی» نیز در بلخ رواج داشت. بر مسکوکات بنیان‌گذار اشکانیان، یعنی اشک بلخی که مربوط به حدود سال ۲۵۰ق‌م است، خط یونانی و خروشتی دیده می‌شود. بر سکه‌های ساسانیان نیز در سدهٔ ٤ م در بلخ سه گونه خط یونانی، پهلوی و برهمایی دیده می‌شود. از سکه‌های مضروب در اوایل سدهٔ دوم ق در بلخ معلوم است که از همین روزگار، برخی انواع خط عربی هم رواج داشت.

از میان دانشمندان و ادیبانی که از بلخ برخاستند، می‌توان به شهید بلخی، ابوالمؤید بلخی، عنصری، ناصر خسرو، رشید وطواط، برهان‌الدین بلخی، صفی‌الدین بلخی و مولانا جلال‌الدین اشاره کرد.

افزون بر این، شاعران، ادیبان و دانشمندانی چون قطران بن منصور ترمذی که بسیاری از شاعران بلخ و ماوراءالنهر شاگرد او بودند، انوری، ابوالفضل بیهقی، خیام نیشابوری، منوچهری، سلمان ساوجی، شاه نعمت الله ولی و ادیب صابر نیز مدتها در بلخ اقامت داشتند.

*دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

اخبار کوتاه شهرستان

صادرات محصولات کشاورزی از گمرک بندرانزلی

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: ٤ میلیون ۲۰٦ هزار و ۳٦۰ کیلوگرم انواع محصولات کشاورزی از طریق گمرک بندرانزلی صادر شد.

مدیرجهاد کشاورزی انزلی با اعلام این مطلب افزود: این تعداد در آذر امسال و شامل محصولاتی چون چای، خرما، کشمش، پسته، حنا، نهنج گل نسترن، توتون و سدر جمعاً به ارزش ۸٦ میلیارد و ۲٦۰ میلیون ریال از طریق گمرک بندرانزلی به کشورهای روسیه، هلند، آلمان، امارات، فرانسه، قرقیزستان، هندوستان و اندونزی صادر شده است.

محمدرضا ملایی گفت: این مقدار صادرات نسبت به مدت مشابه پارسال از نظر وزنی ۳/۱۳ درصد و همچنین از نظر ریالی حدود ٤٥/۸۳ درصد افزایش دارد.وی افزود: در این مدت مقدار ۳۸ میلیون و ٤۷٥ هزار و ۳۸٦ مترمکعب چوب از کشور روسیه و از طریق گمرک بندرانزلی وارد کشور شده است که نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۲/۸٥ درصد کاهش داشته است.

اختصاص اعتبار برای مرمت قنات‌های نیشابور

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: حدود ۸ میلیارد ریال اعتبار امسال برای احیا و مرمت قنوات نیشابور اختصاص یافته است.

مهندس سیدغلامرضا نبوی نامقی مدیر جهاد کشاورزی نیشابور با اعلام این مطلب، افزود: این اعتبارات در سال جاری با افزایش ۲٥ درصدی ، مواجه بوده است. وی گفت: در حال حاضر ۱۷ درصد از آب مورد نیاز بخش کشاورزی شهر از محل قنوات تأمین می‌شود که این اعتبارات برای بهبود و افزایش کیفیت آب استحصالی در این سازه‌های تاریخی که بدون صرف انرژی‌های فسیلی به دست می آید، هزینه می‌شود.

وی توضیح داد: نخستین اعتبار دولتی تخصیص یافته امسال یک میلیارد و ۹٥۰ میلیون ریال است که با انجام امور مناقصه و جذب خودیاری‌ها، طرح مذکور ارجایی شده و مبلغ ٥ میلیارد و ٦۰۰ میلیون ریال اعتبار تخصیص مرحله دوم از محل اعتبارات شورای عالی آب نیز در مرحله جذب خودیاری مالکان و تعیین پیمانکار است. وی با اشاره به اینکه ٥۰٤ رشته قنات در نیشابور و بخش‌های تابعه وجود دارد، افزود: به محض انجام مراحل اولیه، عملیات مرمت قنوات که شامل کول گذاری، طوقه چینی، بغل‌بری و باربرداری است، در قالب ۲۰ پروژه و در سطح ۳۰ روستا از مناطق و بخش‌های مختلف نیشابور آغاز می‌شود.

برگزاری کرسی های علمی- تخصصی آزاد اندیشی در شهرضا

شهرضا -خبرنگار اطلاعات:کرسی های علمی- تخصصی آزاد اندیشی با عنوان فرصت ها و محدودیت های سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی ایران بر پایه سند چشم انداز در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا برگزار شد.در این برنامه که در سالن اجتماعات دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه و با حضور دانشجویان و استادان برگزار شد ، دکتر محمد صادق کوشکی استاد دانشگاه تهران ، دکتر محمدعلی بصیری استاد دانشگاه اصفهان و دکتر مسعود همت استاد دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا بر اساس تخصص خود در رابطه با محورهای تعیین شده در این جلسه سخنانی بیان کردند. دانشجویان حاضر در جلسه سوالات خود را به صورت شفاهی و تریبون آزاد مطرح کردند و استادان حاضر در این میزگرد به بحث و گفتگو پرداختند.

بیماران قلبی بیشترین قربانیان هستند

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: بیماری‌های قلبی و عروقی همچنان با ۱٤٤٥ مورد بیشترین مرگ و میر را به خود اختصاص داده است.

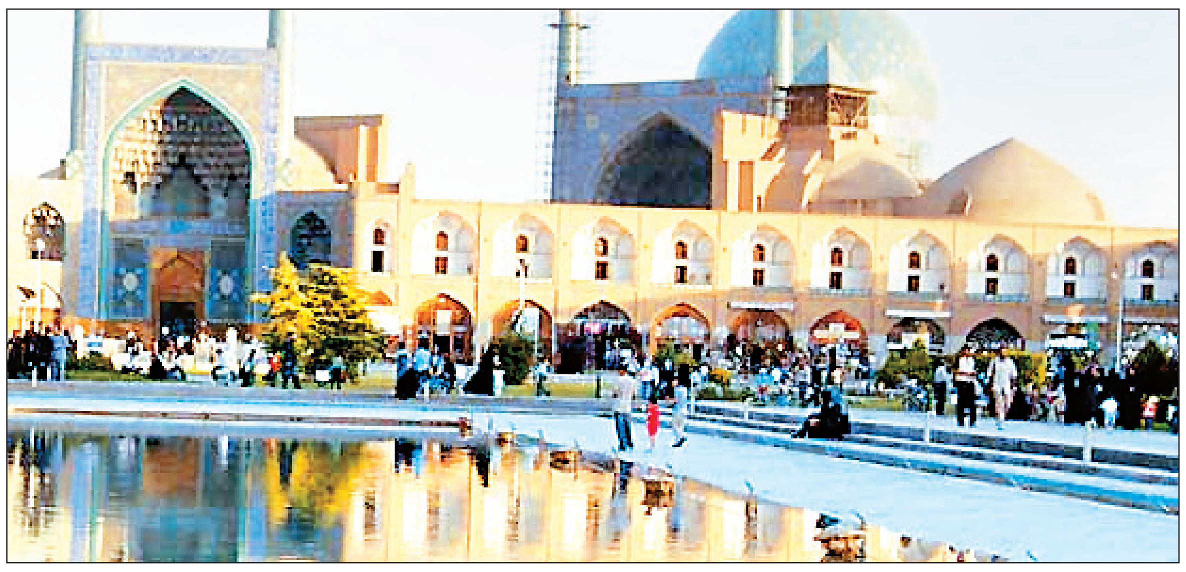
به گزارش روابط عمومی ثبت احوال هرمزگان، مهدی عسکری‌زاده مدیرکل ثبت احوال استان با بیان مطلب بالا، افزود: بعد از بیماری‌های قلبی و عروقی، حوادث غیرعمدی با ٦٤۷ مورد و ناهنجاری‌های مادرزادی و کروموزومی با ثبت ۳۰۹ مورد فوت ثبت شده است.وی ادامه داد: بیشتر این آمار مربوط به گروه سنی ۸٥ سال به بالا بوده که ۱۳ درصد کل میزان فوت‌های ۹ ماه امسال را در استان به خود اختصاص داده است.

دستگیری ۷ شکارچی متخلف در تنکابن

تنکابن ـ خبرنگار اطلاعات: هفت شکارچی متخلف در مناطق جنگلی و کوهستانی و هزار و سه هزار تنکابن دستگیر شدند.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست تنکابن در این باره گفت: از این هفت شکارچی متخلف لاشه سه راس کل و یک راس بز و همچنین یک راس شوکا کشف و ضبط شد. هادی منصور کیایی افزود: در یک عملیات تعقیب و گریز که توسط کارکنان محیط زیست تنکابن صورت گرفت، سه قبضه سلاح شکاری و یک قبضه سلاح غیر مجاز نیز از شکارچیان متخلف کشف و ضبط شد.

اطلس نیازهای شهر اصفهان تدوین می‌شود



اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: طراحی و تدوین اطلس نیازهای شهر اصفهان در دست اجرا است که به زودی به پایان می‌رسد. در این اطلس برای هر موضوع با نگاه به نقشه و رنگ‌بندی‌های موجود می توانیم متوجه شویم نیازها در کدام منطقه بیشتر و در کدامیک کمتر است.

مهندس گلستان نژاد معاون برنامه‌ریزی پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان با بیان این مطلب افزود: در چند سال گذشته به ازای هر روز کاری یک لایحه در شهرداری تصویب شده است و این در حالی است که در ۱۰ ماه امسال ۱۷۰ لایحه با ۲٤۰ مصوبه تصویب شده است که این تعداد مصوبه نسبت به کلانشهرهای دیگر حجم بالایی دارد.

او از کمک‌مالی برای فعالیت‌های عمرانی مساجد شهر اصفهان خبر داد و افزود: از سال ۸٦ تاکنون ۱۲ میلیارد تومان اعتبار به این بخش اختصاص داده‌ایم که حدود ٤۳۰ مسجد شامل این کمک‌ها شده‌اند و در بودجه سال ۹۱ نیز رقم ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برای این کمک‌ها پیش‌بینی شده است.

به گفته وی امسال، ۳۲ پروژه مطالعاتی و پژوهشی، ۱۲ پروژه نظرسنجی حمایت از ۳٦ پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در حوزه شهر انجام شده است.

گلستان نژاد از شکل گیری نظام پیشنهادها در شهرداری اصفهان خبر داد و اضافه کرد: تاکنون ۳۹۰۰ پیشنهاد از سوی شهروندان و متخصصان به ما رسیده است که بسیاری از این پیشنهادها خوب طراحی شده است و در آینده از پیشنهاددهندگان برتر قدردانی خواهیم کرد.

وی به برگزاری جشنواره خادمان برتر اشاره کرد و گفت: با طراحی مدل ارزیابی کارکنان، برترین فعالان خانواده شهرداری اصفهان انتخاب می‌شوند. او با بیان اینکه هم اکنون ٤۳ خدمت به صورت الکترونیک به شهروندان ارائه می‌شود و تا پایان سال نیز ۱۰ خدمت دیگر به این تعداد افزوده خواهد شد، یادآور شد: شهرداری اصفهان مجری تدوین برنامه پنج ساله دوم کلانشهرهای کشور در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات شده است که این انتخاب به دلیل توانمندی و ظرفیت شهر اصفهان بوده است.

او از شناسنامه‌دار شدن املاک شهر اصفهان خبر داد و گفت: برنامه اصفهان ۹٥ که اجرای آن از امسال آغاز شده بسیار انعطاف‌پذیر است و هر سال این برنامه ظرفیت بازنگری و اصلاح دارد.

به گفته او بودجه ۹۱ شهرداری اصفهان هزار میلیارد تومان است که امسال برای نخستین بار در تاریخ ۱۰۰ ساله فعالیت شهرداری در اصفهان بودجه غیرنقدی برای شهر تدوین شده است که رقم آن برای سال آینده، ٤۲٥ میلیارد تومان است.

وی بزرگ‌ترین پروژه شهر اصفهان در سال آینده را ادامه بزرگراه همت دانست و اضافه کرد: برای اجرای آن در بودجه سال آینده، ٤۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص داده‌ایم.

اجرای طرح بند کوتاه انحرافی روستای دلبر سبزوار

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی سبزوار از اجرای طرح بند کوتاه انحرافی روستای دلبر این شهرستان خبرداد.

مهندس محمدجواد ایزدیان برآورد اعتبار این طرح را ٤ میلیارد و ۱٥۰ میلیون ریال اعلام کرد که از محل اعتبارات دولتی تامین شده است. وی هدف از اجرای طرح را انتقال آب از رودخانه به مزارع کشاورزی اعلام کرد که بر اثر افتادگی کف‌رودخانه بهره‌وری از آب آن به حداقل میزان خود رسیده است.رئیس اداره امور فنی و زیربنایی جهاد کشاورزی سبزوار در این باره افزود: مطالعات اولیه طرح در سال گذشته صورت گرفته است و عملیات اجرایی آن شامل راه دسترسی به طول ۳۰۰ متر، اجرای زهکشی به طول ۱۷۰ متر، اجرای کف‌بند به عمق ٦ متر و ارتفاع‌بند از کف حدود یک متر است.مهندس احمد باغانی گفت: مدت اجرای پروژه یکسال و سطح زیرکشت اراضی زیرپوشش رودخانه ۱٦۰ هکتار است.وی در ادامه با اشاره به اینکه با اجرای بند کوتاه انحرافی، راندمان آبیاری ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد افزود: در پایان اجرای طرح، حقابه زمین‌های کشاورزی به ۱۲۰ لیتر در ثانیه می‌رسد که ۹۰ لیتر در ثانیه آن توسط سد انحرافی و بقیه توسط زهکش تحت‌الارضی بند تامین می‌شود.

برگزاری مسابقه قرآن کریم ویژه خانواده‌ها

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: یک دوره مسابقه قرآن ویژه خانواده‌های پاسداران در مرکز سپاه سیدالشهدا(ع) استان تهران برگزار شد.

سید عقیل هاشمی ، مسئول روابط عمومی سپاه سیدالشهداء(ع) با اعلام این مطلب، هدف از برگزاری این مسابقات را نشر، ترویج و گسترش فرهنگ و معرفت قرآنی، آشنایی و انس هرچه بیشتر خانواده پاسداران با قرآن کریم به منظور ترویج معارف و علوم قرآنی و انس بیشتر با کلام وحی و عترت پیامبر(ص) ، ایجاد زمینه مناسب و یکسان برای رقابت سازنده در عرصه‌های قرآنی و شناسایی، ارتقاء و ارزیابی سطح علمی و فنی قرآن قاریان ، حافظان و آشنایان با مفاهیم و بهره‌های بیشتر قرآنی بین خانواده‌های پاسداران برشمرد.

وی گفت: شرکت‌کنندگان در این مسابقات شامل خانواده‌های پاسداران شاغل، بازنشسته، شهید و متوفی از جمله همسران و فرزندان دختر و پسر آنها هستند.

وی همچنین وظایف مراکز فرهنگی را که در دستورالعملی از سوی نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران ابلاغ شده است ، محفل انس با قرآن، ایجاد نمایشگاه عرضه محصولات قرآنی و فرهنگی ، تهیه و توزیع بروشور در زمینه اهمیت آموزشی و تدبر در قرآن و ایجاد ایستگاه مشاوره قرآنی برای توانمندسازی افراد در رشته های قرآنی بیان کرد.

معصومه سلیمانی مسئول مرکز فرهنگی خانواده سپاه سیدالشهدا (ع) نیز گفت: این مسابقات در ۳ رشته حفظ شامل حفظ کل، ۲۰ جزء ۱۰ جزء ٥ جزء و ۳ جزء رشته قرائت (ترتیل و تحقیق) و رشته مفاهیم سطح یک (دیپلم به بالا) و مفاهیم سطح ۲ (زیردیپلم) برگزار شد. وی افزود: کسانی که قرآن را جزء به جزء حفظ کرده‌اند و با ثبت نام قبلی در رده مربوط در برنامه حفظ جزء به جزء شرکت کرده‌اند مورد تشویق قرار می گیرند که بر این اساس افرادی که در آموزش غیرحضوری قرآن کریم شرکت و مقام کسب کرده‌اند در برنامه مسابقات قرآنی رده معرفی و مورد تشویق قرار می گیرند.

در پایان این مسابقات در بخش ترتیل زهرا موسوی اول و زهرا صبری و اعظم اصلانی به طور مشترک دوم شدند. در بخش تحقیق زهرا روانبخش اول، در بخش حفظ ۱۰ جزء، فاطمه صفری ، الهام پناه بر و زهرا قاسمی به ترتیب اول تا سوم شدند. در بخش حفظ ٥ جزء محدثه شیدوش ، سمیه جعفری و فاطمه مهربان به ترتیب اول تا سوم شدند. همچنین در بخش حفظ ۳ جزء مریم آمره ، اول و زهرا آقا محمدی دوم شدند. در بخش یک جزء نیز نرگس ابوالحسنی، الهام رحمانی و محبوبه عباسی مقام اول تا سوم را کسب کردند.

وی افزود: زهرا عباسی و فخری کاشفی اول و دوم: مینا طهماسبی و اعظم عباسی به طور مشترک نفرات اول مفاهیم زیر دیپلم ، فاطمه رعیتی نو دوم مفاهیم (تفسیر قصص) و فاطمه عصاری و زهرا اسکو، به طور مشترک در بخش مفاهیم سوم شدند.

واگذاری امور اجرایی سازمان صنعت و معدن استان زنجان به بخش خصوصی

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: به‌منظور اجرای اصل ٤٤ قانون اساسی و در جهت کاهش تصدی گری، امور اجرایی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان زنجان به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

حمید صدری، سرپرست سازمان صنعت، معدن و تجارت استان زنجان با بیان مطلب بالا در نشست مشترک با اعضای هیأت مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت استان افزود: این سازمان در نظر دارد براساس اصل ٤٤ قانون اساسی اموری را که می توان اجرای آن را به بخش خصوصی محول کرد به تدریج واگذار کند.وی گفت: با واگذاری امور اجرایی به بخش خصوصی، سازمان نظارت عالیه بر عملکرد آنها خواهد داشت و در صورت نیاز حمایت‌های لازم را انجام خواهد داد.

صدری با اشاره به دیدگاه مبتنی بر اعتماد به بخش خصوصی در سازمان گفت: در فعالیت‌های مربوط به حوزه صنعت برخی از امور به تدریج و گام به گام به خانه صنعت، معدن و تجارت واگذار خواهد شد و امید داریم تا پایان شهریور سال آینده بخش عمده‌ای از امور مربوط به واحدهای صنعتی واگذار شود.وی افزود: فعالیت‌های مربوط به حوزه معدن و تجارت نیز به سازمان نظام مهندسی معادن و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن واگذار خواهد شد.

سجاد نباتچیان، رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان نیز با بیان اینکه این امر برای اولین بار در صنعت استان زنجان رخ داده است، افزود: با این اقدام شاهد توسعه اقتصادی استان خواهیم بود و خانه صنعت، معدن و تجارت به‌عنوان بازوی قوی برای صنعت استان عمل خواهد کرد.

اجرای طرح شبنم

سرپرست سازمان صنعت، معدن و تجارت استان زنجان از آغاز اجرای طرح شبکه بازرسی و نظارت مردمی (طرح شبنم) با هدف افزایش ضریب نفوذ بازرسی و کنترل کالاهای قاچاق و خروج آن از بازار از این ماه در سطح استان خبر داد.

صدری افزود: این طرح به منظور مبارزه با توزیع کالای قاچاق و تقلبی اجرا شده است و با گسترش ضریب نفوذ و بازرسی و کنترل کالای قاچاق و غیرمجاز همه مردم می توانند دولت را در شناسایی این نوع کالاها یاری کنند.

وی ادامه داد: در این طرح کالاهای وارداتی با هدف شفاف‌سازی گردش کالا شناسنامه‌دار شده است و در سطح عرضه امکان رهگیری وجود دارد.

سرپرست سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گفت: طرح پایلوت شبنم ابتدا برای چهار گروه از کالاها شامل: رایانه، تلفن همراه، لوازم خانگی، تجهیزات پزشکی و لوازم آرایشی و بهداشتی اجرا می‌شود و به‌تدریج به سایر گروه‌های کالایی تعمیم می‌یابد.

او با بیان اینکه دریافت این شناسه مستلزم ورود کالا از مجاری قانونی است، افزود: متقاضیان واردات کالاهای اعلام شده باید قبل از ترخیص کالاهای خود از گمرکات، مجوز دریافت برچسب رهگیری را جهت ترخیص کالا به گمرکات ارائه کنند.

وی تأکید کرد: اطلاع‌رسانی‌های لازم به اتحادیه‌های مربوطه و مجمع امور صنفی درخصوص لزوم نصب کد شناسه کالا از بهمن روی چهار گروه کالای اعلام شده صورت گرفته است و از بهمن، بازرسان مجمع در صورت مشاهده کالای فاقد کد با واحدهای عرضه‌کننده برخورد خواهند کرد.

وی یادآور شد: بنابراعلام گمرک زنجان هم‌اکنون واردات این کالاها از گمرک استان زنجان صورت نمی گیرد و به‌صورت تخصصی از سایر گمرکات کشور انجام می‌شود.

۹ مجموعه ورزشی در شهر ری آمادهٔ بهره‌برداری شد

شهرری – خبرنگار اطلاعات: ۹ مجموعه ورزشی با وسعت ۱٤هزار مترمربع به مجموعه‌های ورزشی منطقه ۲۰ افزوده می شود.

مجتبی عبداللهی شهردار این منطقه با اعلام این مطلب افزود: مجتمع ورزشی بهشتی، سالن چند منظوره دولت آباد، سوله ورزشی بیمارستان رازی، سوله ورزشی زمان آباد، سوله ورزشی عباس آباد،سوله ورزشی قاسم آباد، زورخانه جوانمرد قصاب، مجموعه استخر و سونای مدرس و مجموعه استخر و سونای جانبازان با حجم عملیات ۱٤ هزار مترمربع به زودی به مجموعه‌های ورزشی این منطقه افزوده می شود.وی با اشاره به اهمیت خدمات رسانی به ساکنان بخش حریم و روستاهای این منطقه گفت: سوله‌های ورزشی زمان آباد، عباس آباد و قاسم آباد در بخش حریم این منطقه قرار گرفته اند که با ۹۲ درصد پیشرفت فیزیکی به زودی به بهره‌برداری می رسند.وی زیربنای سوله ورزشی دولت آباد واقع درانتهای بلوار قدس را۱۲۰۰مترمربع اعلام کردو افزود: مجموعه استخروسونای مدرس با زیربنای ۲۰۰۰مترمربع نیزازدیگرمجموعه های ورزشی است که در کنار ورزشگاه مدرس واقع در محدوده مترو شهرری ساخته شده است.

وی یادآورشد: سالن های چند منظوره سوله ورزشی بیمارستان رازی در حال بهره برداری است و به‌زودی ساختمان اداری آن نیز به پایان می رسد و زورخانه جوانمرد قصاب از جمله مجموعه های ورزشی تازه ساخت است که به عنوان چهارمین زورخانه سطح منطقه با ۳۰۰ مترمربع زیربنا در میدان مادر، خیابان شهید غیبی واقع شده است.

گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در ادارات ری

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: دومین جلسه ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی شهر ری در فرمانداری این شهرستان برگزار شد.

معاون سیاسی و انتظامی فرمانداری ری دراین جلسه بر ضرورت لزوم آشنایی شهروندان با حقوق خود در دستگاه‌های اداری و دولتی تاکید کرد.

علیرضا میرزا بلوچ همچنین با اشاره به تکالیفی که قانون بر دوش آحاد جامعه گذاشته است، آشنایی شهروندان با تکالیف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را لازم دانست. حجت‌الاسلام میرزایی، دبیر ستاد صیانت نیز درباره فعالیت‌های این ستادگفت: ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی دو وظیفه عمده دارد که در قالب تکریم ارباب رجوع و همچنین گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در ادارات فعالیت می کند و در موضوع‌هایی که حقوق شهروندان پایمال شده یا به خطر بیفتد این ستاد می تواند ورود موردی داشته باشد. او با اشاره به تشکیل کارگروه صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی در ادارات شهر ری گفت: این کارگروه‌ها موظفند با فراهم کردن مقدمات لازم برای آشنایی مردم با حقوق خویش در اجرای بحث تکریم ارباب رجوع بکوشند.حجت‌الاسلام میرزایی گفت: در جلسات قبل مصوب شد که نحوه فعالیت مدیران و مسئولان ادارات ری در زمینه تکریم ارباب رجوع و بحث حجاب و عفاف جز کارنامه مدیران باشد و در این زمینه نیز از آنها ارزیابی به عمل آید.

آسفالت رایگان کوچه‌های صالح‌آباد سبزوار

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: تمام کوچه‌های صالح‌آباد سبزوار به صورت رایگان آسفالت شد. حسین مقصودی شهردار سبزوار با اعلام این مطلب، گفت: الحاق مناطق جدید صالح‌آباد، قلعه نو دهراز، کلاته سیفر و ٤۰ متری دوم که تا کنون جزو محدوده روستایی محسوب می‌شد و اخیرا به محدوده شهری افزوده شده، توقع شهرنشینی را در مردم این مناطق به وجود آورده درحالی که به نظر می‌رسد باید در کنار این خواست بجا، اصول شهرسازی و فرهنگ شهرنشینی نیز توسط همشهریان این مناطق مد نظر گرفته شود. وی به اقدامات صورت گرفته دراین مناطق خصوصا صالح آباد اشاره کرد و گفت: در این منطقه محروم اقداماتی مانند آسفالت رایگان حیاط مدرسه ابتدایی، آسفالت خیابان‌ها، سنگفرش پیاده‌روها، ایجاد فضای سبز، اهدای کمک‌های نقدی برای بهسازی، نصب ایستگاه‌های اتوبوس، خرید دستگاه تایپ و تکثیر برای مدرسه راهنمایی دخترانه صالح آباد و ایزوگام پشت‌بام حسینیه این منطقه انجام شده است.

وی گفت: این خدمات در حالی صورت گرفته که قطعا درآمد سالانه صالح آباد برای شهرداری به ۱۰ میلیون تومان نخواهد رسید.

شهردار سبزوار با تاکید بر اینکه شهرداری متولی شهر و نگهداری آن است، خواستار پرداخت به موقع عوارض از سوی شهروندان برای توسعه و آبادانی بیشتر شهر شد.

آگهی دعوت
بدینوسیله ازکلیه سهامداران شرکت تولیدی آردداران (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۰۷۱۴۵ دعوت می‌شود جهت حضور در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در ساعت ۳ بعد از ظهر روز سه‌شنبه مورخ ۹۰/۱۱/۲۵ که در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران خیابان ولیعصر - نبش کوچه کوزه‌گر پلاک ۲۱۳۷، طبقه ششم تشکیل می‌شود، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- افزایش سرمایه
هیئت مدیره

اخبار کوتاه شهرستان

بهره‌برداری از ۱۲ طرح کشاورزی سبزوار در دهه‌فجر

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی سبزوار از بهره‌برداری ۱۲ طرح کشاورزی این شهر در دهه فجر خبر داد.

مهندس محمدجواد ایزدیان اعتبار این طرح‌ها را ۲۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال اعلام کرد که از محل اعتبارات ملی و خودیاری تامین شده است. وی این پروژه‌ها را شامل چهار واحد مرغداری به ظرفیت هر کدام ۱۵ هزار قطعه در دوره، آبیاری تحت فشار در سطح ۱۲۷ هکتار، انتقال آب کشاورزی از طریق لوله‌گذاری به طول ۴۰ کیلومتر و یک استخر ذخیره آب کشاورزی به حجم ۱۰۰۰ مترمکعب اعلام کرد که در بخش‌های مرکزی، ششتمد؛ داورزن و روداب واقع هستند.

او افزود: با افتتاح این پروژه‌ها، به طور مستقیم برای ۵۲ نفر و به طور غیر مستقیم برای ۹۲ نفر ایجاد اشتغال شده و ۸۲۶ خانوار از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند.

۱۰۶ طرح کشاورزی در ایلام به بهره‌برداری می‌رسد

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۰۶ طرح کشاورزی استان ایلام در دههٔ فجر به بهره‌برداری می‌رسد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام گفت: برای اجرای این طرح‌ها در بخش‌های آب و خاک، دامپروری، آبخیزداری و منابع طبیعی ۱۱۵ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده است. خسرو شهبازی افزود: تجهیز و نوسازی اراضی دشت عباس، ایستگاه پمپاژ و کانال آبرسانی طرح‌های آبخیزداری، گابیون‌بندی و خشکه چینی از جمله طرح‌های مورد بهره‌برداری در دهه فجر است. وی گفت: همچنین چند پروژه در دهه مبارک فجر کلنگ‌زنی می‌شود که ایستگاه پمپاژ آب کشاورزی و کانال آبرسانی از آن جمله است. شهبازی افزود: با بهره‌برداری از این طرح‌ها زمینه اشتغال ۶۵۵ نفر در استان ایلام فراهم می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام گفت: افزون بر این ۶۷۷ خانوار نیز از مزایای این طرح‌های کشاورزی بهره‌مند می‌شوند.

ارائه تسهیلات ویژه به گردشگران نوروزی ایلام

*اماکن گردشگری ایلام با تخفیف ۲۰ درصدی در اختیار گردشگران نوروزی قرار می‌گیرد. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، گفت: ارائه تسهیلات ویژه به گردشگران و مسافران نوروزی در دستور کار این اداره کل قرار دارد. علی قاسم‌پور با اشاره به آمادگی مراکز اقامتی استان برای ارائه تسهیلات به گردشگران و مسافران، افزود: تشکیل ستادهای فرعی در تمام شهرستان‌ها، هماهنگی با دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی عضو ستاد، تهیه اقلام تبلیغاتی مورد نیاز ستاد شامل نقشه راهنمای گردشگری، انواع پوستر و کارت پستال، پلاکاردهای راهنمایی و تبلیغاتی، برپایی نمایشگاه‌های گردشگری و میراث فرهنگی در سطح استان از جمله برنامه‌های ویژه نوروز است.

۳۳ روستای لرستان دهه فجر برقدار می‌شوند

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق لرستان گفت: همزمان با دهه مبارک فجر ۳۳ روستای استان با صرف ۱۰ میلیارد ریال اعتبار از مزایای روشنایی برق برخوردار می‌شوند که از این تعداد روستا، چهار روستای سمیرم، للوی، گلی جاس و چشمه زنگی از طریق انرژی‌های نو و تجدیدپذیر برقدار شده‌اند. محمد بحرینی با اشاره به این که با برق‌رسانی به این روستاها ۲۳۹ خانوار روستایی از نعمت انرژی برق بهره‌مند می‌شوند، افزود: تا پایان دهه فجر تعداد روستاهای برقدار شده استان به ۲۴۵۳ روستا می‌رسد که ۱۲ روستا از طریق انرژی‌های نو (خورشیدی) برقدار شده‌اند. او به اهمیت بهره‌گیری بیشتر از انرژی پاک در تولید و تأمین برق اشاره کرد و گفت: شرکت توزیع نیروی برق لرستان در راستای ترویج این فرهنگ، توسعه تأسیسات خورشیدی را در دستور کار خود قرار داده است. وی افزود: در صورت تأمین اعتبار لازم، امکان تأمین انرژی برق صنایع مادر و کارخانه‌ها نیز از طریق انرژی خورشیدی فراهم خواهد شد.

آموزش کشت و برداشت گندم به گندمکاران بوئین‌زهرا

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرجهاد کشاورزی بوئین‌زهرا از برگزاری دوره فنی و حرفه‌ای غیر رسمی زراعت گندم در این شهرستان خبر داد و افزود: در این دوره ۲۶ نفر از بهره برداران به مدت هفت روز با تمام مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت محصول گندم آشنا شدند. شعبان‌نژاد اظهار داشت: این طرح در راستای افزایش کمی و کیفی محصولات استراتژیک و برای ارتقای سطح دانش علمی و عملی بهره برداران برگزار شد. به گفته وی بهره‌برداران با یادگیری شیوه‌های نوین قادرند سهم موثری در افزایش تولید و توسعه بخش کشاورزی ایفا کنند.

راه‌آهن شیراز به گل‌گهر کرمان می‌پیوندد

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرایی راه آهن شیراز، فسا، استهبان، نی‌ریز و گل گهر با حضور وزیر راه و شهرسازی آغاز شد.

در آیین آغاز عملیات اجرایی این پروژه علی نیکزاد، وزیر راه و شهرسازی با اشاره به این مطلب که دولت در بحث مسکن قول داده است که یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد را افتتاح کند، گفت: در کل کشور، خصوصاً مناطق پرند و هشتگرد تهران آماده ارائه مسکن یک خوابه با ۵۰ میلیون ریال آورده، دو خوابه با ۱۱۰ میلیون ریال آورده و سه خوابه با ۱۶۰ میلیون ریال آورده به متقاضیان هستیم.

او با یادآوری این مطلب که در حال حاضر ۱۹۲ هزار واحد مسکونی در دست اجرا است که تعدادی در نوروز و تعدادی نیز در خرداد و شهریور ۹۱ واگذار خواهند شد، افزود: با توجه به اقدامات صورت گرفته، اهداف و برنامه‌های وزارت راه و شهرسازی در بحث مسکن و حمل و نقل در کشور در حد قابل قبولی محقق شده است و امروز به دنبال رسیدن به اهداف بالاتر هستیم.

وزیر راه و شهرسازی در خصوص پروژه راه‌آهن شیراز ـ گل گهر نیز گفت: از آنجا که این پروژه در مسیر شهرها قرار دارد



و شیراز را به پروژه بزرگ و مهم صنعتی گل گهر وصل می‌کند، اجرای آن آغاز شده است و پیش‌بینی می‌شود کل مسیر ۳۵۴ کیلومتری این پروژه که دارای سه پل بزرگ، ۴۷ پل کوچک و ۱۳۹۴ متر تونل است در مدت سه سال اجرا شود، اما به لحاظ اینکه با امکانات قانون بودجه سال ۹۰ و اوراق مشارکت دست وزارت راه و شهرسازی باز خواهد شد در اجرای آن تسریع می‌شود و تا قبل از سه سال به بهره‌برداری خواهد رسید. او همچنین به مشارکت بخش خصوصی در زمینه اجرای سه پروژه توسعه فرودگاه شیراز، اجرای راه‌آهن و توسعه آزادراه در فارس با پیگیری‌های استاندار فارس اشاره کرد و گفت: هم اینک

***با اجرای این مسیر ۳۵۴ کیلومتری، شهرهای فسا، استهبان، نی‌ریز و داراب به شبکه ریلی کشور وصل می‌شوند**

***۱۵۰۰ کیلومتر راه در استان فارس در دست اجرا است که ۵۰۰ کیلومتر آن بزرگراه است**

۱۵۰۰ کیلومتر راه در فارس در دست اجرا است که ۵۰۰ کیلومتر آن بزرگراه است و از آنجا که بزرگراه‌ها با اعتبارات دولتی ساخته می‌شود سعی خواهد شد اعتبارات آن در سال ۹۱ افزایش یابد.

نیکزاد یکی از اهداف وزارت راه و شهرسازی را اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب کشور از طریق شبکه ریلی یا به صورت آزادراهی و بزرگراهی برشمرد و اضافه کرد: در این برنامه هم از اعتبارات بودجه‌ای، هم از توان و ظرفیت‌های قانون بودجه و هم از سهام، فروش اموال و اوراق مشارکت استفاده خواهد شد و توافقات خوبی هم صورت گرفته است تا یک پروژه ۵۸ هزار میلیارد ریالی با ۵۸۰ کیلومتر راه‌آهن در فارس و سایر استان‌ها، با استفاده از توان بخش خصوصی اجرا شود.

همچنین در این آیین حسین صادق عابدین، استاندار فارس با اشاره به این مطلب که امروز شاهد هستیم شهرستان‌های فارس یکی پس از دیگری به شبکه ریلی کشور متصل می‌شوند، گفت: با اجرای این پروژه شهرستان‌های فسا، استهبان و نی‌ریز به صورت مستقیم و شهرستان داراب به شکل غیرمستقیم به شبکه ریلی کشور وصل می‌شوند.

او با اشاره به این مطلب که یکی از شاخصه‌های توسعه وجود راه، راه‌آهن و فرودگاه است که نگاه ویژه دولت به فارس در این زمینه‌ها باعث شده است شرایط استان از این پروژه‌ها مطلوب باشد، افزود: هم اینک ۱۸۰۰ کیلومتر راه‌آهن تعریف شده و بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر بزرگراه در حال اجرا در فارس داریم و با توجه به دستور وزیر راه و شهرسازی و پیگیری‌های صورت گرفته پروژه‌های توسعه‌ای فرودگاه بین‌المللی شهید دستغیب شیراز که سومین فرودگاه کشور است نیز در دست انجام است که تاکنون بخشی از آن انجام شده است و امید می‌رود با حضور بخش خصوصی مذاکرات مربوط به اجرای بخش عمده آن که ۱۵۰ میلیارد ریال است به سرعت نهایی و اجرایی شود.

الحاق شهر خوراسگان به اصفهان ضروری است

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: اصفهان، شهر خوراسگان را محصور کرده است و چنین شرایطی ایجاب می‌کند که خوراسگان به شهر اصفهان الحاق شود.

شهردار منطقه ۴ اصفهان با بیان این مطلب افزود: دوگانگی مدیریتی و سیاستگذاری‌ها در یک شهر با این ویژگی، ایجاب می‌کند تا خوراسگان به شهر اصفهان الحاق شود.

علیرضا پرهام گفت: الحاق شهر خوراسگان به اصفهان هم به نفع شهر اصفهان است و هم گام مثبتی برای شهر خوراسگان خواهد بود.

وی با اشاره به اینکه شهر خوراسگان در شرق مناطق ۴ و ۱۰ شهر اصفهان قرار دارد، الحاق این شهر به شهر اصفهان ضروری خواند.

شهردار منطقه ۴ اصفهان بودجه سال ۹۱ این شهرداری را ۴۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی کرد و افزود: این میزان بودجه نسبت به بودجه امسال این منطقه که ۳۴۰ میلیارد ریال است ۱۷/۶ درصد رشد دارد.

*** تعریض پل بزرگمهر**

وی همچنین از تعریض پل بزرگمهر برای اجرای مرحله دوم خط اتوبوس تندرو حد فاصل میدان بزرگمهر تا خیابان قدس و همچنین روان‌سازی ترافیک این مسیر از ابتدای سال آینده خبر داد و گفت: طرح تعریض پل بزرگمهر که از گلوگاه‌های اجرای طرح اتوبوس تندرو است با پیش‌بینی حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیارد ریال اعتبار اجرا خواهد شد. پرهام، پارک کوهستانی شرق اصفهان را از دیگر طرح‌های شاخص سال آینده شهرداری این منطقه برشمرد.

وی، وسعت این پارک را که در حاشیه کمربندی شرق اصفهان واقع است، حدود ۷۰۰ هکتار اعلام کرد.

او همچنین با اشاره به وسعت ۱۰۸ هکتاری بافت فرسوده منطقه ۴ اصفهان گفت: ۵ درصد بافت فرسوده مصوب شهر اصفهان در این منطقه قرار دارد. پرهام با بیان اینکه محله کردآباد و قسمتی از ورودی خیابان مفتح در بافت فرسوده قرار دارد اضافه کرد: به رغم تسهیلاتی که برای احیای بافت‌های فرسوده در نظر گرفته شده است تاکنون از ۱۰۸ هکتار بافت فرسوده منطقه ۴ کمتر از یک درصد آن احیا شده است.

وی، تعداد پروانه‌های صادر شده برای احیای بافت فرسوده منطقه ۴ در نیمه نخست امسال را ۳۱مورد با ۲۴۴ درصد رشد نسبت به مدت مشابه پارسال اعلام کرد و گفت: نداشتن سند شش دانگ از عوامل مهم در روند کند بودن احیای بافت فرسوده این منطقه است.

او گفت: اگرچه شهرداری در صدور پروانه ساخت برای احیای بافت فرسوده ۵۰ درصد تخفیف می‌دهد ولی برخی ساکنان بافت فرسوده به دلیل نداشتن سند شش دانگ از دریافت تسهیلات ساخت محروم هستند.

ساخت دانشگاه آزاد در آبیک

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرایی ساخت فاز اول دانشگاه آزاداسلامی واحدعلوم تحقیقات قزوین در شهرستان آبیک با حضور نمایندگان مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی آغاز شد. مساحت کل این واحد بیش از ۵۰۰ هزار متر مربع است و امکانات آموزشی همچون کلاس، آزمایشگاه، آتلیه، آمفی تئاتر، امکانات پژوهشی همچون کتابخانه، سایت و امکانات رفاهی برای آن در نظر گرفته شده است. ساخت فاز اول این پروژه در زمینی به مساحت ۱۵ هزار و ۴۳۹ متر مربع از اواخر امسال آغاز خواهد شد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات قزوین در قسمت شمالی شهر آبیک و در مجاورت بزرگراه قزوین ـ تهران قراردارد.

نماینده مردم قزوین، البرز و آبیک در مجلس شورای اسلامی در مراسم کلنگ زنی ساخت فاز اول دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات قزوین در آبیک، ساخت دانشگاه آزاد اسلامی را در این شهرستان آرزوی دیرینه مردم و مسئولان دانست و اظهار داشت: با زحمات حجت الاسلام ابوترابی، استاندار قزوین، فرماندار آبیک و با پیگیری‌ها و تلاش‌های دکتر موسی خانی و همکاران ایشان، آرزوی چندین ساله مردم آبیک محقق شد.

حجت الاسلام علیخانی با اشاره به حضور بیش از ۱۲۰ هزار دانشجو در استان قزوین گفت: استان قزوین به لحاظ حضور بیش از ۱۲۰ هزار دانشجو که نیمی از آن‌ها در دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می‌کنند؛ به عنوان یکی از استان‌های دانشجوپذیر در کشور محسوب می‌شود.

حجت‌الاسلام ابوترابی، نماینده مردم قزوین، البرز و آبیک هم در این مراسم با تقدیر از زحمات و پیگیری‌های مسئولان استان برای ساخت این دانشگاه گفت: دانشگاه آزاد اسلامی موجب توسعه و آبادانی علمی و فرهنگی در کشور شده است و امیدواریم با ساخت واحد علوم تحقیقات قزوین در آبیک، این واحد به عنوان یکی از پایگاه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی در کشور مطرح شود. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی قزوین هم در این مراسم گفت: با ساخت و راه اندازی این دانشگاه، زمینه توسعه و رونق شهرستان آبیک فراهم می‌شود و امیدواریم شاهد ارتقای سطح دانش و فعالیت‌های فرهنگی در آبیک باشیم.

صدور ۸۳۸ کارت صنعتگری در خراسان شمالی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: امسال ۸۳۸ کارت صنعتگری برای صنعتگران خراسان شمالی صادر یا تمدید اعتبار شده است. علی کاظمی مدیر کل میراث فرهنگی خراسان شمالی با اعلام این مطلب، افزود: صدور کارت صنعتگری برای فعالان عرصه صنایع دستی، گامی مؤثر در توسعه مشاغل خانگی است. وی اضافه کرد: هنرمندان و صنعتگران دارای کارت صنعتگری زیرپوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و در صورت تأمین اعتبار، می‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. او همچنین ادامه داد: امسال، ۴۴۳ مجوز مشاغل خانگی برای متقاضیان صادر شده است.

وی در ادامه از برگزاری ۳۵ کلاس آموزش صنایع دستی در همین مدت خبر داد و گفت: ۱۱۱۰ نفر در ۲۲ مرکز آموزشی استان در رشته‌های مختلف آموزش دیده‌اند که پس از پایان دوره در صورت قبولی در آزمون، کارت صنعتگری برای آنان صادر می‌شود.

وی گفت: در ۹ ماه گذشته ۱۲ پروانه تولید برای صنعتگران استان صادر شده است.

معرفی برگزیدگان جشنواره بین‌المللی کاریکاتور در تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: نفرات برتر یازدهمین جشنواره بین‌المللی کاریکاتور با موضوع شعار سال در تبریز معرفی شدند.

بر اساس رای هیأت داوران «ولنتاین جورجیو» از بلغارستان به عنوان نفر اول، «موسی گوموش» از ترکیه به عنوان نفر دوم و «سعید منور» از ترکیه به عنوان نفر سوم این جشنواره معرفی شدند. همچنین آثار «رز تامسون» از انگلستان، «رومن کوباک» از جمهوری چک، «محسن اسدی» از ایران، «دوبوکسی الکساندر» از اوکراین و «ابو الفضل بهرامی» از ایران به عنوان آثار برگزیده شناخته شدند.

در بخش کاریکاتور چهره، «فرهاد رحیم قراملکی» از ایران، به عنوان نفر اول، «جاریو لینارسل» از کلمبیا به عنوان نفر دوم و «سامان سولی» از ایران به عنوان نفر سوم معرفی شدند و اثر «اسماعیل بیدار دل» از ایران به عنوان اثر برگزیده فکو ایران انتخاب شد. یازدهمین جشنواره بین‌المللی کاریکاتور با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۰ از سوی مقام معظم رهبری به نام سال «جهاد اقتصادی» و با هدف تولید آثار هنری مرتبط با این موضوع برگزار شد. در این جشنواره ۶۱۰ اثر از ۳۸ کشور جهان ارائه شد که ۱۳۶ اثر به عنوان آثار برگزیده، به بخش داوری، نمایشگاه و کتاب، معرفی شدند. داوری آثار در دو بخش اصلی با موضوع اقتصاد و بخش جنبی با موضوع چهره مردان اقتصادی جهان، توسط «دیمیتریو اسکاژنیک» از اوکراین، «محی‌الدین کوراوغلو» از ترکیه و «علی جهانشاهی» از ایران انجام شد و کارتونیست‌هایی از کشورهای بلغارستان، ترکیه، انگلستان، جمهوری چک، اوکراین و کلمبیا از جمله شرکت کنندگان این جشنواره بودند.

جشنواره موسیقی مقامی در نیشابور برگزار می‌شود

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره موسیقی مقامی نیشابور همزمان با ایام فرخنده سی و سومین فجر انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

غلامرضا سلامتی مسئول امور هنری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیشابور با اعلام این مطلب، افزود: موسیقی مقامی خراسان جایگاهی بس رفیع و بی‌نظیر بین اهالی موسیقی ایران و حتی جهان دارد و مقام‌ها و نغمه‌های این موسیقی که بین نسل‌های مختلف تا زمان حال تداوم داشته، از بالندگی و شکوفایی خاصی برخوردار است. وی با اشاره به این که نغمه‌های همراه با این موسیقی انسان را به اصالت ذاتی خویش سوق می‌دهد، افزود: آواها و الحان خاصی از این موسیقی در شمال، مرکز و جنوب خراسان به وجود آمده که در این جشنواره استادان این رشته در باب آوای موسیقی فولکلور منطقه آن را اجرا می‌کنند. وی گفت: این جشنواره همزمان با هفته وحدت و میلاد مسعود پیامبر اکرم(ص) و حضرت امام جعفر صادق(ع) و همزمان با بزرگداشت دهه مبارک فجر و به اهتمام اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و کانون موسیقی نیشابور، برگزار می‌شود. وی گفت: هنرمندان موسیقی مقامی نیشابور در بخش تکنوازی و گروه‌نوازی موسیقی مقامی در مقام‌های مختلف خراسان قطعات زیبایی را در نعت‌خوانی و منقبت‌خوانی اهل‌بیت(ع) اجرا می‌کنند. سلامتی با اشاره به این که دبیری این جشنواره را مجتبی روزبه هنرمند صاحب‌نام موسیقی نیشابور عهده‌دار است، اعلام کرد: جشنواره موسیقی مقامی نیشابور ساعت ۱۸ نوزدهم بهمن در تالار ادیب اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیشابور اجرا می‌شود. وی گفت: جشنواره را مجتبی قیطاقی، رضا شاکری و محمدرضا رضادوست داوری می‌کنند و به برگزیدگان جوایز نفیس و ارزنده‌ای در مراسم تقدیم خواهد شد.

تخلفات انتخاباتی خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد

نائین ـ خبرنگار اطلاعات: دادستان نائین، با اشاره به ماده ۱۷ قانون انتخابات اظهار داشت: تشکیل دادگاه صالحه رسیدگی به تخلفات انتخاباتی در شهرستان نائین در دستور کار قرار گرفته که این دادگاه خارج از نوبت به پرونده‌های مربوطه رسیدگی خواهد کرد. محمد خادمی در جلسه شورای انتخابات در محل فرمانداری نائین با حضور رؤسای ادارات و ارگان‌های دولتی به ماده ۵۲ قانون انتخابات اشاره کرد و گفت: همگان باید توجه داشته باشند که هیچ سازمان یا دستگاهی جز وزارت کشور و شورای نگهبان تحت عنوان اجرای قانون انتخابات یا نظارت، مجاز نیست در امر انتخابات دخالت کند یا مأمور و بازرسی اعزام کند که حتماً مورد توجه همگان قرار دارد. وی به ماده‌های ۶۳ و ۶۵ این قانون اشاره کرد و گفت: تشکیل ستادها بدون نام مسئول ستاد، آدرس ستاد و اسامی افراد مربوطه مسئول در آن ممنوع است و طرفداران کاندیدا و خود آنان به هیچ وجه مجاز به تبلیغات سوء علیه یکدیگر نیستند. خادمی افزود: در راستای انتخاباتی پرشور و براساس قانون هیچگونه شکایتی مانع ادامه کار و روند برگزاری انتخاب نخواهد شد.

اخبار کوتاه حوادث

مرگ چوپان بر اثر برخورد چرخ جدا شده از کامیون

شبانکاره ـ خبرنگار اطلاعات: جدا شدن یکی از چرخ‌های عقب تریلری در مسیر جاده شبانکاره ـ گناوه، سبب مرگ یک چوپان شد.

این تریلر از گناوه به سمت شبانکاره در حرکت بود که در نزدیکی روستای بُهر از توابع بخش شبانکاره یکی از چرخ‌های عقب آن به دلایل نامعلومی جدا شد و با سرعت پس از برخورد با یک درخت به راه خود ادامه داد و با پیرمردی که همراه گوسفندان خود بود، برخورد کرد. مصدوم توسط اورژانس ۱۱۵ شبانکاره به بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان انتقال یافت، اما به علت جراحات وارده در بیمارستان جان باخت.

در تابستان امسال در نزدیکی روستای دهداران نیز یک جفت چرخ از کامیونی جدا شد و پس از طی مسافت ۶۰۰ متر وارد خانه‌ای شد و پس از برخورد با کولر و پرتاب آن به اتاق موجب وحشت اعضای آن خانواده که در خواب بودند شده بود.

نرده‌های کنار جاده، خودرو و راننده‌اش را بهم دوخت!

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: انحراف به چپ یک خودرو پراید در جاده نیشابور ـ مشهد، و برخورد آن به نرده‌های کنار جاده، منجر به عبور سه قطعه از نرده‌ها از بدنه خودرو و قسمتی از بدن راننده شد و آنها را بهم دوخت!

محمود برئی مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری نیشابور با اعلام این مطلب، افزود: مأموران آتش‌نشانی با حضور سریع در محل با استفاده از دستگاه برش، نرده‌های مورد نظر و نیز پدال گاز و کلاج خودرو را بریدند و موفق به آزادسازی راننده خودرو از اتاقک خودرو شدند.

وی افزود: راننده مصدوم سپس برای مداوا به بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور انتقال یافت.

برخورد ۲ خودرو در جاده قدیم آمل، ۳ مجروح داشت

بابل ـ خبرنگار اطلاعات: بر اثر برخورد شدید دو خودرو پژو و وانت با یکدیگر و وقوع آتش‌سوزی در روستای تیرکلا جاده قدیم آمل، سه نفر مجروح شدند.

مهندس حسین خانپور مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بابل در این باره گفت: به دلیل گازسوز بودن هردو خودرو، حجم آتش‌سوزی بسیار شدید بود که با حضور به موقع ماموران آتش‌نشانی، آتش به طور کامل مهار شد و مصدومان حادثه نیز به مراکز درمانی منتقل شدند.

کلاهبرداری اینترنتی از صرافی با سیاه کردن دلارها!

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: دادستان عمومی و انقلاب تبریز از کشف کلاهبرداری اینترنتی در پوشش به اصطلاح سیاه کردن دلارهای یک صرافی خبر داد.

موسی خلیل اللهی به خبرنگاران در تبریز گفت: سه نفر کلاهبردار متشکل از دو نفر تبعه کشورهای آفریقایی و یک نفر از تبریز در پوشش کلاهبرداری اینترنتی ضمن تماس با یکی از صرافی‌های تبریز مدعی شدند ماده‌ای در اختیار دارند که می‌تواند دلارهای آنها را برای حفظ سرمایه از خطر سرقت، سیاه کند و دوباره در موقع لزوم با ماده‌ای دیگر به رنگ اصلی سابق خود برگرداند.

به گفته دادستان عمومی و انقلاب تبریز، کلاهبردارها برای جلب اطمینان صاحب صرافی دو قطعه اسکناس دلاری جعلی را در پیش روی او با ترفندی تغییر رنگ داده و دوباره به رنگ اصلی خود برگرداندند. کلاهبردارها در نهایت با جلب توجه صاحب صرافی از او به میزان ۵۰۰ هزار یورو کلاهبرداری کردند که در حال حاضر هر سه نفر کلاهبردار دستگیر و در زندان به سر می‌برند.

دادستان تبریز اضافه کرد: این کلاهبردارها در سطح کشور مرتکب کلاهبرداری‌های دیگری هم شده‌اند.

دادستان عمومی و انقلاب تبریز همچنین از کشف ۱۸۲ کیلوگرم تریاک در این شهر خبر داد و گفت: این محموله از شیراز بارگیری شده و قرار بود در تبریز و بعضی دیگر از شهرهای آذربایجان شرقی توزیع شود.

دستگیری ٤ نفر به اتهام سرقت

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: یک‌شبکه سرقت منازل در کرمان متلاشی شد و چهار عضو آن دستگیر شدند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس، مأموران پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمان در اجرای طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی موفق به دستگیری اعضای این شبکه شدند.

دستگیر شدگان که سه مرد و یک زن هستند تاکنون به چهارفقره سرقت از خانه‌ها اعتراف کرده‌اند. بادستگیری این چهار متهم تعداد زیادی از اقلام سرقتی کشف و به مالباختگان پس داده شد.

خشکسالی صنعت دامداری و بخش کشاورزی بافق را تهدید می‌کند



بافق ـ خبرنگار اطلاعات: کاهش نزولات جوی و خشکسالی‌های پیاپی، کشاورزان و دامداران شهرستان بافق را به ستوه آورده است.

جمعی از دامداران بافقی خسارات ناشی از خشکسالی ناشی از خشکسالی‌های چند سال اخیر را جبران‌ناپذیر می‌دانند و می‌گویند: با توجه به خشک شدن چشمه‌های مالداری تامین آب مورد نیاز با مشکل جدی روبروست و آبرسانی سیار توسط تانکر نیز هزینه‌های بالایی را بر دامداران تحمیل می‌کند.

این عده همچنین در بحث تأمین علوفه دام با توجه به کاهش شدید نزولات جوی و خشک بودن مراتع و چراگاه‌ها ناگزیر به خرید علوفه با قیمت گران هستند که به هیچ‌وجه مقرون به صرفه نیست.

به اعتقاد آنها علوفه و خوراک دام باید از استان‌های همجوار مثل فارس و اصفهان و گاهی از استان‌های دور دست مانند کرمانشاه و همدان وارد شود که با احتساب کرایه حمل، باعث افزایش قیمت بی‌رویه علوفه شده به‌طوری که قیمت برخی نهاده‌ها تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است که از تامین آنها عاجز مانده‌اند.

دامداران با اشاره به دریافت وام تامین خوراک دام از بانک‌ها می‌گویند: چون در بخش دامداری عایدی نداشتیم قادر به باز پرداخت اقساط وام دریافتی نبودیم و این درحالی است که بانک‌ها علاوه بر سود متعلقه جریمه دیرکرد را نیز به وام‌ها افزوده‌اند.

به عقیده عباس کرمی، دامدار منطقه قطرم بافق خشکسالی و مشکل گرانی تامین خوراک و علوفه باعث تلف شدن دام و کاهش باروری آنها شده است.

او می‌گوید: در این راستا دو فرزندم که در کار دامداری اشتغال داشتند بیکار شدند و ناچار به شهر مهاجرت کردند و به کارگری ساختمان مشغول شدند.

رمضان بابایی دامدار دهستان کوشک بافق هم از اوضاع موجود ابراز نگرانی می کند و می گوید: بر اثر پدیده شوم خشکسالی بیش از ۴۰ درصد از گوسفندانم تلف شدند یا مجبور به فروش آنها با قیمت ناچیز شدم.

محمدرضا کریمی، یکی از شترداران منطقه بافق هم می گوید: در پی عدم بارش برف و باران در امسال و سال‌های گذشته، مراتع شهرستان به قدری فقیر، خشک و خالی از علف است که در زمستان فصل زایش شتران، به خاطر نبود علوفه و کم‌شیری شتران بچه‌های آنها تلف می‌شوند.

وی با بیان اینکه مصرف روزانه خوراک شتر بسیار بالاست، می گوید: تهیه و تامین علوفه دستی هم با قیمت گران صرفه اقتصادی ندارد.

این افراد دست یاری به سوی مسئولان مربوط دراز کرده و یاری می‌طلبند تا برای رفع مشکلات آنان چاره‌اندیشی شود.

علاوه بر مشکلات عدیده در صنعت دامداری، خشکسالی‌های چند سال اخیر بخش کشاورزی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و کشاورزان را با مشکل جدی روبرو کرده است.

محمد ابراهیمی، کشاورز روستای خوسف بافق با ابراز نگرانی از وضع فعلی می‌گوید: با توجه به کاهش آب قنات این روستا کاهش سطح زیرکشت محصولات کشاورزی، موجب ضرر و زیان اهالی این منطقه شده است.

محمد ابوالحسنی باغدار منطقه سبز دشت بافق هم می گوید: افت شدید آب قنوات، چشمه‌ها و چاه‌های کشاورزی در سطح منطقه، باعث تضعیف درختان پسته و بادام شده است.

مدیر جهاد کشاورزی بافق هم می‌گوید: نزولات جوی نسبت به پارسال ۷۰ درصد و نسبت به میانگین شهرستان ۹۵ درصد کاهش دارد.

به گفته حمید عسکری باقرآبادی در بخش آب و خاک به علت کاهش آبدهی ۱۲۱ رشته قنات ۷۰ تا ۱۰۰ درصد کاهش محصولات باغی و زراعی داشته و به همین نسبت خسارت به کشاورزان وارد شده است.

وی همچنین با اشاره به خسارت وارده به بخش دامداری می‌گوید: در این صنعت نیز به لحاظ کاهش بارندگی در مرتع در سال‌های قبل، دام‌های مرتعی رو به کاهش گذاشت و سبب تلفات و عدم باروری آنها و در نتیجه کاهش تولید شیر شده است.

به گفته مدیر جهاد کشاورزی بافق، در این وضعیت اکثر دامداران مرتعی شغل خود را رها کرده‌اند یا تعداد دام‌های خود را به میزان ۶۰ درصد کاهش داده‌اند.

عسکری همچنین در مورد آب مورد نیاز احشام مرتعی می گوید: به علت کم یا خشک شدن آب چشمه‌ها، چاه‌ها و آب انبارهای واقع در چراگاه‌ها در سال جاری بیش از ۶۵۰ تانکر آب ۱۰ هزار لیتری به مراتع حمل شده است.

وی با بیان اینکه تاکنون هشت رشته قنات به‌طور کلی خشک شده است می‌افزاید: در مجموع افزون بر ۲۰ میلیارد تومان در بخش دام و کشاورزی خسارت وارد شده است.

مصطفی فتاحی، مسئول اعتبارات خشکسالی فرمانداری بافق هم میزان اعتبارات اختصاص یافته به این امر را امسال بیش از ۱۳ میلیارد ریال عنوان می‌کند و می‌گوید: این مبلغ از محل اعتبارات ماده ۱۰ اختصاص یافته است.

***دامداران با توجه به کاهش بارندگی و خشک شدن چراگاه‌ها و مراتع، ناگزیر به خرید علوفه با قیمت گران هستند که مقرون به‌صرفه‌نیست**

***مدیر جهاد کشاورزی بافق: بیشتر دامداران مرتعی شغل خود را رها کرده‌اند یا تعداد دام‌هایشان را به میزان ۶۰ درصد کاهش داده‌اند**

***۸ رشته قنات به کلی خشک شده و ۲۰ میلیارد تومان در بخش دام و کشاورزی خسارت وارد شده است**

نمایشگاه تخصصی صنعت نفت در اهواز آغاز به کار کرد

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: سومین نمایشگاه تخصصی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی خوزستان در اهواز آغاز به کار کرد. مراسم گشایش این نمایشگاه با پیام وزیر نفت و با حضور احمد قلعه‌بانی، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، مقام‌های اجرایی استان خوزستان، جمعی از مدیران و مسئولان شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت و مدیران بیش از ۲۰۰ شرکت حاضر در نمایشگاه انجام شد. این نمایشگاه با هدف تقویت ساخت داخل و بومی‌سازی تجهیزات صنعت نفت به همت شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و از سوی شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی خوزستان برگزار شده است. فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای ارائه توانمندی‌های صنعتگران، سازندگان و تامین‌کنندگان کالای صنعت نفت کشور، همچنین شناسایی نیازهای کارفرمایان و ایجاد هم‌افزایی میان آنان، از جمله اهداف این نمایشگاه است. همچنین رونمایی نخستین توربین گازی ساخت داخل، امضای تفاهم‌نامه همکاری میان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، استانداری خوزستان، انجمن سازندگان تجهیزات نفت، گاز و پتروشیمی خوزستان و شرکت شهرک‌های صنعتی استان، مبادله قراردادهای ساخت قطعات و تجهیزات صنعت نفت بین مناطق نفت‌خیز جنوب و سازندگان داخلی به ارزش ۳۰۰ میلیارد ریال و نیز برگزاری نشست‌های تخصصی راهکارهای عملی حمایت از ساخت داخل از جمله برنامه‌های این نمایشگاه است.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

استفاده از کلاه ایمنی اجباری شود

شهروندان بندرانزلی هر روز شاهد موتورسواری جوانان و نوجوانانی در خیابان‌های این شهر هستند که از کلاه ایمنی استفاده نمی کنند که این بی احتیاطی در مواردی منجر به فوت برخی از آنها بر اثر حوادث رانندگی شده است. از راهنمایی و رانندگی بندرانزلی انتظار می‌رود برای حفظ جان این جوانان که از سرمایه‌های انسانی کشور هستند، استفاده از کلاه ایمنی را برای موتورسواران، اجباری و در غیر این صورت از رفت‌وآمد آنان در سطح شهر، جلوگیری کنند.

بندرانزلی ـ احمد یعقوبیه مقدم

فوق‌العاده ویژه حقوق‌ها به بازنشستگان هم تعلق گیرد

اخیراً معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری اعلام کرده است که افزایش فوق‌العاده ویژه حقوق‌ها به کارکنان شاغل دولت پرداخت می‌شود. حال آن که براساس قانون مدیریت خدمات کشوری هر جا که امتیازی به کارکنان شاغل تعلق می گیرد، باید به بازنشستگان هم پرداخت شود تا عدالت در مورد آنان، رعایت شده باشد.

بندرانزلی ـ یک شهروند

تعطیلی خانه فرهنگ

خانه فرهنگ خیابان زنجان شمالی از یک ماه پیش به دلیل پایان یافتن مدت اجاره‌ساختمان‌آن، تخلیه‌و تعطیل شده‌است‌و خانواده‌های هنرجویان‌بخصوص واحد مهدکودک و پیش‌دبستانی با این که بارها در دفتر شهردار منطقه ۲ حضور یافته‌اند و با سامانه تلفنی ۱۸۸۸ شهرداری تماس گرفته‌اند، هنوز در مورد تهیه ساختمان جدید برای خانه فرهنگ زنجان، اقدامی صورت نگرفته است. از شهرداری تهران درخواست داریم در این مورد اقدام عاجل به عمل آورد.

از ساکنان محله شادمان و خیابان زنجان شمالی

ضمانت بازنشسته را نپذیرفتند

در مورد یک دعوای ساده خانوادگی به یکی از دادسراها احضار شدم که متأسفانه با من برخورد مناسبی صورت نگرفت و مرا به بازداشتگاهی انتقال دادند که کثیف و تاریک بود. در ضمن ضمانت یک بازنشسته را قبول نکردند و گفتند باید ضامن، دارای جواز کسب باشد که معلوم نیست همه افراد چگونه می توانند چنین کاسبی را پیدا و معرفی کنند؟

تلفن به خط ارتباطی

خصوصی‌سازی به چه معناست؟

مدت ۱۱ سال سابقه کار در مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ کرمان را دارا هستم. امسال مسئولان مربوطه پس از کسر ساعت کار به صورت اجباری، عنوان کردند که قرارداد جدید را با حقوق ماهیانه ۲۱۵ هزار تومان می‌بندند و اختیار برای ادامه کار یا انصراف از کار با کارگران است. از رئیس اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات بپرسید که آیا خصوص‌سازی به معنای زیر پا گذاشتن حقوق کارگران است؟ با چنین نرخ تورمی چگونه می توان با حقوق ۲۰۰هزار تومان امرار معاش کرد؟

کرمان ـ یکی از کارکنان مرکز اطلاعات تلفن

بیکار ماندن جوان‌ها

متأسفانه جوانان تحصیلکرده و مستعد در بهبهان بیکار مانده‌اند حال آنکه ارگان‌های دولتی مشغول به جذب بازنشستگان و دادن حقوق دوباره به آنان هستند.

بهبهان ـ یک شهروند

شهرداری منطقه ۲ رسیدگی کند

کوچه سیزدهم واقع در شهرک غرب، فاز پنجم، سیمای ایران، کوچه‌ای بن‌بست است و ساکنان آن غالباً افراد مسن و کهنسال هستند که به آرامش و سکوت نیاز دارند اما متأسفانه مالکان پلاک ۱ و ۸ کوچه، خانه مسکونی خود را به واحدهای اداری و تجاری تبدیل کرده و مخل آسایش اهالی شده‌اند. لطفاً شهرداری منطقه ۲ رسیدگی کند.

به نمایندگی از اهالی کوچه ۱۳ شهرک غرب

مردم عادی با بالا رفتن ارز ضرر می کنند

از قول آقایی به نام «محمدی» در ستون خط ارتباطی روزنامه اطلاعات نوشته بودید «خوشحال شدیم که ارز گران شده است چون صادرکنندگان پول بیشتری گیرشان می آید.» نام من هم محمدی است اما با گفته‌های ایشان کاملاً مخالفم. یعنی ما که صادر کننده نیستیم و فرزند دانشجو در خارج از کشور داریم و مجبوریم دلار ۱۱۰۰ تومانی را به قیمت ۱۷۰۰ تومان بخریم انسان نیستیم. پس سود و منفعت ما چه می‌شود؟ آیا سود کردن صادرکنندگان کافیست؟ ما افراد عادی در این اوضاع از کجا بیاوریم و چگونه زندگی کنیم؟

محمدی

تقاضا از دفتر ریاست جمهوری

از مسئولان دفتر ریاست جمهوری تقاضامندم افرادی دلسوز را استخدام کنند تا هر روز خط ارتباطی روزنامه اطلاعات را بخوانند و به سمع و نظر آقای احمدی‌نژاد برسانند تا مشکلات مردم زودتر و سریع تر حل شود.

بازنشسته معلول لشکری

وزن شیرهای پلاستیکی چقدر است؟

روی شیرهای پلاستیکی (یارانه‌ای سابق) نوشته می‌شود «وزن ۲۰۰ ± ۸۰۰» منظور چیست؟ یعنی وزن شیر یک لیتر است یا ۶۰۰ گرم. لطفاً موضوع را روشن کنید؟

احمدی

استانداری خوزستان رسیدگی کند

حدود سه سال پیش مبلغی را بابت واگذاری منازل تعاونی مسکن شهرداری اهواز واریز کردم. چندی قبل دوباره از اعضاء خواستند تا سقف ۲۹ میلیون تومان پول واریز کنند اما بعد مبلغ به ۳۵ میلیون تومان افزایش یافت. هیچگونه اطلاع‌رسانی هم صورت نمی گیرد. از استانداری خوزستان و سازمان مسکن و شهرسازی خواهشمندم رسیدگی کنند.

اهواز ـ نعمتی

چرا قیمت دارو ٤ برابر شده؟

یک کارمند هستم و حقوق کارمندی دریافت می کنم. همسرم به بیماری اماس مبتلاست. همیشه این دارو را از بیمه۹۸ هزار تومان تهیه می کردم اما این ماه برای آن ۳۳۰ هزار تومان پرداختم و دیگر قادر به پرداخت این مبلغ نیستم. مگر حقوق ما کارمندان افزایش یافته که قیمت دارو چهار برابر شده است.

مسعود

پاسخ مسئولان

پاسخ وزارت آموزش و پرورش درباره آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایرانی

عطف به مطلب مندرج درآن روزنامه مورخ ۹۰/۱۰/٤ «آسیب‌شناسی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایرانی» به اطلاع می‌رساند، به استناد موارد مطروحه در مطالب ارسالی عوامل و عللی مختلف و متنوع از جمله امکانات آموزشی مانند آزمایشگاه زبان، معلم مسلط و مجرب، ساعات آموزشی کافی، سن یادگیری زبان و توجه به دوران حساس یادگیری زبان که معمولاً به سنین پایین اطلاق می‌شود، انگیزه، دیدگاه نسبت به زبان و غیره در آموزش زبان خارجی دخالت دارند که بسیاری از آنها از حیطه اختیارات دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی عمومی و نظری این وزارتخانه خارج است. یکی از ابزار مهم در این زمینه کتاب درسی است که باید به موازات عوامل یاد شده به خدمت آموزش درآید و اگر این موارد با یکدیگر همسو و هم جهت نشوند و یکی از آن‌ها دچار نقص شود فرایند آموزشی مختل خواهد شد و حتی با بهترین کتاب درسی هم دچار مشکل خواهیم بود. فلذا این دفتر در صدد است با تدوین راهنمای برنامه درسی جامع به تمامی مهارتهای زبانی و هم‌چنین ارتباطات مؤثر و کاربردی توجه کافی نماید تا بتوانیم در امر آموزش زبان انگلیسی موفق شویم، خواهشمند است طبق قانون مطبوعات و رسانه نسبت به درج جوابیه این مرکز در آن رسانه اقدام لازم صورت گیرد.

علی فرهادی
رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی

پاسخ شرکت آب و فاضلاب استان تهران در مورد دریچه‌گذاری

بازگشت به درج مطلبی در آن روزنامه محترم در ستون «خط ارتباطی اطلاعات با مردم» در تاریخ ۹۰/۱۰/۲۵ با عنوان «برای فاضلاب دریچه بگذارند» لازم می‌داند به استحضار برساند، به دلیل تداخل خط لوله گاز و خط اصلی جمع‌آوری فاضلاب، عملیات اجرایی همچنان در این منطقه ادامه دارد، البته مشکل انتشار بوی نامطبوع از محل حفاری به طور موقت با نصب پالت فولادی حل شده است. با مرتفع شدن مشکل تداخل این دو خط و تکمیل شدن اجرای خط اصلی این خیابان تا ۲ ماه آینده مشکل فاضلاب محله نیز به صورت کامل برطرف خواهد شد.

قادر خانی‌زاد
مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل

چالش‌های پیش روی کشاورزی آذربایجان شرقی



تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: محدودیت منابع آب، کمبود زمین‌های مستعد کشاورزی با پسروی دریاچه ارومیه و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و باغی، از مهمترین چالش‌های پیش روی بخش کشاورزی آذربایجان شرقی است.

دکتر مسعود محمدیان رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی که در نشست مشترک این سازمان با دستگاه قضایی استان سخن می‌گفت، افزود: با پسروی دریاچه ارومیه، هرگونه افزایش زمین‌های زیرکشت، به جز پایاب سدهای استان محدود شده و فقط افزایش تولید در واحد سطح با تغییر الگوی کشت مطرح است.

وی همچنین از عزم سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی برای افزایش تولید محصولات کشاورزی در راستای تامین امنیت غذایی جامعه خبر داد و افزود: تغییر کاربری‌های غیرمجاز یکی از چالش‌های جدی فرا روی بخش کشاورزی استان است که با اجرای قانون حفظ کاربری اراضی و حمایت‌های دستگاه قضایی استان اقدام‌های موثری در این زمینه انجام شده است.

محمدیان گفت: از اقدام‌های پیشگیرانه سازمان برای جلوگیری از تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و باغی می‌توان به توقف عملیات ساخت در اراضی بدون اخذ مجوز از کمیسیون مربوطه و همچنین اجرای احکام قضایی، تخریب بنا و اخذ جریمه برای تغییر کاربری‌های انجام شده اشاره کرد. وی همچنین اطلاع‌رسانی عمومی برای آشنایی شهروندان از قوانین حفظ کاربری زمین‌های کشاورزی و باغی را یکی از مؤثرترین اقدام‌های سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی دانست.

او با اشاره به افزایش جمعیت و نیاز جامعه به تولید غذای بیشتر و رقابت در بازارهای بین‌المللی و کسب درآمد بیشتر بهره‌برداران در قبال تولید محصولات متنوع و کیفی، گفت: حفاظت از زمین‌های کشاورزی با کاربری باغی و کشاورزی در کنار توسعه کشاورزی، از اهداف سازمان جهادکشاورزی استان است.

اخبار کوتاه ورزشی

اجرای ۳۵۰ برنامه ورزشی در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: ۳۵۰ برنامه ورزشی همزمان با دهه فجر در شهرهای مختلف مازندران اجرا می‌شود.

دبیر کمیته ورزش و جوانان دهه فجر مازندران با اعلام این خبر، افزود: محوریت برنامه‌های اجرایی در این ایام فقط منحصر به برنامه‌های ورزشی نیست و برگزاری مراسم ویژه جوانان نیز مورد توجه اداره کل ورزش و جوانان استان قرار دارد.

مریم کیومرثی گفت: برگزاری پیاده‌روی خانوادگی در ساری، برگزاری مسابقات کشوری ورزشی بومی و محلی در فریدونکنار، سمینار آسیب‌شناسی فرهنگ ازدواج در خانواده‌های ایرانی در نور و افتتاح چند طرح ورزشی در شهرهای مختلف بخش‌هایی از برنامه‌های مورد نظر اداره کل ورزش و جوانان مازندران در دهه فجراست.

وی گفت: دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و دیدار جوانان و دبیران تشکل‌های جوان با نماینده ولی‌فقیه در مازندران از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی شده در این ایام است.

آغاز رقابت‌های شطرنج قهرمانی کشور در بابلسر

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: مسابقات شطرنج قهرمانی دختران و پسران کشور در رده‌های سنی ۸، ۱۰ و ۱۲ سال در سالن ورزشی مجتمع آموزشی رفاهی بانک کشاورزی بابلسر آغاز شد.

به گفته مهندس مجید غلامی مسئول روابط عمومی اداره ورزش و جوانان بابلسر، در این مسابقات ٦٢٤ شطرنج باز در رده سنی ۸ و ۱۰ سال پسران در ۱۱ دور و در سایر رده‌های سنی پسران و دختران در ۹ دور به صورت سوییسی به دیدار هم می‌روند.

در مراسم افتتاح مسابقات فدراسیون شطرنج ایران و نایب رئیس فدراسیون جهانی شطرنج، معاون توسعه امور ورزشی اداره کل ورزش و جوانان، رئیس هیات شطرنج مازندران، فرماندار و رئیس اداره ورزش و جوانان بابلسر نیز حضور داشتند.

بابلسر برای ششمین بار در سال‌جاری میزبان مسابقات کشوری است که در پایان نفرات برتر این مسابقات به عضویت تیم ملی کشور برای شرکت در مسابقات قهرمانی آسیا درخواهند آمد.

دیدار فرماندار بافق با اعضای تیم گلبال نابینایان

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار و مدیر بهزیستی بافق، با اعضای تیم گلبال نابینایان این شهر دیدارکردند.

در این دیدار که در مجموعه ورزشی تختی بافق انجام شد، بسیاری از افراد روشندل در حوزه‌های مختلف جهان را تغییر داده‌اند، در بخش‌هایی چون سیاست، علم، هنر و ورزش، موفق شدند چرا که اجازه ندادند تا نبود درک خارجی نور، نور درونی آنها را خاموش کند، این‌ها افرادی هستند که جهان با استعداد و شجاعت آنها، روشن شده‌است.

وی اضافه‌کرد: درصورت حمایت از این ورزشکاران، آنها می‌توانند به جایگاه‌های بهتری دست یابند و برای کشور افتخار بیافرینند.

بررسی مشکلات و ظرفیت‌های ورزشی ری

شهر ری ـ خبرنگار اطلاعات: مسائل و مشکلات پیرامون ورزش شهرری در جلسه‌ای با حضور فرماندار این شهرستان مطرح و بررسی شد.

به گزارش روابط عمومی فرمانداری شهرری، در جلسه مسئولان اداره ورزش و جوانان این شهرستان با دکتر باقرنژاد فرماندار ری مسئولان اداره ورزش و جوانان شهر ری به ارائه گزارشی از وضع ورزش شهرستان پرداختند.

بررسی راهکارهای لازم و رفع نقایص و کمبودها، شناسایی منابع مالی برای تقویت ورزش شهرستان و بررسی قوانین موجود برای حمایت بخش خصوصی از ورزش و نحوه تعامل با بخش خصوصی از جمله مواردی بود که در این جلسه مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت.

حضور رزمی کار آباده‌ای در تیم ملی کاراته

آباده ـ خبرنگار اطلاعات: در رقابت‌های انتخابی کاراته استان فارس که در شیراز برگزار شد، فهیمه نعمت‌الهی توانست به عنوان عضو تیم منتخب استان برگزیده شود.

وی به همراه اعضای تیم به رقابت‌های انتخابی تیم ملی جمهوری اسلامی ایران که ماه آینده در تبریز برگزار خواهد شد، اعزام می‌شود.

تشکیل ۱۸ کمیته تخصصی ستاد دهه فجر دراهواز

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار اهواز از تشکیل ۱۸ کمیته تخصصی ستاد دهه فجر برای گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خبر داد.

عبدالعزیز فدعمی درجلسه هماهنگی دهه فجر، ایام‌الله پیروزی انقلاب را یادآور رشادت‌ها و فداکاری‌های ملت مسلمان ایران دانست که با جانفشانی و ایثارگری طومار رژیم طاغوت را در هم پیچید و با برافراشته کردن پرچم اسلام ناب محمدی(ص) دل‌های همه مسلمانان را با نور حقیقت روشن گردانید.

فرماندار اهواز با اشاره به توطئه‌های مختلفی که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی توسط دشمنان خارجی و داخلی طراحی شده است اضافه کرد: دهه مبارک فجر فرصت مناسبی است که با روشنگری این توطئه‌ها معرفی و خنثی شوند.

فدعمی بیان اهداف انقلاب و تبیین دستاوردهای آن را وظیفه همگان دانست و اظهار امیدواری کرد: با برنامه‌ریزی و مشارکت همه برنامه‌های پرمحتوا برای انتقال و تبیین این دستاوردها اجرا شود.

رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی خوزستان نیز در این جلسه با بیان این که انقلاب اسلامی دستاوردهای بزرگ و جهانی داشته است، تبیین دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی باید در راس همه برنامه‌های اجرایی ستاد دهه فجر مد نظر قرار گیرد.

حجت‌الاسلام محمدصادق عظیمی با اشاره به جمعیت جوان شهرستان اهواز خواستار استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به نسل جوان شد.

برگزاری ۴۰ برنامه توسط آموزش و پرورش سبزوار در دهه فجر

سبزوار ـ خبرنگاراطلاعات: مدیرآموزش و پرورش سبزوار از برگزاری بیش از ۴۰ برنامه در سی‌و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خبر داد.

مهندس راه‌چمنی در تشریح این برنامه‌ها افزود: همزمان با دوازدهم بهمن سالروز ورود حضرت امام خمینی(ره) به میهن عزیز اسلامی، گلباران تمثال حضرت امام(ره) در چهارراه امامزاده توسط تشکل‌های دانش‌آموزی برگزار می‌شود و همچنین سرود «خمینی ای امام» نیز توسط دانش‌آموزان به صورت هماهنگ اجرا خواهد شد.

وی گفت: جُنگ فرهنگی و هنری دانش آموزی و فرهنگی به مدت ۱۰ شب در تالار اندیشه این شهر برگزار می‌شود.راه‌چمنی همچنین در ادامه افزود: سه مدرسه هوشمند نیز دراین ایام خجسته با حضور مسئولان افتتاح خواهد شد.او برگزاری همایش علمی مدیران مدارس و اجرای مسابقه با عنوان سند تحول بنیادین را نیز از دیگر برنامه های این ایام اعلام کرد.وی همچنین از برگزاری جشنواره دست نوشته‌های طلایی جابربن‌حیان در مقطع ابتدایی خبر داد و افزود: فیلم‌های برگزیده جشنواره بین‌المللی رشد نیز در این ایام در محل جوانسرای اسرار برای دانش‌آموزان نمایش داده‌خواهد شد.

معرفی برترین‌های جشنواره عکس بسیج استان مرکزی

ساوه ـ خبرنگاراطلاعات : جشنواره عکس بسیج استان مرکزی و نمایشگاه آثار منتخب جشنواره با معرفی آثار برتر به کار خود پایان داد و مراسم پایانی با حضور جمعی از مسئولان محلی و هنرمندان در سالن سلمان فارسی ساوجی اداره ارشاد شهرستان ساوه برگزار شد.

علی شعبانی رئیس اداره‌فرهنگ و ارشاد اسلامی ساوه در آیین پایانی این جشنواره و نمایشگاه گفت: این جشنواره به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بسیج هنرمندان استان مرکزی و کانون بسیج هنرمندان شهرستان ساوه و با موضوع‌های انسان و پایداری، آیین و سنن، انسان و سازندگی، بصیرت، حجاب و عفاف، بسیج، ایثار و شهادت، نماز و نیایش و اعتیاد برگزار شد.

وی افزود: در این جشنواره ۳۰۹ اثر از ٤٦ هنرمند عکاس دریافت شد که ۵ اثر برگزیده و ۳۰ اثر به نمایشگاه راه یافتند.

شعبانی اضافه کرد: نفرات برگزیده جشنواره علاوه بر دریافت جوایز نقدی به مرحله کشوری جشنواره که ماه آینده در بوشهر برگزار می‌شود، معرفی می‌شوند.

دراین مراسم از جابرغلامی، روح‌الله صالحی، امیرقادری، نسرین لیریایی، سیدمهدی عماد، آزاده جمال‌آبادی از اراک، اصغر غمخوار، مریم رضایی، حدیثه شعبانی و سیدحجت‌التجار از ساوه با اهدای لوح و هدایای نقدی تقدیر به عمل آمد.

تشکیل کارگروه رفاه و توانمندسازی محرومان در یزد

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: کار گروه رفاه و توانمندسازی محرومان در یزد تشکیل می‌شود.

محمدرضا غریب‌نواز، معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی(ره) استان یزد با بیان این مطلب در نشست مشترک مسئولان کمیته امداد با مدیران موسسات خیریه شهرستان بافق افزود: کار گروه رفاه و توانمندسازی محرومان با همکاری موسسات خیریه و کمیته امداد در شهرهای مختلف استان تشکیل می‌شود.

وی گفت: هدف از تشکیل این کار گروه، ساماندهی موسسات خیریه و یکسان‌سازی برنامه‌ها و ایجاد تعامل بین موسسات خیریه و کمیته امداد برای خدمات‌رسانی هرچه بهتر به محرومان جامعه است.

غریب‌نواز با بیان اینکه این کار گروه با محوریت ائمه جمعه، فرمانداران، مدیران کمیته امدادشهرستان‌ها و مدیران موسسات خیریه هرشهرستان تشکیل خواهد شد. افزود: بافق این افتخار را دارد که کار گروه رفاه و توانمندسازی محرومان را به عنوان یکی از شهرستان‌های پیشتاز استان دنبال می‌کند.

این نشست با هدف بررسی موانع و راهکارهای پیش‌روی موسسات خیریه و چگونگی برقراری تعامل بیشتر درراستای خدمت‌رسانی متمرکز و بهتر به محرومان جامعه تشکیل شد.

دهه فجر تجلی اقتدار نظام اسلامی است

سمیرم ـ خبرنگار اطلاعات: دهه فجر تجلی ایثار، استقامت و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

محمدعلی صابری مسئول شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ستاد دهه فجر شهرستان سمیرم با بیان این مطلب افزود: ارزش‌های به دست آمده در سی و دو سال حاکمیت پرشکوه انقلاب اسلامی در کشورمان مرهون رشادت‌های جوانان این مرز و بوم در سایه پیروی از ولایت فقیه است و وظیفه ما پاسداری از این ارزش‌ها است.

وی با اشاره به تشکیل ۱۹ کمیته در شهرستان سمیرم و ۵ کمیته در شهرهای همجوار برای برگزاری مراسم پرشکوه دهه فجر افزود: ۳۳ برنامه ویژه، افتتاح طرح‌های عمرانی، فرهنگی، ورزشی، دیدار با خانواده شهدا، نشست‌های سیاسی و گفتمان دینی در مدارس و دانشگاه‌ها، اعزام ۳۱۰ نفر راهیان نور، اعزام ۳۳ زائر به مرقد مطهر امام راحل و برگزاری جشن‌های محلی از برنامه‌های این دهه است.

۱۲ پروژه عمرانی دانشگاه علوم پزشکی اراک آماده بهره‌برداری است

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۲ پروژه عمرانی دانشگاه علوم پزشکی اراک با هزینه ٤٦ میلیارد و ۹۵۲ میلیون ریال اعتبار در دهه مبارک فجر به بهره‌برداری می‌رسد.

دکتر جواد فرخی معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی دانشگاه علوم پزشکی اراک با بیان این مطلب افزود: اکثر این پروژه‌ها از مصوبات سفر رئیس جمهوری هستند.

وی به پروژه آماده افتتاح اشاره کرد و گفت: ساختمان مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان، ساختمان معاونت غذا و دارو، مجتمع مسکونی پزشکان، خانه بهداشت مالک‌آباد، خانه بهداشت میقان، خانه بهداشت ایبک‌آباد، خانه بهداشت ساقی، خانه بهداشت کارچان، خانه بهداشت مزرعه خاتون، خانه بهداشت بازنه، خانه بهداشت جمال‌آباد و خانه بهداشت ده کوثر از جمله پروژه‌های عمرانی هستند که در دهه مبارک فجر افتتاح خواهند شد.

۹۲ طرح در زرین‌شهر همزمان با دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسد

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: امسال ٦٥۰ میلیون تومان بودجه فرهنگی به شهرستان لنجان اختصاص یافته است.

معاون فرمانداری لنجان در جلسه شورای فرهنگ عمومی با اعلام این مطلب افزود: شهرستان لنجان امسال ۳۷۹ طرح فرهنگی به استان اصفهان ارائه داده است که از مجموع ۷۹ میلیارد تومان بودجه فرهنگی استان ۵ درصد آن یعنی ٦٥۰ میلیون تومان سهم شهرستان لنجان‌است.

موسی مباشری افزود: در این بین میزان بودجه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لنجان با ۸۲ میلیون تومان بیشترین سهم را دارد و بقیه بین ادارات آموزش و پرورش زرین‌شهر و باغبهاداران، ستاد تبلیغات اسلامی، امور کتابخانه‌ها، اداره ورزش و جوانان و کانون‌های فرهنگی هنری‌مساجدتقسیم‌شده‌است.

او برنامه‌های دهه فجر شهرستان را ۲۰۰ برنامه اعلام کرد و گفت: برای اجرای هرچه بهتر برنامه‌ها ۲۷ ستاد فرعی و کمیته تشکیل شده است و قرار است ۱٦ بهمن ۹۲ طرح با حضور استاندار اصفهان با هزینه‌ای افزون بر ۳۱ میلیارد تومان به بهره‌برداری برسد.

بهره‌برداری از ۲ طرح انتقال خون در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: دو طرح انتقال خون همزمان با دهه فجر در استان کرمان به بهره‌برداری می‌رسد.

به گفته مدیرکل انتقال خون استان کرمان مرکز ثابت خونگیری شهرستان کرمان واقع در میدان آزادی یکی از این طرح‌ها است. محمدرضا مهدی‌زاده افزود: همچنین ساختمان جدید واحد تهیه فرآورده‌های سلولی و پلاسمایی اداره‌کل انتقال خون استان کرمان دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسد.

وی با اشاره به اهدای ٦۰ هزار و ۲٦۱ واحد خون به این مرکز در ۱۰ ماه گذشته، اعلام کرد: ۷۲ درصد خون‌های اهدایی در مراکز ثابت خونگیری و بقیه واحدهای سیار گرفته شده است.

آخرین جمله شهید شلمچه



***اولین و دومین نفر شهید شده بودند، اما سومی که فاصله‌اش خیلی بیشتر شده بود، حرکت کوچکی کرد. روی سینه افتاده بود. بعد به پشت خوابید. صدایش را می‌شنیدم؛ حرکت کوتاهی کرد و گفت: «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار» و بعد شهید شد**

اولین و دومین نفر شهید شده بودند، اما سومی که فاصله‌اش خیلی بیشتر شده بود، حرکت کوچکی کرد. روی سینه افتاده بود. بعد به پشت خوابید. صدایش را می‌شنیدم؛ حرکت کوتاهی کرد و گفت: «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار» و بعد شهید شد.

مجید رضاییان در طول جنگ پنج شش بار مجروح شده است. در کربلای هشت در شلمچه چشم راستش را و واپسین روزهای جنگ هم چشم چپش را فدای راه امام کرد. در همان ایام جنگ، در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و امروز هم بدون چشم ظاهر و هزار چشم باطن، مشغول تدریس جامعه‌شناسی و روش تحقیق است. آنچه در ذیل می‌خوانید مصاحبه‌ای با این استاد گرانقدر است:

***مرحله اول**

دقایق اولیه شروع عملیات کربلای پنج بود. گروهان‌ها و نیروهای آماده، سوار قایق‌ها شدند؟ هر قایق بین شش تا هفت نفر. نیروهای غواص رفتند تا خط دشمن را بشکنند. من مسئولیت گروه ویژه‌ای را بر عهده داشتم که درون سه تا از قایق‌ها مستقر بودند. متوجه شدیم درگیری در خط دشمن آغاز شده است و چند ثانیه بعد حجم سنگین آتش دشمن روی سر بچه‌ها ریخته شد. این‌طور به نظر می‌رسید که آتش سلاح‌های سنگین عراق روی نیروهای غواصی ریخته می‌شود که خط اول عملیات بودند. ما هم هر لحظه مضطرب بودیم که خدایا بچه‌ها موفق می‌شوند خط را بشکنند یا نه؟ نیروهای غواص در آن محوری که قرار بود عملیات انجام بدهیم، موفق به شکستن خط نشده بودند. زمان داشت طولانی می‌شد.

حجم سنگین آتش به این سوی آبگرفتگی هم رسید که ما بودیم، و منتظر دستور حمله. در این لحظات بود که فرمانده صدایم کرد و گفت: خط دشمن شکسته نشد. آماده باشید که یکی از قایق‌های شما پیشاپیش نیروها به خط دشمن برود و در صورت لزوم، بزند به خاکریزها.

لحظه حساسی بود. امکان هر خطری وجود داشت. ممکن بود قایق‌ها با میادین مین یا سیم‌خاردارهایی که عراقی‌ها ایجاد کرده بودند، برخورد کند. تعدادی از نیروهای داوطلب را که آماده شهادت بودند، انتخاب کردم؛ وضع را برای نیروها توضیح دادم و قرار شد هرکس داوطلب است، در آن قایق بنشیند و برای این که بچه‌ها آزادانه تصمیم بگیرند، خودم از قایق فاصله گرفتم و رفتم سراغ بقیه قایق‌ها. بعد از مدتی برگشتم و دیدم همه نشسته‌اند.

بین بچه‌ها یکی از نیروها متأهل به نام برادر «غلامعلی خوشبخت» اعزامی نیروی هوایی ارتش بود و به عنوان بسیجی آمده بود. از ایشان خواستم قایق را ترک کند و انتظار داشتم حرف مرا بپذیرد، اما او با التماس از من خواست اجازه بدهم در همان قایق بماند. وی در مرحله دوم کربلای پنج در کنار جاده «جاشم» به شهادت رسید.

دستور حرکت داده شد و ظاهراً مسیر دیگری شناسایی شده بود. قایق‌ها یکی پس از دیگری از مجرایی که در نظر گرفته شده بود، حرکت کردند. آبگرفتگی شلمچه در جایی بود که عمق آب به حدی کم بود که پره قایق به گل گیر می‌کرد؛ حتی در جایی، خاک از آب بیرون زده بود.

همین باعث شد حرکت قایق‌ها از نظم خود خارج شود. بعضی از قایق‌ها گیر می‌کردند و نیروها مجبور می‌شدند از قایق خارج شوند و آن را هُل دهند. بعد از مدتی خود را در حدود ۲۰۰ متری خاکریز دشمن دیدم و از جای جای این خاکریز به‌سوی نیروهای ما تیراندازی می‌کردند، من جلو قایق نشسته بودم. دنبال این بودم که از کدام محور وارد عملیات شویم. دشمن از هر طرف به سمت ما آتش می‌ریخت.

برای یک لحظه به سمت شمال نگاه کردم و در فاصله‌ای بیشتر از یک کیلومتر، دیدم روی خاکریز دشمن، نقطه سبزی روشن است. ناخودآگاه به کسی که قایق را هدایت می‌کرد گفتم برود به سمت بالا. باید از مقابل همه تیربارهایی که سمت بچه‌ها تیراندازی می‌کردند، رد شویم. ما برای نیروهای عراقی مثل سیبل متحرک بودیم، ولی رفتیم تا جایی که آتش کمتر بود. هر چه به آن نور سبز نزدیک‌تر می‌شدیم، آتش کمتر می‌شد. وقتی حدود سی چهل متری رسیدیم، دیدم یکی از نیروهای لشگر ۱۹ مقابل خاکریز ایستاده بود که با یک چراغ قوه کوچک جیبی داشت به نیروهای خودش علامت می‌داد. وارد خاکریز دشمن و آماده عملیات شدیم؛ اما همین که پایمان را روی خاکریز گذاشتیم، بلافاصله متوجه یک غواص خودی روی زمین شدیم که نزدیک سنگر دشمن افتاده است. یک نارنجک در دست این شهید بود.

نکته‌ای برای من مبهم بود که «خدایا، ما چطور از فاصله بسیار دور توانستیم آن نور را تشخیص بدهیم؟» نور بسیار کمی بود و به سمت ما هم نبود. از طرفی ما چطور توانستیم روی دژ دشمن که از هر چند مترش یک تیربار در حال شلیک بود و در لابه‌لای آن همه آتش، آن نور سبز را تشخیص بدهیم؟ از طرفی چقدر می‌توانستم تشخیص بدهم و چطور بدون این که خودم بخواهم به قایقران گفتم به آن سمت برود؟ چه چیزی باعث شد که ما این کار را انجام بدهیم؟ چیزی که شاید از منطق و استدلال نظامی هم به دور بود. بعدها در مراسمی، معاون خودم را دیدم و از او پرسیدم که آن شب چطور توانست قایقش را به همان‌جا برساند.

گفت: «ما هم گم شده بودیم، ولی از فاصله‌ای خیلی دور، نور سبزی دیدم.» پرسیدم: تو نور سبز را چطور تشخیص دادی؟ شاید از طرف عراقی‌ها بود؟ گفت: «نمی‌دانم چطور شد. فقط یادم هست که گفتم بروم سمت آن نور.»

وارد دژ اول شلمچه شدیم. دم‌دمای صبح عملیات، زیر آتش شدید دشمن و توی کانالی که قرار داشتیم، می‌دیدم که نیروها از مسیرهای متفاوت خود را می‌رساندند تا عملیات را ادامه دهند. قرار بود در خاکریز دوم دشمن در پنج‌ضلعی شلمچه عمل کنیم؛ خاکریزی بود غیر ثابت و مقطعی که از هفت خاکریز کوچک تشکیل شده بود که قسمتی از آن توسط نیروهای دیگر فتح شده بود.

ما برای تصرف نقاط دیگری از خاکریزهای به جا مانده، عملیات خود را انجام دادیم و توانستیم با سرعت مواضع دشمن را بگیریم و خط را تثبیت کنیم. پشت خاکریزها مستقر شدیم و برای کارهای پدافندی، آن‌روز را به شب رساندیم. نیروها کاملاً در موقعیت خود مستقر شده بودند. دو شب بود که نخوابیده بودم. گفتم خوب است استراحتی بکنم. روی همان خاکریز که یک کانالی بود، دراز کشیدم. یکی دیگر از نیروها به‌نام «جلال شاکری» هم همانجا دراز کشید تا کمی بخوابد. برادر کوچک‌ترم به همراه پسر عمه‌ام که در گردان ما بودند هم آمدند. تعجب کردم و گفتم: مهدی! کاری داشتی با من؟ گفت: «آمدم سری به تو بزنم.» گفتم: چرا کلاه آهنی سرت نیست؟ برو توی سنگر خودت و کلاهت را هم سرت کن. صحبت من و برادرم چند ثانیه‌ای طول نکشید. وقتی با پسر عمه‌ام رفتند، به جلال گفتم: اصلاً تا به حال مهدی را این‌طوری دیده بودی؟ انگار آمده بود برای وداع یا خداحافظی و می‌خواست چیزی بگوید که هنوز نگفته بود یا نتوانسته بود بگوید.

نکته‌ای برای من مبهم بود که....

بچه‌ها آن شب تا صبح مشغول نگهبانی بودند. نزدیکی حوالی صبح بود که صدای انفجار خمپاره‌ها در نزدیکی ما آمد. از خواب بیدار شدم. هنوز از جایم بلند نشده بودم که یکی از بچه‌ها آمد و گفت: «بلند شو، مثل اینکه بچه‌ها مجروح شدند.» پرسیدم: کی؟ گفت: مهدی و مسعود؛ یعنی برادرم و پسر عمه‌ام. برای من یقین شد که باید اتفاقی بدتر از مجروح شدن افتاده باشد. یادم هست آن فاصله را تا آنجا که بچه‌ها بودند نزدیک پنجاه ـ شصت متر بود، دو ـ سه بار، مثل کسی که تعادل نداشته باشد، می‌افتادم زمین. نمی‌دانستم چطور همه توانم را از دست داده بودم؛ هی بلند شدم و هی می‌خوردم زمین، تا رسیدم آنجا و دیدم هر دو شهید شدند.

این دو از بچگی با هم بودند؛ با هم مدرسه می‌رفتند؛ با هم جبهه آمدند و در کنار هم شهید شدند و هر دو کوچک‌تر از من بودند. مهدی سر نداشت و مسعود هم با ترکش‌های خمپاره در همان ثانیه‌های اول شهید شده بود. نمی‌دانستم چه باید بگویم. آنجا بچه‌ها ایستاده بودند که من مسئولیت آنها را داشتم. صحنه‌ای که مهدی شب قبل پیش من آمده بود، جلو چشمم آمد. شاید می‌خواست چیزی بگوید.

دلم می‌خواست برای آنها گریه کنم، اما به‌خودم گفتم باید مسلط باشم. چون هر گونه اقدامی از طرف من می‌توانست باعث تضعیف روحیه دیگران شود. حتی نتوانستم ناراحتی خودم را ابراز کنم.

فقط یادم هست که از بچه‌ها خودکار و کاغذ گرفتم و اسم و آدرسشان را نوشتم و گذاشتم توی جیب‌هایشان. گفتم: چون مهدی سر در بدن ندارد، شاید شناسایی نشود. بچه‌ها جنازه برادر و پسرعمه‌ام را بردند عقب و من سعی کردم تا آنجا که می‌شود خودم را کنترل کنم. ناراحتی دیگری در خودم احساس می‌کردم.

می‌دانستم آنها شهید شدند، ولی احساس می‌کردم یک خبر دیگری هم هست، اما نمی‌دانستم آن خبر چیست؟ همه چیز تمام شده بود. خودم هم بین بچه‌ها بودم و سعی می‌کردم ناراحتی‌ام را پنهان کنم، اما علت نگرانی دیگرم را نشناخته بودم. آمدیم عقب. آن شب خودمان را رساندیم به قایق‌ها و رسیدیم به پایگاهمان نزدیک اهواز که یک پارک جنگلی بود و ما به آن «اردوگاه کوثر» می‌گفتیم. بچه‌ها می‌آمدند و می‌دانستند که من یک جوری دارم خودم را کنترل می‌کنم. می‌آمدند و دلداری می‌دادند. صبح شد. بچه‌ها خواستند بروند اهواز. من هم همراه آنها رفتم. بچه‌ها به خانه‌هایشان زنگ می‌زدند و خبر سلامتی‌شان را می‌دادند، اما من نتوانستم تلفن بزنم. چون آن وقت سراغ برادر و پسرعمه‌ام را می‌گرفتند. تلفن نزدم. آمدیم پادگان. فرمانده گردان ما، (حاج آقا تقی‌زاده) مرا خواست. رفتم چادرش. گفت: «از آن یکی برادرت چه خبر؟ (یعنی برادر بزرگترم) گفتم: خبری ندارم. ـ چون او در گردان دیگری بود ـ گفت: «بریم سری بزنیم که چه خبره؟» رفتیم تا نزدیکی چادر برادرم. وقتی رسیدیم، من از ماشین پیاده شدم. بعد، یکی از بچه‌های گروهانشان را دیدم.

پرسیدم: از جواد رضاییان خبر ندارید؟ گفت: «مجروح شد.» گفتم: مطمئن هستید که مجروح شده؟ گفت: «خیالت راحت راحت.» او مرا می‌شناخت. برگشتم توی ماشین. برادر تقی‌زاده پرسید: چی شد؟ گفتم: این‌هم شهید شد. نمی‌دانم برای چی گفتم جواد شهید شده؛ با این‌که آن برادر رزمنده مرا مطمئن کرده بود که ایشان مجروح شده است ولی یقین پیدا کردم که شهید شده. (البته در مرحله دیگری از عملیات که خودم مجروح شدم و آوردندم تهران، به من خبر دادند که جواد توی همان روز شهید شد؛ یعنی اول مجروح شده بود. آنها در منطقه دیگری بودند؛ تقاطع جاده شلمچه ـ بصره با آن دژ اول که سه تا خاکریز نونی شکل بود و آنجا شهید شده بود.)

آماده شدیم برای مرحله دوم عملیات که شب ۲۳ دی بود. قبل از رفتن به عملیات، بچه‌ها به من گفتند: شما دیگر نیایید. ولی من با آنها رفتم و در همان عملیات مجروح شدم. در آن عملیات، خیلی از بچه‌های گردان ما شهید شدند؛ مثل برادر خوشبخت.

*** مرحله دوم عملیات**

در شب ۲۳ دی‌ماه از «کانال ماهی» عبور کردیم. حالت «پدی» در کانال ماهی بود که بچه‌ها به آن می‌گفتند «پل کانال ماهی» که به طرف غرب کانال می‌رفت. نیروها را به آن سمت کانال بردیم؛ آنجا که به «سه راه شهادت» معروف بود. چند ماشین سوخته، برانکاردهای شکسته، خودروهای زرهی که از روی پل افتاده بودند، آنجا دیده می‌شد؛ صحنه‌ای بود که ما از اول کار فهمیدیم چرا به آن محل، سه‌راه شهادت می‌گویند. پیاده شدیم.

نیروها سریع رفتند توی کانال ماهی. قرار بود از کنار جاده جاسم حرکت کنیم. جاده جاسم توی شلمچه، جاده طویلی است که از کنار نهر جاسم می‌آید و به موازات دژ غربی کانال ماهی به سمت شمال می‌رود که فاصله‌اش تا کانال ماهی تا دژ غربی کانال، چیزی نزدیک صدمتر به موازات کانال است. قرار بود از کنار جاده جاسم به جاده دشمن بزنیم. به ما گفته بودند تعدادی نیرو جلو ما هستند که قرار است خط را بشکنند. قرار شد وقتی که خط شکسته شد، عبور کنیم و با نیروهای زرهی دشمن درگیر شویم.

یک قبضه آرپی‌جی گرفته بودم که در اختیار برادر شهیدم، مهدی بود. حدود ۳۰۰ متر مانده بود به مواضع عراقی‌ها برسیم که متوجه حضور ما در منطقه شدند. از محورهای دیگر هم عملیات شد، آنگاه هجوم نیروهای دشمن آغاز شد. همین‌طوری که حرکت می‌کردیم، گلوله‌های خمپاره دشمن، کنار نیروهای ما منفجر می‌شد و تعدادی شهید یا مجروح می‌شدند.

نزدیک جایی که من حرکت می‌کردم، دسته‌ای بود که جلو ما در حرکت بود که آخرین نفرشان معاون همان دسته قرار داشت که اسمش «محمد معارف‌وند» از بچه‌های رجایی‌شهر کرج و معروف به «حاج مراد معارف‌وند» بود. دیدم یکی از نیروهایش خود را سریع به او رساند، دیگر فاصله‌ای با او نداشتم؛ شاید یک متر. من صدایش را می‌شنیدم که می‌گفت: برادر معارف‌وند، داداشت شهید شد. انتظار این بود که بپرسد کجاست یا چی شد؟ اما گفت: «عیب نداره، باشه ببینم چی می‌شه.» بعد به ادامه کار پرداخت و رفتند جلو. دقایقی بعد خودش هم به شهادت رسید. جلال شاکری هم در کنار او شهید شد.

***مرحله سوم عملیات**

بعد از چند مرحله که عملیات شد، گردان ما در مرحله دیگر عملیات شرکت کرد که مرحله سوم نام گرفت؛ در جزیره «صالحیه» معروف به «شلحه صالحیه». باید برای ورود به آن منطقه، از بوارین به ام‌طویل می‌رفتیم. ام‌طویل پلی داشت که از آنجا وارد منطقه می‌شدند. من آن مرحله نبودم، اما درگیری بسیار سختی بین بچه‌های ما (گردان علی‌اکبر(ع)) و نیروهای دشمن رخ داد که ما در آن مرحله شهیدان زیادی دادیم. من بعد از مدتی که مجروحیتم مقداری بهبود یافت، برگشتم به منطقه عملیات. اواخر بهمن ماه بود. هنوز منطقه شلمچه درگیری بود، اما نه به آن شدت روزهای اول. چند روز که ماندیم، گفتند قرار است در همان منطقه کربلای پنج، عملیات دیگری انجام شود؛ ظاهراً این مرحله تکمیلی کربلای پنج بود. ۱۳ اسفند ۶۵ بود و منطقه‌ای در غرب کانال ماهی، اما باید از ضلع دیگری وارد عملیات می‌شدیم.

از خاکریزی عبور کردیم و وارد کانالی می‌شدیم. از آن کانال باید می‌زدیم به خاکریز دشمن. از روی دژ که رد می‌شدیم، ما را زیر آتش می‌گرفتند، ولی چون شب بود، خیلی مسلط نبودند. گروهانی که پیش از ما بود، توانسته بود خط دشمن را بشکند. دسته ویژه ما آمد. گروه اول ما رفت. قرار بود گروه سوم را من ببرم. گروه اول با «خسرو چپردار» رفتند و گروه دوم با «مصطفی بابایی». درست زمانی که می‌خواستیم از خاکریز خارج شویم، گروه ما را به عنوان احتیاط نگهداشتند و نگذاشتند برویم جلو. آنها که جلو رفته بودند، درگیر و بعضی از بچه‌ها شهید شدند، از جمله خسرو چپردار. بچه‌های ما اکثراً زنده ماندند. چون هنوز وارد عملیات نشده بودیم. بچه‌ها را کشانده بودیم عقب. برگشتیم توی کانال کوچکی که از یک طرف به دژ می‌خورد و از طرف دیگرش هم نزدیک سیم خاردار دشمن بود. هوا روشن شد. ما مانده بودیم و باقی‌مانده گروه‌هایی که قبل از ما حمله کرده بودند و موفق نشده بودند. جمعاً دو تا دسته می‌شدیم. قرار بود از همان مقدار کانال دفاع کنیم. حالت دفاعی به خودمان گرفتیم. فرمانده گردان، آن کانال را که حدود ۲۰۰ متر طول داشت، سه قسمت کرد: قسمت شرقی را به ما سپرد و قسمت میانی و قسمت غربی را به دونفر دیگر. وقتی هوا روشن شد، عراقی‌ها شروع کردند به پاتک زدن. فاصله ما خیلی کم بود؛ چیزی نزدیک به ۲۰۰ متر. دژی بود معروف به «عطایی» که هر موقع دشمن پاتک می‌زد، بچه‌ها می‌آمدند روی خاکریز و شروع به دفاع می‌کردند. نزدیک‌های ظهر، من همین‌طور که به بچه‌ها سر می‌زدم، دیدم تیربارچی ما (شهید مصطفی جمشیدی) صدایم کرد. برگشتم. تیربارش را نشانم داد. متوجه شدم به اندازه بیست ـ سی تا بیشتر فشنگ نداشت. تازه متوجه شدم که مهمات ما دارد تمام می‌شود.

بعد فرمانده ما درخواست مهمات کرد. اصطلاح رمز مهمات برای آرپی‌جی، آلبالو و برای تیربار، گیلاس بود. همه خوشحال شدیم که الآن مهمات می‌رسد. گفتند یکی از بچه‌ها به طرف شما می‌آید و مهمات می‌رساند.

کسانی که مهمات می‌آوردند باید از روی دژ رد می‌شدند و بعد می‌آمدند روی کانال. دیدم یک نفر آمد روی دژ، خواست رد شود، ولی هنوز بالای دژ بود که با تیر زدندش. تیر چنان به او خورد که من صدای شکستن پایش را شنیدم. از آن بالا پرت شد پایین، ولی کیسه را محکم نگه داشته بود. خیلی خوشحال بود که توانسته بود مأموریت خود را خوب انجام بدهد. فوری رفتیم سراغش. کیسه را که باز کردیم، به‌جای گلوله خمپاره و تیربار، چند تا قوطی کمپوت آلبالو و گیلاس بود که برای ما فرستاده بودند.

سمت راست ما دژ کانال ماهی بود که نیروهای ایران از آنجا عقب‌نشینی کرده بودند؛ یعنی شمال، شرق و غرب، عقب‌نشینی کرده بودند. ما مانده بودیم وسط. اگر می‌خواستیم بمانیم، چاره‌ای جز اسیر شدن نداشتیم، ولی اگر می‌خواستیم برگردیم باید از روی آن دژ رد می‌شدیم و هیچ راه دیگری نداشتیم. روی دژ، چیزی در حدود هفت ـ هشت متر عرض یک خیابان بود و سه ـ چهار متر ارتفاع داشت. باید می‌رفتیم روی دژ و بعد می‌پریدیم پایین.

بعد سنگر به سنگر می‌پریدیم عقب. چند تا از بچه‌ها موقع عقب رفتن، شهید شدند. اولین گروهی که رد شدند، خود فرمانده گردان بود و رضا رنجبر و یکی ـ دو تای دیگر. اینها از روی دژ پریدند آن طرف تا به اصطلاح، راه را شناسایی و بچه‌ها را هدایت کنند آن طرف دژ. چون باز هم آن طرف عراقی‌ها بودند، بچه‌ها معمولاً دو ـ سه تایی می‌رفتند و از هر سه نفر، یک نفر شهید می‌شد، ولی اکثر بچه‌ها از روی دژ رد می‌شدند.

من تقریباً در میانه صف قرار گرفته بودم. با یکی از بچه‌ها از روی دژ رد شدیم. دیدم خیلی از بچه‌ها شهید شدند، ولی به حدی شدت آتش زیاد بود که نمی‌شد ایستاد. موقعی که آمدم آن‌طرف دژ، مسئول ستاد بی‌سیم را داد به من و گفت: همین‌جا بشین و بچه‌هایی که از روی دژ رد می‌شوند راهنمایی کن. من قبل از این‌که از روی دژ بپرم، تیری به دست و پایم خورده بود. مجروح شده بودم. توی سنگری حفره روباهی نشستم و بعد گروه‌های دوتایی ـ سه تایی که از دژ رد می‌شدند را راهنمایی می‌کردم تا بیایند عقب. در همین اثنا یک گروه سه‌تایی آمد. نمی‌دانم چطور شد که در یک آن، چند گلوله خمپاره، توپ و... در اطراف آنها منفجر شد. هر سه تایشان افتادند زمین. من به یکی که نزدیکترم بود گفتم کارم را انجام بدهد تا ببینم کار آن سه نفر چه شد. سینه‌خیز حرکت کردم. منطقه کاملاً تحت دید بود. اولین و دومین نفر شهید شده بودند، اما سومی که فاصله‌اش خیلی بیشتر شده بود، حرکت کوچکی کرد. روی سینه افتاده بود. بعد به پشت خوابید. صدایش را می‌شنیدم؛ صحنه‌ای بود شبیه ثانیه‌های آخر شهدا که قبلاً هم این صحنه را دیده بودم. حرکت کوتاهی کرد و گفت: «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار» و بعد شهید شد. خیلی تحت تأثیر این صحنه قرار گرفته بودم. همان‌طور سینه‌خیز آمدم سر جای خودم. بعد بچه‌های دیگر کارم را تحویل گرفتند. چون مجروح بودم. برگشتم عقب. تکه تکه، سنگر به سنگر آمدیم عقب. من نمی‌توانستم تیراندازی کنم، ولی کسی که همراه من بود پناه آتش شده بود. او تیراندازی می‌کرد. پریدم توی یک سنگر و دیدم رضا رنجبر هم توی همان سنگر حالت چمباتمه نشسته و سرش را انداخته پایین، ولی اصلاً توجهی به من نداشت.

هر چیزی گفتم، حرفی نزد. تکانی به او دادم. دیدم بازهم رضا حرکت نکرد. دقت کردم که چرا مرا نگاه نمی‌کند. وقتی تکانش دادم، دیدم از پیشانی‌اش خون می‌چکد؛ شهید شده بود.

بخش فرهنگ پایداری تبیان

آمریکا و تجربه زوال دموکراسی

٭«ویلیام کوک» اندیشمند آمریکایی و استاد دانشگاه «لاورن» کالیفرنیا می‌گوید: نگاهی به تاریخ امپراتوری‌ها رفتار آنها در طول تاریخ و مقایسه آن با آنچه اکنون آمریکا انجام می‌دهد نشانگر این واقعیت است که در اعمال بربریت و ریاکاری مدرن، آمریکا رقیبی در دنیا ندارد و امروز به شدت اسیر فساد، فریب و بی‌صداقتی است

«ویلیام کوک» استاد دانشگاه «لاورن» در کالیفرنیای جنوبی، سیاستهای آمریکا را باعث بسیاری از بحران‌های جهانی دانسته و اعلام کرد: واقعیت آمریکای امروز سرشار از فساد، فریب، دروغ و ریاکاری است.

ویلیام کوک در مقاله‌ای که پایگاه خبری – تحلیلی «به سوی آینده» مالزی آن را منتشر کرد، آورده است: ما وعظ و خطابه‌های متعددی در بیان خوبی‌ها می کنیم اما بدون ترس از هرگونه مجازاتی دروغ می گوییم و ادعا می کنیم که خداوند به ما ماموریت داده است تا آزادی را برای مردم جهان به ارمغان ببریم، اما زنان و کودکان را قتل عام می کنیم.

وی در ادامه مقاله خود می افزاید: ادعای وجود سلاح کشتار جمعی در یک کشور دیگر را مطرح می کنیم، سپس با حملات ویرانگر تمامی زیرساخت‌های یک کشور را مانند یک سلاح کشتار جمعی تخریب می کنیم و منابع آن کشور را به غارت می‌بریم، بدون اینکه احساس شرم کنیم.

در ادامه این مقاله آمده است: شاید لازم باشد رئیس جمهوری و دیگر مقامات آمریکایی بار دیگر نگاهی به تاریخ این کشور بیاندازند. از چه زمانی آمریکا تبدیل به امپراتوری دیکتاتوری شد؟ کدامیک از منافع ملت آمریکا اقتضا می کرد تا این کشور در بیش از ۱۴۰ کشور دنیا پایگاه نظامی برپا کند و هر کشوری را که بخواهد در زمینه اقتصادی با آمریکا رقابت کند، به نابودی تهدید کند.

ویلیام کوک خاطرنشان می کند: آمریکای امروز به وسیله کسانی که رأی مردم را خریده‌اند به انحراف کشیده شده است و کسانی که قدرت را در اختیار گرفته‌اند افکار خود را از طریق رسانه‌هایی که در کنترل دارند منتشر می کنند. سیاستمداران ما قوانینی وضع می کنند تا مردم آمریکا را در مسیر و جهت منافع شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه داران بزرگ هدایت کنند.

این استاد دانشگاه آمریکایی در ادامه می‌نویسد: قانون نویسان ما قوانینی وضع می کنند که رئیس جمهوری کشور را به یک دیکتاتور تبدیل کرده است. اوباما به اتکای قانون امنیت داخلی مصوب کنگره اعلام می کند که حق دارد هر شهروند آمریکایی را بدون محاکمه به قتل برساند و چنانچه تشخیص دهد که کسی تروریست است، می تواند وی را در هر نقطه از جهان به قتل برساند. مردم آمریکا بردگانی در دست سیاستمداران آمریکا هستند.

این اندیشمند آمریکایی ادامه می دهد: نگاهی به تاریخ امپراتوری‌ها و رفتارهایی که دولت‌ها در طول تاریخ داشته‌اند و مقایسه آن با آنچه اکنون آمریکا انجام می دهد، نشان می دهد که در اعمال بربریت مدرن و ریاکاری، آمریکا هیچ رقیبی در دنیا ندارد. آمریکای امروز به شدت اسیر فساد، فریب، بی صداقتی و ریاکاری است.

وی می‌نویسد: وحشی گری ما هیچ حد و مرزی ندارد. ما شهرهای ژاپن را بمباران هسته‌ای می کنیم، ویتنام را با جنگی خونین و بی فایده به ویرانه‌ای تبدیل می کنیم، عراق را تحریم و به آن حمله می کنیم، حمایت بی قید و شرط نظامی از رژیم اسرائیل می کنیم تا اسرائیل را در برابر انسان‌های بی دفاع حمایت کنیم، از هواپیماهای جاسوسی خود بر فراز افغانستان و پاکستان بهره می‌بریم، بر سر مردم بی گناه در افغانستان و پاکستان بمب می‌ریزیم و همچنان برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی خود هزینه می کنیم.

وی تاکید می کند: شمار کسانی که بر اثر این رفتار ما آمریکایی ها جان خود را از دست داده‌اند به میلیون‌ها نفر می‌رسد. تمامی این اقدامات ما باعث اصلی گسترش خشونت و نا امنی در جهان بوده است. خشونت، خشونت می‌آفریند. تروریسم، تروریسم، می‌آفریند و تنفر، تنفر به وجود می‌آورد و تمامی این‌ها را ما در جهان کنونی بوجود آورده ایم.

کارنامه ضد بشری

«جان پیلگر» روزنامه نگار و تحلیلگر استرالیایی مسائل سیاسی آمریکا نیز با تاکید بر اینکه راه‌اندازی جنگ جهانی برای دموکراسی از سوی آمریکا، فقط یک ادعای دروغ است، اعلام کرد: دولت آمریکا کارنامه‌ای مملو از اعمال ضدبشری دارد.

این روزنامه نگار استرالیایی در مقاله‌ای آورده است: آمریکا به بهانه دموکراسی به دنبال راه انداختن جنگ جهانی جدیدی برای گسترش سلطه بر جهان است.

وی در ادامه می‌نویسد: از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون آمریکا برای سرنگونی ۵۰ دولت که بیشتر آنان نیز از طریق دموکراتیک انتخاب شده بودند، اقدام کرده است. جنبش‌های ملی را در ۲۰ کشور سرکوب کرده است. در انتخابات دموکراتیک ۳۰ کشور مداخله مستقیم کرده، بر سر مردم بیش از ۳۰ کشور بمب ریخته و برای ترور رهبران بیش از ۵۰ کشور برنامه ریزی کرده است.

این تحلیلگر استرالیایی می‌افزاید: در مجموع، آمریکا این اقدامات را در ۶۹ کشور دنیا انجام داده و در بیشتر این موارد نیز انگلیس همراه آمریکا بوده است. فقط نام دشمن در این عملیات‌ها فرق کرده است. زمانی دشمن را به نام کمونیست خطاب می کردند اکنون نیز اسلام را دشمن و تهدید خود معرفی می کنند. اما در واقع این‌ها همه تلاشی برای تسخیر مناطق استراتژیک جهان به بهانه دموکراسی بوده است.

در ادامه این مقاله آمده است: علی رغم گسترش رسانه‌های بین المللی و پدیده‌ای به نام آزادی اطلاع رسانی، فقط شمار بسیار اندکی از مردم غرب از این میزان از مصائب و جرائم دولت‌های غربی بر ضد دیگر ملت‌ها مطلع هستند.

اینکه بیشترین قربانیان تروریسم غربی مسلمانان هستند در جایی گفته نمی‌شود. اینکه بیش از نیم میلیون کودک عراقی تحت محاصره اقتصادی و تحریم اعمال شده از سوی آمریکا و انگلیس در دهه ۱۹۹۰ میلادی جان خود را از دست دادند، اصلا مورد علاقه رسانه‌های غربی نیست. اینکه گروه افراطی را که عامل بروز حادثه ۱۱ سپتامبر بود، خود آمریکایی‌ها خلق کردند، تمامی متخصصان می‌دانند اما این موضوع بی اهمیت جلوه داده می‌شود.

جان پیلگر در مقاله خود نوشته است: در حالی که فرهنگ عمومی در آمریکا و انگلیس در حمام اخلاقی فاتحان جنگ جهانی دوم غرق شده است، هولوکاست فزاینده انگلو – آمریکایی برای سلطه بر منابع غنی دیگر کشورها کاملاً به فراموشی سپرده شده است.

در ادامه این مقاله آمده است: دوران اوباما هم تفاوت چندانی با گذشته آمریکا ندارد. دستور برای حمله به پاکستان به وسیله اوباما صادر شد. علی رغم ادعاهای اولیه وی، همچنان مناصب مهمی را در دولت خود در اختیار جنگ طلبان گذاشته است. در سیاست خارجی اوباما که با شعار تغییر بر سر کار آمد، دشمنان جدیدی تعریف می‌شوند. اکنون اقدامات تحریک‌آمیز علیه چین صورت می گیرد و منازعه آمریکا با غرب آسیا را به شرق این قاره می کشاند. در دوران اوباما، ترس از شوروی سابق بار دیگر احیا شده است و با زنده شدن موضوع گسترش پایگاه‌های سپر موشکی در اطراف روسیه، شاهد واکنش تند روسیه هستیم.

وی می افزاید: ارتش و سازمان جاسوسی «سیا» در ۱۲۰ کشور دنیا در حال فعالیت هستند و اقدامات علیه سوریه و ایران، ندایی برای آغاز یک ماجراجویی جهانی جدید است. اسرائیل سالانه ۳ میلیارد دلار اعانه از دولت اوباما دریافت می کند و اجازه گسترش شهرک‌ها را دریافت کرده است.

با نگاهی به سیاست داخلی و خارجی دولت آمریکا حتی اگر نتوانیم آن را هنوز یک دولت فاشیستی بنامیم اما بدون شک نمی توان آمریکا را یک دولت دموکراتیک دانست.

نقض حقوق شهروندی

از دیگر سو به نوشته «واشنگتن پست»، آمریکا که بطور منظم همه ساله در گزارشی، کشورهای دیگر را متهم به نقض حقوق بنیادین و آزادی‌های فردی می‌کند، خود به ویژه از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد، به بهانه ساختن جامعه‌ای امنیتی، به نقض‌کننده بزرگ حقوق شهروندی تبدیل شده است.

در بخش‌هایی از این مقاله آمده است: «همه ساله وزارت خارجه آمریکا گزارش‌هایی ازنقض حقوق و آزادی‌های فردی در کشورهای مختلف جهان منتشر و قوانین و ضوابط محدودکننده این حقوق در سراسر جهان را رصد می کند.

آمریکا که خود را «سرزمینی آزاد» خطاب می کند، قوانین و قراردادهایی در آن جاری است که تمامی این ذهنیت غلط را باطل می کند.

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به بهانه ساختن جامعه‌ای امنیتی، تمامی آزادی‌های مدنی در آمریکا محدود شد.

آخرین مصداق این مدعا، امضای پیمان «اختیار دفاع ملی» است که اوباما آن را در ۳۱ دسامبر (۱۰ دی) به امضا رساند. این قانون به دولت آمریکا اجازه می دهد شهروندان را به طور نامحدود در بازداشت نگاه دارد. این قوانین و قراردادها از دولت آمریکا، قدرتی خودکامه و مستبد ساخته است.

اوباما هم مانند مقام سلف خود جورج بوش، فرمان کشتن شهروندانی که تروریست هستند یا عامل اقدامات تروریستی شناخته می‌شوند را صادر می کند. طبق قانونی که اوباما آن را به امضا رساند، مظنونان به تروریزم در اختیار دستگاه نظامی قرار می گیرند. رئیس جمهوری هم این اختیار را دارد که به صلاحدید خود، شهروندان مظنون به تروریزم را به‌طور نامحدد در بازداشت نگاه دارد.

اوباما مشغول سنجش است تا تصمیم گیری کند که آیا مظنونان به تروریزم در دادگاه‌های فدرال محاکمه شوند یا در دادگاه‌های نظامی.

دولت اوباما تصمیم دارد که دستور نظارت بدون اطلاع و آگاهی بر اطلاعات مالی، ارتباطاتی و شراکتی شهروندان را هم صادر کند.

بوش در سال ۲۰۰۱ این اختیار را تحت قانونی به نام «پیمان میهنی» از آن دولت کرد و اوباما هم در سال ۲۰۱۱ با گسترش دادن آن، جستجو از اطلاعات تجاری شهروندان یا حتی حضور آنان در کتابخانه‌ها را هم ضمیمه این اطلاعات محرمانه کرد.

انواع روش‌های شکنجه مظنونان به تروریزم از جمله روش شبیه سازی خفگی در آب یا «تخته آب» در آمریکا رایج است که از زمان بوش به اجرا درآمد و صدای اعتراض جهان را برانگیخت، اما دولت اوباما محاکمه ماموران «سیا» که این روش‌های شکنجه را علیه زندانیان مظنون به تروریزم به کار بسته بودند ممنوع اعلام کرد.

کشورهایی مانند اسپانیا تصمیم به محاکمه مسئولان دولت بوش به عنوان جنایتکار جنگی داشتند که دولت اوباما مانع از آن شد.

دولت آمریکا از طریق دادگاهی سری، بر کار سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای خارجی نظارتی گسترده دارد و احکامی سری علیه افرادی که متهم به کمک به کشورها یا سازمان‌های دشمن آمریکا هستند صادر می کند. در سال ۲۰۱۱، اوباما این حوزه اقتدار دولت را گسترش داد و تعقیب سری افرادی را که عضو گروه تروریستی قابل شناسایی نیستند، صادر کرد.

یکی از کشورهایی که زیر نظارت امنیت ملی آمریکا قرار دارد، پاکستان است.

دولت اوباما هم مانند دولت بوش موفق شد مصونیت قضایی سازمان‌هایی که حریم خصوصی شهروندان را نقض می‌کنند، بدست آورد.

دولت اوباما همچنین بدون مجوز قضایی، با استفاده از ابزارهای غیردموکراتیک هر حرکت شهروندان را به دقت زیر نظر دارد.

دولت آمریکا شهروندان و غیر شهروندان مظنون به تروریزم را به کشوری ثالث منتقل می کند تا در بازداشتگاه‌هایی سری در آن کشورها این زندانیان را تحت شکنجه قرار دهد. دولت اوباما این رویه را ملغی اعلام کرده است، اما حق انتقال مظنونان به کشوری ثالث را برای خود محفوظ می‌شمرد.

حکومت آمریکا از ۱۱ سپتامبر به بعد، تبدیل به دولتی فراگیر و خارج از کنترل شده است.

مدافعان حقوق مدنی، امضای قانون بازداشت نامحدود مظنونان به تروریزم را یکی از خیانت‌های اوباما می‌دانند. اوباما وعده داده بود این قانون را وتو کند.

«واشنگتن پست» می نویسد «نادرستی عملکرد سیاستمداران آمریکایی پدیده تازه‌ای نیست، ضمن آنکه تعریف آمریکا به عنوان «سرزمینی آزاد» هم دروغی بیش نیست.»

زوال آمریکا

در چنین شرایطی، نشریه «فارین پالیسی» با بررسی روند زوال قدرت واشنگتن برای سلطه گری نظامی و سیاسی در جهان، نوشت: تحولات در کشورهای مختلف بویژه خاورمیانه و آسیای میانه در کنار شرایط اقتصادی آمریکا، سبب شده توان واشنگتن برای مداخله گری خارجی کاهش یابد.

«استفن.ام. والت» نویسنده این نشریه آمریکایی در مقاله خود افزوده است: اکنون دیگر مسأله این نیست که آیا آمریکا در حال سقوط از گروه ابرقدرت‌ها است یا نه؛ آمریکا حتی باید شاهد روند برابری چین با خود و بیشتر از آن، پیشی گرفتن قدرت پکن از واشنگتن باشد.

در ادامه این مقاله آمده است: پرسش اصلی این است که آیا تحولات داخلی و خارجی، نفوذ سلطه طلبانه آمریکا را که بیشتر در نیمه دوم قرن بیستم اعمال می‌شد، دشوارتر می کند؟

والت درباره آغاز روند زوال قدرت واشنگتن در جهان، نوشت: آمریکا در سال‌های دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، تولید ناخالص داخلی بیشتری داشت و بدون اینکه کسری بودجه‌های هنگفتی داشته باشد، خود را به عنوان مدافع قابل اتکای حقوق بشر نیز معرفی می‌کرد.

آمریکا در آن دوران با اعلام حمایت از استعمارزدایی پس از جنگ دوم جهانی، دوستی زیاد کشورهای در حال رشد را جلب کرد و همزمان باتوجه مبارزه ضد کمونیستی، روابط گسترده‌ای با شماری از حکومت‌های پادشاهی و دیکتاتوری برقرار کرد.

فارین پالیسی افزود: آن وضعیت به آمریکا اجازه داد جز حوزه نفوذ کمونیسم، اهداف خود را برای ایجاد و رهبری نظام‌های ترکیبی اقتصادی، امنیتی و سیاسی در هر گوشه از جهان عملی کند که در نهایت با همپیمانانش پیروز شد، اتحاد جماهیر شوروی را به سوی فرسودگی راند و شاهد برتری اقتصادهای بازار و اشکال مشارکتی تر دولت در کشورهای کمونیستی سابق شد.

اما اکنون آمریکا هر چند هنوز هم خود را بسیار قدرتمند می داند، ولی با توجه به شکست‌هایش در عراق و در نهایت افغانستان، فشار بدهی‌های انباشته شده دهه گذشته، ادامه بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و ظهور بازیگران نیرومندتر و مستقل در برزیل، ترکیه، هند و کشورهای دیگر، واشنگتن شاهد کاهش توانایی خود در راهبری نظام‌های امنیتی و اقتصادی در هر گوشه از جهان است.

افزون بر این، پنج دهه اجرای سیاست‌ها و خط مشی‌های نادرست به شدت وجهه آمریکا در بسیاری از بخش‌های جهان بویژه خاورمیانه و آسیای میانه را تیره و تار کرده است.

فارین پالیسی در پایان نوشت: فرسایش تدریجی حکومت‌های استبدادی در جهان عرب، دولت‌های جدید را به توجه بیشتر به احساسات مردم وادار خواهد کرد که عموما با نفوذ گسترده سیاست کاخ سفید در منطقه، مخالف هستند و آمریکا از این پس، کمتر می تواند به روابط نزدیک خود با حکومت‌های گوش به فرمان پادشاهی و دیکتاتورهای نظامی، اتکا کند.





قبرس پس از مرگ «دنکتاش»

«رئوف دنکتاش» رئیس جمهوری پیشین بخش ترک‌نشین قبرس در سن ۸۸ سالگی درگذشت، در شرایطی که آینده این بخش هنوز چندان روشن نیست.

به عقیده کارشناسان، با درگذشت «رئوف دنکتاش» صفحه‌ای مهم از تاریخ ترکیه و بخش ترک‌نشین قبرس بسته شد، چرا که او بود که استقلال این بخش را از قبرس در سال ۱۹۸۳ به طور رسمی اعلام کرد، هر چند تاکنون به جز ترکیه هیچ کشوری استقلال آن را به رسمیت نشناخته است.

دنکتاش در حالی چشم از جهان فروبست که به گفته دخترش، آخرین کلمات وی نیز در مورد وضعیت ترک‌تبارهای قبرس و نگرانی از آینده آنان بود؛ آینده‌ای که همچنان در پرده ابهام قرار دارد.

نام دنکتاش، مترادف با بخش ترک‌نشین قبرس، مذاکرات پایان‌ناپذیر با بخش یونانی‌نشین و تلاش‌های وی برای استقلال و تحقق حقوق ترک‌تبارهای جزیره قبرس به عنوان یک طرف مساوی از نظر حقوق با بخش یونانی‌نشین است.

وی که یک حقوقدان برجسته و یک مذاکره کننده خستگی‌ناپذیر بود، در دورانی که قبرس تحت استعمار انگلیس قرار داشت، در آن کشور به تحصیل حقوق پرداخت و حتی مدتی نیز به عنوان دادستان در دوران استعمار پیر در قبرس فعالیت کرد.

پیش از استقلال جزیره قبرس در سال ۱۹۶۰ و متعاقب آن، تشکیل گروه‌های ملی گرای چریکی از سوی برخی از یونانی تبارهای جزیره برای بیرون راندن ترک‌تبارها از این جزیره، وی به همراه دکتر «کوچک» فعالیت‌های سیاسی خود را برای احقاق حقوق از دست رفته ترک‌تبارهای مسلمان جزیره آغاز کرد.

در آغاز فعالیت‌های دنکتاش، حضور وی از سوی دولت آنکارا جدی گرفته نشد، ولی دنکتاش با فعالیت‌های خستگی ناپذیر خود موفق به جلب رضایت دولت آنکارا در دهه ۱۹۵۰ برای حمایت از ترک‌تبارهای قبرس شد.

بعد از استقلال قبرس و شناسایی ترکیه به عنوان یکی از سه کشور دارای حق ضمانت و با درگذشت دکتر «کوچک» دنکتاش رهبری بلامنازع ترک‌تبارهای قبرس را به دست گرفت.

در پی تشدید حملات یونانی تبارهای قبرس به مسلمانان ترک‌تبار جزیره و مداخله نظامی ترکیه به استناد حق ضمانت آن کشور برای حمایت از ترک‌تبارهای جزیره، رئوف دنکتاش به عنوان مخاطب جامعه جهانی در مساله قبرس مطرح شد. مذاکرات بی پایان تحت رهبری دنکتاش با سازمان ملل، بخش یونانی‌نشین و برخی کشورها همانند انگلستان و آمریکا از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد.

مذاکرات بخش ترک‌نشین قبرس تحت رهبری دنکتاش با سازمان ملل از دوران دبیرکلی «کورت والدهایم» آغاز شد.

دنکتاش با همیاری ترکیه در سال ۱۹۸۳ بخش ترک‌نشین قبرس را جمهوری ترک قبرس شمالی اعلام کرد و به عنوان اولین رئیس جمهوری این بخش که به جز ترکیه از سوی هیچ کشور دیگری به رسمیت شناخته نشد، انتخاب شد.

دنکتاش ارتباط بسیار نزدیکی با ترک‌تبارهای قبرس داشت و حتی گفته می‌شد که وی تمامی اتباع ترک‌تبار جزیره را به نام می‌شناسد.

پس از روی کار آمدن حزب «عدالت و توسعه» در ترکیه در سال ۲۰۰۲ میلادی و بعد از طرح صلح «کوفی عنان»، دنکتاش به دلیل مخالفت با این طرح با دولت رجب طیب اردوغان اختلاف نظر پیدا کرد و متعاقب همه پرسی در مورد این طرح، وی اعلام کرد که در انتخابات ریاست جمهوری بخش ترک‌نشین قبرس شرکت نخواهد کرد.

به رغم تلاش‌های ترکیه برای حل مساله قبرس در چارچوب طرح صلح عنان، این طرح از سوی یونانی تبارهای جزیره رد شد و دنکتاش نیز اعلام کرد که وی این نکته را که یونانی تبارهای جزیره خواهان حل مساله قبرس نیستند، اعلام کرده و به آن واقف بود.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و تلاش‌های این حزب و دولت اردوغان برای حل مسأله قبرس که از نظر آنان این موضوع مانعی بر سر توسعه روابط ترکیه و اتحادیه اروپا بود، انتقاد از دنکتاش نیز افزایش یافت.

بعد از پایان دوران ریاست جمهوری دنکتاش در سال ۲۰۰۵ وی در راستای دیدگاه خود در زمینه مسأله قبرس، اقدام به برگزاری کنفرانس‌هایی در ترکیه و اعلام مخالفت علنی با سیاست‌های دولت اردوغان کرد.

به رغم کناره‌گیری دنکتاش از صحنه فعال سیاسی بخش ترک‌نشین و سیاست‌های همسوی آنکارا با «محمدعلی طلعت» رئیس جمهوری سابق بخش ترک‌نشین، مسأله قبرس هنوز حل نشده است.

به عقیده برخی کارشناسان، دنکتاش در حالی چشم از جهان فرو بست که موافقین دیدگاه‌های وی در زمینه لزوم کسب استقلال کامل بخش ترک‌نشین قبرس از بخش یونانی، افزایش می‌یابد و حتی مقامات دولت اردوغان که بعد از روی کار آمدن، مواضعی مخالف دیدگاه‌های دنکتاش داشتند، در حال حاضر به مواضع وی در زمینه‌های مختلف نزدیک‌تر شده‌اند.

تاریخ در مورد دنکتاش قضاوت نهایی را انجام خواهد داد، ولی مطمئناً تاریخ، این نکته را که وی تمامی زندگی خود را در راه اعتقاداتش و ترک‌تبارهای قبرس صرف کرد، از نظر دور نخواهد داشت.

اخبار کوتاه از ایران

پیکر مطهر یک شهید در جوین تشییع شد

مشهد - پیکر مطهر سروان پاسدار شهید ابوالقاسم شمسی‌نیا دیروز در شهرستان جوین خراسان رضوی تشییع شد.

به گزارش اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی، شهید ابوالقاسم شمسی‌نیا ۹ بهمن در عملیات پاکسازی منطقه مین گذاری شده در نفت‌شهر سومار بر اثر انفجار مین به شهادت رسید.

پیکر این شهید از مقابل دادگستری جوین بر دوش مردم تشییع و در جوار شهدای شهر نقاب محله شمس آباد این شهرستان به خاک سپرده شد.

این شهید والامقام که در سال ۱۳۵۰ در محله شمس آباد جوین دیده به جهان گشود در جبهه‌های حق علیه باطل به درجه جانبازی نائل آمده بود.

تأسیس واحدهای تندرستی و ارتقای سلامت در مراکز زیرپوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از تأسیس واحدهای «تندرستی» و «ارتقای سلامت» در مراکز بهداشتی و درمانی تحت پوشش این دانشگاه خبر داد.

دکتر حسن ابوالقاسمی در گفت‌وگو با ایسنا درباره آخرین وضع مربوط به تأسیس شهرک‌های سلامت در مناطق زیر پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، اعلام کرد: بنا بود فضای بزرگی در شرق تهران به منظور تأسیس شهرک سلامت به دانشگاه تحویل شود که منتظر تصمیم گیری و اعلام استانداری تهران در این باره هستیم.

وی با بیان این‌که اکنون در واحدهای موجود در دانشگاه، موضوع ایجاد واحدهای تندرستی و واحدهای ارتقای سلامت مدنظر است، اظهار داشت: واحدهای تندرستی و ارتقای سلامت هم در بخش بهداشت و هم در بخش درمان ایجاد می‌شوند.

پلیس فتا، حفاظت در فضای سایبری را به عهده دارد

سرویس خبر - شناسایی، کنترل، رصد و پیشگیری از جرایم حوزه مجازی یا همان فضای سایبری از جمله وظایف پلیس فتا است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس، سردار حسین ساجدی‌نیا در مراسم افتتاح ساختمان پلیس فتای تهران بزرگ، ضمن تشریح اقدامات پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات، افزود: این پلیس با هدف پیشگیری و مبارزه با جرائم در فضای مجازی و سایبری به منظور تامین امنیت و حفظ حریم خصوصی شهروندان و آزادی‌های مشروع مردم راه‌اندازی شده است.

به گفته رئیس پلیس تهران حفاظت از اموال و اسرار در محیط فضای تولید و تبادل اطلاعات برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در پایتخت به گونه‌ای که این محیط بستری برای بروز فعالیت‌های غیرقانونی نشود، از دیگر ماموریت‌های پلیس فتا است.

وی درباره توسعه زیرساخت‌های فناوری و گسترش فضای سایبری با توجه به تهدیدات موجود در عرصه اینترنت، تلفن‌های همراه و سیستم بانکداری نوین و دولت الکترونیک اظهار داشت: پلیس فتا در سال ۸۹ در شهر تهران تشکیل شد و از امسال به صورت عملیاتی کار خود را آغاز کرد.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ تاکید کرد: صیانت از هویت ملی و ارزش‌های اسلامی، حفظ حریم خصوصی افراد و صیانت از اموال و منافع افراد در فضای سایبری نتایج عملکرد این پلیس است.

در مراسم افتتاح پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فرماندهی انتظامی تهران بزرگ که بدون حضور خبرنگاران برگزار شد، علاوه بر سردار محمد باقری معاون هماهنگ کننده و رئیس هیأت نظارت بازرسان ستاد کل نیروهای مسلح، سردار احمد رادان جانشین رئیس پلیس کشور و چند تن از بازرسان ستاد کل نیز حضور داشتند.

محصولات ۰۰۷ مرگ آور است

اهواز - معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت: محصولات ۰۰۷ که به تازگی به صورت قاچاق وارد بازار استان خوزستان شده است مورد تائید وزارت بهداشت نیست و سلامتی مصرف کننده را با خطر جدی مواجه می‌کند.

به گزارش ایرنا، دکتر بهزاد شریف مخمل‌زاده اظهار داشت: به تازگی محموله بزرگی از محصولات ۰۰۷ توسط ماموران انتظامی اهواز کشف شد که کارشناسان معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی اهواز با بررسی این محموله دریافتند که این محصولات با پروانه جعلی ۳۲۴۷۹/۱۷ وارد استان شده است که بلافاصله از توزیع و پخش آن جلوگیری به عمل آمد.

وی با بیان این که محصولات ۰۰۷ که با عنوان داروی افزایش اشتها، درمان چاقی، لاغری، ترک اعتیاد، بدن‌سازی، چربی‌سوز و درمان بیماری‌های پوست به صورت بسته بندی حرفه‌ای توسط افراد سودجو به شهروندان ارائه می‌شود خاطر نشان کرد: اینگونه داروها خارج از شبکه تولید داخل کشور بدون نظارت متخصصان داروساز وزارت بهداشت و در شرایط نگهداری حمل و نقل نامناسب تولید می‌شوند.

دکتر مخمل‌زاده تاکید کرد: این دارو به شدت سلامتی مصرف کننده را به خطر می‌اندازد و سبب مرگ تدریجی مصرف کننده می‌شود.

فاینانس ۵۳۰ میلیون دلاری خط ۴ مترو تهران بزودی محقق می‌شود

معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور از نهایی شدن فاینانس ۵۳۰ میلیون دلاری خط چهار متروی تهران در هفته گذشته و پی گیری‌ها برای پرداخت اعتبارات صندوق توسعه ملی به طرح قطارهای شهری خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مهندس حمیدرضا ارشاد منش در حاشیه مراسم اختتامیه پنجمین جشنواره برترین‌های پژوهش و آموزش در حوزه مدیریت شهری و روستایی در وزارت کشور در جمع خبرنگاران درباره اهمیت پژوهش و آموزش در حوزه‌های مدیریت شهری و روستایی گفت: داشتن شهرها و روستاهایی امن، زیبا و سبز برای شهروندان و آسایش و رفاه آنها از جمله اهداف مهم مدیریت شهری و روستایی و شهرداری‌ها و دهیاری‌هاست که انجام پژوهش‌های کاربردی و منطبق بر اصول علمی و ارائه آموزش‌های کاربردی از الزامات این حوزه است و پنجمین جشنواره برترین‌های پژوهش و آموزش در حوزه مدیریت شهری و روستایی برای تقدیر از فعالان این عرصه‌ها و ارائه الگوهای برتر برگزار شد. معاون عمرانی وزیر کشور درباره اختصاص بودجه دو میلیارد دلاری از صندوق توسعه ملی برای توسعه حمل و نقل عمومی و متروی کلانشهرها، گفت: ظرفیت مناسبی بر اساس مصوبه‌های قانونی برای استفاده شهرداری‌ها از اعتبارات صندوق توسعه ملی و سایر منابع فراهم شده و در سال جاری همت خوبی از سوی صندوق توسعه ملی و بانک‌ها برای بهره گیری از اعتبارات این صندوق صورت گرفته است. وی افزود: خوشبختانه اقدامات اولیه و رایزنی‌های لازم با بانک‌های عامل برای عقد قرارداد در مرحله نهایی قرار دارد و امیدواریم به زودی زمینه برخورداری مترو از اعتبارات صندوق توسعه ملی فراهم و هرچه زودتر مراحل پرداخت آن به شهرداری‌ها انجام شود.

رئیس سازمان شهرداری و دهیاری‌های کشور درباره استفاده از سایر منابع برای توسعه حمل ونقل عمومی و کمک به شهرداری‌ها در این زمینه نیز گفت: در بخش سایر منابع نیز با برنامه‌ریزی‌ها و پیگیری‌های صورت گرفته فرصت مناسبی برای استفاده از منابع و تسهیلات خارجی و فاینانس چین برای قطارهای شهری تا مبلغ چهار تا پنج میلیارد دلار فراهم شده است.

وی در مورد یارانه بلیت حمل ونقل عمومی شهری نیز گفت: ۴۰۰ میلیارد تومان برای یارانه بلیت اتوبوس و مترو در سال جاری مصوب شده است که بخش نخست آن پرداخت شده است و اکنون برای بخش دوم پرداخت یارانه بلیت مترو و اتوبوس ابلاغیه‌ای برای تخصیص اعتبار به خزانه ارسال شده است و امیدواریم به زودی شاهد پرداخت یارانه بلیت مترو و اتوبوس باشیم.

اعدام یک تبهکار در کرج

سرویس حوادث: عامل شهادت یک مامور انتظامی که کلکسیونی از جرایم خشن از جمله تهدید به قتل، آدم‌ربایی، سرقت، جعل عنوان مأمور موادمخدر، ایراد ضرب و جرح عمدی و چندین فقره کلاهبرداری را در پرونده خود داشت، در محوطه پلیس آگاهی استان البرز اعدام شد.

زنی اوایل خرداد سال ۸۸ با مراجعه به پلیس آگاهی استان تهران به کارآگاهان گفت: در منطقه گلشهر منتظر تاکسی بودم که به دلیل تاریکی هوا سوار بر یک دستگاه خودرو شخصی شدم، اما در میانه‌راه، راننده با تغییر مسیر با تهدید چاقو مرا به بیابان‌های اطراف شهرستان ساوجبلاغ برد و مورد آزار و اذیت قرارداد. با آغاز پیگیری پلیس شکایت‌های مشابهی از کرج و قزوین نیز گزارش شد و ماموران با بررسی سوابق افرادی که با این شیوه اقدام به ربودن و آزار و اذیت زنان و دختران جوان می‌کردند، به فردی معروف به «سیامک» که پیش از این نیز هفت بار به اتهام جرایم مختلف از جمله کیف‌قاپی، قدرت‌نمایی، آدم‌ربایی مسلحانه، مظنونیت به قتل عمد، مزاحمت، ایجاد ضرب و شتم و سرقت در کرج و قزوین دستگیر و زندانی شده بود، ظنین شدند.

با کشف ردپای سیامک، ماموران او را در منطقه مارلیک و در حالی که سوار بر یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ بود، شناسایی کردند و او هنگامی که خود را در محاصره ماموران دید با سرعت زیاد یک مامور پلیس را زیر گرفت و گریخت. مامور مجروح به نام گروهبان «قربانعلی نظری» پیش از رسیدن به بیمارستان بر اثر شدت جراحات وارده ناشی از تصادف، در گذشت.

با ادامه ردیابی‌ها در سوم آذر سال ۸۸ مخفیگاه سیامک در مهرشهر کرج شناسایی شد و او با اطلاع از حضور ماموران از راه پشت بام وارد خانه همسایه کناری شد و اعضای خانواده را گروگان گرفت و تهدید کرد چنانچه اجازه فرار به او داده نشود، گروگان‌ها را خواهد کشت، اما در این اقدام نیز ناکام ماند و با تیراندازی پلیس به دام افتاد.

با گذشت یک سال و پنج ماه از دستگیری این متهم، در اواخر اسفند پارسال کیفرخواست «سیامک مافی» مبنی بر تقاضای مجازات قانونی صادر شد و او در هیأت قضایی شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز به اتفاق آرا به یک بار اعدام، یک بار قصاص، ۲۲ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق، بازگرداندن اموال مسروقه محکوم شد که با تائید حکم در دیوان عالی کشور، این محکوم به مرگ مجازات شد.

گواهینامه‌های رانندگی تغییر می‌کند



سرویس خبر: رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی از کاهش شمار قربانیان تصادفات رانندگی در سطح جاده‌های کشور خبر داد و بر انجام بررسی درباره علل افزایش شدت تصادفات تاکید کرد.

سردار اسکندر مؤمنی در نشست خبری با خبرنگاران در مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهنمایی و رانندگی ضمن تشریح نتایج مثبت اجرای قانون جدید راهنمایی و رانندگی، از تغییر در صدور انواع گواهینامه رانندگی خبر داد. وی گفت: اجرای قانون جدید راهنمایی و رانندگی کاهش ۲۷۳۹ نفری (۱۴/۳ درصدی) شمار قربانیان تصادفات رانندگی در کشور را به همراه داشته است.

رئیس پلیس راهور یادآور شد: کاهش ۲۰/۱ درصدی تصادفات که شامل ۸۵ هزار فقره تصادف می‌شود از جمله دستاوردهای دیگر اجرای قانون جدید به حساب می‌آید که این نشان از موفقیت قانون جدید در کنترل جاده‌ها دارد.

وی با اشاره به آمار تخلفات رانندگی صورت گرفته در دی امسال، تاکید کرد: به رغم افزایش مبلغ جریمه‌ها در قانون جدید، شاهد کاهش ۸ درصدی واریز مبلغ جرایم به خزانه دولت هستیم که این موضوع از تحقق شعار «جریمه هدف نیست» حکایت دارد.

سردار مؤمنی گفت: خوشبختانه تخلفات حادثه‌ساز کاهش یافته است و ما در بخش تخلفاتی همچون دنده عقب در بزرگراه با ۸ درصد، انجام حرکت‌های مارپیچ ۱۹ درصد، سبقت غیرمجاز ۱۵ درصد و عبور از چراغ قرمز با ۲۰ درصد کاهش رو به رو بوده‌ایم که امیدواریم با مجموعه فعالیت‌ها و فرهنگ‌سازی صورت گرفته شاهد کمترین میزان جرایم در کشور باشیم.

رئیس پلیس راهور در ادامه با بیان این که اجرای قانون جدید راهنمایی و رانندگی کمک شایانی به اقتصاد کشور کرده است، افزود: با توجه به تحقیقات و مطالعات صورت گرفته کاهش تصادفات و کشته‌های جاده‌ای ۱۰ هزار میلیارد تومان از تحصیل خسارت مالی به اقتصاد کشور و مردم کاسته به‌طوری که سرانه هر ایرانی از هزینه کاهش تصادفات و کشته و مجروحان جاده‌ای به ۱۲۰ هزار تومان رسیده است.

وی تاکید کرد: هر چند ما شاهد کاهش تصادفات در سطح جاده‌های کشور بوده‌ایم اما متاسفانه شدت تصادفات افزایش یافته است به نحوی که بر اساس آمار پارسال به ازای هر ۱۰۰ فقره تصادف، ۴۳ نفر کشته و مجروح می‌شدند در حالی که این آمار در سال جاری به ۵۲ نفر افزایش یافته است که باید دلایل این موضوع بررسی شود که البته به پایین بودن ایمنی خودروها به عنوان یکی از این عوامل می توان اشاره کرد.

رئیس پلیس راهور در ادامه این نشست، با اشاره به راه‌اندازی مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهنمایی و رانندگی کشور، اظهار داشت: این مرکز بزرگترین مرکز کنترل ترافیک در خاورمیانه به حساب می‌آید و این فضا بستری مناسب برای توسعه آینده است چرا که ما دیگر به صورت سنتی نمی توانیم اقدام به کنترل ترافیک کنیم.

سردار مؤمنی گفت: پارسال در کشور ۱۳ میلیون دستگاه خودرو وجود داشت اما در شرایط حاضر این رقم به بیش از ۱۴ میلیون رسیده است که پیش‌بینی می‌شود تا پایان این دهه تعداد خودروهای کشور به بیش از ۳۰ میلیون افزایش یابد.

وی یادآور شد: استفاده از آخرین فن آوری‌ها و حرکت به سمت هوشمندسازی پلیس در دستور کار قرار دارد تا ما بتوانیم به صورت ۲۴ ساعته راه‌ها را کنترل و نظارت همه جانبه پلیس را محقق کنیم و البته ترافیک پدیده چند محوری است که در آن همه نهادها و مردم باید به صحنه بیایند.

تغییر گواهینامه‌ها

سردار مؤمنی گفت: با آغاز دهه فجر زمینه‌سازی تغییر گواهینامه‌ها را در دستور کار قرار می‌دهیم تا صدور گواهینامه‌ها از شش نوع به سه نوع کاهش یابد و ما در طرح جدید، گواهینامه‌های پایه ۳، ۲ و ۱ را که مربوط به خودروهای سبک، نیمه‌سنگین و سنگین است صادر خواهیم کرد.

وی گفت: توجه به کیفیت آموزش و دقت در موارد عملی و نظری مورد توجه است تا داوطلب با آمادگی ذهنی کامل و با مسئولیت‌پذیری اقدام به دریافت گواهینامه کند.

کنترل ناوگان حمل و نقل عمومی

رئیس پلیس راهور با اشاره به ضرورت کنترل ناوگان حمل و نقل عمومی اظهار داشت: در ماه‌های آذر و دی بر اثر تصادفات صورت گرفته در شبکه حمل و نقل عمومی ۶۶ نفر کشته و ۲۳۰ نفر مجروح شدند لذا طرح دقیقی را برای کنترل شبکه حمل و نقل عمومی از ۱۵ بهمن اجرا خواهیم کرد که در آن به بررسی صحنه تصادف و همه عوامل مؤثر در شکل گیری آن خواهیم پرداخت.

وی یادآور شد: در بررسی صحنه‌های تصادف نقش تعاونی‌های پایانه‌های حمل و نقل عمومی مورد سنجش قرار خواهد گرفت تا بتوان تمام جوانب تصادف را مورد بررسی قرار داد.

رئیس پلیس راهور در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران مبنی بر این که چه میزان درآمد از پرداخت جرایم تأخیری به خزانه واریز شده است، اظهار داشت: این مبلغ حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بوده که حدود همین میزان رقم مشمول بخشودگی جرایم شده است.

وی گفت: در قانون جدید اگر راننده‌ای ۳۰ نمره منفی دریافت کند گواهینامه او توقیف می‌شود ولی اگر راننده‌ای دارای نمره منفی باشد و در طول شش ماه تخلفی نکند، نمرات منفی او پاک می‌شود.

سردار مؤمنی با اشاره به پایین بودن استاندارد خودروها گفت: ما برای جلوگیری از تردد خودروهای ناایمن نیاز به قانون جدید داریم و نمی توانیم جلوی تولید خودروها را بگیریم.

دکتر ابتکار: وضع زیست‌محیطی ایران ۳۶ پله تنزل کرده است

سرویس سیاسی - اجتماعی: «گزارش‌های جهانی امسال از مجمع جهانی اقتصاد و دانشگاه ییل، حاکی از تنزل ۳۶ پله‌ای ایران در شاخص‌های زیست‌محیطی است که این موضوع لزوم استفاده از ظرفیت شورایاری‌ها را برای بهبود محیط‌زیست شهری ضرورت می‌بخشد.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را دکتر معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط‌زیست شورای اسلامی شهر تهران دیروز در جلسه علنی شورا اعلام کرد و افزود: نقش شورایاری‌ها در سطح محلات بسیار تعیین کننده است و باید سعی کنیم از این نهاد اجتماعی و مردمسالاری به خوبی استفاده کنیم.

او ادامه داد: الگوی شهر تهران و ظرفیت قانون شوراها ایجاب می‌کند که بحث شورایاری‌ها برای دیگر کلانشهرهای کشور دنبال شود، اما در این زمینه نیازمند آموزش شورایاران هستیم که در این صورت بهتر می‌توانند در تصمیم‌سازی و اصلاح مسائل کمک کنند.

در ادامه جلسه چهارصد و سی و هشتم، خسرو دانشجو سخنگوی شورا هم با تأکید به رفع نیازهای جدی شورایاری‌ها افزود: شورایاری‌ها باید نهاد کمکی برای شوراها باشند و نباید برای شهرداری بازوی کمکی باشند. از سوی دیگر، اگر نیازهایشان توسط شورای شهر تأمین نشود، بیم آن می‌رود که با شهرداری ارتباط مالی برقرار کنند.

احمد مسجدجامعی عضو کمیسیون برنامه و بودجه هم در این زمینه تأکید کرد: شورایاران پس از سه دوره فعالیت، ضرورت وجودشان را اعلام کرده‌اند.

او افزود: نمایندگی ۱۵ نفر به عنوان عضو شورای شهر برای جمعیت بیش از ۸ میلیون نفری تهران، حلقه مفقوده‌ای دارد که در شورایاران می‌توان جست‌وجو کرد.

در ادامه جلسه دیروز، یک فوریت پیشنهاد به دولت و مجلس شورای اسلامی برای کمک به تأمین اعتبار موردنیاز حوزه حمل و نقل و ترافیک شهر تهران در سال ۹۱ بررسی و تصویب شد.

بارش برف سنگین مدارس برخی شهرهای جنوب آذربایجان غربی را به تعطیلی کشاند

مهاباد - بارش برف سنگین که از بامداد سه‌شنبه در آذربایجان غربی آغاز شده بود مدارس مقاطع مختلف تحصیلی در سه شهر جنوبی این استان را در نوبت بعدازظهر به تعطیلی کشاند.

به گزارش خبرنگاران ایرنا، بارش برف که تا دیشب ادامه داشت موجب شد تا اداره آموزش و پرورش پیرانشهر مدارس شهری و روستایی را در مقطع ابتدایی در شیفت بعدازظهر و مقطع راهنمایی را تنها در روستاها تعطیل اعلام کند.

اداره هواشناسی پیرانشهر ارتفاع برف در این شهرستان را ۲۵ سانتی‌متر اعلام کرد. همچنین روابط عمومی اداره آموزش و پرورش و ستاد مدیریت بحران سردشت، با صدور اطلاعیه‌ای مدارس این شهرستان در تمام مقاطع را به خاطر بارش برف سنگین در نوبت بعدازظهر دیروز تعطیل اعلام کرد.

بارش برف در ارتفاعات این شهرستان بیش از ۵۰ سانتیمتر گزارش می‌شود. طبق اعلام اداره راه و ترابری سردشت تردد در تمام محورهای ارتباطی این شهرستان با استفاده از زنجیر چرخ امکان‌پذیر است.

قطع ارتباط راه‌های روستایی

رئیس اداره راه و ترابری پاوه گفت: بارش شدید برف که از دوشنبه شب آغاز شده بود، ارتباط ۳۵ روستای این شهرستان را با جمعیت ۱۲ هزار نفر با مراکز شهری قطع کرد.

ابراهیم شهریاری در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا، افزود: ارتفاع برف در سطح شهر بیش از ۲۰ سانتیمتر، در گردنه‌ها و محورهای ارتباطی بیش از ۳۰ سانتیمتر و در ارتفاعات بیش از ۸۰ سانتیمتر است.

وی گفت: چهار اکیپ برفروبی در راه‌های اصلی و فرعی مشغول برفروبی و پاک کردن محورها هستند و تلاش می‌شود بعد از برفروبی راه‌های اصلی و فرعی برای بازگشایی راه‌های روستایی نیز اقدام کنیم.

او اظهار داشت: تردد در محور پاوه به کرمانشاه بدون زنجیر چرخ امکان‌پذیر نیست. بارش برف همچنین تردد وسائط نقلیه را در داخل شهر پاوه با مشکلات جدی روبرو کرد به نحوی که بسیاری از خودروها متوقف شدند و ترافیک سنگینی در سطح شهر ایجاد شد.

بارش برف همچنین دیروز مدارس مقطع ابتدایی نوبت صبح شهرستان پاوه را تعطیل کرد و مدارس مقاطع راهنمایی و متوسطه نیز با یک ساعت تأخیر آغاز به کار کردند.

اخبار حوادث

زمین لرزه در بخش قنوات قم

مدیرکل مدیریت بحران قم گفت: زمین لرزه بامداد دیروز در بخش قنوات خوشبختانه خساراتی دربر نداشت.

زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۳/۷ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) بامداد دیروز حوالی قنوات در استان قم را لرزاند.

محسن اوروجی افزود: به محض اعلام وقوع زلزله نیروهای امدادرسان به حالت آماده‌باش درآمدند.

یکی از مجروحان حادثه تیراندازی ایرانشهر جان باخت

زاهدان - رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی زاهدان گفت: یک نفر از دو مجروح حادثه تیراندازی افراد مسلح در ایرانشهر، در بیمارستان جان باخت.

فریبرز راشدی در گفتگو با خبرنگار ایرنا افزود: ناصر ارمکان که به گفته پزشک از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود، جان خود را از دست داد.

وی بیان کرد: مجروح دیگر این حادثه به نام وحید ایری در بیمارستان بستری است و خدمات درمانی برای بهبود وی ادامه دارد.

«ناصر ارمکان و وحید ایری» دو کارمند اداره زندان ایرانشهر، هنگام عزیمت به محل کار خود توسط چهار فرد مسلح مورد هدف گلوله قرار گرفتند.

گردوغبار جیرفت را فرا گرفت

کرمان - رئیس اداره هواشناسی جیرفت گفت: گرد و غبار از پریشب و دیروز شهرستان جیرفت را فرا گرفت.

فهیم شریفی در گفت‌وگو با ایرنا، افزود: این گردوغبار از بیابان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کویر شهداد به منطقه نفوذ کرده است.

وی همچنین از افرادی که ناراحتی قلبی و تنفسی دارند، خواست در ۲۴ ساعت آینده از منزل خارج نشوند و شهروندان نیز از ماسک استفاده کنند.

کشف ۱۸۸ کیلوگرم تریاک در میناب

بندرعباس - فرمانده انتظامی میناب گفت: ماموران انتظامی پاسگاه گوربند این شهرستان در بازرسی از یک دستگاه خودرو مزدا ۱۸۸ کیلوگرم تریاک کشف کردند.

سرهنگ ابوالقاسم عرب‌زاده در تشریح این خبر به ایرنا افزود: ماموران پاسگاه گوربند هنگام کنترل محور میناب به بندرعباس و گشت‌زنی در حوزه استحفاظی خود در بازرسی دقیق از خودرو یاد شده این مقدار تریاک را کشف کردند.

شهربازی ارم ۲ پلمب شد

سرویس حوادث: شهربازی ارم شماره ۲ دیروز با حضور نمایندگان اداره کل استاندارد تهران پلمب شد. مهدی علی‌پور رئیس اداره اجرای استاندارد اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان تهران در این باره به ایسنا گفت: از شهربازی ارم شماره ۲ در دو مرحله بازرسی شد که نقایص موجود در این شهربازی نیز به صاحب آن اعلام شد اما متاسفانه این نقایص برطرف نشدند.

وی افزود: در صورتی که صاحب شهربازی تعهدات لازم را داده و نسبت به برطرف کردن نقایص موجود در این شهربازی اقدام کند و بازرسی‌های بعدی اداره استاندارد برطرف شدن این نقایص را تائید کند، شهربازی ارم شماره ۲ بازگشایی خواهد شد. علی‌پور با اشاره به این‌که بازرسی مرحله دوم شهربازی ارم شماره یک در حال انجام است، افزود: به زودی نتایج این بازرسی اعلام می‌شود. وی گفت: از اواخر سال گذشته تا اوایل امسال در مجموع ۱۱ شهربازی تهران بازرسی شدند که در مرحله نخست مشخص شد، اغلب وسایل و تجهیزات آنها نقص داشتند، اما در بازرسی دوم بسیاری از شهربازی‌ها وسایل خود را استاندارد کردند. علی‌پور افزود: پلمب شهربازی ارم شماره ۲ دومین پلمب شهربازی‌های تهران به دلیل غیر استاندارد بودن محسوب می‌شود. پیشتر شهربازی بوم‌هن به دلیل مشابه پلمب شد.

دستگیری دلالان ارز در میدان فردوسی

سرویس حوادث: پلیس آگاهی تهران بزرگ شماری از دلالان ارز را دستگیر کرد.

ماموران پلیس آگاهی دیروز با انجام کار اطلاعاتی در یک عملیات ضربتی در میدان فردوسی، شماری از دلالان ارز را دستگیر کردند. طبق ماده ۵ مصوبه هیات وزیران، خرید و فروش ارز خارج از سیستم بانکی یا صرافی‌های غیرمجاز بدون رعایت قوانین و مقررات مجاز نیست و مشمول قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی قاچاق کالا و ارز است.

ابراهیم درویشی معاون نظارتی بانک مرکزی پیش از این در گفت و گو با مهر درباره برخورد نیروی انتظامی با دلالان بازار ارز گفته بود: بانک مرکزی هماهنگی‌های لازم را در این زمینه با نیروی انتظامی انجام داده است.

سرما در اروپای شرقی ۲۲ قربانی گرفت

اروپا: سرمای دیر رس در اروپای شرقی جان ۲۲ نفر را گرفت.

به دنبال کاهش بی سابقه دما و به تبع آن بارش سنگین برف در مناطق وسیعی از اروپا بسیاری از مدارس تعطیل شدند و تردد خودروها در جاده‌های برون شهری با مشکل مواجه شد.

در بلگراد پایتخت صربستان، برف و سرما جان سه نفر را گرفت و دو تن دیگر ناپدید شدند.

دمای بلگراد به ۲۰ درجه زیر صفر کاهش یافت و مسئولان مربوطه از مردم خواستند از منازلشان خارج نشوند. دولت بلغارستان در بسیاری از شهرهای این کشور وضع اضطراری اعلام کرد و گروه‌های نجات افراد بی خانمان را در خانه‌های موقت اسکان دادند. برف و بوران در اوکراین نیز قربانی گرفت. در اوکراین ۱۰ نفر بر اثر کاهش دما و بارش شدید برف جان خود را از دست دادند که گفته می‌شود بسیاری از این افراد بی خانمان‌ها بودند. مردم لهستان نیز پس از مدتها شاهد برف سنگین بودند، اما به گفته یکی از مقام‌های این کشور، این برف و سرما ۱۰ قربانی بر جا گذاشت که بیشتر آنها را بی خانمان‌ها تشکیل می‌دادند. سازمان‌های هواشناسی پیش بینی کرده‌اند که در روزهای آینده دما در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی کاهش یابد.

زمین لرزه پرو ۱۲۳ نفر زخمی داشت

پرو: ۱۲۳ نفر در زمین لرزه ۶/۲ ریشتری در جنوب پرو زخمی شدند. مؤسسه ملی دفاع غیر نظامی پرو افزود: زخم بیشتر این افراد سطحی است و پس از ارائه خدمات بیمارستان را ترک کرده‌اند. حدود ۵۰ خانه مسکونی نیز در این زمین لرزه که در بخش ایکام در جنوب پرو روی داد، خسارت دید. مسئولان گفتند برق‌رسانی و خدمات شهری که بر اثر این زمین لرزه مختل شده بود به حالت عادی بازگشته است.

۱۴ مقام فاسد دادستانی مسکو از کار بر کنار شدند

روسیه: مقام‌های روسی ۱۴ مقام دادستانی این کشور را پس از تحقیقاتی که نشان داد آنها چشم خود را به روی یک شبکه بزرگ قمار بسته‌اند، از کار برکنار کردند.

این شبکه بزرگ قمار هر ماه ۱۰ میلیون دلار درآمد داشته است. تحقیقات درباره این پرونده پیچیده، که شامل زنجیره‌ای از کازینوهای زیرزمینی است ادامه دارد. الکساندر انیکین که پس از فرار دادستان سابق مسکو به خارج در بهار گذشته به جانشینی وی انتخاب شد گفت: «چهار نفر از کارکنان دفاتر دادستانی شهر و ناحیه از کار برکنار شده‌اند.» تحقیقات پارسال دستگاه‌های امنیتی روسیه نشان داد این شبکه بزرگ قمار در ۱۵ شهر فعالیت دارد و با حمایت مقامات فاسد دادستانی ماهانه میلیون‌ها دلار درآمد داشته است. الکساندر ایگناتنکو دادستان سابق منطقه مسکو که ماه گذشته در نزدیکی منطقه تفریحی زاکوپانه در جنوب لهستان دستگیر شد، اینک در یکی از زندان‌های لهستان بسر می‌برد.

مرد افغان، زن دخترزایش را کشت

افغانستان: مرد افغانی همسرش را به دلیل به دنیا آوردن سه دختر کشت.

بنابر اعلام پلیس افغانستان، همسر این زن وقتی متوجه شد که همسرش برای بار سوم نوزاد دختر به دنیا آورده است، او را به قتل رساند. پلیس منطقه «قندوز» گفت: همسر این زن هفته گذشته پس از این که یکی از همسایگان جسد «استری» ۲۲ ساله را پیدا کرد، پا به فرار گذاشت. به گفته پلیس محلی، بررسی‌های پزشکی قانونی از جسد این زن نشان می‌دهد که وی بر اثر خفگی کشته شده است. یکی از نزدیکان «استری» گفت: او پیش از این به ما گفته بود که همسرش به دلیل به دنیا آوردن نوزاد دختر او را تهدید به مرگ کرده است. پلیس مادر متهم به قتل را به اتهام همدستی با پسرش در ارتکاب به این قتل دستگیر کرده است.

نجات یک فروند نفتکش در حوالی خلیج عدن

معاون عملیات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از نجات یک فروند نفتکش در حوالی خلیج عدن توسط دریادلان این نیرو خبر داد.

به گزارش روابط عمومی نیروی دریایی ارتش، دریادار دوم سیدمحمود موسوی گفت: یک فروند نفتکش در ۳۵ مایلی جنوب شرقی خلیج عدن مورد حمله دزدان دریایی قرار گرفت که با رشادت و هوشیاری ناوگروه رزمی نیروی دریایی ارتش توانست با ایمنی کامل از منطقه خطر عبور کرده و به سمت بندر مقصد حرکت کند.

دریادار دوم موسوی، افزود: دریادلان نیروی دریایی ارتش توانستند با اجرای آتش بموقع و پرحجم و درگیری شدید، قایق‌های دزدان دریایی را متواری کرده و این نفتکش را بدون آسیب نجات دهند.

راه‌اندازی خط تولید جعبه سیاه انواع هواپیما و بالگرد



خط تولید انبوه سامانه جعبه سیاه انواع هواپیما و بالگرد و خط اورهال و بهینه‌سازی سامانه پدافند هوایی هوشمند ارتفاع پست در شرکت صنایع الکترونیک وزارت دفاع با حضور وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص) افتتاح شد.

سردار وحیدی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در تشریح طرح‌های افتتاح شده، گفت: متخصصین و نخبگان برنادل شرکت صنایع الکترونیک وزارت دفاع با تلاش، نبوغ، خلاقیت و نوآوری خود موفق شدند گام بلند دیگری در خودکفایی صنایع دفاعی کشور بردارند و با طراحی، ساخت و تولید قطعات و تسترهای سامانه‌های فرماندهی و کنترل آتش پدافند هوایی ارتفاع کم، خط بازسازی و بهینه‌سازی سامانه‌های موجود در کشور را راه‌اندازی کنند.

وی افزود: بهینه‌سازی این سامانه موجب افزایش توان عملیاتی در ارتفاع کم و دفاع نقطه‌ای از مناطق حساس و استراتژیک مقابل هواپیماهای جنگی، بالگردها و هواپیماهای بدون سرنشین و همچنین موشک‌های هوا به زمین دشمن خواهد شد.

وحیدی جستجو و تعقیب همزمان اهداف در ارتفاع پست استفاده همزمان از جستجوی فعال راداری و غیرفعال اپتیکی، ایجاد امکان فرماندهی و کنترل همزمان انواع سامانه‌های توپخانه‌ای و موشکی، قابلیت جابجایی سریع سامانه‌ها و مقابله جنگ الکترونیک را از ویژگی این سامانه ذکر کرد.

وزیر دفاع در مورد سامانه جعبه سیاه شاهد هم اظهار داشت: با کمک این سامانه می توان نسبت به ثبت پارامترهای پروازی، تصاویر و صدای کابین خلبان در انواع پرنده‌ها اقدام کرد.

وحیدی با بیان این که روش به کار گرفته در این سامانه نوین و ابتکاری است گفت: با افتتاح این خط تولید، علاوه بر تامین نیازمندی‌های داخلی با توجه به مشخصات و قابلیت‌های منحصر به فرد آن، جزو اقلام صادراتی وزارت دفاع قرار خواهد گرفت.

وزیر دفاع نامحدود بودن پارامترهای قابل ثبت، امکان تطبیق و سازگاری با هر نوع پرنده، تکنیک نوین پردازش و تفسیر هوشمند صوت و تصویر، مقاوم در برابر شرایط سخت محیطی مطابق با استانداردهای بین‌المللی را از ویژگی‌های سامانه جعبه سیاه شاهد برشمرد.

وی با بیان این که در پیاده‌سازی سنسورها هیچ تداخلی با تجهیزات هواپیما صورت نمی‌گیرد، افزود: این سامانه قابلیت حجم ذخیره‌سازی داده پردازی FDR برای ۲۲۰۰ ساعت، ذخیره‌سازی صوت کابین خلبان CVR برای ۴۰ ساعت از سه کانال صوتی و ذخیره‌سازی تصاویر داخلی کابین از ۳۰ دوربین برای ۱۰ ساعت را دارا است.

وزیر دفاع افتتاح این دو خط مهم را از مصادیق برجسته و بارز ناکارآمدی تحریم‌ها ذکر کرد و افزود: هرچه تحریم‌ها شدت می‌گیرد، اراده و توانمندی متخصصان و فجرآفرینان عرصه صنعت دفاعی برای نیل به خودکفایی محکم‌تر می‌شود.

وحیدی با قدردانی از تلاش متخصصان شرکت صنایع الکترونیک وزارت دفاع تاکید کرد این دستاوردها در سایه ایمان، دانش، تعهد و ولایت‌مداری مدیران و متخصصان این صنعت پویا و فعال به دست آمده است و ریشه در انقلابی دارد که با خروش ملت ایران به رهبری خمینی کبیر(ره) در بهمن ۵۷ به پیروزی رسید و موجب رهایی و سرافرازی ملت ایران و شکوفا شدن استعدادهای جوانان این مرز و بوم شد.

اعلام زمان تعویض کارت‌های معافیت سربازی

سرویس خبر - سازمان وظیفه عمومی نیروی انتظامی جدول زمانبندی اجرای طرح تعویض کارت‌های قدیمی معافیت از خدمت با کارت هوشمند را اعلام کرد.

طرح تعویض کارت‌های معافیت و پایان خدمت قدیمی با کارت هوشمند از ۱۰ ماه گذشته با تعویض کارت‌های قدیمی معافیت از خدمت آغاز شده است. دارندگان کارت‌های معافیت قدیمی بر اساس زمان‌بندی ذیل می‌توانند به منظور اخذ کارت هوشمند خود به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس +۱۰) مراجعه کنند.

الف - از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ از ۱۰ بهمن به مدت دو ماه

ب - از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ از ۱۰ اسفند امسال به مدت یک ماه

ج - از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ از ۱۰ فروردین سال آینده به مدت یک ماه.

گفتنی است زمان‌های یادشده قابل تمدید نیست و پس از انقضای مهلت فوق، کارت‌های قدیمی از اعتبار ساقط خواهد شد.

روابط نامتعادل خانواده سبب گرایش فرزندان به اعتیاد می‌شود

سرویس حوادث: الگوی خانوادگی نامتعادل و روابط معیوب در آن سبب گرایش فرزندان به اعتیاد می‌شود.

مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر در کارگاه آموزشی تحکیم بنیان خانواده با بیان این مطلب، افزود: مهمترین اهرم‌ها برای مصون‌سازی و واکسیناسیون اجتماعی خانواده، آموزش سبک فرزندپروری، آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش مدل و سبک زندگی سالم اجتماعی است.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با موادمخدر، مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد اظهار داشت: الگوهای خانوادگی نامتعادل و روابط معیوب همچون از هم گسیختگی، آشفتگی، درگیری و نارسایی‌های رفتاری و عقیدتی والدین، فقدان روح همبستگی و سازگاری، وجود نارضایتی در خانواده و نبودن روابط صمیمانه و نداشتن توجه به نیازهای روانی فرزندان موجبات ضربه‌پذیری و گرایش فرزندان به اعتیاد و سایر آسیب‌ها را فراهم می‌کند.

صرامی تاکید کرد: والدین باید با مسئولیت‌پذیری در تربیت فرزندان به عنوان مهمترین کارکرد خانواده در شکل گیری ۸۵ درصد شخصیت فرزند در ایام کودکی، از هرگونه نگاه افراطی در واگذاری تربیت فرزندان به مدرسه و جامعه پرهیز کنند.

وی افزود: اداره کل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر با همکاری دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی امسال به عنوان نخستین سال برنامه پنجم توسعه، اقدام جدی را برای آموزش والدین آغاز کرده است به گونه‌ای که با همکاری ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها، ۸۲۰ هزار نفر از والدین دانش آموزان مقطع متوسطه امسال تحت آموزش شش ساعت از آموزش‌های پیشگیری اولیه از اعتیاد، آموزش سبک فرزندپروری و آموزش مهارت‌های زندگی قرار گرفتند.

مخفیگاه کلاهبردار فراری را اطلاع دهید



سرویس حوادث: پلیس آگاهی تهران از شهروندان خواست مخفیگاه متهم فراری را اطلاع دهند.

دهها شاکی خرداد پارسال با مراجعه به دادگاه عمومی فشافویه با طرح شکایت از فردی به نام مرتضی رضوی گفتند: این فرد به تعهدات خود برای تحویل مسکن به آنها عمل نکرده و بدون بازپس دادن وجوهات پرداخت شده از سوی آنها به عنوان پیش پرداخت خرید مسکن، فراری شده است.

به دستور قاضی زارع‌پور رئیس شعبه ۱۰۱ جزایی دادگاه فشافویه، پرونده به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران ارجاع شد و ماموران در بررسی‌ها متوجه شدند مرتضی رضوی از سال ۸۵ با تأسیس دفتر ساخت‌وساز املاک به نام «گل‌های بهشت» در شهرک بهشت منطقه حسن‌آباد، اقدام به پیش‌فروش واحدهای مسکونی در این شهرک کرده و حتی در چندین نوبت نیز نسبت به تحویل واحدهای مسکونی آماده شده به متقاضیان اقدام و همین امر سبب شده بود تا دیگر ساکنان شهرک به او و فعالیت‌های ساختمانی‌اش اعتماد کنند. این شکات نیز در سال ۸۹ در مرحله جدید تحویل واحدهای مسکونی اقدام به پیش خرید دهها واحد مسکونی از او کرده بودند.

اما با گذشت مدتی از زمان انعقاد قرارداد میان شکات و مرتضی و در شرایطی که او هر روز به تعویق انداختن زمان تحویل واحدهای مسکونی، وعده تحویل واحدهای مسکونی در فاصله زمانی دیگر به مالباختگان را می‌داد به صورت ناگهانی ناپدید شد و زمانی که متقاضیان خرید مسکن به محل ساخت‌وساز واحدهای خود مراجعه کردند، متوجه شدند که هیچگونه زمین و فعالیت ساختمانی وجود نداشته و تمامی اقدامات مرتضی رضوی در تحویل چندین واحد مسکونی صرفاً برای فریب آنها بوده است.

سرهنگ محمدیان، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ دراین باره گفت: براساس بررسی ماموران مالباختگان بیش از یک میلیارد تومان به متهم پرداخته کرده‌اند و باتوجه به بی نتیجه ماندن ردیابی‌های پلیسی، قاضی پرونده از همه شهروندان خواسته است چنانچه اطلاعی از محل مخفیگاه مرتضی رضوی، فرزند حسین، متولد ۱۳۴۶ دارند مراتب را با شماره ۷۳۹۴۸۲۸۱ اطلاع دهند.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲۶۰۹۰

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوعات پیامها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
- از تکرار یک پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
- پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
- چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر - سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

راهکار خانم ابتکار برای کاهش آلودگی!

در اخبار تلویزیون مشاهده کردم که خانم ابتکار، ابتکار به خرج دادند و برای کم شدن آلودگی هوا راهکار ارائه دادند. ایشان فرمودند شهروندان خودرو شخصی بیرون نیاورند. سؤال من از وی این است که چرا خودشان از خودرو شخصی استفاده می‌کنند؟ چرا خودشان با دوچرخه که هم کم‌هزینه است و هم وسیله پاک، رفت‌وآمد نمی‌کنند؟ اگر هوا آلوده است، برای همه چنین است و اگر استفاده از خودرو خوب نیست برای همه خوب نیست. چرا هر یک از اعضای شورای شهر و وزرا یک خودرو در اختیار دارند اما مردم باید از وسیله نقلیه عمومی استفاده کنند؟

یک شهروند

هدف از افزایش مبلغ جرایم رانندگی چیست؟

روزنامه اطلاعات مورخه ۲۶ دی ۱۳۹۰ نوشته بود که افزایش مبلغ جرایم رانندگی به منظور بازدارندگی از خلاف رانندگان صورت گرفته است و نه برای افزایش منبع درآمد دولت. پس لطفاً دولت پول‌های دریافتی را به حساب معلولان و پرورشگاه‌ها بریزد تا مردم باور کنند دولت به فکر سود و منفعت خود نیست.

رشت - یک شهروند

چرا به درخواست کنندگان سلاح شکاری تحویل می‌دهید؟

روزنامه اطلاعات در صفحه ۸ مورخه ۲۷ دی ۱۳۹۰ از قول آقای عیسی قنبری، معاون امنیتی استاندار آذربایجان غربی نوشته بود تاکنون ۴۰۰۰ قبضه سلاح شکاری به درخواست‌کنندگان تحویل داده شده است و پیش بینی می‌شود این رقم تا پایان سال به ۱۵ هزار قبضه افزایش یابد. سؤال من این است در حالی که نسل بیشتر حیوانات و پرندگان در حال انقراض است آیا تحویل این همه سلاح شکاری به درخواست‌کنندگان باعث نابودی حیات وحش در کشور نمی‌شود؟

توکلی

چرا وزارت اطلاعات از دانشمندان هسته‌ای محافظت نمی‌کند؟

درخصوص ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان از مسئولان وزارت اطلاعات می‌پرسم که چرا با این همه امکانات و پیشرفت، از این نخبگان محافظت نمی‌کنند تا جامعه‌ای عزادار نشود و بعد به فکر انتقام‌گیری نیفتید؟

یک شهروند

۲ سؤال از راهنمایی و رانندگی

راهنمایی و رانندگی که جریمه‌ها را تا این اندازه افزایش داده است، لطفاً پاسخ دهد به عنوان مثال در حدفاصل میدان خراسان تا میدان امام حسین(ع) چه تسهیلاتی برای توقف اضطراری خودروها وجود دارد و یا راننده‌ای چند دقیقه خودروش را آنجا پارک کند و بیمارش را به مطب پزشک ببرد و یا قبوض خود را به بانک بپردازد؟ همچنین چرا حداکثر سرعت مجاز در جاده‌ها برای تمامی خودروها، از یک بنز آخرین مدل با سرعت بالا بپراید، به یک اندازه است و راننده خودروی اولی اگر فقط ۵ کیلومتر در ساعت سرعت بیشتری بگیرد از پراید جلو بزند، باید جریمه شود؟

شهروند تهرانی

تختی و حبیبی مدال طلا گرفتند

با تشکر از روزنامه اطلاعات به دلیل درج خبری در بزرگداشت مرحوم عبدالله مصطفوی، قهرمان کشتی ایران و جهان، در این خبر آمده بود که مرحوم مصطفوی مربی تیم ملی کشتی ایران در مسابقات المپیک ملبورن استرالیا بوده است که در آن مسابقات عبدالله موحد و تختی توانستند مدال طلا را کسب کنند. حال آن که عبدالله موحد در المپیک ۱۹۶۸ مدال طلا گرفت و در المپیک ۱۹۵۶ ملبورن شادروان غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی توانستند به مدال طلا دست یابند.

از پیشکسوتان کشتی ایران

پرهیز از آزادی زودهنگام مجرمان خطرناک

به نظر من یکی از دلایل افزایش جرایم در کشور، آزادی زودهنگام و بی‌موردزندانیان مرتکب جرایم خشن نظیر چاقوکشی، خفت‌گیری و کیف‌قاپی یا مجروح کردن افراد بی‌گناه است که اگر قوانین مجازات اسلامی در مورد مجرمان با قاطعیت به اجرا درآید، از میزان جرایم یاد شده به نحو چشمگیری کاسته خواهد شد.

شهروند تهرانی

فریب تبلیغات ماهواره‌ای را خوردم

با این که هشدارهای مسئولان را در مورد خودداری از خرید محصولات خارجی که در ماهواره تبلیغ می‌شوند، در روزنامه اطلاعات خوانده بودم، باز هم فریب خوردم و یک دستگاه به اصطلاح ترک سیگار را خریدم که وسایل داخل آن، ناقص است و هیچگونه کارآیی ندارد.

خریدار نادم وسیله ترک سیگار

خداوند به این اساتید طول عمر باعزت عطا فرماید

خداوند متعال به دکتر اسلامی ندوشن، دکتر باستانی پاریزی و دکتر منوچهر ستوده افتخارات تاریخ و فرهنگ و ادب ایران، طول عمر باعزت عطا فرماید و مرحوم دکتر محمد اسماعیل رضوانی، پژوهشگر تاریخ و مطبوعات را قرین رحمت خود سازد.

توسلی - دانش‌آموخته سال ۵۰ رشته تاریخ

فروش اجناس فوق تقلبی در خیابان فردوسی!

از مغازه‌ای واقع در اوایل خیابان فردوسی یک دستگاه دریل برقی خریدم که روی جعبه‌اش نوشته شده بود گرید (درجه) ۱۳ که بالاترین درجه کیفیت محصول است و همچنین داشتن ۵ گواهینامه استاندارد و اجازه صادرات به اروپا و ۱۲ نوع کاربرد و کارایی. اما همین که آن را به منزل بردم تا امتحان کنم، اولاً که از سوراخ کردن حتی یک تکه چوب هم عاجز بود و ثانیاً پس از دقایقی، دود از موتور آن برخاست و بلااستفاده شد! این روزها که انواع وسایل برقی نظیر «دریل» در مراکزی مانند خیابان فردوسی فروخته می‌شود، چرا کنترلی بر کیفیت آنها صورت نمی‌گیرد، تا این اجناس بدتر از تقلبی، از بازار جمع آوری گردند؟ لااقل اجناس تقلبی ۳۰ تا ۵۰ درصد قابلیت‌های اجناس واقعی را دارند، نه این که به محض زدن دوشاخه آنها به برق، دچار اتصالی شوند و بسوزند!

مصلحی

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۳ تهران در مورد پایانه مترو حقانی

احتراماً، در پاسخ به درخواست شهروند محترم مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۱ دی ماه در ارتباط با پایانه مترو شهید حقانی خواهشمند است دستور فرمائید جوابیه ذیل درج گردد:

بستن مسیر دسترسی قبلی بعلت قرار گرفتن زمین فوق در پروژه احداث مجموعه پارکینگ و ساختمانهای اداری و تجاری می‌باشد و جهت تسهیل در استفاده شهروندان محترم از امکانات پایانه اتوبوسرانی و تاکسیرانی حقانی مسیر دسترسی جدید به مجموعه پایانه احداث شده است.

آقابیگی

مدیر روابط عمومی

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در مورد دستگاه کارت خوان

احتراماً، با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۶، با عنوان «اتوبوس‌های ریالی دستگاه‌های کارت خوان خود را از کار انداخته‌اند» به آگاهی می‌رساند: استفاده از دستگاه کارت خوان در کلیه خطوط‌های تندرو و همچنین اتوبوس‌های جمعی شرکت (ملکی) و تعدادی از اتوبوس‌های جمعی شرکت‌های خصوصی میسر و شهروندان محترم می‌توانند به منظور انجام سفرهای درون شهری از مزایای دستگاه مذکور بهره‌مند گردند. علیهذا نصب دستگاه در تعدادی از اتوبوس‌های بخش خصوصی و استفاده از آنها منوط به راه‌اندازی برنامه رایانه‌ای توسط شرکت فناوری ارتباطات شهرداری تهران که در آینده نزدیک اقدام می‌گردد. در این رابطه شهروندان محترم در صورت مشاهده هرگونه تخلف می‌توانند مراتب را به منظور بررسی دقیق موضوع با ذکر شماره اتوبوس، تاریخ، ساعت و مکان مورد نظر از طریق انعکاس به سامانه ۱۸۸۸ اعلام نمایند.

فریگرد رزم‌آزما

مشاور مدیرعامل در امور اطلاع رسانی و تبلیغات

بقیه در صفحه ۹

تشریح وضع ملی پوشان اعزامی به المپیک و مشکلات فدراسیون تیراندازی



وضع ملی‌پوشان اعزامی به بازیهای المپیک لندن و مشکلات فدراسیون تیراندازی(گلایه از رسانه‌ها گرفته تا ادامه سیاست‌های نادرست گذشته در وزارتخانه) در نشست دیروز سیدمهدی هاشمی رئیس این فدراسیون با نمایندگان رسانه‌های جمعی،تشریح شد.

رئیس فدراسیون تیراندازی با اشاره به اینکه در دوران مسئولان گذشته ورزش کشور در حق تیراندازی ظلم شد،گفت: هنوز برخی در وزارتخانه سیاست‌های نادرست گذشته را دنبال می‌کنند.

وی با بیان اینکه «یاد گرفته‌ایم شرایط را بهتر از آن چیزی که است، جلوه دهیم» گفت: همانطور که بارها گفته ام در گذشته در حق فدراسیون تیراندازی جفا شده است. اما اکنون که وزارت ورزش شکل گرفته و نخستین وزیر تصدی امور را برعهده گرفته، سوال این است، چرا برخی مدیران هنوز سیاستهای گذشته را دنبال می‌کنند و از فدراسیون تیراندازی حمایت نمی‌کنند.

رئیس فدراسیون تیراندازی با اشاره به بهبود وضع مالی این فدراسیون گفت: اگر چه از زمان شکل گیری وزارت ورزش شرایط بودجه‌ای بهتر شده‌است، ولی بدهی‌ها نسبت به گذشته کمتر نشده است. با این وجود هیچ یک از برنامه‌های خود را به خاطر مشکلات مالی لغو نکردیم. سیدمهدی هاشمی با تاکید بر اینکه در بحث تامین سلاح و ادوات تسلیحاتی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستیم، گفت: متاسفانه بعد از اینکه سلاح و تجهیزات ورزشی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت با مشکلات زیادی در این حوزه مواجه شدیم.

رئیس فدراسیون تیراندازی تصریح کرد: جای تاسف است که تعرفه سلاح و تجهیزات ورزشی در کشور از تعرفه لوازم آرایشی و بهداشتی بیشتر است، البته مسئولان گمرک همکاری می‌کنند و حتی رئیس‌جمهوری در این قضیه وارد شده، ولی هنوز مشکلات ما به قوت خود باقی است. عضو هیات اجرایی کمیته ملی المپیک در خصوص فعالیت ستاد ساماندهی المپیک گفت: اگرچه موضوع المپیک به طور جدی در کمیته ملی المپیک دنبال می‌شود اما نمی‌دانم چرا بدنه وزارت ورزش برای پشتیبانی از المپیکی‌ها، هنوز سرخط نشده‌اند و این موضوع، موضوع اصلی آن‌ها نیست. در تیراندازی اصطلاح «سرخط شدن»به معنی قرار گرفتن تیرانداز در محل مسابقه و آمادگی وی برای شلیک به هدف است. وی افزود: ستاد ویژه بازی‌های المپیک لندن تا کنون فقط دو جلسه در وزارت ورزش برگزار کرده است که اگر می‌خواهیم مسیر بهتری را طی کنیم باید این قبیل نشست‌ها پیش از این برگزار شود. عضو هیات اجرایی کمیته ملی المپیک درباره بحث پرچمدار کاروان ایران در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، گفت: گمانه زنی‌های زیادی صورت گرفته است، ولی هنوز هیچ فرد خاصی مشخص نشده است. به عنوان یکی از اعضای هیات پیشنهاد کرده‌ام که یک خانم پرچمدار ایران شود هر چند که این موضوع طی ماههای پایانی منتهی به المپیک لندن مشخص خواهد شد. سیدمهدی هاشمی در خصوص وضع تیم‌های ملی تیراندازی، نیز گفت: امسال در دو مسابقه قهرمانی آسیا شرکت کردیم و موفق به کسب مدال‌های رنگارنگی شدیم و در مجموع مسابقات کویت و قطر ۳۰مدال(۹ مدال طلا ۸ نقره و ۱۳مدال برنز) کسب کردیم. وی تصریح کرد: اگر قرار به مقایسه بود، بعید می‌دانم رشته یا فدراسیونی باشد که در طول یک سال موفق به گرفتن ۳۰ مدال رنگارنگ قهرمانی آسیا شده باشد.

رئیس فدراسیون تیراندازی با اشاره به اینکه کسب این تعداد مدال در این رشته بی‌سابقه بوده است، گفت: در مسابقات قهرمانی آسیا در سال ۲۰۰۷فقط یک مدال برنز کسب کردیم ، ولی امسال ۱۳ مدال با ارزش بدست آوردیم. وی از دیگر افتخارات این فدراسیون را کسب ۳ سهمیه المپیک لندن دانست و گفت: هرچند کسب مدال در المپیک بسیار سخت است، ولی غیر ممکن نیست. هاشمی گفت: اگر پشتیبانی لازم از تیراندازی در المپیک صورت گیرد این شانس وجود دارد که به یک مدال با ارزش در تیراندازی دست یابیم. رئیس فدراسیون تیراندازی با بیان اینکه سهمیه المپیک به تیم ایران و نه به ورزشکار خاص اختصاص یافته است، افزود: هنوز تکلیف تیراندازان اعزامی به بازی‌های المپیک مشخص نشده است، چرا که کمیته فنی بهترین نفرات را به لندن اعزام می‌کند.وی افزود: با این وجود ورزشکارانی که موفق به کسب سهمیه شده‌اند در واقع بهترین تیراندازان ما هستند و به احتمال فراوان در لندن نیز پتانسیل بالای خود را نشان خواهند داد. سیدمهدی هاشمی درباره موضوع شرط بندی در تیراندازی، گفت: بحث شرط‌بندی مورد تایید مراجع است و با استفتاء از مقام معظم رهبری این موضوع مورد تایید ایشان قرار گرفت. فدراسیون تیراندازی به دنبال آن است که به صورت نظامند به این موضوع بپردازد و در حاشیه مسابقات رسمی،شاهد شرط‌بندی هم باشیم. همچنین حضور آیت‌الله حائری شیرازی درهیات رییسه فدراسیون این زمینه را فراهم کرده است تا با دقت و سرعت بیشتری بحث شرط‌بندی را انجام دهیم.

تعیین ملی پوشان اعزامی به رقابتهای تکواندو قهرمانی آسیا و جهان



مسابقات انتخابی تیمهای ملی تکواندو امید و نوجوانان برای اعزام به مسابقات قهرمانی آسیا و قهرمانی جهان با معرفی نفرات برتر و دعوت از آنان برای حضور در اردوی تیم ملی پایان یافت.

درپایان دومین دوره رقابت‌های انتخابی درون اردویی تیم ملی تکواندو نوجوانان ۱۹ تکواندوکا گزینش شدند که نفرات برتر برای اعزام به مسابقات قهرمانی جهان در مصر انتخاب شدند و کادر فنی، نفرات دوم را برای حضور در اردوها به عنوان نفر ذخیره دعوت کرد.

نفرات برتر رقابت‌های انتخابی تیم ملی تکواندو نوجوانان در اوزان دهگانه به این شرح است:

وزن یکم: محمد حسینی نیا ـ عباس صادقی

وزن دوم: ابوالفضل یعقوبی ـ محمد کاظمی

وزن سوم: جعفر خلیل زاده ـ فرشاد خرسندی

وزن چهارم: سید مجتبی کرامتی ـ علی خالقی

وزن پنجم: میثم ابراهیمی ـ علی مهدوی

وزن ششم: دانیال صالحی مهر ـ میرمهدی لباس دوز

وزن هفتم: حسین کریمی ـ فردین یارکه

وزن هشتم: صادق موسوی ـ مهدی رفیعی

وزن نهم: پوریا عرفانیان

وزن دهم: عارف فرشادمهر ـ محمدرضا اینانلو

ملی پوشان نوجوانان ایران پس از پشت سرگذاشتن اردوهای آماده سازی در تورنمنت بین المللی هامبورگ (اسفند امسال) شرکت خواهند کرد.

محمدرضا زوار به عنوان سرمربی، حسینعلی نعیمی به عنوان مربی و وحید عبدالهی به عنوان مربی بدنساز هدایت تیم ملی تکواندو نوجوانان را برعهده دارند.

همچنین چهارمین مرحله از مسابقات انتخابی تیم ملی تکواندو امید با حضور ۲۱ ورزشکار در خانه تکواندو برگزار شد.

تیم ملی تکواندو امید به مسابقات قهرمانی آسیا، اردیبهشت ۹۱ در ویتنام، اعزام خواهد شد.

اسامی نفرات دعوت شده به مرحله بعدی اردوی تیم ملی تکواندو امید به این به شرح است:

وزن یکم: علی شاکری ـ حسین بیات

وزن دوم: یاسین اکبر نتاج

وزن سوم: داود عبدالرضایی ـ رضا نادریان

وزن چهارم: علی رضا نصر آزادانی

وزن پنجم: فرزاد ذوالقدری

وزن ششم: بهزاد ایلخانی ـ مسعود حجی زواره

وزن هفتم: احمد محمدی

وزن هشتم: حسین تاجیک ـ سجاد مردانی

اردوی تیم ملی تکواندو امید تا فردا در مجموعه ورزشی آزادی پیگیری خواهد شد و بعد از آن به دلیل حضور ملی پوشان در لیگ، اردوها تعطیل خواهد شد و طبق برنامه ریزی تکواندوکاها از ۱۸ بهمن تمرینات آماده سازی را از سر می‌گیرند.

بازبودن درهای اردو

سرمربی تیم تکواندو نوجوانان ایران با رضایت از سطح فنی مسابقات انتخابی این تیم گفت: مسابقات جهانی، میدان مبارزه بهترین تکواندوکاهاست و ما نیز برای انتخاب بهترین‌ها، هیچ وقت درهای تیم نوجوانان را نمی‌بندیم.

محمدرضا زوار گفت: نفرات برتر مسابقات انتخابی تیم تکواندو نوجوانان ایران به رقابت‌های جهانی اعزام خواهند شد، البته در هر مرحله از اردو، نفرات را ارزیابی خواهیم کرد و هر تکواندوکایی که بهترین باشد و پیشرفت خوبی داشته باشد، بدون شک در تیم اصلی جای خواهد داشت.

سرمربی تیم تکواندو نوجوانان ایران تصریح کرد: در اوزان سنگین مشکل داریم، البته از بین نفرات موجود، بهترین‌ها را انتخاب کرده‌ایم، ولی باید روی این نفرات دقت نظر داشته باشیم تا پیشرفت ملموسی را شاهد باشیم. البته اگر نفر بهتری پیدا شود، حتما مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

تیم امید در تورنمنت هلند

سرمربی تیم تکواندو امید ایران با اشاره به حضور این تیم در تورنمنت بین‌المللی هلند گفت: در پایان رقابت‌های انتخابی، ۱۲ ورزشکار جواز حضور در اردوها را کسب کردند.

بیژن مقانلو تصریح کرد: رقابت‌های انتخابی تیم امید تکواندو، سطح فنی خوب حساسیت بالایی داشت. این حساسیت، سبب شد تا برخی مبارزات، زیبایی‌های لازم را نداشته باشد. اما از سطح فنی این رقابت‌ها رضایت دارم.

اعزام بهترین‌ها به المپیک

یوسف کرمی، محمدباقری معتمد در بخش مردان و سوسن حاجی پور در بخش بانوان، تکواندوکاهایی هستند که سهمیه‌های حضور درالمپیک لندن را کسب کرده‌اند، ولی دبیر فدراسیون تکواندو با قطعیت می‌گوید که اعزام هیچ کدام از آنان به بازیهای المپیک قطعی نیست.

غلامحسن ذوالقدری، گفت: هیچ تکواندوکایی گزینه اصلی اعزام به بازیهای المپیک نیست و گزینه‌های زیادی داریم که استعداد حضور در بازیهای بزرگ و مهمی مانند المپیک را دارند.

وی افزود: امکان هر تغییری در ترکیب نفرات وجود دارد و قطعا بهترین تکواندوکاها را به المپیک می‌فرستیم تا برای ایران افتخار آفرینی کند همانطور که برای المپیک‌های قبلی این اتفاق افتاده است. دبیر فدراسیون تکواندو در پاسخ به این سوال که آیا باقری معتمد و کرمی که سهمیه المپیک را کسب کرده‌اند، شانس بالاتری نسبت به بقیه تکواندوکاها برای حضور در المپیک دارند؟ گفت: برای ما نامها اصلا مطرح نیست و حتی کسی هم که سهمیه را کسب کرده امتیازی بالاتر نسبت به بقیه ندارد و همه باید برای المپیک تلاش کنند.

ذوالقدری این موضوع را شعار ندانست و در پاسخ به این سوال که اگر این گفته شعار نیست، پس چرا یوسف کرمی و باقری معتمد به مسابقات آسیایی ویتنام اعزام نخواهند شد؟ گفت: یوسف کرمی که مورد عمل جراحی قرار گرفته و باید دوران آماده سازی و برنامه‌های عمومی را انجام دهد.

در وزن محمد باقری معتمد هم می‌خواهیم علیرضا نصر آزادانی را محک بزنیم، چراکه در این وزن، او محک نخورده است. وی در مورد سوسن حاجی پور، گفت: در بخش بانوان هم مانند بخش مردان اعزام به المپیک قطعی نیست و حاجی پور در مسابقات قهرمانی آسیا در ویتنام شرکت خواهد کرد.

دبیر فدراسیون تکواندو با تاکید بر اینکه استخوان بندی تیم اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا در ویتنام، تکواندوکاهای امید خواهند بود، افزود: نفراتی که آینده ساز و امیدهای تکواندو ایران هستند به مسابقات آسیایی می‌روند و قطعا بهترین ترکیب را اعزام می‌کنیم. ذوالقدری از اعزام تیم‌های ملی تکواندو به هلند خبر داد و گفت:هنوز قطعی نشده با چند نفر به این کشور برویم، ولی این تورنمنت در نیمه دوم اسفند، مسابقات خوبی است.

تمهیدات ویژه پلیس، اورژانس و شرکت واحد برای شهرآورد ۷۴

هفتاد و چهارمین شهرآورد بزرگ پایتخت بین تیم‌های فوتبال استقلال و پرسپولیس، ساعت ۱۸ پنجشنبه این هفته در ورزشگاه یکصدهزارنفری آزادی تهران برگزار می‌شود.

بنا به این گزارش، سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های مرتبط با برگزاری بازی‌های فوتبال با توجه به اهمیت و حساسیت دیدار دو رقیب سنتی فوتبال تهران و ایران و استقبال خیل مشتاقان و دوستداران دو تیم استقلال و پرسپولیس تمهیدات ویژه‌ای را برای برگزاری هرچه بهتر این بازی در نظر گرفته‌اند تا تماشاگران با خیال آسوده برای دیدن این بازی به ورزشگاه آزادی آمده و در کمال آرامش تیم‌های مورد علاقه خود را تشویق کنند.

خبرهای مرتبط با تمهیدات ویژه پلیس تهران، اورژانس پایتخت و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای خدمات رسانی به تماشاگران این بازی را در پی مرور می‌کنید.

حضور کادر فنی تیم ملی در ورزشگاه آزادی

کارلوس کی روش و دیگر اعضای کادر فنی تیم ملی فوتبال، دیدار استقلال ـ پرسپولیس از هفته بیست و چهارم لیگ برتر را با حضور در ورزشگاه آزادی زیر نظر خواهند گرفت.

کی روش و امید نمازی، دیدار تیم‌های نفت تهران ـ تراکتورسازی تبریز را نیز با حضور در ورزشگاه خواهند دید.

دیدار مس کرمان با سایپا و داماش گیلان با سپاهان را سیموئز، صبای قم با مس سرچشمه و فجر سپاسی با راه آهن را آقاجانیان، ذوب آهن با شاهین بوشهر را نمازی و گاسپار، شهرداری تبریز با فولاد خوزستان را گاسپار و نفت آبادان با ملوان را همه اعضای کادر فنی از طریق تلویزیون تماشا و آنالیز خواهند کرد .



آمادگی پلیس برای برقراری نظم و امنیت

رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس تهران از اجرای تمهیدات انتظامی درون و اطراف ورزشگاه آزادی برای شهرآورد بزرگ پایتخت خبر داد.

سعید سعیدفر با اشاره به آمادگی پلیس برای برقراری امنیت شهرآورد تهران گفت: پلیس همانند گذشته طرح‌های انتظامی و ترافیکی ویژه این بازی را در ورزشگاه و اطراف آن اجرا می‌کند.وی افزود: نیروهای انتظامی برای برقراری نظم و امنیت از صبح روز بازی در ورزشگاه و مسیرهای منتهی به آن مستقر شده و تا تخلیه کامل ورزشگاه حضور دارد.رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس تهران از تماشاگران خواست، برای برقراری بهتر نظم با ماموران همکاری کنند.

تمهیدات اورژانس در شهرآورد ۷۴

مدیر روابط عمومی اورژانس تهران با اشاره به آمادگی این سازمان برای خدمت رسانی به تماشاگران شهرآورد تهران، گفت: هفت دستگاه اتوبوس آمبولانس، یک دستگاه موتور آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس آمبولانس در این بازی به کار گرفته می‌شود. همچنین ۳۰امدادگر برای خدمت‌رسانی در ورزشگاه مستقر می شوند.وی افزود: پرسنل اورژانس قبل از بازی در ورزشگاه مستقر و تا تخلیه کامل ورزشگاه آزادی حضور خواهند داشت. آمبولانس‌ها پس از بازی نیز در مسیرهای منتهی به ورزشگاه امداد رسانی می‌کنند.

خدمات ویژه شرکت واحد

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای رفاه حال تماشاگران مسابقه فوتبال استقلال، و پیروزی در ورزشگاه بزرگ آزادی با اختصاص ۱۱۰۰ دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس، اقدام به جابجایی مسافران خواهد کرد.

اتوبوس‌هایی که در ضلع شرقی ورزشگاه مستقر هستند، مسیر بزرگراه حکیم ـ سید خندان ـ میدان رسالت به سمت شرق تهران را پوشش خواهند داد. همچنین اتوبوس‌هایی که در ضلع غربی ورزشگاه مستقر می‌شوند، مسافران عازم جاده مخصوص ـ میدان فتح و سه راه آذری را جابجا خواهند کرد .اتوبوس‌های مستقر در پارکینگ ۱۹ و ۲۰ ورزشگاه آزادی به مسافرانی که قصد عزیمت به میدان‌های آزادی، انقلاب اسلامی، خراسان و پایانه خاوران را دارند، سرویس‌دهی خواهند کرد.شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تشکر از تماشاگران فهیم فوتبال درخواست می‌کند مانند همیشه خدمتگزاران خود را با استفاده بهینه و دقت در نگهداری اتوبوس‌های اعزامی برای ارائه خدمات بهتر یاری کنند.

برپایی اردوی تیم‌های ملی کاراته از دهه نخست اسفند

نخستین اردوی تیمهای ملی کاراته با تاکید سرمربی تیمهای ملی کاراته نوجوانان، جوانان و امید ایران یک هفته پس از مسابقات انتخابی برپا می‌شود .

علیرضا سلیمانی، گفت: مسابقات انتخابی تیم ملی کاراته از سوم تا پنجم اسفند برگزار خواهد شد که بلافاصله پس از آن اردوهای تیمهای ملی آغاز می‌شود.وی افزود:اگر کارها طبق برنامه پیش برود، یک هفته پس از رقابت‌های انتخابی، نخستین اردو شروع می‌شود و تا قبل از سال نو، حداقل دو اردو برگزار می‌کنیم .

سرمربی تیمهای ملی کاراته نوجوانان، جوانان و امید ایران در مورد مکان برپایی اردوهای تیم ملی گفت: با توجه به امکانات سخت افزاری‌که برای کاراته وجود دارد، ترجیح می‌دهم این اردوها در تهران برگزار شود، چرا که همیشه در برگزاری اردوها مشکل اسکان داشته‌ایم و نمی‌خواهم دوباره با این مشکل روبه رو شویم.

وی، از انجام سفرهای استانی برای شناسایی بهترین کاراته‌کاهای جوان خبر داد و گفت: تاکنون به چند استان رفته ام تا نیروهای جوان آنها را ببینم و اگر امکانات خوبی دارند کارها را برای برپایی اردوها هماهنگ کنم .

سلیمانی افزود: از زمانی که به ایران آمده ام، تلاش زیادی کرده ام تا با برگزاری استاژهای آموزشی، مربی سازی کنم که در همین راستا در ماه گذشته دو استاژ داشتم .

اعزام به ژاپن

نفرات برتر پیکارهای قهرمانی کشور و انتخابی تیم ملی سبکهای آزاد در سال آینده به پیکارهای جهانی ژاپن اعزام می‌شوند.پیکارهای قهرمانی کشور ـ انتخابی تیم ملی ۱۹ و ۲۰ اسفند برگزار می‌شود و نفرات برتر این رقابت‌ها، سال آینده به پیکارهای جهانی ژاپن اعزام خواهند شد.

مسابقات انتخابی در پنج وزن و در سالن شهید کبکانیان تهران برگزار خواهد شد و هر استان فقط یک تیم را راهی این رقابت‌ها می‌کند. البته دور رفت لیگ تا آخر امسال، پایان می‌یابد، ولی پرونده لیگ خرداد سال آینده بسته خواهد شد.با توجه به حمایت فدراسیون کاراته از سبکهای آزاد و پوشش مطلوب لیگ، استقبال خوبی از سوی تیم‌ها برای حضور در این رقابت‌ها شده است. به همین دلیل در سال ۱۳۹۱ رقابت‌های باشگاهی سبکهای آزاد در قالب سوپر لیگ و لیگ برتر برگزار می‌شود.

مبارزه جودوکاهای استقلال ـ گاز فجر جم تعیین کننده قهرمان لیگ برتر



هفته پایانی هشتمین دوره لیگ برتر و دسته یک جودو باشگاه‌های کشور یکشنبه هفته آینده برگزارخواهد شد و چهره تیم قهرمان مشخص می‌شود.

در لیگ برتر جودو، تیم‌های گازفجرجم و استقلال که در رتبه اول و دوم ایستاده‌اند، این هفته برای قهرمانی جدال خواهند کرد.

دو تیم با در اختیار داشتن کادر فنی مجرب و جودوکاهای توانمند از ابتدای فصل مدعیان اصلی قهرمانی تلقی می‌شدند و کارخود را برای رسیدن به سکوی نخست آغاز کردند.

در دیدار رفت، این تیم گازفجرجم بود که تیم پرستاره استقلال را شکست داد تا در صدر جدول قرار گیرد و شانس بیشتری برای رسیدن به عنوان نخست داشته باشد.

این دو تیم در دیدار برگشت (۱٦ بهمن) در مسابقات هفته پایانی لیگ برتر در یک دیدار حساس و سرنوشت ساز به مصاف هم خواهند رفت تا تکلیف قهرمان را مشخص کنند.

گاز فجرجم علاوه بر استقلال باید با تیم رده چهارمی نفت مسجد سلیمان نیز دیدار کند و استقلال علاوه بر رویارویی با گاز، با تیم شهدای خوزستان ـ که در رده ششم ایستاده است ـ مبارزه می‌کند.

همچنین لیگ دسته یک درهمین روز به پایان خواهد رسید که در آن چهار تیم هیات جودو زنجان، پالایش گاز ایلام، چای گلدان شهری و جوانان استقلال برای تعیین تیم‌های برتر به صورت دوره‌ای به مصاف هم می روند.

اتحادیه اروپا خواستار حل دیپلماتیک مساله ایران شد

رهبران ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا از تحریم اعمال شده بر بخش‌های نفت و مالی ایران که ۲۳ ژانویه در بروکسل اعلام شده است، حمایت کردند.

به گزارش ایسنا، «هرمان وان رامپوی»، رئیس شورای اتحادیه اروپا در کنفرانسی خبری که در پایان نشست غیررسمی اتحادیه اروپا برگزار شد، گفت: ما از تدابیر محدودکننده در بخش انرژی، تجاری و مالی ایران حمایت کردیم.

وی افزود که رهبران اتحادیه اروپا بر نگرانی‌های جدی و عمیق‌شان درباره برنامه هسته‌ای ایران تاکید و ادعا کردند که تحریم‌ها مردم ایران را هدف نگرفته است. براساس گزارش خبرگزاری کویت، وان رامپوی از ایران خواست فعالیت‌های حساس هسته‌ای را به زودی تعلیق کند و به تعهدات بین‌المللی‌اش پایبندی نشان دهد.

رئیس شورای اتحادیه اروپا گفت: برای وارد شدن‌ایران به گفت‌وگوهای جدی و معنادار، در باز وجود دارد و من بر تعهد اتحادیه اروپا برای تداوم کار برای (یافتن) راه‌حل دیپلماتیک مطابق با مسیر دو سویه (درباره ایران) تاکید می‌کنم.

سخنگوی کاخ سفید هم اعلام کرد که واشنگتن در تصمیم گیری‌های خود در قبال برنامه هسته‌ای ایران شتاب‌زده عمل نخواهد کرد.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه تحلیلی «پولیتیکو»، «جی کارنی» در نشست خبری‌اش افزود: اعلام کرد که کاخ سفید عجله‌ای برای تصمیم گیری درباره برنامه هسته‌ای ایران ندارد.

سیاست اوباما درباره ایران شفاف و مشخص است.

کارنی افزود: رئیس جمهوری (آمریکا) دو موضوع را به روشنی مطرح کرده است؛ یکی این که مصمم است مانع دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای شود و دیگر اینکه هیچ گزینه‌ای را در قبال ایران از روی میز حذف نمی‌کند.

خبرنگاران با اشاره به اظهارات «لئون پانه‌تا» وزیر دفاع آمریکا مبنی بر این که ایران می‌تواند در مدت یک سال به تسلیحات هسته‌ای دست یابد، از کارنی پرسیدند که آیا این اظهارات وزیر دفاع به این معناست که پانه‌تا یک جدول زمانی را برای تصمیم‌گیری اوباما در قبال برنامه هسته‌ای ایران تعیین کرده است یا خیر؟

کارنی در پاسخ به این سوال گفت: اظهارات وزیر دفاع، استراتژی ما را تغییر نمی‌دهد. استراتژی ما ادامه اعمال فشارها به ایران با هدف منزوی کردن تهران و بیان شفاف گزینه‌های پیش روی ایران است.

از سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید سؤال شد: آیا تحریم‌های غرب به جز تاثیری که بر روی اقتصاد ایران دارد، تاثیری در تصمیم گیری مقامات ایران درباره برنامه هسته‌ای تهران دارد؟ کارنی مدعی شد: رویکرد تحریم‌های دیپلماتیک نهایتا رفتار مقامات ایران را تغییر خواهد داد. با شروع ریاست اوباما در کاخ سفید، جهان در قبال برنامه هسته‌ای ایران موضع واحدی اتخاذ کرد.

تحلیل لس آنجلس تایمز

در این میان روزنامه «لس آنجلس تایمز»، رویکرد اروپا و آمریکا را در زمینه تشدید تحریم‌ها علیه ایران خطرناک خواند و نوشت، این تحریم‌ها به جای متوقف کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد.

این روزنامه آمریکایی نوشت: این خطر وجود دارد که مانند وقتی که سازمان ملل دولت «صدام» را در عراق تحریم اقتصادی کرد، رویکرد اعمال فشار زیاد بر مردم ایران باعث تفرقه و شکاف در میان کشورهای ائتلاف غرب و حامی این تحریم‌ها شود.

این روزنامه افزود: ایران سال‌هاست که توسط آمریکا تحریم شده است؛ اما این بار دولت مردان آمریکایی امیدوارند تهران از راهی که می‌رود بازماند و تغییر مسیر دهد. «ری تکیه» مشاور پیشین دولت «باراک اوباما» در امور ایران معتقد است: سخت بتوان پیش بینی کرد چه اتفاقی خواهد افتاد. در حال حاضر همه آنچه ما داریم، در حد نظریه است. هیچ چیز روشن نیست.

رئیس‌جمهوری ایران تحریم‌های تازه غرب علیه کشورش را «سنگین‌ترین حمله علیه یک ملت در طول تاریخ» توصیف کرد. «کالین کاحل» که تا همین ماه گذشته یکی از مقام‌های پنتاگون در امور خاورمیانه بود، گفت: جالب اینجاست که دولت اوباما برای اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران آرام، آرام و با اکراه گام برداشت. کاحل معتقد است که تحریم‌ها، سازمان‌های حاکم بر ایران را متقاعد کرده است که ما نسبت به آن‌ها خصمانه عمل می‌کنیم. او می گوید: این تحریم‌ها آن قدر نبوده‌اند که ایران را به پای میز مذاکره بکشانند.

به نوشته لس آنجلس تایمز، حتی با وجود تحریم‌های شدیدتر، به ندرت بتوان گفت که ایران با آن نوع مشقت و سختی که عراق دچار آن شد، رو به رو می‌شود.

دعوت سازمان‌هاو نهادها از مردم برای حضور گسترده در آیین‌های ویژه دهه فجر

ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای، از مردم برای حضور پرشور و آگاهانه در ویژه برنامه‌های دهه فجر کشور دعوت کرد.

به گزارش ایسنا، در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از عموم اقشار و صنوف مختلف مردم مؤمن و انقلابی ایران اسلامی دعوت می‌کند تا با حضور مسئولانه و آگاهانه خود در ویژه مراسم آغازین سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بار دیگر ضمن پاسداشت ارزش‌های والای انقلاب اسلامی با آرمان‌های والای شهدا و امام شهدا و انقلاب اسلامی تجدید میثاق کند و بر ادامه راه روشن آن بزرگواران مهر تأییدی دیگر بزنند.

همچنین به مناسبت سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان بسیج دانش‌آموزی و سازمان بهشت‌زهرا و شهرداری حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) در بیانیه‌های جداگانه‌ای بر اهمیت و سرنوشت‌سازی روزهای دهه فجر تأکید کردند و همگان را به پاسداشت ایام پیروزی انقلاب اسلامی فرا خواندند.

سازمان بهشت‌زهرا و شهرداری حرم مطهر هم در بیانیه خود از عموم مردم و به‌ویژه خانواده‌های شهدا و ایثارگران برای حضور در آیین‌های سالگرد پیروزی انقلاب و مراسم غبارروبی و عطرافشانی مزار شهیدان انقلاب و دفاع مقدس دعوت کردند.

امیر سرلشکر عطاءالله صالحی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران هم در پیامی با تبریک میلاد پیامبر اسلام(ص)، امام جعفر صادق(ع) و ایام دهه فجر به محضر مقام معظم رهبری و مردم ایران، به موفقیت‌های روزافزون جوانان ایرانی در دستیابی به فناوری‌های نوین هسته‌ای، فضایی، پزشکی و نظامی اشاره و اعلام کرد: آمریکا و انگلیس بدانند که ما تیر خلاص را به حضور استکبار جهانی در منطقه خواهیم زد.

خبر دیگر این که مراسم ویژه ۱۲ بهمن، رأس ساعت ۹:۳۳ صبح امروز در حرم مطهر امام راحل با پخش نمادین صدای هواپیمای حامل حضرت امام(ره) آغاز می‌شود.

به گزارش ایسنا، محسن صباغ رئیس کمیته مراسم ستاد مرکزی دهه فجر انقلاب اسلامی در نشست خبری ویژه برنامه‌های ۱۲ و ۲۲ بهمن با اعلام این مطلب گفت: در این مراسم دکتر حداد عادل سخنرانی خواهد کرد.

وی افزود: همزمان با لحظه ورود حضرت امام(ره) به میهن، از مساجد صدای قرآن کریم پخش خواهد شد و ناقوس کلیساها، کنیسه‌ها و معابد زرتشتیان و زنگ مدارس سراسر کشور، سوت کارخانه‌ها، قطارها و کشتی‌ها به صدا در می‌آید.وی ادامه داد: هم‌چنین برنامه نمادین بازسازی صحنه ورود حضرت امام (ره) به کشور در کنار یک فروند بویینگ ۷۴۷ اجرا خواهد شد و برنامه‌ویژه‌ای در محل جلوس حضرت امام(ره) بعدازظهر امروز برگزار می‌شود که در آن ضمن سخنرانی یکی از مبارزان دوران پهلوی، محل جلوس حضرت امام(ره) گلباران خواهد شد.

رئیس کمیته مراسم ستاد مرکزی دهه فجر انقلاب اسلامی اضافه کرد: هم‌چنین طبق معمول سال‌های گذشته مراسم میهمانی لاله‌ها در مزار شهدای همه شهرها در اولین پنج‌شنبه دهه فجر برگزار و برنامه گلبانگ الله‌اکبر توسط مردم در ساعت ۲۱ شب ۲۲ بهمن و مراسم نورافشانی در تهران و سایر شهرستان‌ها انجام خواهد شد.

وی اعلام کرد: در روز ۲۲ بهمن هم همزمان با تهران، در ۸۱۷ شهر و شهرستان و ٤ هزار روستا راهپیمایی برگزار خواهد شد. در تهران طبق معمول هر سال مردم از مسیرهای ده‌گانه به سمت میدان آزادی حرکت خواهند کرد. در این مراسم اجرای نمایش چتربازی، سرودهای ۱۳۵۷ نفره در شهرهای بزرگ که جمعا ۲۲ هزار نفر می‌شوند و گلباران مردم توسط بالگردهای نیروهای مسلح انجام خواهد شد و رئیس‌جمهور محترم نیز در این مراسم سخنرانی خواهد کرد.

به گفته صباغ، امسال در مسیرهای راهپیمایی بیش از ۱۸ هزار غرفه هنری، اجتماعی، خدماتی و فرهنگی وجود خواهد داشت که به صورت ویژه ۳۲ غرفه استانی با هدف معرفی چهره‌های فرهنگی و مفاخر استان‌ها در تهران برپا خواهد بود و حدود هزار پزشک و مددکار نیز در روستاها به ارایه رایگان خدمات توانبخشی و پزشکی اقدام می‌کنند.

رئیس کمیته مراسم ستاد مرکزی دهه فجر انقلاب اسلامی خاطرنشان کرد: از ویژگی‌های دیگر مراسم امسال پرواز ۲۲ هزار بادبادک در استان‌های گرمسیر کشور است.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با صدور پیامی به مناسبت دهه فجر و سی‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بر تجدید پیمان دانشگاهیان کشور با آرمان‌های مقدس امام راحل و شهیدان به‌ویژه شهدای عرصه علم و فناوری تاکید کرد.

اجلاس تهران خواستار ایجاد ارتباط قوی میان جوانان در جهان اسلام شد

همایش جهانی جوانان و بیداری اسلامی دوشنبه شب با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد و در این بیانیه بر ایجاد شبکه اجتماعی در فضای مجازی به منظور ایجاد ارتباط و تعمیق دیدگاه‌ها و انتقال تجربیات جوانان در جهان اسلام، راه‌اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی با عنوان بیداری اسلامی و تاسیس شبکه ماهواره‌ای با این محور تأکید شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در این بیانیه شرکت کنندگان با ابراز خرسندی از توفیقات جنبش بیداری اسلامی و با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در سخنرانی‌ها و نشست‌های تخصصی بر موارد زیر تأکید کردند.

۱ـ بیداری اسلامی، از وعده‌های صادق الهی و حقیقتی گرانبهاست و حضور گسترده مردم به ویژه جوانان به عنوان عامل محرک جنبش در میدان عمل و صحنه مبارزه و جهاد یکی از مهمترین مؤلفه‌های نهضت بیداری اسلامی به شمار می‌آید.

۲ـ قرن حاضر قرن اسلام و معنویت است و بشریت از تمامی مکاتب و ایدئولوژیهای مادی عبور کرده و در آغاز دوران جدیدی است که مشخصه آن توجه به خدا، مکتب وحی و استمداد از قدرت لایزال الهی است و در ادامه راه، اعتماد و حسن ظن به خداوند و حفظ وحدت ضامن تداوم جنبش اسلامی است.

۳ـ انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) احیاگر بزرگ اسلام در تاریخ معاصر، الهام بخش حرکت‌های اسلامی بوده و موجب تعمیق اندیشه اسلامی شده است.

٤ـ استقلال‌طلبی، آزادیخواهی، عدالت‌طلبی، حفظ کرامت انسانی، مقاومت در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی، از جمله مشخصه‌های اصلی جنبش بیداری اسلامی به شمار می‌رود.

۵ـ پیشتازی جوانان در خیزش مردمی و ضرورت حفظ و استمرار جنبش بیداری اسلامی ایجاب می‌کند نیروی عظیم جوانان در روند توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های علمی و فن آوری و در اداره جوامع اسلامی نقش مؤثر و متناسبی ایفاکنند.

٦ ـ جنبش بیداری اسلامی که برگرفته از آموزه‌های اسلامی است، جوامع اسلامی را به اهمیت این جنبش در نظام‌سازی و وحدت جهان اسلام رهنمون ساخته و آینده روشن و درخشانی را نوید می‌دهد.

۷ـ نقش قدرت‌های جهانی در سرکوب خیزش‌های مردمی و تلاش آنان برای مهار حرکت اسلامی و نیز به انحراف کشاندن جنبش بیداری اسلامی در جهت منافع نامشروع خود امری شناخته شده است، از این رو، هوشیاری در برابر توطئه‌ها، رصد هوشمندانه، تشخیص به موقع دسیسه‌ها و سیاست‌های استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی از اولویت‌ها و الزام‌های جنبش بیداری اسلامی به شمار می‌آید.

۸ـ شکست آمریکا و نیروهای اشغالگر در عراق و افغانستان و پیروزی مقاومت لبنان و فلسطین بر ضد رژیم صهیونیستی قدرت ایمان و پایداری مردم مسلمان منطقه را آشکار ساخت و جنبش بیداری اسلامی بر ضد دیکتاتوری و دخالت خارجی را امید تازه ای بخشید.

۹ـ خشم و انفعال دشمنان اسلام از جنبش بیداری اسلامی نشانه قدرت و موقعیت تأثیر گذار اسلام در جهان است.

۱۰ـ تبلیغات رسانه‌ای غرب در ایجاد اسلام هراسی و ارائه تصویری مبهم و مخدوش از ارزش‌های دینی و جنبش بیداری اسلامی و بزرگ نمایی توان و قدرت صهیونیسم بین‌المللی ابزار شناخته شده‌ای به‌منظور مرعوب ساختن افکار عمومی جهان اسلام به ویژه جوانان است و باید با هوشیاری و تدبیر نسبت به خنثی کردن این توطئه اقدام شود.

۱۱ـ موضوع فلسطین و مقاومت شکوهمند اسلامی فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی به عنوان اصلی ترین مسأله جهان اسلام آن را به یکی از ارکان جنبش بیداری اسلامی مبدل کرده و در مسیر تکاملی آن نقش اساسی داشته و در عین حال خود از دستاوردهای این جنبش فراگیر در جهان اسلام تأثیر پذیرفته است.

۱۲ـ اختلاف در صفوف انقلابیون و درگیری‌های قومی، فرقه ای، قبیله‌ای و مرزی، امت اسلامی را تضعیف کرده و به دشمنان اسلام فرصت می‌دهد تا توطئه‌های خود را علیه مسلمانان عملی کنند. ضروری است آحاد مردم به ویژه جوانان ضمن به رسمیت شناختن و مدیریت تفاوت‌ها، از فرو افتادن در دام اینگونه درگیری‌ها و تکفیر و تخطئه یکدیگر پرهیز کنند. «ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم.»

۱۳ـ اعتدال و عقلانیت از جمله عوامل مهم پیروزمندی‌های اخیر جریان‌های اسلامی در کشورهای منطقه بوده و ضامن گسترش و استمرار آن است. بدیهی است تندروی‌ها و طرح اندیشه‌های افراطی موجب مخدوش شدن چهره واقعی اسلام شده و زمینه را برای دخالت قدرتهای بیگانه فراهم می‌کند.

۱٤ـ رعایت موازین و اصول حقوق بشر و پاسداری از آن از جمله برخورداری از حاکمیت مردم سالاری اسلامی یکی از خواسته‌های برحق امت اسلامی به ویژه جوانان است. پایبندی به اصول و موازین واقعی حقوق بشر با بی بند و باری اخلاقی موجود در جوامع غربی منافات داشته و ضرورت دارد جوانان دنیای اسلام از تبعات بنیان برافکن آن برحذر باشند.

۱۵ ـ اکنون که جنبش بیداری اسلامی در برخی از کشورهای منطقه به پیروزی دست یافته‌اند ضروری است از نیروهای مؤمن و انقلابی در اداره امور جامعه بهره‌گیری شود و از به کارگیری عناصر وابسته به قدرتهای بیگانه و رژیم‌های گذشته در نهادهای حساس کشور جلوگیری به عمل آید.

۱٦ـ جوانان مسلمان با برادران و خواهران شهید خود در تمامی جهان اسلام عهد می‌بندند که با تکیه بر ایمان و دینداری راستین و حق طلبی، با امید و ابتکار، همت مضاعف و تلاش مستمر، در راه پیشرفت و استقلال علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و هنری جهان اسلام اهتمام ورزند.

۱۷ ـ شرکت کنندگان در اجلاس خواستار بررسی و اتخاذ تصمیم در موارد زیر از سوی مجمع جهانی بیداری اسلامی شدند:

ـ تداوم برگزاری اجلاس جوانان مجمع جهانی بیداری اسلامی با حضور گسترده تر زنان در نشست‌های آینده

ـ ایجاد شبکه اجتماعی در فضای مجازی به منظور ایجاد ارتباط و تعمیق دیدگاه‌ها و انتقال تجربیات جوانان در جهان اسلام

ـ راه اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی با عنوان بیداری اسلامی برای استفاده جوانان مسلمان

ـ تأسیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی در حوزه بیداری اسلامی

ـ تشکیل شورای هماهنگی جوانان جهان اسلام از سوی مجمع جهانی بیداری اسلامی

ـ تأسیس شبکه ماهواره‌ای مستقل یا بهره‌برداری از شبکه‌های موجود تلویزیونی به منظور انتشار اخبار گزارش‌ها و ارائه تحلیل صحیح از تحولات جنبش بیداری اسلامی

شرکت کنندگان در اجلاس با قدردانی از مواضع حکیمانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، تدابیر شایسته ایشان در دفاع از حریم اسلام و مسلمانان در عرصه‌های گوناگون را ستوده و از ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران در برگزاری «اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی» و میزبانی صمیمانه و پذیرایی گرم از میهمانان تشکر و سپاسگزاری می‌کنند.

رشد جنبش بیداری اسلامی

دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی گفت: هم‌اندیشی جمع کثیری از جوانان مسلمان و انقلابی از نقاط مختلف جهان ناشی از بالندگی، عقلانیت و رشد جنبش بیداری اسلامی و دوری از افراط گرایی‌های غیر منطقی است.

دکتر علی‌اکبر ولایتی، در مراسم اختتامیه این کنفرانس افزود: کنفرانس جوانان و بیداری اسلامی به عنوان نخستین همایش جوانان مسلمان و انقلابی نقطه آغاز مبارکی برای فعالیت‌ها و اقدام‌های آینده خواهد بود که قطعا منافع بسیاری برای مسلمانان داشته و ثمرات آن به تدریج آشکار خواهد شد.

گفتنی است که ۱۱۳۰ نفر از جوانان فرهیخته ۷۳ کشور و ۱۷۰ نفر از جوانان کشورمان طی دو روز در تهران به مسائل جوانان جهان اسلام پرداختند.

جزئیات لایحه ضدایرانی کمیته بانکداری سنای آمریکا

کمیته بانکداری سنای آمریکا با ادعای سرپیچی ادامه‌دار ایران از انجام تعهدات قانونی و بین المللی و امتناع از شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای تهران، جزئیات لایحه تحریم بخش انرژی ایران را ارائه کرد.

به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری رویترز، قانونگذاران کمیته بانکداری سنای آمریکا در نظر دارند لایحه اعمال دور جدید تحریم‌ها علیه بخش انرژی ایران را به رای بگذارند؛ لایحه‌ای که با هدف حذف بودجه‌هایی طراحی شده است که بنا بر ادعای غرب، تهران از این بودجه برای پیشبرد برنامه ساخت تسلیحات هسته‌ای خود استفاده می‌کند.

کمیته بانکداری سنای آمریکا اواخر پریروز جزئیات لایحه ضدایرانی ٦۱ صفحه‌ای تنظیم شده توسط دو حزب جمهوریخواه و دموکرات را ارائه کرد و به این ترتیب بررسی این لایحه و رای گیری درباره آن در جلسه فردا برگزار خواهد شد.

تیم جانسون رئیس دموکرات کمیته بانکداری سنای آمریکا مدعی شده است: سرپیچی ادامه‌دار ایران از انجام تعهدات قانونی و بین‌المللی‌اش و امتناع از شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای تهران بر ضرورت منزوی کردن بیشتر ایران و رهبران آن تاکید می‌کند.

در حالی که ایران بارها و بارها با رد ادعاهای غرب در رابطه با وجود بعد نظامی در برنامه هسته‌ای‌اش تاکید کرده است که برنامه هسته‌ای شفاف و با مقاصد صلح‌آمیز دارد، جانسون رئیس دموکرات کمیته بانکداری سنای آمریکا و ریچارد شلبی جمهوریخواه ارشد کمیته بانکداری سنا مدعی‌اند: تحریم‌های موجود موفقیت چندانی در تحت فشار قرار دادن ایران برای متوقف کردن برنامه ساخت بمب هسته‌ای نداشته است.

پیش‌نویس این قانون ضد ایرانی سنا، دولت آمریکا را ملزم می‌کند تا در مدت ۹۰ روز مقامات، شرکت‌های وابسته و عوامل سپاه پاسداران انقلاب ایران را شناسایی و آنها را برای اعمال تحریم‌ها تعیین کند.

مارک دوبوویتز مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی اعلام کرد: این لایحه پیشنهادی شرکت‌هایی را که با سپاه پاسداران، که نقش مهمی در بخش انرژی ایران دارند، معامله می‌کنند را هدف قرار می‌دهد.

مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این لایحه به معنای آن است که آمریکا و مقامات قانونی آن درصدد تحریم آن دسته از شرکت‌های خارجی هستند که از شرکت نفت ملی ایران (NIOC) نفت خریداری می‌کنند یا اینکه این نفت را از طریق شرکت ملی نفتکش ایران (NITC) منتقل می‌کنند.

دوبوویتز در ادامه ابراز امیدواری کرد که اصلاحیه‌هایی به این لایحه افزوده شود که بر اساس آن شرکت‌های نفتی ملزم شوند تضمین کنند که محصولات تصفیه شده‌ای که وارد آمریکا می‌کنند، مانند بنزین، شامل نفت خام ایران نمی‌شود.

رویترز در خبر خود نوشت: لایحه پیشنهادی کمیته بانکداری سنا آن دسته از شرکت‌های آمریکایی را که شرکت‌های تابع خارجی آنها به معامله با ایران ادامه می‌دهند و همچنین سرمایه گذاری‌های مشترکی در استخراج اورانیوم در سایر جاهای جهان با تهران دارند را جریمه خواهد کرد.

علاوه بر این، شرکت‌هایی که در سرمایه گذاری‌های مشترک جدید مربوط به بخش انرژی در سایر کشورها با ایران همکاری دارند هم بر اساس این لایحه تحریم خواهند شد که البته در این مورد پروژه گاز طبیعی «شاه دنیز» جمهوری آذربایجان از اعمال تحریم‌های غرب معاف است.

بر اساس نوشته رویترز، در پیش نویس این لایحه آمده است شرکت‌هایی که در بورس آمریکا مشغول تجارت هستند، هم باید هرگونه فعالیتی را که در ایران دارند برای کمیسیون بورس و اوراق بهادار علنی کنند که این امر به اعمال تحریم‌های بیشتر می‌انجامد.

رویترز نوشت: این لایحه شرکت‌هایی که تجهیزاتی از قبیل تجهیزات مخابراتی را برای ایران تامین می‌کنند را هم تحریم خواهد کرد.

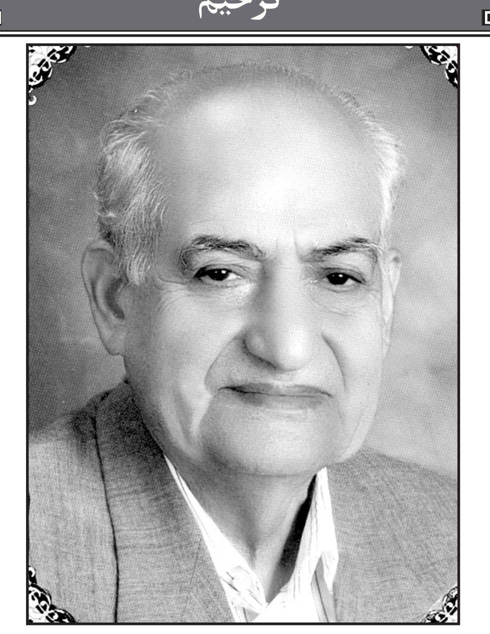
کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا تا کنون تحریم‌های یک جانبه بسیاری را علیه ایران به بهانه متوقف کردن برنامه هسته‌ای کاملا صلح‌آمیز تهران تصویب کرده‌اند، اما این تحریم‌ها بیش از اینکه به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند، نه تنها موفق نبوده بلکه به شکوفایی و خودکفایی بیشتر ایران انجامیده است.

علاوه براین، جمهوری اسلامی ایران تاکنون همکاری کامل و همه‌جانبه‌ای را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته و آژانس در گزارش‌های مکرر خود درباره برنامه هسته‌ای ایران، بر نبود انحراف این برنامه و تطابق کامل آن با توافقات بین‌المللی تأکید کرده است.

اطمینان عربستان به غرب برای تأمین نفت

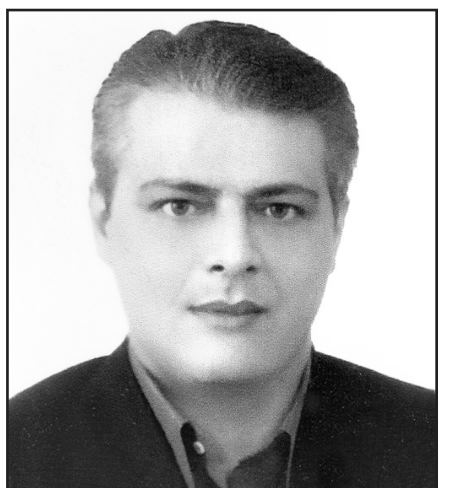
از سوی دیگر وزیر نفت عربستان سعودی در نشستی در لندن خطاب به متحدان غربی خود اعلام کرد: برای تامین انرژی همیشه روی عربستان حساب کنید. حتی افزایش تولید گاز هم، صادرات نفتی ما را متأثر نمی‌کند.به گزارش فارس، علی النعیمی بار دیگر به متحدان غربی خود اطمینان داد که در صورت تحریم نفت ایران، بدون نفت نخواهند ماند.

ترحیم



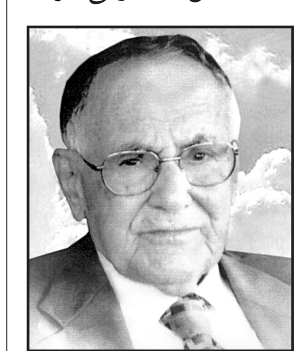
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور شادروان **حاج احمد سیدین** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس یادبودی در روز پنجشنبه ۹۰/۱۱/۱۳ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد امیر واقع در خیابان امیر آباد شمالی روبروی پمپ بنزین برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
خانواده‌های: سیدین ـ محمدحسینی ـ مددزاده ـ سربلند ـ باباخانی ـ یوسفی ـ غفارزادگان ـ جوهرچی ـ نجفی ـ درخشان ـ دکتر علی حسینی ـ نبی‌زاده و دیگر منسوبین

بازگشت همه به سوی اوست



بدینوسیله درگذشت خادم اباعبدالله الحسین (ع) مرحوم آقای **حاج حسن جواهریان** فرزند برومند جناب آقای حاج جعفر جواهریان را به اطلاع می‌رساند.
مراسم ترحیم آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۰/۱۱/۱۲ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد منعقد می‌گردد.
از طرف خانواده‌های:
جواهریان ـ رحیم‌زاده ـ کبیری ـ کیانی نژاد ـ جواهریان‌نیا ـ اسمعیلی زارع ـ کلهر ـ رستاپور ـ فخرالساداتی ـ سهیلی فرشاد ـ زمردیان ـ رضوانفر ـ رحمانی ـ هیئت انصارالعباس (ع) ـ اتحادیه صنف طلا و جواهر ـ اتحادیه پوشاک و سایر دوستان و آشنایان.

هوالباقی
سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند



با نهایت تاسف و تاثر به اطلاع می‌رساند: رادمرد خیر، نیکوکار و متدین، ارادتمند مخلص حضرت امیرالمومنین علی(ع) و خاندان عصمت و طهارت مرحوم مغفور، شادروان **حاج احمد افشار** خادم‌الحسین(ع) بزرگ خاندان افشار که تمام عمر با برکت خود را صرف خدمت به مردم نموده به لقاء ایزدی پیوست.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی در روز جمعه ۹۰/۱۱/۱۴ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
از طرف خانواده‌های: خاندان افشار، عصاریان، باقری، احمدی، سلیمانی و سایر وابستگان

به‌نام اهورامزدا

پرسه
با اندوه فراوان درگذشت روانشاد **ایدلجی بهرام بهروزی** را به آگاهی خویشاوندان، دوستان و آشنایان گرامی میرساند. آئین پرسه آن بهشتی روان روز رشن ایزد و بهمن ماه ۳۷۴۹ دینی زرتشتی برابر با چهارشنبه ۹۰/۱۱/۱۲ از ساعت ۴ الی ۶ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک‌خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می‌گردد.
همسر و فرزندان: ایراندخت، بابک، ویدا
داماد و نوه: منوچهر، بهاره
خانواده‌های: بهروزی، یزدانی، بهمردی شریف‌آباد، خسروی، انوشیروانی، یلزاده، ایزدی، نجف‌آبادی، طهمورثی، کابلی‌زاده، سلامتی، بختیاری، هنریاری، هرمزدیاران، باوفا، خادم (کوچکی)، خوش‌رو، زارع و سایر خانواده‌های وابسته و پیوسته

مجلس ترحیم



مادرمان مهربانترین فرشته زمینی، با داغی بر دل و زخمی بر جان به خدایش پیوست.
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت مرحومه بانو **گلعذار یونسی** همسر شادروان فریدون رحیمی، قاضی بازنشسته دادگستری اهل قصر شیرین را به اطلاع دوستان و همشهریان گرامی می‌رسانیم.
به یاد آن عزیز از دست رفته در تاریخ شنبه ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی به سوگ نشسته‌ایم.
فرزندان: نیلوفر ـ نسترن ـ فرزاد رحیمی
خانواده‌های عزادار: رحیمی ـ یونسی ـ پیراسته و سایر بستگان

هوالباقی
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت شادروان **حاج فیض‌اله حبیب‌پور** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ختم آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۰/۱۱/۱۳ از ساعت ۳ تا ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی اول خیابان یکم برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: حبیب‌پور ـ توحیدی ـ میناخانی ـ اسماعیلی ـ موسوی ـ زکی‌زاده شبستری ـ ایروانی ـ زاهد ـ سراجی ـ جلوسی ـ زرگرزاده ـ عسسلر ـ آبادی ـ عظیم‌زاده ـ سخن‌سنج ـ باقرپور اصل شبستری ـ برهان نجفی ـ علی‌حق ـ نور ـ بهشتی و کسبه محل، همشهریان، دوستان و آشنایان.

بازگشت همه بسوی اوست
بانهایت تاسف درگذشت مادری مهربان و فداکار شادروان **حاجیه خانم سارا پیمان (محمد بابایی)** همسر مرحوم حاج میرجواد پیمان مادر گرامی میرفرخ، میریعقوب، میرداود، میرحسین و میرابراهیم پیمان را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس ختمی روز پنجشنبه ۹۰/۱۱/۱۳ از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور (شبستریها) واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز و تسلای خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف خانواده‌های: پیمان ـ محمد بابایی ـ هاشمی ـ عظیم‌زاده ـ محمد حسین‌زاده ـ حاسبی ـ ابوالحسن‌زاده ـ بدری ـ صحافی ـ میرعلیزاده ـ ثمین ـ صاحبی ـ دستوری ـ عادلی ـ تائب ـ ثابتی ـ محمدی ـ رحیمی ـ پناهدار و سایر بستگان سببی و نسبی.

هوالباقی
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت همسر دلسوز، پدر مهربان و برادر گرامیمان مرحوم **بهمن طاهری شبستری** را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان و همشهریان محترم می‌رسانیم.
به همین مناسبت مراسم ختم زنانه و مردانه آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۰/۱۱/۱۳ از ساعت ۳ تا ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستریها واقع در میدان دکتر فاطمی اول خیابان یکم برگزار می‌گردد.
تشریف‌فرمائی شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: طاهری شبستری ـ برابیان ـ بهاری درخشان ـ برابی ـ پیامی شبستری ـ قاسمی ـ فیضی شبگاهی ـ جهانگیر ـ لطیفی ـ پیشنماز زاده ـ عبداللهیان ـ مژگانی ـ دکتر ریاضی ـ اکبر زاده ـ عالیخانی ـ قادری پناه ـ افتخار ـ امیاری ـ ستارالعیوب ـ صدوقی ـ سدابی ـ خلوصی ـ قندچی ـ محمدپور ـ کریمی ـ کهندانی ـ دلبری ـ نجف‌زاده ـ درستی ـ ساعدی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

«اوست جاودان»
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت **«حاج محمد علی عطار شوشتری»** پدر گرامی آقایان مهندس حسین و محمود عطارشوشتری را به اطلاع دوستان و همکاران ارجمند می‌رساند.
مجلس بزرگداشت (مردانه) آن زنده یاد از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ پنجشنبه ۹۰/۱۱/۱۳ در مسجدالنبی (ص) واقع در خیابان کارگر شمالی بالاتر از خیابان شانزدهم منعقد می‌گردد. حضور دوستان و همکاران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
شرکتهای ساختمانی: مکان‌سازان ـ دوام دژ
شرکت سرمایه گذاری توسعه سامان
شرکت سرمایه گذاری نوین ابتکار (سهامی عام)
موسسه مالی و ارزی عطار در ونکوور کانادا
جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشکده مهندسی دانشگاه بلوچستان ـ سالهای ۵۸ ـ ۵۴

با تاسف فراوان درگذشت بانو **نصرت ایرانی** معلم و مادری مهربان، همسر استاد فقید دکتر برزو سپهری را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.
هزینه مراسم یادبود طبق وصیت آن مرحومه صرف امور خیریه خواهد شد.
فرزند آن مرحومه: مهندس انوشیروان سپهری
خانواده‌های: سپهری ـ ایرانی ـ شوقی و سایر خانواده‌های وابسته

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری مهربان و فداکار بانو **کبری شاه‌حسینی** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحومه مغفوره روز جمعه ۹۰/۱۱/۱۴ از ساعت ۸/۴۵ الی ۱۰/۱۵ در مسجدالرضا واقع در خیابان آپادانا ـ نیلوفر برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف فرزندان: فاطمه ـ ابراهیم ـ نزهت ـ مهدی ـ نسرین ـ ناهید
خانواده‌های: شاه‌حسینی ـ حسینی ـ قاطع ـ شکوفنده ـ خوئی ـ فلسفی‌پور ـ مهرزاد و خانواده‌های وابسته

بازگشت همه بسوی اوست
بدینوسیله درگذشت **حاج امیر فرتاش مهر** را به اطلاع میرساند. مراسم ترحیم آن مرحوم روز جمعه از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد قبا، واقع در خیابان شریعتی بالاتر از حسینیه ارشاد خیابان قبا منعقد میگردد.
خانواده‌های: فرتاش‌مهر ـ تجریشی ـ بهروزفر

تنها او باقی است
بدینوسیله درگذشت نابهنگام جناب آقای **مهندس بیژن بازیار خلیلی** را به اطلاع کلیه بستگان و دوستان آن مرحوم مغفور می‌رساند.
مراسم سومین روز درگذشت ایشان روز جمعه ۹۰/۱۱/۱۴ از ساعت ۱۱ الی ۱۲/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور کلیه سروران عزیز را گرامی می‌داریم.
بازیار خلیلی ـ یوسفی مقدم و بستگان

به نام اهورامزدا

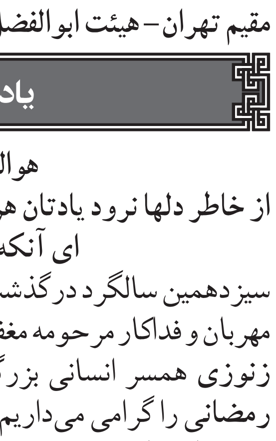
پرسه
با اندوه فراوان درگذشت روانشاد **کیقباد جمشید سروشیان** را به آگاهی خویشاوندان، دوستان و آشنایان گرامی می‌رساند. آئین پرسه آن بهشتی‌روان روز فروردین ایزد و بهمن ماه ۳۷۴۹ دینی زرتشتی برابر با پنج شنبه ۹۰/۱۱/۱۳ از ساعت ۲ الی ۴ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک‌خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می‌گردد.
همسر: کتایون خضری
فرزند: سپیده سروشیان
خانواده‌های: سروشیان، خضری، آبادیان، کشاورزی، سروشیانی، فولادپور، لریه، یکتاشناس، اورمزدی، مزدیسنی، شهریاری، فروزبخش، فروزان و سایر خانواده‌های وابسته و پیوسته

انالله و اناالیه راجعون
بدینوسیله درگذشت خادمه اباعبدالله‌الحسین(ع) مرحومه مغفوره **حاجیه خانم فاطمه مسچی** همسر آقای حاج سید علی مسچی را به اطلاع می‌رساند.
مراسم شب هفت روز جمعه ۹۰/۱۱/۱۴ از ساعت ۱۵ الی ۱۷ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار خواهدشد.
خانواده‌های: مسچی – حرمی – سجده‌ای – سالاری – اسماعیلیان و سایر وابستگان – هیئت حسینی کاشانیان مقیم تهران – هیئت ابوالفضل مدرسه امام کاشان

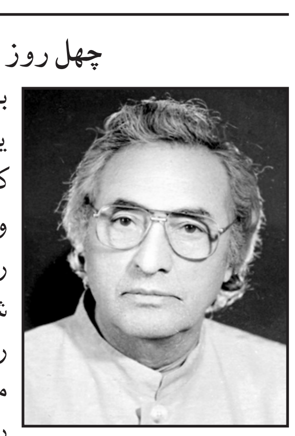
یادبود

هوالباقی
از خاطر دلها نرود یادتان هرگز
ای آنکه به نیکی همه جا ورد زبانید
سیزدهمین سالگرد درگذشت فرشته زندگیمان و مادری مهربان و فداکار مرحومه مغفوره شادروان **پروین هاشمی زنوزی** همسر انسانی بزرگ، مرحوم شادروان **بهلول رمضانی** را گرامی می‌داریم.
روحشان شاد.
رمضانی ـ هاشمی زنوزی

چهل روز گذشت



باور نداشتیم که بتوانیم یکروز نبودنش را تحمل کنیم ولی چهل روز گذشت و ما بی صبرانه در انتظاریم، روانش شادباد و ما را صبر و شکیبائی.
روز جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ مصادف با چهلمین روز درگذشت شادروان قوام‌الدین عدنانی (بزرگ خاندان) می‌باشد.
هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.
از طرف: مهرزمان، مهران، مریم، نادر و نوید



۱۲ بهمن هشتمین سال از درگذشت زنده یاد **حسن شعاع ثابت** می‌گذرد.
روحش شاد، یادش گرامی.
برادرزاده آن مرحوم: افسانه شعاع ثابت

خم نشد قامت مردانه او
شهر پر گشت ز افسانه او
بیست و یکمین سالگرد عزیزمان **مهندس معزالدین مهدوی** را گرامی می‌داریم.
ژاله بلوچ خسروی ـ کسری مهدوی ـ کلاله مهدوی ـ سام و نیما مهدوی و خواهران دلبندش

تسلیت

«انالله و اناالیه راجعون»
درگذشت بانوی صبر و استقامت، حامی ساحت علم و مرجعیت، مرجع عالیقدر، فقیه نواندیش حضرت آیت‌الله صانعی (دامة‌برکاته) را به محضر معظم له و فرزندان و بازماندگان داغدار تسلیت عرض می‌نماییم.
سید ذبیح‌الله شاهرخی خرم‌آبادی
و جمعی از مقلدین خرم‌آباد

همکار گرامی جناب آقای محمدرضا طرقا
با نهایت تاسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت گفته برای آن مرحومه رحمت واسعه و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبایی از خداوند متعال مسئلت داریم.
از طرف همکاران شما در چاپ مجله

جناب آقای مهندس نوریان
عضو محترم هیأت نمایندگان
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.
اسدا... عسگراولادی
هیأت‌مدیره اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین

همکار محترم
جناب آقای دکتر حمید جلیل‌زاده خوئی و بانو
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم.
هیأت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز

جناب آقای دکتر مصطفی پورتقوا
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت می‌گوییم و برای جنابعالی و خانواده محترم سلامت و سعادت آرزو داریم.
دکتر بهروز برومند ـ دکتر احمد شفیعی
محمدحسن مرادی

جناب آقای دکتر امیر ناصر مرعشی
با نهایت تأسف درگذشت ابوی محترم جنابعالی را تسلیت میگوییم.
هیات مدیره شرکت هتل آرا

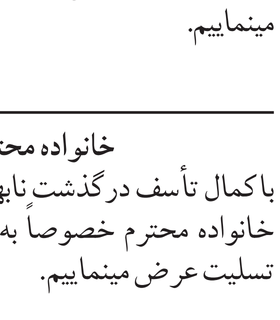
جناب آقای دکتر امیرناصر مرعشی
درگذشت والد محترم جنابعالی که عمر پربرکت خود را در راه تعلیم و تربیت فرزندان این کشور صرف کردند به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم.
مدیران و کارکنان مرکز آموزش مارببن

سرکار علیه خانم وجیهه صداقت
باکمال تأسف درگذشت نابهنگام نوه دلبندتان **نیک‌زاد** عزیز را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض مینماییم.
شهرزاد و بهزاد مشهودی

خانواده محترم صداقت
باکمال تأسف درگذشت نابهنگام **نیک‌زاد** عزیز را به آن خانواده محترم خصوصاً به سرکار علیه خانم صداقت تسلیت عرض مینماییم.
محمد هلالی

جناب آقای دکتر مصطفی پورتقوا
پزشکان و کارمندان بیمارستان اعصاب مهرگان مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت می‌گویند.

جناب آقای مهندس علیرضا جواهریان
مدیرعامل شرکت رویال بناچوبک



درگذشت برادر گرامیتان مرحوم آقای **حاج حسن جواهریان** را به شما تسلیت عرض می‌نماییم.
کارکنان شرکت رویال بناچوبک ـ شرکت رنوکول آلمان ـ شرکت لیبرتی اسپرت

دوست عزیز جناب آقای بابک جهان‌آراء
با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان **«آقای عبدالرسول جهان‌آراء»** را تسلیت عرض می‌نماییم. برای شما و کلیه بازماندگان صبر و بردباری آرزومندیم.
هیئت مدیره و کارکنان شرکت پرکیش

دوست عزیز و گرامی جناب آقای بابک جهان‌آراء
درگذشت پدر گرامیتان **«آقای عبدالرسول جهان‌آراء»** را تسلیت عرض می‌نماییم، ما را در غم خود شریک بدانید.
حمید پریزاده ـ مسعود مظاهری

بسمه تعالی
جناب آقای دکتر سیدجمال‌الدین سجادی
عضو محترم پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی
جمهوری اسلامی ایران
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، برای روح آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
فرهنگستان علوم پزشکی ایران

بسمه تعالی
جناب آقای دکتر محمدرضا شمس اردکانی
عضو محترم پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی
جمهوری اسلامی ایران
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، برای روح آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
فرهنگستان علوم پزشکی ایران

اللهم اغفر للمومنین و المومنات و المسلمین و المسلمات
جناب آقای دکتر مسعود بوجاری
با نهایت تاثر درگذشت پدر گرامی و مرد خدا آقای **حاج محمدعلی بوجاری** را به آن برادر بسیجی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ذات اقدس الهی طلب آمرزش و شادی روح آن مرحوم و صبر و اجر را برای بازماندگان خواستاریم.
جمعی از رزمندگان دوران دفاع مقدس از لشگرهای ۲۵ کربلا و محمد رسول‌الله (ص) و ده حضرت سیدالشهداء(ع) و قرارگاه حمزه سیدالشهداء(ع) و سپاه یازدهم امام حسن عسگری(ع) و سپاه چهاردهم و سپاه یکم ثارالله و ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی و ستاد امداد و درمان مناطق جنگی

جناب آقای محمد وحید خاکبازان
عضو محترم هیئت امناء
موسسه خیریه توان بخشی معلولین ذهنی تهران
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای شما و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
موسسه خیریه توان بخشی معلولین ذهنی تهران

جناب آقای مهندس نجابت
مدیرعامل محترم شرکت انرژی سپهر
با نهایت تاسف و تاثر مصیبت وارده را حضور حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم شادی روح و برای خانواده محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
شرکت راهبرد توسعه طرحها (پیدسکو)
از طرف کارشناسان هیئت مدیره و مدیرعامل
کیهان کلانتری

سپاسگزاری

سپاسگزاری
بدینوسیله از کلیه سروران و عزیزانی که در مراسم خاکسپاری و چهلم مادر عزیز و مهربانمان مرحومه **رزا بارویان (قاراپانیانس)** شرکت نموده یا تلفنی تسلیت گفته و باعث شادی روح او شدند، سپاسگزاری می‌شود.
خداوند متعال همه درگذشتگان را آمرزیده در نور و آرامش ابدی خود نگهدارد.
از طرف فرزندان آن مرحومه

به یاد مرحوم پدر عزیزم آقای **علی‌اصغر کروالیان** قاضی محترم دادگستری تهران و مادر مهربانم خانم **میمنت‌السادات غمخوار** لیسانسیه عالی مامائی از دانشگاه تهران و برادر مهربانم آقای **فرهاد کروالیان**، اینجانب از تمامی دوستان و آشنایان که برای مراسم ختم این عزیزان شرکت کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.
خانم دکتر زهرا کروالیان (اشلودر) ـ آقای دکتر نیکلاس اشلودر در آلمان و خانواده‌های: کروالیان ـ غمخوار ـ سهبان و اعتمادی

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و ششم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۰
۸ ربیع الاول ۱۴۳۳ ـ یکم فوریه ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۸ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۳۱ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۵۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۵ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۳۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۰۴ دقیقه

یادداشت

یمن؛ از دیکتاتور تا دیکتاتور

آرش میری خانی

آمریکا پس از یک مجموعه محاسبات و پیش‌بینی‌های سیاسی ـ که به زعم مقامات کاخ سفید احتمال به وقوع پیوستن آنها بسیار زیاد است ـ تصمیم گرفت تا عبدالله صالح را بپذیرد و او را برای بازی‌های آتی در صفحهٔ شطرنج یمن آماده نگه دارد. تحولات ۶۰ روزه اخیر در یمن به روشنی نشان داد که شکاف میان سلائق و خواسته‌های مخالفان تا چه اندازه عمیق است. در شرایط وجود و استمرار چنین تشتت و چند دستگی، سوء مدیریت سران انقلابیون نیز بر مشکلات مردم یمن افزوده و آینده سیاسی این کشور فقیر عربی را درهاله‌ای از ابهام فرو برده است. مردم یمن که سرنگون شدن دیکتاتورهای کشورهای عربی منطقه را در مواجهه با دومینوی بیداری اسلامی به چشم خود می‌دیدند، متأسفانه دست کم تاکنون نتوانسته‌اند ریشه‌کن کردن ظلم و استبداد در کشورشان را علیرغم صرف هزینه‌های بسیار نظاره‌گر باشند. البته عبدالله صالح به ظاهر، دیگر رأس هرم قدرت در یمن نیست، اما هنوز معاون او و یکی از رهبران برجسته حزب کنگره ملی سکان امور را در این کشور در دست دارد. فرماندهی تمامی قوای نظامی یمن و همچنین گارد ریاست جمهوری این کشور در دست «الاحمرها» که نسبت خونی نزدیکی با صالح دارند، قرار دارد. الاحمرهایی که مثل صالح به شدت از سوی سعودی‌ها حمایت می‌شوند. در طرف مقابل هم مخالفان با تقدیم صدها کشته و مجروح فقط موفق شدند تا محمد سالم باسندوه را ـ که او نیز زمانی دست راست دیکتاتور بود ـ به سمت تشریفاتی نخست‌وزیر دوران انتقالی منصوب کنند. پارلمان هنوز به صورت کامل در تصرف طرفداران صالح است، عبدربه منصورهادی زمام امور را به طور کامل در دست دارد و نیروهای نظامی و انتظامی یمن نیز کاملاً به دیکتاتور وفادارند. پس انقلاب یمنی‌ها چه شد؟ اصلی‌ترین نکته‌ای که سعودی‌ها و آمریکایی‌ها به آن تکیه می‌کنند، در جواب این سئوال نهفته است. همانطور که پیشتر هم اشاره شد، متأسفانه چنددستگی و چندصدایی در صفوف مخالفان موجبات انحراف مسیر انقلاب یمن را فراهم آورد. موضوعی که کمتر در کشورهایی که تحت تأثیر نسیم بهار عربی قرار گرفته بودند، به وقوع پیوست. پس از بن‌علی شورای انتقالی در تونس بلافاصله سررشته امور را در دست گرفت، در مصر نیز شورای نظامی با استفاده از ابزارهای لازم موفق به این کار شد. لیبی هم که با مدیریت قابل دفاع مصطفی عبدالجلیل و تیم سیاسی تحت امر او در حال گذر از بحران‌ها است. اما در این میان سر مردم یمن بی کلاه مانده است.

این مهم موجب شده تا به نوعی خلاء قدرت سر تا پای یمن را فرا بگیرد و این کشور با توجه به بافت قبیله‌ای و وجود عناصر تروریست به سوی یک جنگ داخلی پیش برود. اگر چه یمن به خودی خود کشور ثروتمندی نیست، اما شاهراه ثروتمند ماندن بسیاری از کشورهاست. اکنون واشنگتن که در تلاش ناامیدانه تحریم‌های جدیدی را علیه ایران به اجرا گذاشته دیگر نمی‌تواند انتظار داشته باشد که ۴۰ درصد از نفت مصرفی غرب به آسانی از تنگه هرمز عبور کند. از سویی اشتباهات پی در پی محاسباتی مقامات آمریکایی نیز باعث شد تا اوضاع یمن نیز از کنترل خارج شود. نباید فراموش کرد که تنگه استراتژیک باب‌المندب که یکی از مهمترین شریان‌های نفتی جهان است، در همین کشور بحران‌زده واقع شده و هر گونه تنش در فضای سیاسی و اجتماعی یمن می‌تواند یکی دیگر از راه‌های تنفس اقتصادی غرب را مسدود کند. در چنین شرایطی مقامات کاخ سفید باز هم دل به صالح بسته‌اند و منتظرند تا تشکیلات تحت فرمان او پس از اضمحلال احتمالی احزاب مخالف در جریان زد و خوردهای سیاسی موجود، بار دیگر قدرت را قبضه کند. تحلیلگران ابراز عقیده می‌کنند که واشنگتن هنوز به صالح به عنوان شریکی مطمئن در راه تأمین منافع آمریکا در منطقه می‌نگرد. آمریکا در این برهه با پذیرفتن صالح، دست به سرمایه‌گذاری نه چندان مطمئنی زده، اما به شدت امید دارد تا بلکه بتواند دیکتاتور را بار دیگر به قدرت برساند و زمام امور یمن را به او بسپارد. در چنین شرایطی می‌طلبد که یمنی‌ها آگاهانه‌تر و با وحدت کلمه‌ای مضاعف بر مشکلات پیروز و فارغ از هرگونه انحصارطلبی فقط به خاطر کشورشان زیر چتر وحدت جمع شوند.

۳ سرکرده القاعده در حمله هواپیماهای آمریکا به یمن کشته شدند

سرویس خارجی: در جریان حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به یک کاروان حامل سرکردگان برجسته القاعده در جنوب یمن، دست کم ۱۵ شبه نظامی کشته شدند.

مقام‌های امنیتی محلی و منابع نزدیک به القاعده در گفتگو با خبرگزاری شینهوا اعلام کردند، این حمله توسط سه هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در شهر شرقی استان «ابین» یمن صورت گرفت. دو مقام امنیتی یمن که خواستند نامشان فاش نشود و یک منبع نزدیک به القاعده در شبه جزیره عرب اظهار داشتند، این ۱۵ شبه نظامی کشته شده شامل سه سرکرده تحت تعقیب به نام‌های «عبدالمنعم الفطحانی»، «الخضر آل سوده»، «احمد عمیران ابوعلی» بودند که نفر آخر رهبر ارشد القاعده در شبه جزیره عرب در همسایگی استان «شبوه» یمن بوده است. منبع نزدیک به القاعده افزود: این رهبران القاعده پس از حضور در نشستی در استان «ابین»، در این حمله کشته‌شدند. «عبدالمنعم الفطحانی»، یکی از فرماندهان شبه نظامیان القاعده در ابین بود که از بیشتر از هشت مورد حمله هوایی آمریکایی‌ها در چند ماه گذشته جان سالم به در برده بود.

پس از وقوع حمله هوایی آمریکا، دهها تن از شبه نظامیان القاعده منطقه را محاصره کردند و صدها شبه نظامی دیگر نیز از مناطق نزدیک برای به دست گرفتن کنترل شهر «لودر» به محل سرازیر شدند. از سویی، وزیر اطلاع رسانی جدید یمن از یک سوءقصد جان سالم به در برد.

یک مقام دولتی یمن به خبرگزاری فرانسه گفت: «علی احمد العمرانی» وزیر اطلاع‌رسانی جدید یمن در حال خروج از یک ساختمان دولتی در صنعا مورد حمله قرار گرفت.

***بحرین**

نیروهای امنیتی و ضد شورش رژیم آل خلیفه به انقلابیون جزیره ستره، در جنوب منامه که در مراسم تشییع پیکر یکی از جوانان این منطقه که هفته گذشته در یکی از بازداشت‌گاه‌های رژیم آل خلیفه به شهادت رسیده بود، حمله کردند. نیروهای آل خلیفه در این حمله از گاز اشک‌آور و سمی و باتوم برای متفرق کردن معترضین استفاده کردند و جوانان انقلابی ستره نیز برای دفاع از خود به پرتاب کوکتل مولوتف و آتش زدن لاستیک خودروها روی آوردند.

در همین راستا، سازمان عفو بین‌الملل از مقامات رژیم آل خلیفه خواسته است که «فضیله مبارک»، یکی از معترضان بحرینی را هر چه سریع‌تر آزاد کند. تنها جرم مبارک گوش فرا دادن به سرودهای انقلابی است و به همین دلیل توسط دادگاه رژیم آل خلیفه به ۱۸ ماه زندان محکوم شده است.



نیروهای امنیتی آل خلیفه به انقلابیون بحرینی در «ستره» حمله کردند

در چنین شرایطی وزارت کشور بحرین با انتشار بیانیه‌ای خواستار تشدید مجازات علیه معارضانی شد که بنا بر ادعای این وزارتخانه به نیروهای امنیتی این کشور حمله می‌کنند.

در بیانیه وزارت کشور بحرین به نقل از شیخ «راشد بن عبدالله آل خلیفه»، وزیر داخلی بحرین ادعا شده که بحرین در ماه‌های اخیر شاهد گسترش خشونت‌ها علیه نیروهای امنیتی بوده و به همین دلیل وزارت کشور خواهان تشدید مجازات‌ها علیه عاملان چنین اقداماتی است. در این حال، فعالان و مخالفان زندانی بحرین در اعتراض به تصمیم دولت این کشور در تشدید سرکوب و مجازات تظاهرکنندگان دست به اعتصاب غذا زدند. خبرگزاری‌ها اعلام کردند: اعتصاب غذای زندانیان مخالف دولت بحرین توسط یک گروه مدافع حقوق بشر اعلام شده است.

خبر دیگر اینکه، به دنبال وخامت حال ناگهانی خلیفه‌بن سلمان آل خلیفه نخست‌وزیر و وزیر خارجه بحرین، وی با یک فروند هواپیمای اختصاصی برای مداوا راهی آلمان شد.

خبر دیگر اینکه، وزارت خارجه رژیم آل خلیفه در واکنش به حمایت عراق از مردم مظلوم بحرین کاردار سفارت این کشور در منامه را احضار کرد. وزارت خارجه رژیم آل خلیفه کاردار سفارت عراق در منامه را به این وزارتخانه احضار و مراتب اعتراض خود را در خصوص اظهارات اخیر مقامات این کشور درباره بحرین به اطلاع وی رساند.

وزارت خارجه رژیم بحرین به «نجلاء ثامر محمود» هشدار داد که مواضع دولت عراق در قبال حوادث جاری در بحرین و دولت آن سازنده و مثبت نیست. مسئولان وزارت خارجه بحرین در ادامه ادعا کردند: مقامات عراقی از جمله مقتدا صدر، رهبر جریان صدر عراق همواره اظهارات مداخله جویانه‌ای درباره بحرین داشته‌اند که این موضوع دخالت آشکار در امور داخلی بحرین به شمار می‌آید و باعث تفرقه بین مردم می‌شود. مقتدا صدر چندی پیش با انتشار بیانیه‌ای اظهار داشته بود که ما به پایداری بزرگ و نمادین ملت بحرین برای مطالبه حقوق مشروعشان در مدت بیش از ۸ ماه گذشته افتخار می‌کنیم و به این ملت قهرمان درود می‌فرستیم.

***اردن**

شهروندان اردنی در اعتراض به سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در امور داخلی اردن، در برابر سفارت این کشور در «امان» تحصن کردند.

جنبش مردمی و جوانان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف از چنین اقدامی، ارسال پیامی به دولتمردان آمریکا مبنی بر مداخله نکردن در امور داخلی اردن بویژه در زمینه جنبش اصلاحی این کشور است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: شهروندان اردنی با تمام قوا وارد دومین سال جنبش اعتراضی خود شده‌اند و بی تردید، تا زمان تحقق کامل خواسته‌های خود از جمله اینکه ملت منبع قدرت باشد، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. این در حالی است که، دبیرکل سازمان ملل برای بررسی تحولات منطقه و روند صلح خاورمیانه با پادشاه اردن در امان دیدار کرد. بان کی مون همچنین با «عون الخصاونه»، نخست‌وزیر اردن و «ناصر جوده»، وزیر امور خارجه این کشور برای بررسی آخرین تحولات منطقه و تحولات روند صلح میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی گفتگو کرد.

رهبر جنبش اعتراضی سنگال از زندان آزاد شد

سرویس خارجی: پلیس کشور آفریقایی سنگال یکی از مخالفان اصلی و هماهنگ‌کننده جنبش اعتراضی علیه «عبدالله واد» رئیس جمهوری این کشور را آزاد کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از «داکار» پایتخت سنگال، پلیس این فرد را که جنبش اعتراضی علیه کاندیدا شدن «عبدالله واد» برای سومین بار برای تصاحب پست ریاست جمهوری را هماهنگ و راه‌اندازی کرده است، بعد از دو روز بازداشت آزاد کرد. «الیونه تین»، یکی از اعضای شاخص مجمع آفریقایی دفاع از حقوق بشر گفت: بدون وارد آمدن اتهام خاص آزاد شد.

این فعال سنگالی هماهنگ‌کننده جنبش ۲۳ ژوئن (ام ۲۳) است که گروه‌های مخالف رئیس جمهوری سنگال را در اعتراض به کاندیداتوری وی در انتخابات آتی ریاست جمهوری برای سومین بار، که آن را غیر قانونی می‌دانند، متحد کرده است.

الیونه تین پس از آزادی از بازداشت، تلفنی به خبرگزاری فرانسه گفت: هنوز نمی‌دانم آنها مرا به چه چیزی متهم کردند، پلیس درباره تظاهرات سازماندهی شده توسط جنبش ام ۲۳ از من سئوال‌های بسیاری پرسید.

در جریان برگزاری تازه‌ترین تظاهرات علیه حکم دادگاه عالی این کشور، دو نفر از تظاهرکنندگان در شهر «پودور» واقع در شمال این کشور به ضرب گلوله کشته شدند.

در همین حال ارتش سنگال اعلام کرد: در یک عملیات نظامی در منطقه ناآرام «کازامانس» سه نظامی سنگالی کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک سرهنگ ارتش این کشور اعلام کرد: عملیات نظامی به منظور برقراری امنیت در منطقه زیگوینکور واقع در جنوب سنگال نیز به مدت دو هفته به طول انجامید.

این در حالی است که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به نامزدی مجدد رئیس جمهوری سنگال برای انتخابات ریاست جمهوری خواهان فراهم شدن زمینه برای حضور نسل جدید در عرصه سیاست این کشور شد.

به گزارش «ویکتوریا نولاند»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در گفت و گو با خبرنگاران عنوان داشت: ما به روند سیاسی و قانونی و قصد عبدالله واد برای نامزدی در دوره جدید انتخابات ریاست جمهوری احترام می‌گذاریم اما در عین حال می‌خواهیم که شرایط در این خصوص برای حضور نسل جدید در عرصه سیاست این کشور فراهم شود. نولاند همچنین گفت: معتقدیم که دموکراسی موجود در سنگال نوپا است و شرایط لازم برای حضور نسل جدید را دارد.

مخالفت دوباره روسیه با پیش‌نویس قطعنامه جدید شورای امنیت علیه دمشق

سرویس خارجی: «گنادی گاتیلوف» معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد کشورش پیش نویس قطعنامه پیشنهادی غربی و عربی درباره سوریه را غیر قابل قبول می‌داند.

به گزارش ایرنا، گاتیلوف گفت: پیش نویس قطعنامه غربی و عربی شورای امنیت درباره سوریه در شکل کنونی آن برای روسیه غیر قابل قبول است.

وی افزود: پیش نویس کنونی قطعنامه درباره سوریه با پیش نویس قبلی درباره این کشور که توسط چین و روسیه وتو شد، تفاوت چندانی ندارد و طبیعی است که روسیه از آن حمایت نخواهد کرد.

وی خاطر نشان کرد: این سند متوازن نیست و برخی مفاد آن مساله دارد و امکان برای مداخله خارجی در امور داخلی سوریه را فراهم می‌کند.

از سویی هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا، دبیرکل اتحادیه عرب و وزرای خارجه انگلیس و فرانسه دیروز در نیویورک بار دیگر تلاش کردند فشارهایی را بر سوریه وارد کنند

این گروه قرار است با تصویب قطعنامه‌ای که مغرب آن را ارائه کرده به بشار اسد برای واگذاری قدرت به معاونش فشار وارد کند.

هیلاری کلینتون گفت: ایالات متحده با شدیدترین لحن سرکوب مردم سوریه و خشونتها در این کشور را محکوم می‌کند. در همین رابطه رهبران اروپایی نیز در نشستی در بروکسل نگرانی خود را از تحولات سوریه اعلام کردند.

از سویی آگاهان می‌گویند روسیه هنوز تهدید به وتوی این قطعنامه نکرده است.

در این حال دولت ائتلاقی انگلیس با صدور بیانیه‌ای به روسیه هشدار داد که دست از سرپوش گذاشتن بر سرکوبگری‌های رژیم سوریه علیه مردم بردارد و تلاش‌های سازمان ملل برای رسیدن به قطعنامه‌ای مسالمت آمیز درباره ناآرامی‌های سوریه را نقش بر آب نکند.

به گزارش فارس، «دیوید کامرون» نخست وزیر انگلیس اعلام کرد: ما بر این باوریم که سازمان ملل باید در جهت حمایت از مردم سوریه وارد عمل شود و روسیه دیگر نمی‌تواند دلیلی برای مسدود کردن تلاش‌های سازمان ملل و سرپوش گذاشتن بر سرکوب رژیم سوریه علیه مردم داشته باشد.

خبر دیگر این که رئیس جمهوری لبنان با اشاره به روابط دیرین خود با رئیس جمهوری سوریه تصریح کرد: ما به گردش قدرت در سوریه معتقدیم و از دولت سوریه می‌خواهیم با مخالفان گفت‌وگو کند.

میشل سلیمان گفت: من با بشار اسد روابط خوبی دارم و این روابط به گذشته‌های دور برمی‌گردد و چیزی که همیشه ما گفته‌ایم این است که ما موافق دموکراسی در سوریه و دیگر کشورهای عربی هستیم و به گردش قدرت در سوریه اعتقاد داریم.

وی ادامه داد: از رهبران سوری می‌خواهیم با مخالفان گفت‌وگو و طرح اول اتحادیه عرب را برای پایان دادن به وضع کنونی در کشور اجرا کنند.

خانواده اسد فرار نکرده‌اند

«یوسف احمد» سفیر سوریه در قاهره خبر منتشره از سوی روزنامه «المصری الیوم» درباره خنثی شدن طرح فرار خانواده بشار اسد به خارج از کشور از طریق فرودگاه بین‌المللی دمشق توسط نیروهای «ارتش آزاد سوریه» را تکذیب کرد.

به گزارش ایرنا، احمد افزود: خبر مزبور نادرست و در چارچوب شیوه غیراخلاقی روزنامه برای جنگ تبلیغاتی علیه سوریه بدون تلاش برای اطمینان از درستی آن است. در تحولی دیگر «محمد احمد مصطفی الدابی» رئیس هیأت ناظران اتحادیه عرب در سوریه گفت: تصمیم برای توقف ماموریت هیأت مزبور به خاطر فتوای شیخ «عدنان عرعور» درباره مهدورالدم بودن خون اعضای هیأت اتخاذ شد. عرعور به عربستان پناهنده شده است.

الدابی خاطرنشان کرد: فتوای مزبور تهدیدی برای امنیت و سلامت ناظران است و همزمان اقدام‌های خشونت‌آمیز نیز افزایش یافت.

در این حال منابع آگاه امنیتی در سوریه اعلام کردند بیش از ۱۴۰ فرد مسلح از جمله شماری از اتباع کشورهای عرب در جریان عملیات پاکسازی شهر «حمص» کشته شدند.

به گزارش پایگاه اینترنتی «شام لایف»، مقتولان از اتباع لبنان، مصر، تونس و عربستان بودند و مقادیری تجهیزات ارتباطی پیشرفته آمریکایی و اسرائیلی نیز از آنان کشف و ضبط شد. از سویی افراد مسلح با خمپاره به یکی از کلیساهای معروف و قدیمی منطقه «صیدنایا» در نزدیکی دمشق حمله کردند. در این حمله بخشی از دیوار کلیسای مزبور بر اثر اصابت خمپاره خراب شد.

در همین حال به دنبال حمله افراد مسلح به خط لوله گاز در منطقه تلکلخ در غرب سوریه اعلام شد ۶۴۰ هزار متر مکعب گاز از این خط لوله به بیرون نشت کرده است. خبر دیگر در ارتباط با ناآرامی‌های سوریه حاکی است که ۳۸ ایرانی شامل زن و مرد و کودک و برخی افراد سالخورده که پنجشنبه گذشته از سوی افراد مسلح در شمال سوریه و در جاده حلب به حما مورد حمله قرار گرفته بودند و ۱۱ نفر از مردان همراه آنان ربوده شدند، دیروز به ایران بازگشتند.

ابقای اسرائیل در دره اردن؛ شرط جدید نتانیاهو برای مذاکره با فلسطینیان

سرویس خارجی: نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تاکید کرد هرگز با فلسطینیان توافقنامه راه حل نهایی را امضا نخواهد کرد مگر اینکه بقای اسرائیل در منطقه دره اردن تضمین شود.

به گزارش فارس، بنیامین نتانیاهو گفت: اسرائیل به امنیت خود اهتمام داد و بر این اساس لازم است در منطقه دره اردن که در مجاورت کشور اردن است و حدود یک چهارم کرانه باختری را تشکیل می‌دهد، باقی بماند.

روزنامه «معاریو» نوشت از زمان آغاز نشست طرف‌های فلسطینی و اسرائیلی در امان مذاکرات محرمانه در رابطه با موضوع عقب‌نشینی اسرائیل از دره اردن آغاز شده است. این روزنامه همچنین به نقل از «اسحاق مولخو» فرستاده نتانیاهو به نشست امان مدعی شد: اسرائیل در جریان مذاکراتی که از اوایل ماه جاری در امان آغاز شده است، به طور عملی دست از حاکمیت در منطقه دره اردن برداشت. خبر دیگر اینکه کنست (پارلمان) رژیم صهیونیستی قانون ممنوعیت تخلیه مجتمع‌های شهرک‌نشینی در کرانه باختری را بررسی می‌کند و در صورت تصویب این قانون فلسطینیان از پس‌گیری اراضی خود منع خواهند شد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی قاضی «ادموند لوی» را به عنوان رئیس کمیته بررسی قانون مجتمع‌های شهرک‌نشینی تعیین کرده و قرار است این کمیته امروز قانون ممنوعیت تخلیه مجتمع‌های شهرک‌نشینی را بررسی کند.

در پیش‌نویس قانونی که به امضای ۲۰ عضو کنست رسیده، آمده است اگر فلسطینیان ظرف چهار سال از زمان ساخت مجتمع‌ها هیچ دادخواستی به دادگاه عالی اسرائیل مبنی بر تخلیه زمین‌های خود ارائه نکردند، در آن صورت هرگونه تخلیه شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری ممنوع است.

آغاز سفر هنیه

نخست‌وزیر دولت منتخب فلسطین در آغاز دومین دور سفرهای منطقه‌ای خود وارد دوحه پایتخت قطر شد و با امیر قطر دیدار و گفت و گو کرد.

وی در این سفر مسائل زیادی بویژه روابط دوجانبه، آخرین تحولات منطقه و خطراتی که شهر قدس را تهدید می‌کند و همچنین مسائل مهم دیگر را با امیر قطر بررسی کرد. هنیه در بدو ورود به دوحه مورد استقبال شیخ «حمدبن ناصربن جاسم آل ثانی» وزیر کشور و مسئول امور خاندان آل ثانی قرار گرفت. هنیه در جریان دومین سفر دوره‌ای خود به منطقه قرار است به ایران نیز سفر کند.

این در حالی است که منابع آگاه قطری از حضور قطر در کنفرانس سالیانه «هرتزلیا» خبر دادند که در آن سران و اندیشمندان و نخبگان رژیم صهیونیستی و یهودیان سراسر جهان شرکت و سیاست‌های عالی سال آینده این رژیم را ترسیم می‌کنند.

به گزارش فارس، منابع آگاه و نزدیک به خاندان حاکم قطر تاکید کردند که این کشور در کنفرانس صهیونیستی سالیانه هرتزلیا شرکت می‌کند.

قرار است، «سلمان الشیخ» مشاور ویژه اندیشکده بروکینگز در قطر و از جمله افراد بسیار نزدیک به «موزه» همسر امیر قطر در این کنفرانس به نمایندگی از قطر حضور یابد.

ترکیه تکذیب کرد

سخنگوی دولت ترکیه ادعای تاسیس دفتر سیاسی جنبش حماس در این کشور را رد کرد. «بولنت آرینچ» سخنگوی دولت ترکیه در گفت و گو با خبرنگاران گفت: تاسیس دفتر سیاسی حماس توسط خالد مشعل در این کشور صحت ندارد. سخنگوی دولت ترکیه با اشاره با اخبار منتشرشده توسط برخی از رسانه‌ها مبنی بر اینکه آنکارا سالانه صدها میلیون دلار به حماس کمک مالی می‌کند، اظهار داشت: این اخبار صحت ندارد.

شورای نظامی مصر کناره‌گیری زودهنگام از قدرت را بررسی می کند

سرویس خارجی: سخنگوی شورای نظامی حاکم بر مصر گفت: ارتش این کشور در حال بررسی راه‌های موجود برای سرعت بخشیدن به روند انتقال قدرت به غیر نظامیان است.

«محمد الخولی» گفت: مشاوران ارتش خواستار کاهش تنش‌هایی هستند که پس از تظاهرات سالگرد آغاز قیام علیه حسنی مبارک به وجود آمده است.

الخولی گفت: یکی از گزینه‌ها این است که انتخابات ریاست جمهوری زودتر از زمانبندی فعلی انجام شود. طبق زمانبندی فعلی که از سوی شورای نظامی اعلام شده، انتخابات ریاست جمهوری تا پایان ماه ژوئن (اوایل تیر ماه) برگزار می‌شود.

با این حال، برخی کارشناسان بر این باورند که عقب کشیدن زمان انتخابات، خود باعث بروز تنش‌های جدید خواهد شد. چرا که زمان مورد نیاز برای تهیه و تدوین قانون اساسی جدید را کمتر و فشرده‌تر خواهد کرد. از سویی، منابع آگاه در شورای مشورتی مصر از احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری در این کشور خبر دادند.

منابعی در شورای مشورتی مصر که وظیفه مشورت و پیشنهاد دادن به شورای نظامی حاکم در این کشور را بر عهده دارد، اعلام کردند که اعضای این شورا احتمال به جلو افتادن دو روزه انتخابات ریاست جمهوری مصر را مورد بررسی قرار می‌دهند. در تحولی دیگر، شورای نظامی حاکم بر مصر شرایط نامزدهای نخستین انتخابات ریاست جمهوری مصر را اعلام کرد.

در اطلاعیه شورای عالی نظامی، ضمن تاکید بر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری طی ماه‌های آینده آمده است، کسانی می‌توانند به عنوان نامزد تصدی سمت ریاست جمهوری مصر در انتخابات شرکت کنند که از والدین مصری در مصر متولد شده باشند و دارای تابعیت دوگانه و همسر خارجی نباشند.

تظاهرات «سه‌شنبه پافشاری»

تظاهرات «سه‌شنبه پافشاری» با هدف انتقال قدرت و قصاص قاتلان شهدا با شرکت گسترده مردم مصر برگزار شد. ائتلاف جوانان انقلاب مصر هدف از برگزاری این تظاهرات را تاکید بر انتقال هر چه سریع‌تر قدرت از شورای عالی نظامی مصر به قدرت منتخب مدنی و قصاص قاتلان شهدای انقلاب مصر بیان کرد.

از دیگر سو، براساس اخبار به دست آمده، از نتایج اولیه شمارش آرای مرحله اول انتخابات مجلس شورای مصر که طی دو روز گذشته در ۱۳ استان این کشور برگزار شد، حزب «آزادی و عدالت»، شاخه سیاسی اخوان‌المسلمین پیشتاز است. خبر دیگر اینکه، «لئون پانتا»، وزیر دفاع آمریکا، از ژنرال حسین طنطاوی حاکم نظامی مصر خواست که ممنوعیت سفر شهروندان این کشور شاغل در موسسه‌های مردم نهاد به اصطلاح طرفدار مردم سالاری را لغو کند.

حکم نهایی

منابع قضایی مصر اعلام کردند که حکم نهایی دادگاه رئیس جمهوری سابق این کشور ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن) صادر می‌شود و جلسه نهایی به احتمال زیاد به صورت مستقیم از تلویزیون پخش خواهد شد.

منابع قضایی مصر که در جریان پرونده حسنی مبارک، رئیس جمهوری مخلوع مصر هستند، فاش کردند: دادگاه جنایی قاهره تلاش می‌کند، حکم نهایی مبارک در قضیه کشتار تظاهرات کنندگان مصری را تا ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن) اعلام کند.

تلاش پارلمان افغانستان برای استیضاح وزیران دولت کرزی

سرویس خارجی: پارلمان افغانستان در واکنش به بازگشت بخش قابل توجهی از بودجه‌های عمرانی سال ۱۳۹۰ از سوی ۱۷ وزارتخانه خواستار ...

ناآرامی گسترده شهر کراچی پاکستان را فرا گرفت

سرویس خارجی: شیعیان شهر کراچی در مراسم تشییع پیکر دو تن از شهدای شیعه این شهر دست به اعتراضی گسترده‌ای زدند و از ادامه روند کشتار ...

العراقیه از بازگشت وزرای خود به نشست‌های کابینه عراق خبر داد

اتحادیه اروپا بسته ریاضت اقتصادی را تصویب کرد

سرویس خارجی: کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست خود در بروکسل ضمن توافق درباره اعمال قوانین سخت‌گیرانه‌تر و اجرای بسته ...



***ایتالیا**

همزمان با مراسم رسمی اعطای لیسانس افتخاری علوم بین‌المللی دانشگاه «بولونیا» به رئیس جمهوری ...

کوتاه از سراسر جهان

تشدید تنش انگلیس و آرژانتین درباره فالکلند

ایرنا: جزایر فالکلند مورد مناقشه لندن و بوینس آیرس می‌رود تا با حضور شاهزاده ویلیامز نوه ملکه انگلیس به عنوان افسر خلبان نظامی تحت پوشش انجام مأموریت جستجو و امدادرسانی، بار دیگر به کانون تنش طرفین تبدیل شود.

دولت آرژانتین با اعزام شاهزاده ویلیامز به جزایر فالکلند که آن را «مالویناس» می‌خواند اعتراض کرده و آن را اقدامی تحریک‌آمیز از سوی لندن قلمداد کرد. شاهزاده ویلیامز به عنوان افسر و خلبان بالگرد قرار است شش هفته در پایگاه نظامی «پلزنت ماونت» در فالکلند برای انجام مأموریت‌های تجسس و امدادرسانی اعزام شود، اما این حضور در چنین پایگاه نظامی می‌تواند پیامی دیگر در بر داشته باشد.

دورخیز «مرداک» برای خرید رسانه‌های ترکیه



ایرنا: «روپرت مرداک» غول رسانه‌ای جهان برای خرید روزنامه «صباح» و یک شبکه تلویزیونی در ترکیه حاضر به پرداخت یک میلیارد دلار شده است.

این سرمایه‌دار آمریکایی استرالیایی تبار در تلاش برای خرید روزنامه صباح و ایستگاه تلویزیونی «ا.تی.وی» ترکیه است.

هشدار سازمان ملل درباره گسترش فقر

بی‌بی‌سی: گزارش جدید سازمان ملل متحد می‌گوید، تا سال ۲۰۴۰ یعنی کمتر از ۳۰ سال دیگر، جمعیت جهان از هفت میلیارد نفر به ۹میلیارد خواهد رسید و بشریت با کمبود منابع طبیعی و فقر روبه‌رو خواهد شد.

بنا به این گزارش، زمان زیادی برای تولید مواد غذایی، آب و انرژی بیشتر در دنیا باقی نمانده و برای پیشگیری از این فرجام، به یک برنامه سیاسی اقتصادی جدید نیاز است. طبق این گزارش، نیاز جمعیت جهان به غذا تا ۲۰ سال آینده ۵۰درصد، به انرژی ۴۵درصد و به آب ۳۰درصد افزایش خواهد یافت.

آغاز رسیدگی به پرونده اتهامی «آسانژ»



ایسنا: جلسه رسیدگی به پرونده «جولیان آسانژ»، بنیانگذار وب‌سایت افشاگر ویکی لیکس در دادگاه استیناف انگلیس آغاز شد.

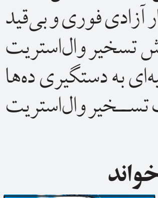
آغاز جلسات رسیدگی به پرونده جولیان آسانژ تازه‌ترین رویداد در مبارزه طولانی مدت وی برای عدم استرداد به سوئد است.

سوئد خواستار استرداد آسانژ و محاکمه وی در این کشور به خاطر اتهامات وارده به وی مبنی بر تجاوز به دو زن است.

درخواست برای آزادی ۵۰ خبرنگار زندانی در آمریکا

ایرنا: انجمن خبرنگاران آزاد در آمریکا ضمن اعتراض شدید به نقض آزادی مطبوعات و جریان اطلاعات آزاد در این کشور، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط ۵۰ خبرنگاری شد که به اتهام پوشش اخبار جنبش تسخیر وال‌استریت زندانی شده‌اند. انجمن خبرنگاران آزاد آمریکا با انتشار بیانیه‌ای به دستگیری دهها خبرنگار که به وظایف حرفه‌ای خود در پوشش اعتراضات تسخیر وال‌استریت عمل کرده‌اند، اعتراض کرد.

مک‌کین، گینگریچ را فاقد صلاحیت خواند



ایرنا: جان مک کین سناتور ایالت آریزونا و رقیب باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ معتقد است، نیوت گینگریچ صلاحیت رئیس جمهور شدن آمریکا را ندارد.

جان مک کین با تکرار حمایت خود از میت رامنی اظهار داشت به اعتقاد من میت رامنی از شانس زیادی برخوردار است تا به عنوان نامزد اصلی جمهوریخواهان به رقابت با اوباما برود. وی گفت: اگر گینگریچ بتواند در انتخابات درون‌حزبی میت رامنی را شکست دهد به عنوان یک جمهوریخواه از او حمایت خواهم کرد.

ربایندگان، سفیر مکزیک را آزاد کردند

ایرنا: سفیر مکزیک در ونزوئلا که به همراه همسرش توسط مردان مسلح ربوده شده بود، پس از چهار ساعت آزاد شد.

چهار مرد مسلح، «کارلوس پوجالتی» سفیر مکزیک در ونزوئلا را به اتفاق همسرش در ساعات نیمه‌شب یکشنبه گذشته ربودند و چهار ساعت بعد آن‌ها را آزاد کردند. هنوز مشخص نیست هدف ربایندگان چه بوده است.

نظربایف وضع فوق‌العاده را لغو کرد



ایرنا: «نورسلطان نظربایف» رئیس جمهوری قزاقستان وضع فوق‌العاده در شهر آشوب‌زده نفت‌خیز «زنازون» که به تازگی صحنه درگیری خونین بین نیروهای پلیس و کارگران معترض صنعت نفت بود را لغو کرد.

در درگیری‌های ماه گذشته در شهر نفت‌خیز «زنازون» و در منطقه «مانگیسائو»، دست کم ۱۶ نفر کشته شدند. کارگران بخش صنعت نفت با برپایی اعتراض‌هایی، خواستار بهبود وضع معیشتی خود شده بودند.

هشدار چین به ژاپن

ایرنا: چین به ژاپن در خصوص تلاش برای تغییر نام جزایر «دیائویو» هشدار داد. سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: ما یادداشت اعتراضی را در این زمینه به ژاپن تسلیم کرده‌ایم. دولت ژاپن شروع به نامگذاری ۳۹ جزیره کوچک در مجمع‌الجزایر «دیائویو» کرده است. توکیو قصد دارد این نام‌ها را تا پایان ماه مارس امسال در نقشه ژاپن ثبت کند. سخنگوی دولت چین تأکید کرد: دیائویو و جزایر اطراف آن متعلق به چین است.

تقدیر رئیس جمهوری تایوان از چین



ایرنا: «ما یینگ جو» رئیس جمهوری تایوان که برای بار دوم به این سمت انتخاب شد، رهبران چین را به سبب ممیزی نکردن گزارش‌های اینترنتی درباره انتخابات اخیر تایوان مورد تمجید قرار داد. ما یینگ جو گفت مقامات چین بر خلاف گذشته به درگاه (پورتال)های اینترنتی اجازه دادند تفسیر درستی از رأی‌گیری اخیر در تایوان ارائه دهند. وی تأکید کرد این گزارش‌ها می‌تواند به آموزش مردم چین در ارتباط با مردم‌سالاری کمک کند و به تحولات مثبت در مناسبات دو کشور بینجامد.

تاکید امارات و ترکیه بر ارتقای روابط دوجانبه

خبرگزاری فارس: رئیس امارات در دیدار با رئیس جمهوری ترکیه به بررسی راه‌های توسعه همکاری‌های مشترک بین دو کشور در تمامی زمینه‌ها و ارتقای سطح کنونی همکاری‌ها در راستای منافع مشترک دو کشور و همچنین تبادل نظر درباره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداختند.

به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری امارات (وام)، شیخ «خلیفه‌بن زاید آل نهیان» با «عبدالله گل»، رئیس جمهوری ترکیه که برای اولین بار طی ۱۵ سال گذشته تاکنون به ابوظبی رفته است دیدار کرد. رئیس امارات در این دیدار بر اهتمام کشورش برای تحکیم روابط با ترکیه در راستای حمایت از امنیت و ثبات منطقه تاکید کرد.



واکاوی کارنامه هدفمندی یارانه‌ها

پیشینه پرداخت یارانه‌ها در کشور به قبل از انقلاب باز می‌گردد، از همان زمان علی‌رغم اینکه یک عده مخالف پرداخت یارانه و عده دیگر موافق بودند، اغلب دولت‌ها به بهانه حمایت از اقشار کم درآمد جامعه طرفدار سیاست دادن یارانه بودند، هر چند پیش از انقلاب یارانه‌های پرداخت شده محدود بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترده‌تر شد.

به گزارش ایسنا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کالاهای اساسی به ویژه حامل‌های انرژی یارانه تعلق می‌گرفت که پس از این سال‌ها به تدریج دولت به این نتیجه رسید که باید یارانه‌ها را هدفمند کرد. با وجود اینکه موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها در برنامه سوم توسعه مطرح شد، در نهایت سیر صعودی حجم یارانه‌های آشکار و پنهان در اقتصاد ایران، اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها را بدل به اقدامی ضروری و گریزناپذیر برای اقتصاد کشور کرد، چراکه تداوم چنین روندی، از یک طرف دولت را به سوی یک بن‌بست تمام عیار مالی سوق می‌داد و از طرف دیگر اقتصاد ایران را به مرز یک بحران تمام عیار اقتصادی می‌رساند.

براساس این گزارش، هدفمندی یارانه‌ها که مهم‌ترین اقدام دولت برای مواجهه و حل‌وفصل چالش یارانه‌هاست، با کش و قوس‌های فراوان، بالاخره در ۲۸ آذر سال ۸۹ به مرحله اجرا رسید، ولی این طرح در شرایطی به مرحله اجرا گذارده شد که اقتصاد ایران با وجود کنترل و مهار تورم، با رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کرد و رشد اقتصادی با کاهش مواجه بود.

اما از سویی دیگر با وجود امیدهای پیش رو، از بیم‌های پیش رو هم نباید غافل شد، از یک سو، آزادسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای در پرتو اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند منشا اثرات بسیار مفیدی برای اقتصاد کشور به خصوص در بلندمدت شود که مهم‌ترین آن، اثر مثبت افزایش کارآیی و بهره‌وری در سطح اقتصاد کلان ایران است، به علاوه بهبود توزیع درآمد به نفع دهک‌های پایین درآمدی هم یک نتیجه مهم است، اما از سوی دیگر اجرای این قانون در بردارنده تبعات و هزینه‌های قابل توجهی در کوتاه‌مدت برای اقتصاد ایران هم هست که از مهم‌ترین این هزینه‌ها می‌توان به افزایش قیمت‌ها از یک طرف و تضعیف تولید ملی و گسترش بیکاری از طرف دیگر در کوتاه‌مدت اشاره کرد.

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی و بسیاری از مسئولان دولت، یارانه‌ها

*** ماهیت هدفمندی یارانه‌ها را می‌توان به عنوان تغییر در نظام پرداخت یارانه تفسیر کرد که در دو محور آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاهای یارانه‌ای و باز توزیع درآمد حاصل از حذف یارانه‌های غیرمستقیم و افزایش قیمت‌ها خلاصه می‌شود**

*** با توجه به اینکه یارانه‌ها به صورت برابر میان همه گروه‌های درآمدی توزیع شده است، می‌توان نتیجه گرفت که باز توزیع درآمد به نفع دهک‌های پائین و زیان دهک‌های بالای درآمدی خواهد بود و در واقع انتظار می‌رود بر اثر اجرای این قانون، بخشی از درآمد از اقشار بالای درآمدی به اقشار پایین درآمدی منتقل می‌شود**

*** تشدید کنترل قیمتی نه تنها اقتصاد کشور را از مهمترین مزیت قانون هدفمندی یارانه‌ها یعنی افزایش کارآیی ناشی از واقعی شدن قیمت‌ها و شفاف شدن آنها بی‌بهره می‌گذارد، بلکه ممکن است کارآیی اقتصاد کشور را در تخصیص منابع در فرآیندهای تولید و مصرف کاهش دهد و به ایجاد فقدان تعادل‌های گسترده بیانجامد**

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی در دولت‌های پیشین بوده است. اگر ریشه‌های چالش یارانه‌ها را در سیر تاریخی خود واکاوی کنیم، قطعاً به این نتیجه مهم خواهیم رسید که طرح تثبیت قیمت سوخت و کالاهای عمومی که در سال ۱۳۸۳ توسط مجلس هفتم به تصویب رسید و در سال‌های برنامه چهارم توسعه در دولت فعلی به مرحله اجرا درآمد، یک نقطه عطف بوده است. در واقع تصویب و اجرای این طرح موجب گسترش فزاینده حجم یارانه‌های پنهان و آشکار در اقتصاد ایران شده است.

ماهیت هدفمندی یارانه‌ها را می‌توان به عنوان تغییر در نظام پرداخت یارانه تفسیر کرد که در دو محور اساسی خلاصه می‌شود. محور اول شامل حذف یارانه و آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاهای یارانه‌ای است که در مرحله اول بخشی از یارانه (برای کالاهای مختلف به اندازه مختلف) حذف و قیمت‌های جدید اعلام شده است. حذف یارانه و افزایش قیمت انرژی و سایر کالاهای یارانه‌ای را می‌توان به عنوان یک شوک طرف عرضه در سطح اقتصاد کلان تفسیر کرد که در بردارنده یک فشار هزینه‌ای است.

محور دوم شامل بازتوزیع درآمد حاصل از حذف یارانه‌های غیرمستقیم و افزایش قیمت‌ها، در اقتصاد کشور است؛ در این بازتوزیع درآمد، سهم مردم برابر ۵۰ درصد، سهم تولیدکنندگان برابر ۳۰ درصد و سهم دولت برابر ۲۰ درصد در نظر گرفته شده است، که در حال حاضر سهم مردم به صورت علی‌الحساب (۴۵۵۰۰ تومان به ازای هر نفر در ماه) پرداخت شده است و قاعدتاً دولت هم در برداشت سهم خود مشکلی نخواهد داشت اما هنوز مکانیسم پرداخت یارانه بخش تولید و بنگاه‌های اقتصادی در ابهام قرار دارد.

در حال حاضر اگر به سهم مردم، دولت و بخش تولید از یارانه انرژی توجه کنیم، احتمالا به این نتیجه خواهیم رسید که آنچه در شرایط فعلی در حال انجام است، تغییر در نظام پرداخت یارانه است، به این معنا که تغییر چندانی در حجم یارانه‌ها ایجاد نکرده است، اما نحوه پرداخت آن از یارانه انرژی و سایر کالاها، به یارانه نقدی تغییر جهت داده است، اما اینکه این مسیر در نهایت به حذف یارانه‌ها خواهد انجامید یا نه، به شیوه اجرای طرح در آینده بستگی دارد.

اگر دولت در آینده یارانه نقدی را به اندازه فعلی ثابت نگه دارد، آنگاه روشن است که حجم واقعی یارانه با توجه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، از مسیر یک فرآیند تورمی به تدریج کاهش خواهد یافت و حذف خواهد شد، اما اگر همراه با افزایش قیمت انرژی، میزان یارانه نقدی هم به طور متناسب افزایش یابد، آنگاه حجم یارانه‌های نقدی همچنان رو به فزونی خواهد گذاشت.

با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در بنزین، قیمت این فرآورده نفتی به ۷۰۰ تومان در هر لیتر رسید و حال اینکه بر اساس مصوبه مجلس قرار بود که دولت در پنج سال قیمت حامل‌های انرژی را به میزان قیمت فوب خلیج‌فارس برساند، ولی دولت از سال اول اجرای قانون، قیمت حامل‌های انرژی را به قیمت فوب خلیج فارس رساند.

با حذف یارانه انرژی و کالاهای اساسی دیگر، روشن است که در وهله اول قیمت نسبی این کالاهای یارانه‌ای نسبت به سایر کالاها با افزایش قابل توجه مواجه شد، به طوری که در مرحله اول اجرای طرح، افزایش قیمت بنزین ۳۰۰ درصد، گاز ۴۳۰ درصد، نفت سفید ۵۰۰ درصد، نفت گاز ۸۰۰ درصد، برق به طور متوسط ۱۸۰ درصد و آب به طور متوسط ۲۰۰ درصد بوده است و با توجه به اهمیت وزنی این کالاها در سبد خانوار، شاخص قیمت این شش قلم کالا به طور متوسط با ۲۹۰ درصد افزایش مواجه شده است. قیمت نسبی سایر کالاها هم تاثیرات قابل توجهی داشته است، در واقع اصلاح قیمت انرژی به طور طبیعی موجب ایجاد فرآیندی از اصلاح قیمتی در سایر کالاها متناسب با میزان انرژی‌بری فرآیندهای تولید و سایر تغییرات عرضه و تقاضای آن کالاها شد.

می‌توان به طور کلی گفت که غیراز انرژی، قیمت نسبی دو دسته از کالاها با افزایش مواجه شد، یک دسته کالاها و خدماتی مانند خدمات حمل‌ونقل یا سیمان هستند که در تولید آن‌ها انرژی دارای نقش مهمی است، این افزایش قیمت نسبی مربوط به کاهش عرضه است که به دلیل افزایش قیمت انرژی به عنوان نهاده تولید اتفاق افتاد، دسته دوم کالاهای اساسی مانند خوراک و پوشاک است که افزایش قیمت این کالاها ناشی از افزایش تقاضاست، چراکه پرداخت یارانه نقدی موجب می‌شود تا دهک‌های پایین درآمدی از این یارانه برای رفع نیازهای اساسی خود استفاده کنند و در نتیجه تقاضای این کالاها افزایش یافته و به تبع آن قیمت این کالاها هم افزایش یافت.

بقیه در صفحه ۱۸

خسارتی که قاچاق کالا می‌زند

قاچاق کالا پدیده شومی است که نه تنها آثار زیانباری بر اقتصاد جامعه دارد، بلکه پیامدهای اجتماعی فراوانی به همراه داشته و از سویی باعث در خطر قرار گرفتن سلامت جامعه می‌شود بنابراین جا دارد مسئولان امر به صورت جدی با این پدیده شوم مبارزه‌ای قاطع و همه جانبه کنند.

به گفته مسئولان در قاچاق کالا چهار رکن اصلی جامعه یعنی مردم، تولیدکنندگان، دولت و اصناف بیشترین خسارت را متحمل می‌شوند.

کالای قاچاق هنگامی که وارد بازار شد، تبعات آن دامنگیر همه خواهد شد و ارکان مختلف جامعه را درگیر خود می‌سازد و کمتر کسی می‌تواند از تبعات منفی آن در امان باشد.

پوشاک قاچاق به دلیل آنکه مشخص نیست از چه جایی تهیه شده است، سلامت خانواده‌ها را نشانه می‌رود. داروی قاچاق زندگی طبیعی را از انسان می‌گیرد و افراد را درگیر پیامدهای ناخواسته می‌سازد.

قاچاقچیان کالا را سوداگران مرگ نامیده‌اند که تعبیری زیباست و بیانگر آن است که همه باید با این سوداگران با جدیت مبارزه کنند.

کالاهای اقتصادی که مورد قاچاق قرار می‌گیرد را در اصطلاح، کالای قاچاق می‌نامند و شخص یا اشخاصی که مبادرت به انجام قاچاق می‌کنند را قاچاقچی یا سوداگر می‌گویند.

یکی از بازاریان تهران در خصوص پدیده قاچاق در بازار تهران می‌گوید: وجود جنس قاچاق در بازار تهران به مبادی ورودی کشور باز می‌گردد که آنقدر فضا باز است که قاچاقچیان به راحتی و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای اقدام به قاچاق انواع کالاها به داخل کشور می‌کنند. علی حیدری می‌افزاید: اکنون تمامی فروشگاه‌های بازار تهران اجناس قاچاق را در ویترین‌های خود در کنار اجناس رسمی در معرض فروش گذاشته‌اند و مبارزه با آن در این مرحله کار بسیار سختی است.

وی بیشترین میزان کالای قاچاق در بازار تهران را مربوط به پوشاک دانسته و می‌گوید: انواع و اقسام پوشاک بنجل قاچاق در بازار تهران سلامت مردم را به خطر انداخته است و از طرف دیگر سبب ضربه خوردن اقتصاد می‌شود.

این فعال بازار تهران اضافه می‌کند: منافعی که از طریق قاچاق عاید سودجویان شده، آنقدر خوب و بالا بوده که آنها اقدام به خرید مغازه‌های بازار تهران به چندین برابر قیمت واقعی کرده‌اند و اکنون مغازه‌های بازار که تا پیش از این از قیمت‌های بالایی برخوردار نبودند، به قیمت‌های میلیاردی رسیده‌اند.

بنا به گفته معاون اول رئیس‌جمهوری آمار فعلی قاچاق در کشور سالانه ۱۶ میلیارد دلار است.

محمدرضا رحیمی در سخنانی افزوده است: از طریق قاچاق، اجناس بنجل و غیراستاندارد وارد بازار می‌شود که برای سلامت مردم خطر دارد و تولید کشور را در معرض نابودی قرار می‌دهد.

حیدری که سال‌ها در بازار تهران فعالیت می‌کند و جزو هیات امنای بازار تهران است، می‌گوید: نبود نظارت جدی در بازار پوشاک تهران سبب افزایش میزان اجناس قاچاق در این بازار شده است به گونه‌ای که این نوع اجناس حتی فرهنگ حجاب و عفاف ما را نشانه گرفته‌اند. یکی دیگر از فعالان بازار تهران معتقد است: قاچاق در بازار تهران پدیده‌ای پسندیده شده است و به دلیل نبود برخورد جدی با این نوع کالاها، مردم به حضور این کالاها عادت کرده‌اند.

محمدرضا جعفریان می‌گوید: هنگامی که کالای قاچاق وارد بازار تهران شد دیگر به راحتی نمی‌توان با آن مبارزه کرد زیرا این نوع کالاها در کنار کالاهای رسمی عرضه می‌شوند و یافتن آنها کاری مشکل است.

این در حالی است که رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اشاره به کاهش حجم قاچاق کالا در سال ۸۹ به ۱۴ میلیارد دلار گفته است: از این میزان ۱۳ میلیارد دلار آن کالاهای ورودی و یک میلیارد دلار دیگر کالاهای خروجی بوده است.

سعید مرتضوی در مراسمی می‌گوید: در سال ۸۸ حجم قاچاق با استفاده از بررسی‌های علمی و تجارب میدانی ۱۹ میلیارد دلار بوده است.

سعید مرتضوی در خصوص پرونده‌های رسیدگی به قاچاق کالا گفته است: سهم پرونده‌های کمتر از یک میلیون تومان در سال ۸۸ حدود ۵۵ درصد بوده، ولی در سال ۸۹ به ۵۰ درصد رسیده و این نشان می‌دهد که در رابطه با پرونده‌های خرد ۵ درصد رشد منفی داشته‌ایم، اما در مقابل، در مورد پرونده‌های کلان و باندی، ارزش پرونده‌های بالاتر از ۱۰۰ میلیون تومان در سال ۸۸ بالغ بر ۱۶۲ میلیارد تومان بوده که در سال ۸۹، این میزان به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است.



واکاوی کارنامه هدفمندی یارانه‌ها

بقیه از صفحه ۱۷

هر چه نرخ رشد حجم پول یا نقدینگی افزایش یابد، نرخ تورم به تبع آن افزایش خواهد یافت، چرا که بین رشد حجم پول و تورم یک رابطه مستقیم برقرار است. افزایش رشد حجم پول در میان مدت و بلندمدت به ناگزیر منجر به افزایش تورم خواهد شد، اگر چه در کوتاه‌مدت ممکن است با توجه به شرایط اقتصادی، اثرات محدودی بر تولید داشته باشد.

این نکته کاملاً روشن است که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، اثرات مستقیمی بر توزیع درآمد گذاشته است، با توجه به اینکه یارانه‌ها به صورت برابر میان همه گروه‌های درآمدی توزیع شده است، می‌توان نتیجه گرفت که بازتوزیع درآمد به نفع دهک‌های پایین درآمدی و به زیان دهک‌های بالای درآمدی خواهد بود، در واقع انتظار می‌رود بر اثر اجرای این قانون، بخشی از درآمد از اقشار بالای درآمدی به اقشار پایین درآمدی منتقل شود.

اصلاح قیمت انرژی، فرآیندی تدریجی از افزایش قیمت‌ها را از مسیر افزایش سرعت گردش پول شکل خواهد داد. این فرآیند افزایش تدریجی قیمت‌ها، میزان هزینه‌های گروه‌های پایین درآمدی را به مرور و تا چند ماه آینده افزایش خواهد داد، روشن است که اگر یارانه نقدی خانوارهای کم‌درآمد در نهایت و پس از اصلاح کامل تمامی قیمت‌ها، بیش از افزایش هزینه‌ها باشد، نه تنها رفاه نسبی، بلکه رفاه آنان به صورت مطلق هم بهبود خواهد یافت.

قطعاً یکی از مهم‌ترین اهداف هدفمندی یارانه‌ها اصلاح قیمت است و همانطور که اشاره شد، اصلاح قیمت انرژی به طور طبیعی موجب ایجاد فرآیندی از اصلاح قیمتی در بازار سایر کالاها متناسب با میزان انرژی بری فرآیندهای تولید و سایر تغییرات عرضه و تقاضای آن کالاها خواهد شد، در واقع اثر مثبت شفاف‌سازی و واقعی شدن قیمت‌های نسبی در صورتی به وقوع خواهد پیوست که دولت با مشاهده افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف، با هدف جلوگیری از گرانی، محدودیت و کنترل قیمت را در بازارها افزایش ندهد، اما به نظر می‌رسد دولت تمهیدات جدی برای کنترل قیمتی به وسیله سیستم‌های نظارتی را در دوره اجرای طرح در دستور کار خود قرار داده است.

تشدید کنترل قیمتی از طریق سیستم‌های نظارتی به وضوح در تعارض با هدف اصلاح قیمتی قرار دارد، در واقع این امر نه تنها اقتصاد کشور را از مهم‌ترین مزیت قانون هدفمند کردن یارانه‌ها یعنی افزایش کارآیی ناشی از واقعی شدن قیمت‌های نسبی و شفاف شدن آنها بی‌بهره خواهد گذاشت، بلکه ممکن است کارآیی اقتصاد کشور را در تخصیص منابع در فرآیندهای تولید و مصرف، کاهش دهد و به ایجاد نبود تعادل‌های گسترده بیانجامد.

به علاوه اگر بنگاه‌های تولیدی نتوانند قیمت کالاهای تولیدی خود را متناسب با افزایش هزینه‌های خود افزایش دهند، حاشیه سود آنها به شدت کاهش خواهد یافت و در صورت زیان‌دهی ممکن است به توقف خطوط تولید خود اقدام کنند و این امر به ایجاد موجی از ورشکستگی در صنایع مختلف منجر شود که به تبع آن تولید و اشتغال در سطح اقتصاد کلان کاهش خواهد یافت.

دکتر ناصر شاهنوشی عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد، می‌گوید: آنچه در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها تصویب شده بود، اجرا نشده است.

وی با بیان اینکه در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها قرار بود ۳۰ درصد منابع مالی به تولید پرداخت شود، تصریح می‌کند: این کار صورت نگرفت که از ضعف‌های اجرای قانون است.

شاهنوشی یکی از ضعف‌های اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را فراهم نکردن زیرساخت‌ها قبل از اجرای قانون دانسته و بیان می‌دارد: اجرای این قانون در بیشتر جنبه‌ها مثبت بود، ولی به تولید به دلیل نداشتن زیرساخت ضربه زد. وی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را باعث کاهش ضایعات ۲۹ درصدی نان دانسته و خاطرنشان می‌کند: اجرای این قانون در کاهش مصرف انرژی مانند آب و برق و گاز بسیار موثر بوده است.

دکتر مصطفی سلیمی‌فر رئیس دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به اینکه اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در طول یکسال گذشته، از چند جهت قابل ارزیابی است، می‌گوید: آمادگی دستگاه‌های اجرایی، اصناف و اتحادیه‌ها و واریز یارانه‌های نقدی به حساب سرپرستان خانوار یکی از ارزیابی‌های هدفمندی یارانه‌ها است.

وی به مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص اجرای کامل قانون هدفمندی یارانه‌ها در ۵ سال اشاره و تصریح می‌کند: نتایج اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در چهار سال دیگر مشخص خواهد شد.

وی به افزایش شیب تند قیمت حامل‌های انرژی ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در همان ماه‌های اول اجرای این قانون اشاره کرده و می‌افزاید: در همان ماه‌های اول اجرای قانون، قیمت بنزین هفت برابر و گاز CNG، ۱۰ برابر افزایش یافت.

به گفته عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد، افزایش شیب تند قیمت حامل‌های انرژی ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در همان ماه‌های اول منطقی به نظر نمی‌رسید، چرا که براساس مصوبه مجلس قرار بود که قیمت حامل‌های انرژی پس از ۵ سال به قیمت فوب خلیج فارس برسد.

وی در ادامه یادآور می‌شود: افزایش قیمت‌ها در بخش نان قابل تحمل بود، چرا که نان در چرخه تولید نقش زیادی را ایفا می‌کند.

سلیمی‌فر با بیان اینکه براساس قانون هدفمندی یارانه‌ها، باید دولت ۳۰ درصد از محل درآمد یارانه‌ها را به بخش تولید اختصاص می‌داد، می‌گوید: پس از یکسال از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، این ۳۰ درصد به بخش تولید و صنعت اختصاص نیافته است.

وی با تاکید بر اینکه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها اثرات منفی بر تولید و صنعت گذاشته است، اظهار داشت: روند کنونی منجر به کاهش کیفیت و افزایش قیمت کالاهای تولیدی داخل کشور خواهد شد.

نامبرده با اشاره به نرخ تورم ۱۰ درصدی در ابتدای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، بیان می‌دارد: در ابتدای اجرای این قانون به نظر می‌رسید که دولت نتوانسته است نرخ تورم را کنترل کند از ابتدای سال جاری نرخ تورم در کشور در حال افزایش بوده است.

وی با اشاره به پیش‌بینی افزایش نرخ تورم به دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها توسط کارشناسان اقتصادی، می‌گوید: در صورتی که دولت تمهیدات لازم را در این خصوص نیندیشد، نرخ تورم در کشور شتاب بیشتری خواهد گرفت.

رئیس دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد از خیز بلند دولت در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها خبر داده و تاکید می‌کند: مدیریت آسان دولت با اجرای گام به گام قانون هدفمندی یارانه‌ها تا چهار سال آینده میسر خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه از جمعیت ۷۰ میلیون نفری کشور، ۵۰ میلیون نفر استحقاق دریافت یارانه را دارند، می‌گوید: روند موجود در پرداخت یارانه‌ها، دولت را دچار مشکل نقدینگی خواهد کرد.

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد تصریح می‌کند: دولت نیمی از درآمدهای حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را به پرداخت نقدی یارانه‌ها اختصاص داده و این درحالی است که هنوز ۳۰درصد سهم تولید و صنعت را پرداخت نکرده است.

وی راهکار دولت برای تامین نقدینگی را افزایش قیمت نرخ ارز دانسته و اظهار می‌دارد: افزایش نرخ ارز منجر به سوداگری در بازار شده است.

سلیمی‌فر با تاکید بر اینکه کاهش نرخ سپرده‌های بانکی، نقدینگی موجود در جامعه را افزایش داده است، می‌گوید: در حال حاضر برآورد می‌شود که حجم نقدینگی جامعه بیش از ۳۰۰هزار میلیارد تومان باشد.

وی یکی از راه‌های جمع آوری نقدینگی جامعه را فروش اوراق مشارکت دانسته و تاکید می‌کند: در صورتی که مجدداً منابع حاصل از فروش اوراق مشارکت هزینه شود در جمع‌آوری نقدینگی از جامعه تاثیری نخواهد گذاشت.

به گفته نامبرده، مردم به دلیل پایین بودن نرخ سپرده‌های بانکی نقدینگی خود را به سمت بازارهایی همانند طلا و مسکن سرازیر می‌کنند و این موضوع باعث خواهد شد تا مدیریت طلا و مسکن از دست دولت خارج شود.

وی با اشاره به اینکه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها یکی از طرح‌های تحول اقتصادی بود، خاطرنشان می‌کند: نباید سایر برنامه‌های طرح تحول اقتصادی نظیر اصلاح سیستم بانکی، نظام مالیاتی و گمرک به حاشیه رانده شود.

دکتر محمد علی خطیب، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد کسی مخالف اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نیست، اظهار می‌دارد: آنچه در اهداف قانون هدفمندی یارانه‌ها پیش‌بینی شده بود، محقق نشد.

وی با اشاره به اینکه قرار بود ۳۰ درصد از درآمد حذف یارانه‌ها به بخش صنعت اختصاص می‌یافت، می‌افزاید: این موضوع نه تنها اختصاص نیافت بلکه واحدهای صنعتی را به دلیل اجازه نداشتن افزایش قیمت تولیداتشان دچار مشکل کرد.

نامبرده افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای تولید داخل را از دیگر اثرات اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در طول یکسال گذشته برشمرد و می‌گوید: پرداخت نقدی یارانه‌ها، نقدینگی را در زمانی که افزایش تولید را در کشور نداریم، افزایش داد، چرا که باید افزایش نقدینگی در زمان افزایش تولید در کشور صورت بگیرد.

وی با تاکید بر اینکه افزایش نقدینگی در جامعه منجر به افزایش تورم در کشور شده است، اظهار می‌دارد: دولت با اتخاذ سیاست‌های ضد تورمی به رکود اقتصادی در کشور در طول یکسال اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها دامن زده است.

الزامات کار آفرینی در توسعه اقتصادی

آنچه در پی آمده است، بخش دوم و پایانی گزارشی است که نقش کارآفرینی و همچنین چالش‌ها و الزامات آن را در توسعه اقتصادی مورد بررسی قرارداده است که با هم می‌خوانیم

***

بهکیش هم چنین تعیین نرخ ارز در کشور را بدون مبنا دانسته و می‌افزاید: نرخ ارز در بازار تعیین نمی‌شود که بگوییم قیمت آن درست است. ارز در انحصار دولت است لذا مبنایی برای ارزشگذاری آن وجود ندارد. نرخ واقعی ارز، قیمت نسبی کالاهای کشورهای مختلف به یک پول مشترک است. بهکیش گفته خود را این گونه با مثال توضیح می‌دهد که اگر یک پیراهن را در کشور ترکیه ۱۰ دلار و در کشور ما ۱۲ دلار ارزش داشته باشد، نرخ واقعی ارز ۱/۲ خواهد بود. این رقم بدین معناست که در کشور ما مزیت تولید این کالا وجود ندارد و ما واردکننده خواهیم بود. اما اگر پسته در کشور ما ۸ دلار و در ترکیه ۱۰ دلار باشد، قیمت واقعی ارز ۰/۸ خواهد بود یعنی ما در این کالا مزیت داریم و صادرکننده خواهیم بود. اگر تلاش ما به این صورت باشد که این نرخ را به یک نزدیک کنیم یعنی می‌توانیم با یک کشور به همان اندازه که واردات داریم صادرات هم داشته باشیم. این باید مبنای تعیین نرخ ارز باشد

این اقتصاددان پیشنهاد می‌دهد تا برای تعیین نرخ ارز این گونه عمل شود که یک سبد کالا در کشور و چند کشور همسایه که با آن‌ها مبادله زیادی داریم، در نظر گرفته شود و نرخ ارز به گونه‌ای تعیین شود که نرخ واقعی ارز به عدد یک نزدیک شود که در این صورت می‌توانیم تراز تجاری کشور را متعادل کنیم. مبنای این پیشنهاد، برابری قدرت خرید است و باعث رشد اقتصادی و کاهش نیاز به درآمدهای نفتی می‌شود و اقتصاد ایران را مکمل اقتصادهای منطقه خواهد کرد.

مهندس احمد دوست حسینی رئیس مرکز هم اندیشی و بررسی‌های اقتصادی اتاق بر این نکته تمرکز دارد که رقابتی شدن اقتصاد مستلزم چه لوازمی است می‌گوید: نخست باید بازیگران عرصه رقابت دست و پایشان برای فعالیت اقتصادی باز باشد. و برای آنکه اقتصاد رقابتی داشته باشیم باید زمین رقابت، زمینی منطقی باشد و داور منصفی هم به داوری و قضاوت بنشیند و براساس معیارهای قابل پذیرش تصمیم گیری کند.

وی می‌افزاید: دولت در عرصه رقابت، شأن داوری دارد و باید این شأن را براساس مقررات و ضوابط منضبط و تدوین شده انجام دهد.

رئیس مرکز هم اندیشی و بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران همچنین خاطرنشان می‌دهد که دولت سیاستگذار است و در این عرصه باید دو شرط را همواره رعایت کند؛ نخست داوری است که دولت باید در این عرصه منصف باشد و دیگر اینکه دولت اجازه ندهد که در عرصه اقتصادی دوپینگ صورت بگیرد

وی با بیان اینکه سیاست باید در جهت رشد اقتصادی باشد، خاطرنشان می‌کند باید برای حضور فعالانی که از عرصه اقتصادی فاصله گرفته‌اند یا حذف شده‌اند ایجاد انگیزه کرد. درکشورهای توسعه یافته به ازای هر مهاجر که وارد این کشورها می‌شود، دو تا سه شغل ایجاد می‌شود.

دوست حسینی با اشاره به گزارش‌های رسمی مبنی بر اینکه میزان سرمایه گذاری در تابستان امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۵ درصد کاهش داشته است و از طرف دیگر، اشتغال هم در همین مدت با افت ۸۵ درصدی همراه شده است، تصریح می‌کند که بهره وری کل عوامل تولید عمدتا در اختیار مدیران بنگاه‌ها نیست و در جایی دیگر است. دراین میان منابع بنگاه‌های اقتصادی تحلیل رفته است و باید اقداماتی شود که این بنگاه‌ها دست کمک دراز نکنند، همچنین در نظام بانکی باید به گونه اصلاحات صورت بگیرد که توافقات میان بانک‌ها و فعالان اقتصادی دو جانبه بسته شود و تحمیلی از سوی بانک‌ها نباشد.

اما دکتر «جمشید عدالتیان» به دیدگاه‌هایی که پیش ازاو اززبان دکتر بهکیش و دوست حسینی مطرح شده بود، انتقاد داردو می‌گوید:

مقایسه وضع ایده آل با وضع فعلی، از جمله روش‌هایی است که بیشتر در مراکز دانشگاهی کاربرد دارد. در حالی که واقعیت‌های جامعه با آنچه که مطرح شد، تفاوت دارد.

وی با بیان اینکه از واقع بینی به دور هستیم ادامه می‌دهد اینکه تصدی امور به بخش خصوصی واگذار شود، بازار رقابت پذیر باشد یا بازارسرمایه به بازار کارآمدی تبدیل شود، جزو ایده آل‌هاست که شاید در این مقطع شدنی نباشد. البته دولت وهم فعالان اقتصادی به تئوری‌های مورد اشاره واقف هستند هنگامی که یک سیستم ماندگار می‌شود به این دلیل است که برنده‌های آن، بیش از بازنده‌های چنین سیستمی است که البته می‌توان عنوانی چون رانت یا فساد را هم برای آن برگزیند. نامبرده می افزاید: درچنین قاعده‌ای، هزینه فعالان اقتصادی سالم بیش از هزینه‌هایی است که فعالان اقتصادی رانت جو متحمل می‌شوند.

وی به اقتصاد روسیه پس فروپاشی اشاره می‌کند که فعالان وابسته به کمونیسم اکنون بزرگترین سرمایه داران این کشور هستند و می‌گوید: توزیع برابر امکانات بر رقابت پذیری تقدم دارد.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران معتقد است ترکیب دولت، جامعه و بازار ترکیب نظام اقتصادی کشور را تعیین می‌کند، می‌گوید: برخی عناصر این ترکیب باید تغییر کند؛ تغییر عناصر فرهنگی که موجب بی اعتمادی در جامعه شده است. که تئوری‌های جدید اقتصادی بر مبنای مطلوبیت نهایی کالا و خدمات نیست، بلکه براساس پیش بینی‌هایی است که از آینده صورت می‌گیرد.

درادامه دکتر محمدرضا شهیدی تبار به برخی مشکلات فضای کسب و کار که در حوزه پولی و بانکی ریشه دارد اشاره کرد وی می‌گوید: برخی نارسایی‌ها در نظام بانکی، نیاز به نقدینگی را تشدید می‌کند و البته بازار سرمایه در زمینه تامین نقدینگی فاقد کارایی است.

وی با اشاره به اینکه درحال حاضر حدود ۴۰۰ شرکت در بازار بورس فعالیت می‌کنندمی گوید: سهم بازار بورس در تامین سرمایه به بیش از ۴ درصد نمی‌رسد و البته ۸۰ درصد معاملات هم توسط ۱۵ شرکت صورت می‌گیرد.

نامبرده می‌افزاید: بانک‌ها از طریق نقل وانتقال وجوه میان مشتریان خود، درآمد کسب می‌کند به این ترتیب که به گروهی تسهیلات پرداخت می‌کند، آن را بازدریافت کرده و در اختیار گروهی دیگر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، از یک سو موضوع استمهال پنج سال یا سه ساله مطرح می‌شود و از سویی دیگر خواهان ارائه تسهیلات هستیم که این دو با یکدیگر در تضاد است.



وی به بدهی دولت به بخش خصوصی اشاره کرد می‌گوید: این بدهی‌ها که اغلب متعلق به وزارتخانه‌های نیرو و نفت است، موجب حبس نقدینگی شده و گردش نقدینگی را با مشکلات بسیاری مواجه ساخته است

شهیدی تبار تاکید می‌کند: اگر روند گردش نقدینگی اصلاح شود؛ آنگاه می‌توانیم وضع خون رسانی به بدنه اقتصاد را هم اصلاح کنیم. اگر آشفتگی در بازار موج می‌زند، به این دلیل است که مردم نمی‌دانند درچه حوزه‌ای باید سرمایه گذاری کنند. وی ادامه می‌دهد: بازار سرمایه باید از این قابلیت برخوردار باشد که امکان سرمایه گذاری برای کارآفرینان که شرایط اولیه را دارا هستند فراهم شود. از سوی دیگر بانک‌ها هم به دلیل مطالبات مشکوک الوصول قفل شده‌اند و قادر به ارائه تسهیلات نیستند.

دکتر علی خرسندیان مدیرکل دفتر امور بانک و بیمه وزارت اقتصاد هم با اشاره به مشکل تامین مالی بنگاه‌های به عنوان شاه بیت همه مشکلات بخش خصوصی می‌گوید: این که کشور فاقد یک نظام جامع تامین مالی است علاوه بر بخش خصوصی برای دولت هم مشکل ایجاد کرده است.

وی هم چنین به معضلاتی که ناخواسته برای بانک‌ها ایجاد می‌شود اشاره کرد و می‌گوید: الان همه فعالان بخش خصوصی در این فکر هستند که بروند از نظام بانکی تسهیلات بگیرند اما چون بانک‌ها نمی‌توانند به آن‌ها تسهیلات بدهند، توسط بخش خصوصی مقصر قلمداد می‌شوند. از طرفی وقتی هم تسهیلات می‌دهند و بنگاه به دلایل مختلف درونی و بیرونی قادر به پرداخت نیست و بانک وثائق را به اجرا می‌گذارد، باز هم این بانک است که مقصر جلوه داده می‌شود.

نامبرده به روزنه‌های دیگر برای تامین مالی چون بازار سرمایه و جذب سرمایه گذاری خارجی اشاره و از نبود ارتباط مناسب بین آنها انتقاد می‌کند و می‌گوید:

«اگر قرار باشد که به اهداف سند چشم انداز دست پیدا کنیم، بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم داریم که بانک‌ها بیش از ۲۵ درصد آن را نمی‌توانند برآورده کنند. یعنی بیش از این نمی‌توانیم به بانک‌ها تکلیف کنیم.

مدیرکل دفتر امور بانک و بیمه وزارت اقتصاد می‌افزاید: «بانک موظف است ۱۵ درصد از سپرده‌ها را به بانک مرکزی بدهد و ۸۵ درصد آن برایش باقی می‌ماند. یعنی اگر بانک ۸۵ درصد سپرده گذاری‌ها را هم تسهیلات بدهد چیزی برای خودش باقی نمانده و تمام منابع خود را تسهیلات داده است. حال دقت کنید که بانک‌های ما نزدیک به ۱۰۵ درصد سپرده گذاری‌های انجام شده تسهیلات اعطا کرده اند. یعنی ۲۰ درصد بیشتر از منابعی که در اختیار داشته اند».

وی این مشکل را باعث زمینگیر شدن بانک‌ها خواند، آن هم در حالی که اقتصاد ما بانک محور است و همه برای اخذ تسهیلات به بانک‌ها مراجعه می‌کنند.

دکتر احمد میدری استاد دانشگاه از مقررات زدایی به عنوان یکی از راه حل‌هایی که می‌تواند در بهبود فضای کسب و کار موثر باشد، نام می‌برد و یکی از موانع کسب و کار را قوانین و مقررات زیاد می‌داند و در سخنان خود به چند اصل که می‌تواند در رسیدن به این هدف و تسهیل فضای کسب و کار کمک کند، اشاره می‌کند و می‌گوید: به عنوان اصل اول باید از تورم در مقررات پرهیز کرد چرا که ما دچار تورم در مقررات هستیم.

ما دقیقا نمی‌دانیم در کشور ما تا چه اندازه قوانین و مقررات در قالب بخشنامه و دستورالعمل صادر می‌شود. به عنوان نمونه در طول ۲۰ سال گذشته فقط در سازمان امور مالیاتی ۲۷۲۰ بخشنامه یعنی بیش از ۱۴۰ بخشنامه در هر سال صادر شده است.

اگر این تعداد بخشنامه را در تعداد سازمان‌هایی که بخشنامه صادر می‌کنند، ضرب کنیم، تعداد زیادی بخشنامه و دستورالعمل در طول سال خواهد شد»

وی اصل دوم را زمان دار بودن قوانین می‌داند و بر این نکته می‌کند که که در تصویب قوانین باید ذکر شود که تا چه زمانی این قانون معتبر خواهد بود. و می‌افزاید: اصل سومی که در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد، نظر فعالان بخش خصوصی در تصویب بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هاست.

وی ادامه می‌دهد:« تونی بلر از سال ۱۹۹۶ این قانون را وضع کرد که هیچ وزارتخانه‌ای نمی‌تواند بخشنامه‌ای صادر کند مگر این که قبل از آن در سایت‌ها و رسانه‌های عمومی آن را به نظرسنجی گذاشته باشد. شاید نظرسنجی در ایران بسیار تجملی به نظر بیاید اما این کار در همه کشورها ضروری است.»

مشاور کمیسیون فضای کسب و کار، کارآفرینی و مقررات اتاق تهران، شهرداری‌ها، سازمان امور مالیاتی و سازمان تامین اجتماعی را ارگان‌هایی دانست که بیشترین بخشنامه‌ها را صادر می‌کنند و خود بزرگترین موانع کسب و کار هستند.

وی هم چنین از قانون گذاران خواست تا به عنوان یک اصل در تصویب قانون هزینه و فایده آنچه را مصوب می‌شود بر بخش خصوصی هم در نظر بگیرند.

این اقتصاددان به دوران‌های رونق و رکود در اقتصاد اشاره کرد و می گوید: «در کشور ما وقتی که درآمدهای دولت در یک دوره رونق نفتی افزایش می‌یابد، همه اعم از مصرف کننده و تولیدکننده از دست و دلبازی دولت خوشحال هستند.

اما بعد از مدتی این روند قابل ادامه نیست و تورم ایجاد می‌شود که این تورم باعث نارضایتی تولیدکننده می‌شود و آن‌ها از دولت می‌خواهند تا نرخ ارز را تعدیل کند، اما دولت از این امر سرباز می‌زند تا زمانی که به بحران برسد.

وقتی اوضاع اقتصادی به بحران رسید، دیگر برای عمل پیشگیرانه دیر شده است چرا که دولت هر کاری بکند به یک بخش آسیب می‌زند.»

احمد میدری خواستار این شد تا آینده نگری در دولت و برنامه‌های دولت از جمله بودجه سالانه دیده شود. تا در دوره رونق بعدی اشتباه قبلی را تکرار نشود.

بسمه تعالی

آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)

سازمان جهادکشاورزی استان ایلام درنظر دارد نسبت به خرید ورق میتسوبیشی ALPOLIC FR جهت نمای ساختمان اداری از محل پروژه‌های عمرانی طبق مشخصات و شرایط مشروحه در جدول ذیل را ازطریق مناقصه عمومی واگذار نماید بدینوسیله از اشخاص حقیقی و حقوقی دارای صلاحیت دعوت می‌شود از تاریخ درج اولین آگهی به مدت ده روز اداری قیمت پیشنهادی و اسناد ارزیابی را به آدرس: ایلام – خیابان آیت‌اله حیدری – ساختمان شماره یک جهادکشاورزی – اداره امور پیمان‌ها و قراردادها تحویل نمایند. نوع ضمانت‌نامه شرکت درمناقصه درقالب ضمانت‌نامه معتبر بانکی می‌باشد. کلیه کسورات قانونی و هزینه حمل و باراندازی برعهده فروشنده می‌باشد ضمناً هزینه آگهی برعهده برندگان مناقصه خواهد بود.

ردیف	نوع ورق و مشخصات	ابعاد (متر)	تعداد	مبلغ ضمانت نامه (میلیون ریال)	رشته پیمانکار	مدت پیمان	نوع مناقصه
۱	M9170-G30SILVER METALIC (رنگ‌سیلور)	۱/۲۷×۳/۱۰ ۱/۵۷×۳/۱۰	۱۲۷ عدد ۴۱ عدد	۲۷	تولیدکننده و نمایندگی مجاز	۳ ماه	یک مرحله‌ای
۲	MB106-G30DARK-GRAYMETALIC (رنگ‌نوک‌مدادی)	۱/۲۷×۳/۱۰	۱۴۰ عدد				

دبیرخانه کمیسیون مناقصات سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام

مزایده

شرکت تولیدی و صنعتی خزر پلاستیک واقع در شهرصنعتی رشت – خیابان ابن سینا، درنظر دارد ضایعات خطوط تولید خود را به شرح زیر از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت بازدید و دریافت اوراق مشارکت در مزایده، از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روز از ساعت ۸ الی ۱۶ به واحد انبار این شرکت مراجعه نمایند. شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار بوده و هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

تلفن‌های تماس: ۴ - ۳۳۸۲۱۳۳ - ۰۱۳۱

ردیف	شرح	مقدار تقریبی	واحد
۱	کلوخه سالم(جداسازی شده)	۴۵۰۰	کیلوگرم
۲	کلوخه مخلوط	۴۳۰۰	کیلوگرم
۳	کلوخه ABS	۳۰۰۰	کیلوگرم
۴	کلوخه PP	۴۰۰۰	کیلوگرم

ابلاغ وقت دادرسی

خانم زهرا قنبرزاده فرزند علی، شکایتی علیه آقای کمال سیدی فرزند قادر دایر بر ترک انفاق تقدیم نموده که شکوائیه ایشان به شعبه دوم دادسرای عمومی و انقلاب بوئین‌زهرا ارجاع و به کلاسه ۹۰۱۱۳۳ در این شعبه به ثبت رسیده است. با توجه به معلوم نبودن محل اقامت و عدم دسترسی به متهم به تجویز ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، متهم به مدت یک ماه پس از انتشار این آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی مهلت خواهد داشت تا با حضور در این شعبه از خود دفاع نماید، در غیر این صورت پرونده ایشان مطابق قانون در شعبه دوم دادیاری رسیدگی و قرار غیابی صادر خواهد شد.

ابراهیم احسانی راد – مدیر دفتر شعبه دوم دادیاری دادسرای عمومی انقلاب بوئین زهرا

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۰۰۹۹۸۳۴۳۱۲۰۰۲۱۱ شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان سیرجان

دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۳۴۳۱۲۰۰۷۹۴

آقای عباس دیانی‌یزدی خواهان، با وکالت آقای حمید عباسلو به نشانی بلوار سیدجمال روبروی دادگستری پلاک ۱۶۴ آقای محمد عباس پور در آگاهی خوانده، به نشانی سیرجان: خ بلال کوچه ۵ کوچه قبل از پمپ بنزین استوار بعد از چهار کوچه – منزل دوم سمت راست (رنگ درب زرد)

خواسته: مطالبه طلب

گردشکار: دادگاه با توجه به مندرجات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.

****رای دادگاه****

درخصوص دادخواست تقدیمی آقای عباس دیانی یزدی فرزند علی با وکالت آقای حمید عباسلو به طرفیت آقای محمد عباس پور در آگاهی فرزند علی به خواسته مطالبه بخشی از وجه یک فقره چک بانک کشاورزی به شرح متن دادخواست به انضمام کلیه خسارات دادرسی اعم از هزینه دادرسی حق‌الوکاله وکیل و خسارات تاخیر تادیه (مقوم به یکصد و هشت میلیون ریال) دادگاه با توجه به محتویات پرونده و ملاحظه اصل چک شماره ۷۸۱۱۸۳ بانک کشاورزی شعبه امام سیرجان و گواهی عدم پرداخت از ناحیه بانک محال علیه و اظهارات وکیل خواهان مندرج در پرونده و با عنایت به اینکه وجود اصل چک در ید خواهان دلیل بر مدیونیت خوانده نسبت به خواهان دارد خوانده با استحضار از وقت دادرسی درجلسه دادگاه حاضر نشده است و در قبال ادعای خواهان و وکیل وی دلیل و مدرکی که وجه چک فوق‌الذکر (قسمتی از چک به مبلغ یکصد و هشت میلیون ریال) پرداخت کرده باشد به دادگاه ارائه نگردید مدیونیت وی ثابت و محرز است و مستنداً به مواد ۱۹۸-۵۰۳-۵۱۹-۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی رای بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ یکصد و هشت میلیون ریال بابت قسمتی از چک صدرالذکر و به اضافه هزینه دادرسی و به اضافه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ چک تا زمان وصول براساس نرخ تورم بانک مرکزی و نیز به اضافه حق‌الوکاله وکیل وفق تعرفه قانونی در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه سپس قابل تجدید نظرخواهی درمحاکم تجدید نظر استان کرمان می‌باشد.

رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی سیرجان – محمود عسکری

آگهی مناقصه عمومی (مرحله دوم)

شرکت شیر پاستوریزه پگاه گیلان (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به خرید **فویل آلومینیوم ۹۵ و ۱۲۵** مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.

لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی جهت دریافت برگ شرایط مناقصه اقدام و حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۰/۱۱/۲۹ نسبت به تحویل اسناد مناقصه به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

آدرس: رشت – شهر صنعتی – ورودی دوم – شرکت شیر پاستوریزه پگاه گیلان (سهامی خاص).

تلفن: (۲ - ۳۳۸۲۳۴۰) ۰۱۳۱

نمابر: (۳۳۸۲۳۴۸) ۰۱۳۱

شرکت شیر پاستوریزه پگاه گیلان (سهامی خاص)

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای علیرضا نائینی‌زاده لباف فرزند غلامرضا دارای شناسنامه شماره ۶۳۲۷ به‌شرح دادخواست به کلاسه ۲۴۸۱ ۴۰/۹۰ از این دادگاه درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده است که شادروان غلامرضا نائینی‌زاده لباف به‌شناسنامه شماره ۲۵۹۷۶ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ در اقامتگاه دائمی خود فوت نموده است و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- علیرضا نائینی‌زاده لباف فرزند غلامرضا ش‌ش ۶۳۲۷ نسبت بامتوفی فرزند.
۲- ابوالفضل نائینی‌زاده لباف فرزند غلامرضا ش‌ش ۸۰۱ نسبت بامتوفی فرزند.
۳- شهین نائینی‌زاده لباف فرزند غلامرضا ش‌ش ۴۵۴۷ نسبت بامتوفی فرزند.
۴- مهین نائینی‌زاده لباف فرزند غلامرضا ش‌ش ۷۸۱۹۱ نسبت بامتوفی فرزند.
۵- اعظم نائینی‌زاده لباف فرزند غلامرضا ش‌ش ۳۴۸۷ نسبت بامتوفی فرزند.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور در یک نوبت آگهی می‌گردد تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه‌ای از متوفی نزد او باشد، از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تسلیم دارد، والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۴۰ شورای حل اختلاف قم

آگهی فراخوان مناقصه حسابرسی

شورای محترم اسلامی شهر سقز در نظر دارد در اجرای ماده ۴۴ آئین‌نامه مالی معاملاتی شهرداریها و مصوبه شماره ۹۰/۳۵ مورخ ۹۰/۹/۱۷ انجام امور حسابرسی مالی و بررسی عملکرد شهرداری، معاونت‌ها، نواحی وسازمان‌های تابعه رادرسال ۱۳۹۰ از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های حسابرسی رسمی دارای صلاحیت واگذار نماید، لذا شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ نشر آگهی به‌مدت ۲۰ روز جهت دریافت اطلاعات و اسناد مناقصه به دبیرخانه شورای اسلامی شهر واقع در میدان جمهوری‌اسلامی، طبقه فوقانی مجتمع تجاری کوثر مراجعه یا با شماره تلفن ۳۲۳۹۷۷۵ - ۰۸۷۴ تماس حاصل فرمایند.

شورای اسلامی شهر سقز

آگهی مزایده

موضوع: اسپانسری مسابقات اسبدوانی
کارفرما: فدراسیون سوارکاری جمهوری اسلامی ایران
محل اجرا: مجموعه‌های سوارکاری گنبدکاووس، بندرترکمن، آق‌قلا، نوروزآباد تهران
مدت: از ۹۰/۱۲/۲۵ به مدت یک سال **تاریخ دریافت اسناد:** ۹۰/۱۱/۱۵ **تاریخ عودت اسناد:** ۹۰/۱۱/۲۳ **زمان و محل بازگشایی:** روز ۲۵ بهمن‌ماه ساعت ۱۴ درمحل فدراسیون سوارکاری
محل دریافت و عودت اسناد: فدراسیون سوارکاری جمهوری اسلامی ایران به نشانی بلوارفردوس شرق، خیابان وفا – آذرشمالی، نبش کوچه پانیز، پلاک ۲ طبقه چهارم، واحد ۲۵ تاریخ درج در **سایت:** ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

آگهی تغییرات

در شرکت اطلس تمیز کار غرب (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۳۵

به استناد نامه وارده به شماره ۲۰۲۳۱-۹۰/۱۱/۰۵ شرکت فوق و به انضمام صورتجلسات پیوستی تغییرات ذیل در شرکت مرقوم حاصل گردید:

-ایجاد شعبه در شهرستان کرج به آدرس: خیابان طالقانی شمالی روبروی مارال چرم طبقه فوقانی عطر گیسو و معرفی آقای محمدرضا فرهادی به عنوان مدیر شعبه مذکور، در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.

موسوی نیا – سرپرست ثبت اسناد قروه

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم به خانم گلنار بشیر فرهمند

کلاسه پرونده: ۹۰۰۸۹۳
وقت رسیدگی: ۹۰/۱۲/۲۰ – ۱۰:۳۰ صبح
خواهان: آقای ناصر شفازند به نشانی تهران – بازار حراج پلاک ۱۲
خواسته: صدور حکم به محکومیت به پرداخت وجه چک به مبلغ ۶۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال و خسارت تأخیر و هزینه دادرسی خواهان دادخواستی تسلیم دادگاه عمومی شهرستان زرندیه به خواسته فوق نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی زرندیه ارجاع گردیده، وقت رسیدگی تعیین و به‌علت مجهول المکان بودن خوانده و به خواست خواهان و دستور دادگاه و تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی تا خوانده از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نموده و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد و چنانچه بعداً ابلاغی به‌وسیله آگهی لازم شود فقط یک‌پیوست و مدت آن نیز ده روز خواهد بود.

نفیسی – مدیر دفتر شعبه اول حقوقی دادگستری زرندیه

بسمه تعالی

وزارت نیرو
شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی ۹۰/۹۶ شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی

موضوع مناقصه: خرید ۵ دستگاه ریکلوزر با مقره پلیمری و یک‌دستگاه تزریق گاز مخصوص ریکلوزرها شرایط و محل دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند در قبال ارائه اعلامیه واریز مبلغ پنجاه‌هزار ریال به‌حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۵۹۲۶۷۰۰۹ نزد بانک ملی شعبه برق ارومیه (کد ۵۱۳۳) به آدرس ارومیه – خیابان سربازان گمنام (برق سابق) – نرسیده به میدان مخابرات – شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان‌غربی تلفن ۳۴۴۹۰۰۲-۰۴۴۱ (داخلی ۳۳۴۵) و یا به دفتر نمایندگی این شرکت واقع در تهران – میدان ونک – خیابان برزیل – ساختمان شهید عباسپور (توانیر) – بلوک ۲ – نیم طبقه دوم – دفتر برق آذربایجان تلفن ۸۸۸۸۷۰۸۶ مراجعه نمایند. ضمناً اسناد مناقصه در سایت اطلاع‌رسانی معاملات صنعت برق (شرکت توانیر) و سایت شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان‌غربی و سایت ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به ترتیب به‌آدرس: WWW.tavanir.org.ir WWW.Waepd.ir Iets.mporg.ir قابل مشاهده است.

سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۶۷۵۰۰۰۰۰ (شصت و هفت میلیون و پانصد هزار) ریال می‌باشد.

مهلت فروش اسناد: از تاریخ درج نوبت دوم فراخوان در روزنامه تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۹۰/۱۱/۲۰

مهلت و محل تحویل پیشنهادها: حداکثر تا ساعت چهارده روز یکشنبه مورخ ۹۰/۱۱/۳۰ اداره دبیرخانه شرکت توزیع برق آذربایجان‌غربی

زمان و محل برگزاری مناقصه: زمان بازگشایی پاکت‌های الف و ب رأس ساعت ۱۴ (دو) روز دوشنبه مورخ ۹۰/۱۲/۱ در محل شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان‌غربی

مرحله دوم بازگشایی پاکت ج (پیشنهاد قیمت) پس از ارائه نظر کارشناسی و بررسی‌های فنی اعلام خواهد شد.

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان غربی

نظر به انحلال شرکت حامیان تجارت صدر، اینجانب علیرضا فرجی بعنوان مدیر تصفیه پاسخگوی کلیه دیون احتمالی شرکت به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشم. لطفاً جهت پاسخگویی طی ساعات اداری روزهای ماه جاری به آدرس محل تصفیه واقع در تهران کیلومتر ۱۴ اتوبان تهران کرج درب ۲۱ ایران خودرو موسسه فرهنگی ورزشی ایران‌خودرو کد پستی ۱۳۱۱۶۸۷۶۵۴ مراجعه و با شماره تلفن ۴۸۲۲۵۸۱۶ تماس حاصل فرمائید.

علیرضا فرجی – مدیر تصفیه

شماره: ۱۶۸۴۸/ث – ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

آگهی اصلاحی و تصمیمات در شرکت قائم بافت جزء سهامی عام، ثبت شده به‌شماره ۴۱۸۹ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۵۳۴۱۲

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۹/۱۷ موسسه حسابرسی معین مشاورین مدبر به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۵۶۹۸۷۸ و آقای احمد جبرائیلی به کدملی ۵۰۵۹۲۲۶۱۵۸ و کدپستی ۸۱۶۸۶۴۵۴۶۸ به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب شدند؛ ضمناً پیرو آگهی تصمیمات ۳۸۳۰/ث مورخ ۱۳۹۰/۳/۳۱ نام آقایان غلامعلی شمسیان به کدملی ۵۶۵۸۹۷۰۲۹۶ و کدپستی ۱۷۷۳۶۱۴۵۳۶ و فضل اله شجاعی به کدملی ۵۶۵۹۴۸۸۲۶۹ و کدپستی ۸۱۹۸۹۵۸۵۴۵ به‌سمت اعضای علی‌البدل هیات مدیره سهواً از قلم افتاده است. امضای ذیل ثبت در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ تکمیل گردید.

منصور آذری
رئیس اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری اصفهان

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت شش دانگ پلاک ۳۲۰ فرعی از ۲۴۷ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در بخش ۵ البرز ذیل ثبت ۶۹۸۸۰ صفحه ۲۹۷ دفتر ۳۶۰ به‌شماره چاپی ۰۰۶۸۶۴۵ به‌نام آقای حسن الوندی فرد صادر و تسلیم گردیده سپس تمامی مورد ثبت برابر سند رسمی ۵۰۳۲ – ۸۹/۱۲/۸ دفتر ۸۵ البرز به آقای حسین درویشوند انتقال یافته سپس تمامی مورد ثبت برابر سند رهنی شماره ۵۲۱۵ – ۹۰/۴/۷ دفتر ۹۴ البرز در رهن بانک مسکن شعبه الوند قرار گرفته است سپس مالک با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی فقدان سند گردیده و تقاضای صدور سند المثنی را نموده مراتب به‌استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می‌گردد تا هر کس به‌نحوی از انحا نسبت به ملک مذکور حقی داشته و یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند در نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه در ظرف مدت مقرر به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد این آگهی در یک نوبت به‌شرح ذیل منتشر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۹۰/۱۱/۱۲

رئیس ثبت اسناد و املاک البرز – شیراز کیان

آگهی تغییرات شرکت ره آب کیمیای صفاهان (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۲۰۲ شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۶۶۸۲۸

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ و صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ تغییرات زیر به عمل آمد.

۱-اعضای هیات مدیره آقای محسن تنهایی، آقای ولی اله انصاری و آقای نبی اله انصاری برای مدت دو سال انتخاب شدند.
۲-آقای غلامرضا سالک به‌سمت بازرس اصلی و آقای حیدرعلی ممیز به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
۳- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.
۴-آقای محسن تنهایی با کدملی ۱۱۹۹۳۱۰۵۰۶ و کدپستی ۸۶۱۴۹۷۶۴۸۱ به‌سمت رئیس هیئت مدیره، آقای نبی اله انصاری با کدملی ۱۱۹۹۲۲۴۰۴۹ و کدپستی ۲۸۱۹۷۷۹۵۱۱ به‌سمت نایب رئیس و آقای ولی اله انصاری با کدملی ۱۱۹۸۹۶۵۳۶۳ و کدپستی ۲۸۱۹۷۷۹۵۱۱ به‌سمت مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء منفرد مدیرعامل همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

میرمحمدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرضا

مزایده

سرقفلی حق کسب و پیشه یک واحد اداری به متراژ ۳۴۰ متر مربع واقع در خیابان جمهوری اسلامی بعد از خیابان ولی‌عصر (عج) جنب فروشگاه رفاه از طریق مزایده واگذار می‌گردد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به مدت یک هفته جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده به آدرس: تهران – خیابان انقلاب اسلامی ابتدای خیابان استاد نجات‌الهی کوچه نیکخواه – پلاک ۲ طبقه پنجم مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۸۹۲۷۶۱۰ آقای تقی‌زاده تماس حاصل نمایند.

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به اطلاع احمدرضا دهقانی مدیسه آدرس: اهواز کوت عبداله بعد از نمایندگی منابی تانکرسازی می‌رساند:

شما به موجب چک ۳۶۷۵۶۵ بانک صادرات خوزستان مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل دین و مبلغ متعلقه بابت نیم‌عشر به حسین محبوبی و صندوق دولت بدهکار می‌باشید که در اثر عدم پرداخت منجر به صدور اجرائیه کلاسه ۹۰/۱۸۴۵۲ در اداره اجرای ثبت اهواز گردیده و به علت عدم شناخت شما در آدرس اعلامی ابلاغ اجرائیه میسر نگردیده است. لذا بنا به درخواست بستانکار و دستور ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، مراتب برای یک نوبت در روزنامه منتشر و چنانچه پس از انقضای ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد؛ نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید؛ عملیات اجرایی برعلیه شما ادامه یافته و پیگیری خواهد شد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اهواز – یوسفی

آگهی افراز قسمتی از پلاک ۱۲۴۳ اصلی واقع در بخش ۱ خمین

پیرو آگهی دعوت به افراز منتشره در روزنامه ابرار به شماره ۶۶۰۶ مورخه دوشنبه ۱۳۹۰/۹/۲۶ اعلام می‌گردد:

برابر محتویات پرونده ثبتی پلاک ۱۲۴۳ اصلی بخش ۱ خمین مقدار ۵ و یک دوم شعیر از ۱۶ و سه دهم شعیر مشاع از ۲۱ و چهار پنجم شعیرمشاع از ۴۸ شعیر مشاع از ۹۶ شعیر شش‌دانگ پلاک مذکور برابر سند شماره ۳۲۵۱۶ مورخه ۱۳۹۰/۹/۱۳ دفتر اسناد رسمی شماره ۶ خمین از طرف خانم گیتی عباسی به آقای سیدحمید هاشمی فرزند سید احمد به شماره شناسنامه ۱۷۱ صادره از خمین انتقال قطعی شده و سند مالکیت مشاعی مورد خریداری ذیل ثبت شماره ۱۳۹۱۱ صفحه ۱۳۰ دفتر ۹۰ ثبت صادر گردیده است. سپس نامبرده طی درخواست وارده به شماره ۱۸۱۰۰ مورخه ۱۳۹۰/۹/۱۶ تقاضای افراز تصرفات خود که به صورت یک قطعه زمین می‌باشد را از اداره ثبت نموده‌اند. متعاقب آگهی دعوت به افراز منتشره در تاریخ فوق؛ نماینده و نقشه بردار اداره ثبت خمین به محل وقوع ملک مراجعه و در موقع تعیین طول ابعاد و مساحت ملک مفروزه مجاورین حضور نداشتند و شهرداری خمین نیز طی نامه شماره ۱۸۷۰۴ مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۵ با ممهور به مهر نقشه افرازی قسمت مورد تقاضا، با افراز ملک موافقت نموده. لذا به استناد ماده پنج آیین‌نامه قانون افراز عملیات افراز بلامانع تلقی و حدود و مشخصات مورد مفروزه به شرح ذیل است:

تمامت شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۰۶/۵۰ مترمربع که در سهم آقای سیدحمید هاشمی قرار می‌گیرد.

شمالاً: پی است به طول ۱۰/۱۲ متر به کوچه.
شرقاً: پی است به طول ۲۰/۶۱ متر ۲۰ به باقیمانده پلاک شماره ۱۲۴۳ اصلی.
جنوباً: پی است به طول ۱۰ متر به کوچه.
غرباً: پی است به طول ۲۰/۴۵ متر ۲۰ به باقیمانده پلاک ۱۲۴۳ اصلی.
حقوق ارتفاقی: ندارد.

بدینوسیله اعلام می‌گردد چنانچه مجاورین و مالکین مشاعی نسبت به مالکیت و تصرفات متقاضی افراز اعتراضی دارند می‌توانند برابر ماده ۲ قانون افراز ظرف مدت ۱۰ روز اعتراض خود را به دادگستری خمین تسلیم نمایند. مضافاً اینکه قطعه افرازی فوق‌الذکر کاملا محاط و داخل در محدوده صورت جلسه تحدیدی اولیه می‌باشد و حدود باقیمانده نیز به استثناء پلاک‌های فرعی که تاکنون سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده همان است که در صورت‌جلسه تحدیدی منعکس شده است.



تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک خمین
خلیل شاه‌محمدی

گران‌ترین سال برای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها

میزان تغییر شاخص قیمت گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی و دخانیات مصرفی خانوارهای شهری طی سال‌های ۸۲ تا ۸۹ نشان می‌دهد بیشترین افزایش قیمت در این گروه در سال ۱۳۸۷ رخ داده است.

به گزارش ایسنا، براساس گزارشی که مرکز آمار ایران اعلام کرده قیمت گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و دخانیات در این سال بیش از ۳۲ درصد نسبت به سال قبل آن افزایش یافته است.

در این مدت کمترین افزایش قیمت با ۱۰،۴ درصد مربوط به سال ۱۳۸۴ بوده است. بر این اساس قیمت این گروه از کالاهای مصرفی در سال ۸۳ نسبت به سال قبل آن ثابت مانده است.

روند افزایش قیمت این گروه از کالاهای مصرفی از سال ۱۳۸۴ به بعد آغاز شده و تا سال ۱۳۸۷ که به اوج خود رسیده ادامه داشته است اما در سال بعد قیمت گروه خوراکی‌ها،آشامیدنی و دخانیات فقط با ۱۳ درصد افزایش مواجه بوده است.

پس از آن دوباره افزایش قیمت‌ها در این گروه اوج گرفته و در سال ۱۳۸۹ به ۲۳ درصد افزایش رسیده است.

این گزارش نشان می‌دهد دهک پنجم جامعه که در واقع قشر متوسطی تشکیل می‌دهند همواره بیشترین تورم از این گروه کالاهای مصرفی تجربه کرده‌اند. این در حالی است که به جز یک مورد خاص در بقیه سال‌ها دهک دهم تورمی کمتر از تورم متوسط در گروه خوراکی‌ها،آشامیدنی و دخانیات را تحمل کرده‌اند.

تهیه بسته جمعیت شاغل و درآمدها

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: در قالب طرح سرشماری اخیر، از مرکز آمار درخواست شد تا یک بسته ویژه آماری جدید از وضع مهاجران، شاغلان کشور، تغییرات جمعیتی، درآمدی و حتی تحصیلی ارائه شود. محمدحسین فروزان مهر در گفت‌وگو با مهر از درخواست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مرکز آمار ایران برای ارائه بسته مشخصات شاغلان و سهم اشتغال هر یک از بخش‌ها در قالب دستاوردهای طرح اخیر سرشماری خبر داد.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اظهار داشت: جامعه ما یک مجموعه رو به رشد است و چون در مرحله گذار قرار داریم لازم است تا آمارها همزمان با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به روز شود.

فروزان مهر خاطر نشان کرد: قطعا اطلاع از وضع سهم شاغلان بخش‌های مختلف اقتصادی، هزینه‌ها و درآمد خانوارها به ویژه در شهرها می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها مورد استفاده قرار گیرد که یک مورد کاربرد آن در بحث تعیین حداقل دستمزد کارگران است.

این مقام مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصریح کرد: همچنین در قالب فرم‌های سرشماری سؤالاتی در مورد وضع مهاجرت افراد به شهرهای دیگر پرسیده شد.

وی ادامه داد: بررسی وضع معلولیت افراد برای استفاده در برنامه‌ریزی‌های حوزه بهزیستی هم بخش دیگری از این بسته آماری محسوب می‌شود.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد: وضع اقامت، تحصیلات و سواد افراد از جمله اطلاعاتی است که در برنامه‌ریزی‌های بازار کار و اشتغال می‌تواند کاربرد داشته باشد. معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزارت تعاون،کار و رفاه اجتماعی همچنین گفت: تعریف اشتغال از یکساعت به دو روز، فقط توانست نرخ بیکاری را حدود یک دهم درصد تغییر دهد. محمد حسین فروزانمهر در گفت‌وگو با ایرنا، افزود: تعریف اشتغال که از سوی مرکز آمار ایران در سرشماری و طرح‌های آمارگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعریفی است که از سوی سازمان بین‌المللی کار ارائه شده است.

یادآور می‌شود، بر اساس تعریف سازمان بین‌المللی کار، هر فرد در صورتی که در هفته پیش از سرشماری حتی یکساعت هم کارکرده باشد و دستمزد دریافت کند شاغل محسوب می‌شود.

فروزانمهر با اشاره به آمار اشتغال‌های ایجاد شده در ۱۰ ماهه گذشته اظهار داشت: به‌زودی آمار اشتغال‌های ایجاد شده در استان‌های مختلف اعلام می‌شود اما هم‌اکنون در حال اعتبار سنجی مشاغل ایجاد شده در هر استان هستیم.

طبق آماری که از سوی مسئولان حوزه کار اعلام شده تاکنون ۱/۲ میلیون شغل از ۲/۵ شغلی که قرار است امسال در کشور ایجاد شود، تحقق یافته است.

تغییرات شاخص دستمزد ساعتی نیروی انسانی

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دستمزد نیروی انسانی شاغل در طرح‌های عمرانی ملی و استانی با توجه به اهمیت نقش آن در برآورد هزینه‌های طرح‌های عمرانی دولت همواره مورد توجه بوده است. بنا به درخواست معاونت امور فنی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰ طرح آمارگیری از دستمزد نیروی انسانی توسط مرکز آمار ایران تهیه و به صورت شش ماهه در تمامی استان‌های کشور اجرا و نتایج آن به صورت نشریات شش ماهه و سالانه منتشر شده است. از سال ۱۳۷٤، طرح با انجام تغییراتی در سطح استان تهران و در دو مرحله از سال (شش‌ماهه) اجرا و نتایج آن منتشر شده است.

این گزارش نتایج مربوط به نیمه اول سال ۱۳۹۰ به همراه درصد تغییرات متوسط دستمزد ساعتی نسبت به نیمه مشابه پارسال را ارائه می‌دهد.

آمار نشان می‌دهد کمترین و بیشترین درصد تغییرات متوسط دستمزد نیروی انسانی شاغل در طرح‌های عمرانی ملی و استانی در سطح استان تهران در نیمه اول سال ۱۳۹۰ به تفکیک هر گروه، نسبت به نیمه قبل (نیمه دوم سال ۱۳۸۹) و نیمه مشابه سال قبل (نیمه اول ۱۳۸۹) به این شرح است: گروه رانندگان ماشین‌آلات حمل‌ونقل شامل ۹ قلم از دستمزد انواع رانندگان و کمک‌رانندگان ماشین‌آلات حمل‌ونقل است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی اقلام این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام آن دارای افزایش می‌باشند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «راننده جرثقیل‌های کفی» با ۱۳/٤ درصد و کمترین افزایش آن مربوط به «راننده دامپر» با ۹/۵ درصد است. همچنین در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل، تمامی اقلام دارای افزایش دستمزد هستند که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «راننده جرثقیل‌های کفی» با ۲۰/۹ درصد و کمترین افزایش دستمزد ساعتی مربوط به «راننده دامپر» با ۱۲/۲ درصد است.

گروه رانندگان ماشین‌های سنگین شامل ۱۱ قلم از دستمزد انواع رانندگان و کمک‌رانندگان ماشین‌های سنگین می‌باشد. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی اقلام این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش دستمزد هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «راننده درجه دو جرثقیل» با ۱۳/۷ درصد و کمترین افزایش آن مربوط به «کمک راننده ماشین‌آلات سنگین» با ۸/۹ درصد است. مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل نشان می‌دهد که تمام اقلام این گروه دارای افزایش دستمزد ساعتی است. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «راننده غلتک» و «راننده ماشین‌های آسفالت پخش‌کنی ـ فینیشر» با ۲۲/٤ و کمترین افزایش مربوط به «کمک‌راننده ماشین‌آلات سنگین» با ۱٦/۳ درصد است.

گروه کارهای بنایی ابنیه ساختمان شامل پنج قلم از دستمزد انواع نیروی انسانی در کارهای بنایی ابنیه ساختمان است. مقایسه متوسط دستمزد ساعتی نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش دستمزد هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «بنای نماچین درجه دو» با ۹/۷ درصد و کمترین افزایش آن به «بنای سفت‌کار درجه یک» با ٦/۵ درصد تعلق دارد. همچنین در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل، در تمامی اقلام این گروه رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «بنای سفت‌کار درجه دو» با ۱۵/۷ درصد و کمترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «بنای نماچین درجه یک» با ۱۲/۱ درصد است.



گروه قالب‌بند چوبی

شامل چهار قلم از دستمزد انواع قالب‌بند چوبی است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش دستمزد تقریباً مشابهی هستند در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «نجار قالب‌بند درجه دو» با ۱۲/۲ درصد و کمترین افزایش مربوط به «کمک‌نجار قالب‌بند» با ۱۰/۲ درصد است. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام این گروه رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «کمک نجار قالب‌بند» با ۱۸/۹ درصد و کمترین افزایش مربوط به «سرنجار» با ۱۵/٦ درصد است.

گروه قالب‌بند فلزی

شامل چهار قلم از دستمزد انواع قالب‌بندهای فلزی است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش دستمزد هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «قالب‌ساز فلزی درجه دو» با ۱۱/۲ درصد و کمترین افزایش به «قالب‌ساز فلزی درجه یک» با ۸/۵ درصد تعلق دارد. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام این گروه رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «قالب‌بندی فلزی درجه دو» با ۱۸/۰ درصد و کمترین افزایش مربوط به «قالب‌ساز فلزی درجه یک» با ۱۰/٦ درصد است.

گروه آرماتوربند

شامل چهار قلم از دستمزد انواع آرماتوربندها است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «آرماتوربند درجه ۲» با ۱۲/۸ درصد و کمترین افزایش به «سرآرماتوربند» با ۱۰ درصد تعلق دارد. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام افزایش دستمزد مشاهده می‌شود. که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «آرماتوربند درجه یک» با ۱۸/۱ درصد و کمترین افزایش مربوط به «کمک آرماتوربند» با ۱٤/۱ درصد است.

گروه کارهای بتنی

شامل سه قلم از دستمزد انواع بتن‌کاران است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «کمک بنای بتن‌کار» با ۱۲/٤ درصد و کمترین افزایش به «بنای بتن‌کار» با ۹/۳ درصد تعلق دارد. همچنین در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام این گروه، رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود. که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «کمک بنای بتن‌کار» با ۱۷/۳ درصد و کمترین افزایش مربوط به «بنای بتن‌کار» با ۱۱/۱ درصد است.

گروه اسکلت‌ساز ساختمان

شامل شش قلم از دستمزد انواع اسکلت‌سازان ساختمان است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «کمک اسکلت‌ساز» با ۱۱/۸ درصد و کمترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «برش‌کار» با ۹/۱ درصد تعلق دارد. همچنین در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام این گروه، رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود. که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «اسکلت‌ساز درجه یک» با ۱۸/۷ درصد و کمترین افزایش مربوط به «جوش‌کار اسکلت» با ۱۲/۷ درصد است.

گروه آهنگر در و پنجره‌ساز ساختمان

شامل دو قلم از دستمزد انواع آهنگران در و پنجره‌ساز ساختمان است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که هر دو قلم این گروه دارای افزایش تقریباً مشابهی هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «آهنگر در و پنجره‌ساز درجه یک» با ۱۰ درصد است. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل هر دو قلم «آهنگر در و پنجره‌ساز درجه یک» و «آهنگر در و پنجره‌ساز درجه ۲» به ترتیب از افزایش دستمزدی معادل ۱۷ و ۱٦/۸ درصد برخوردار هستند.

گروه عایق‌کار و آسفالت کار ابنیه ساختمان

شامل سه قلم از دستمزد انواع عایق‌کاران و آسفالت‌کاران ابنیه ساختمان است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «کمک عایق‌کار و آسفالت‌کار» با ۱۰/٦ و کمترین افزایش مربوط به دستمزد ساعتی «عایق‌کار و آسفالت‌کار درجه یک» با ۷/۱ درصد است. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی موارد افزایش دستمزدها دیده می‌شود. که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «عایق‌کار و آسفالت‌کار درجه دو» با ۱۷/٤ درصد و کمترین افزایش دستمزد ساعتی مربوط به «عایق‌کار و آسفالت‌کار درجه یک» با ۹/۸ درصد است.

گروه سیمان‌کار

شامل چهار قلم از دستمزد انواع سیمان‌کاران است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «سیمان‌کار درجه دو» با ۱۱/٤ درصد و کمترین افزایش دستمزد ساعتی به «بندکش» با ۹/٦ درصد تعلق دارد. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام این گروه رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «کمک‌بندکش» با ۱۸/۷ درصد و کمترین افزایش مربوط به «بندکش» با ۱۲/۲ درصد است.

گروه سنگ‌کار

شامل سه قلم از دستمزد انواع سنگ‌کاران است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «سنگ‌کار درجه یک» با ۱۲/۳ درصد و کمترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «ابزارزن سنگ پلاک» با ۹/۷ درصد تعلق دارد. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیر نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در تمامی اقلام این گروه رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود. بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «سنگ‌کار درجه یک» با ۲۰/۰ درصد و کمترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «سنگ‌کار درجه دو» با ۱۵/٤ درصد است.

گروه کاشی‌کار

شامل دو قلم از دستمزد انواع کاشی‌کاران است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که دستمزد هر دو قلم دارای افزایش است. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «کاشی‌کار درجه دو» با ۱۱/۵ درصد تعلق دارد. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیر نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل هر دو قلم مربوط به این گروه رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی با اختلافی ناچیز مربوط به «کاشی‌کار درجه یک» با ۱٦/۷ درصد است.

گروه گچ‌کار شامل دو قلم از دستمزد انواع گچ‌کاران است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که دستمزد هر دو قلم دارای افزایش تقریباً مشابهی هستند. بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «گچ‌کار درجه یک» با ۱۱/۱ درصد است. در مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل در هر دو قلم مربوط به این گروه، رشد دستمزد نیروی انسانی مشاهده می‌شود که بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «گچ‌کار درجه یک» با ۱۷/۳ درصد است

گروه بنا و سنگ‌تراش ابنیه‌ی راه شامل پنج قلم از دستمزد انواع بنا و سنگ تراش ابنیه راه است. مقایسه متوسط دستمزد نیروی انسانی این گروه در این دوره با دوره قبل نشان می‌دهد که تمامی اقلام این گروه دارای افزایش هستند. در این میان، بیشترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «سنگ‌تراش درجه دو» با ۱۲/۳ درصد و کمترین افزایش متوسط دستمزد ساعتی به «بنای سنگ‌چین درجه دو» با ۱۰/۱ درصد تعلق دارد. مقایسه نتایج حاصل از آمارگیری نیمه اول ۱۳۹۰ با دوره مشابه قبل نمایانگر آن است که متوسط دستمزد ساعتی مربوط به «سنگ‌تراش درجه دو» با ۲۰/٤ درصد دارای بیشترین افزایش و متوسط ساعتی «بنای سنگ‌چین درجه دو» با ۱۱/٦ درصد دارای کمترین افزایش است.

سن ازدواج در ایران افزایش یافت

رئیس مرکز آمار ایران با تاکید بر اینکه وظیفه مرکز آمار ایران تولید آمار در کشور است، گفت: تحلیلگران جمعیت می‌توانند شرایط جمعیت کشور را بازگو کنند که هم اکنون در چه شرایطی قرار داریم.

به گزارش ایرنا، عادل آذر در همایش دو روزه تحلیل روندهای جمعیتی کشور که در محل دانشگاه تربیت مدرس با حضور مسئولان و اندیشمندان جمعیتی برگزار شد، گزارشی اجمالی از نتایج اولیه سرشماری سال ۹۰ را ارائه داد.

وی افزود: هم اکنون رشد جمعیت از ۱/۹٦ درصد در سال‌های ۷۵ـ۱۳٦۵ به ۱/۳۱ درصد در سال‌های ۹۰ـ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

وی بعد خانوار (اندازه متوسط خانوار) را در سال ۱۳۷۵ برابر با ٤/۸ نفر ذکر کرد و گفت: این بعد در سال ۸۵ به ٤/۰۳ و در سال ۹۰ به ۳/٦۳ درصد کاهش یافته است. آذر همچنین با اشاره به افزایش سن ازدواج گفت: روند سن ازدواج نشان می‌دهد طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ این شاخص افزایش یافته اما هنوز این شاخص برای سال ۹۰ محاسبه نشده است.

وی با این پرسش ادامه داد: در واقع اندازه متوسط جمعیت خانوار بهینه در ایران چه میزان است؟ این سؤالی است که اندیشمندان حوزه جمعیت می‌توانند به آن پاسخ دهند.

رئیس مرکز آمار ایران خطاب به فارغ التحصیلان دانشگاهی گفت: در صورتی که پایان نامه‌های دانشجویان بررسی سرشماری‌های سال‌های ۹۰ و پیش از آن باشد مرکز آمار ایران از چنین پایان نامه‌هایی حمایت مالی می‌کند. وی با اشاره به ماده ٥٤ قانون برنامه پنجم توسعه گفت: بر اساس این ماده قانونی مرکز آمار ایران متولی تولید آمار رسمی کشور است.

رئیس مرکز آمار ایران گفت همچنین تاکنون از این مرکز برای محاسبه و اعلام نرخ رشد صنعتی کشور در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ درخواستی نشده است. عادل آذر در گفت‌وگو با ایسنا درباره اختلاف نظرهای پیش آمده بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی درباره اعلام نرخ رشد صنعتی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ توضیح داد: نرخ رشد صنعتی این دو سال طبق قانون توسط بانک مرکزی اعلام شده و از سال ۱۳۹۰ به بعد محاسبه و اعلام این نرخ بر عهده ما گذاشته شده است.

آذر درباره تعیین تکلیف نرخ رشد صنعتی دو سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ گفت: به هر حال باید بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت خودشان دعوای به وجود آمده را حل کنند و من در جریان این دعوا نیستم و تکلیفی هم نداریم. رئیس مرکز آمار ایران افزود: ما در نشست‌های بین این دو نهاد حضور نداشتیم، اما می‌دانیم کمیته‌هایی برای حل این اختلاف نظر در حال کار هستند. این مقام مسئول در پاسخ به این سوال که آیا مرکز آمار اقدامی برای محاسبه و اعلام نرخ رشد صنعتی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ خواهد کرد یا خیر؟ گفت: اگر از ما به عنوان یک مرجع حرفه‌ای درخواستی شود، ما اعداد را اعلام می‌کنیم اما تاکنون نه بانک مرکزی و نه وزارت صنعت، معدن و تجارت درخواستی از ما نداشتند.

به گزارش ایسنا بانک مرکزی نرخ رشد صنعتی کشور در دو سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ را به ترتیب ٤/٦ و ۱/۹ درصد اعلام کرده است. وزارت صنعت، معدن و تجارت اما با رد این آمار نرخ رشد صنعتی کشور را در دو سال یادشده به ترتیب ۸ و ٦ درصد اعلام کرده است. این در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در تازه‌ترین گزارش خود نرخ رشد صنعتی کشور را در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ اعداد بسیار پایین ۱/۳ و یک درصد اعلام کرد.

جالب اینجاست که پیشتر، معاون برنامه‌ریزی، توسعه و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت از همکاری این وزارتخانه با مرکز آمار ایران در زمینه محاسبه نرخ رشد صنعتی کشور خبر داده بود که رئیس مرکز آمار این موضوع را در مصاحبه با ایسنا رد کرده است.

تعداد کارکنان دولت ۱۷ درصد کاهش یافت

تعداد نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی در پایان برنامه چهارم نسبت به آغاز برنامه بیش از ۱۷ درصد کاهش یافته است.

به گزارش ایسنا، نیروی انسانی دولتی در پایان برنامه چهارم توسعه نسبت به ابتدای برنامه بدون احتساب نیروی انسانی که تبدیل شرایط شده‌اند به میزان ۹/۷۳ درصد کاهش یافته است. این میزان با احتساب نیروهایی که تبدیل شرایط داشته‌اند معادل ۱۷/۸۱ درصد است.

نیروی انسانی شاغل (رسمی، پیمانی و قراردادی) در دستگاه‌های اجرایی در شروع برنامه دو میلیون و ۲۸۷ هزار و ۸۳۰ نفر بوده که این تعداد در پایان برنامه بدون احتساب نیروهایی که تبدیل وضع یافته‌اند، به دو میلیون و ٦۵ هزار و ۲۹۸ نفر رسیده است. خروجی نیروی انسانی شامل بازنشستگی عادی و پیش از موعد و واگذاری‌ها، در این مدت رقمی معادل ٥٦۱ هزار و ۳٦٤ نفر بوده است.

ادامه اقبال بازار سهام به بانک‌ها

در دومین روز از اقبال گسترده سرمایه گذاران به سهام بانک‌ها که با عرضه صف‌های خرید همراه بود،نماد معاملاتی بانک صادرات هم بعد از گذشت بیش از یک‌ماه بازگشایی شد.

بازار سهام کشور اوایل هفته تحت تاثیر تصویب نهایی افزایش نرخ سود بانکی شروع بکار کرد و در نتیجه تداوم اقبال سهامداران به گروه بانکی، شاخص بورس با جهش دیگری در آغاز داد و ستد روبرو شده بود.

سازمان بورس در شرایطی خواستار ارایه گزارش‌هایی از سوی بانک‌ها برای اعلام آثار مالی افزایش نرخ سود بانکی بر صورت‌های مالی شده که هیچ بانک و موسسه اعتباری و شرکت لیزینگی چنین اطلاعاتی را ارایه نکرده است. با این اوصاف سهام بانک‌های حاضر در بورس و فرابورس دارای صف‌های خرید قابل توجهی بودند که در یک ساعت شروع معاملات،همه صف‌های خرید سهام بانک‌ها عرضه شد،بطوری که بیش از ۳۵ میلیون سهم بانک پاسارگاد،۱۳ میلیون سهم بانک پارسیان ۸ و ۶،۵ میلیون سهم بانک‌های سرمایه و تجارت داد و ستد شده است.

این وضع به همراه رشد قیمت سهام دیگر شرکت‌ها موجب شد تا شاخص بورس هم با ۱۸۳ واحد جهش دیگر در آستانه عبور از خط مقاومت ۲۶ هزار واحدی قرار گیرد،چرا که چهار بانک پاسارگاد، پارسیان، تجارت و اقتصاد نوین بین ۴۰ تا ۱۸ واحد بر دماسنج بازار سهام اثر مثبت گذاشته بودند.

براساس این گزارش، نماد معاملاتی بانک ملت در حالی برای برگزاری مجمع فوق العاده نهم بهمن و اعمال افزایش سرمایه ۴۰۰ میلیارد تومانی بسته شد که در جریان معاملات بازار سهام، نماد معاملاتی بانک صادرات که از پنجم دی برای انجام افزایش سرمایه بسته شده بود، باز شد تا شاید بهره‌ای از اوضاع خوب بورس ببرد. بازگشایی نماد این بانک مشمول اصل ۴۴ بدون محدودیت نوسان قیمت و با استفاده از مکانیزم Auction بود.

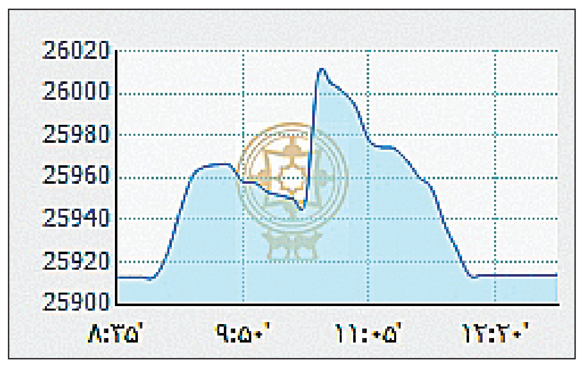
بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۵۹۱۳/۸	۲۶۰۰۸	۲۵۹۱۳/۸	۰/۹	۰
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱۵۸۴/۴	۱۵۹۵/۶	۱۵۸۴/۳	(۱/۶)	(۰/۱)
شاخص آزادشناور	۳۳۳۱۲	۳۳۴۹۷/۲	۳۳۳۱۲	(۴۶/۱)	(۰/۱۴)
شاخص بازاراول	۲۱۹۴۹/۵	۲۲۰۴۵/۷	۲۱۹۴۹/۴	(۵/۳)	(۰/۰ ۲)
شاخص بازاردوم	۳۱۹۱۸/۲	۳۱۹۷۶/۴	۳۱۸۷۴/۲	۵۵/۱	۰/۱۷
شاخص صنعت	۲۰۱۶۳/۶	۲۰۲۰۷/۵	۲۰۱۳۹/۴	۶۶/۹	۰/۳۳

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه ۹۰/۱۱/۱۱)

مجموع حجم معاملات	۱۷۷ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۷۱۴/۱۶۸ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۹۶۸۳ معامله
ارزش بازار	۱/۲۶۹/۳۲۰ میلیارد ریال



افزایش ۲۰ درصدی سود اوراق صکوک ماهان

نامه درخواست شرکت هواپیمایی ماهان مبنی بر افزایش نرخ سود اوراق صکوک منتشره از سوی این شرکت هواپیمایی تحویل سازمان بورس شد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، معاون مالی و اداری هواپیمایی ماهان با بیان این مطلب گفت: بنابراین درخواست شرکت هواپیمایی ماهان پس از اعلام بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی مبنی بر افزایش سود سپرده‌ها و اوراق مشارکت، سود اوراق صکوک خود را در دو مرحله اول و دوم به ۲۰ درصد افزایش داد.

رضا نمک‌شناس افزود: شرکت ماهان در دو مرحله اوراق صکوک اجاره منتشر کرد که سود مرحله اول آن برای ۲۹میلیارد و ۱۰۰میلیون تومان معادل ۱۷/۵درصد و مرحله دوم برای ۹۱میلیارد و ۴۰۰میلیون تومان معادل ۱۷درصد بود که سود این اوراق پس از تایید سازمان بورس اوراق بهادار و ضامن به ۲۰درصد افزایش خواهد یافت.

وی دلیل این افزایش را حمایت از سهامداران شرکت و حفظ اعتماد عمومی به ویژه سرمایه‌گذاران بر روی صکوک ماهان اعلام کرد و گفت: هر چند این افزایش، هزینه قابل ملاحظه‌ای را برای شرکت رقم میزند، اما این حرکت در زمینه حفظ حقوق سرمایه‌گذارانی که به شرکت ماهان اعتماد کرده‌اند و حمایت از سیاست‌های بانک مرکزی برای حفظ آرامش در بازارسرمایه صورت می‌گیرد.

زیان ۲۵۵ درصدی یک شرکت بورسی مشمول اصل ۴۴

پیش بینی سود هر سهم شرکت مشمول اصل ۴۴ حمل و نقل خلیج فارس حاضر در بورس با کاهش ۲۵۵ درصدی از چهار تومان سود به شش تومان زیان تغییر یافت تا چالش‌های سازمان خصوصی سازی و بورس و زیان سهامداران بیشتر شود.



به گزارش فارس،بعد از حاشیه‌های حضور در بورس شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ ایرالکو، بیمه دانا و پست بانک و زیان عمده سهامداران از دسته شرکت‌ها، این بار نوبت آخرین شرکت دولتی بورسی یعنی حمل و نقل خلیج فارس است که با کاهش ۲۵۵ درصدی پیش بینی سود هرسهم، سهامداران را با چالش تازه‌ای روبرو کند.

این شرکت هفدهمین شرکت مشمول اصل ۴۴ و چهارصد و شصت و یکمین شرکت بورسی است که با عرضه ۱۷ میلیون و ۴۵۰ هزار سهم (معادل ۵ درصد) وارد بازار سهام شده است.

براساس این گزارش، سازمان خصوصی سازی ۱۴ ماه بعد از عرضه سهام پالایشگاه تبریز در بهمن پارسال بالاخر طلسم واگذاری شرکت‌های مشمول اصل ۴۴ در بورس را شکست و در ۱۶ دی اقدام به عرضه ۵ درصد سهام شرکت ۳۴،۹ میلیارد تومانی حمل و نقل خلیج فارس کرد که با استقبال سهامداران روبرو شد.

هر سهم این شرکت تازه وارد ۱۲۶ تومان کشف قیمت شد اما یک روز قبل از عرضه اولیه سهام آن، مدیران حمل و نقل بین المللی خلیج فارس با انتشار گزارش عملکرد شش ماهه منتهی به ۳۱ شهریور ۹۰، پیش‌بینی سود هر سهم را که در چهار و ۱۲ مرداد سال ۱۹۱ ریال اعلام شده بود به ۴۰ ریال کاهش داده و در نیمه اول سال به جای تحقق درصد معقولی از پیش بینی سود، ۱۰ ریال برای هر سهم زیان کنار گذاشتند.

این کاهش شدید سود آوری ناشی از دو دلیل کاهش ۷۷ درصدی حمل آرد و کاهش ۳۵ درصدی حمل گندم و افت کشت گندم بود چرا که به اعتقاد مسئولان این شرکت آزادسازی بازار گندم و آرد و اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بیش از حد انتظار عملکرد شرکت را تحت تاثیر قرار داده ولی با توجه به تحقق درآمدهای حاصل از انبارداری گندم در سیلوهای شرکت در نیمه دوم سال، انتظار می‌رود عملکرد شرکت روند رو به رشدی را تجربه کند.

این اطلاعات جدید موجب انصراف گروه زیادی از سهامداران برای خرید سهام این شرکت شد اما با این همه دسته‌ای از سهامداران خوش بین با تکیه بر اعتماد به حضور شرکت‌های دولتی در بورس اقدام به خرید سهام کردند.بطوریکه مسئولان سازمان خصوصی سازی و بورس اوراق بهادار دلیل اقبال بازار به این سهم را ناشی از اعتماد مردم به دولت اعلام کردند.

به هرحال بر خلاف باور عمومی سهامداران، این گروه یعنی بیش از سه هزار و ۴۰۰ خریدار سهام ظاهراً خوش شانس بودند که هر سهم حمل و نقل خلیج فارس در روزهای بعد از حضور در بورس با رشد بهای هر سهم تا ۱۵۰ تومان مواجه شد و از این محل بازدهی مناسبی را آن هم در ۱۰ روز کاری نصیب سرمایه گذاران کرد.

برپایه این گزارش، این وضع صوری و ظاهری دیری نپاید و به رغم اعلام قبلی مدیران حمل و نقل خلیج فارس مبنی بر بهتر شدن وضع سود آوری در ماه‌های باقی مانده سال جاری، سود آوری آن شرکت نه فقط باز هم کاهش شدیدی را تجربه کرد بلکه به جای سود، ۶۱ ریال زیان برای هر سهم کنار گذاشته شد.

در این رابطه عبدالکریم نعناکار مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره حمل و نقل خلیج فارس با ارسال نامه‌ای به سازمان بورس اعلام کرده پیش بینی سود هر سهم این شرکت برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند سال جاری از ۴۰ ریال به ۶۱ ریال زیان کاهش یافته و با تعدیل منفی ۲۵۵ درصدی مواجه شده است.لذا خواهشمند است تا زمان آماده شدن گزارش مذکور و ارسال از طریق سامانه کدال، اقدامات لازم برای بسته شدن نماد معاملاتی این شرکت به عمل آید.

با این اتفاق نماد معاملاتی این شرکت (حفارس) از پنجم بهمن بسته شده است.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بیمه آسیا	۲,۷۷۱	(۱۱۵)	کیمیدارو	۲,۴۷۱	۲۴	فرآوردههای غذایی وقندتربت‌جام	۴,۲۰۵	۱۶۱
کنتورسازی‌ایران	۱۵,۷۱۷	(۶۵۴)	خدمات‌انفورماتیک	۱۳,۵۸۸	۱۶۰	کارخانجات قند قزوین	۷,۴۲۹	۲۸۵
مخابرات ایران	۳,۲۷۸	۱۸	تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۶۸۰	(۲۹۸)	قند شیرین خراسان	۹,۲۲۳	۳,۵۱۹
بیمه البرز	۳,۷۲۳	(۱۵۲)	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۶۹۵	(۱۵)	شهد	۱۰,۹۶۴	۴۲۱
کابل البرز	۸۸۰	(۲۰۶)	مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۲,۱۸۱	(۵۱)	شکرشاهرود	۸,۵۰۹	۳۲۷
ایران ترانسفو	۳,۵۹۵	۶	کشاورزی ودامپروی مگسال	۱۶,۷۰۰	۳۵۹	قنداصفهان	۲۳,۴۸۴	۹۰۳
پارس‌سویچ	۲,۸۸۰	(۳۷۷)	آذریت	۵,۲۲۰	(۲۱۳)	قند لرستان	۲۹,۰۰۰	۱۲,۲۱۰
لامپ پارس شهاب	۳,۸۰۰	۱۰	سیمان‌ارومیه	۲,۸۰۰	۳	قند مرودشت	۲۲,۱۵۲	۶,۰۴۶
نیروترانس	۴,۵۹۰	(۱۹۱)	سیمان‌سپاهان	۱,۱۷۲	(۱)	قند نیشابور	۱۰,۷۷۳	۴۱۴
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۷۰۹	(۱)	ح . سیمان‌سپاهان	۱۶۹	(۱۴)	قندهکمتان	۱۳,۸۶۵	۵۳۳
بیمه پارسیان	۱,۹۰۰	(۲۳)	سیمان تهران	۲,۳۰۸	(۴۹)	گروه‌صنعتی‌بوتان	۱,۹۴۵	(۸۱)
ایران‌یاساتایرورابر	۵,۴۰۲	(۱۵۱)	سیمان خزر	۱,۸۳۰	۴	پارس الکتریک	۶۵۴	۱
ایران تایر	۹۵۸	(۳۹)	سیمان دورود	۴,۰۵۱	(۳۷)	سرما آفرین	۱,۵۰۰	(۳۵)
درخشان تهران	۱,۱۵۰	(۳۷)	سیمان‌شاهرود	۲,۵۸۰	(۲۳)	کارخانجات‌مخابراتی‌ایران	۸۹۰	(۳۴)
سرمایه گذاری پردیس	۱,۱۳۵	(۴۰)	سیمان شرق	۹۳۵	(۱۹)	داده‌پردازی‌ایران	۴,۳۱۳	(۸۴)
صنایع لاستیکی سهند	۱,۱۸۰	۹	سیمان شمال	۹۷۰	۰	پشم بافی توس	۶۷۶	۲۶
گازلوله	۳۹۰	(۱)	سیمان‌اصفهان	۹,۰۴۴	(۳۷۶)	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۳۱۵	(۵۴)
تراکتورسازی‌ایران	۱,۳۸۷	۵۳	سیمان صوفیان	۱,۰۶۶	(۴۴)	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۲۱۰	۱۷
پمپ سازی ایران	۲,۹۰۰	(۶۳)	سیمان‌غرب	۲,۵۷۹	(۱۳)	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۶۳۰	(۱۵۱)
تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۶۶۵	(۲۷)	سیمان فارس و خوزستان	۱,۰۶۶	(۱۲)	مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۵۳۰	(۱۰۷)
فیروزا	۲,۷۷۴	۱۰۶	سیمان فارس نو	۲,۴۵۰	(۴۳)	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۵۲۰	۲۹
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۷۵۶	۲۹	سیمان‌مازندران	۶,۰۴۹	(۲۵۲)	بانک صادرات ایران	۱,۱۴۶	(۳۳)
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۳,۱۵۹	۰	سیمان‌هگمتان	۲,۵۰۰	۹	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۹۲۱	(۱۰)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۶۵	(۵۶)	سیمان کارون	۲,۴۴۲	(۴۶)	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۷۷۴	(۵)
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۸۰۸	(۱۱۳)	سیمان کردستان	۶,۹۵۰	(۸۰)	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۸۰۰	(۱۸)
سخت آژند	۸۵۰	(۱)	سیمان کرمان	۴,۱۲۱	(۵۷)	بانک‌پارسیان	۲,۵۷۱	(۱۰۷)
سامان گستراصفهان	۱,۲۷۲	(۵۲)	پتروشیمی شازند	۵,۵۰۰	(۱۹۱)	ح . بانک‌پارسیان	۱,۵۳۱	(۸۰)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۲۶	(۶۷)	معدنی املاح ایران	۹,۲۷۵	(۳۸۶)	بانک پاسارگاد	۱,۸۹۰	(۷۲)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۳۸۵	(۵۷)	پالایش نفت تبریز	۳,۹۶۰	(۱۶۵)	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۷۱۹	۱
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۷۲۳	(۲۵)	نفت بهران	۱۸,۱۸۰	۲	داروپخش (هلدینگ	۸,۷۰۰	۲۶۶
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱,۷۹۲	(۵۹)	پاکسان	۳,۴۰۰	۱۱۰	پست بانک ایران	۴,۵۴۰	(۹۳)
افست	۲,۸۴۱	(۱۱۸)	پتروشیمی آبادان	۳,۳۵۸	(۱۳۹)	بانک تجارت	۱,۸۱۸	(۷۴)
بسته بندی پارس	۴۶۲	(۱۵)	پلی‌اکریل	۵۶۶	۲۱	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱,۶۷۲	۶۴
فیبر ایران	۴,۰۴۲	(۱۶۸)	پارس پامچال	۷,۲۰۰	(۲۰)	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۸۷۶	۴۶
کارتن مشهد	۵۶۳	۲۱	پالایش نفت اصفهان	۴,۹۵۰	(۱۰۵)	سرمایه گذاری پارس توشه	۱,۸۳۴	(۲۹)
کارتن ایران	۱,۷۲۰	(۴۶)	پتروشیمی خارک	۱۹,۳۵۵	(۱۹۳)	توسعه‌صنعتی‌ایران	۹۴۸	(۳۹)
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۴,۸۰۴	(۱۹۰)	تجهیزنیروی‌زنگان	۸۱۰	(۲۷)	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۱۲۵	(۵۴)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۶,۳۰۰	۱۲۰	تولید سموم علف کش	۳,۰۵۰	(۶۲)	سرمایه‌گذاری سایپا	۲,۶۴۷	(۵۶)
تایدواترخاورمیانه	۳,۱۰۲	(۱۲۹)	پتروشیمی‌فارابی	۲,۴۷۳	۹۵	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۸۰۵	(۵۲)
حمل‌ونقل‌توکا	۳,۷۳۰	۱۲	صنایع شیمیایی فارس	۲,۶۷۰	۵۲	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۲۷۲	(۱۳)
حفاری شمال	۲,۲۷۳	۲۳	پتروشیمی فناوران	۱۱,۳۰۰	۴۲۲	بانک سینا	۳,۱۱۴	(۱۲۹)
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۷۸۳	۳۰	گلتاش	۶,۵۰۰	۸۰	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۳۲۹	(۴۷)
سایپاآذین	۶۷۰	(۲۶)	لعابیران	۴,۲۹۲	(۱۶۴)	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۱۴۳	(۲۵)
ایران خودرودیزل	۷۰۶	(۱)	تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۹۵۹	(۳۷)	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۷۱۹	۱۰۷
گروه‌بهمن	۲,۰۵۰	(۳۷)	نفت پارس	۴,۳۰۰	(۸۱)	لیزینگ رایان سایپا	۵,۴۸۳	(۱۳۹)
پارس خودرو	۹۸۶	(۱۷)	پتروشیمی‌شیراز	۲,۸۷۰	(۱۱۹)	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۳۴۰	(۲۴)
سازه پویش	۱۳,۷۳۲	(۵۷۲)	نیروکلر	۸,۸۵۰	(۳۰۵)	لیزینگ‌خودروغدیر	۴۳۲	(۱۵)
رادیاتور ایران	۱,۱۳۴	۰	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۸۴۹	۴۳	لیزینگ‌ایران	۲,۳۴۷	(۹۷)
قطعات اتومبیل ایران	۳,۱۸۰	۷۶	صنعتی بهشهر	۶,۹۱۵	(۲۰۹)	توسعه‌معادن‌وفلزات	۸,۴۹۰	(۱۶۴)
چرخشگر	۳,۱۲۰	۷۵	بهنوش ایران	۱۱,۹۵۱	(۴۹۶)	سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۳۰	(۹)
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۱۷۰	(۴)	پارس مینو	۱,۴۹۷	۱۶	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۹۸	(۴۷)
زامیاد	۱,۱۱۰	(۴۶)	دشت مرغاب	۱,۹۵۰	(۷۵)	بانک‌اقتصادنوین	۳,۴۷۹	(۱۴۴)
سایپا	۱,۷۹۹	(۱۷)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۲,۷۴۹	۶۵	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۲۹	۴۳
الکتریک خودرو شرق	۹۴۲	(۳۹)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۶۶۱	(۶۱)	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۶۰۱	(۶۵)
صنعتی دریایی ایران	۱,۵۹۶	(۵)	بیسکویت گرجی	۲,۱۸۱	(۱۳)	بانک کارآفرین	۲,۶۲۰	(۹۷)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۷۳۵	۶۶	گلوکوزان	۱۱,۵۰۰	۰	آبگینه	۴۱۹	۱۲
فنرسازی‌خاور	۸۹۰	(۲۲)	مارگارین	۱,۲۷۲	(۵۲)	کاشی اصفهان	۱,۶۵۰	۳۵
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۶۰۴	(۱۰۸)	تولیدی‌مهرام	۲,۱۱۱	(۵۳)	باما	۲۲,۸۲۰	(۱۲۵)
لنت ترمزایران	۳,۵۷۶	(۱۴۸)	صنایع آذرآب	۲,۰۰۶	۷۷	ایتالران	۲,۵۰۰	۶۲
نیرو محرکه	۱,۵۹۰	۶۱	ماشین سازی اراک	۱,۴۷۵	۹	معادن بافق	۱۶,۹۴۹	۲۰
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۹۰۵	۲	کالسیمین	۶,۷۰۰	(۲۳۳)	کاشی پارس	۱,۳۷۸	(۲۹)
ایران خودرو	۲,۰۴۴	(۸۵)	ح . کالسیمین	۵,۲۲۸	(۱۹۶)	پشم‌شیشه‌ایران	۱,۷۰۰	(۴۲)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۶۹۴	۲۴	مس شهیدباهنر	۱,۰۳۰	(۲۶)	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۴۲۴	۵۴
کاربراتورایران	۲,۱۰۰	(۴۵)	سپنتا	۲,۸۹۶	۶۶	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۲۳۵	(۱۴۴)
سایپا دیزل	۵۲۴	۲۰	جام‌دارو	۲,۰۰۷	۷۷	چینی ایران	۳,۸۶۸	۱۴۸
کمک‌فنرایندامین	۱,۰۰۷	۲۷	ح . جام‌دارو	۱,۴۶۱	(۱۲۶)	کاشی وسرامیک حافظ	۱,۵۲۱	۵۸
داروسازی ابوریحان	۹,۱۴۶	(۳۸۱)	فولاد امیرکبیرکاشان	۱,۷۵۷	۲	ح . کاشی وسرامیک حافظ	۶۱۵	۴۵
داروسازی اسوه	۱۴,۰۰۰	(۲۵۲)	فولاد خراسان	۵,۸۷۲	۲۲۵	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۲,۴۰۸	۴۷۷
داروسازی امین	۲,۸۲۹	(۱۱۵)	فولاد خوزستان	۱۰,۷۰۰	۱,۹۸۳	معدنی دماوند	۷,۳۷۵	۲۸۳
بیمه دانا	۶,۵۶۸	(۲۷۳)	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴,۴۲۲	(۳۲)	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۳,۴۳۲	۱۳۲
داروسازی جابرابن‌حیان	۳,۴۴۴	(۱۴۳)	گروه‌صنعتی‌سپاهان	۵,۱۲۶	۱۹۷	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۷,۲۵۴	۲۷۹
دارویی رازک	۱۲,۰۷۱	(۳۳۷)	لوله و تجهیزات سدید	۱,۰۰۰	۰	پارس سرام	۱,۸۲۷	۷۰
داروسازی‌زهراوی	۱۴,۳۰۰	۳۵۱	ملی سرب‌وروی ایران	۳,۱۰۰	(۱۱۹)	کاشی سعدی	۲,۵۸۹	۹۹
گروه دارویی سبحان	۴,۰۴۴	(۱۶۰)	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۶۴۰	(۸۳)	فراورده های نسوزایران	۳,۳۷۰	۲۵
داروسازی سینا	۱۳,۵۲۷	(۱۳۷)	ملی صنایع مس ایران	۵,۰۰۲	(۳۵)	معدنی و صنعتی گل گهر	۶,۴۹۹	(۱۳۵)
شیمی داروئی داروپخش	۴,۷۵۰	۸۶	نورد آلومینیوم	۲,۵۵۱	(۱۰۶)	کاشی الوند	۱,۸۱۴	۶۹
داروسازی فارابی	۹,۵۰۰	(۱۵)	نوردوقطعات فولادی	۱,۶۴۲	۶۳	کاشی نیلو	۲,۰۳۳	(۸۴)
داروسازی اکسیر	۷,۶۰۵	(۸۴)	فولاد مبارکه اصفهان	۳,۰۵۰	۵۱	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۳۷۸	۵۳
دارویی لقمان	۴,۲۰۰	۶۳	فولاد آلیاژی ایران	۳,۰۳۸	۱۱۶	شیشه همدان	۲,۰۲۰	(۵)
ایران‌دارو	۴,۴۸۰	(۱۸۶)	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۱,۷۱۰	۴۵۰			
داروسازی کوثر	۲,۶۹۰	(۱)	قند ثابت خراسان	۵,۸۲۹	۲۲۴			

فرهنگی ۷۰

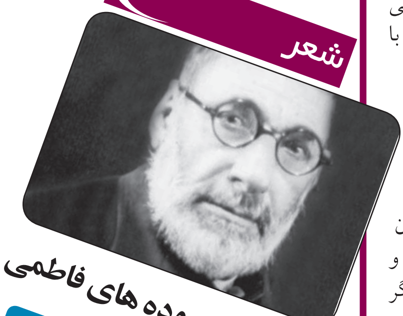
● چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۰
● شماره ۲۵۲۳۸ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
● ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

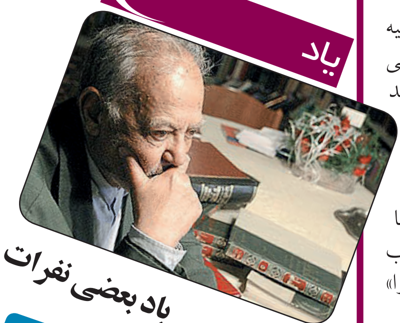
گفتگو

گفتگو با پروفسور دیویس
صفحه ٤

سایه

ترس ما ریخت
صفحه ۳

شعر

از سروده های فاطمی
صفحه ۷

یاد

یاد بعضی نفرات
صفحه ۲

عکس

باید فکر کنم
صفحه ۵

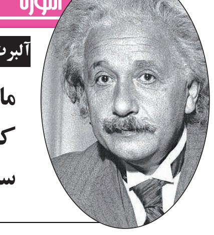
ایران

آموختن برای آینده
صفحه ٤

سند

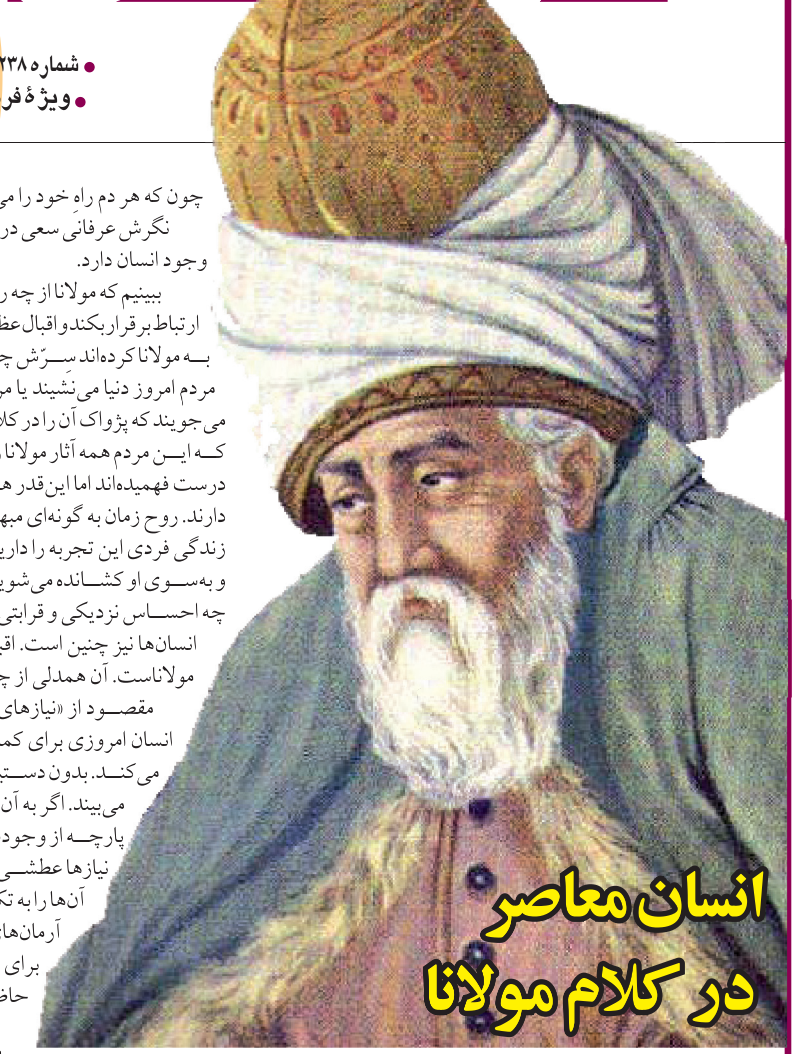
مجلس شورا و تبریک های آن
صفحه ٦

آموزه



آلبرت اینیشتین:

ما در عصری زندگی می‌کنیم که ابزارها کامل و اهداف سردرگم است!

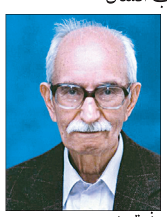


انسان معاصر در کلام مولانا

دکتر محمد علی موحد: سخنی کوتاه خواهم داشت در پیرامون نیازهای‌وجودی انسان معاصر و انعکاس آن در کلام مولانا.

میانِ خونم و ترسم که چون آید خیالِ او
ز بی‌خویشی خیالش را به خونِ دل بیالایم
رهاکن تا چو خورشیدی قبایی سازم از آتش
در آن آتش چو خورشیدی جهانی را بیارایم
اگر یک دم بیاسایم روانِ من نیاساید
من آن لحظه بیاسایم که یک لحظه نیاسایم

بشر از روزی که چشم به جهان گشوده دو نوع شناخت برای او مطرح بوده است: یکی شناخت خود و دیگر شناخت جهان خارج ازخود. در هر دو رشته از شناخت پیشرفت‌های عظیمی نصیب انسان گردیده ولی در هیچ یک از آن‌ها قطعیت و تمامیت و کمال حاصل نشده است. کوشش برای بسط دایره شناخت و ورود در زوایای لایه‌ها و اسرار اعماق هستی در هر دو ساحت همچنان ادامه دارد و هرچه‌بر میزان دقت و وقوف انسان در میدان معرفت و آگاهی می‌افزاید توجه او به نادانسته‌ها و عطش او به نایافته‌ها فزونی می گیرد و این‌ندای ازلی پیوسته در گوش جان آدمی تکرار می‌شود که وَ ما اوتیتُم مِنَ الْعِلم اِلاّ قَلیلاً. پیشرفت در زمینه شناخت جهان خارج، انسان راموفق کرد که بسیاری از نیروهای قهار و وحشی طبیعت را رام و منقاد خود گرداند و به برکت همین شناخت است که انسان سیادت خودرا بر برّ و بحر عالم گسترده و در صدد دست‌اندازی به فضا و ماوراء آن برآمده است. این راه علم است و تکنیک و دست‌افزار آن مشاهده‌است و تجربه و آزمون.



اما شناخت آدمی از خود؛ یک کشف کلیدی در این زمینه توجه به دوگانگی یا ثنویت ساحت وجود انسانی است. از فلاسفه یونان تامتکلمین یهودی و مسیحی و حکمای شرق و غرب از دو جنبه ضد و نقیض وجود آدمی سخن گفته‌اند.

آدمیزاد پارادوکسی است که ناچیزی و حقارت را با شکوه و حشمت و بزرگواری یکجا دارد. از یک سو سراپا عجز است و ضعف وزبونی و نیاز و از سوی دیگر قدرت و صلابت و متانت و استغنا.

همچو گاوی نیمه چپّش سیاه/ نیمه دیگر سپیدِ همچو ماه
موجِ لشکرهای احوالم ببین /هر یکی با دیگری در جنگ و کین
چون که هر دم راهِ خود را می‌زنم/ با دگر کس سازگاری چون کنم؟

نگرش عرفانی سعی در برجسته‌تر کردن این جنبه‌های متناقض وجود انسان دارد.

ببینیم که مولانا از چه راه وچگونه می تواند با انسان امروزی ارتباط برقراربکند واقبال عظیمی که مردم دنیادر این سالیان‌اخیر به مولانا کرده‌اند سِرّش چیست؟ مولانا چه دارد که بر دل مردم امروز دنیا می‌نشیند یا مردم‌امروز دنیا چه می خواهند و چه می جویند که پژواک آن را در کلام مولانا می‌یابند. البته نمی توان گفت که این مردم همه آثار مولانا را خوانده‌اند و یا درست خوانده‌اند و درست فهمیده‌اند اما این‌قدر هست که یک احساس مبهم همدلی با او دارند. روح زمان به گونه‌ای مبهم به سوی مولاناجذب می‌شود. ما در زندگی فردی این تجربه را داریم که گاهی از کسی خوش‌مان می‌آید و به‌سوی او کشانده می‌شویم آنگاه می‌نشینیم و فکر می کنیم که این چه احساس نزدیکی و قرابتی‌است که با او داریم. درزندگی جمعی انسان‌ها نیز چنین است. اقبال مردم نشان نوعی احساس‌همدلی با مولاناست. آن همدلی از چیست و چراست؟

مقصود از «نیازهای وجودی» چیزهایی است که انسان امروزی برای کمال و تمامیت خودآن‌ها را طلب می‌کند. بدون دستیابی به آن‌ها خود را ناقص و ناتمام می‌بیند. اگر به آن‌ها نرسدچنان است که گویی یک پارچه از وجودش را از او ربوده‌اند. برآورده شدن آن نیازها عطشی است که در درون انسان‌ها می‌جوشد و آن‌ها را به تکاپو وامی‌دارد. آن نیازها به تعبیری دیگر آرمان‌های بشر امروزی هستند که بشر امروزی برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند و حتی حاضر است در راه آن‌ها قربانی بدهد.

شاید پُر بیراه نباشد اگر بگوییم اعلامیه جهانی حقوق بشر نسخه بالنسبه جامعی ازسرفصل های مهم نیازهای وجودی بشر امروزی است و نیز شاید اغراق نباشد اگر بگوییم که‌مباحث گسترده حقوق بشر کلاً از سه اصل اصیل که می توان آن‌ها را ام‌الاصول خواند متفرع گردیده است و آن سه اصل عبارت است از تأکید بر ارزش و حرمت و کرامت انسان‌ها، تأکید برواقعیت تکثر و پلولاریسم در برداشت‌ها و رویکردها و آیین‌ها و شعایر و رسوم و آداب، و تأکیدبر مساهله و عدم تعصب در برخورد با عقاید و آراء متخالف که حافظ از آن به «مروت و مدارا» تعبیر کرده است.

حالا شروع می کنیم از اصل اول که در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر این گونه بیان شده‌است: «ابنای بشر همه آزاد به دنیا می‌آیند و در کرامت و حقوق با هم برابرند. همه از موهبت خردو وجدان برخوردارند و باید با هم برادروار رفتار کنند.» من در فصل آخر کتاب خود: درهوای حق‌و عدالت کوشیده‌ام تا ریشه‌های دینی حقوق بشر را روشن گردانم و در آنجا گفته‌ام این واژه‌کرامت که دراعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، سابقه قرآنی دارد آنجا که می‌فرماید «وَلَقَدْ کَرَّمْنابنی‌آدم» آدمیزاد را کرامت دادیم. خلعت کرامت بر قامت او پوشانیدیم. شمس تبریزی که خضرراه مولانا و مرشد محبوب اوست می گوید این کرامت وجه امتیاز آدمیزاد بر همه موجودات‌است چون خدا هیچ جا نفرمود مثلاً «ولقد کرّمنا السموات» یا «ولقد کرّمنا العرش» فرمود «و لقدکرّمنا بنی آدم» کرامت از بین همه آفریدگان خاصّ آدمیزاد است. همین تعبیر را در مثنوی مولانادا‌ریم:

تاجِ کرّمناست بر فرقِ سرت/ طوقِ اعطیناک آویزِ برت
هیچَ کرّمنا شنید این آسمان/ که شنید این آدمی پُرغمان
بر زمین و چرخ عرضه کرد کس/ خوبی و عقل و عبارات و هوس؟

کانت همین برداشت رابه زبانی دیگر بیان می‌کند. می‌دانیم که فلسفه حقوق بشر از تعالیم این‌حکیم بزرگ تأثیر گرفته است. او می‌گوید «انسان قابلیت گزینش و تصمیم‌گیری عقلانی را دارد ودیگر جانوران چنان نیستند. و از همین رو انسان مستحق فضیلت و شرف و کرامت است که او را از دیگر موجودات ممتاز می‌گرداند. امتیاز انسان به انسانیت اوست.»

بقیه در صفحه۳

مروری بر خاطرات اسدالله علم

... از نمایش دموکراسی

مشخص بود که علی‌رغم تصوراتٍ و توهماتی که شاه درباره خود داشت و رجزخوانیٍ‌هایی که عمدتاً در فضای سر بسته علیه آمریکا و انگلیس می‌کرد، عملاً مقدرات بخش قابل توجهی از بودجه کشور در دست تصمیم گیران آمریکایی قرار داشت و البته در نحوه هزینه شدن مابقی این بودجه در امور صنعتی و عمرانی نیز شرکت‌ها و شخصیت‌های غربی، سهم عمده و بلکه اصلی را نصیب خویش می‌ساختند.

نکته‌ای که در این زمینه باید به آن توجه کرد، هم جهت بودن تمایلات و تصمیمات شاه با منافع بیگانگان بود و لذا مشکلی برای جذب مجدد دلارهای ایران از سوی آمریکا و انگلیس وجود نداشت. نمونه‌هایی از میل مفرطٍ شاه به خرید انواع و اقسام تسلیحات جنگی که طبعاً در پیوند تنگاتنگ با سیاست‌های آمریکاست در خاطرات علم بهٍ چشم می‌خورد و البته پاره‌ای مطالب در این زمینه، کاملاً قابل توجهند: «۵۳/۷/۱۵: چندی قبل فرمانده نیروی هوایی به من گفته بود به عرض برسانم این همه خرید هواپیما را نمی‌تواند جذب کند، یعنی به این تناسب امکان تربیت پرسنل و خلبان نداریم و کیفیت کار آنها کم می‌شود. منتها جرئت نمی کند این مطلب را به شاه عرض کند، در صورتی که خودش شوهر خواهر شاه است.»(ج ٤، ص ۲۵۳) علم در جای دیگری از خاطراتش به خرید تعداد زیادی جنگنده‌های اف-١٤ اشاره دارد که شاه بر اساس مسئولیتی که در قبال «خلیج فارس و اقیانوس هند» برای خود تصور می‌کرد، اقدام به خرید آنها کرده بود: «۵۳/۱۲/۲۲: در مورد قوای نظامی و این که ما ۸۰ هواپیمای ١٤F خریده‌ایم در صورتی که خود آمریکا فقط ۳۰۰ عدد دارد، صحبت شد. شاهنشاه فرمودند: من ناچارم خودم را قوی کنم چون در خلیج فارس و اقیانوس هند مسؤلیت دارم.»(ج ٤، ص ٤١۳)



علم

بقیه در صفحات ٤ و ٥

سر سخن

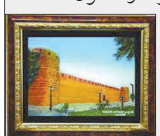
کریم فیضی

انسان در قاب فضای مجازی

نسل جدید به لحاظ ذهنی و فکری و اخلاقی و رفتاری چگونه عمل می کند و مبادی فکری و نظری و عملی‌اش در مواجهه با انسان، تاریخ، حقیقت، دین، اخلاق و در یک کلام «دیگری» و «جهان پیرامون» و «جز خودش» چگونه است و تابع چه مکانیسم‌هایی است و روی در چه روندی دارد. سوالهایی از این دست با قاطعیت حضور خودشان را پیوسته اعلام می کنند.

برای رسیدن به چنین نقطه‌ای و نشان دادن اختصاصات نسلیِ که برآمده و پرورده و بالیده شدهٔ فضایی صرفاً جدید و کاملاً مقرون به دیجیتال است، باید آنها را در قاب و قالب اختصاصی خودشان و در زمان و عهد خودشان و در دوره‌ای که به اسم آنها مهر خورده و سکه‌اش ضرب شده، مورد مطالعه قرار داد، تا در دوره‌ای که هنوز اقلیم‌های اندیشه و حضور و عمل، متعلق به نسل پیش و پیش‌تر هم هست و بنا به دلایل طبیعی، عرصه برای حضور و ظهور نسل جدید به صورت ۱۰۰درصد فراهم نشده است.

بنابراین، آنچه ما در این شرایط می گوییم، به دلیل امتزاج‌های نسلی و به دلیل عدم حاکمیت مطلق فکری و عملی دیجیتالیته و نسل اختصاصی آن، به نظر حدس آمیزه یا پیشگویانه و حتی ممکن است غیر واقع‌بینانه بیاید. با در نظر گرفتن اصل مدعا و احتمال‌هایی از این دست، آنچه در برابر ما گشوده است، سخن گفتن از انسان جدید و جهان جدید و هست‌ها و بایدها و اختصاصات و الزامات قابل کشف آن است و قراین متعددی نشان می‌دهد که این بحث‌ها روی به جانب واقعیت دارد، چرا که حالت‌هایی از آن، ظاهر شده و نمود یافته، حالت‌هایی دیگر از آن نیز با آینده مرتبط است و در گرو گذشت زمان، و البته رخصت و مجال و امکان بحث از هر دو حالت، محفوظ و معقول است و شاید ضرورت هم داشته باشد. فرض و بلکه پیش‌فرض‌ها این است که نمی‌توان بحث نکرد و گفت‌وگو به عمل نیاورد. نیز بر پایهٔ اصول، تصور و اصل موضوعه ما این است که نمی‌توان از هستی و آینده و آنچه که روش زندگی و اسلوب رفتاری انسان آینده را شکل می‌دهد، سخن نگفت و بحث به میان نکشید.



با این مقدمه و تمهید، می‌توان برخی از مسائل مرتبط با انسان را در قاب فضای مجازی مورد بحث و تحلیل قرار داد و دربارهٔ آن دست به تفسیر زد و رئوس و امّهات و مبانی ثابت و متغیر را در ساحت نظر و عمل مورد ملاحظات گوناگون قرار داد. گذشته از بحث‌هایی که پیش از این در این عرصه ارائه کرده‌ایم (مانند پایان فاصله، مرگ فاصله، انسان اینترنتی، نسل اینترنتی، دیجیتالیسم، دیجیتالیته و...) در مقام طرح مسأله می‌توان بحث‌هایی از نوع آنچه ذکر می‌شود را هم، مورد مطالعه قرار داد:

ظرفیت‌های ناشناخته دیجیتالیسم، تحول و تطور ذهن در ساحت امواج، جنگ و صلح امواج، دگردیسی های رفتاری، تغییر ذائقه‌ها، ابهام و ایهام شخصیت دیجیتالی، پناه و بی‌پناهی حیات اینترنتی، چندوچون روابط غیرقابل تحلیل، مفهوم ارزش‌ها در فضای مجازی، تفسیر عشق و محبت در فضایی دیجیتال و سایبر، پدیده فتوشاپیسم، جایگاه سنّت و الگوهای کهن و نوی آن در فرآیند دیجیتالیسم، نیازهای شناخته و ناشناخته انسان مجازی، ادب و ادبیات دیجیتالیسم، میراث دیجیتالیته، اسارت و آزادی فضای مجازی، اقسام شخصیت اینترنتی، تفاوت اشخاص در مدارهای دیجیتال، جایگاه زمان و مکان در دیجیتالیسم و نیز مفهوم احساس و عشق و عاطفه در فضای مجازی.

با استناد به واقعیت‌های روشن و محسوس، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل قابل فحص و بحث در حوزهٔ دیجیتالیسم و فضای مجازی و سایبری «عشق مجازی» است. اینکه عشق در فضای ثبت شده به نام فضای‌مجازی، چگونه خواهد بود و چه شرایطی خواهد یافت، پرسشی است که با نظر و تأمل در نحوه وجودی نسلی که در راه است، بیش از هر چیز خود را نمایان می‌کند و در جستجوی پاسخ‌های خویش است.

در واقع، ما می‌توانیم پدیدهٔ عشق در فضای مجازی را مورد توجه و مطالعه قرار دهیم. طبیعی است که «عشق مجازی» عنوان روشن این بحث محسوب می‌شود، اما باید توجه داشته باشیم که وصف «عشق مجازی» پیش از این مفهومی دیگر داشت. در ادبیات موجود فرهنگی ما، بخصوص در اقلیم اخلاقی و عرفانی، عشق مجازی، در مقابل عشق حقیقی تعریف می‌شود. در این تلقی، عشق انسان به انسان، عشق خاکی است و اهل عرفان و برداشت‌های معنوی و عارفانه، از آن تعبیر به عشق مجازی می‌کنند. در مقابل این عشق، عشق آسمانی یا روحانی قرار دارد که عشق انسان به خدا و مافوق محسوسات است. مستند و مستمسک کسانی که چنین دیدگاهی دارند، آیات و روایاتی است که از دنیا و زندگی مادی، به عنوان امری کم ارزش و بی‌بنیاد یاد می‌کند و در مقابل حیات مافوق مادی و جاودانی را مطرح می‌کند که دارای ویژگی‌هایی والاتر و برتر است و روی به جانب ابدیت و بقا و البته تعالی دارد.

ادامه دارد

حمید سعادت

روایت

مصطفی فاتح متوفی ۱۳۵٦ شرایط اجتماعی ایران در دوره پهلوی اول و دوم را روشنگرانه و صریح به نقد کشیده است که در زیر می آید. گفتنی است نقل دیدگاه های مرحوم فاتح در مقام یکی از مدیران نفتی به معنای همسویی یا تایید نیست.

برگ هایی از «تاریخ نفت ایران»

فاصله طبقاتی

ابتدا باید این اصل کلی را قبول کرد که دولت یعنی تنظیم کنندۀ امور جامعه موظف است که برای مردم کار تهیه کند و آنها را به کارهای مولده بگمارد و یا وسائلی برانگیزد که خود مردم بتوانند برای اعاشۀ خود به کارهای سودمند بپردازند. هر سال عدۀ زیادی باسواد از مدارس ما بیرون می آیند و در جستجوی کاری می روند و چون کاری نیست به ادارات دولتی هجوم می آورند. در سابق قانون استخدام تاحدی مانع این بود که کارمندان اضافی استخدام شوند ولی طولی نکشید که این هجوم به ادارات افراد طبقۀ حاکمه را مرعوب نمود و لذا به عناوینی مانند کارمندان کنتراتی و فنی و روزمزد و دون پایه عده‌ای را استخدام کردند. این هجوم که هنوز هم ادامه دارد موجب شد که هزینه دولت افزایش یابد و کسر بودجه قضیه‌ای مستمر گردد زیرا متمولین که مالیات نمی دهند و وضع مالیات غیرمستقیم هم حدودی دارد. کسر بودجه ایجاد تورم می کند و تورم پول هزینۀ زندگی را بالا می برد و افزایش هزینۀ زندگی حقوق بگیرها را ناراضی کرده و بالمآل آنها را جسور می نماید. پس هرچند یکبار باید به حقوق کارمندان دولت افزود تا آنها را ساکت نگاهداشت.

افزایش حقوق کارمندان هم تأثیرش موقتی است و در مدت کمی هزینۀ زندگی بالا رفته و فوائد آن را زائل می کند. دراین جاهم یک دور و تسلسل دیگری پیش آمده است که عواقب آن بالاخره وخیم خواهد بود. این دور و تسلسل ها که ذکر شد همه حاکی از این است که زندگی اقتصادی مردم ایران امروز به جائی رسیده که دیر یا زود باید یا آن را اصلاح کرد و یا آنانی که این وضع غیرمطلوب را ایجاد کرده‌اند از عواقب آن برخوردار گردند زیرا با ناموس طبیعت و با قوانین اقتصادی ستیزگی ممکن نیست.

وضع حقیقی اکثریت مردم

چنانکه در بالا گفته شد حکومت ایران در دورۀ دموکراسی به دست طبقه مخصوصی بوده است که به مردم تسلط یافته‌اند و وضع زندگی اقتصادی کشور هم طوری شده است که همۀ ثروت کشور در دست یک عده تمرکز یافته و اکثریت مردم دچار محرومیت‌های بسیاری هستند. امروز وضع حقیقی اکثریت مردم به قرار زیر است:

تودۀ مردم هنوز مانند سابق و با همان فلاکت زیر لگد انگل ها و طفیلی ها جان می کند. برزگر ایرانی همان کرباس آبی پاره را میپوشد و در همان خانۀ گلین با همان زندگی چرکین و بی‌روح زیست می کند. با همان نادانی و با همان خرافات و با همان گرسنگی و با همان فشار و ظلم روزهای سختی به سر می برد تامرگ فرا رسیده و او را از این زندگی پرمشقت رها دهد. بهای محصولات کشاورزی بالا رفته ولی کالاهائی را که برزگر برای احتیاج خود لازم دارد به اندازه‌ای ترقی داده‌اند که جبران کسر خرج او را نمی کند. مزد کارگر ایرانی در سالهای اخیر افزایش یافته ولی چون از قوۀ خرید پول کاسته شده در مقابل دستمزد روزانه هنوز قادر به تهیۀ معاش خود نیست.

آنهائی که باور ندارند خوب است به دهات اطراف شهر خود رفته و با چشم زندگی سرتاپا فلاکت برزگر را ببینند و به لانه‌های کثیف شهرها سری بزنند تا عمق بدبختی کارگران را دریابند. زندگی تودۀ مردم از پیش بدتر شده و سختی‌ها و مشقت او افزون‌تر گشته است ولی برای افراد طبقۀ حاکمه پیشرفتهای بسیاری رویداده، کاخهای متعددی برای خود ساخته، و پولهای گزافی را به خارج فرستاده، و ثروتهای بی حسابی را از راه استثمار تودۀ مردم اندوخته‌اند.

هنوز بیشتر مردان و زنان و کودکان برزگران و کارگران ایرانی بیمار و بی‌پرستار در گوشه و کنار به گرسنگی کشیدن و دشنام شنیدن و عقوبت دیدن و در تلخی و ناکامی مردن محکومند. غباری از خرافات و دودی از موهومات جلو چشمان آنها را گرفته است. از گردۀ ایشان کاری بیرون از طاقت میکشند و در مقابل نه فقط مزد شایسته‌ای با آنها نمی‌دهند بلکه از این نیز دریغ دارند که آنها قوت لایموت خود را بیابند. صفحات کرمان و خراسان و فارس و اصفهان و یزد و سایر نقاط ایران اراضی نکبت زده‌ای است که مردم آن در نخستین مراحل زندگی بسر میبرند. شبها به واسطه بی چراغی همین که تاریک شد می خوابند و در زمستان با تاپاله گاو خود را گرم می کنند در تمام سال اگر یکی دو ماه نان خالی به دست بیاورند بقیۀ سال را با ریشۀ گیاه‌ها و علف بیابان و هستۀ خرمای کوبیده و امثال آن می گذرانند ولی در مراکز شهرهای بزرگ و بخصوص تهران عدۀ معدودی برای نوازش «ذائقۀ تربیت‌شده» خود انواع تکلفها را در غذای روزانه خود به کار می‌برند.

ذکر مثال زیر در اینجابی مورد نیست:

در آبان‌ماه ۱۳۳٤ خبری در جراید تهران چاپ شد که یکی از اعضای خاندان سلطنت در سفری که به بلوچستان کرده به پسرده ساله‌ای برخورده‌اند که مثل حیوانات در بیابانها زندگی می کرده و علف‌خوار بوده است. در تعقیب این خبر یکی از جراید چنین نوشته بود:

این تنها سرزمین بلوچستان نیست که مردمش سبزی‌خوارند و بچه‌هایش این وضع را دارند. اکثریت نقاط کشور زرخیز ما را مردمی تشکیل می دهند که در بدترین شرایط زندگی گذران می کنند و متأسفانه باید بگوئیم که درست در میان همین خرابه‌ها و ویرانه‌ها و در میان همین گروه مردم بینوا و بدبخت و علف‌خوار اشخاصی پیدا می شوند که مرفه‌ترین زندگانیها را دارند، پولدارند، متمولند، میلیونرند، میلیاردرند. اینها باین وضع فلاکت‌بار زندگی می کنند ولی رؤسای ایلات و عشائر آنها، ملاکین و متمولین آنها در پول و سرمایه غوطه می خورند. آبادی اینها از خرابی آنهاست. سالها و قرنهاست که سیاستهای غلط داخلی و تحریکات خارجی چنین خواسته که اکثریت مردم ایران گرسنه باشند و همیشه اقلیتی کوچک صاحب همه چیز باشد و بر محروم‌ترین طبقات جهان آسوده‌ترین اقلیت‌ها آقائی بکنند.»

طبقات متوسط که احتیاجاتشان بیشتر و سطح زندگی بالاتری دارند و اغلب اعاشۀ آنها از حقوق ماهیانه تأمین می گردد باصطلاح معمول با سیلی صورت خود را سرخ نگاه می‌دارند. روز بروز قوۀ خرید و ارزش حقوق ماهیانه آنها کمتر می شود و دچار ملالت و بیچارگی می‌شوند. مقدرات این گروه مردم در دست کسانی است که عاطفه و رحم ندارند و هر وقت سیل اعتراضات این طبقه فزونی یابد با اندک اضافه حقوقی ناچار به سکوت می گردند.

به جز طبقۀ بخصوصی دیگران در امور حکومت دخالتی ندارند و اگر اندک میلی یا اقدامی از طرف طبقات دیگر برای تمشیت امور جامعه ابراز شود سیل تهمت و افترا رو بآنها سرازیر شده و اغلب دچار حبس و تبعید و یا بدتر از آن هم می گردند. طبقۀ حاکمۀ ایران (که بعضی از جراید خارجی عنوان هزار خانواده به آنها داده‌اند) غافل از این است که ایران هم جزو این دنیاست و هرچه در سایر نقاط جهان روی دهد تأثیرش در کشور ما هم رخنه خواهد کرد و مآلاً هیچ قوه‌ای قادر و توانا نخواهد بود که از آن جلوگیری کند. در جهان امروز محال است کشوری پایدار بماند که کلیۀ دارائی و ثروت و حکومت و هست و نیست آن در دست یکصدم جمعیت آن باشد و نود و نه درصد مردم آن فاقد همه چیز باشند.

در چنین جهانی که روابط بین کشورها این اندازه سریع و کامل شده است مدنیت بشر اجازه نمی‌دهد که در گوشه‌ای از جهان که نامش ایران است یک عده مالک و بازرگان و کارخانه‌دار و سرمایه‌دار و دلال از خود راضی با تبختر و تکبر عجیب و غریب خود را مالک همه چیز دانسته و اصرار داشته باشند که حتی دستمزد شایسته‌ای هم به رنجبرانی که مولدین حقیقی ثروت‌اند داده نشود.

آنهائی که‌باورندارنددراشتباه‌هستندواگربه پشتیبانی‌بیگانگان‌غربی‌مینازندفراموش‌می‌کنند که‌همان‌بیگانگان‌هم‌امروزازوضع‌کشورهائی مانندایران‌سخت‌نگران‌می‌باشند. تجربه‌ای که آنها در چین حاصل کردند و غلیان و طغیانی که امروز در غالب کشورهای خاور دور ناظر و شاهد هستند کم‌کم بآنها آموخته و میآموزد که تنها سدّ مطمئن در مقابل عقاید افراطی اصلاح وضع اقتصادی تودۀ مردم است.

> **عرض کردم اصلاح حال طبقۀ فقیر و زحمتکش یعنی طبقه «مردم» در جرگۀ تدابیر اولیه است**

شاه ایران در پیامی که روز بیست و نهم اسفند ۱۳۲۷ به‌مناسبت عید نوروز از رادیو خطاب به مردم ایران ایراد نمود چنین گفت:«کشوری شایستۀ این جشن و سرور است که اکثریت مردم آن بتوانند در نتیجۀ کوشش و کارهای مولّد ثروت لامحاله حداقل وسایل زندگانی را فراهم آورند و خود و دیگران را خوشوقت سازند. واقعاً چگونه میتوان تحمل کرد که اکثریت زیادی از ساکنین این کشور لباس و غذای کافی نداشته باشند و عمری را با رنج و سختی بگذرانند؟»

یکی از سیاستمداران واقع بین و آزمودۀ ایران دربارۀ وضع کنونی چنین گفته است: «از لحاظ تسلط و نفوذ در گردش چرخ ادارۀ امور عامه و بهره‌مندی مادی از فواید مشروع و غیرمشروع آن فقط دو طبقه وجود دارد. طبقۀ حاکمه و طبقۀ محکومه. طبقۀ اول که به قول معروف آلمانی ده‌هزار نفر بالائی هستند ثروت و نفوذ و وسائل مادی و معنوی و حتی علم و معرفت را در خود تمرکز داده و در حکم یک زمره خاص همدستانی هستند که طبقۀ محکومه را می دوشند و پوست آنها را می کنند و تا مخ استخوان آنها را می مکند و از آن طبقۀ محکومه مثل غلامان مملکت روم قدیم سربازی و وطن‌پرستی و درستکاری می‌خواهند و دادن سه ربع عایدات خیلی ضعیف و محقر خود بطبقۀ حاکمۀ تا از هر جرعۀ آبی از گلوی آنها قطراتی کم کرده و بگیرند و در تهران و مراکز ولایات دریاها و اقیانوسهائی برای افراد طبقۀ خود تهیه نمایند. عمارات عالی و اتومبیل‌ها و تعیش مسرفانه و استفاده از تمام نعمتهای مخصوص این طبقۀ حاکمه شده و در واقع طبقۀ متوسطی نمانده است.... عرض کردم تنها با این وسایل ممکن نیست بلکه اصلاح حال طبقۀ فقیر و زحمتکش یعنی طبقه «مردم» در جرگۀ تدابیر اولیه است. اگر هم از طرف بعضی محافل متعصب مورد ملامتی بشوم باز وظیفۀ ملی خود میدانم که بگویم که مادامی که در پشت دیوار ما مملکتی وجود دارد که کمترین چیزی که از اوضاع آنجا گفته شود این است که در آنجا در مقابل چشم فقیر اسرافات متمولین وجود ندارد. محال است که‌بتوانیم‌بازور محض، با تبلیغات دینی و وطنی مردم بدبخت و گرسنه را که عیالشان پوشاک خوب نداشته و دست اطفالشان به میوه و شیرینی و خوراک خوب نمی‌رسد در آغوش مادر کم محبت و بی قید وطنی که هر آنچه دارد فقط به یکی از اولاد خود داده و دیگران را بی نصیب و مضطر می گذارد دلگرم و وفادار نگهداریم.»

در ایام اخیر معمول شده است که مقامات رسمی و بخصوص روزنامه‌های منتسب به دولت جمعیت ایران را به بیست میلیون و پاره‌ای اوقات به رقم بیشتری هم قلمداد کنند ولی چنانچه ثابت شده حقیقت غیر از این است. اینها نمی گویند که جمعیت بندر لنگه از بیست هزار به چند هزار رسیده و جمعیت بندر بوشهر از سی هزار و چهل هزار به چهار پنج هزار تنزل یافته و حد متوسط سکنۀ نواحی شرقی و جنوب ایران در ایام اخیر در هر پنج کیلومتر از یک نفر هم کمتر است.

ادارۀ همکاری فنی آمریکائیان (معروف به اصل چهار) که اخیراً در کاشان و آبادان و پارۀ نواحی دیگر با معاضدت ادارۀ آمار کشور آمار بالنسبه دقیقی تهیه کرده بخوبی این گزافه گوئی‌ها را باطل کرده است و جمعیت شهر کاشان را که سابقاً اداره آمار فی‌المثل ۲۱۰ هزار نفر قلمداد کرده بود بعد از آمارگیری دقیق تعداد واقعی جمعیت آن محل ۱٦۵ هزار درآمد. گویا عذر متصدیان امور این بوده که چون دولت از روی شناسنامه قند و شکر میدهد مردم شناسنامۀ مرده‌ها را نیز جزو زنده‌ها به حساب میآورند و این نفوس بی جان را هم جزء جانداران جا می زنند.

به هرحال آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که تعداد نفوس کلیۀ کشور بیش از هیجده میلیون نمی‌باشد که می توان بطور تخمین آنان را به طبقات زیرین قسمت نمود:

۱ـ ملاک عمده ، بازرگان عمده، کارخانه‌دار ، سرمایه‌دار ،زد و بندچی‌ها:۲۰۰هزار۲ـ خرده مالک و زارع: ۷۵۰ هزار ۳ـکاسب ـسرمایه‌دار کوچک:٦۰۰ هزار ٤ـصاحبان مشاغل آزاد:۲۰۰ هزار۵ ـکارمندان ادارات دولتی و بنگاههای بازرگانی:۷۰۰ هزار ٦ ـ پیشه‌وران:۷۰۰هزار۷ ـ برزگران ـ کارگران ـبیکاران و سرگردانان:۱٤۸۰۰۰۰۰

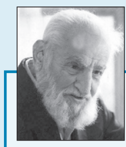
جمع: ۱۸۰۰۰۰۰۰

طبقۀ اول که در واقع همان طبقۀ حاکمه را تشکیل میدهند عبارتند از: وزیران، سناتورها، وکیلان، افسران ارشد، بازرگانان درجۀ اول، کارخانه‌داران، ملاکین عمده که نود و نه درصد ثروت عمومی کشور به دست آنها افتاده و تمام چرخهای اداری کشور را به نفع خود می چرخانند.

طبقات دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم که در نیم قرن اخیر افزایش یافته‌اند در واقع طبقۀ متوسط را تشکیل میدهند و اغلب آنها با سواد هستند. گاهی بعضی از افراد این طبقه بفساد طبقۀ حاکمه آلوده گشته و جزو طبقۀ اول میشوند و گاهی هم فرزندان طبقۀ اول ثروتهای پدری را از دست داده به طبقۀ متوسط می‌پیوندند.

ادامه دارد

مجله یغما و یاد بعضی نفرات

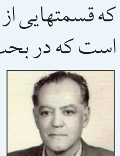


۱ـ احمد آرام. از استادان درجه اول کشور و دارای تصانیف و تألیفات علمی است که همگان بهتر از من به عظمت مقام او پی می برند. در زبان و ادب عربی و انگلیسی و فرانسه استادی مسلم است. و آن جناب مدتی معاون وزارت فرهنگ در دوره وزارت دکتر مهدی آذر بوده است. مقالاتی مستند و عمیق در مجله یغما دارد.

۲ـ احمد راد. آقای راد از مردان نیک روزگار است (چون دیگران که نام می‌برم). شرح حال او را برادر دانشمندم اقبال یغمایی در مجله یاد کرده و خوانده‌اند و می خوانند. راد از صاحب منصبان قدیم و شریف وزارت فرهنگ است. مدتی مدیرکل فرهنگ شیراز و خراسان بود و ریاست اداره تعلیمات را داشته، پس از بازنشستگی سرپرستی امور مدرسه عالی سپه‌سالار را به او سپرده‌اند و اجتماع آقایان اساتید که نام می‌برم در مدرسه روزهای چهارشنبه از لطف اوست که پس از انقلاب و تبدیل نام مدرسه برقرار مانده است. من در قطعه‌ای که در ستایش استاد محیط طباطبائی گفته‌ام به این نکته اشاره کرده‌ام:

چشم همه در روز چهارشنبه   چون حلقه به در تا تو ز در آیی.

شماره مقالات راد و ترجمه از فرانسه در مجله یغما تصور می کنم از یکصد بگذرد که قسمتهایی از آن به شکل کتاب انتشار یافته و این مقالات جز از یادداشت‌های متنوعی است که در بحث‌های مختلفه چاپ شده است.



۳ـ دکتر سید جعفر شهیدی. دکتر شهیدی استاد دانشگاه است و رئیس لغت‌نامه دهخدا. آن جناب به همه ممالک اسلامی مسافرت فرموده و اسلام را چنان که هست معرفی نموده. بر آیات قرآن مجید و احادیث مستند صحیح و به زبان عربی تسلطی عجیب دارد. مقالات ممتع او در مجله یغما به زبان فارسی و به زبان عربی درج است. در فضیلت انسانی او نمی‌دانم چه بگویم. هم ثنا گفتن ز ما ترک ثناست.

زندگی

آرش تبریزی

این داستان: ضمانت

آنقدر کار نصب تجهیزات بعد از خرید طول می کشد که وزارت کشاورزی ـ که وزارتخانه بسیار صبوری است ـ اخطاریه می دهد که: اگر نمی‌خواهید این کار را انجام بدهید، رسماً اعلام کنید، تا ما گاوها را بدهیم به گروهی دیگر.

تا اسم گاوها آمد، دوباره خون‌ها به جوش می آید. با خط و نشان وزارت کشاورزی، چاره‌ای نیست جز اینکه این بار را خود شهامت و پناهی و پدرم و دیگر دوستان بردارند و جور این یک کار را هم مثل همه کارها خودشان بکشند. می گویند: توکل بر خدا. یا اینوری می‌شود، یا آنوری. پدرم در اینجا نقش مؤثرتری ایفا می کند. نفوذ کلامش را به کار می گیرد و ترس‌ها را می‌ریزد و نگرانی‌ها را تمام می کند.

با هزار زحمت و چند بار آزمون و خطا و امتحان و باز کردن و بستن و دوباره نصب کردن و عوض کردن جای پیچ و مهره ـ که هر بار با مردن عده‌ای و زنده شدن عده‌ای از اعضای هیأت مؤسس همراه است، همین که برق‌ها را می‌زنند و می‌بینند که دستگاه‌های مکش پر باد شد و دستگاه‌های شوینده گاوها، آب از خود پس دادند، مطمئن می‌شوند که کار را درست انجام داده‌اند. مطمئن می‌شوند که: حالا همه چیز آماده است.

■

با افتخار به وزارت کشاورزی اعلام می کنند که: ما می خواهیم این کار را انجام بدهیم و اصلاً انجام داده‌ایم. چرا گاوهای ما را تحویل نمی‌دهید؟ چرا نمی گذارید توی این کشور کار راه بیفتد و خط تولید ایجاد شود. تا حرف آمادگی بر زبانشان جاری می‌شود، و آقای شهامت همراه پدرم در اداره‌کل با کلی فیس و افاده از زمان تحویل گاوها سؤال می کنند، منشی رئیس اعلام می کند که: پیش پای شما، همین دقیقاً ۲٤ ساعت قبل گاوها را به خاطر احتمال شیوع تب مالت به هلند بازگرداندیم و تا این بیماری به طور کامل از کل جهان ریشه‌کن نشود، ما هیچ وقت نمی‌آییم سلامت مردم خودمان را فدای مصالح و منافع دیگر کنیم.

> **پدرم نمی‌خواست ضامن بشود، چون مبلغ سنگین بود، اما اعضا آنقدر زیر پای پدرم نشستند که ضمانت را انداختند گردنش**

یکبار دیگر گرد یأس و ناامیدی روی همه اعضای خانواده‌های احداث‌کننده گاوداری می‌نشیند. این بار کسی رمق امید دوباره ندارد.

■

گاوداری، با تمام ساختمان‌ها و تشکیلات و تجهیزاتی که دارد، در انتظار گاو دچار افسردگی می‌شود.

تا مدت‌ها هیچ‌کس از صاحبان و مالکان، نه می‌روند، نه می‌آیند تا یکی از روستایی‌هایی که به عنوان نگهبان به آنجا تردد دارد، پیشنهاد می‌کند که: ارباب‌ها! بیایید از خیر گاوهای هلندی بگذرید و کارتان را با گاوهای ایرانی و همین گاوهایی که توی این روستا از صبح تا شب می‌چرند، شروع کنید.

پیشنهاد سازنده‌تر از آن است که کسی با آن مخالفت کند. بدون استثنا می گویند: عجب حرفی! چرا به عقل خودمان نرسید این فکر؟ چرا خودمان این پیشنهاد را ندادیم؟

با کمی خود نگهداری، به نگهبان اعلام می‌کنند به روستایی‌ها اعلام کنند که حاضرند همه گاوهای آنجا را بخرند. نگهبان پیام برد و جواب آورد که مردم می گویند: اتفاقاً ما هم فروشنده‌ایم، به دو شرط. یکی این که به قیمت بخرید. می گفتند: جوری بخرید که ما بتوانیم ماشین بخریم، برویم شهر، آنجا هم خانه بخریم. دیگر اینکه باید پول نقد بدهید. تا اول پول را ندهید، حتی یک رأس گاو هم نمی‌دهیم.

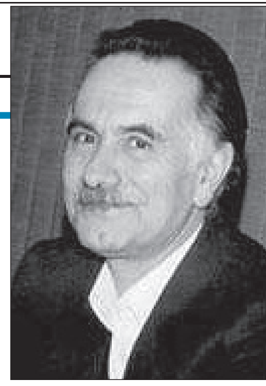
هیأت مؤسس در مقابل این دو شرط هیچ پاسخی نداشت بدهد، چون نه تنها پول نقد نداشتند، پول نسیه هم نداشتند!

اینجا آقای شهامت اعلام کرد: فکر می کنم در ته یکی از حساب‌ها آن مقدار پول هست که بتوان نصف گاوهای فروشی را خرید، ولی این کافی نبود. قرار شد پدرم از نفوذ و اعتبار خودش استفاده کند و با دادن پول‌هایی که معلوم نبود آقای شهامت چرا پیش از آن رو نکرده بود، و با قول کره و پنیر و گاوسواری، بقیه پول موکول به اولین فرصت ممکن بشود، ولی روستایی‌ها جواب دادند: ما کره و پنیر زیاد خورده‌ایم. اگر خود اسد خان ضمانت می کند که در اولین فرصت پول‌مان را می‌دهید، حرفی نیست. چک بدهید، گاوها را تحویل بگیرید.

پدرم نمی‌خواست ضامن بشود، چون مبلغ سنگین بود، اما اعضا آنقدر زیر پای پدرم نشستند که ضمانت را انداختند گردنش. با وجود مخالفت مادرم برای دادن چک، پدرم ناگزیر این کار را کرد.

سایه

ایرج آدیگوزلی



استاد کیومرث صابری

از خاطرات کیومرث صابری/۳

ترس ما ریخت

در روز ۱۵ خرداد هم یک مقاله در اطلاعات چاپ شد که یک‌بار دیگر تجدید بیعت با امام کردم که امام، ما بی دل بودیم، ما بی‌پدر بودیم، ما یتیم بودیم الآن اصطلاحات چیز دیگری است من می‌گویم کار می‌کنم روی کلمات، این است و خوشبختانه خوب شد ۱۴ خرداد ایشان آمد جای امام. به هر حال غم ما برطرف شد غم و اندوه رفتن ایشان را داشتیم و شادمانی آمدن ایشان.

راجع به دیداری که با شهید رجایی در قم داشتید، یادتان می‌آید چه اتفاقی افتاد؟

اصلا دیداری نبود. آقای رجایی گزارش دادند، امام سخن گفتند در باب دانش‌آموزان، برای فرزندان خودش پیام دادند بحث دیگری نشد ولی یک درس عملی گرفتیم که انقلاب آنجاست که مردم کوچه در آن هستند. ای آقایان مقامات مواظب باشید که آنجا اصل قضیه است حالا هر کس گیرنده داشت گرفت آنجا، مدیر کلانی هستند که اصلا از کل انقلاب حذف شدند. این سال ۵۸ است.

از زمان مشاورت شهید رجایی نکته‌ای از تذکرات امام به یاد دارید؟

یک روز رفتیم خدمت حضرت امام، رجایی بود و دیگران هم بودند، بعید می‌دانم بیشتر از ۲ـ۳ نفر بوده باشیم. از اتاق حضرت امام که بیرون آمدیم(حالا ممکن است شما به من بگویید خاطره را بگو یک آدمی که خیلی کوچک یک گوشه فقط برای خودش ایستاده هیچ چیزی هم نشنیده الا اینکه فقط امام را نگاه کرده است و به دوربین هم گفته است خواهش می‌کنم من را نگیر همین جور برای خودش، دیگر نفهمیده، ... گفت پاشید برویم آقا چی شد! یک چنین حالتی) من آمدم دیدم یکی از استانداران ما در اتاق انتظار نشسته است برود پیش امام. احتمال می‌دهم آقای ابراهیمی باشد که الآن [مدیر] مترو است. البته همان موقع ایشان کاندیدای وزارت هم بودند یعنی از کسانی بودند که قبای وزارت برای‌شان دیده می‌شد (شاید وزارت نفت). من که آمدم ایشان با آقای رجایی سلام‌علیک کرد. آمدیم بیرون گفتم: آقای رجایی استاندار ما اینجا چه کار می‌کند. گفت آمده است لابد یک گزارش بدهد. منطقه جنگ ایلام، آن طرف‌ها بودند (اگر من دقیق باشم) گفتم: اصلا برای من هیچ قضیه روشن نیست. من از مشاورین نزدیک و رفیق آقای رجایی بودم برخلاف یکی از دوستان که جلوی دوربین بود[و] هنوز هم به خاطر آن لحظات دارد جفا می‌بیند، گفتم: آقا ما نخست‌وزیر هستیم استاندار از آنجا پا شود این همه راه را بکوبد بیاید برود گزارشش را بدهد به امام، امام امت، چرا؟ مگر ما مهندس بازرگان هستیم که امام به ما اعتماد نداشته باشد. همین جور که با ماشین می‌آمدیم آقای رجایی یواش یواش متوجه نکته شدند. گفت: راست می‌گویی صابری، من چه کار کنم؟ گفتم: تو در اسرع وقت پیش امام بروی و بگویی آقا اگر شما به ما اعتماد نداری، خب به ما بگو.

اگر گزارش می‌خواهی[استاندار] آن باید به من گزارش بدهد، یعنی به وزیر کشورش بدهد. من هم بیایم به شما بدهم. ما که به شما دروغ نمی‌گوییم، این نمی‌شود، آقا همین جور بروند پیش امام گزارش بدهند. ممکن است حواس امام پرت شود.

> **آقای رجایی فشاری روی شانه من داد. دیدم ای داد بیداد، ما همین الآن باید با هم دعوا کنیم**

آقای رجایی در اولین ملاقات خدمت امام رفت. آمد دیدم شاد و شنگول. عادت هم داشت ـ خدا رحمتش کند ـ در اتاقم آمد، دستم را فشار می‌داد، من از فشارش می‌فهمیدم خوشحال است یا بدحال است یا عصبانی است. گفت خوب شد؟ گفت: من رفتم خدمت امام، گزارش‌های فلان را دادم. بعد گفتم: آقا این استاندار ما آن روز آمد اینجا، من دیدم مشاور من هم این را گفته است. گفت: [امام] «مشاور تو درست گفته است. استاندار نباید گزارش بدهد، استاندار باید همان کاری را بکند که تو گفتی و من هم به تو اعتماد دارم، اما آقای رجایی ارتباط من را با مردم قطع نکن، من باید با مردم ارتباط داشته باشم نه استاندار، کمتر از استاندار، اما در مورد مسائل دولت مطمئن باش که اگر گزارش منفی به من برسد من اولین کسی که از او سؤال می‌کنم شمایید.» گفتم: خدا را شکر و ترس ما ریخت.

*

فرانسوا میتران تبریک به آقای رجایی گفت که «رئیس جمهور شدید مبارک باد»، یک چنین چیزی. این چیزها را آقای رجایی همیشه می‌گفت که آقای صابری، [تو] در مدرسه انشاء بودی، من معلم ریاضی؛ منطق با من، این احساساتی است تو این را بنویس. خیلی از این متن‌ها است که من نوشته‌ام. همین اخیراً هم که در مورد هفتم تیر نوشته‌ام اشاره کرده‌ام به آن بیانیه هیأت دولت که ساعت ۷ صبح از رادیو پخش شد و امام از آنجا شنیده بودند اما قبلا از یک رادیو خارجی ایشان شنیده بودند و آقای خامنه‌ای هم که در بیمارستان بودند، ما نمی‌دانستیم چه جور بایستی خبر را به ایشان داد که خود کشف خبر توسط ایشان که یکدستی زدند به پاسداران خودش و خبر را گرفتند. آن داستان شیرینی است که باید از خودشان بپرسید. ما [به میتران] نوشتیم که بله شما[از یک طرف] به ما تبریک گفتی و از آن طرف پاریس را کرده‌اید مرکز ثقل ضد انقلاب (زمانی بود که منافقین آنجا بودند). نمی‌دانم کسی که می‌خواست این را به فرانسه ترجمه کند نفهمید یا فهمید و شیطنت کرد. ما یک «سقر» داریم به نام جهنم، این را جهنم ترجمه کرد. یک جوری ترجمه کرد که انگار، پاریس را جهنم ضدانقلاب خواهیم کرد[یعنی] تهدید و دخالت در امور داخلی. حالا اگر این هم نبوده باشد متنی که من نوشتم متن غیردیپلماتیک بود یعنی یک متنی بود که کسی به شما گفته است «تبریک عرض می‌کنم» و شما نگفتید غلط کرده‌اید، گفته‌اید «برو خودت را بساز، خودت را درست کن.» جالب این است که من لیسانس علوم سیاسی هستم، در رژیم گذشته در امتحان سیاسی وزارت امور خارجه جزو چهل نفر اول قبول شدم. جز آن اما در مصاحبه رد شدم که اصلا [به خاطر] رساله پایان تحصیل امور سیاسی‌ام دربارهٔ تجزیه و تحلیل فرمان حضرت علی به مالک اشتر بود که خودش آنجا کلی حرف دارد ولی در رژیم سابق اصلا گوش به این حرف‌ها نبود. یک آدمی که لیسانس علوم سیاسی است و مثلا ادیب هم هست آمده است به رئیس جمهور یک مملکت که به رئیس جمهور خودش گفته است به شما تبریک عرض می‌کنم، گفته است که تو اگر راست می‌گویی چرا نمی‌روی اخلاق خودت را درست کنی (خیلی بی‌ادبانه است) امضاء: محمدعلی رجایی.

این [نامه] رفت. یک مانوری روی آن مرکز سقر و جهنم کردند[و] این خیلی به ضرر ما تمام شد. این، چیزی نبود، این را دشمن ساخته بود، ما این را نگفته بودیم که آنجا جهنم است و جهنم خواهیم کرد. اما اصل قضیه اصلا با عرف دیپلماتیک نمی‌خواند. از این طرف ما مشت‌هامون را بلند کردیم مرگ بر امریکا، دیگر می‌گوییم مرگ بر فرانسه برای این که مسعود رجوی آنجاست و غیره.

سال ۶۰ یادتان است چه مشکلی با این‌ها داشتیم از آن ترورها، بلند شدیم همه عصبانی، من هم عصبانی هستم هم‌صدا با ملت هستم. خود امام از این تندتر می‌گوید.

یک روز دفترم نشسته بودم، آقای رجایی فشاری که روی شانه من داد. دیدم ای داد بیداد، ما همین الآن باید با هم دعوا کنیم. نگاه کردم رنگش مثل گچ پریده است. چی شده؟ گفت: تو نمی‌دانی چه کار کردی؟ گوشی از من امام کشید که در عمرم کسی این جور با من برخورد نکرده بود. چی گفت امام؟ سر چی؟ خدایا چه خلافی کرده‌ایم؟ ما تمام دل‌مان با امام، تمام دل‌مان با انقلاب، چی شده؟ گفت... راجع به آن اطلاعیه جواب میتران. گفتم: آقا به میتران می‌گفتی که این را بد ترجمه کرده‌اند ما «مرکز ثقل» نوشتیم. گفت: اصلا دعوا این نبوده است که، من هم فکر می‌کردم همین است امام به من گفت: «یک کسی به تو گفته است تبریک عرض می‌کنم، تو به عنوان یک مسلمان باید بگویی متشکرم. اصلا رئیس جمهور هم هیچ، تو چه جوری می‌زنی تو دهان رئیس جمهور یک مملکت. نخست‌وزیر یک مملکت. چرا؟ ادب‌مان کجا رفته است.» گفت: هر چی من فکر کردم دیدم خب امام راست می‌گوید. گفتم: چی چی راست می‌گوید؟ امام خودش می‌گوید مرگ بر امریکا، خودش مقابل آن‌جوری، ملت زیر سایه امام این جوری بگویند مرگ بر فرانسه، امام هیچی نگوید [ولی] من بنویسم تو بنویسی این جوری؟ حتما باید پیش امام بروی.

ادامه دارد

در راه فرنگستان

سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ

خدا رحم نمود



مظفرالدین شاه

مؤتمن خلوت، پیشخدمت مخصوص خودمان که از اجلّهٔ سادات صحیح النّسب است، استدعای مرخّصی به مشهد مقدّس نموده؛ او را هم مرخّص فرمودیم که برود. امشب با پیشخدمتهای مخصوص خودمان که تمامی نوکرهای بسیار خوب ما هستند، نشسته مشاعره نمودیم و در مشاعره ما غلبه کردیم. هوا قدری رعد و برق نموده، نیم ساعتی باران آمد. پس از آن، نماز کردم و رو به درگاه بی‌نیاز آوردم. شام خوردیم و به اعلم‌الدّوله فرمودیم مشغول نوشتن روزنامه شد. در سر شام ماهی خوبی آورده بودند؛ مرحمت کردیم برای صدراعظم بردند. فی‌الحقیقه صدراعظم نوکری است که به این کفایت و درایت کمتر پیدا شده و مواظب و پشتکار او طوری است که از صبح تا چهار ساعت از شب گذشته تمام را مشغول نوشتن و خواندن و ترتیب امور مهام عمده بوده و هست. هیچیک از صدور سابق این قسم پشتکار نداشته است.

سه‌شنبه چهارم ربیع‌الاوّل، از کرج به ینگی امام

صبح، بعد از نماز و دعا و صرف چای، اعلم‌الدّوله با دکتر لندلی درحضور بودند. شب را بیرون خوابیده بودیم. پیشخدمتهای کشیک: شاهزاده ناصرالممالک بود که آب مشروبی ما در وقت خواب سپرده به دست اوست؛ با مؤتمن حضور.

صبح، حاجب السّلطان و ممتازالدّوله شرفیاب شده بعضی عریضه‌ها داشتند؛ جواب تحصیل نموده [نمودند]. پس از پوشیدن لباس و چکمه از عمارت پائین به توی باغ آمدیم نصرالسّلطنه و محقق السّلطنه و احتساب الملک شرفیاب شدند. به نصرالسّلطنه یک ثوب پالتوی تن پوش با سردوش مرحمت و از خدمات او اظهار رضایت فرموده قدری صحبت کردیم. بعد، مؤتمن خلوت که اجازهٔ مسافرت به ارض اقدس داشت، شرفیاب و مرخّص شد. آمدیم بیرون؛ جناب اشرف صدراعظم و وزیر دربار شرفیاب شده؛ وقت سواری، چهار دانه پنج هزاری از اعلم‌الدّوله گرفته به دست خودمان به فقیر دادیم.

> **تفنگدارهای مخصوص، تیری انداخته؛ به طوری از روی بی‌احتیاطی رفتار شده بود که کم مانده بود ... خدا رحم نمود**

امروز صبح زود قبل از سواری، هوا با کمی رعد و برق باریده ولی در هنگام سواری، باران موقوف و با وجود بودن ابر، هوای بسیار خوب مفرّحی شده زمینها سبز و خرّم و بسیار باصفاست. در ابتدای حرکت، تقریباً تا یک فرسخ طی مسافت، اعلم‌الدّوله در رکاب و در همان حال مشغول خواندن درس فرانسه و مذاکره بودیم. اطوموبیل سوار بودیم؛ در این اثناء یکی از لوله‌های اجاق دیگ اطوموبیل ترکیده و این مرکوب از راه رفتن افتاد. آن وقت سوار اسب شده در زمینهای اطراف جادّه که همه جا سبز و خرّم است، تفرّج کنان رفته خرگوشی را که بیرون آمده بود با ساچمه زده؛ خرگوش مجروح، فرارکنان نزدیک کالسکهٔ ما که در جادّه جلو می‌رفت آمده؛ اعتضادالسّلطنه و نصرت‌السّلطنه درکالسکه؛ و در این بین، صدیق خاقان در جزو تفنگدارهای مخصوص، تیری به جانب آن حیوان انداخته؛ به طوری از روی بی‌احتیاطی رفتار شده بود که کم مانده بود ساچمه‌ها در توی کالسکه ریخته؛ خدا رحم نمود. زمینها از هر طرف تا منتها حدّ بصر، سبز و خرّم و در طرف شمال که دنبالهٔ رشته‌های جبال البرز ممتد است، در دامنه‌ها و بعضی نقاط، دورنمای دهات با سبزه‌ها و درختان بهاری منظر بسیار خوبی تشکیل نموده؛ یک جفت قمری را بدون انفصال، یکی در زمین و یکی در هوا صید کرده؛ علاوه بر آن، دو قمری دیگر نیز زدیم. صدراعظم سی تومان نازشست تقدیم نموده؛ آمدیم در کالسکه نشسته و در بینی که می‌رفتیم به یاد دفعات سابقه که ازهمین حدود می گذشتیم افتاده عوالم سالفه و شکارهایی راکه دراین جلگه‌نموده‌بودیم‌به‌خاطر آورده؛ پس از آن، قلّر آقاسی باشی و صولت‌الملک و فارس السّلطنه که در رکاب می‌آمدند، مشغول صحبت شده تا نزدیک رودخانهٔ کردان آمده؛ قلّر آقاسی باشی تفصیل وقایع سال گذشته را که در هنگام وبائی به کردان آمده بود، به عرض رسانیده.

کردان آبادی مفصّلی است خالصه که در طرف جنوبی جادّه از دور نمایان و رودخانهٔ کردان که آنجا را مشروب می‌کند، از شمال به جنوب جاری و جادّه را قطع نموده است. پل این رودخانه چنانکه سابقاً نیز گفته‌ایم، به واسطهٔ سیل که هنوز نیز آثار آن از گل‌آلود بودن آب ظاهر است، خراب و رئیس راه شوسه که سپرده به کمپانی روس است، با تخته و تیر، پل موقّتی پیاده‌رو محکمی ساخته ولی مالهای بنه و کالسکه و سوار باید به آب زده و قریب سی چهل ذرع بالاتر از محل پل که گدار است، بگذرند.

انسان معاصر در کلام مولانا

دکتر محمدعلی موحد

ادامه از صفحه اول

تأکید بر والایی و شرف انسان چیزی است که ادیان الهی را با آرمان‌های حقوق بشر پیوند می‌دهد.

توجه به این شرف و والایی مستلزم توجه به ارزش بی‌همتای گوهر انسانی است. مستلزم احترام به توانایی‌ها و قابلیت‌های بی‌کران انسان‌هاست. هر یک از ما به تعبیر مولانا آفتابی زیردامن دارد.

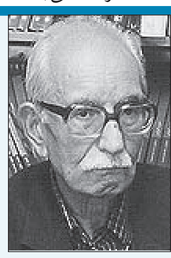
بحرِ علمی در نمی پنهان شده
در سه گز تن عالمی پنهان شده
اینت دریای نهان در زیر کاه
پا بر این کَه هین مَنه در اشتباه

پس این دریای نهانِ قابلیت و استعداد چرا از خود غفلت ورزد؟ چرا خود را ارزان بفروشد؟

خویشتن را آدمی ارزان فروخت!
خویشتن نشناخت مسکین آدمی!

شمسِ تبریزی می‌گوید این که در نماز می‌گویی «اللّٰه‌اکبر»، این «اللّٰه اکبر» باید دو معنی را درذهن تو القا بکند.باید توجه تو را به دو اندیشه معطوف گرداند. اندیشه اول آن که خدایی که تواو را می‌پرستی بزرگ‌تر مطلق است یعنی بزرگ‌تر است از هرچه در ذهن تو می‌آید. بزرگی بزرگان در برابر او رنگ می‌بازد. اگر عالم و فیلسوف است و اگر امام و پیغمبر است، او از آن‌ها بزرگ‌تراست. بگذارید عین عبارت‌های شمس را بخوانم: «اللّٰه‌اکبر نماز یعنی بردار فکرت را، نظرت را بلندتر دار از آنچه در وهم تو می گنجد و در تصور تو می‌آید اگر چه تصور نبی‌مرسل و اولوالعزم‌است. پیش‌ترآ تا بزرگی بینی. بجوی تا بیابی.»

اندیشه دوم که اللّٰه‌اکبر باید در ذهن تو بیدار سازد این است که دامن از پلیدی‌ها فراچینی وهمت بلند داری. مبادا خود را فروهلی و اجازه دهی که در منجلاب ابتذال فرو غلطی. تومی خواهی به خدا برسی و بزرگی خدا را یاد می‌کنی. باید بکوشی و خود را مانندای خدا سازی‌و به صفات حق متصف گردی. چون خدا بزرگ است باید بکوشی که تو هم بزرگ باشی، اگر خدا یکتاست بکوش که تو نیز یکتا گردی.



بگذارید اینجا هم متن عبارت‌های شمس را برایتان بخوانم. دقت کنید:«گفت خدا یکی است. گفتم اکنون تو را چه؟ چون تو در عالم تفرقه‌ای.صد هزاران ذره، هر ذره در عالمی پراکنده.پژمرده، فرو فسرده.چه سزا باشد گفتن که خدا هست؟ تو هستی حاصل کن! او خود هست. وجود قدیم او هست. تو را چه؟ چون تو نیستی. او یکی است .تو کیستی؟ تو شش هزار بیشی. تو یکتا شو! وگرنه از یکی او تو را چه؟»

ببینید این اوج عزت و کرامت انسانی است. اشاره به موهبت‌های بی‌نهایت اوست. شمس هر مسلمانی را که به معراج پیغمبر اعتقاد دارد به متابعت او فرامی‌خواند: «متابعت محمد آن‌است که او به معراج رفت تو هم بروی در پی او» و مولانا این فراخوان را پی می‌گیرد:

ملولان همه رفتند درِ خانه ببندید
بر این عقل ملولانه همه جمع بخندید
به معراج برآیید چو از آلِ رسولید
رخ ماه ببوسید چو بر بام بلندید

اما پیام تکثر؛ من فکرَ نمی‌کنم در هیچ کجا این پیام رَا با عمق و گستره‌ای که در مولانا داریم بتوان یافت. در این عالم تکثر مردم مانند مرغان به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند. راه و روش و شیوه‌های آنان نیز گوناگون است. می‌دانید که سلیمان پیغمبر زبان مرغان می‌دانست. در قرآن آمده است: «وَ عَلَّمْناهُ مَنطقَ الطّیر». عارف بزرگ فریدالدین عطار این ترکیب منطق‌الطیر را عنوان یکی از مثنوی‌های خود قرار داده است که شاید بشود گفت شاهکار اوست. داستان عطار چنین‌است که دسته‌ای سی تایی از پرندگان تصمیم گرفتند که بروند به کوه قاف و سیمرغ را که بر قله‌قاف آشیان دارد پیدا کنند. رفتند و سراپای کوه را گشتند و نشانی از سیمرغ نیافتند. داشتند نومیدمی‌شدند که به تعبیر عطار حاجب بارگاه عزت پرده را بالا زد و آفتاب قرب بر آن سی‌مرغ تافت وآن‌ها چون نیک نظر کردند سیمرغ را در خود و خود را در سیمرغ یافتند.

این همه وادی که از پس کرده‌اید/ خویش را بینید و خود را دیده‌اید
ما به سیمرغی بسی اولی تریم/ زان که سی مرغ حقیقی گوهریم

همین اندیشه را عطار در کتاب دیگر خودَ مصیبت‌نامه نیز پی گرفته است. در آنجا سالک راه‌حقیقت به دنبال حقیقت می گردد و به هر دری می‌زند از جبرئیل و میکائیل و ملائکه علیین وانبیای مرسلین چون نوح و ابراهیم و عیسی و موسی چاره‌جویی می‌کند. از عرش و کرسی هم‌می گذرد تا می‌رسد به منزل «جان» که چهلمین منزل است و در آنجاست که به گوش دل از زبان «جان» می‌شنود:

صد جهان گشتی تو در سودای من /تا رسیدی بر لبِ دریای من
آنچه تو گم کرده‌ای، گر کرده‌ای / هست نزدِ تو، تو خَود را پرده‌ای

باری منطق‌الطیر معجزه سلیمان بود. از شاعران چیره‌دست ایران خاقانی در چند جا که به‌سخن خود می‌بالد آن را منطق‌الطیر می خواند یعنی که شعر من در حدّ اعجاز است. کسی سخن‌مرا درمی‌یابد که از فهم و معرفت برتری برخوردار باشد.آن یکی می گوید جنگ هفتاد و دو ملت است و همه دروغ است و این یکی می گوید هفتاد ودو ملت همه راست است و هیچ معیاری نیست تا یکی را بر دیگری ترجیح توان داد.آن کسی که به کرامت و حرمت انسان‌ها باور دارد و نیز تکثر و تعدد برداشت‌ها و دیدگاه‌های‌انسان‌ها را می‌پذیرد و تفاوت آشکار در زبان و روش و منش آدمیان را واقعیتی غیرقابل انکارمی‌شناسد لاجرم با مولانا هماواز می گردد که:

سخت‌گیری و تعصب خامی است/ تا جنینی کار خون‌آشامی است

او برای پیشبرد عقاید خود راه جبر و خشونت و زور و فشار را نمی‌پسندد و در برخورد باعقاید دیگران مهربانی و فراخ حوصلگی و رفق و مدارا نشان می‌دهد و همزبان با مولانامی گوید:

اگر مر تو را صلح آهنگ نیست /مرا با تو ای جان سر جنگ نیست
تو در جنگ آیی، روم من به صلح /خدای جهان را جهَان تنگ نیست
جهانی است جنگ و جهانی است صلح /جهانِ معانی به فرسنگ نیست
هم آب و هم آتش برادر بدند /ببین اصل هرَ دو بجز سنگ نیست
که بی‌این دو عالم ندارد نظام /اگر روم خوب است بی‌زنگ نیست

گفتگو

گفتگو با پروفسور ب. دیویس

تاریخ تولد: پنجم اوت ۱۹۵۳ (فیلادلفیا، پنسیلوانیا،امریکا)

تحصیلات: لیسانس فیزیک از دانشگاه درکسل، ۱۹۷۵، فوق‌لیسانس تاریخ و فلسفه علم، دانشگاه ایندیانا (بلومینگتون)، ۱۹۸۱: دکتری تاریخ و فلسفه علم، دانشگاه ایندیانا (بلومینگتون)، ۱۹۸٤.

تجارب بعد از تحصیل: استادیار علم و تاریخ، کالج مسیا (گرانتام، پنسیلوانیا)، ۱۹۹۰ـ۱۹۸۵؛ دانشیار علم و تاریخ، کالج مسیا، ۱۹۹۶ ـ ۱۹۹۰؛ استاد تاریخ علم، کالج مسیا، از ۱۹۹۶ تا به حال.



ادوارد ب. دیویس

آثار: رابرت بویل، تفحصی آزاد در ایدهٔ عامیانه از طبیعت (ویراستار: ام. هانتر)، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹٦؛ آثار رابرت بویل (ویراستار: ام. هانتر)، ۱٤جلد، انتشارات پیکرینگ و چاتو، ۱۹۹۹تا ۲۰۰۰.

۱. تعریف شما از علم و دین چیست؟

علم، جست و جو برای درک و کنترل طبیعت است (که من آن را نظمی آزادانه خلق شده به وسیلهٔ خدا می‌دانم). دین جست و جویی است برای درک و پاسخ دادن به خداوند (که من او را خالق طبیعت و نجات دهندهٔ بشر می‌دانم).

۲. آیا تعارضی بین تعاریف خود از این دو مفهوم می‌بینید؟

به هیچ وجه؛ اما دیگران (که ممکن است علم و دین را به طریق دیگری تعریف کنند) ممکن است [بین آنها] تعارض ببینند.

۳. از نظر شما، تعارض بین این دو در کجا می‌تواند وجود داشته باشد؟

به عنوان مورخ دین و علم، وجود تعارض واقعی در زمان‌ها و مکان‌های خاص در تاریخ برای من واضح است؛ [اما] این، دور از این بیان است که تعارض در واقع رابطهٔ عام بین علم و دین است؛ و من دوست دارم این را با یک معادله برای دانشجویانم بیان کنم: «تعارض» معادل «تعارض‌ها» نیست، همان‌طور که دقیق نیست رابطهٔ بین ایالات متحده و بریتانیای کبیر را رابطه‌ای تعارضی بدانیم. چالش مورخان دین و علم این است که بفهمند چرا مردم گاهی عمیقاً در مورد موضوعاتی که برای آنها مهم است، اختلاف‌نظر دارند، و اینکه دین و علم چگونه روی یکدیگر اثر گذاشته‌اند. مورخ واقع‌بین نه تنها بعضی نمونه‌های تعارض را کشف می‌کند، بلکه مثال‌های بسیاری را پیدا می‌کند که در آنها عقاید دینی علم را به طرقی بسیار مثبت شکل داده است. یک چالش دیگر این است که این نتیجه را با قوت بیشتر به جامعهٔ علمی منتقل کند؛ جامعه‌ای که تمایل داشته است از تز تعارض حمایت کند، به این دلیل که مرجعیت فرهنگی علم را افزایش داده است.

٤. چه زمینه‌هایی موجب رشد تعارض بین علم و دین شده است؟

تعارضات خاص وقتی رخ می‌دهد که یا دانشمندان تحت نام علم احکام متافیزیکی صادر کنند یا معتقدان به دین بر مبنای استدلال‌های دینی احکام غلط علمی صادر کنند.

۵. نقش دین در توسعهٔ علم در غرب چه بوده است؟

در یک واژه، عمیق بوده است. راهبان، علم و آموزش را در اروپای غربی و شمالی زمانی زنده نگه داشتند که از جهات دیگر، پس از اضمحلال امپراتوری روم، دوران مشکلی بود. در اواخر قرون وسطی، متألهان علناً از دانشمندان خواستند که در نظریه‌های علمی‌شان به آزادی خداوند [در خلقت] اذعان کنند؛ که [خود] حاکی از امکانات غیر ارسطویی بود که دانشمندان پیشرو به روش‌هایی جالب آن را بررسی کردند. تأکید جدید بر آزادی خداوند در ابتدای اصلاحات پروتستانی به پذیرش اتمیسم کمک کرد و به نحوی مثبت دانشمندانی نظیر بویل و نیوتون را تشویق کرد که رویکردهای تجربی به دانش را بر رویکردهای عقلانی ـ که دکارت و لایب نیتس می‌پسندیدند ـ ترجیح دهند همچنین، زیربنای همهٔ دانش غربی، مفروضات کلامی دربارهٔ وحدت، فهم‌پذیری، قانون‌مندی و ارزش جهان، به عنوان مصنوع یک خالق ذی‌عقل، سازگار و خیر، است.

٦. آیا می‌توانیم یک علم دینی داشته باشیم؟

پاسخ این سؤال بستگی زیادی دارد به اینکه چگونه این اصطلاح را می‌فهمیم.

ادامه دارد

آیینه

زیر نظر: دکتر محمد کاظم حسینیان

مروری بر خاطرات اسدالله علم

... از نمایش دموکراسی

آنچه در پی می آید نقدی است گذرا و البته تاریخی بر مجموعه خاطرات اسدالله علم که در واقع شاه و دربار را روایت می کند و ایران را حکایت می کند.

ادامه از صفحه اول

اما جالب‌تر از این مسئله، اظهار نگرانی برخی مقامات خارجی درباره خریدهای هنگفت نظامی مورد درخواست شاه است که اگرچه نفع اقتصادی فراوانی نیز برای آنها دارد، اما چه بسا تبعات آن را منافی منافع درازمدت خود در ایران تشخیص می‌دهند: «۵۲/۳/۱۷: صبح زود سفیر انگلیس به دیدنم آمد که مطلبی را که سِر الک وزیر خارجه می‌خواهد با شاهنشاه صحبت کند به من بگوید... در آخر ملاقات گفت می‌خواهم یک حرفی به تو بزنم و آن این است که با آن که کشور من و دولت من و نخست‌وزیر من همه میل دارند این معامله تانک‌های چیفتن تمام شده و [آنها را] زودتر تحویل بدهند، چون برای مردم ما کار پیدا می‌شود و برای خزانه ما پول، ولی من ترس دارم که هشتصد تانک به این بزرگی بار سنگینی بر دوش شما بگذارد، چه از لحاظ [تعمیرات] و چه از لحاظ تهیه افراد فنی، و تازه اینها در کشوری که نقاط سوق‌الجیشی آن یا کوه و یا زمین‌های رودخانه‌ای و باتلاقی است (مراد، غرب و جنوب غرب است) خیلی قابل استفاده نباشد و این مسئله مآلاً روابط بین ما را که حالا در نهایت خوبی است به هم بزند. من از این صراحت و صداقت او لذت بردم.»(ج۳، صص ۷۰-٦۹)

البته در ورای این گونه اظهارات، به هر حال انگلیسی‌ها از این که حداکثر منافع را از داد و ستدهای نظامی یا بازرگانی با ایران تحت حاکمیت شاه کسب کنند، غفلت نمی‌کردند تا جایی که بعضاً دست نشانده آنها را نیز ناچار از گلایه‌هایی – هرچند بی‌خاصیت – می‌کرد: «۵۳/۱۲/۲۵: فرمودند: به انگلیس‌ها هم بگو که تانک‌های چیفتن شما معیوب است. این سفارش عمده‌ای که می‌خواهیم بعد از این به شما بدهیم، اگر به همین بدی باشد که اصولاً خطرناک است. توپ‌های این تانک مهمات کم دارد، چرا مهمات به ما نمی‌دهید؟ ما که پولش را نقد می‌دهیم. بعلاوه قیمت تمام اسلحه‌ای که به ما پیشنهاد کرده‌اید از سال گذشته اضافه شده است.»(ج٤، ص ٤۱۵) جای گفتن ندارد که نه تنها در حوزه امور نظامی، بلکه در سایر عرصه‌هایی که به نحوی شرکت‌های غربی در ایران مشغول کار بودند، چپاول و تاراج اموال و منابع ایرانیان با شدت تمام ادامه داشت. نمونه‌ای از این تاراج را در خاطرات روز ٥٤/۱۰/۲۱ علم می‌توانیم مشاهده کنیم: «عرض کردم، قرارداد شرکت انگلیسی کاستین، در چابهار، برای ساختمان‌های عادی غارت است، که ما با آنها منعقد می‌کنیم. یعنی آنها ما را غارت می‌کنند. به دقت گوش دادند، ولی چیزی نفرمودند... فرق معامله در حدود ٦۰۰ میلیون دلار است. شاید چون انگلیسی‌ها واسطه عمل اضافه استخراج نفت شده‌اند و شاهنشاه فکر می‌فرمایند که در این جا کمک بکنند، می‌خواهند این لقمه را به آنها بخورانند.» (ج ۵، ص ٤۲۱) شکی نیست که علم خود بخوبی از کنه واقعیت مطلع است، اما همان‌گونه که در برخی موارد از گفتن پاره‌ای مسائل خودداری می‌ورزد، در اینجا نیز مطلب را درز گرفته و خود را به تغافل زده است. در واقع مسأله صرفاً محدود به نقش انگلیسی‌ها

در افزایش استخراج و فروش نفت و تلاش شاه برای جبران این خدمت آنها نبود، بلکه ماجرا از این قرار بود که شاه علی‌رغم احساس «خدایگانی» در مقابل دولتمردان داخلی و ابراز وجود کردن‌های آشکار و پنهان در مقابل آمریکا و انگلیس، عملاً و عمیقاً دچار ضعف نفس بود و شیشه نازک عمر خود را در دست آنها می‌دید، بنابراین چاره‌ای جز این پیش رویش نمی‌دید که با بازگذاردن دست آنها و نیز دیگر کشورهای غربی در غارت ایران، رضایت خاطر آنها را جلب کند و به خیال خویش، استمرار و بقای رژیم وابسته‌اش را تضمین نماید.

بنابراین در دوران مزبور، به ویژه پس از افزایش درآمدهای نفتی کشور، ایران به بهشت بازرگانان و شرکت‌های گوناگون و متنوع آمریکایی، انگلیسی و دیگر کشورهای غربی مبدل گردید. به گفته ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران «در سال ۱۹۷۷ سی و پنج هزار آمریکایی در ایران زندگی می‌کردند که همه آنها به استثنای قریب دو هزار نفر وابسته به شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی آمریکایی بودند.» (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سِر آنتونی پارسونز، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۳۵)

> **تصمیمات شاه با منافع بیگانگان هم جهت بود. لذا مشکلی برای جذب دلارهای ایران از سوی آمریکا و انگلیس وجود نداشت**

آنتونی پارسونز که آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی به حساب می‌آید نیز معترف است که شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران موجب شده بود تا عمده فعالیت‌های سفارت این کشور در تهران، معطوف به سازماندهی فعالیت‌های بازرگانی و اقتصاد انگلیسی‌ها در ایران شود و بلکه افراط در این قضیه باعث شده بود تا آن سفارتخانه از پرداختن به امور سیاسی و تأمل در لایه‌های پنهان مسائل سیاسی و اجتماعی ایران غفلت ورزد: «ما بر تعداد پرسنل این قسمت افزودیم و معاون مطلع و مجرب من «جرج چالمرز» سرپرستی امور بازرگانی و اقتصادی و مالی و نفتی را به عهده گرفت. به این ترتیب قسمت بازرگانی سفارت به مقر و کانون اصلی فعالیت‌های سفارت انگلیس در ایران تبدیل شد. حتی وابسته‌های نظامی سفارت در ارتش و نیروی هوایی و نیروی دریایی ایران هم بیشتر به کار فروش تجهیزات نظامی انگلیس به ایران یا ترتیب اعزام هیأت‌هایی برای تعلیم استفاده از سلاح‌های خریداری شده و مورد سفارش از انگلستان اشغال داشتند و وظایف سیاسی و اطلاعاتی آنها در درجه دوم اهمیت قرار گرفته بود.»(همان، صص ۳۰۷ـ۳۰٦)

در خاطرات علم می‌توان شاهدی بر درستی این سخن پارسونز یافت: «۵۳/۵/٦: صبح سفیر انگلیس را پذیرفتم و به جای مذاکرات سیاسی، تمام صحبت [معامله business] کرد که گرچه اقلام بسیار مهمی است، ولی ابداً ارزش ذکر ندارد. از جمله طرح شهرسازی عباس‌آباد است که به انگلیس‌ها واگذار شده بود و طرح بسیار بزرگی است، حدود یک میلیارد پوند. حالا مثل این که نمی‌توانند چنان که تعهد کرده بودند، پول تهیه کنند. می‌گویند پول را دولت ایران به شهردار تهران بدهد، ما هم شریک می‌شویم.» (ج ٤، ص۱۹۸) اگرچه صرف معاملات بازرگانی

و تجاری می‌توانست سودهای مناسبی برای غربی‌ها در بر داشته باشد، اما آنچه موجب شده بود تا ایران به «بهشت» این سوداگران تبدیل شود، باز بودن «دروازه‌های سوءاستفاده» به روی آنان بود. این مسأله گاه به حدی شکل مفتضحانه و رسوایی به خود می‌گرفت که حتی نگرانی سفیر آمریکا را به لحاظ پیامدهای آن، به دنبال داشت.

سولیوان با اشاره به دیدار خود با قریب سی تن از مقامات ارشد شرکت‌ها و مؤسسات آمریکایی که در ایران فعالیت می‌کردند یا منافعی داشتند، می‌گوید: «من از مجموع سخنانی که در این جلسه رد و بدل شد دریافتم که سرمایه‌گذاری و مشارکت این مؤسسات در ایران بر مبنای عدالت و تساوی حقوق استوار نیست. بیشتر این شرکت‌ها بدون این که سرمایه‌ای در ایران به کار بیاندازند قراردادهای خدماتی با دولت و مؤسسات ایرانی داشتند و بعضی از آنها هم به جای سرمایه‌گذاری، سرویس و خدمات خود را مبنای مشارکت در سود حاصله قرار داده بودند. نظر به این که من تازه از فیلیپین آمده بودم و در آنجا مشکلات حاد ناشی از عدم تعادل بین سرمایه و نیروی کار را به چشم خود دیده بودم نمی‌توانستم در خوش‌بینی دیگران نسبت به آینده اقتصاد ایران شریک باشم.»(همان، ص ۳۷) طبعاً شرایط حاکم موجب شده بود تا سیل دلالان و مقاطعه کاران بین‌المللی که به ویژه در پی کسب سودهای هنگفت از طرق فسادآمیز بودند، راهی ایران شوند و به خواسته خود دست یابند. «پرنس برنهارد» شوهر ملکه هلند از جمله این افراد بود که به نوشته عالیخانی ـ ویراستار مجموعه خاطرات ـ «به آلودگی در معاملات گوناگون شهرت داشت» (ج ۵، ص ٤۷) و علم نیز به اشتهای مفرط او در سوداگری اشاره می‌کند:

«٥٤/۱/۲٦: به استقبال پرنس برنهارد شوهر ملکه هلند رفتم که عازم نپال است. ماشاءالله سیل [سوداگر] buisinessman همراه دارد. به محض پیاده شدن از هواپیما شروع به [معامله] business کرد!» (ج ۵، ص٤۸) به هر حال، باید گفت خاطرات علم از جمله بهترین منابعی است که پژوهندگان تاریخ می‌توانند با مطالعه آن، پرده نازک ادعاها و خودستایی‌های محمدرضا را کنار بزنند و پشت صحنه واقعی و عینی آن دوران را به نظاره بنشینند.اما موضوع دیگری که در خاطرات علم به شدت جلب توجه می‌کند، عدم توانایی شاه حتی برای «نمایش دموکراسی» در کشور است. همان‌گونه که می‌دانیم پس از تشکیل کانون مترقی در سال ۳۹ توسط حسنعلی منصور و سپس تبدیل آن به حزب ایران نوین ـ به عنوان حزب اکثریت ـ قرار بر آن شد تا حزب «مردم» که علم رهبری عالی آن را به دست داشت، نقش اقلیت را ایفا نماید؛ به این ترتیب دستکم نمایشی به راه می‌افتاد تا در عرصه بین‌المللی فشارها از روی رژیم شاه کاسته شده و ضمناً در داخل نیز اقشاری را به خود مشغول دارد.



قاعدتاً برای شخص شاه و اطرافیان او مسلم و محرز بود که این کار چیزی جز یک بازی نیست و هیچ آسیبی نیز به پایه‌های دیکتاتوری محمدرضا وارد نخواهد ساخت، غافل از آن که حتی مسخره‌ترین و بی‌محتواترین نمایش‌ها و بازی‌ها نیز قواعد خاص خود را دارند و چنانچه این قواعد رعایت نشوند، اساس بازی زیر سؤال خواهد رفت و تمام زحماتی هم که برای فریب دیگران کشیده شده است، بی‌فایده خواهد گشت.

آنچه علم را به شدت در این دوران رنج می‌دهد و کلافه می‌کند این است که شاه با وجود تمایل به اجرای چنین نمایشی حاضر به رعایت قواعد آن نیست. این که این تناقض رفتاری شاه از نادانی و نفهمی اوست یا از غلظت بالای روحیه استبدادی و طینت دیکتاتوری وی، تفاوتی در اصل ماجرا به وجود نمی‌آورد. علم بارها سعی می‌کند به شوخی و جدی، این نکته بسیار ساده را به شاه بفهماند که حداقل به حزب اقلیت باید اجازه سخن گفتن و انتقاد در یک محدوده کوچک داده شود، اما موفق نمی‌شود. وی گاهی در صحبت‌های خود با شاه، از حزب اقلیت تحت عنوان «شیر بی‌یال و دم و اشکم» یاد می‌کند(ج ۲، ص۲۲۹) و گاهی نیز صریحاً به محمدرضا خاطرنشان می‌سازد که تا اقلیت «اجازه حرف زدن و انتقاد کردن نداشته باشد، فایده ندارد.»(ج ۲،ص ۲٤۱) و جالب این که شاه هنگامی که با چنین سخنانی مواجه می‌شود، ظاهراً آنها را می‌پذیرد و خود بر لزوم سخن گفتن و انتقاد کردن حزب اقلیت تأکید می‌کند، اما به محض این که حزب مذکور در این مسیر گام بر می‌دارد، خشم و عصبانیت وی را به دنبال دارد: «۵۱/٤/۳۱: یک دفعه برگشتند، فرمودند این دکتر کنی ـ رئیس و دبیرکل حزب مردم ـ چه غلط‌هایی کرده است؟ عرض کردم نمی‌دانم. فرمودند: بلی در اصفهان میتینگ داده و گفته است، این دولت یک دولت ارتجاعی است و به علاوه اگر انتخابات شهرداری‌ها و انجمن‌های ولایتی آزاد باشد، حزب ما خواهد برد. اولاً چه طور به خود جرأت داده است بگوید دولت من دولت ارتجاعی است؟ ثانیاً چه‌طور ممکن است تفوه به این حرف بکند که انتخابات در سلطنت من آزاد نیست؟ عرض کردم من که خبر نداشتم چه گفته است، ولی رئیس حزب اقلیت یک چیزی که باید بگوید. هر چه می‌گوید، اگر شاهنشاه [بردباری] (tolerance) نداشته باشد، البته برخورنده است و به ابروی یار برمی‌خورد.» (ج ۲، ص ۳۰۳ـ۳۰۲)

با تعویض دبیرکل این حزب و جایگزینی ناصر عامری به جای کنی نیز تغییری در وضعیت به وجود نمی‌آید و کوچکترین سخنان انتقادی یا حتی پیشنهادهای اصلاحی این دبیرکل نیز با خشم و عصبانیت شاه مواجه می‌شود: «۵۲/۸/۲۷: صبح زود ناصر عامری دبیرکل حزب مردم که جای دکتر کنی است، با سبیل‌های آویزان پیش من آمد که از نطق‌های من در گرگان که گفته‌ام باید تحصیلات و معالجه برای مردم مجانی باشد، شاهنشاه عصبانی شده‌اند... حالا هم اجازه شرفیابی خواسته‌ام به من نمی‌دهند. چه خاکی به سر بریزم؟ در دلم خیلی خندیدم... در دلم گفتم...کجایش را خوانده‌ای؟ به این صورت حکومت دو حزبی محال است و لازم هم نیست. نمی‌دانم چرا شاهنشاه این قدر اصرار می‌فرمایند.» (ج۳، ص ۲٤٤)

گاهی نیز علم به خاطر رفتارهای کاملاً خلاف قواعد بازی با حزب اقلیت، کلافه و تا حدی عصبانی شده و با دلخوری موضوع را با شاه در میان گذاشته است: «۵۳/۵/۱۷: عرض کردم، رئیس حزب مردم، بدبخت عامری، عرض می‌کند مقرری ما را دولت بریده، من که پولی ندارم که چرخ حزب را بگردانم. فرمودند: البته باید ببرد. ایشان که ادعا می‌کنند بین مردم اکثریت مطلق دارند، بروند پولشان را هم از مردم بگیرند. من عرض کردم: بدبخت اگر این ادعا را هم نکند، پس چه بکند؟ انتقاد که نمی‌تواند بکند، دست کسی را هم که نمی‌تواند بگیرد و کمکی به کسی بکند، این حرف را هم نزند؟» (ج ٤، ص ۲۰۷)

از لحن کلام علم بخوبی می‌توان فهمید که در دل علاوه بر خندیدن به حال و روز عامری، به حماقت و نادانی «اعلیحضرت» نیز می‌خندد که اگرچه خود دستور تشکیل حزب اقلیت را داده، اما گویی الفبای این کار را هم نمی‌داند و با به فراموشی سپردن روند قضایا، اینک می‌گوید حزب اقلیت هزینه‌های خود را از مردمی که هیچ نقشی در تشکیل و اداره آن نداشته‌اند، بگیرد! توصیفی که علم از زبان حال دبیرکل حزب مردم راجع به این حزب بیان می‌دارد، در عین کوتاهی، بسیار گویاست: «۵۳/۱۲/۱۱: بیچاره ناصر عامری دبیرکل سابق حزب مردم که یک ماه قبل در اکسیدان اتومبیل کشته شد، آن قدر عاجز شده بود که دائماً التماس می‌کرد: یا بکش، یا چینه‌ده، یا از قفس آزاد کن.» (ج ٤، ص۳۹۷)

نباید پنداشت که این گونه مسائل تا هنگامی که به اصطلاح دو حزب اکثریت و اقلیت در کشور فعالیت می‌کردند وجود داشت و تشکیل حزب رستاخیز در اسفند ماه ۱۳۵۳، به مرتفع شدن چنین مشکلاتی انجامید. حقیقت آن است که روحیه استبدادی به حدی در وجود شاه رخنه کرده و نهادینه شده بود که تحمل کوچکترین انتقادی را در وی باقی نگذارده و حتی در زمان استقرار سیستم تک حزبی در کشور نیز این روحیه، مشکل‌آفرین گردید. هنگامی که علم پس از انتشار اساسنامه حزب رستاخیز، در روز ٥٤/۱/۲۳ به محمدرضا خاطرنشان می‌سازد اشکالاتی در این اساسنامه وجود دارد و منظورش آن است تا اجازه داده شود راجع به مشکلات در مطبوعات صحبت شود و پیشنهادهای اصلاحی مطرح گردد، شاه اجازه طرح انتقادها را می‌دهد: «بگو ایرادها را بگویند و در جراید بنویسند، عیبی ندارد.» (ج ۵، ص ٤۱) اما تنها دو روز پس از صدور این «فرمان همایونی»! به محض آن که کوچکترین انتقادی در مطبوعات درج می‌گردد، آتشفشان استبداد شاهانه فوران می‌کند:

«٥٤/۱/۲۵: فرمودند، همین حالا که مرخص شدی به روزنامه کیهان به مصباح‌زاده تلفن کن که مردکه این حرف‌ها چیست که می‌نویسی؟ راجع به حزب هرکس هر غلطی می‌کند، می‌نویسند. منجمله یکی پرسیده چرا در اساسنامه حزب تکلیف تعیین دولت روشن نشده؟ شما هم چاپ کرده‌اید. به آنها تفهیم کن که تکلیف تعیین دولت و عزل و نصب وزرا با شخص پادشاه است و شاه ریاست فائقه قوه مجریه را دارد، دیگر اینها فضولی است.» (ج ۵، ص ٤٦)

گذشته از مخالفت صریح و آشکار این اظهارنظر شاهانه با نص قانون اساسی مشروطه، چنین تغییر رفتارها و موضع گیری‌هایی کاملاً مبین همان سخن علم است که «تمام کارها مسخره اندر مسخره اندر مسخره است.» (ج ٤ ص۳۷۸)

حال اگر به این مسأله، نحوه انتخابات مجلس نیز اضافه شود، آن‌گاه عمق مسخرگی امور سیاسی و حزبی و انتخاباتی در آن هنگام مشخص می‌شود. علم بارها از عدم آزادی انتخابات، بی‌ارزش بودن حقوق سیاسی مردم و دخالت‌های گسترده بیگانگان و دربار و دولت در انتخابات سخن به میان می‌آورد. وی آن‌گونه که مدعی است بارها نیز در این‌باره با خود شاه نیز صحبت کرده است: «٤۸/۹/۱۹: فرمودند نمی‌دانم این مردم کی تربیت خواهند شد و چه طور می‌توان آنها را تربیت کرد. من جسارت کردم و عرض کردم متأسفانه در آن راه هم نیستیم، زیرا اولین قدم در راه تربیت اجتماعی احترام گذاشتن به حقوق دیگر مردم است و ما در جهت این که این اولین قدم را برداریم نیستیم.» (ج ۱، ص۳۱٦) علم در جای دیگری با صراحت بیشتر از بی‌اعتنایی به حقوق مردم و بی‌محتوایی انتخابات سخن می‌گوید: «۵۲/٦/۱۷: دولت خود را در پناه این مرد بزرگ قرار می‌دهد و طرز رفتاری که با مردم دارد مثل دولت غالب به مردم کشور مغلوب است، بی‌اعتنا و گاهی هم [خشونت‌آمیز] انتخابات را که Aggressive مداخله می‌کند و انگشت می‌برد. انگشت که چه عرض کنم؟ به مردم حقنه می‌کند، حتی انتخابات ده و شهر را برای مردم و برای علاقه مردم چیزی باقی نمی‌ماند، همه بی‌تفاوت می‌شوند.» (ج۳، ص۱۳۵) جالب این که حتی در یادداشت‌های سال ٥٤ علم که وی مدعی است وضعیت برگزاری انتخابات بهتر از گذشته شده و با یک آزادی نسبی برگزار می‌شود، ناگهان به موردی برمی‌خوریم که نقص این گونه ادعاها را آشکار می‌سازد: «٥٤/۱/۱۵: مطلبی نخست‌وزیر در کیش به من گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن این بود که گفت هر کسی را از هر جا بخواهی من وکیل خواهم کرد. هر کس باشد، هیچ فکر نکن، به من بگو تمام می‌کنم.» (ج ۵، ص۲۷) به راستی وقتی هویدا به عنوان بی‌خاصیت‌ترین و بی‌شخصیت‌ترین عنصر سیاسی رژیم پهلوی از چنین نفوذی در انتخابات مجلس برخوردار باشد، تکلیف آن انتخابات معلوم است.

> **با سبیل‌های آویزان پیش من آمد که از نطق‌های من در گرگان، شاهنشاه عصبانی شده‌اند**

البته این مطلب را نیز باید گفت که علم در بیان نقش سفارت‌خانه‌های خارجی در انتخابات مجلس امساک به خرج داده و جز اشاره به اصرار حسنعلی منصور بر ارتقای موقعیت خود در فهرست منتخبان به پشتگرمی روابط صمیمانه‌اش با سفارت آمریکا (ج ۲، ص۱۵۲) نکات دیگر را در این زمینه ناگفته گذارده است. اما در این خاطرات وقتی می‌خوانیم که آمریکایی‌ها نوکر خود یعنی «حسنعلی منصور» را به عنوان نخست‌وزیر به شاه تحمیل می‌کنند، قاعدتاً بسادگی می‌توان نتیجه گرفت که آنان دست بسیار بازتری در نشاندن افراد موردنظر خود بر کرسی‌های مجلس داشته‌اند: «۵۱/۱۱/۲: من عرض کردم... پدرسوخته راکول، وزیر مختار وقت آمریکا، نوکر می‌خواست و من نوکر نمی‌شدم. به این جهت بی‌علاقه به سقوط من نبود و حتی خیلی علاقه هم داشت و حسنعلی منصور را هم که در جیب خودش داشت، که بعد هم آمد. دیگر شاهنشاه هیچ نفرمودند؛ مثل این که من قدری فضولی کردم.» (ج۲، ص٤۳۸) منظور علم از «فضولی» آن است که به تلویح اطاعت شاه از سفارت آمریکا را برای نشاندن یک مهره آمریکایی بر کرسی نخست‌وزیری کشور، به وی گوشزد کرده است.

علاوه بر آنچه بیان گردید، مسائل و موضوعات متنوع دیگری نیز در خاطرات علم به چشم می‌خورد که اگرچه هر یک از آنها در جای خود دارای اهمیت هستند، اما به لحاظ پرهیز از تطویل بیش از حد بحث، به ناچار باید اشاره‌وار از آنها گذشت.

ریخت و پاش‌ها و اسراف‌های خاندان سلطنتی و درباریان و صرف هزینه‌های هنگفت، از جمله مواردی‌اند که به شدت جلب توجه می‌کنند. مسافرت‌های شاه و خانواده‌اش به سن‌موریتز و اقامت یکی دو ماهه در آنجا، ساخت کاخ‌های متعدد، هزینه‌های هنگفت مسافرت‌های خارجی اعضای خانواده سلطنتی، سوءاستفاده‌های کلان توسط اطرافیان و آشنایان این خانواده، خرید لوازم لوکس و تجملاتی و برداشت‌های مستمر از خزانه دولت به همراه انبوهی از موارد دیگر، در حالی که عامه مردم بویژه در شهرستان‌ها و روستاها در فقر و فاقه به سر می‌بردند، بخوبی می‌تواند روشنگر وضعیتی باشد که علم بارها از آن تحت عنوان «رفتار دولت غالب با مردم مغلوب» یاد می‌کند. در این میان کنایه‌های شاه به همسر و مادر همسر خود که در عین ولخرجی‌های هنگفت قصد ظاهرسازی نیز دارند، جالب توجه است.

ایران

دکتر زرین‌کوب ۱

آموختن برای آینده



شورش

سخن را می‌توان از گودرز ایرانی شروع کرد: گودرز برای آنکه خود را از سوءقصد مخالفان و مدعیان خانگی آسوده سازد تمام برادران و خویشان و نزدیکان را کشت و محیط وحشت و سوءظن شدیدی در دربار بوجود آورد. بر حسب درخواست عده‌ای از نجبا کلودیوس امپراطور روم، شاهزاده مهرداد، نواده فرهاد چهارم و فرزند وُنونِس را به دعوی سلطنت به ایران فرستاد. با آنکه خانواده قارن، از نجبای درجه اول پارت، و همچنین عده‌ای از پادشاهان دست نشانده در بین‌النهرین با مهرداد بر ضد گودرز همدست بودند، اما در جنگی که در عبور از دجله و در نواحی مجاور موصل بین طرفین رخ داد سپاه مهرداد شکست خورد یا پراکنده شد و خود او به اسارت افتاد. مهرداد را در زنجیر به حضور گودرز بردند اما او به خلاف آنچه از خلق و خوی وی انتظار می‌رفت او را نکشت، فقط دشنام داد: «رومی» و «بیگانه» خواند، و ظاهراً برای تحقیر روم یا شاید به خاطر ترحم به جوانی اسیر مغلوب فقط گوش او را برید و آزادش کرد. بدین گونه نشان داد که دشمن را، و نیز روم را که محرک این دشمن بود، حتی در خور تنبیه و انتقام‌کشی نمی‌داند. با این حال از پیروزیی که در این برخورد حاصل کرد فوق‌العاده مغرور و مسرور شد. این پیروزی که در واقع پیروزی بر روم بود به قدری این بیستمین اشک را به شور و هیجان آورد که فرمان داد تا نقش و شرح آن را در کنار کتیبه داریوش در بیستون بر سنگ کنند.اندک زمانی بعد از این واقعه گودرز نیز درگذشت ـ و روایتی هست که در توطئه‌ای هلاک شد (٥۱ م). گودرز پورگیو که نام او در افسانه‌های حماسی به عنوان پهلوان حماسه‌ها باقی است در تاریخ اشکانیان نمونه یک پادشاه شقی و ستمکار تلقی شد و شاید این تصویر را نجبای مخالف از آنچه در واقع بوده است عمداً زشت‌تر و تیره‌تر کرده‌اند.

بعد از او سلطنت به شاهزاده‌ای اشکانی از اهل ماد رسید که گویند برادر اردوان سوم بود. وی ونونس دوم خوانده شد و چند ماه بیش سلطنت نکرد. واقعه قابل ذکری هم در سلطنت کوتاه او اتفاق نیفتاد. مع‌هذا دستاورد عمده فرمانروایی او جلوس ولیعهد و پسرش ولاش بر تخت سلطنت بود که برای تاریخ پارت اهمیت قابل ملاحظه داشت ـ بلاش (ولاش، ولخش) اول که اشک بیست و دوم محسوب می‌شد.

بلاش اول آخرین پادشاه بزرگ در تمام خاندان ارشکان بود، برای ایمنی از توطئه‌های داخلی راه‌حلی بهتر از آنچه در نزد گذشتگانش معمول بود پیش گرفت. وی از دو برادر که داشت ماد آذربایجان را به پاکور واگذاشت، و ارمنستان را که پارت از زمان وردان برای استرداد آن آماده لشکرکشی بود برای برادر دیگرش تیرداد در نظر گرفت. قسمت عمده‌ی سلطنت خود او هم که بیست و هفت سال طول کشید، در سعی دائم برای تحکیم موضع ایران در ارمنستان گذشت. شورش گرگان که یک چند نیروی او و صرف درگیری با آن شد، ظاهراً از تحریکات روم ناشی شد ـ که هم با مسئله ارمنستان مربوط بود. به هر حال از همان آغاز سلطنت چون اوضاع ارمنستان را به سبب فترتی که در آنجا پیدا شده بود مساعد اقدام یافت، بدانجا حمله کرد. پادشاه آنجا که غاصب تخت و تاج آن بود گریخت و ولاش برادر خود تیرداد را در آنجا به سلطنت نشاند (٥۲ میلادی). با آنکه به علت شیوع بیماریهای واگیر بین اسبان و سربازانش یکبار هم آن را تخلیه کرد، دوباره نیز به آسانی بر آنجا تسلط یافت. اما این پیروزی عکس‌العمل روم را که ارمنستان را از ولایات تابع خویش تلقی می‌کرد به دنبال آورد. در نواحی غربی پادشاه آدیابنه (حَدْیَبْ) که مستظهر به حمایت روم بود بر ضد وی شورش کرد. از گرگان نیز خبرهایی مبنی بر شورش و هجوم اقوام سکایی در آن حدود رسید. سعی در رفع این گرفتاریها یک چند بلاش را از توجه به ارمنستان مانع آمد.

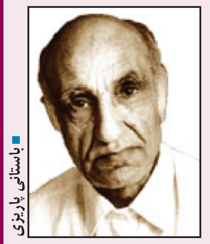
> **از گرگان نیز خبرهایی مبنی بر شورش و هجوم اقوام سکایی در آن حدود رسید. سعی در رفع این گرفتاریها از توجه به ارمنستان مانع آمد**

نرون امپراطور جوان که غلبه پارت بر ارمنستان در نزد او تجاوزی به حیثیت روم تلقی شد، کوربولو، سردار کارآزموده خود، را برای مقابله با ولاش به آسیا فرستاد (٥٥ میلادی). اما چون روم آمادگی برای شروع جنگ را نداشت کوربولو با خدعه و تعلل، اوقات طرفین را یک چند مصروف مذاکره کرد. بلاش هم ناچار تن به مذاکره داد چرا که او نیز در داخل یک چند با قیام پسر خود وردان درگیر بود، و بعد از رفع آن غائله (٥۸ میلادی) با شورش مجدد در گرگان مواجه شده بود که روم نیز در ایجاد آن دست داشت. در مدت گرفتاریهای بلاش، برادرش تیرداد با حمله کوربولو درگیر شده بود و با رشادت تمام با سپاه روم جنگیده بود. چون احساسات عامه و علاقه نجبای ارمنستان هم پشتیبان او بود با آنکه یکبار نیز تخت و تاج خود را از دست داده بود از پای ننشسته بود. وقتی که ولاش در دنبال فراغت از گرفتاریهای داخلی عزیمت جنگ ارمنستان کرد (٦۱ م)، ارمنستان تحت سلطه یک پادشاه دست‌نشانده روم بود و کوربولو هم به سوریه رفته بود. مقارن آن احوال پیتوس نام، سردار دیگر روم، برای مقابله با سپاه پارت به ارمنستان آمده بود. در جنگی که روی داد پیتوس سردار روم به محاصره پارت افتاد و بعد از مقاومت بسیار و دادن تلفات فراوان ناچار به تسلیم شد. کوربولو هم نتوانست یا نخواست به او کمک کند. بالاخره روم درخواست مذاکره برای صلح کرد، حاصل آن شد که پادشاه ارمنستان دست‌نشانده ایران باشد اما تاج خود را از دست امپراطور روم بگیرد. تیرداد با اکراه و تعلل تمام به روم رفت و با تشریفات بسیار که به نظر او مضحک هم آمد عنوان رسمی پادشاه ارمنستان را از امپراطور نیمه دیوانه رم دریافت کرد. بدین گونه در مذاکره هم مثل جنگ پیروزی نهایی با بلاش بود: تخت و تاج ارمنستان به دست‌نشانده ایران تعلق گرفت، فقط تشریفات اعطای آن به عهده روم افتاد. حاصل مذاکرات هم لااقل در ظاهر تحکیم رابطه دوستی بین ایران و روم شد که ایران در حفظ آن، چنان که لازمه اخلاق ایرانی بود، پایبندی نشان داد. از جمله در هنگام ضرورت از اظهار آمادگی برای کمک به امپراطور وسپازیان خودداری نکرد، در پیروزی پسرش تیتوس بر یهود فلسطین به وی تبریک گفت و از پناه دادن به دشمنان روم در واقعه‌ی شمشاط و ایالت کوماجنه در مغرب فرات اجتناب کرد.

هزاران سال انسان

گفتگو با دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی

ایام کرمان



باستانی پاریزی

شب که داشتیم به طرف سیرجان حرکت می‌کردیم، مرتب می‌دیدم که خط روشنی از دور به چشم می‌خورد. مسیری که ما می‌رفتیم، بیابان بود و کوه و تپه‌ای وجود نداشت و سیرجان از ٤ –۳ فرسخی معلوم بود. چاروادارها گفتند که این چراغ برق است که روشن می‌شود. وقتی به سیرجان رسیدیم، خیابان اصلی شهر یک خط مستقیم برق داشت که من با دیدن آنها اولین بار چراغ برقی را دیدم. حالا قبل از رسیدن به سیرجان، وقتی در وسط بیابان اتراق کرده بودیم، یک مرتبه دیدم که تمام این خط در یک لحظه خاموش شد؛ یعنی خط روشن معلوم نبود. آن وقت کارخانه برق، فقط ٦ ساعت برق می‌داد.

*** چون ما در این مورد قبلاً صحبت کرده‌ایم، بهتر است بپردازیم به کرمان. وقتی اولین بار پا به کرمان گذاشتید، در آنجا چه دیدید؟ آیا خاطرتان هست که به کدام بخش کرمان رفتید و کجاهای کرمان را دیدید؟**

داستان این است که زمانی که من برای تحصیل به کرمان می‌رفتم، یک خورجین بزرگ بار داشتم. این خورجین‌ها را، در محل خودمان می‌بافتند؛ دو لنگ داشت و به اندازه ۲۰ کیلو بار می‌گرفت. قفل هم داشت و به صورت طبیعی و بافتنی، طوری بافته می‌شود که نخ‌ها و ریسمان‌ها درون هم قرار می‌گرفت و قفل می‌شد و در واقع، خورجین قفل‌دار بود.مثل معروفی است که می‌گویند: به صاحب یک خورجین گفتند: خورجین را دزد برد. گفت: ببرد! کلیدش پیش من است.

*** محتویات خورجین دو لنگه شما چه بود؟**

اسباب و لوازم ضروری یک بچه روستایی محصل، و بیشتر خوردنی‌هایی ازقبیل شکمبه قرمهٔ گوسفند و پنیر و نان خشک و جوزقند و بادام و مقداری هم کتاب و لباس که مادرم برایم فراهم کرده بود. آن خورجین، یادم هست که نسبتاً سنگین هم بود، ولی خب، چاره‌ای نبود و باید می‌بردم.

*** شما به کرمان پیاده رفتید یا با ماشین؟**

نه، با اتومبیل‌های باری رفتم که البته در آن زمان کم بود و ما را از حسین‌آباد به کرمان می‌برد.وقتی به کرمان رسیدیم و از ماشین پیاده شدیم، یک دفعه دیدم یک قافله حمّال دور و اطرافم را گرفتند. آنها داد می‌زدند که: آقا بارت را بده من ببرم، بده من‌ببرم. با دیدن این همه حمال و این همه اصرار، فکر کردم که آنها می‌خواهند به من‌احترام بگذارند و از روی احترام این کار را می‌کنند، ولی بلافاصله دیدم موضوع چیزدیگری است، چون داشتند باهم دعوا می‌کردند. یکی می‌گفت: من باید ببرم، دیگری می‌گفت: نخیر من باید ببرم.

*** در این وسط شما چه کار می‌کردید؟**

من هاج و واج نگاه می‌کردم. شخصی که می‌دید که من همین‌جور نگاه می‌کنم، فهمید که من ناواردم. گفت: آقا! خودت می‌توانی بارت را ببری؟ اگر می‌توانی که بردار ببر. اگر هم نمی‌توانی، یکی از این اشخاص را بگیر تا ببرد. بالاخره، یکی از آن حمال‌ها قبول کرد که خورجین مرا بردارد و برداشت و گذاشت‌به پشتش. من به او آدرس دادم و خودم هم به دنبالش به راه افتادم.

*** در کرمان اول به کجا رفتید؟**

کوچه مسجد ملک، خانه حاج طالب لاری. این شخص مرد محترمی بود که البته خودش فوت شده بود. او چون زن پاریزی داشت، به حساب آشنایی با زن او، به خانه او رفتم که در کوچه آبگوشتی‌ها بود و خانه‌اش هم، کنار خانه مرحوم شیخ عبدالحسین حجتی، پدر حجتی کرمانی بود و من می‌شنیدم که این مرد روحانی راه می‌افتاد و به مسجد ملک می‌رفت که در همان کوچه بود. او در آن مسجد نماز می‌خواند، وعظ می‌کرد، روضه می‌خواند و کارهای دیگر یک روحانی. این نخستین برخورد من با کرمان است.

*** در آن زمان، اولین کاری که به عنوان یک محصل یا یک مسافر باید انجام می‌دادید، چه بود؟**

کار خاصی نباید انجام می‌دادم. از فردا باید دنبال ثبت‌نام می‌رفتم که لازمه‌اش رفتن به ادارهٔ فرهنگ کرمان بود. اداره فرهنگ در یک ساختمان قدیمی واقع شده بود که به «باغ‌نسترن» معروف بود. از گذشته‌های دور، خانه شخصی حاکم کرمان، در باغ نسترن بود و به همین جهت هم، اتاق‌ها متناسب با آنها ساخته شده بود. در دوره رضاشاه دیگر شرایط فرق کرد و ساختمان استانداری بنا شد. در نتیجه، باغ نسترن را به اداره فرهنگ دادند و اتاق‌های حاکم‌نشین آن مشخص بود.

من در همان روز اول، به این ساختمان رفتم و در یکی از اتاق‌ها خودم را معرفی کردم و تقاضای تحصیل دادم. اداره فرهنگ هم بلافاصله مرا به دانشسرای مقدماتی معرفی کرد. دانشسرای مقدماتی، در خیابان زریسف بود که از دهات قدیم کرمان بود و قنات پرآبی داشت که چند هزارساله بود و به روزگار زرتشت وزرتشتیان مربوط می‌شد و اصلاً محله زرتشت‌نشینان هم بود.خود کلمه زریسف، یکی از کلمه‌های فارسی قدیم است و شاید نسبتی هم بازرتشت هم داشته باشد. در آنجا، آقای صرّافی رئیس دانشسرا بود که مرا پذیرفت و من در دانشسرا ماندگار شدم.

***شما در کرمان وارد دانشسرای مقدماتی می‌شوید و تحصیلات خودتان را پی می‌گیرید.**

باید بگویم که: دانشسرای کرمان، جزو ۲۵دانشسرایی بود که حدود ۱۰ سال‌قبل از رفتن من، در تمام ایران تأسیس شده بود. تاریخ تأسیس دانشسرای کرمان۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ بود. مرحوم مایل تویسرکانی که آن زمان رئیس فرهنگ بود، دانشسرا را درکرمان تأسیس کرده بود که یکی از مؤسسات مهم خدمت‌گذار به کرمان به شمار می‌رفت.دانشسرا، هرسال معمولاً ۳۰ – ۲۰ نفر دانش‌آموز جذب می‌کرد و آنها را طبق اصول تربیتی جدید آموزش می‌داد. همه آن دانش‌آموزان بعد از چند سال معلم می‌شدند و به عنوان «آموزگار» در دهات کرمان پراکنده می‌شدند، نه در شهرها. این‌کار، یکی از کارهای مهم در تمام ایران بود، از جمله در کرمان.

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۳٤



عکس: ابوالفضل ماهرخ/ مهر

باید فکر کنم

اولی: ببین! اگر این چتر بی‌صاحب مانده ات را بگیری این طرفی، ثواب می‌بری‌ها. آخه، بابا! دانه‌های بارون صاف می‌خوره به گوش هام.... اِ.... بگیر این طرف‌تر خب!

دومی: اِ... تو چقدر غر می‌زنی! بیا گرفتم طرف تو!

سومی: پس من چی؟ می گیری طرف پریسا، تا من خیس بشم؟ خیلی بدی!

دومی: ... عجب آدمهایی هستین شما دو تا! اصلاً می‌دونین چیه! من غلط کردم این چترو از بابام گرفتم، آوردم. بیچاره بابام الان داره زیر بارون تلف می‌شه، اون وقت شما دوتا دختر لوس، دارین سر من غر می‌زنین: یکی میگه بگیر این طرف، اون یکی میگه بگیر طرف اینوری... خدا بگم چیکارتون نکنه .

اولی: خب! راست می گم.

سومی: ... ای بابا! نذاشتین حرفمو بزنم حالا داشتم اینو می گفتم،... بابای پسره گفت: خدایی نمی‌تونم دروغ بگم!.... یه مدت باید صبر کنین تا بتونم کاری بکنم. مامانش چیزی نگفت ولی مامان من گفت: دختر من بسازه! اگه صداقت ببینه، با نان خالی هم می‌سازه، زیر چادر هم زندگی می کنه!.... دومی: خیلی‌ام بهت می‌یاد. اولی: خب، تو چی گفتی؟ ... سومی: گفتم من باید فکر کنم.....

گفتگو

گفتگو با پروفسور ب. دیویس

تاریخ تولد: پنجم اوت ۱۹۵۳ (فیلادلفیا، پنسیلوانیا، امریکا)

تحصیلات: لیسانس فیزیک از دانشگاه درکسل، ۱۹۷۵، فوق‌لیسانس تاریخ و فلسفه علم، دانشگاه ایندیانا (بلومینگتون)، ۱۹۸۱: دکتری تاریخ و فلسفه علم، دانشگاه ایندیانا (بلومینگتون)، ۱۹۸٤.

تجارب بعد از تحصیل: استادیار علم و تاریخ، کالج مسیا (گرانتام، پنسیلوانیا)، ۱۹۹۰ـ۱۹۸۵؛ دانشیار علم و تاریخ، کالج مسیا، ۱۹۹٦ ـ ۱۹۹۰؛ استاد تاریخ علم، کالج مسیا، از ۱۹۹٦ تا به حال.


ادوارد ب. دیویس

آثار: رابرت بویل، تفحصی آزاد در ایدهٔ عامیانه از طبیعت (ویراستار: ام. هانتر)، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹٦؛ آثار رابرت بویل (ویراستار: ام. هانتر)، ۱٤جلد، انتشارات پیکرینگ و چاتو، ۱۹۹۹تا ۲۰۰۰.

۱. تعریف شما از علم و دین چیست؟

علم، جست و جو برای درک و کنترل طبیعت است (که من آن را نظمی آزادانه خلق شده به وسیلهٔ خدا می‌دانم). دین جست و جویی است برای درک و پاسخ دادن به خداوند (که من او را خالق طبیعت و نجات دهندهٔ بشر می‌دانم).

۲. آیا تعارضی بین تعاریف خود از این دو مفهوم می‌بینید؟

به هیچ وجه؛ اما دیگران (که ممکن است علم و دین را به طریق دیگری تعریف کنند) ممکن است [بین آنها] تعارض ببینند.

۳. از نظر شما، تعارض بین این دو در کجا می‌تواند وجود داشته باشد؟

به عنوان مورخ دین و علم، وجود تعارض واقعی در زمان‌ها و مکان‌های خاص در تاریخ برای من واضح است؛ [اما] این، دور از این بیان است که تعارض در واقع رابطهٔ عام بین علم و دین است؛ و من دوست دارم این را با یک معادله برای دانشجویانم بیان کنم: «تعارض» معادل «تعارض‌ها» نیست، همان‌طور که دقیق نیست رابطهٔ بین ایالات متحده و بریتانیای کبیر را رابطه‌ای تعارضی بدانیم. چالش مورخان دین و علم این است که بفهمند چرا مردم گاهی عمیقاً در مورد موضوعاتی که برای آنها مهم است، اختلاف‌نظر دارند، و اینکه دین و علم چگونه روی یکدیگر اثر گذاشته‌اند. مورخ واقع‌بین نه تنها بعضی نمونه‌های تعارض را کشف می‌کند، بلکه مثال‌های بسیاری را پیدا می‌کند که در آنها عقاید دینی علم را به طرقی بسیار مثبت شکل داده است. یک چالش دیگر این است که این نتیجه را با قوت بیشتر به جامعهٔ علمی منتقل کند؛ جامعه‌ای که تمایل داشته است از تز تعارض حمایت کند، به این دلیل که مرجعیت فرهنگی علم را افزایش داده است.

٤. چه زمینه‌هایی موجب رشد تعارض بین علم و دین شده است؟

تعارضات خاص وقتی رخ می‌دهد که یا دانشمندان تحت نام علم احکام متافیزیکی صادر کنند یا معتقدان به دین بر مبنای استدلال‌های دینی احکام غلط علمی صادر کنند.

۵. نقش دین در توسعهٔ علم در غرب چه بوده است؟

در یک واژه، عمیق بوده است. راهبان، علم و آموزش را در اروپای غربی و شمالی زمانی زنده نگه داشتند که از جهات دیگر، پس از اضمحلال امپراتوری روم، دوران مشکلی بود. در اواخر قرون وسطی، متألهان علناً از دانشمندان خواستند که در نظریه‌های علمی‌شان به آزادی خداوند [در خلقت] اذعان کنند؛ که [خود] حاکی از امکانات غیر ارسطویی بود که دانشمندان پیشرو به روش‌هایی جالب آن را بررسی کردند. تأکید جدید بر آزادی خداوند در ابتدای اصلاحات پروتستانی به پذیرش اتمیسم کمک کرد و به نحوی مثبت دانشمندانی نظیر بویل و نیوتون را تشویق کرد که رویکردهای تجربی به دانش را بر رویکردهای عقلانی ـ که دکارت و لایب نیتس می‌پسندیدند ـ ترجیح دهند همچنین، زیربنای همهٔ دانش غربی، مفروضات کلامی دربارهٔ وحدت، فهم‌پذیری، قانون‌مندی و ارزش جهان، به عنوان مصنوع یک خالق ذی‌عقل، سازگار و خیر، است.

٦. آیا می‌توانیم یک علم دینی داشته باشیم؟

پاسخ این سؤال بستگی زیادی دارد به اینکه چگونه این اصطلاح را می‌فهمیم.

ادامه دارد

آیینه

زیر نظر: دکتر محمد کاظم حسینیان

مروری بر خاطرات اسدالله علم

... از نمایش دموکراسی

آنچه در پی می آید نقدی است گذرا و البته تاریخی بر مجموعه خاطرات اسدالله علم که در واقع شاه و دربار را روایت می کند و ایران را حکایت می کند.

ادامه از صفحه اول

اما جالب‌تر از این مسئله، اظهار نگرانی برخی مقامات خارجی درباره خریدهای هنگفت نظامی مورد درخواست شاه است که اگرچه نفع اقتصادی فراوانی نیز برای آنها دارد، اما چه بسا تبعات آن را منافی منافع درازمدت خود در ایران تشخیص می‌دهند: «۵۲/۳/۱۷: صبح زود سفیر انگلیس به دیدنم آمد که مطلبی را که سِر الک وزیر خارجه می‌خواهد با شاهنشاه صحبت کند به من بگوید... در آخر ملاقات گفت می‌خواهم یک حرفی به تو بزنم و آن این است که با آن که کشور من و دولت من و نخست‌وزیر من همه میل دارند این معامله تانک‌های چیفتن تمام شده و [آنها را] زودتر تحویل بدهند، چون برای مردم ما کار پیدا می‌شود و برای خزانه ما پول، ولی من ترس دارم که هشتصد تانک به این بزرگی بار سنگینی بر دوش شما بگذارد، چه از لحاظ [تعمیرات] و چه از لحاظ تهیه افراد فنی، و تازه اینها در کشوری که نقاط سوق‌الجیشی آن یا کوه و یا زمین‌های رودخانه‌ای و باتلاقی است (مراد، غرب و جنوب غرب است) خیلی قابل استفاده نباشد و این مسئله مآلاً روابط بین ما را که حالا در نهایت خوبی است به هم بزند. من از این صراحت و صداقت او لذت بردم.»(ج۳، صص ۷۰-٦۹)

البته در ورای این گونه اظهارات، به هر حال انگلیسی‌ها از این که حداکثر منافع را از داد و ستدهای نظامی یا بازرگانی با ایران تحت حاکمیت شاه کسب کنند، غفلت نمی‌کردند تا جایی که بعضاً دست نشانده آنها را نیز ناچار از گلایه‌هایی ـ هرچند بی خاصیت ـ می‌کرد: «۵۳/۱۲/۲۵: فرمودند: به انگلیس‌ها هم بگو که تانک‌های چیفتن شما معیوب است. این سفارش عمده‌ای که می‌خواهیم بعد از این به شما بدهیم، اگر به همین بدی باشد که اصولاً خطرناک است. توپ‌های این تانک مهمات کم دارد، چرا مهمات به ما نمی‌دهید؟ ما که پولش را نقد می‌دهیم. بعلاوه قیمت تمام اسلحه‌ای که به ما پیشنهاد کرده‌اید از سال گذشته اضافه شده است.»(ج ٤، ص ٤۱۵) جای گفتن ندارد که نه تنها در حوزه امور نظامی، بلکه در سایر عرصه‌هایی که به نحوی شرکت‌های غربی در ایران مشغول کار بودند، چپاول و تاراج اموال و منابع ایرانیان با شدت تمام ادامه داشت. نمونه‌ای از این تاراج را در خاطرات روز ۵٤/۱۰/۲۱ علم می‌توانیم مشاهده کنیم: «عرض کردم، قرارداد شرکت انگلیسی کاستین، در چابهار، برای ساختمان‌های عادی غارت است، که ما با آنها منعقد می‌کنیم. یعنی آنها ما را غارت می‌کنند. به دقت گوش دادند، ولی چیزی نفرمودند... فرق معامله در حدود ٦۰۰ میلیون دلار است. شاید چون انگلیسی‌ها واسطه عمل اضافه استخراج نفت شده‌اند و شاهنشاه فکر می‌فرمایند که در این جا کمک بکنند، می‌خواهند این لقمه را به آنها بخورانند.»(ج ۵، ص ٤۲۱) شکی نیست که علم خود بخوبی از کنه واقعیت مطلع است، اما همان‌گونه که در برخی موارد از گفتن پاره‌ای مسائل خودداری می‌ورزد، در اینجا نیز مطلب را درز گرفته و خود را به تغافل زده است. در واقع مسأله صرفاً محدود به نقش انگلیسی‌ها

در افزایش استخراج و فروش نفت و تلاش شاه برای جبران این خدمت آنها نبود، بلکه ماجرا از این قرار بود که شاه علی‌رغم احساس «خدایگانی» در مقابل دولتمردان داخلی و ابراز وجود کردن‌های آشکار و پنهان در مقابل آمریکا و انگلیس، عملاً و عمیقاً دچار ضعف نفس بود و شیشه نازک عمر خود را در دست آنها می‌دید، بنابراین چاره‌ای جز این پیش رویش نمی‌دید که با بازگذاردن دست آنها و نیز دیگر کشورهای غربی در غارت ایران، رضایت خاطر آنها را جلب کند و به خیال خویش، استمرار و بقای رژیم وابسته‌اش را تضمین نماید.

بنابراین در دوران مزبور، به ویژه پس از افزایش درآمدهای نفتی کشور، ایران به بهشت بازرگانان و شرکت‌های گوناگون و متنوع آمریکایی، انگلیسی و دیگر کشورهای غربی مبدل گردید. به گفته ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران «در سال ۱۹۷۷ سی و پنج هزار آمریکایی در ایران زندگی می‌کردند که همه آنها به استثنای قریب دو هزار نفر وابسته به شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی آمریکایی بودند.» (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سِر آنتونی پارسونز، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص۳۵) آنتونی پارسونز که آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی به حساب می‌آید نیز معترف است که ...

> **تصمیمات شاه با منافع بیگانگان هم جهت بود. لذا مشکلی برای جذب دلارهای ایران از سوی آمریکا و انگلیس وجود نداشت**

و تجاری می‌توانست سودهای مناسبی برای غربی‌ها در بر داشته باشد، اما آنچه موجب شده بود تا ایران به «بهشت» این سوداگران تبدیل شود، باز بودن «دروازه‌های سوءاستفاده» به روی آنان بود. ...



... قاعدتاً برای شخص شاه و اطرافیان او مسلم و محرز بود که این کار چیزی جز یک بازی نیست ...

... با تعویض دبیرکل این حزب و جایگزینی ناصر عامری به جای ...

... شدن چنین مشکلاتی انجامید. حقیقت آن است که روحیه استبدادی به حدی در وجود شاه رخنه کرده و نهادینه شده بود که تحمل کوچکترین انتقادی را در وی باقی نگذارده و حتی در زمان ...

... (ج ۵، ص ۲۷) به راستی وقتی هویدا به عنوان بی‌خاصیت‌ترین و بی‌شخصیت‌ترین عنصر سیاسی رژیم پهلوی از چنین نفوذی در انتخابات مجلس برخوردار باشد، تکلیف آن انتخابات معلوم است.

> **با سبیل‌های آویزان پیش من آمد که از نطق‌های من در گرگان، شاهنشاه عصبانی شده‌اند**

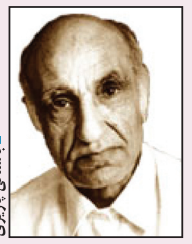
البته این مطلب را نیز باید گفت که علم در بیان نقش سفارت‌خانه‌های خارجی در انتخابات مجلس امساک به خرج داده و جز ...

... نداشتم چه گفته است، ولی رئیس حزب اقلیت یک چیزی که باید بگوید. هر چه می‌گوید، اگر شاهنشاه [بردباری] (tolerance) نداشته باشد، البته برخورنده است و به ابروی یار برمی‌خورد.» (ج ۲، ص ۳۰۳ـ۳۰۲)

هزاران سال انسان

گفتگو با دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی

ایام کرمان


باستانی پاریزی

شب که داشتیم به طرف سیرجان حرکت می‌کردیم، مرتب می‌دیدم که خط روشنی از دور به چشم می‌خورد. مسیری که ما می‌رفتیم، بیابان بود و کوه و تپه‌ای وجود نداشت و سیرجان از ٤ ـ۳ فرسخی معلوم بود. چاروادارها گفتند که این چراغ برق است که روشن می‌شود. وقتی به سیرجان رسیدیم، خیابان اصلی شهر یک خط مستقیم برق داشت که من با دیدن آنها اولین بار چراغ برقی را دیدم. حالا قبل از رسیدن به سیرجان، وقتی در وسط بیابان اتراق کرده بودیم، یک مرتبه دیدم که تمام این خط در یک لحظه خاموش شد؛ یعنی خط روشن معلوم نبود. آن وقت کارخانه برقٍ، فقط ٦ ساعت برق می‌داد.

*** چون ما در این مورد قبلا صحبت کرده‌ایم، بهتر است بپردازیم به کرمان. وقتی اولین بار پا به کرمان گذاشتید، در آنجا چه دیدید؟ آیا خاطرتان هست که به کدام بخش کرمان رفتید و کجاهای کرمان را دیدید؟**

داستان این است که زمانی که من برای تحصیل به کرمان می‌رفتم، یک خورجین بزرگ بار داشتم. این خورجین‌ها را، در محل خودمان می‌بافتند؛ دو لنگ داشت و به اندازه ۲۰ کیلو بار می‌گرفت. قفل هم داشت و به صورت طبیعی و بافتنی، طوری بافته می‌شود که نخ‌ها و ریسمان‌ها درون هم قرار می‌گرفت و قفل می‌شد و در واقع، خورجین قفل‌دار بود. مثل معروفی است که می‌گویند: به صاحب یک خورجین گفتند: خورجین را دزد برد. گفت: ببرد! کلیدش پیش من است.

*** محتویات خورجین دو لنگه شما چه بود؟**

اسباب و لوازم ضروری یک بچه روستایی محصل، و بیشتر خوردنی‌هایی از قبیل شکمبه قرمهٔ گوسفند و پنیر و نان خشک و جوزقند و بادام و مقداری هم کتاب و لباس که مادرم برایم فراهم کرده بود. آن خورجین، یادم هست که نسبتاً سنگین هم بود، ولی خب، چاره‌ای نبود و باید می‌بردم.

*** شما به کرمان پیاده رفتید یا با ماشین؟**

نه، با اتومبیل‌های باری رفتم که البته در آن زمان کم بود و ما را از حسین‌آباد به کرمان می‌برد. وقتی به کرمان رسیدیم و از ماشین پیاده شدیم، یک دفعه دیدم یک قافله حمّال دور و اطرافم را گرفتند. آنها داد می‌زدند که: آقا بارت را بده من ببرم، بده من ببرم. با دیدن این همه حمال و این همه اصرار، فکر کردم که آنها می‌خواهند به من احترام بگذارند و از روی احترام این کار را می‌کنند، ولی بلافاصله دیدم موضوع چیز دیگری است، چون داشتند باهم دعوا می‌کردند. یکی می‌گفت: من باید ببرم، دیگری می‌گفت: نخیر من باید ببرم.

*** در این وسط شما چه کار می‌کردید؟**

من هاج و واج نگاه می‌کردم. شخصی که می‌دید که من همین جور نگاه می‌کنم، فهمید که من ناواردم. گفت: آقا! خودت می‌توانی بارت را ببری؟ اگر می‌توانی که بردار ببر. اگر هم نمی‌توانی، یکی از این اشخاص را بگیر تا ببرد. بالاخره، یکی از آن حمال‌ها قبول کرد که خورجین مرا بردارد و برداشت و گذاشت به پشتش. من به او آدرس دادم و خودم هم به دنبالش به راه افتادم.

*** در کرمان اول به کجا رفتید؟**

کوچه مسجد ملک، خانه حاج طالب لاری. این شخص مرد محترمی بود که البته خودش فوت شده بود. او چون زن پاریزی داشت، به حساب آشنایی با زن او، به خانه او رفتم که در کوچه آبگوشتی‌ها بود و خانه‌اش هم، کنار خانه مرحوم شیخ عبدالحسین حجتی، پدر حجتی کرمانی بود و من می‌شنیدم که این مرد روحانی راه می‌افتاد و به مسجد ملک می‌رفت که در همان کوچه بود. او در آن مسجد نماز می‌خواند، وعظ می‌کرد، روضه می‌خواند و کارهای دیگر یک روحانی. این نخستین برخورد من با کرمان است.

*** در آن زمان، اولین کاری که به عنوان یک محصل یا یک مسافر باید انجام می‌دادید، چه بود؟**

کار خاصی نباید انجام می‌دادم. از فردا باید دنبال ثبت‌نام می‌رفتم که لازمه‌اش رفتن به ادارهٔ فرهنگ کرمان بود. اداره فرهنگ در یک ساختمان قدیمی واقع شده بود که به «باغ‌نسترن» معروف بود. از گذشته‌های دور، خانه شخصی حاکم کرمان، در باغ نسترن بود و به همین جهت هم، اتاق‌ها متناسب با آنها ساخته شده بود. در دوره رضاشاه دیگر شرایط فرق کرد و ساختمان استانداری بنا شد. در نتیجه، باغ نسترن را به اداره فرهنگ دادند و اتاق‌های حاکم‌نشین آن مشخص بود.

من در همان روز اول، به این ساختمان رفتم و در یکی از اتاق‌ها خودم را معرفی کردم و تقاضای تحصیل دادم. اداره فرهنگ هم بلافاصله مرا به دانشسرای مقدماتی معرفی کرد. دانشسرای مقدماتی، در خیابان زریسف بود که از دهات قدیم کرمان بود و قنات پرآبی داشت که چند هزارساله بود و به روزگار زرتشت وزرتشتیان مربوط می‌شد و اصلاً محله زرتشت‌نشینان هم بود. خود کلمه زریسف، یکی از کلمه‌های فارسی قدیم است و شاید نسبتی هم بازرتشت هم داشته باشد. در آنجا، آقای صرّافی رئیس دانشسرا بود که مرا پذیرفت و من در دانشسرا ماندگار شدم.

***شما در کرمان وارد دانشسرای مقدماتی می‌شوید و تحصیلات خودتان را پی می گیرید.**

باید بگویم که: دانشسرای کرمان، جزو ۲۵دانشسرایی بود که حدود ۱۰ سال‌قبل از رفتن من، در تمام ایران تأسیس شده بود. تاریخ تأسیس دانشسرای کرمان ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ بود. مرحوم مایل تویسرکانی که آن زمان رئیس فرهنگ بود، دانشسرا را درکرمان تأسیس کرده بود که یکی از مؤسسات مهم خدمت‌گذار به کرمان به شمار می‌رفت. دانشسرا، هرسال معمولاً ۳۰ ـ ۲۰ نفر دانش‌آموز جذب می‌کرد و آنها را طبق اصول تربیتی جدید آموزش می‌داد. همه آن دانش‌آموزان بعد از چند سال معلم می‌شدند و به عنوان «آموزگار» در دهات کرمان پراکنده می‌شدند، نه در شهرها. این کار، یکی از کارهای مهم در تمام ایران بود، از جمله در کرمان.

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۳٤


عکس: ابوالفضل ماهرخ/ مهر

باید فکر کنم

اولی: ببین! اگر این چتر بی صاحب مانده ات را بگیری این طرفی، ثواب می‌بری‌ها. آخه، بابا! دانه‌های بارون صاف می‌خوره به گوش هام.... اِ.... بگیر این طرف‌تر خب!

دومی: اِ... تو چقدر غر می‌زنی! بیا گرفتم طرف تو!

سومی: پس من چی؟ می گیری طرف پریسا، تا منٍ خیس بشم؟ خیلی بدی!

دومی: ... عجب آدمهایی هستین شما دو تا! اصلاً می‌دونین چیه! من غلط کردم این چترو از بابام گرفتم، آوردم. بیچاره بابام الان داره زیر بارون تلف می‌شه، اون وقت شما دوتا دختر لوس، دارین سر من غر می‌زنین: یکی میگه بگیر این طرف، اون یکی میگه بگیر طرف اینوری... خدا بگم چیکارتون نکنه.

اولی: خب! راست می گم.

سومی: ... ای بابا! نذاشتین حرفمو بزنم حالا داشتم اینو می گفتم،... بابای پسره گفت: خدایی نمی‌تونم دروغ بگم! .... یه مدت باید صبر کنین تا بتونم کاری بکنم. مامانش چیزی نگفت ولی مامان من گفت: دختر من بسازه! اگه صداقت ببینه، با نان خالی هم می‌سازه، زیر چادر هم زندگی می کنه!.... دومی: خیلی‌ام بهت می‌یاد. اولی: خب، تو چی گفتی؟ ... سومی: گفتم من باید فکر کنم.....

ایران

دکتر زرین‌کوب ۱

آموختن برای آینده

شورش



سخن را می‌توان از گودرز ایرانی شروع کرد: گودرز برای آنکه خود را از سوءقصد مخالفان و مدعیان خانگی آسوده سازد تمام برادران و خویشان و نزدیکان را کشت و محیط وحشت و سوءظن شدیدی در دربار بوجود آورد. بر حسب درخواست عده‌ای از نجبا کلودیوس امپراطور روم، شاهزاده مهرداد، نواده فرهاد چهارم و فرزند وُنونِس را به دعوی سلطنت به ایران فرستاد. با آنکه خانواده قارن، از نجبای درجه اول پارت، و همچنین عده‌ای از ...

... خاندان ارشکان بود، برای ایمنی از توطئه‌های داخلی راه‌حلی بهتر از آنچه در نزد گذشتگانش معمول بود پیش گرفت. وی از دو برادر که داشت ...

> **از گرگان نیز خبرهایی مبنی بر شورش و هجوم اقوام سکایی در آن حدود رسید. سعی در رفع این گرفتاریها از توجه به ارمنستان مانع آمد**

... پیتوس سردار روم به محاصره پارت افتاد و بعد از مقاومت بسیار و دادن تلفات فراوان ناچار به تسلیم شد. کوربولو هم نتوانست ... بود: تخت و تاج ارمنستان به دست‌نشانده ایران تعلق گرفت، فقط تشریفات اعطای آن به عهده روم افتاد. حاصل مذاکرات هم ...

نما

ایرج آدیگوزلی

خاطرات یک مترجم؛ محمد قاضی

پایه‌های ترجمه

نمی‌دانم التماس‌های معصومانهٔ من باعث شد که گیو دلش نرم شود و مرا مجاناً به شاگردی بپذیرد، یا خود او می‌ترسید که اگر این یک شاگرد را هم رد کند کم‌کم زبان فرانسه فراموشش بشود. کار گیو در پذیرش من از روی ناچاری بی‌شباهت به کار اخفش دانشمند علم نحو نبود. بیچاره اخفش نیز وقتی شاگردی پیدا نکرد که به او درس بدهد، از ترس اینکه معلوماتش را از یاد ببرد بزش را به شاگردی پذیرفت و هر روز به آن حیوان درس صرف و نحو می‌داد. بُزک به درس‌های استاد گوش می‌داد و ریش می‌جنبانید، و همین خود مایهٔ تسلای دل استاد بود که می‌پنداشت شاگرد کودنش درس‌های او را فهمیده است و به نشانهٔ فهمیدن ریش می‌جنباند. من از بز اخفش زیرک‌تر بودم و درس‌های استادم گیو را خوب می‌فهمیدم، چنانکه نیازی به ریش جنباندن نبود، بگذریم از اینکه ریشی هم نداشتم که بجنبانم، و به راستی که استاد را از زودفهمی خود بر سر شوق آورده بودم.

کتاب برای تدریس زبان در مهاباد یافت نمی‌شد، و سفر به شهرهای بزرگ و تهیهٔ کتاب در آن زمان کار آسانی نبود. این بود که استاد ابتدا الفبای فرانسه را با سرمشق دادن به من آموخت، سپس از لای صندوق اثاث خود یک جلد کتاب «لکتور کورانت»، کتاب درسی سال اول، مستعمل و شیرازه دررفته پیدا کرد و از روی آن درس دادن آغاز نمود.

وه که با چه شور و شتابی در ساعات درس حاضر می‌شدم و با چه ذوق و التهابی حرف‌ها را از دهان استاد می‌قاپیدم! به راستی هوش و استعدادی که من در فرا گرفتن درس‌های معلم از خود نشان می‌دادم مایهٔ اعجاب و در عین حال موجب انبساط خاطر او بود. به گفتهٔ خود او بی‌اغراق به صفحهٔ گرامافون می‌مانستم که با یک بار شنیدن و دل دادن، درس در مغزم ضبط می‌شد، و چون تکرار آن را از من می‌خواستند بی‌کم و کاست پس می‌دادم. عجب آنکه سال‌ها بعد، همین استعداد را در فرا گرفتن درس‌های انگلیسی در محضر عمویم دکتر جواد قاضی از خود نشان دادم، و باز همین استعداد را سال‌ها پس از آن از دخترم مریم به هنگام تحصیل زبان فرانسه دیدم.

> **کتاب برای تدریس زبان در مهاباد یافت نمی‌شد، و سفر به شهرهای بزرگ و تهیهٔ کتاب در آن زمان کار آسانی نبود... وه با چه شوری در درس حاضر می‌شدم**

باری، در همان دوران کوتاه تلمذ در محضر استادی چون گیو بود که پایه‌های فن ترجمه در ذاتم ریخته شد و نطفهٔ عشق به ترجمه در نهادم جان گرفت. با اینکه اقوام و خویشان و آشنایان کوته‌فکر و متعصب فراوان بودند که دایم زبان به طعن و ملامتم می‌گشودند و می‌گفتند که فردی پدر و مادردار(!) از خانواده‌ای به اصالت و دیانت خانوادهٔ قاضی، خاصه که پسر امام جمعه هم باشد، نباید به عمل کفرآمیز تحصیل زبان کافران بپردازد، تعریف‌ها و تشویق‌های پیاپی آقای گیو از هوش و استعداد من در درک زبان فرانسه در هر مجلس و محفلی تا حدی آن سرزنش‌ها را خنثی می‌کرد.

«لکتور کورانت» اول را با احتساب اینکه هفته‌ای دوبار بیشتر درس نمی‌گرفتم، در مدت دو ماه تمام کردم. آقای گیو برای دادن نمایشی از کوشش ثمربخش خود، و شاید هم به منظور تبلیغ در جلب شاگرد، رئیس فرهنگ وقت و عده‌ای از آموزگاران تنها دبستان مهاباد را دعوت کرد تا در حضور ایشان امتحانی از آنچه خوانده بودم از من بکنند. گرچه هیچ‌یک از ایشان زبان فرانسه نمی‌دانستند، ولی رئیس فرهنگ مدعی بود که تا حدودی با زبان انگلیسی آشناست و به خوبی می‌تواند به زحمات آقای گیو در تدریس و به ذوق و علاقهٔ من در فراگیری پی ببرد. امتحان را با اعجاب و تحسین حاضران به بهترین وجهی گذراندم.

سند

احمد یاوری

مجلس شورا و تبریک‌های آن

بخش نخست این نوشته در شماره قبلی چاپ شد و اینک بخش دوم و پایانی تقدیم علاقمندان می‌گردد.

۳۹– تاریخ سند: ۱۷ سرطان ۱۳۳۹
موضوع: تلگراف تبریک محمدرضا چاه کوتاهی توسط میرزا علی به مجلس درباره افتتاح مجلس.

۴۰– تاریخ سند: ۳۱ سرطان ۱۳۳۹
موضوع: تلگراف تبریک غضنفرالسلطنه از برازجان توسط میرزا علی کازرونی به مجلس مبنی بر احساسات وطن‌خواهانه و عرض تبریک به مناسبت افتتاح مجلس.

۴۱– تاریخ سند: ۵ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف پوررضا به مجلس درباره عرض تبریکات صمیمانه به مناسبت عید نوروز.

۴۲– تاریخ سند: ۹ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف امام جمعه از شیراز توسط محقق‌العلماء به مجلس درباره تبریک سال نو و عید نوروز.

۴۳– تاریخ سند: ۱۲ رجب ۱۳۴۰
موضوع: مراسله مشارالدوله حکمران به مجلس درباره ابراز احساسات خالصانه و تبریکات صمیمانه خود در مورد عید نوروز و سال نو.

۴۴– تاریخ سند: ۱۰ جوزا ۱۳۰۱
موضوع: تلگرافی به امضاء محمدحسن به مجلس درباره عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن عید فطر به عموم نمایندگان.

۴۵– تاریخ سند: ۶ سرطان ۱۳۰۰_۲۴ دلو ۱۳۰۰
موضوع: کردستان.

۴۶– تاریخ سند: ۶ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک ملک‌التجار و سایرین به مجلس درباره ابراز احساسات وطن‌پرستانه و تبریک به مناسبت افتتاح مجلس و همچنین در مورد اوضاع نابه‌سامان آنجا.

۴۷– تاریخ سند: ۵ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف حکومت جلیله کردستان به مجلس درباره عرض تبریکات صمیمانه برای افتتاح پارلمان و آرزوی سعادت برای ملت و دولت.

۴۸– تاریخ سند: ۱۱ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک حاجی معتمدالدوله از کردستان توسط میرزا اسدالله خان به مجلس درباره ابراز احساسات وطن‌دوستانه و تبریک به مناسبت افتتاح مجلس.

۴۹ – تاریخ سند: ۹ اسد ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف اقبال‌السلطان و وکیل‌الملک از کردستان به مجلس درباره تبریک سال نو.

۵۰– تاریخ سند: ۳ جوزا ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تجار کردستان به مجلس درباره شکایت از عوارض جدید که کابینه سابق برای تامین احتیاجات بعدی



کابینه از قبیل نظمیه و بلدیه وضع نموده.

۵۱– تاریخ سند: ۲۵ سنبله ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف مظفرخان ولی‌زاده کردستانی به مجلس درباره تبریک افتتاح مجلس و نیز اختلافات موجود در بین وکلاء.

۵۲–تاریخ سند: ۲۴ دلو ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف قایم مقام حکمران کردستان به مجلس درباره تبریک عید نوروز.

۵۳–تاریخ سند: ۵ سرطان ۱۳۰۰_۴ حمل ۱۳۰۱

> **تلگراف تبریک غضنفرالسلطنه از برازجان به مجلس... عرض تبریک به مناسبت افتتاح مجلس**

موضوع: خراسان و سیستان.

۵۴–تاریخ سند: ۵ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک علامه طباطبایی به مجلس درباره افتتاح پارلمان.

۵۵–تاریخ سند: ۵ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک نجدالسلطنه کفیل ایالت خراسان به مجلس درباره تبریکات صمیمانه و احساسات خالصه خود در مورد افتتاح مجلس.

۵۶– تاریخ سند: ۷ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف حاجی قائم مقام التولیه آستان قدس رضوی توسط شاهزاده محمد هاشم میرزا به مجلس درباره عرض تبریک به مناسبت افتتاح مجلس.

۵۷ – تاریخ سند: ۱۰ سرطان ۱۳۳۹
موضوع: تلگراف تبریک شاهزاده رکن اعظم حکمران سبزوار به مجلس در مورد افتتاح پارلمان.

۵۸ – تاریخ سند: ۷ سرطان ۱۳۳۹
موضوع: تلگراف تبریک احتشام‌التولیه آستان مقدسه توسط آقا شیخ جواد به مجلس در مورد افتتاح پارلمان.

۵۹– تاریخ سند: ۳ اسد ۱۳۳۰
موضوع: تلگراف تبریک حسام‌الدوله به مجلس در مورد افتتاح مجلس.

۶۰– تاریخ سند: ۴ ذی‌حجه ۱۳۳۹
موضوع: مراسله میرزا محمدعلی خان معاون حکومت طبس به مجلس درباره عرض تبریک در مورد افتتاح پارلمان.

۶۱– تاریخ سند: ۸ حمل ۱۳۰۰
موضوع: جوابیه مجلس به تلگراف سردار معزز حکمران درباره عرض تبریک در مورد فرا رسیدن عید نوروز.

۶۲– تاریخ سند: ۵ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف شوکت‌الملک حکمران بیرجند به مجلس درباره تبریک سال نو.

۶۳–تاریخ سند: ۱ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف تبریک نظام‌السلطنه به مجلس در باره افتتاح پارلمان.

۶۴–تاریخ سند: ۳ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف تبریک مقرب‌السلطنه کارگزار خراسان به مجلس درباره فرا رسیدن سال نو و عید نوروز.

۶۵–تاریخ سند: ۹ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف تبریک شاهزاده موید خاقان به مجلس درباره فرا رسیدن سال نو و آرزوی موفقیت برای همه.

۶۶–تاریخ سند: ۴ حمل ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف مصطفی موسوی به مجلس درباره عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن سال نو و عید نوروز.

۶۷–تاریخ سند: ۴ سرطان ۱۳۳۹
موضوع: تلگراف حکومت گروس توسط سردار معظم خراسانی به مجلس درباره تبریک افتتاح مجلس و آرزوی موفقیت برای نمایندگان عظام.

۶۸–تاریخ سند: ۲ سرطان ۱۳۰۱_۷ حمل ۱۳۰۱
موضوع: قم.

۶۹–تاریخ سند: ۲ سرطان ۱۳۰۱
موضوع: تلگراف متولی‌باشی از قم به مجلس درباره تبریک افتتاح مجلس.

۷۰ –تاریخ سند: ۷ حمل ۱۳۰۱
موضوع: مراسله شاهزاده رکن‌الدوله به مجلس درباره ابراز تبریکات صمیمانه خود با کمال خرسندی و مسرت برای فرا رسیدن سال نو.

۷۱–تاریخ سند: ۷ سرطان ۱۳۰۰_۲ حمل ۱۳۰۲
موضوع: ممالک خارجه.

۷۲–تاریخ سند: ۷ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک شاهزاده محمدولی میرزا به مجلس درباره افتتاح پارلمان به ضمیمه تلگرافی در مورد آمدن وی به تهران.

۷۳–تاریخ سند: ۱۶ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک پرنس ارفع‌الدوله از موناکو به مجلس درباره افتتاح پارلمان.

۷۴–تاریخ سند: ۲۱ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف تبریک کاپیتان ویکرد روسی به مجلس درباره افتتاح پارلمان.

۷۵–تاریخ سند: ۱۵ ذی‌قعده ۱۳۳۹
موضوع: جوابیه مجلس توسط موتمن‌الملک به تلگراف تبریک نصیرالملک.

۷۶–تاریخ سند: ۱ اسد ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف ساعدالوزاره قونسول دولت ایران در بادکوبه به مجلس درباره ابراز عقیده و حسن وطن‌دوستی ایرانیان مقیم آنجا برای تبریک افتتاح پارلمان و آرزوی ترقی و تعالی برای دولت و ملت ایران.

۷۷–تاریخ سند: ۱ حمل ۱۳۰۰
موضوع: مراسله تبریک مفتح‌الملک به مجلس درباره تبریک سال نو و عید نوروز.

۷۸–تاریخ سند: ۱۶ میزان ۱۳۰۰
موضوع: مرقومه ذکاءالملک به مجلس درباره تبریکات صمیمانه خود در مورد انتخاب رئیس مجلس و افتتاح پارلمان و آرزوی انجام امور مفید برای رفع نقایص گذشته.

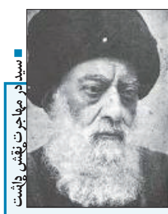
۷۹–تاریخ سند: ۲ حمل ۱۳۰۲
موضوع: تلگراف معززالدوله ژنرال قونسول دولت ایران در هندوستان به مجلس درباره تبریک سال نو و فرارسیدن عید نوروز.

۸۰–تاریخ سند: ۲۸ شوال ۱۳۳۹_۱۶ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: قزوین و طالقان.

۸۱–تاریخ سند: ۲۸ شوال ۱۳۳۹
موضوع: مشروحه تبریک هیئت قزوینیان به مجلس درباره وضعیت نابسامان خود و تبریک صمیمانه در مورد افتتاح مجلس.

۸۲– تاریخ سند: ۱ سرطان ۱۳۰۰
موضوع: تلگراف شاهزاده یمین‌الدوله توسط شاهزاده سردار مفخم به مجلس درباره تبریکات صمیمانه خود در مورد افتتاح مجلس.

مهاجرت کبری



سید در مهاجرت نقش داشت

فضای پرالتهاب تا سال ۱۳۲۴ ادامه داشت و در جمادی‌الاول همان سال مرگ یک طلبه جوان در برخورد سربازها مردم بار دیگر فتیله اعتراض‌ها را بالا کشید. بازارها بسته شد علما و تجار و کسبه در مسجد جامع گرد آمدند. توده‌های گسترده مردم هم در این اعتراض شرکت کردند. تقاضای تأسیس عدالتخانه مجددا مطرح شد و کشتار اطراف مسجد، علما و طلاب را بر آن داشت که قصد عتبات کنند. آقای بهبهانی قبل از خروج با سفارت انگلستان مکاتبه کرد و تقاضای همکاری در رفع ظلم نمود. بعد از خروج از شهر هم به معترضان گفت پس از من هرگاه متعرض شما شدند به سفارت انگلیس متوسل و آنجا متحصن شوید. در همین حال عین‌الدوله اعلام کرد اگر بازارها باز نشود به سربازها فرمان یغما می‌دهد. همین تهدید بهانه لازم برای تحصن را فراهم کرد. فکر تحصن در سفارت از سوی بازرگانانی چون امین‌الضرب، حاجی شاهرودی و چندتن دیگر که با دربار و شاه ارتباط داشتند مطرح شد. این افراد در بازار به نوعی ریاست داشتند و مورد احترام همه بودند. پس از مذاکرات معترضان در سفارت متحصن شدند. با پیوستن مردم تعداد تا حدود ۱۳ هزار نفر رسید. تمامی اصناف هم شرکت داشتند.

تجار بزرگ که با شاه و دربار، سفارتخانه‌ها و انجمن‌های مخفی ارتباط داشتند و نبض بازار در دستشان بود در ترغیب اصناف، تجار بزرگ و صراف‌ها در حمایت از متحصنان و تدارک مالی آن نقش داشتند. گرچه در میان اسامی متحصنان در سفارت نام افرادی چون امین‌الضرب، شاهرودی، اسماعیل مغازه‌ای و معین‌التجار بوشهری دیده نمی‌شود. از سوی دیگر بنا بر روایت‌های کتب تاریخی از جمله تاریخ روشنگری همین افراد هزینه تحصن را برعهده داشتند. بالاخره مطالبات نهایی متحصنان به شرح زیر تنظیم شد:_بازگشت علما _عزل شاهزاده اتابک _افتتاح دارالشوری _قصاص قاتلان شهدای وطن _عودت مطرودین (رشدیه و دیگران).

تغییراتی هم در خواسته‌ها داده شد از جمله ناظم‌الاسلام تقاضای صنفی صرافان و تجار در گرفتن وجه قبوض مواجب را هم اضافه کرد و به جای دارالشوری لفظ «تأسیس مجلس به طریق صحیح» به کار رفت.

تاریخ

دکتر مصدق

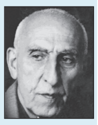
پاسخ به شاه

دور از انصاف

به کوشش: ایرج افشار

ادعای شاه: منفی‌بافی مصدق به مسائل مربوط به دفاع کشوری و امنیت داخلی نیز کشیده شده بود و بارها به من می‌گفت که چون ایران از تجاوزات دول بزرگ صدمه‌ها دیده است، بنابراین هرگز نباید برای دفاع کشور کوشش بشود. وی میل نداشت این نکته در خارج از ایران انعکاس پیدا کند و فقط می‌خواست در داخله ایران مسلم باشد که اگر دولتی به مُسخّر کردن ایران اقدام کند، ما نباید مقاومت به خرج دهیم.

وی این فکر را در مورد شورش‌ها و آشوبهای داخلی نیز نه تنها تبلیغ می‌کرد، بلکه عملاً نیز از آن پیروی می‌نمود. مصدق در زمان نخست وزیری خود طی سالها ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ هنگامی که افراد منتسب به حزب توده و سایر آشوبگران نظم پایتخت و سایر شهرهای بزرگ را مختل می‌کردند، هیچگونه قدمی برای جلوگیری آنها برنداشت و طرز عملش این بود که در این گونه آشوبها چند تانک و کامیون حامل سربازان مسلح در نقاط مختلف تهران مستقر می‌کرد ولی آنها را از هرگونه اقدام مؤثری منع می‌نمود و به همین جهت شورش و غارت و زد و خورد در خیابانها در برابر چشم مأمورین انتظامی برپا بود، ولی به دستور مصدق آنها فقط ناظر و تماشاگر وقایع بودند. بالاخره عده‌ای از طرفداران سرسخت مصدق نتوانستند بی‌قیدی وی را در مسأله آشوب و غارتگری که هر روز توسعه پیدا می‌کرد تحمل کنند و دریافتند که مصدق عمداً یا از روی نادانی کشور را به کمونیسم تسلیم خواهد نمود.



جواب مصدق : قسمت اول این فرمایشات، گفته‌های من نیست و دور از انصاف است که شاهنشاه به من چنین نسبت‌هائی بدهند. من هیچوقت از دفاع برای مصالح مملکت سر نزده‌ام و تا آنجا که از یک فردی برآمده است، از وطن عزیزم دفاع کرده‌ام و اکنون نیز با اعمال دولی که به عنوان جلوگیری از تسلط کمونیسم خود این کشور را مُسخّر کرده‌اند و از آزادی و استقلال جز اسم چیزی برای ایران باقی نگذارده‌اند مخالفم. پیشرفت کمونیسم در دنیا معلول دو علت است: یکی فرق فاحشی است که بین زندگی عده‌ای قلیل با عده‌ای کثیر وجود دارد و دیگری یأس وطن‌پرستان از توحید مساعی دول استعمار با اشخاص دزد و نادرست در نفع خودشان و بهترین دلیل اینکه در کشورهای آمریکا و انگلیس و دول اسکاندیناوی و سوئیس که این توحید مساعی نیست که کمونیسم فرق فاحشی نکرده است و پیشرفت این عقیده در بیشتر ممالکی محسوس است که دول استعمار برای انجام مقاصد خود با اشخاص دزد و نادرست و خائن مملکت توحید مساعی کرده‌اند.

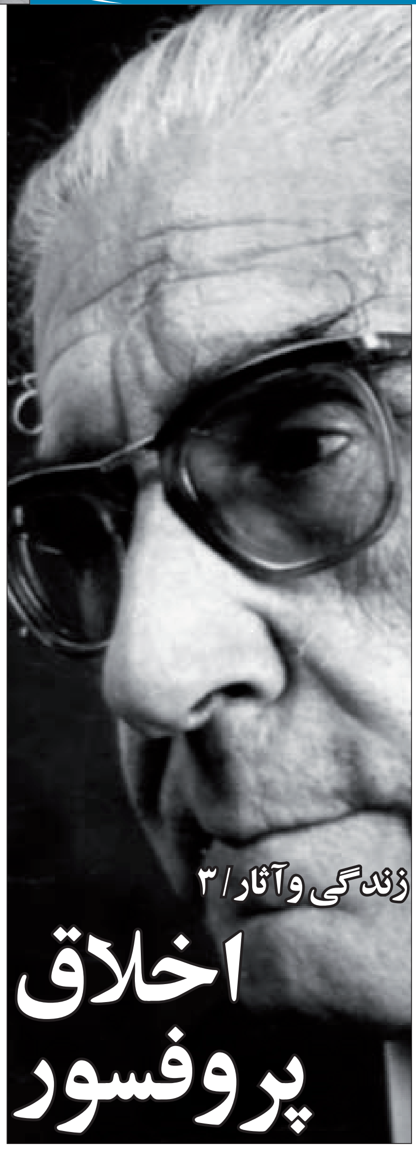
ادعای شاه: عده‌ای در این فکرند که شاید رویه منفی او در مسأله دفاع از کشور و حفظ امنیت ناشی از عقیده فلسفی یا مذهبی او مبنی بر صلح‌طلبی بوده است. به عقیده من این نظر درست و منطبق بر حقیقت نیست، زیرا او از شیوه آرامش‌طلبی از نظر راه و رسم زندگی پشتیبانی نمی‌کرد و به اخلاق «گاندی» متصف نبود، بلکه همیشه عده‌ای اوباش و ماجراجو را تحت اختیار خود یا طرفداران خویش داشت که در شهر جولان می‌دادند و به آزار و اذیت مردم بی‌گناه می‌پرداختند. به علاوه باید در نظر داشت که پیروان گاندی پس از آزادی هندوستان اصل آرامش‌طلبی را به بی‌نظمی و تزلزل امنیت کشور تفسیر نکرده‌اند. هندوستان دارای ارتش زمینی و دریائی و هوائی نیرومندی است و هنگامی که اغتشاشاتی در بمبئی و سایر مراکز مهم هندوستان روی می‌دهد، نیروهای انتظامی با کمال قدرت در اتخاذ وسایل مؤثر برای برقراری نظم و آرامش درنگ نکرده‌اند.

جواب مصدق : نه پولی در بساط، نه اعتبار سری در اختیار بود که به یک عده اوباش و ماجراجو داده شود. یک عده مردم وطن‌پرست با نظریات من راجع به سقوط استعمار در این کشور موافق بودند و هرچه کردند روی عقیده و ایمانی بود که در راه آزادی و استقلال ایران داشتند.

دانش

شهرام انصاری





زندگی و آثار/۳
اخلاق پروفسور

بارها دیده شده که وقتی به شاگردی برمی‌خورد که وضع درستی ندارد و از فقر رنج می‌کشد، یا از نظر مادی به او کمک می‌کرد و یا برای او کاری درست می‌کرد. از نزدیک‌ترین دوستان او، شنیده شده که یکی از آبدارچی‌های دانشکده‌ای در شهرستان، در دفتر استادان تقاضای کمک می‌کند چون دخترش در کنکور پزشکی قبول شده بود و او نمی‌توانست شهریه و خرج او را بدهد. در این هنگام استاد هشترودی برای او چکی صادر می‌کند تا کار او راه بیافتد و به او می‌گوید هر وقت دخترت فارغ‌التحصیل شد، می‌تواند این مبلغ را به من پس بدهد. او همیشه برای خدمات فرهنگی و راهنمایی دانشجویان، معلمان و غیره آماده بود و از صمیم قلب دعوت برای سخنرانی را قبول و به آنها کمک می‌کرد و دعوت آنها را نیز برای گردش‌های دسته جمعی، با صرف ناهار یا میهمانی و یا برای بازی شطرنج می‌پذیرفت.

هشترودی به‌عنوان ریاضیدان و دانشمند – محسن در دوران ابتدایی شاگرد ضعیفی بود، ولی چون کنجکاو بود به تفکر در کائنات و حیات می‌اندیشید. کم‌کم، نبوغ ریاضی در او رشد کرد تا توانست در همان عوان جوانی، قضیه ریاضی‌ای را غیر از راهی که معلمش به او یاد داده بود، اثبات کند. بعد نیز که وارد رشته پزشکی و سپس در فرانسه وارد رشته مهندسی مکانیک شد، هیچکدام از این رشته او راضی نمی‌کرد تا این که رشته مورد علاقه‌اش یعنی ریاضی را پیدا کرد و تحت هدایت «الی کاتان» بنیانگذار ریاضیات جدید، دکترای خود را به‌اتمام رساند و در این رشته به مطالعه و تحقیق پرداخت که نتیجه آن ده‌ها مقاله و چهار کتاب به زبان فرانسه می‌باشد. همشاگردی‌های هم ردیف او، چون ولیشنر و ویتس هستند که این دو در ریاضیات و فیزیک نسبت به اشتهار جهانی رسیدند. ولی هشترودی چون برای تدریس و وظیفه دانشگاهی‌اش در ایران می‌بایست برگردد، راه دیگری را رقم زد. او در موقعیت ریاضیدانی درآمد که به همه رشته‌های ریاضی علاقه و در آنها مهارت داشت و همه آنها را یک نفره در دانشگاه‌های مختلف در ایران تدریس می‌کرد. تسلط او به این دروس کاملاً مشهود بود، چون سؤالات را در سطح عالی طرح می‌کرد و یا به سؤالات مشکل و متنوع دانشجویان پاسخ می‌داد. حکمت وسیع او به علوم پایه و ریاضیات محدود نمی‌شد، بلکه فیزیک، هیئت، نجوم، ادبیات، هنر، فلسفه و عرفان را هم در برمی‌گرفت. به‌عبارت دیگر او یک استاد مرجع بود و از اکثر رشته‌ها سر درمی‌آورد. او زبان‌های عربی و انگلیسی را خوب می‌دانست و به زبان فرانسه مسلط بود. او بخاطر اشتیاق شدیدی که به علم دانش، به خصوص علوم ریاضی داشت، تقریباً در همه کنفرانس‌های ریاضی بین‌المللی شرکت کرده و از آنها بهره برده بود و اظهار نظر هم می‌کرد، به طوری که به‌صورت چهره شاخصی در کنفرانس‌ها درآمده بود. او با انیشتین و راسل مصاحبت داشت و با بسیاری از دانشمندان چه در غرب و چه در داخل کشور، تماس مستقیم داشت که مشهورترین آنها در ایران عبارتند از: «دکتر محمدباقر هوشیار، سعید نفیسی، آریان‌پور، علی شایگان، ابوالحسن فروغی، احسان طبری، محمدعلی بامداد، حسینعلی راشد، محمد تقی جعفری، مرتضی مطهری و مهدی محقق، احمد فردید، جلال آشتیانی، جعفر شهیدی، کاظم‌زاده ایرانشهر و مورخ‌الدوله (سپهر)، دکتر محمود حسابی، عبدالله انوار، صادق هدایت و... (زندگی نامه ص ۵۷-۵۵) برای آن‌که به ژرف اندیشی و دقت و وسعت نظر هشترودی آن هم در دهه بیست و سی پی ببریم، گوشه‌ای از تحقیقات او را در مورد «فلسفه علم»، «تاریخ علم در اسلام» و «رساله شافیه خواجه نصیر» در این جا برای خوانندگان عزیز نقل می‌کنیم:

الف – استاد هشترودی می‌گوید: «کار تاریخ و فلسفه علوم از سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران شروع شد و چون کسی در آن زمان وجود نداشت که آن را تدریس کند، لذا تدریس آن و فلسفه کانت را به‌عهده من گذاشتند. البته فلسفه علوم به معنای آن فلسفه‌ای که اصطلاحاً مراد است، نیست، بلکه به این معنی است که مبانی یا اصول علمی که به آن «پرنسیپ» گفته می‌شود، یا احیاناً به اصطلاح زمان اقلیدس، به آن «آکسیوم» می‌گویند، مورد بحث قرار می‌گیرد. امروزه به دستگاه‌های ریاضی هم «آکسیوم» گفته می‌شود. بررسی این احکام و سازگاری و ناسازگاری منطقی آنها باهم در فلسفه علم بررسی می‌شود. بنابراین فلسفه علوم به معنی فلسفه عمومی که فلسفه متافیزیک باشد، نیست...»

مقاله «واقعیت عالم از نظر فلسفه علمی جدید» نوشته استاد هشترودی که در سال ۱۳۱۷ در مجله آموزش و پرورش، سال نهم به چاپ رسیده است، دارای یک مقدمه و شروحی برعناوین ذیل می‌باشد: ۱- مشهود و عین واقع ۲- عین واقع و مشهود در فیزیک ۳- جرم واقعی و جرم مشهود ٤- عالم واقعی و عالم ظاهری در فیزیک معنی ندارد ۵- معنی عالم واقعی اگر مستند به تجربه نباشد ٦- مساعی بی‌حاصل در راه استناد عالم واقع بر تجربه ۷- وضع عالم واقعی به اعتبار این که حد نهایی نظریات علمی است ۸- نظریات علمی به سوی حدی نمی‌گراید.

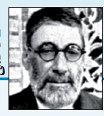
اکنون مقدمه آن: «در این مقاله، مختصری از عقاید و آراء حکمای معاصر که به اسم فلاسفه «مکتب وین» مشهورند، بحث می‌شود. اصطلاح عامه که محققین و متتبعین علوم نظری را حکیم و فیلسوف می‌نامد، نام فیلسوف را به علمایی که با مذاقه عمیق خود به بحث در حدود کوشش‌ها و مجاهدات بشری در سیر مدرکات تجربی او پرداخته‌اند، عطا نموده است. ما نیز به تبع این عرف مصطلح، علمای مکتب وین را فیلسوف می‌نامیم. اما این فلاسفه چنان که در مقاله خواهد آمد، به تحّری حقیقت بنابر تعریفی که مکاتب قدیم قایلند، نمی‌پردازند و با امعان نظر تفکیک اعتباری که فلاسفه قدیم بین عالم واقعی و عالم مشهود قایلند، از بین برده، ثمرهٔ فکر خود را به شکل یک رشته استدلال‌های منطقی که نمی‌توان اسم آن را مکتب یا مسلک فلسفی گذاشت، عرضه می‌کنند. و نباید پنداشت که گسترش معرفت‌های بشری با پیوستگی عقلانی که فهم آن‌ها ایجاب می‌کند و رد اقوالی که اعتیاد موروث بشر به فکر او تحمیل کرده است، می‌تواند فلسفه نامیده شود. فلاسفه در دل معضلاتی که در مشاهده عالم به آنها برخورده‌اند، به قدمت توهم خود متوسل شده، هر یک بافرضی کم یا بیش شاعرانه و لطیف، مسلکی به وجود آورده و عالم واقع را از خلال ابرهای متوهم ذهن خود به صورت عالم مشهود دیده‌اند. یعنی دیده بینای بشر را آستیگمات پنداشته و با عینکی که مدعی قدرت تصحیح او بوده به اصلاح رؤیت بصر او پرداخته‌اند. هانری پوانکاره می‌گوید: «انکار یا اذعان قلبی، دو طریقه حل‌اند که ما را از تفکر و تعمق مستغنی می‌دارند» و چنان که در ضمن کلام خواهیم دید، حکمای دین روشن کرده‌اند که آشوب درونی بشر را جز اذعان قلبی (و نه عقلی) به عالم واقع، چیز دیگری آرامش نمی‌بخشد و فرض یک نوع الهام فوق بشری، تنها طریقه حل این معضل خواهد بود. اما اثبات مدعا جز ایجاد یک مسلک فلسفی جدید که در حقیقت وضع یک سلسله مسایل ناب مورد نظر است، چیز دیگری نخواهد بود. قبول مجهولات با اقوال منزل سماوی یا با احکام مکاتب فلاسفه هر دو با اعتقاد راسخ به‌قبول یا فرض به‌صورت اصل مسلم منجر می‌شود و چنان که شاعر می‌گوید:

جدا کرده است موها را به شانه
نهاده فرق نازک در میانه

و کلیه شکنجه و رنج بشر از غمزه دلبرانه این فرق نازک برخاسته است (اطلاعات ۱۳۸٤/۱۱/۳،ص٦).

هشترودی به‌عنوان متفکر و فیلسوف – برای همه روشن است که فیلسوف در معنای کمی یعنی «دوستار علم». به این دلیل از دوران باستان تمام علوم نیز جزء فلسفه بودند و کم‌کم ریاضیات و بعد فیزیک و... از حکمت و فلسفه جدا شدند. ولی باز دانشمندان علاوه بر تخصص خود، سعی می‌کردند برای فهم جهان و انسان و رابطه میان آنها به فلسفه بپردازند تا جایگاه خود را در کائنات شناخته و هدف و وظیفه خود را بشناسند. پس تفکر و تأمل در خلقت جهان، مسئله بدیهی برای همه می‌باشد.

از سروده‌های فاطمی*



فاطمی

ای دل! جهان به کام تو شد شد، نشد نشد
یا ساغری به جام تو شد شد، نشد نشد
جام جهان‌نمای جم و تاج خسروی
ملک کیان به نام تو شد شد، نشد نشد
این اسب تیزگام سبک خیز روزگار
بی‌غصه و رنج رام تو شد شد، نشد نشد
دانه بپاش و دام بنه در کمین بباش
صیدی اگر به دام تو شد شد، نشد نشد
با خلق کن معاشرت اما به پختگی
هرچند کس که خام تو شد شد، نشد نشد
آن مرغ بخت و دولت و شاهین سلطنت
روزی دگر به بام تو شد شد، نشد نشد
چون آفتاب روی تو یا همچو لالهٔ سرخ
آن رنگ زرد فام تو شد شد، نشد نشد
حیرت! بده به شعر، تو داد سخنوری
کس طالب کلام تو شد شد، نشد نشد

* سید محمد فاطمی، از نویسندگان «قانون مدنی ایران».

شاهزاده بعد از شاه



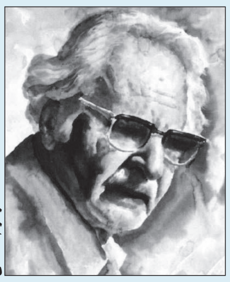
تاج السلطنه

شاهزاده تاج السلطنه در زمان حیاتِ پدرش، ناصرالدین شاه بسیار مورد توجه او بود اما بعد مرگ پدرش مورد نفرت مظفرالدین شاه قرار گرفت چرا که از مشروطه خواهان طرفداری می‌کرد و از روش تربیت در دربار و اختلاف طبقاتی دوران قاجار و رفتار درباریان انتقاد می‌کرد. وی به مطالعه آثار ویکتور هوگو، ژان ژاک روسو و بیسمارک علاقه داشت و از آنها الهام می‌گرفت. خاطرات او با نظارت منصوره اتحادیه منتشر شده است.

هنر

حمید مجتهدی

با خاطرات علی اکبر صنعتی
نمایشگاه



مرحوم صنعتی

از دیدار مرحوم قوللر و مدبر در نمایشگاه چهارراه کالج می‌گفتم، بعد از آنکه آنها مدتی را به تماشای مجسمه‌ها و تابلوها گذراندند، به سراغ من آمدند و هر سه، گوشه نمایشگاه مدتی با هم خلوت کردیم. مرحوم مدّبر بعد از مدتی سکوت یکباره رو به من کرد و با حالت گلایه و شماتت گفت: آقا سید علی اکبر فکر نمی‌کنی بعد از نمایشگاه میدان سپه حق نبود، اینجا نمایشگاه راه‌بیاندازی؟ مردم، مثل ما سالی به ماهی گذارشان به امثال این محله‌های بالای شهر نمی‌افتد، میدان سپه کجا و اینجا کجا، از این گذشته، تو هم که افتاده‌ای توی خط هنرمندانی که فارغ از حال ذوق مردم راه خودشان را می‌روند. بدت نیاید رفیق به بیراهه افتاده‌ای، رفاقت با مردم را فراموش کرده‌ای، یادت باشد، تو اهل خانواده ما دست به هنرهای غریب و بی‌پناه هستی. اینجا، من هیچکدام از مجسمه‌هایت را نمی‌شناسم، همه برای من غریب و ناآشنا هستند، همین است که جسارت می‌کنم و از تو گلایه دارم. مرحوم قوللر هم، نه با صراحت مرحوم مدّبر که کمی آرام‌تر، گلایه او را تکرار کرد. هرچه خواستم به طریقی این دوستان بزرگوارم را قانع کنم، موفق نشدم. صادقانه قسم خوردم، که آمدن من به چهارراه کالج به معنای دوری از مردم کوچه و بازار نیست، اینجا هم به خیال بالا بردن سطح آگاهی و فکر مردم، شخصیت‌های فرهنگی و تاریخی را ساخته و پرداخته ام. خوب خاطر دارم مرحوم مدّبر در پاسخ به این حرف‌ها گفت: آقا سید علی اکبر، هوای دل و ذوق مردم را داشته باش، نه که دلواپس آگاهی آنها. مردم به موقع خودش آگاه هستند، قدردل مردم را بدان.

در مقابل، چون می‌دانستم که آنان چه انسان‌هایی صادق و مخلص هستند، به تجربه دریافته بودم که با تمام دستِ‌پری که در کار نقاشی دارند، خودشان مرد و مردانه، در نهایت فقر و تنگدستی روزگار می‌گذرانند و اهل هیچ معامله و سازشی هم با محافل روشنفکری نیستند، به حرفهایشان با جان و دل گوش می‌دادم.

مرحوم مدّبر می‌گفت: چرا راه دوری برویم، نمونه کامل رفاقت با مردم را آدم می‌تواند در همین حسین آقای قوللر ببیند، یک تابلو سفارش می‌گیرد از یک قهوه‌چی، با دستمزدی که فقط خرج چای و دیزی خودش و اطرافیانش می‌شود، گاهی حتی یک ماه بیشتر روی این تابلو کار می‌کند. حتم دارم اگر همین سفارش را یک آدم مرفه و پولدار به او بدهد، دستمزدش هم صد برابر قهوه‌چی باشد، او زیر بار نمی‌رود. چون به قول خودش، دیگر کار، کار دل نیست. ما با آنکه نه سوادی داریم و نه هنری، اما قسم خورده‌ایم تا آخر عمر، وفادار مردم باشیم، پای این قسم هم ایستاده‌ایم. تو، هم مرد و مردانه بیا و دل از این مردم بی‌پناه نکن! مردم خیلی غریب و تنها هستند. همه ما تنها هستیم، تو تنهاتر از من، من تنهاتر از تو، همه تنهای تنها.

حرفهای این دو هنرمند عاشق و بزرگوار و دیگرانی که مثل آنها فکر می‌کردند مرا به فکر انداخت تا عطای نمایشگاه چهار راه کالج را به لقایش ببخشم. همین بود که بعد از گذشت دوسالی، نمایشگاه تعطیل شد.

شادروان عبدالحسین صنعتی‌زاده ـ بعد از تعطیل نمایشگاه ـ با درک سرخوردگی من از عدم موفقیت نمایشگاه چهارراه کالج، پیشنهاد تشکیل نمایشگاهی دائمی از مجسمه‌ها و تابلوهایم را ـ در ملکی که به تازگی در میدان راه‌آهن خریده بود ـ به من عرضه کرد. گفت: موقعیت مکانی ملک راه‌آهن دست کمی از مکان نمایشگاه میدان سپه ندارد. آنجا تو می‌توانی ضمن عرضه مجسمه‌ها و تابلوهای نمایشگاه چهارراه کالج، در جهت رسیدن به اهداف هنری خودت در ارتباط با خواست مردم، راهت را ادامه دهی. سخت از این پیشنهاد استقبال کردم. در مدت زمانی کوتاه، نمایشگاه میدان راه‌آهن را راه انداختم. نمایشگاه که افتتاح شد، باز سیل بازدیدکنندگان از هر قشر و طبقه‌ای به طرف نمایشگاه میدان راه‌آهن سرازیر شد. با آنکه آثار عرضه شده در نمایشگاه میدان راه‌آهن، در ابتدا همان آثار قبلی نمایشگاه چهارراه کالج بود، اما مردم از دیدار این نمایشگاه روی برنگرداندند.

زبانزد

منیره طباطبایی



«ب»
بی‌خبری خوش خبری

* بی‌پول اگر رستم زال است، ذلیل است.
*بی‌پول مرو به بازار که آشت ندهند/صد نعره‌زنی هیچ جوابت ندهند
*بی‌پول مرو به بازار/هرچند سکندر زمانی
*بی‌پولی حلقه به گوش فلک کند!
*بی‌پولی یک عیب را صد تا می‌کند، پولداری صد عیب را یک عیب.
*بی‌پیر مرو تو در خرابات / هر چند سکندر زمانی
*بی‌جامه بودن عیب مرد نیست، بی زیرجامه گشتن ننگ و درد است.
*بی‌جرم دراز زبان بود و مجرم کند زبان.
*بیچاره آن کسی که صاحب روی نکو بوّد.
*بی‌حیا من نیستم چشمت بمال.
*بی خار و حسد نیست گلِ فضل و هنر.
*بی‌خبری، خوش خبری.
*بیخ گوشی حرف زدن کار شیطان است.
*بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت.
*بیدار علی باش که خوابت نبرد!
*بی‌دانشی مایهٔ کافری است.
*بی‌دست شناور نتوان رسَت ز غرقاب.
*بی‌دست شناور نتوان رفت به پایاب.
*بی‌دعوت به خانهٔ خدا هم نمی‌روند.
*بی‌دف و نی می‌رقصد.
*بی‌دوست خاک بر سرجاه و توانگری.
*بیدی نیست که از این بادها بلرزد.
*بی‌رضای حق نیفتد هیچ برگ.
*بی‌رفیقان سفر سقر باشد.
*بی‌رقم قوشچی باشی است!
*بی‌رنج گنج میسّر نمی‌شود.
*بیرون روشن کن، خانه تاریک کن.
*بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است.
*بیرونمان مردم را می‌کشد، درونمان خود ما را!
*بی‌ریاضت نتوان شهرهٔ آفاق شدن.
*بی‌ریاضت نیافت کس مقصود.
*بی‌زبانی بهتر از بدزبانی.
*بی‌زران از دستبرد رهزنان آسوده‌اند.
*بی‌زر بی پر است.
*بی‌زر مرغ بی‌بال و پر است.
*بی‌زر نتوان رفت به زور از دریا.
*بی‌زری کرد به من آنچه به قارون زرکرد.
*بی‌زور حیدری چه برآید ز ذوالفقار؟
بیست پا را بس است یک موزه.
*بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.
*بی سود بود هرچه خورد مردم در خواب.
*بی سیم ز بازار تهی آید مرد.
*بی عزیزان چه تمتع بود از عمر عزیز؟
*بی عیب خداست.
*بیکار نمی‌توان نشستن.
*بیکاری ام‌الفساد است.
*بی کلاهی عار نیست.
*بیگاری به که بیکاری.
*بیگانه اگر وفا کند خویش من است.
*بیگانه وفا کند به از خویش است.
*بی گدار به آب نزن!

* موزه در اینجا به معنای کفش است.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۵۰، (برابر با ۱۵ ذیحجه ۱۳۹۱، اول فوریه ۱۹۷۲) نقل شده است

تکلیف ۲۰ هزار کارمند پیمانی روشن می‌شود

۷۰هزار کارمند پیمانی دولت بتدریج وضع ثابتی پیدا میکنند و از حالت استخدام پیمانی خارج میشوند و در عداد کارمندان رسمی دولت درخواهند آمد.

بموجب مقررات و آئیننامه استخدام پیمانی وزارتخانه‌ها و موسسات مشمول قانون استخدام در چند سال گذشته مبادرت باستخدام پیمانی برای مشاغل مختلف کرده‌اند ولی بتدریج تعدادی از این کارمندان در پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها و موسسات مشغول شده‌اند.

استخدام کارمند بصورت پیمانی برای مشاغل موقتی در نظر گرفته شده است که حداکثر یکسال و قابل تمدید در سال دوم میباشد و سایر مستخدمین دولت که بعد از تصویب قانون استخدام کشوری باستخدام دولت در میایند و در پست ثابت سازمانی قرار میگیرند بایستی از طریق مسابقه انتخاب و بترتیب حق تقدم برای استخدام معرفی شوند.

بلحاظ اینکه در حال حاضر این عده کارمند پیمانی حقوق‌بگیر صندوق دولت شده‌اند و در بسیاری از موارد نیز از وجود آنان در پست ثابت سازمانی استفاده میشود لذا کارمندان پیمانی سالهای گذشته مانند، سایر داوطلبان در امتحانات استخدامی شرکت داده میشوند.

غرفه ایران در نمایشگاه قاهره احداث میشود

هیئتی که از جانب نمایشگاه‌های ایران برای فراهم کردن مقدمات شرکت ایران در نمایشگاه قاهره بمصر رفته به تهران بازگشت و قرار است ظرف چند روز آینده چندتن از آرشیتکت‌های شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران عازم قاهره شوند و ترتیب ساختمان غرفه ایران در این نمایشگاه را بدهند.

زمینی که برای غرفه ایران در نمایشگاه قاهره در نظر گرفته شده است حدود ۱۲۸متر مربع می‌باشد که در این محوطه یک غرفه بزرگ احداث میشود و در این غرفه ۲۴ شرکت ایرانی، کالاهای ساخت ایران را در معرض تماشا خواهند گذاشت. نمایشگاه قاهره از ۱۲ اسفندماه آینده تا سوم فروردین ماه سال ۵۱ برگزار میشود. شرکت کنندگان در این نمایشگاه روزهای ملی خود را طی مراسم خاصی برگزار خواهند کرد.

در سال آینده

اشتغال خارجی به نصف تقلیل می‌یابد

براساس عملکرد بودجه سال ۱۳۵۱ کل کشور تعداد صدور تجدید و یا تمدید پروانه کار اتباع بیگانه در کشور بیش از ۵۰درصد کاهش یافته و تعداد افراد خارجی که در ایران اشتغال دارند از ۱۱هزار و ۲۵۰نفر در سال(۴۹) به ۵هزار نفر در سال جاری رسیده است.

این امر بدنبال کوشش در جایگزین نمودن افراد ایرانی بجای اتباع بیگانه و حمایت از نیروی کار داخلی کشور از طریق اجرای مقررات اشتغال بیگانگان در کشور انجام گرفته و با ایجاد کار در طول برنامه عمرانی چهارم تعداد شاغلین و جمعیت فعال کشور در پایان سال آینده از ۹ میلیون نفر بیشتر خواهد شد.

در برنامه چهارم پیش‌بینی شده سالانه حدود ۲۰۰هزار شغل بوجود آید و تاکنون رقم اشتغال در کشور براساس برنامه پیش‌بینی شده پیشرفت داشته است.

با ادامه این روند جمعیت فعال کشور در پایان برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۷) بیش از ۱۱ میلیون نفر خواهد بود.

طی سالهای ۵۰ – ۱۳۴۷ در توزیع نیروی کار در بخشهای عمده اقتصادی دگرگونی‌هائی بوجود آمده و از نسبت شاغلان در بخش کشاورزی به علت مکانیزه شدن تولید کشاورزی کاسته شده و در مقابل نسبت جمعیت شاغل در بخش‌های صنایع و معادن و خدمات افزایش یافته است.

هدف اشتغال در برنامه عمرانی چهارم ایجاد اشتغال حدود ۲۰۰هزار شغل جدید بطور متوسط در هر سال است.

طی چهار سالی که از اجرای این برنامه میگذرد تعداد شاغلین جدید حدود ۲۰۶ هزار نفر بوده است.

در حال حاضر تقاضای کافی برای نیروی انسانی ماهر و متخصص در اغلب زمینه‌های اشتغال وجود دارد.

قیمت میوه و مرکبات بالا است

اعلام اجازه ورود مرکبات و سیب با ۶۰ درصد معافیت سود بازرگانی، هنوز تاثیری در قیمت میوه میادین و دکاکین نگذاشته و کماکان قیمت‌ها بالاست.

تاخیر در واردات میوه، از طرفی بنفع تولیدکنندگان و باغداران شمال و از جانب دیگر سودآور برای دلالان و واسطه‌ها و فروشندگان مغازه می‌باشد ولی مصرف‌کننده باز هم قیمت بیشتری برای خرید میپردازد.

بموجب اطلاعیه وزارت اقتصاد، متقاضیان واردات مرکبات و سیب میتوانند تا بیستم بهمن ماه با ارائه مدارک یاد شده جهت اجازه ورود میوه به وزارت اقتصاد مراجعه کنند و تعیین این تاریخ خود باعث گرمی بیشتر بازار فروش مرکبات شده است.

تاکنون بسیاری از تجار وارد کننده میوه جهت ورود میوه از خارج کشور اقدام کرده‌اند و عده‌ای نیز تا تاریخ تعیین شده مراجعه خواهند کرد و بزودی سهمین ۱۴هزار تن واردات میوه پر خواهد شد.

بازار میوه، هنوز در انتظار اجازه ورود موز میباشد، در حال حاضر مقداری موز در بازار عرضه میشود که قیمت عر عدد از ۱۰ تا ۲۵ریال است و در این چند روز قیمت موز باز هم افزایش میابد.

قاب زندگی



آموزش کماندوهای زن چینی / منبع: Time

امروز با حافظ

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
بده ساقی می باقی که در جنّت نخواهی یافت
کنار آب رکن آباد و گلگشت مصلاّ را
فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهرآشوب
چنان بردند صبر از دل که ترکان، خوان یغما را
ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است
به‌آب‌ورنگ‌وخال‌وخط‌چه‌حاجت‌روی‌زیبارا؟
من‌ازآن‌حسن‌روزافزون‌که‌یوسف‌داشت‌دانستم
که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را
اگر دشنام فرمایی وگر نفرین دعا گویم
جواب تلخ می‌زیبد لب لعل شکرخا را
نصیحت‌گوش‌کن‌جاناکه‌ازجان‌دوست‌تردارند
جوانان سعادتمند، پند پیر دانا را
حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو
که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمّا را
غزل گفتی و دُر سفتی بیا و خوش بخوان حافظ
که بر نظم تو افشاند فلک، عِقد ثریا را

جملات انرژی بخش

- اجازه نده ترس تو را فلج سازد.
- افرادی که از ریسک کردن میترسند به جایی نمیرسند.
- افراد موفق هیچ وقت اجازه نمیدهند که شرایط آزارشان دهد.
- افرادی که زمان را در انتظار شرایط عالی از دست میدهند هرگز موفق نمیشوند.
- هنگامی که تخیلات و منطق در ضدیت با هم قرار بگیرند تخیلات پیروز میشوند.

مارک فیشر

داستان کوتاه

وصیت یک اعدامی

آخرین باری که دیدمش پانزدهم آگوست بود. درست شب قبل از اعدامش!. اون شب‌ها من با شادی زیاد به تخت خودم می‌رفتم و روز بیست و هشتم آگوست رو انتظار می‌کشیدم و همش صحنه‌ای که قرار بود آزاد بشم رو برای خودم تو ذهنم مرور می‌کردم.

نیمه شب بود که ادوارد زندانبان با لگدهای آرومی که به کتف من می‌زد من رو بیدار کرد. ادوارد از من خواست که باهاش بیرون برم و بدون اینکه به من چیزی بگه من رو به سمت اتاق زندانی‌های اعدامی برد!ترس تمام وجودم رو فراگرفته بود اما هیچی نپرسیدم چون می‌دونستم که مراسم اعدام اینطوری نیست!

به سلول انفرادی فرانسیس که رسیدم دیدم که با طناب خیلی محکم به یه صندلی بستنش! ادوارد بهم گفت که فرانسیس می‌خواست خودش را حلق آویز کند و بکشد. من از شدت تعجب داشتم شاخ در می‌آوردم. چون همه می‌دانستند که فردا صبح زود قرار بود فرانسیس را تیرباران کنند. از ادوارد پرسیدم که چرا سراغ من آمده و او با حالتی توهین‌آمیز گفت: فرانسیس خواسته تو را ببیند.

ادوارد با لگد در سلول رو بست و از پشت پنجره کوچک در گفت که ۱۰ دقیقه دیگه من را از اونجا می‌برند!

پرسیدم: چی شده؟

فرانسیس: تو باید بعد از بیرون رفتن از اینجا یه کاری برای من بکنی!

مادر کوری دارم که در حال کر شدن هم هست و الان سال‌هاست در خیابون «هاستیگ پارک» زندگی می کنه. شماره ۲۴ طبقه ۳.من: خوب!فرانسیس: اگر بفهمد من اعدام شدم حتما می‌میرد. شاید برایت سخت باشد اما از تو می‌خواهم که وقتی آزاد شدی، به آنجا بروی و به او بگویی که من هستی. خودت هم می‌تونی همونجا زندگی کنی. می‌دونم که خونه‌ای در بیرون از زندان نداری که در آن زندگی کنی.

من: تو چرا امشب می‌خواستی خودت رو دار بزنی؟

فرانسیس: چون اگه تیربارانم کنند طبق قوانین پول گلوله‌های تیرباران رو از خانواده ام طلب می‌کنند و اونوقت مادرم می‌فهمد که من مرده ام!

من: نگران نباش! صدای ناهنجار ادوارد رشته افکارم رو پاره کرد که فریاد می‌زد و من رو صدا می کرد.چشم در چشم فرانسیس دوخته بودم و سعی می‌کردم که با آخرین نگاهم آرومش کنم.

امروز در تاریخ

روزی که مصریان اتباع ایران شدند

به نوشته مورخان عهد باستان و محاسبات تقویمی قرن بیستم، در فوریه سال ۵۲۳ پیش از میلاد برجستگان مصر ـ کشوری که صدها سال استقلال کامل داشت پذیرفتند که از آن پس اتباع و سرزمین‌شان یک ساتراپی (ایالت) ایران باشد. دور اول حکومت ایران بر مصر (زمان هخامنشیان) ۱۲۱ سال طول کشید. پس از این مدت هم تا سالیان دراز، یهودیان مصری خودرا از اتباع ایران معرفی می کردند. در زمان پادشاهی خسروپرویز نیز ارتش ایران شمال مصر را فتح کرد و در اسکندریه مستقر شد.

عبور تُرکان سلجوقی از آمودریا

ترکان سلجوقی (غُزها = آغوزها) که استقرار آنان در منطقه فرارود تکمیل شده بود در فوریه سال ۹۹۹ میلادی برای ورود به نقاط دیگری در ایران‌زمین عبور از آمودریا (رود جیحون) را به شکلی گروهی آغازکردند. مهاجرت سلجوقیان در دسته‌های پیاپی به سرزمین‌های ایرانی به دلیل از میان رفتن پادگان‌های منطقه شمال شرقی بود که در دوران ساسانیان عنوان «مرزبان» داشتند و نیز قدرت یافتن بردگان تُرک در دستگاه خلافت عباسیان و استفاده از آنان در نیروهای نظامی و ارتقاء تا مقام فرماندهی واحد. پادگان‌های مرزبانی ایران در امتداد سیردیا (رود سیحون) در پی سقوط ساسانیان از میان رفته بودند.

سلجوقیان به پارسیان «تاجیک» می گفتند، به همان گونه که اعراب ایرانیان را «عجم» می‌خواندند. با استقرار سلجوقیان در ایران که شمار زیادی هم نبودند، زبان تُرکی (از گروه آلتائیک) نیز در برخی از نقاط وطن رواج یافت. سلجوقیان که بعداً بغداد را تصرف و تا اعماق آناتولی پیش رفته بودند موفق به تاسیس یک امپراتوری در خاورمیانه شدند که سال‌ها دوام آورد.

کاهش بهای سکه طلا به ۷۴ تومان

۱۲بهمن ۱۳۳۱ (یکم فوریه ۱۹۵۳) دولت دکتر مصدق با هدف پایان دادن به شایعه احتمال تنزل نرخ برابری ریال [بالا رفتن بهای پول‌های خارجی و سکه طلا] که مردم را نگران ساخته و دارندگان پس‌انداز را به فکر خرید سکه و ارز انداخته بود اعلام داشت که برغم اعلامیه قبلی مبنی بر تثبیت بهای طلا، از امروز سکه یک تومان ارزانتر و به ۷۴ تومان عرضه خواهد شد که در طلافروشی‌ها با احتساب دستمزد فروشنده ۷۴ تومان و ۵ قران خواهد بود.

در اعلامیه دولت، گزارش روزنامه‌های تهران تکذیب شده بود که نوشته بودند دولت برای جبران کسر بودجه می‌خواهد نرخ سکه و ارز را با کاهش دادن ارزش برابری ریال بالا ببرد [تا با فروش ذخایر خود، ریال بیشتري به دست آورد] و تاکید شده بود که این عمل مغایر منافع ملّی است و بودجه کشور تنها با اعمال سیاست‌های اقتصادی متناسب وضعیت کشور ازجمله افزایش مالیات بردرآمدهای بالا و تعرفه گمرکی برخی اقلام وارداتی لوکس و کاهش هزینه‌های دولت باید متوازن شود نه تغییر بهای سکه و ارز. این تصمیم از همان روز (۱۲ بهمن) به اجرا درآمد.

نرخ سکه و ارز از آن روز تا بهار سال ۱۳۵۷ [سال انقلاب] به مدت ۲۶ سال تقریباً ثابت ماند.

اعلام وحدت اروپا در سال یکم پیش از میلاد

سنای روم در نخستین روز فوریه سال یکم پیش از میلاد با تصویب قطعنامه‌ای که متن آن موجود است اعلام کرد که اروپا تحت ریاست و رهبری روم (ایتالیا) به صورت واحد درآمده و از این پس قوانین روم باید در سراسر اروپا اجرا شود و استدلال کرده بود؛ وحدت قوانین که تکالیف و نظامات را به صورت واحد در می‌آورد بهترین عامل وحدت ملل اروپایی است. همین مصوبه که روح آن زنده مانده بود ۱۹۵۵ سال بعد باعث عقد پیمان تشکیل بازار مشترک اروپا در همان شهر «رم» شد که بعدا به صورت اتحادیه اروپا با پول واحد در آمده و تاکنون بسیاری از قوانین اعضای اتحادیه مخصوصا در زمینه امور اجتماعی، کار و اقتصاد یکسان شده، تشریفات مرزی از میان رفته و در مسیری قرارگرفته که وحدت سیاسی و احتمالا نظامی به دنبال خواهد داشت.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است وامروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۱۱۰

۲	۴					۹		۷
			۴		۱			۳
۵	۶					۲	۸	
	۷	۸		۹	۶			۵
		۴	۲		۸	۷		
۶			۷			۱	۹	۸
	۵	۲		۶			۴	
			۸	۳	۲	۵		
۹		۷			۴		۶	۹

حل جدول شماره ۱۱۰۹

۹	۲	۵	۴	۸	۷	۶	۳	۱
۳	۸	۱	۶	۲	۵	۴	۷	۹
۴	۷	۶	۹	۳	۱	۲	۸	۵
۸	۹	۷	۱	۵	۲	۳	۶	۴
۵	۶	۴	۳	۹	۸	۷	۱	۲
۱	۳	۲	۷	۴	۶	۹	۵	۸
۲	۵	۳	۸	۶	۹	۱	۴	۷
۶	۱	۸	۲	۷	۴	۵	۹	۳
۷	۴	۹	۵	۱	۳	۸	۲	۶

دشوار ۴۳۳

۳			۵		۸		۱	
۸								
	۶			۱			۳	
۲						۶		۵
			۳		۵	۲		
	۴	۷				۱		
۴		۲		۸				
		۱		۶	۳	۷		
		۳						۴

حل جدول شماره ۴۳۲

۴	۹	۵	۳	۶	۷	۱	۸	۲
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۳	۱	۲	۸	۴	۵	۷	۹	۶
۸	۵	۳	۶	۹	۴	۲	۱	۷
۲	۴	۷	۵	۸	۱	۶	۳	۹
۱	۶	۹	۷	۲	۳	۴	۵	۸
۹	۲	۱	۴	۷	۸	۵	۶	۳
۵	۸	۴	۲	۳	۶	۹	۷	۱
۷	۳	۶	۱	۵	۹	۸	۲	۴